شماره ثبت:	۲۷۶۴۸
ردهبندی دیویی:	۱۳۲۷ ز ۲۸۱م ۲۹۷/۷۷۲ مرجع ☐
سرشناسه:	مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۰۳۷-۱۱۱۱ق.
عنوان قراردادی:	
عنوان:	زاد المعاد به ضمیمه صحیفه سجادیه
شرح پدیدآور:	
کاتب:	محمدعلی بن غلامحسین خوانساری — تاریخ کتابت: ۱۳۲۵ ق
محل نشر:	[تهران] — ناشر: مطبعه میرزا علی اصغر — تاریخ نشر: ۱۳۲۷ ق
صفحه شمار:	۵۸۵ ص — مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐
زبان:	فارسی — ابعاد: ۱۷×۲۶ — نوع خط: نسخ و نستعلیق
روش تهیه:	وقفی ☐ اهدایی ☐ خریداری ☐ ارسالی ☐
واقف:	نامعلوم — تاریخ ثبت:
یادداشتها:	در انتها فهرست ادعیه خواتیم آمده است. شرح ضمایم: صحیفه سجادیه در حاشیه آمده است.
موضوع(ها):	۱. دعاها. ۲. زیارتنامهها. ۳. علی بن حسین، امام چهارم، ۳۸-۹۴ق. صحیفه سجادیه
شناسه(های) افزوده:	الف. علی بن حسین، امام چهارم، ۳۸-۹۴ق. صحیفه سجادیه. ب. خوانساری، محمدعلی، کاتب. ج. عنوان.
فهرستگار:	شیبانی — تاریخ فهرستنگاری: تیر ۸۸

۳۰	وضعیت اب وهوا وامراض عمده را تعیین نمائید	
۳۱	آفات معمولی محصول و حیوانات اهلی را معین نمائید باذکر علاج متداولی محلی	امراض محصولی شتوی و صیفی ... - سن - قرق - ... گاو ...
۳۲	تعداد خانوار و اسم طایفه و ایل وزبان انهارا تعیین نمائید	۱۲۰ خانوار - زبان فارسی ...
۳۳	تعداد نفوس را از زن ومرد و بچه معلوم کنید	۱۲۰ مرد ۱۲۵ پسر ۹۷ دختر ۱۲۲ زن ۴۶۴
۳۴	اگر ایل در اطراف دایره باشد محل ییلاق و قشلاق انرا معین نمائید	ندارد
۳۵	محصولات صنعتی و تجارتی از قبیل نی شکر و حنا و شکر رواس کتیرا قوزه گز وغیره چه دارد و عایدات ان چقدر است	ندارد
۳۶	تربیت کرم ابریشم و زنبور عسل متداول است یا خیر و عایدات هر کدام چیست	ندارد
۳۷	صنایع محلی از قبیل قالی بافی وظروف سازی و شال بافی و پارچه بافی وغیره را تعیین نمائید	زنهای ... کرباس ...
۳۸	قیمت عادلانه فعلی ملک راتعیین ومعلوم نمائید در آن حدود املاک نسبت بمنافع از چه قرار خرید و فروش میشود	... ۲۰ ... ۵ ... خرید و فروش میشود



۳۰	وضعیت آب و هوا و امراض عمده را تعیین نمائید	
۳۱	آفات معمولی محصول و حیوانات اهلی را معین نمائید باذکر علاج متداولی محلی	آفات محصولی شتوی و صیفی سرما - [illegible] - زنگ - سن - قرق - ابر بهار - [illegible] گاو [illegible]
۳۲	تعداد خانوار و اسم طایفه و ایل و زبان انهارا تعیین نمائید	۱۲۰ خانوار — زبان فارسی [illegible]
۳۳	تعداد نفوس را از زن و مرد و بچه معلوم کنید تو[illegible]	۱۲۰ مرد ۱۲۵ پسر ۹۷ دختر ۱۲۲ زن ۴۶۴
۳۴	اگر ایل در اطراف دایره باشد محل ییلاق و قشلاق انرا معین نمائید	ندارد
۳۵	محصولات صنعتی و تجارتی از قبیل نی شکر و حنا و شکر رواس کتیرا قوره گز وغیره چادر موعایدات ان چقدر است	ندارد
۳۶	آیا تربیت کرم ابریشم وزنبور عسل متداول است یا خیر و عایدات هر کدام چیست	ندارد
۳۷	صنایع محلی از قبیل قالی بافی و ظروف سازی و شال بافی و پارچه بافی وغیره را تعیین نمائید	زنهای قریه [illegible] را [illegible] کرباس میبافند
۳۸	قیمت عادلانه فعلی املاک را تعیین و معلوم نمائید در آن حدود املاک نسبت بمالیات از چه قرار خرید و فروش میشود	قریه [illegible] برابر هر [illegible] ۲۰ تا ۵ [illegible] خرید و فروش میشود

۷	عمل و اجاره باغات رعیتی و جریبانه باغات از چه قرار است	غیر از تخم فوق ندارد
۸	بذر شتوی آبی و دیمی هر کدام چند خروار تبریز هشت عباسی است ارباب میدهد یا رعیت	هر رشته آبی ۲۰ خروار گندم ۴ خروار جو [illegible]
۹	محصول آبی و دیمی هر کدام تخمی چند تخم بطور متوسط عمل میکند	محصول آبی موکول به بودن و آمدن [illegible] هر گاه [illegible] ۵ تخم اگر نیاید [illegible]
۱۰	یکخروار بوزن تبریز گندم یا جو در آبی و در دیم در چند ذرع مربع زمین کاشته میشود	۱۲۵۰۰ ذرع مربع
۱۱	صیفی از چه قبیل کاشته میشود	تریاک - یونجه - تنباکو - شغدر
۱۲	تعداد جفت گاو موجود و نسق بندی محلی چه میزان است	۱۴ جفت
۱۳	هر جفت گاو چه مقدار بذر در آبی و دیمی میکارد	
۱۴	چند رشته قنات دارد و هر یك دارای چند سنك آب است (باذکر استعداد قنوات)	۷ رشته قنات [illegible] دارد [illegible]
۱۵	حقابه از رود خانه دارد و یا ندارد دائمی است یا موقتی درموقع کاشت مقدار آن چیست	

این نسخه شریفه زاد المعاد
با کمال دقت تصحیح شد
بسعی و خواهش جناب
مستطاب عمدة التجار آقا
محمد باقر خلف ارجمند

هذا کتاب زاد المعاد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والاولی والصلوة علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح صافیه برادران ایمانی و اخلاء روحانی منقش میگرداند که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شأنه برای هدایت گمگشتگان بوادی ضلالت و جهالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات که اشرف طاعات و اقرب طرق نیل سعادات است مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب علما مشحون است از آنها و این خادم اخبار ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده ام و اکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه و غیرها تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضائل ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و مسمی گردانیده ام این رساله را بزاد المعاد وعلی الله التکلان هدینا والیه انتم الی سبیل الرشاد و چون تمام این رساله و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت ثمر و اوان سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران شهزاده اوراق ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که تیغ آبدارش برای سرهای کفار نهریست جوی دار بوار

وحسام آتشبارش برای خرمن حیات مخالفان و معاندان از صدمه قهر یرسل علیکما شواظ من نار دستهای داعیان مزید دعوتشان در آستان رفیع نبیانش با کف الخضیب هم داستان و خروش صوفیان صفوف نشان بر مزهر دعای خلود دولت ابد توأمان با عندلیب اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون بید بر خود بلرزید و هر که چهار آیینه نفاق در بر کشید صور تمرات خود زادن دیگر جبین ظهرش عقده گشای گرههای کار بستگان کشای کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای برمردگان مؤسس قواعد ملت و دین مروج شریعت باهر حیاض ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین زمان و خواقین دوران در ضرح عزت و جلالش بر زبان بندای مسنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ملجأ الاکاسرة وملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لا زالت رایات دولته مرفوعة و هامات اعدائه مقطوعة میسر گردید تحفه این درگاه خلایق امید گاه گردانیده امید که مقبول طبع اشرف گردد و انام علیحضرت از فوائد آن منتفع گردند بمحمد و آله الطاهرین و الله الموفق و المعین و آن مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه **باب اول** در بیان فضائل و اعمال ماه رجب است و آن مشتمل بر پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضائل این ماه و عبادات آن است بدانکه این ماه و ماه شعبان و رمضان بهترین ماههای سال اند و از حضرت رسالت پناه منقول است که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بداند و وصل نماید این دو ماه را بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک گواهان او باشند نزد حق تعالی و در آن روز منادی از جانب حق تعالی ندا کند که ای رجب و شعبان و رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما و طاعت او برای خدا پس این ماهها گویند که این بنده نوشته کرده ما را برای طاعت تو و استدعای فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه موکلین این ماهها که ما نیز این بنده را مکرر طلب کنند طاعت خوشنودی تو و امید از رحمت تو و آمرزش تو و آنچه زانهی کرده بودی ترک کرد و آنچه را از او طلبیده بودی بعمل آورد و آنها را مساعد نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و چشم و گوش و سایر جوارح او را

اعمال

برا و حرام کرده بودی اجتناب کرده و روزها را با تشنگی بشب رسانیده و در شبها خود را
بتعب میافکند برای بندگی من و تصدق بفقرا و مساکین بسیار داد و احسان نسبت بایشان بسیار
نمود و با اینها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن
اینها پیرامون محرمات من نگردید نیکو بنده بود این بنده پس حقتعالی فرماید که ببرید این
بنده را بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکه خدا بتحفها و کرامتها و او را بر شترهای
نور و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانهٔ که خراب نمیشود
و سرائی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز ایشان را تعب
نمیباشد و از عذاب ایمن کردند و مشقت حساب بر ایشان نیست و ایضا از آنحضرت منقول
استکه ماه رجب ماه بزرگ خدا است و ماهی در حرمت و فضیلت بان نمیرسد و قتال با
کافران در اینماه حرام است و رجب ماه خدا است و شعبان ماه من است و رمضان ماه
امت منست کسیکه یکروز از ماه رجب را روزه بدارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد
و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد و بسند
معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر ع منقول استکه هر که یکروز از ماه رجب را روزه دارد
آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و هر که سه روز از او را روزه دارد بهشت از
برای او واجب گردد و ایضا فرمود که رجب نام نهری است در بهشت از شیر سفیدتر
و از عسل شیرین‌تر هر که یکروز از ماه رجب روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد و بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقولستکه حضرت رسول ص فرمود که ماه رجب ماه استغفار
امت منست پس بسیار در اینماه طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب
را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار
بگوئید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولستکه
هر که سه روز از ماه رجب را روزه دارد بهر روز ثواب روزه یکسال برای او بنویسند
و هر که هفت روز آن روزه بدارد هفت در جهنم بر روی او بسته گردد و هر که هشت
روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشاده گردد و هر که پانزده روز از آن
روزه بدارد خدا حساب او را آسان کند و هر که جمیع ماه رجب روزه بدارد حق
تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد هر که خدا خوشنودی خود را برای او بنویسد
هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده که گفت رفتم

ماه رجب

بخدمت حضرت صادق ع در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود چون
نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در اینماه گفتم نه والله یابن
رسول خدا فرمود آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند
بدرستیکه اینماهیست که خدا از سایر ماهها به بکرم و فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم
گردانیده است و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را واجب گردانیده است پس گفتم یابن
رسول الله اگر در باقی مانده اینماه روزه بدارم آیا ببعضی ثواب روزه داران فایز میگردم
فرمود که ای سالم هر که یکروز از آخر اینماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت
سکرات مرگ و از اهوال بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر اینماه را روزه بدارد
بر صراط باسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر اینماه روزه بدارد ایمن گردد از ترس عظیم
روز قیامت و از شدتها و هولهای آنروز و برات بیزاری از آتش جهنم را باو عطا کنند و
از حضرت امیرالمؤمنین ع روایت کرده است که هر که یکروز از ماه رجب را اول یا از وسط
یا از آخر آن روزه بدارد گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر که یک
شب از اینماه را احیا کند حقتعالی او را از آتش جهنم آزاد کند و قبول کند شفاعت او
را در حق هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدقی از برای خدا بکند خداوند غفار
در بهشت نعمتی چند باو عطا میفرماید که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر
خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده
است که چون روز قیامت شود منادی ندا کند از میان عرش که کجایند رجبیون پس
گروهی برخیزند که نور رویهای ایشان جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی
بر سر ایشان باشد که مکلل باشد آن تاج بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار
ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ همه او را ندا کنند که گوارا
باد ترا کرامتهای حقتعالی ای بنده خدا پس خداوند رحمن ندا کند ایشان را که ای
بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که شما را در ماوای نیکو
ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم شما را از بهشت غرفها که نهرها
در زیر آنها جاری باشد همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزدی است مزد کارکنان
از برای من بجهت آنکه واجب گردانم بر شما روزه داشتید از برای من در ماهی که
که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق آنرا واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان

وکنیزان مرا داخل بهشت کرده اند پس حضرت فرمود که اینهمه ثواب‌ها برای کسیست که چیزی از ماه رجب را روزه دارد اگرچه یکروز باشد از اول یا میان یا آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حقتعالی در روز قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز از او روزه دارد حقتعالی بغایت از او خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود کرده اند هر که سه روز از آن را روزه دارد خداوند کریم از او راضی شود و خصمان او را راضی کند در قیامت و هر که هفت روز از آن را روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از آن را روزه دارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز از آن را روزه دارد هر حاجت که از حقتعالی بخواهد برآورد مگر آنکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و احادیث در این باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد

فصل دویم در بیان اعمال کسیکه از روزه داشتن عاجز باشد یا بر آن دشوار باشد آنرا بعمل آورد در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه مستحبی یک درهم تصدق کردن که موافق درهمهای این زمان تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است و احوط در مد صد درم شاه است و ظاهر اصد درم کهنه کافی باشد و در روایتی وارد شده در خصوص روزه ماه رجب یک گرده نان نیز وارد شده است که قادر بر روزه داشتن نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه پریشان و قادر بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول مرویست که بعوض روزه اگر بر آن قادر نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد سبحان

الاله الجليل سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان
بپاکی یاد میکنم خدای بزرگ را تنزیه میکنم کسی را که سزاوار نیست تنزیه نمودن مگر برای او پاکست
الاعز الاكرم سبحان من لبس العز وهو له اهل
خداوند غالب گرامی تنزیه میکنم کسی را که پوشیده است عزت و او مر آنرا سزاوار است

و در روایت معتبر وارد

شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی حاضر کند و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است و زن را بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار را بی رخصت مهمان روزه سنت داشتن از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه سنت داشتن مملوک بدون اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست که روزه سنت داشتن فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی رخصت پدر باطل است و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بی رخصت مهماندار نیز خلافست و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچیک بدون اذن دیگری روزه مستحب ندارند اگرچه اظهر آنست که مکروه است

فصل سیم در بیان اعمال هر شب و هر روز است بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در روز اول ماه رجب این دعا را میخواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن این دعا

يا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير
ای آنکه مالکیست حاجتهای خواهندگان را و میداند نهانی
الصامتين لكل مسألة منك سمع حاضر وجواب عتيد
روی داران هر سؤالی از تو شنوائیست حاضر و جوابی آماده
اللهم ومواعيدك الصادقة واياديك الفاضلة ورحمتك
خداوندا وعده‌های تو راست است و نعمتهای تو زیاد است و رحمت تو
الواسعة فاسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقضي
واسع است پس در میخواهم از تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برآوری
حوائجي للدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير
حاجتهای مرا در دنیا و آخرت بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی

و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در هر روز ماه رجب این دعا را میخواندند

خاب الوافدون على غيرك وخسر المتعرضون
ناامید شدند واردان بغیر تو و زیانکار گردیدند متوجه شدگان

إلا لك وضاع الملمّون إلا بك وأجدب المنتجعون إلا من انتجع فضلك بابك مفتوح للراغبين وخيرك مبذول للطالبين وفضلك مباح للسائلين ونيلك متاح للآملين ورزقك مبسوط لمن عصاك وحلمك معترض لمن ناواك عادتك الإحسان إلى المسيئين وسبيلك الإبقاء على المعتدين اللهم فاهدني هدى المهتدين وارزقني اجتهاد المجتهدين ولا تجعلني من الغافلين المبعدين واغفر لي يوم الدين

معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز از ماه رجب در صبح و پیشین و بعد از همه نمازها در شب و روز این دعا را بخوان

یا من أرجوه لكل خير وآمن سخطه عند كل شر یا من یعطي الكثیر بالقلیل یا من یعطي من سأله یا من یعطي من لم یسأله ومن لم یعرفه تحننا منه ورحمة أعطني بمسألتي إیاك جمیع خیر الدنیا وجمیع خیر الآخرة واصرف عني بمسألتي إیاك جمیع شر الدنیا وشر الآخرة فإنه غیر منقوص ما أعطیت

وزدني من فضلك یا كریم

یا ذا الجلال والإكرام یا ذا المن والطول حرّم شیبتي على النار

و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان

اللهم إني أسألك صبر الشاكرین لك وعمل الخائفین منك ویقین العابدین لك اللهم أنت العلي العظیم وأنا عبدك البائس الفقیر وأنت الغني الحمید وأنا العبد الذلیل اللهم صل على محمد وآل محمد وامنن بغناك على فقري وبحلمك على جهلي وبقوتك على ضعفي یا قوي یا عزیز اللهم صل على محمد وآله الأوصیاء المرضیین واكفني ما أهمني من أمر الدنیا والآخرة یا أرحم الراحمین

اللهم إني أسألك بالمولودین في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب وأتقرب بهما إلیك خیر القرب

يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ

ای آنکه بسوی تو حاجات طلب کرده شود و در آنچه نزد او است رغبت کرده شود میخواهم از تو خواستن

مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ

عاجز گنهکاری که هلاک کرده باشد اورا گناهان و بسته باشد اورا عیبهای او پس طول

عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ

بهم رسید بر گناهان کوشش او و از مصیبتهای امور عظیمه در میخواهد از تو توبه و نیکی

الْأَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ

رجوع را و ایستادن از گناهان و از آتش آزادی گردن او

وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ

در گذشتن از آنچه در گردن او پس تویی ای آقای من بزرگترین آرزوی او خداوندا و سوال میکنم

بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا

بسؤالهای بلند و وسیلهای با رفعت تو اینکه بپوشی مرا در این

الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا

ماه برحمت از تو فراخ و نعمتی که باز دارنده باشد و نفسی بآنچه روزی دادی او را

قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ

قانع تا فرود آمدن در قبر و محل آخرت و آنچه او بسوی آن گردد

و از حضرت رسول منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

آمرزش میطلبم از خدا صاحب من و بازگشت میکنم بسوی او

پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ و این استغفار در جمیع ایام ماه مستحب است

خداوندا بیامرز مرا و بپذیر توبه مرا

و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اگر در یکروز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقولست که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی در بهشت شهری برای او بنا کند و در هر شب از شبهای ماه رجب هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز وارد شده است که أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

چهارصد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد — طلب آمرزش میکنم از خدا که نیست خدایی بجز او

وحده

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که حضرت

یگانه نیست شریکی مر او را و بازگشت میکنم بسوی تو

رسول فرمود که هر که در هر شب و روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و سه مرتبه بگوید سبحان الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

و حمد مر خدا را و نیست خدایی بجز خدا و خدای بزرگتر است و نیست حول و قوه

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگوید

بخدای بلند مرتبه و بزرگ — خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهار صد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

خداوندا بیامرز جمیع مؤمنین و مؤمنات را — استغفار میکنم خدا را و توبه بسوی او

بگوید گناهانش را خدا بیامرزد اگرچه بعدد قطرههای باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید خدا او را ندا کند که براستی تو دوست منی و بهر حرفی تو را شفاعتی در ده هزار از برادران و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که در عمری اگر یکبار این عمل را بکند حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگینتر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت مردن و هفتصد حاجت در قبر و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر و مثل آن را در وقت پرواز کردن نامههای اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط بر آورد و او را در سایه عرش خود جای دهد و حساب کند او را حساب آسانی و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و باو عطا کند آنچه که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد

فصل چهارم در بیان فضائل و اعمال شب و روز اول و لاحقه تا روز پانزدهم

در شب اول ماه رجب غسل سنت است منقولست که در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخر آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و در رؤیت هلال ماه دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه سوره حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی این عمل سنت است و منقولست که چون ماه رجب را ببینند بگویند اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ و

خدایا طالع گردان بر ما بایمنی و ایمان

ماه رجب

وَالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ

و در شب اول ماه و دو زاده

زیارت حضرت امام حسین فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند البته بهشت برو واجب شود و احیا شب اول شب نیمه شب آخر رجب و شب عید فطر و شب عید قربان و شب نیمه شعبان و شب اول محرم و شب عاشورا و ثلث آخر شب شب جمعه و بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقول است که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَاَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَى اللهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُنْجِحَ لِي بِكَ طَلِبَتِي اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتِي

پس حاجت خود را طلب نماید و بیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ میشدند این دعا را در سجده میخواندند

لَكَ الْمَحْمَدَةُ اِنْ اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي اِحْسَانٍ اِلَّا بِكَ يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ فَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ عَيْشِي عِيشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَتِي مِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الْاَئِمَّةِ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَاُولِي النِّعْمَةِ وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ وَاعْصِمْنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا تَاْخُذْنِي عَلٰى غِرَّةٍ وَلَا عَلٰى غَفْلَةٍ وَلَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ اَعْمَالِي حَسْرَةً وَارْضَ عَنِّي فَاِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَاَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ وَاَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ فَاِنَّكَ الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَاَعْطِنِي السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَالْاَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالْبُخُوعَ وَالْقُنُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوٰى وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلٰى اَوْلِيَائِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ يَا رَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي

فِيكَ وَمَنْ أَحْبَبْتَ أَحِبَّنِي وَوَلَدْتُ وَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ
الْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و ايضا ابند معتبر منقول است كه بعد از سلام نماز و زن چنانچه نشسته است اين دعا را بخوانند

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ وَلَا
يَخَافُ آمِنُهُ رَبِّ إِنِ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ فَذٰلِكَ ثِقَةٌ بِكَرَمِكَ
إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَتَغْفِرُ
الزَّلَلَ فَإِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَأَنَا تَائِبٌ إِلَيْكَ
مِنَ الْخَطَايَا وَرَاغِبٌ إِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا يَا خَالِقَ
الْبَرَايَا يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدٍ يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ وَفِّرْ
عَلَيَّ السُّرُورَ وَاكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ فَأَنْتَ اللّٰهُ عَلَى نَعْمَائِكَ
وَجَزِيلِ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ

و ايضا از حضرت امام علي منقول است كه بعد از نماز نيز اين دعا را بخوانند

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي
الْقُبُورِ يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَكَنْزِي حِينَ تُعْجِزُنِي
الْمَكَاسِبُ وَمُؤْنِسِي حِينَ تَجْفُونِي الْأَبَاعِدُ وَتَمَلُّنِي الْأَقَارِبُ

تُونِسُنِي بِمُجَالَسَةِ أَوْلِيَائِهِ وَمُرَافَقَةِ أَحِبَّائِهِ فِي رِيَاضِهِ
وَسَابِقِي بِهِمْ إِلَى جَنَّتِهِ مِنْ غَيْرِ حِيَاضِهِ وَرَافِعِي بِمُجَاوَرَتِهِ
مِنْ وَرْطَةِ الذُّنُوبِ إِلَى رَبْوَةِ التَّقْرِيبِ وَمُبَدِّلِي بِوِلَايَتِهِ
عِزَّةَ الْعَطَايَا مِنْ ذِلَّةِ الْخَطَايَا أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ بِالْفَجْرِ
وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ وَبِمَا جَرَى
بِهِ قَلَمُ الْأَقْلَامِ بِغَيْرِ كَفٍّ وَلَا إِبْهَامٍ وَبِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَ
بِحُجَجِكَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنَامِ عَلَيْهِمْ مِنْكَ أَفْضَلُ السَّلَامِ وَبِمَا
اسْتَحْفَظْتَهُمْ مِنْ أَسْمَائِكَ الْكِرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتَرْحَمَنَا
فِي شَهْرِنَا هٰذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ وَأَنْ تُبَلِّغَنَا
شَهْرَ الصِّيَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
وَالْمِنَنِ الْجِسَامِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنَّا أَفْضَلُ السَّلَامِ

و اعمال و

شب بيست وهفتم روز اول فضيلت بسيار دارد واز حضرت امام محمد باقر منقول
است كه در روز اول ماه رجب حضرت نوح ع بكشتي سوار شد وامر كرد جميع جن وانس
را كه با او در كشتي بودند كه روزه بدارند وهر كه آن روز را روزه بدارد آتش جهنم
يكساله راه از او دور گردد واز حضرت امام رضا ع منقول است كه هر كه روزه بدارد

روز اول ماه رجب از برای رغبت در ثواب خدا بهشت از او واجب شود و هر که یکروز از وسط این ماه روزه دارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند بعدد ربیعه و مضر که دو قبیله عظیمند از قبایل عرب و هر که یکروز از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله او و همسایگان و آشنایان او هر چند همه مستوجب جهنم شده باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه فرمود که ای سلمان تو از ما اهلبیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن یا زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی را که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام این ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده حق تعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در هر روز از آن ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او باسمان برند و بهر روز که در آن ماه روزه بدارد ثواب عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را از برای او واجب گرداند و سلمان جبرئیل این نماز را از برای من آورد و گفت یا محمد این نماز علامتی است میان شما و میان منافقان زیرا که این نماز را منافقان نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا میآوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

نیست معبودی مگر خدا یگانه نیست شریکی او را و مر او راست پادشاهی و مر او راست

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست

اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ

خداوندا نیست باز دارنده مر آنچه را که بخشیده و نیست عطا کننده مر آنچه را باز داری و سود ندهد صاحب مال را

منك

مِنْكَ الْجَدُّ پس دستها را بروی خود مبکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده رکعت همان نوع بجا میآوری و بعد از هر سلام دستها بسوی آسمان بر میداری و میگوئی

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز

قَدِيرٌ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

تواناست خدای یگانه یکتای تنها بی نیاز است فرا نگرفته زنی و فرزندی

پس دستها را بروی خود میکشی و در روز آخر ماه ده رکعت همان نحو میکنی و بعد از هر سلام دستها را بر میداری

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

و میگوئی نیست معبودی مگر خدای یگانه که شریک نیست او را مر او راست پادشاهی و مر او راست

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز

قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

تواناست و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند و نیست حرکتی و نه توانائی

اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس دستها را بروی خود بمال و حاجت خود را بطلب که

مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

البته بر آورده است و خدا میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندق ما بین زمین و آسمان بوده باشد بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو مینویسند برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط برای تو مینویسند و منقولست که هر که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره توحید بخواند خدا در قیامت نوری باو عطا کند که بان نور داخل بهشت شود و در روایت معتبره وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در روز جمعه اول ماه رجب متولد شده است و موجب زیادتی شرف این روز گردیده است و در روایت وارد شده است که ولادت حضرت امام علی النقی در روز دوم ماه رجب واقع شده است و در روایتی بکر در روز سیم و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سیم واقع شده است و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در

پنجم این ماه واقع شده است و ولادت حضرت امام محمد تقی ع در دهم اینماه واقع شده است و بعضی از روایات در فضیلت خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده است یعنی روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که فضیلت سه ماه را خدا باین امت داده است که بامتهای دیگر نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتان دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها بامتهای دیگر نداده سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره توحید پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کنند فرمودند که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورد به سه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهان او آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق ع منقول است که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد خدا بهر روزی عبادت یکساله و روزه یک ساله برای او بنویسد در قیامت و او را در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوفی نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین ع در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود و ده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول ص و علی بن ابراهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی النقی ع در روز سیزدهم ماه رجب بوده در سال دویست و چهار از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقول است که در شب نیمه رجب حقتعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقول است که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب را روزه دارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و بهر روزی که روزه داشته هفتاد گناه کبیره او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود و روزیکه از قبر بیرون میاید و نزد میزان و نزد صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد

و شفاعت او را قبول کنند در حق هفتاد نفر از اهلبیت و خویشان او که مستوجب جهنم شده باشند و خدا بنا کند از برای او در جنان فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هفتاد هزار حور بوده باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا میاوری با حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و معوذتین و توحید و آیة الکرسی را چهار مرتبه

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ

پاکست خدا و ستایش مر خدا راست و نیست معبودی مگر خدا

میخوانی پس چهار مرتبه گوئی وَاللهُ أَكْبَرُ پس گوئی اللهُ اللهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ

و خدا بزرگست خدا خدا پروردگار منست شریک قرار نمیدهم باو چیزی را هرچه خواهد خدا

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ

و نیست توانائی مگر بخدا

و در شب پانزدهم و روز آن زیارت حضرت امام حسین سنت مؤکد است و بسند صحیح از ابن ابی نصر منقول است که از حضرت امام رضا ع سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین ع در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی یا غمی مبتلا گردد و این دعا را بخواند البته کرب و شدت او زایل میگردد و این چهار رکعت را به دو سلام میکند و هر سوره که خواهد بعد از حمد میخواند و دعا اینست

اللّٰهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي

بار خدایا ای خوار کننده هر متکبر و ای عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی

حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَأَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ

هنگامیکه عاجز کنند مرا راهها و تو پدید آورنده خلقت مرا از راه مهربانی بمن و بتحقیق بودی

عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ

از آفرینش من بی نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه میبودم از زمره هلاک شدگان و تو

مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ

قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنانم و اگر نبودی یاری دادن تو مرا هر آینه میبودم از

الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ
رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و فرستنده برکت
مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ
از جاهای آن ای آنکه مخصوص گشت به بزرگی و رفعت پس دوستان او بعزت
يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ
عزیز میشوند ای آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان نیر خواری بر گردنهای ایشان
فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا
پس ایشان از غضبهای او ترسانند سوال میکنم ترا بوجود تو که بیرون آوردی آنرا
مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَأَسْأَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ
از عزت خود و سوال میکنم ترا بعزت تو که بیرون آوردی آنرا از بزرگواری خو
وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا
و سوال میکنم ترا بعزت تو که استیلا دادی بر عرش خود پس آفریدی بآن
جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
همه خلق خود را پس ایشان مر ترا خاضعند اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او

پس حاجات خود را از خدا بخواهد بدانکه عمده اعمال نصف رجب دعای ام داود است
که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت
کرده اند و برای برآمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل
روایتش آنستکه فاطمه مادر داود بن الحسن پسرزاده امام حسن مجتبی ع دایه حضرت
امام جعفر صادق ع بود و پسر او داود آنحضرت را شیرزاده بود و چون محمد بن عبدالله
بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانیقی لشکر فرستاد و او را کشتند و ابرهیم برادر
محمد را نیز شهید کردند و عبدالله الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل و زنجیر از مدینه
بعراق بردند و داود نیز در میان آنها بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم
گذشت از او خبری بمن نمیرسید و پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و نیکان و
مؤمنان استدعای دعا میکردم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر اجابتی نیافتم
گاهی خبر بمن میرسید که او را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسر اعمام او در زیر دیوار
زنده گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیمتر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گدازان

را از ملاقات او نا امید گردید تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق ع علیل و مریض
شد بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم خواستم که برگردم حضرت
فرمود که از داود چه خبر داری چون من شیر او را با آنحضرت داده بودم چون نام داود
را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجا است و در عراق محبوس است و
من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که او برادر
رضاعی شما است حضرت فرمود که چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح
آن دعائیست که درهای آسمان برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده
آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائی است که از حجب الدعوات محجوب نمیگردد
و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر بهشت ام داود گفتا یا فرزند طاهرین و راستگویان
چگونه است آن دعا حضرت فرمود ای ام داود ماه محرم یعنی ماه رجب نزدیک شده است
و آنماهیست مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها در آن مستجابست چون ماه در آید پس سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم آنرا که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت این عمل را تعلیم او
و فرمود که این دعا را حفظ کن و تعلیم همه کس مکن که مبادا بدست کسی افتد که از برای امر باطل
نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریفست و مشتمل است بر اسم اعظم خدا
هر که بخواند این دعا را حاجتش برآورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین بسته شود و دریاها
حایل باشند میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی خدا آسان میگرداند رسیدن
ترا بمطلب تو و حاجت ترا برمیآورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند
خواه مرد باشد و خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند در کفایت
ایشان میکند و زبان ایشان را میبندد و ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام داود
گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه برگشتم و چون ماه رجب داخل شد آنچه
حضرت فرموده بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار
کردم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و
عباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول صلعم را که خطاب فرمود که ای مادر داود
بشارت باد ترا که این جماعت که میبینی همه برادران و یاوران و شفیعان تواند و از برای
تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا با آنکه حاجت تو برآورده است پس
بشارت باد ترا بآمرزش و خوشنودی خدا ترا جزای خیر دهد و شاد باش که

خصتعالی فرزند تو را حفظ میکند و بتو بر میگرداند انشاء الله تعالی ابن داود گفت که
از خواب بیدار شدم بعد از آن با نقلی زمانی که شوانند وی از عراق بمدینه آمد اوند نزد من آمد
و گفت مادر من در عراق در زندان بستانکی و سنگینی بند زنجیر بودم و نا امید بودم
از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پیچیده شد و نور
دیدم که بر روی حصیرها از خود نشسته بودی و بر دور تو مردان چند بودند که سرهای ایشان
در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین بود و تسبیح میکردند خدا میکردند پس یکی از ایشان
که از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامههای پاکیزه در بر داشت گمان کردم که حضرت رسالت
پناه جل منت خطاب کرده بمن که بشارت باد تو را ای فرزند عجوزه صالحه که خواند دعا
مادر تو را در حق تو مستجاب کرده چون بیدار شدم رسولان منصور دوانقی بدر زندان
رسیده بطلب من آمده بودند و در میان شب مرا بنزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از
من بر داشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بوده بحساب این زمان بمن عطا
کرد و فرمود که مرا بر شتر راهوار سوار کنند و بتعجیل تمام بسرعت بمدینه بیاورند داود
گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود
که منصور حضرت امیرالمؤمنین ع را در خواب دید که با او فرمود رها کن فرزند مرا و اگر نکنی
تو را در آتش میاندازم چون نظر کرده در پای آتش در زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار
شد و از کرده خود پشیمان گردید و تو را رها کرد ام داود گفت که یابن رسول الله عمل نشر بفرما داود
گفت که حضرت صادق ع فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و در روایتی بکر دیگر نزدیک زوال
غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامههای خود را بپوش و بجای خلوتی برو
و سعی بکن که کسی نزد تو نباشد که تو را مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله
زوال را بجا آور و رکوع و سجود را خوب بعمل آور و پس نماز ظهر را با آداب و شرایط بعمل آور
و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی بعد از آن سه مرتبه بگوید
یا قاضی حوائج السائلین پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب و شرایط بجا آور و در بعضی
از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه توحید
و یک مرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در
روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره

قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورهها را یکمرتبه بخوان سوره انعام و
بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و والصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا
وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این
سورهها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه سوره توحید بخوان و شیخ
معتبد ره گفته است که اگر نتوانی یا نتوانی این سورههای مخصوص را بخوانی صد مرتبه
سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه سوره توحید بخوان و این احوط است و
و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل
محمد و اگر آیة الکرسی را نتوانند درست بخوانند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه توحید
بخوانند پس دعا را بخوانند و بهتر آنستکه آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخوانند و دعا اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا
بنام خدای بخشاینده مهربان راست گفت خدای بزرگ آنکه نیست خدائی مگر
هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ
او زنده پاینده صاحب جلال و کرم است بخشنده مهربان بردبار بزرگوار
الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ
آنچنانی که نیست مانند او چیزی و اوست شنوا بینا دانا آگاه گواهی داد خدا که نیست
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ
خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش در حالتی که بر پایند بعدل نیست خدائی
اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَبَلَّغَتْ
مگر او غالب درستکار بدرستیکه دین نزد خدا بهترین اعمال و رسانیدند
رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
فرستادگان بزرگوارش و من بر این جمله از گواهانم خداوندا مر تراست سپاس
وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَ
و مر تراست بزرگواری و مر تراست ارجمندی و مر تراست بزرگی و مر تراست غلبه و مر تراست نعمت و
لَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ
مر تراست عظمت و مر تراست بخشش و مر تراست پادشاهی و مر تراست
السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ
پادشاهی و مر تراست روشنائی و مر تراست انعام و مر تراست

التسبيح ولك التقديس ولك التهليل ولك التكبير
ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السموات
العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون السفلى
ولك الآخرة والاولى ولك ما ترضى به من الثناء
والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل
امينك على وحيك والقوى على امرك والمطاع في سمواتك
ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر
لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق
لرأفتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم صل على
اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك
والوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض
ارواح جميع خلقك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين
وعلى ملائكة الذكر اهل التأمين على دعاء المؤمنين
و بر فرشتگان ذکر که گویندگان آمین اند بر دعای گروندگان

وكان من دعائه عليه السلام اذا عرضت

وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام
الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت
والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا آدم
بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك وابحته جنتك اللهم
صل على امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة
من الانس المترددة بين محال القدس اللهم صل على هابيل
وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم واسماعيل
واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب
وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين و
يونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود و
سليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا و
حيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس و
الحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان اللهم صل على

دعاء ام داود

محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما
محمد وآل محمد ورحم کن محمد وآل محمد را وبرکت ده بر محمد وآل محمد چنانکه
صليت ورحمت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد
رحمت فرستادی ورحمت وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده
مجيد اللهم صل على الأوصياء والسعداء والشهداء وأئمة الهدى
وبزرگواری خداوندا درود بر اوصیا ونیکبختان وگواهان ورهنمایان هدایت
اللهم صل على الأبدال والأوتاد والسياح والعباد و
خداوندا درود فرست بر ابدال واوتاد وروزه داران وعبادت کنندگان
المخلصين والزهاد وأهل الجد والاجتهاد واخصص
ومخلصین وزاهدان واهل سعی وکوشش ومخصوص کن
محمدا وأهل بيته بأفضل صلواتك وأجزل كراماتك و
محمد واهل بیت اورا به بهترین رحمتهای خود ووافرترین نوازشهای تو
بلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا
وبرسان روح اورا وهیکل اورا از من درود وسلام وافزون اورا بخشش وشرف
وكرما حتى تبلغه أعلى درجات أهل الشرف من النبيين
وبزرگواری تا برسانی اورا بر درجهای اهل شرف از پیغمبران
والمرسلين والأفاضل المقربين اللهم وصل على من سميت
وفرستادگان وبهترین نزدیکان خداوندا رحمت فرست برانکه نام بردم
ومن لم أسم من ملائكتك وأنبيائك ورسلك وأهل طا
وازانکه نام نبردم از فرشتگان تو وپیغمبران تو وفرستادگان تو واهل
عتك وأوصل صلواتي إليهم وإلى أرواحهم واجعلهم
فرمانبرداری تو وبرسان درودهای مرا بایشان وبسوی ارواح ایشان وبگردان ایشان را
إخواني فيك وأعواني على دعائك اللهم إني أستشفع بك إليك
برادران من در راه تو ویاران من بر دشمنان تو خداوندا بدرستیکه من شفیع میآورم ترا بسوی تو
وبكرمك إلى كرمك وبجودك إلى جودك وبرحمتك إلى رحمتك
وبکرم تو بسوی کرم تو وبجود تو بسوی جود تو وبرحمت تو بسوی رحمت تو

وبأهل طاعتك إليك وأسألك اللهم بكل ما سألك به أحد منهم
وباهل طاعت تو بسوی تو ومیخواهم از تو خدایا بهرچه درخواسته از تو یکی از ایشان
من مسألة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة
از سؤال بزرگی برنگردد وبانچه خواندند ترا باو از خواندن
مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم
قبول شده که محروم نشده ایخدا ای بخشنده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار ای بزرگ
يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا
ای باجلال وباجمال ای رساننده ای ضامن ای وکیل ای درگذرنده ای پناه دهنده
خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير
ای آگاه ای روشن کننده ای هلاک کننده ای بلندمرتبه ای دولت دهنده ای بزرگوار ای توانا ای بینا
يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر
ای بطاعت جزا دهنده ای نیکوکار ای پاک وپاک کننده ای غلبه کننده ای هویدا ای پنهان وپوشنده
يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد
ای فراگیرنده ای مقتدر ای نگاه دارنده ای بزرگوار ای نزدیک ای دوست ای ستوده
يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا
ای بزرگوار ای پدیدآرنده ای بازگرداننده ای گواه ای نیکوکار ونیکوکن ای نعمت دهنده
مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا
ای بخشنده ای گیرنده ای گستراننده ای راهنما ای فرستنده ای راهنما
مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق
ای محکم کننده ای بخشنده ای بازدارنده ای دورکننده ای برافرازنده ای بی زوال ای نگاه دارنده
يا رزاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من
ای روزی دهنده ای بخشنده ای توبه پذیرنده ای گشاینده ای آنکه
بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي
در دست او است هر کلیدی ای سودبخش ای مهربان ای کفایت کننده ای شفا دهنده
يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا
ای عافیت بخش ای جزا دهنده ای وفا کننده ای ارجمند ای بعظمت بزرگ

دعاء ام داود

سَلامُ یا مُؤمِنُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا نُورُ یا مُدَبِّرُ یا فَرْدُ یا وِتْرُ یا
ای امان دهنده ای یگانه ای بی‌نیاز ای هویدا ای تدبیرکننده ای یکتای

قُدُّوسُ یا ناصِرُ یا مُؤنِسُ یا باعِثُ یا وارِثُ یا عالِمُ یا حاکِمُ یا بادی
ای پاک ای یاور ای انیس بخشنده ای برانگیزنده ای میراث برنده ای حکم کننده

یا مُتَعالی یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُتَحَبِّبُ یا قائِمُ یا دائِمُ
ای پدیدآرنده ای بلندمرتبه ای صورت دهنده ای سلامتی بخش ای دوستی کننده ای همیشه موجود

یا عَلیمُ یا حَکیمُ یا جَوادُ یا بارِئُ یا بارُّ یا سارُّ یا عَدْلُ یا فاصِلُ
ای دانا ای درست کردار ای بخشنده ای آفریدگار ای نیکوکار ای با انصاف ای عادل ای خداوند

یا دَیّانُ یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا سَمیعُ یا بَدیعُ یا خَفیرُ یا مُعینُ یا
ای جزا دهنده ای بسیار مهربان ای ... ای پدیدآرنده ای پناه دهنده

ناشِرُ یا غافِرُ یا قَدیمُ یا مُسَهِّلُ یا مُیَسِّرُ یا مُمیتُ یا مُحْیی یا
ای پهن کننده ای آمرزنده ای دیرینه ای هموار ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده

نافِعُ یا رازِقُ یا مُقْتَدِرُ یا مُسَبِّبُ یا مُغیثُ یا مُغْنی یا مُقْنی یا
ای سودمند ای روزی دهنده ای اندازه کننده ای سبب ساز ای فریادرس ای بخشنده ای بی‌نیاز

خالِقُ یا راصِدُ یا واحِدُ یا حاضِرُ یا جابِرُ یا حافِظُ یا شَدیدُ
ای آفریننده ای نگهبان ای یگانه ای پیدا ای صاحب قهر و غلبه ای حفظ کننده ای توانای

یا غِیاثُ یا عائِدُ یا قابِضُ یا مُنیبُ یا مُبینُ یا ظاهِرُ یا مُجیبُ
ای فریادرس ای نفع ده ای گیرنده ای پذیرنده ای آشکار ای ظاهر ای پذیرنده

یا مُتَفَضِّلُ یا مُنْتَجِبُ یا عادِلُ یا بَصیرُ یا مُؤَمَّلُ یا مُهْدی یا
ای بخشنده ای قبول کننده ای دادخواه ای بینا ای خواهنده ...

مُسْدی یا اَوّابُ یا وافی یا راشِدُ یا مَلِکُ یا رَبُّ یا مُذِلُّ یا
ای بخشنده ای با وفا ای خداوند رشد ای پادشاه پروردگار خوارکننده

مُعِزُّ یا ماجِدُ یا رازِقُ یا وَلِیُّ یا فاضِلُ یا سُبْحانُ یا مَنْ عَلا
ارجمندسازنده صاحب بزرگی ای روزی دهنده ای یاور ای خداوند فضل ای پاک ای آنکه

فَاسْتَعْلی فَکانَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلی یا مَنْ قَرُبَ فَدَنا وَبَعُدَ فَنَأی
بلند است پس هست در دیدگاه بلند ای آنکه نزدیک است و دور است

وَعَلِمَ السِّرَّ وَاَخْفی یا مَنْ اِلَیْهِ التَّدْبیرُ وَلَهُ الْمَقادیرُ یا مَنِ
و داند آشکار و پنهان ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مراد اوست اندازه ای

الْعَسیرُ عَلَیْهِ سَهْلٌ یَسیرٌ یا مَنْ هُوَ عَلی ما یَشاءُ قَدیرٌ یا مُرْسِلَ
هر دشواری بر او آسانست ای که او بر آنچه خواهد تواناست ای فرستنده

الرِّیاحِ یا فالِقَ الْاِصْباحِ یا باعِثَ الْاَرْواحِ یا ذَا الْجُودِ وَ
بادها ای شکافنده صبحها ای برانگیزنده روحها ای خداوند بخشش

السَّماحِ یا رادَّ ما قَدْ فاتَ یا ناشِرَ الْاَمْواتِ یا جامِعَ الشَّتاتِ
و نوازش ای برگرداننده آنچه که فوت شده ای زنده کننده مردگان ای گرد آورنده

یا رازِقَ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ وَیا فاعِلَ ما یَشاءُ کَیْفَ یَشاءُ
ای روزی دهنده هر که را خواهد بی شمار و ای کننده آنچه خواهد هر روش که خواهد

یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیُّ حینَ لا حَیَّ یا حَیُّ
ای خدای بزرگوار و گرامی داشتن ای زنده ای پاینده ای زنده هنگامی که زنده نیست ای زنده

یا مُحْیِیَ الْمَوْتی یا حَیُّ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ بَدیعَ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ
کننده مرده‌ها ای زنده نیست خدائی مگر تو پدید آورنده آسمانها و زمین

یا اِلهی وَسَیِّدی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبارِکْ
ای خدای من و آقای من رحمت فرست بر محمد و رحم کن محمد و آل محمد و برکت ده

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی
بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر

اِبْرهیمَ وَآلِ اِبْرهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ وَارْحَمْ ذُلّی وَفاقَتی
ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه توئی ستوده بزرگوار و رحم کن بر خواری و تنگدستی

وَفَقْری وَانْفِرادی وَوَحْدَتی وَخُضُوعی بَیْنَ یَدَیْکَ وَاعْتِمادی
و احتیاج و تنهائی مرا و بیکسی مرا و فروتنی مرا در پیش تو و اعتماد

عَلَیْکَ وَتَضَرُّعی اِلَیْکَ اَدْعُوکَ دُعاءَ الْخاضِعِ الذَّلیلِ الْخاشِعِ الْخائِفِ
بر تو و زاری مرا بسوی تو میخوانم ترا خواندن فروتنی کننده خوار زارنده ترسان

الْمُشْفِقِ الْبائِسِ الْمَهینِ الْحَقیرِ الْجائِعِ الْفَقیرِ الْعائِذِ الْمُسْتَجیرِ
بیمناک محتاج حقیقت حقیر گرسنه محتاج پناهنده زنهار

الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ
ثِقَتُهُ وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ وَعَظُمَتْ فَجِيعَتُهُ دُعَاءَ حَرِقٍ حَزِينٍ
ضَعِيفٍ مَهِينٍ بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ
مَلِيكٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ
وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْبَلَدِ
الْحَرَامِ وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ يَا مَنْ وَهَبَ لِآدَمَ شِيثاً وَلِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ
ضُرَّ أَيُّوبَ يَا رَادَّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ وَيَا زَائِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ يَا
مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَلِزَكَرِيَّا يَحْيَى وَلِمَرْيَمَ عِيسَى يَا حَافِظَ
بِنْتِ شُعَيْبٍ وَيَا كَافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسَى أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ
تُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَإِحْسَانَكَ وَغُفْرَانَكَ وَجِنَانَكَ

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَفُكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي
وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي
كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَتَكْبِتَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ
وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي
وَيُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ
يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ وَقَهَرَ عُتَاةَ الشَّيَاطِينِ وَأَذَلَّ رِقَابَ
الْمُتَجَبِّرِينَ وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ
بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ
قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ (پس بسجده برو و خدّ خود را بر خاک بگذار و بگو) اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ
بِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي
وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ (پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده‌ات بیرون آید اگرچه بقدر پر مگسی بود باشد که آن علامت اجابت دعا است و در روایت دیگر وارد شده که در سجده این دعا را میخواند)
اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَ
خُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ وَارْحَمْ انْفِرَادِي

وَخُشُوعِي وَاجْتِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ
و زاری مرا و کوشش مرا پیش تو و توکل مرا بر تو خدایا برای تو
اَسْتَفْتِحُ وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ
طلب گشایش کنم و بتو رستگاری بجویم و بمحمد بنده تو و فرستاده تو و آل او روی آورم
اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صُعُوبَةٍ وَاَعْطِنِي
بسوی تو خدایا آسان کن برای من هر ناهمواری را و خوار کن برای من هر دشواری را و عطا کن مرا
مِنَ الْخَيْرِ اَكْثَرَ مِمَّا اَرْجُو وَعَافِنِي مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ
از نیکی بیشتر از آنچه امید دارم و عافیت ده مرا از بدی و بگردان از من بدی
پس بگو صد مرتبه در سجده يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ اِقْضِ بِلُطْفِكَ يَا خَفِيَّ الْاَلْطَافِ
ای برآورنده حاجتهای حاجتمندان برآور حاجت مرا بمهربانی خود ای پنهان مهربانی

و در روایت معتبر وارد شده است که مادر داود عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این عمل را در غیر ماه رجب می‌توان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه هم می‌توان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را بیامرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بخواند بنحوی که ذکر کردم حاجتش برآورده میشود و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت فرمود در روز عرفه و هر روز که این عمل را بخواند حاجتش برآورده میشود **مؤلف** گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آن را روزه بدارد یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آن را روزه بدارد و روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب خود فایز میگردد و بهتر آنکه اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بجا آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرم که ذیقعده و ذیحجه و محرم و ماه رجب است این عمل را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازد بهتر باشد

فصل سیم در بیان فضائل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته‌اند که در روز بیستم این ماه ابراهیم پسر رسول خدا ص از دنیا رحلت کرد حزن و اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کرده‌اند مناسبست خصوصاً عایشه و عیاش که یکی از محدثین شیعه است گفته است که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس انتقال نمود اگرچه خلاف مشهور است اما عز

بر فلان و فلان و ظالمان آنحضرت و گوشه‌گیری حضرت رسالت پناه که عمده آنها عمر بن الخطاب است و زیارت حضرت از اخبار طاهر مناسبست بنحویکه مذکور خواهد شد انشاء الله و شیخ مفید گفته است که در بیست و دوم این ماه معاویه از دنیا رفته است مستحب است که این روز را روزه دارند بشکرانه این نعمت و در روز بیست و سیم این ماه خارجی با خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی ع زدند زیارت آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسبست و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بدست معجزنمای اسد الله الغالب علی بن ابیطالب جاری شد و مرحب یهودی بر دست آنحضرت کشته شد گفته‌اند روزه آنروز را بجهة بشکرانه این نعمت و زیارت آنحضرت مستحبست و شیخ ره گفته است که شهادت امام موسی کاظم ع در روز بیست و پنجم ماه رجب واقع شده است اما احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب روزه‌اش وارد شده است و روایت کرده‌اند از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول ص در روز بیست و پنجم ماه رجب مبعوث شد برسالت و این خلاف مشهور و احادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه‌اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که روزه‌اش کفاره دویست ساله گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا ع مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد خدا روزه او را کفاره شصت ساله گناه او گرداند و ایضاً از آن حضرت منقولست که هر که روز بیست و ششم این ماه را روزه بدارد خدا روزه او را کفاره هشتاد ساله گناه او گرداند و روز بیست و هفتم این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول ص در آنروز برسالت بر امت مبعوث گردید و جبرئیل پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکی است و بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح آن شب حضرت رسول ص برسالت مبعوث شد و کسیکه عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا با و عطا میفرماید پرسیدند که عمل این شب چیست فرمودند که چون نماز شام و خفتن را کردی بخواب هر وقت از شب بیدار شوی خواه پیش از نصف شب خواه بعد از آن برخیز و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد بگو سوره از سورهای کوچک [illegible] بعد از [illegible] آن را بخوان و چون از همه فارغ شوی چنانچه نشسته سوره توحید و حمد و معوذتین و توحید

وجمله وقد روايت الكريمه هر بكر اهفت مرتبه بخوان پس ابتدا كن بخواندن الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

سپاس مر خداى را كه نگرفت فرزندى و نباشد مر او را

شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اللّٰهُمَّ

شريكى در پادشاهى و نباشد او را دوستى از خوارى و بعظمت ياد كن خدا را خدايا

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزِّكَ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ

خدايا بدرستيكه در خواهم ترا بجاهاى بستن عزت تو بر اركان عرش تو و نهايت رحمت

مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى

از كتاب تو و بحق نام تو كه بزرگتر بزرگتر بزرگتر است بحق ذكر تو

الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

بلند تر بلند تر است بحق كلمات تو كه تمام و كاملند همه آنكه رحمت فرستى بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ پس هر حاجت كه دارد طلب كند هر چه بطلبى

محمد و آل محمد و اينكه بكنى با من آنچه تو سزاوار آنى

مستجاب مى گردد مگر آنكه حرامى بطلبى يا قطع رحمى يا هلاك جمعى از مؤمنان را طلب كنى و در روز
را روزه بدار كه از براى تو حساب مى شود بروزه يكسال و بسند معتبر ديگر از حضرت محمد
بن جعفر عليهما السلام منقولست كه در شب بيست و هفتم رجب هر وقت شب كه باشد دوازده
ركعت نماز بجا آورد و در هر ركعت بعد از حمد سوره حمد چهار مرتبه معوذتين و توحيد بخواند
و چون از دوازده ركعت فارغ شوى در همان مكان چهار مرتبه بگو لا إله إلا الله والله أكبر
والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم پس هر حاجت كه دارى بطلب
مؤلف گويد كه بهتر آنست از اين دو روايت كه عمل كند خوبست اگر هر دو را بكند بهتر است
و اگر نماز نصف شب مبعث كه بسند صحيح مذكور شد در اين شب بجا آورد خوبست و در
روايتست كه در اين شب نيز بجا آورد و شيخ طوسى ره گفته است كه غسل در اين شب
مستحب است و زيارت حضرت رسول و حضرت امير المؤمنين در اين شب مناسبست و
دعا نيز وارد شده است كه در اين شب بخوانند اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالتَّجَلِّي الْأَعْظَمِ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ

خدايا بدرستيكه در خواهم ترا بحق آن عظمت بزرگتر در اين شب از ماه

الْمُعَظَّمِ وَالْمُرْسَلِ الْمُكَرَّمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا أَنْتَ بِهِ

بزرگوار و فرستاده گرامى اين كه رحمت فرستى بر محمد و آل او و اينكه بيامرزى براى ما

مِنَّا أَعْلَمُ يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هٰذِهِ الَّتِي بِشَرَفِ

از ما دانا تر اى آنكه ميداند و آموخته نشده خدايا بركت ده براى ما در شب ما اين كه بشرافت

الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا وَبِكَرَامَتِكَ أَجْلَلْتَهَا وَبِالْمَحَلِّ الشَّرِيفِ أَحْلَلْتَهَا اللّٰهُمَّ

زيادتى دادى و بكرامت خود بزرگ كرده او را و بجايگاه شريف فرود آوردى خدايا

فَإِنَّا نَسْأَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ وَالسَّيِّدِ اللَّطِيفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفِيفِ أَنْ

پس بدرستيكه ما ميخواهيم بمبعث بزرگوار و آقاى مهربان و اصل پرهيزكار اينكه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ أَعْمَالَنَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي

رحمت فرستى بر محمد و آل او و اينكه بگردانى عملهاى ما را در اين شب و در ساير شبها

مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً

پذيرفته و گناهان آمرزيده و نيكيهاى ما را جزا داده شده و بديهاى ما را پوشيده

وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً وَأَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ

و دلهاى ما را بخوبى گفتار شاد و روزيهاى ما را از نزد خود با سانى

مَدْرُورَةً اللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى

روان شده خدايا بدرستيكه تو مى بينى و ديده نميشود و تو در ديدگاه بلندتر

وَإِنَّ إِلَيْكَ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى وَإِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا وَإِنَّ لَكَ

و آنكه بسوى تو است بازگشت و انتها و بدرستيكه مر تراست مردن و زنده كردن و آنكه مر تراست

الْآخِرَةَ وَالْأُولَى اللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى وَأَنْ

آنجهان و اينجهان خداوندا ما پناه ميبريم بتو از اينكه ذليل و خوار گرديم و از اينكه

نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى اللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِيذُ

بجا آوريم آنچه را نهى كرده از آن خدايا بدرستيكه ما سؤال ميكنيم از تو بهشت برحمت تو و پناه ميبريم بتو

بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِذْنَا مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ وَنَسْأَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ

از آتش پس پناه ده ما را از آن بتوانائى خود و در خواست ميكنيم از تو حور العين

فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ أَرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنَا وَأَحْسَنَ

پس روزى ده ما را بعزت خود و بگردان وسيعتر روزى ما را نزد بزرگى سن ما و نيكوترين

أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ آجَالِنَا وَأَطِلْ فِي طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ

كردار ما نزد نزديك شدن اجلهاى ما و دراز كن در طاعت خود و آنچه نزديك ميكند

إِلَيْكَ وَيُحْظِي عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ أَعْمَارَنَا وَأَحْسِنْ فِي
بسوی تو و بهره‌مند سازد نزد خود و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو کن در

جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتَنَا وَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
همه احوال ما و کارهای ما شناختن ما و وامگذار ما را به یکی از خلق خود

فَيَمُنَّ عَلَيْنَا وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ
پس منت نهد بر ما و ببخش بر ما همه حاجت‌های دنیا و آخرت

أَبْدَأْ بِآبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَبْنَائِنَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ
و ابتدا کن به پدران ما و مادران ما و پسران ما و همه برادران ما گروندگان

فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا
در همه آنچه خواستیم از تو برای خود برحمت خود ای بهترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه

نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
ما می‌خواهیم ترا بنام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ بدرستیکه نیامرزد گناه بزرگ را

إِلَّا الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ وَهٰذَا رَجَبٌ الْمُكَرَّمُ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلَ
مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب است گرامی داشته شده که گرامی داشته ما را اول

أَشْهُرِ الْحُرُمِ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَ
ماههای حرام گرامی داشته ما را از میان امتها پس برای تست حمد ای خداوند بخشش و

الْكَرَمِ فَأَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ
و کرم پس سؤال میکنم از تو و بنام تو که بزرگتر بزرگتر بزرگتر است بزرگتر

الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى
گرامی‌تر که آفریدی او را پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی

غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَنَا
غیر تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و خانواده او که پاکیزه‌اند و اینکه بگردانی ما را

مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ
از کارکنندگان در او بفرمانبرداری و امیدواران در او مر شفاعت تو

اللَّهُمَّ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ
خدایا برسان ما را بسوی راه راست و بگردان ما را آرامگاه نزد خود بهتر

مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
آرامگاهی در سایه دائمی و پادشاهی بسیار پس بدرستیکه تو بسی ما را و خوب کارداری

اللَّهُمَّ اقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ
خداوندا بگردان ما را رستگار پیروزی یافته نه غضب کرده شده بر ما و نه گمراهان

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ
برحمت تو ای رحیم‌ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بوسیله‌ها آمرزش تو

وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ
و رحمت واجب تو سلامتی از هر گناه و غنیمت از هر نیکی

وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَ
و پیروزی بهشت و رستگاری از آتش خداوندا خواندند ترا خوانندگان

دَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ
و خواندم ترا و سؤال کردند ترا سؤال کنندگان و سؤال کردم ترا و رغبت نمودند بسوی تو رغبت

وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى
کنندگان بسوی تو خدایا تو معتمد و امیدگاهی و بسوی تست منتهای

الرَّغْبَةِ وَالدُّعَاءِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ
رغبتها و دعاها خداوندا پس رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان

الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَ
یقین را در دل من و روشنی در چشم من و پند را در سینه من

ذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ
و ذکر خود را در شب و روز بر زبان و روزی فراخی که باشد غیر مقطوع

وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ
و نه حرام پس روزی ده مرا و برکت ده برای من در آنچه روزی دادی مرا و بگردان بی‌نیازی

فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس بسجده رو و بگوی
در نفس من و خواهش مرا در آنچه نزد تست برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان

اعمال

الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصنا بولایته ووفقنا
ستایش مر خدا را که راه نمود ما را برای شناختن خود و مخصوص کرد ما را بدوستی خود و یاری داد ما را

لطاعته پس بگو شکراً شکراً صد مرتبه پس از آن سجده برد و بگو اللهم انی قصدتک
بفرمان برداری خود ستایش ستایش خداوندا بدرستیکه نیت کردم

بحاجتی واعتمدت علیک بمسئلتی وتوجهت الیک بائمتی
من ترا بحاجت خود و تکیه نمودم بر تو بسؤال خود و درآوردم بسوی تو پیشوایان خود

وسادتی اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا
و بزرگان خود خداوندا سود ده ما را بدوستی ایشان و وارد آور ما را در جای ورود ایشان و روزی

مرافقتهم وادخلنا الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین
ده ما را رفاقت ایشان و درآور ما را بهشت در زمره ایشان برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش فضیلت بسیار دارد و بسندهای
معتبر از حضرت صادق ع منقول است که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت
دیگر شصت سال و ایضا منقول است که حسن بن راشد از حضرت صادق ع سؤال کرد که آیا غیر از
عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر از همه روزی است که حضرت
رسالت ص مبعوث گردیده است و آن روز بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه
بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول ص و امیرالمؤمنین ع
منقول است نماز این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال
باید کرد و از اکثر اخبار ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوب است و بسند معتبر از
ریان بن الصلت منقول است که چون حضرت امام محمد تقی ع به بغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب
و روز بیست و هفتم روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این
دو روز را روزه بدارند و در این روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت حمد و هر سوره که خواهند بکنند چون از همه فارغ شوند سوره حمد و توحید و
معوذتین هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند لا اله الا الله والله اکبر و
سبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله
الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا و بسند معتبر دیگر از حضرت
صاحب الامر ع منقول است که در این روز دوازده رکعت نماز بجا میاوری در هر رکعت
بعد از حمد هر سوره که میسر شود میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی و بعد از تمام میخوانی

ماه رجب

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک و
حمد میکنم خدا را که فرا نگرفته فرزندی و نباشد مر او را شریکی در پادشاهی

لم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی
و نباشد مر او را دوستی از خواری و بزرگی یاد کن او را یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای رفیق من

شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا
در سختی من ای یاور من در نعمت من ای دادرس من در خواهش من ای فیروزی من در حاجت من

حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت الساتر
ای نگاه دارنده من در غایب من ای پناه من در تنهائی من ای انس من در رمیدن من توئی پوشاننده

عورتی فلک الحمد وانت المؤمن روعتی فلک الحمد وانت
عورت من پس مر تر است ستایش و توئی ایمن کننده از ترس مرا پس مر تر است ستایش و توئی

المقیل عثرتی فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل
درگذراننده از لغزش پس مر تر است حمد و توئی شکافنده بلای پس مر تر است حمد درود

علی محمد وال محمد واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی
بر محمد و آل محمد و بپوشان عورت مرا و ایمن دار از ترس مرا و درگذراننده از لغزش من

واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد
و بگذر از گناه من و درگذر از بدیهای من در حالتیکه بوده باشم در زمره یاران بهشت

الصدق الذی کانوا یوعدون و چون از نماز فارغ شوی در هر رکعت حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
وعده راستی که بوده اند یاران بهشت

و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی پس بگو لا اله الا الله و الله
نیست خدائی مستحق پرستش مگر خدای یکتا

اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله
بزرگتر است و منزه است خدا و حمد میکنم او را و نیست حول و نیست توانائی مگر بخدای

پس هفت مرتبه بگو الله الله ربی ولا اشرک به شیئا پس آنچه خواهی از خدا بطلب و بسند معتبر دیگر از حضرت
جعفر منقول است که ابتدا در روز مبعث میخواند یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن علی نفسه العفو
ای آنکه امر کرده بعفو و درگذشتن و ضامن گردانیده خود را برای عفو

وَالتَّجَاوُزِ يَا مَنْ عَفَىٰ وَتَجَاوَزَ اُعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ
و گذشت ای آنکه عفو نمود و در گذشته عفو کن از من و در گذر ای بزرگوار خدایا

وَقَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ وَاَعْيَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْآمَالُ
بتحقیق مشکل گردیده طلب و عاجز گردیده چاره و راه کسب معاش و کهنه شده آرزوها

وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَجِدُ
و بریده شده امید مگر از تو بتنهائی شریک نیست مر ترا خداوندا بدرستیکه من مییابم

سُبُلَ الْمَطَالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً
راهها مطلبها بسوی تو گشاده و جایهای امید نزد تو پر پر

وَاَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ
و درهای خواندن برای آنکه خواند ترا گشاده و یاری جستن برای آنکه یاری جست

بِكَ مُبَاحَةً وَاَنَّكَ اَعْلَمُ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ اِجَابَةٍ وَلِلصَّارِخِ
بتو مباح و بدرستیکه میدانم خواننده ترا در جایگاه اجابتی و برای استغاثه نماینده

اِلَيْكَ بِمَرْصَدِ اِغَاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلَى جُودِكَ وَالضَّمَانِ
بسوی تو در انتظارگاه فریادرسی و این که بتحقیق که در ستمانه بسوی بخشش تو و ضامن شدن

بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي اَيْدِي
بوعده تو عوض از منع بخل‌کنندگان و وسعت بی‌نیازی از آنچه در دستهای

الْمُسْتَأْثِرِينَ وَاَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلَّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمَالُ
تو اختیار کنندگان است و این که پنهان نمیکردی از خلق خود مگر آنکه حائل شود ترا کردار

دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ اِلَيْكَ عَزْمُ اِرَادَةٍ
در پیش تو و بتحقیق که میدانم که بهترین توشه کوچ کننده بسوی تو اراده ثابت است

وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْاِرَادَةِ قَلْبِي فَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ
و بتحقیق که راز گفت ترا با اراده ثابت دل من پس سؤال میکنم ترا بهر دعائی که خواند ترا

بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ اَوْ صَارِخٌ اِلَيْكَ اَغَثْتَ صَرْخَتَهُ اَوْ مَلْهُوفٍ
بان امیدواری که رسانیده باشی او را بامید او یا استغاثه کننده بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او یا درمانده

مَكْرُوبٍ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ اَوْ مُذْنِبٍ خَاطِئٍ غَفَرْتَ لَهُ اَوْ مُعَافًى
غمگینی که کشف نموده باشی از دل او یا گناهکار خطا کاری که آمرزیده باشی مر او را

اَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ اَوْ فَقِيرٍ اَهْدَيْتَ غِنَاكَ اِلَيْهِ وَلِتِلْكَ
و تمام کردی نعمت خود را بر او یا محتاجی که تحفه فرستادی بی‌نیازی را بسوی او و مر آن

الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ اِلَّا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
دعوت بوده باشد بر تو حقی و نزد تو منزلتی مگر آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل او

وَقَضَيْتَ حَوَائِجِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهٰذَا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ
و برآوردی حاجتهای من حاجتهای دنیا و آخرت و این ماه رجب بدر کرده

الْمُكَرَّمُ الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ وَاَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ
گرامیست که گرامی داشتی ما را باو اول ماههای حرام گرامی داشتی ما را باو از میان

الْاُمَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ
امتها ای خداوند بخشش و گرامی داشتن پس سؤال میکنم ترا باو و بنام تو که بزرگ تر بزرگ تر

الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا
بزرگ تر بزرگوار تر گرامی تر آنکه پدید آوردی او را پس قرار گرفت در سایه تو پس

يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ
بیرون نرود از تو بسوی غیر تو این که رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او که پاکانند

وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ
و بگردانی ما را از آنانکه عمل کنند در این ماه بفرمان برداری تو و امیدواران در آن بشفاعت

اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنَا اِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ
بار خدایا و برسان ما را بسوی راه راست و بگردان بازگشت ما را نزد خود بهتر

مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ عَلَى
بازگشتی در سایه دایمی پس بدرستیکه تو بس است ما را و نیک کارگذاری و سلام بر

عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ وَبَارِكْ
بندگان برگزیده و رحمتهای او بر ایشان باد همگی خداوندا و برکت

لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَبِكَرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِا
ما را در روز ما این روز که زیادتی دادی او را و بکرامت خود بزرگ گردانیدی او را و

لْمَنْزِلِ الْعَظِيمِ مِنْكَ اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلَى مَنْ فِيهِ اِلَى عِبَادِكَ
بمرتبه بزرگی از خود فرود آوردی او را و رحمت فرست بر کسی که در این روز بسوی بندگان تو

أَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ أَحْلَلْتَهُ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً دَائِمَةً
فرستادی او را و بجایگاه گرامی که فرود آوردی او را خداوندا رحمت فرست بر او رحمتی همیشه
تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا وَاخْتِمْ لَنَا
که بوده باشد برای تو شکر و از برای ما ذخیره و بگردان برای ما از کارها آسانی و ختم کن ما را
بِالسَّعَادَةِ إِلَى مُنْتَهَى آجَالِنَا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ مِنْ أَعْمَالِنَا وَ
بنیکبختی تا آخر عمرهای ما و بتحقیق که پذیرفته اندک را از کردار ما
بَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ آمَالِنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّهُ عَلَى سَيِّدِنَا
و برسان برحمت خود آرزوهای بهتر ما بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و رحمت فرستد خدا بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که روز بیست
و هفتم ماه رجب را روزه بدارد کفاره گناه او از نود سال کفاره است و هر که روز
محمد و آل او و درود بر
بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه باشد و هر که روز سیم این ماه را روزه بدارد خدا
گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز آخر نماز سلمان سنت بنحوی که در اول ماه گفته
شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم احتیاط آن را بکند و در کتب عبادات از برای
شب این ماه نماز مخصوص ذکر کرده اند و چون بسند معتبر بنظر نرسید نخواستم ایراد نمایم و چون رساله مشهور
ابر اختصار بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة آن خوبست بعمل آرد خوبست. نماز شب
اول سی رکعت بعد از حمد در هر رکعت سه مرتبه قل یا ایها الکافرون سه مرتبه سوره قل هو الله احد
دوم ده رکعت با حمد و حمد سیم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله والفتح در هر
رکعت چهارم صد رکعت رکعت اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از حمد
قل اعوذ برب الناس پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید ششم
دو رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید
و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات اربع هشتم
بیست رکعت در هر رکعت بحمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه نهم دو رکعت بحمد و پنج نوبت
الهیکم التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید یازدهم دوازده
رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی دوازدهم دو رکعت با حمد و آیه آمن
الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در هر رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره
العادیات و در دوم سه مرتبه الهیکم التکاثر چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد
سوره توحید و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره پانزدهم و شانزدهم

شب هفدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه سوره توحید در هر رکعت هیجدهم
دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه نوزدهم چهار
رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی بیستم دو رکعت در
هر رکعت سوره حمد و پنج مرتبه سوره قدر بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه توحید بیست و دوم هشت
رکعت در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه سوره جحد و بعد از فارغ شدن ده مرتبه
صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار بیست و سیم دو رکعت در هر رکعت بعد از
حمد پنج مرتبه سوره والضحی بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیه آمن
الرسول و سوره توحید یک مرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن و در
هر رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول و سوره توحید یک مرتبه بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از
حمد چهل مرتبه توحید بیست و هفتم بیست و هشتم بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
الهیکم و ده مرتبه انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد
مرتبه استغفار کند سی ام سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید و در هر یک از این
نمازها ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذکور
هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده
است باید بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود کردن خالی از اشکال نیست هذا نماز مشهور
شب غایب زیاده در این رساله ایراد ننمودم با آن که از طریق عامه نقل شده و معتبر نیست باب
دوم در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آنست و در آن نیز پنج فصل
است فصل اول در بیان فضیلت این ماه و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه
شعبان زیاده از ماه رجب است و منسوب بحضرت سید انبیا چنانچه از حضرت صادق
منقول است که چون حضرت رسول ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود ندا کنند که ندا کنند
در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه
منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المومنین فرمود که
از روزی که ندای منادی آن حضرت را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک
نخواهم کرد انشاء الله تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان و رمضان توبه ایست از جانب خدای تعالی برای جمیع گناهان
و ایضا منقول است از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماهی را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان

کار او وصل میکرد بماه رمضان و ایضا منقول است که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزها
بهتر است فرمود که روزهٔ شعبان برای تعظیم رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت رسول
ماه شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خدا است و روزهٔ هر دو
کفارهٔ گناهان گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر منقول است که هر که ماه شعبان را روزه
دارد او را پاک گرداند از هر لغزشی و از وصمهای معصیت و تیرگیهای دوری غضب و از حضرت رسول
منقول است که ماه شعبان ماهی است بهترین ماه من است و حاملان عرش الهی او را تعظیم مینمایند
و حق و حرمت آنرا میشناسند آن ماهیست که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان
و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کرده اند برای آنکه منشعب میشود در آن روزیهای
مؤمنان و حسنه در آن مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن ریخته میگردد و آمرزیده میشود و اعمال
خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه
پس مباهات میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت و ثواب روزه این ماه آنقدر فرمود که ذکر آنها
موجب طول کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که روزهٔ شعبان ذخیرهٔ بنده است
از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته خدا امر معیشت او را باصلاح
آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی از شعبان میدهند آنکه
بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول فرمود که شعبان
ماه من است و رمضان ماه خدا است پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در
قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه روز
از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه نداری و بسند
معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که یکروز از شعبان را از برای خدا روزه بدارد داخل
بهشت شود و هر که یکروز از شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمرهٔ
حضرت رسول محشور شود و کرامت از جانب خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق
بکند اگر چه بنصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز
از آخر ماه شعبان را روزه بدارد و وصل نماید بماه رمضان خدا ثواب روزهٔ دو ماه متصل
برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول
زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت ماه شعبان و میفرمود که مردم از آن غافلند و
این ماهیست که در آن عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم که عمل من بالا رود در وقتی که

روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزهٔ رجب فرمود که چرا
غافلید از روزهٔ شعبان یعنی افضل است از آن و ایضا روایت کرده است بسند معتبر از حضرت
خیر البشر که فرمود شعبان ماه من است هر که یکروز از ماه من روزه دارد بهشت او را واجب شود
و هر که دو روز روزه بدارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان باشد و هر که تمام ماه
را روزه بدارد و پیوند کند بماه رمضان توبه او باشد از هر گناه کوچک و بزرگ هر چند اهل آتش
شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق مرویست که هر که سه روز از
ماه شعبان را روزه بدارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت
ایضا بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام
زین العابدین اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید که این چه
ماه است این ماه شعبان است و حضرت رسول میفرمود که شعبان ماه من است پس روزه بدارید
در این ماه از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که جان
علی بن الحسین بدست او است سوگند میخورم که گفت شنیدم از پدرم حسین بن علی که گفت
شنیدم از حضرت امیر المؤمنین که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و تقرب بخدا
خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب
گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است
و ماه رمضان ماه خدا است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت
و هر که روزهٔ ماه خدا را بدارد خدا مونس او گردد در وحشت قبر و او را در قبر تنها نگذارد و از
قبر بیرون آید در روز قیامت با روی سفید نورانی و نامهٔ عمل او را بدست راست او دهند
و نامهٔ مخلد بودن در بهشت بدست چپ او دهند تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس
حق تعالی او را ندا کند که ای بندهٔ من او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید روزه داشتی
از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بندهٔ مرا
ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من من باو گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی
گویم باو که من امروز شفاعت ترا میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را ببنده خود
بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من از نقد در عوض بدهم که او راضی شود
پس من دست او را بگیرم و بیاورم نزد صراط پس ببینم که صراط لغزنده است و میلرزد و پای گناه
کاران بر آن بند نمیشود پس دست او را بگیرم و ملکی که موکل است بصراط گوید که کیست این

من گویم که خدا نکس است که در دنیا ماه مرا روزه گرفته است باید شفاعت من و ماه خدا را
روزه داشته است از برای طلب ثواب خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را بدر
بهشت رسانم پس رضوان گوید که امروز در بهشت که در را برای امت تو میگشایم و او را داخل بهشت
کنم پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در
قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت

فصل دویم

در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که
هر روز هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای
آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول فرمود که
شعبان ماه منست پس در این ماه بسیار صلوات بفرستید بر من و بر اهل من و شعبان را ما شعبان
میگویند زیرا که پیغمبر شفاعت کند کسی را که در این ماه صلوات بر او و بر آل او بفرستد و از
حضرت صادق منقول است که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز
ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه
استغفار کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ
و بسندهای معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه
بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد خدا از برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بر
گذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند و بسندهای معتبر منقول است که هر که در هر روز
ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
وَاَتُوبُ اِلَيْهِ خدا او را در افق مبین جای دهد و افق مبین صحرائیست در پیش عرش
و در آن صحرا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرها هست بعدد ستارهای آسمان و در
بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و بسند معتبر منقول است
که حضرت امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این
صلوات را میخواندند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ
بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جایگاه رسالت
وَمُخْتَلَفِ الْمَلٰئِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
و محل آمد و شد فرشتگان و قرارگاه دانش و خانواده وحی خداوندا رحمت فرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ
بر محمد و آل محمد کشتیهای روان در دریاهای ژرف ایمن باشد

رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَاَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ
آنکه سوار باشد از او و غرق شود آنکه واگذارد او را پیش گیرنده مر ایشان را از دین بیرونست و عقب ایستاده از ایشان نابود
وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ
و ملازم مر ایشان را ملحق است خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پناهگاه محکم
وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَاِ الْهَارِبِينَ وَمَنْجَا الْخَائِفِينَ
و فریادرس درمانده بیچاره و پناه گریختگان و رستنگاه ترسان
وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً
و نگاهدارنده چنگ زنندگان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمتی بسیار
طَيِّبَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًى وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ
پاکیزه که باشد مر ایشان را خوشنودی و در حق محمد و آل محمد ادا و گذشته و بجا آوردن از تو
وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْاَبْرَارِ
بقدرت و توانائی تو ای پروردگار جهانیان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پاکان نیکان
الْاَخْيَارِ الَّذِينَ اَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوِلَايَتَهُمْ
نیکوکار که واجب گردانیدی برای ایشان حقهای ایشان را و لازم ساختی فرمانبرداری و دوستی ایشان را
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آباد کن دل مرا و رسوا مساز مرا بنافرمانی خود
وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ
و روزی ده مرا برابری با کسی که تنگ گرفته بر او از روزی خود بآنچه گشاده بر من از
فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَاَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذَا
بخشش خود و پهن کرده بر من از عدالت خود و زنده داشته مرا در زیر سایه خود و این
شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبَانُ الَّذِي
ماه پیغمبر تو بزرگ فرستادگان رحمت تو بر او و آل او شعبانست که
حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
فرو گرفته او را از خود برحمت و خوشنودی آنکه بود فرستاده خدا رحمت فرستد
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْاَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَاَيَّامِهِ
خدا بر او و آل او که کوشش مینمود در روزه او و بپای ایستادن در شبهای و روزهای

بُخُوعًا لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ اللّٰهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى
الاسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ
لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتَّى
أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا قَدْ أَوْجَبْتَ
لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ

وسید بن طاوس ره از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات حضرت امیرالمؤمنین ع و امامان از فرزندان اواست علیهم السلام که در ماه مبارک شعبان میخواندند

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ
وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ
مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي وَتَعْلَمُ مَا
فِي نَفْسِي وَتَخْبُرُ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبِي
وَمَثْوَايَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَأَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي
وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ
مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي وَبِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ

زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي إِلٰهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي
وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي إِلٰهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ
حُلُولِ سَخَطِكَ إِلٰهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ
أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ إِلٰهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ
أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ
إِلٰهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي
وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي
إِلٰهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلٰهِي
لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي إِلٰهِي كَيْفَ
آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي
إِلٰهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ
جَهْلُهُ إِلٰهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سَتْرِهَا
عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْأُخْرَى إِلٰهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ

عِبادِكَ الصّالِحينَ فَلا تَفْضَحْني يَوْمَ الْقِيمَةِ عَلى رُؤُسِ الْاَشْهادِ

بندگان شایسته خود را پس وا مساز مرا در روز قیامت بر حضور حاضران

اِلهي جُودُكَ بَسَطَ اَمَلي وَعَفْوُكَ اَفْضَلُ مِنْ عَمَلي اِلهي فَسُرَّني بِلِقائِكَ

خدای من بخشش تو پهن کرده آرزوی مرا و عفو تو افزون تر است از عمل خدای من پس شاد کن مرا بملاقات

يَوْمَ تَقْضي فيهِ بَيْنَ عِبادِكَ اِلهي اِعْتِذاري اِلَيْكَ اِعْتِذارُ مَنْ لَمْ

روزی که حکم کنی در آن میان بندگان تو خدای من عذر خواهی من بسوی تو عذر خواهی کسی است

يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْري يا اَكْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ اِلَيْهِ

که بی نیاز نشد از پذیرفتن عذرش پس بپذیر عذر مرا ای کریم تر از آنکه عذر خواهند بسوی او

الْمُسيئُونَ اِلهي لا تَرُدَّ حاجَتي وَلا تُخَيِّبْ طَمَعي وَلا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجائي

بدکاران خدای من رد مکن حاجت مرا و محروم مکن طمع مرا و قطع مکن از حضرت امید مرا

وَاَمَلي اِلهي لَوْ اَرَدْتَ هَواني لَمْ تَهْدِني وَلَوْ اَرَدْتَ فَضيحَتي لَمْ

و آرزوی مرا خدای من هرگاه اگر میخواستی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر میخواستی رسوائی مرا

تُعافِني اِلهي ما اَظُنُّكَ تَرُدُّني في حاجَةٍ قَدْ اَفْنَيْتُ عُمْري في طَلَبِها

عافیت نمی بخشیدی مرا خدای من گمان نمیبرم ترا که برگردانی مرا در حاجتی که فانی کردم عمر خود را در طلبش

مِنْكَ اِلهي فَلَكَ الْحَمْدُ اَبَداً اَبَداً دائِماً سَرْمَداً يَزيدُ وَلا يَبيدُ كَما تُحِبُّ وَ

از تو خدای من پس مر تراست حمد همیشه دائم پیوسته که افزایش کند و کم نگردد چنانچه دوست داری

تَرْضى اِلهي اِنْ اَخَذْتَني بِجُرْمي اَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ وَاِنْ اَخَذْتَني بِذُنُوبي

و خوشنود شوی خدای من اگر بگیری مرا بجرم من فرا گیرم ترا بعفو تو و اگر بگیری مرا بگناهان من

اَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَني النّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَها اَنّي اُحِبُّكَ

فرا گیرم ترا بآمرزش تو و اگر در آوری مرا در آتش آگاه میکنم اهل آتش را که دوست دارم

اِلهي اِنْ كانَ صَغُرَ في جَنْبِ طاعَتِكَ عَمَلي فَقَدْ كَبُرَ في جَنْبِ رَجائِكَ

خدای من اگر چه کوچک است در پهلوی طاعت تو کردار من پس بتحقیق که بزرگ است در پهلوی امید داری

اَمَلي اِلهي كَيْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُوماً وَقَدْ كانَ حُسْنُ

آرزوی من خدای من چگونه برگردم از نزد تو بنا امیدی محروم و بتحقیق که بود

ظَنّي بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَني بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً اِلهي وَقَدْ اَفْنَيْتُ عُمْري

گمان خوب من بجود تو اینکه برگردانی مرا برستگاری رحم کرده شده خدای من و بتحقیق که فانی کردم عمر

في شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ وَاَبْلَيْتُ شَبابي في سَكْرَةِ التَّباعُدِ مِنْكَ

در غرور بی خبری از تو و کهنه ساختم جوانی خود را در مستی دوری از تو

اِلهي فَلَمْ اَسْتَيْقِظْ اَيّامَ اغْتِراري بِكَ وَرُكُوني اِلى سَبيلِ سَخَطِكَ

خدای من پس بیدار نشدم در روزگار فریفتگی خود بتو و مایل بودم بسوی راه خشم تو

اِلهي وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ

خدای من و من بنده توام و پسر بنده تو ایستاده در پیش روی تو توسل جوینده ام بکرم تو

اِلَيْكَ اِلهي اَنَا عَبْدٌ اَتَنَصَّلُ اِلَيْكَ مِمّا كُنْتُ اُواجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ

بسوی تو خدای من من بنده عذر خواهنده بسوی تو از آنچه بودم که مواجه مینمودم ترا بآن از کم

اسْتِحْيائي مِنْ نَظَرِكَ وَاَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ اِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ

بودن حیاء خود از دیدن تو و طلب مینمایم گذشت از تو چون گذشت صفت کرم تو

اِلهي لَمْ يَكُنْ لي حَوْلٌ فَاَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ اِلاّ في وَقْتٍ اَيْقَظْتَني

خدای من نبود مرا توانائی پس برگردم بآن از نافرمانی تو مگر در هنگامی که بیدار کنی

لِمَحَبَّتِكَ وَكَما اَرَدْتَ اَنْ اَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِاِدْخالي في كَرَمِكَ

برای دوستی خود و چنانچه میخواهی تو باشم پس شکر کنم ترا بدر آوردن من در کرم تو

وَلِتَطْهيرِ قَلْبي مِنْ اَوْساخِ الْغَفْلَةِ اِلهي اُنْظُرْ اِلَيَّ نَظَرَ مَنْ

و پاک گردان دل من از چرک بیخبری خدای من نظر کن بسوی من نظر کردن

نادَيْتَهُ فَاَجابَكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاَطاعَكَ يا قَريباً

آنکه ندا کردی پس اجابت کرد ترا و بکار داشته باشی او را بیاری خود پس فرمان برداری کرده ترا

لا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَيا جَواداً لا يَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ اِلهي هَبْ

که دور نمیگردد از فریفته بخود وای بخشنده که بخل نمیکند از کسی که امید دارد ثواب ترا خدای من

لي قَلْباً يُدْنيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَلِساناً يُرْفَعُ اِلَيْكَ صِدْقُهُ وَنَظَراً

بخش مرا دلی که نزدیک گرداند او را آرزومندی او و زبانی که بالا برده شود بسوی تو راستی او و نظری را

يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ اِلهي اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لاذَ بِكَ غَيْرُ

نزدیک گرداند او را از تو خدای من کسی که شناخت ترا نیست مجهول و آنکه پناه برد بتو نیست

مَخْذُولٍ وَمَنْ اَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ اِلهي اِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ

خوار گذاشته و آنکه رو کردی بتو بر او نیست مغلوب خدای من بدرستیکه هر که راه یافته

وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب
ظني من رحمتك ولا تحجبني عن رأفتك الهي اقمني في اهل
ولايتك مقام من رجا الزيادة من محبتك الهي والهمني ولها
بذكرك الى ذكرك واجعل همتي الى روح نجاح اسمائك و
محل قدسك الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل طاعتك
والمثوى الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا و
لا املك لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب و
مملوكك المنيب المعيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك
وحجبه سهوه عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك و
انر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب
حجب النور فتصل الى معدن العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز
قدسك الهي واجعلني ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق
لجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا الهي لم اسلط على حسن

ظني قنوط الاياس ولا انقطع رجائي من جميل كرمك الهي ان
كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن توكلي
عليك الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني
اليقين الى كرم عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد
للقائك فقد نبهتني المعرفة بكرم آلائك الهي ان دعاني الى
النار عظيم عقابك فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك الهي
فلك اسأل واليك ابتهل وارغب واسألك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تجعلني ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك
ولا يغفل عن شكرك ولا يستخف بامرك الهي والحقني بنور
عزك الابهج فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك
خائفا مراقبا يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على رسوله
وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا كثيرا

و اين مناجات بسيار جليل القدر و بر مضامين عاليه مشتمل است و خواندن مناسبست از حضرت رسول در همه اوقات حضور قلبی باشد

منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگويد

لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

خدا عبادت هزار ساله در نامهٔ عمل او بنویسد و گناه هزار ساله محو کند

مخصوص او این دا اگر کافرند

وچون از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسد و بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق سؤال کردند از فضیلت روزهٔ رجب حضرت فرمود که چرا غافل کردید از روزهٔ شعبان راوی گفت یابن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه یکروز شعبان را روزه بدارد گفت والله بهشت ثواب دارد گفت یابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمودند تصدق کردن و طلب آمرزش نمودن هر که در این ماه تصدق بکند خدا او را تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه را تربیت کند تا آنکه روز قیامت مانند کوه احد بصاحبش برسد **فصل** سیم در فضائل و اعمال ایام مخصوصهٔ اول ماه است تا ایام البیض بسند معتبر منقولست از حضرت صادق که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا منقولست استحباب روزهٔ سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول فرمودند که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکیست و موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که روز سیم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین است پس روزه بدار در آن و این دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق آنکه متولد شده در این

الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ بَكَتْهُ

روز وعده داده شده بشهادت خود پیش از استهلال و ولادت او گریه کرد

السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها

آسمان و هر چه در او هست و زمین و هر چه برو هست و حال آنکه حرکت نکرده بود

قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْكَرَّةِ

کشته شده سرشک و بزرگ قوم مدد کرده شده بیاری در روز رجعت

الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ

عوض داده شده از قتل او که پیشوایان از ذریت اویند و شفاء در تربت او

وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ

و فیروزی با اوست در رجعت او و اوصیاء از ذریت اویند بعد از ظهور قائم ایشان

وَغَیْبَتِهِ حَتّی یُدْرِكُوا الْاَوْتارَ وَیَثْاَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا

و غیبت او تا آنکه دریابند تنهایی را و مطالبه کنند خون را و خوشنود سازند

الْجَبّارَ وَیَكُونُوا خَیْرَ اَنْصارٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ مَعَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ

خدا را و باشند بهترین یاران رحمت خدا بر ایشان باد و گشت شب و روز

وَالنَّهارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَیْكَ اَتَوَسَّلُ وَاَسْاَلُ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ

در روز خدایا پس بحق ایشان بسوی تو توسل میجویم و سؤال میکنم سؤال گناهکار

وَمُعْتَرِفٍ مُسیءٍ اِلی نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ فی یَوْمِهِ وَاَمْسِهِ یَسْاَلُكَ

و اعتراف کننده بدکننده بسوی نفس او از آنچه کرده در این روز و این شب درخواهم

الْعِصْمَةَ اِلی مَحَلِّ رَمْسِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنا

عصمت را بسوی بارگاه و دفن خود را خداوندا رحمت فرست بر محمد و ذریت او و محشور ساز

فی زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْكَرامَةِ وَمَحَلَّ الْاِقامَةِ اَللّٰهُمَّ

ما را در گروه او و در آور ما را با او در خانه کرامت او و جایگاه قرار او خداوندا

وَكَما اَكْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَكْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ

و چنانچه گرامی داشتی ما را بشناختن او پس گرامی دار ما را بقرب او و روزی کن ما را رفاقت او

وَسابِقَتَهُ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ وَیُكْثِرُ الصَّلاةَ عَلَیْهِ

و پیشی گرفتن او و بگردان ما را از کسی که گردن نهد بفرمان او و بسیار فرستد رحمت بر او

عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلی جَمیعِ اَوْصِیائِهِ وَاَهْلِ اصْطِفائِهِ الْمَمْدُودینَ

نزد یاد او و بر همه وصیهای او و برگزیدگان که کشیده شده اند

مِنْكَ بِالْعَدَدِ الِاثْنَیْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلی جَمیعِ الْبَشَرِ

از تو بعدد دوازده ستاره روشن و حجتها بر همه آدمیان

اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنا فی هٰذَا الْیَوْمِ خَیْرَ مَوْهِبَةٍ وَاَنْجِحْ لَنا

خدایا و ببخش ما را در این روز بهترین بخشش و برآور برای ما

فیهِ كُلَّ طَلِبَةٍ كَما وَهَبْتَ الْحُسَیْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعاذَ فُطْرُسُ

در آن هر حاجتی چنانچه بخشیدی حسین را برای محمد جد او و پناه گرفت فطرس

عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ

بمهد و پس ما پناه برده ایم بقبر او و بعد از او میبینیم مدفن او را و انتظار داریم بازگشت او را

آمین ربّ العالمین (بپذیر ای پروردگار جهانیان) ودر زیارت آنحضرت وغسل زیارت درینروز مستحبست وکیفیت
زیارت بعد ازین مذکور خواهد شد انشاء الله وشیخ طوسی و
نقل کرده است که حضرت امام حسین ع در روز پنجم اینماه متولد شده است واکثر اخبار ظاهر در روز سوم است
بدارند و اعمال آنروز را اینروز بعمل آورند خصوصا زیارت بهتر است وابن شیخ بسند معتبر روایت
کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهورست
چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بهر حال بر روایت اگر در روز زیارت آنحضرت وسایر اعمال
خیر را در اینروز بعمل آورد مناسبست

فصل چهارم

در بیان اعمال ایام البیض ماه شعبان
است یعنی سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنتست که در شب
سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورند
و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و
در نماز سنت سوره که از حفظ نتواند خواند از روی قرآن میتواند خواند و روزه هر سه روز
سنتست و فضایل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در اینرساله احصا توان نمود و اکتفا
مینمائیم بانچه معتبر است از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که چون شب نصف
شعبان شود شب را بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستیکه از اول تا آخر این
شب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود
و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند تا روزی او را فراخ گردانیم و
غسل اینشب سنتست و از حضرت صادق ع منقولست که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه
آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت خدا شما را دریابد و از جمله اعمال این
شب زیارت حضرت امام حسین ع است و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که هر که خواهد
که با او مصافحه کنند ارواح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت
امام حسین ع را در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران از خدا در اینشب رخصت
طلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و رخصت مییابند پس خوشا حال کسیکه آن بزرگواران
با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و
محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث گردیده اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان
و از حضرت صادق ع منقولست که در شب نیمه شعبان بیامرزند جمیع گناهان کبیره کسی که زیارت
آنحضرت کند در اینشب و اقل زیارت آنحضرت آنستکه بجای بلندی برآید و بجانب راست

آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب مشهد و بگوید
السّلام علیک یا ابا عبد الله
السّلام علیک یا ابن رسول الله السّلام علیک ورحمة الله
وبرکاته
واگر یکی از زیارات مبسوطه را بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها این است
السّلام علیک یا وارث
آدم صفوة الله السّلام علیک یا وارث نوح نبیّ الله
السّلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله السّلام علیک یا
وارث موسی کلیم الله السّلام علیک یا وارث عیسی روح
الله السّلام علیک یا وارث محمّد حبیب الله السّلام
علیک یا ابن امیر المؤمنین ولیّ الله السّلام علیک یا ابن
محمّد المصطفی السّلام علیک یا ابن علیّ المرتضی السّلام
علیک یا ابن فاطمة الزّهراء السّلام علیک یا ابن خدیجة
الکبری السّلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر
الموتور واشهد انّک قد اقمت الصّلوة وآتیت الزّکوة و
امرت بالمعروف ونهیت عن المنکر واطعت الله ورسوله

علیه

حَتّى اَتيكَ الْيَقينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً
ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يا مَوْلاىَ
يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِى الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ
وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ
مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّينِ وَاَرْكانِ
الْمُؤْمِنينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِىُّ الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ
الْهادِى الْمَهْدِىُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ
التَّقْوى وَاَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى اَهْلِ
الدُّنْيا وَاُشْهِدُ اللّٰهَ وَمَلائِكَتَهُ وَاَنْبِيائَهُ وَرُسُلَهُ اَنّى
بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ دينى وَخَواتيمِ عَمَلى وَ
قَلْبى لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرى لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ
وَعَلى اَرْواحِكُمْ وَعَلى اَجْسادِكُمْ وَعَلى اَجْسامِكُمْ وَعَلى شاهِدِ
كُمْ وَعَلى غائِبِكُمْ وَعَلى ظاهِرِكُمْ وَعَلى باطِنِكُمْ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِىِّ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا
الشَّهيدُ وَابْنُ الشَّهيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ
الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ
لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ السَّلامُ
عَلَيْكُمْ يا اَوْلِياءَ اللّٰهِ وَاَحِبّاءَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَصْفِياءَ
اللّٰهِ وَاَوِدّاءَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ دينِ اللّٰهِ السَّلامُ
عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَميرِ
الْمُؤْمِنينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ
الْعالَمينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبى مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ
الزَّكِىِّ النّاصِحِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبى عَبْدِ اللّٰهِ بِاَبى
اَنْتُمْ وَاُمّى طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتى فيها دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ

فَوْزاً عَظِيماً فَيا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ

رستگاری بزرگی پس کاشکی من بودم با شما پس رستگار میشدم با شما

و در شب اول و پانزدهم ماه رجب و در بیست و هفتم و در نیمه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید و سایر ایامی که زیارت آن حضرت مستحب است بهمین طریق زیارت میتوان کرد و زیارات مبسوطه و مخصوصه را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد بان کتاب رجوع نماید و از جمله برکات این شب با سعادت ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر علیه السلام در این شب واقع شده است و بایستی این دعا را بخواند در این شب که بمنزلهٔ زیارت آن حضرت است

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هٰذِهِ وَمَوْلُودِها وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا

بار خدایا بحق همین شب و زاییده شده در آن و بحجت تو و وعده شده در

الَّتِي قَرَنْتَ اِلىٰ فَضْلِها فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً

و آنکه رسانیدی بسوی فضل آن زیاده ای پس تمام شد کلمهٔ تو براستی و عدالت

لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ وَلا مُعَقِّبَ لِاٰياتِكَ نُورُكَ الْمُتَاَلِّقُ

نیست بدل کننده مر کلمات ترا و نه باز پس دارنده مر آیتهای ترا نور تو درخشنده

وَضِياؤُكَ الْمُشْرِقُ وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخْياءِ الدَّيْجُورِ الْغائِبُ

و روشنی تو که پیداست و نشانهٔ روشنی در شب تیره و تار از خلایق پنهان

الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلٰئِكَةُ شُهَّدُهُ وَاللّٰهُ

پوشیده است بزرگست مولود او و کریمست محتد او و فرشتگان حاضران اویند و خدا

ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ اِذا آنَ ميعادُهُ وَالْمَلٰئِكَةُ اَمْدادُهُ

یاور اوست و معین او چون نزدیک شد ظهور او و فرشتگان او مدد او میشوند

سَيْفُ اللّٰهِ الَّذي لا يَنْبُو وَنُورُهُ الَّذي لا يَخْبُو وَذُو الْحِلْمِ

شمشیر خدا است که کند نشود و نور خدا است که خاموش نشود و خداوند بردباری که

الَّذي لا يَصْبُو مَدارُ الدَّهْرِ وَنَوامِيسُ الْعَصْرِ وَوُلاةُ الْاَمْرِ

که میل نکند بجهل در دور زمان و صاحبان سر عصر و صاحبان فرمان

وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ الذِّكْرُ وَما يَنْزِلُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاَصْحابُ

و فرستاده شده بر ایشان ذکر و آنچه فرود آید در شب قدر و یاران

الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَراجِمَةُ وَحْيِهِ وَوُلاةُ اَمْرِهِ وَنَهْيِهِ اَللّٰهُمَّ

حشر و نشر ترجمان کنندگان وحی او و والیان امر او و نهی او خدایا

فصل

فَصَلِّ عَلىٰ خاتِمِهِمْ وَقائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَاَدْرِكْ

پس رحمت فرست بر آخر ایشان و قائم ایشان از عالم ایشان و دریابان مارا

بِنا اَيّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيامَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ اَنْصارِهِ وَ

پروردگار دولت او و ظاهر شدن او و ایستادن او و بگردان مارا از یاوران او و

اقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ وَاكْتُبْنا في اَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ وَاَحْيِنا

و قرین کن خون ما را بخون او و بنویس ما را در زمرهٔ مددکنندگان و خالصان او و زنده دار

في دَوْلَتِهِ ناعِمينَ وَبِصُحْبَتِهِ غانِمينَ وَبِحَقِّهِ قائِمينَ

ما را در دولت رفاه دارندگان و بصحبت او را غنیمت گیرندگان و حق او را بر پای دارندگان

وَمِنَ السُّوءِ سالِمينَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

و از بدیها سالم ای بخشنده تر از بخشندگان و ستایش مر خدا پروردگار

الْعالَمينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ

جهانیان را و رحمت خدا بر محمد آخر پیغمبران و فرستادگان خدا

وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقينَ وَعِتْرَتِهِ النّاطِقينَ وَالْعَنْ

و بر خانواده او که راست گویانند و عترت او سخن گویانند و لعنت کن

جَميعَ الظّالِمينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا اَحْكَمَ الْحاكِمينَ

همهٔ ستمکاران را و حکم کن میان ما و میان ایشان ای حکم کننده تر از حکم کنندگان

و نیز شیخ روایت کرده که پدرم امام زین العابدین علیه السلام ما را همه را در شب نیمهٔ شعبان نزد خود جمع کرده شب را سه حصه کرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد و ما آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش کرد و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب نمازهای این شب بسیار است از جمله آنها چهار رکعت هر دو رکعت بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق ع این نماز را از آن حضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنّي اِلَيْكَ فَقيرٌ وَمِنْ عَذابِكَ خائِفٌ وَبِكَ مُسْتَجيرٌ رَبِّ

بدرستیکه بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسنده و بتو زنهار جوینده پروردگار

لا تُبَدِّلْ اِسْمي وَلا تُغَيِّرْ جِسْمي رَبِّ لا تَجْهَدْ بَلائي رَبِّ لا

بدل مکن اسم ما را و تغییر مده جسم ما را پروردگارا بغایت مرسان بلاهای ما را پروردگارا

اللهم ۱۷

ماه شعبان

نَشْمِتْ بِي اَعْدَائِي اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَاَعُوذُ
شماتت نکند با من دشمنان پناه میبرم بعفو تو از عذاب تو و پناه میبرم

بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ اَنْتَ
بخشنودی تو از غضب و پناه میبرم بتو از تو بزرگست ثنای تو تو

كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ فِيكَ
چنانی که ستوده بر خود و برتر از آنچه گویند گویندگان در تو

در روایت دیگر بار چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد دو بیست و پنجاه
قل هو الله یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند این است

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اِلَيْكَ فَقِيرٌ وَاِنِّي مِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ رَبِّ
خدایا بدرستیکه بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسنده و زنهار جوینده پروردگارا

لَا تُبَدِّلْ اِسْمِي وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي رَبِّ لَا تُجْهِدْ بَلَائِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي
مبدل مکن اسم مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا بغایت مرسان بلای مرا خدایا بدرستیکه

اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ
پناه میبرم بعفو تو از عقوبت تو و پناه میبرم بخشنودی تو از غضب تو

وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا
و پناه میبرم برحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم بتو از تو نیست خدائی مگر تو

اَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اُحْصِي مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ
بزرگست ستایش تو و نمیتوانم شمرد ستایش ترا و نه ستودن ترا

اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ
تو چنانی که ستوده بر خود و برتر از آنچه گویند گویندگان

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا
پروردگارا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنین و چنان

و بجای و افعل بی کذا و کذا حاجات خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد
بعمل آورد موافق میشود با نماز حضرت امیرالمؤمنین ع و در فضیلت آن نماز احادیث بسیار است
و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبها است بعد از شب قدر
و حقتعالی فضل خود را بر بندگان در این شب عطا مینماید و باحسان خود گناهان ایشان را می

آمرزد پس سعی کنید در عبادت در این شب که این شبی است که خداوند بذات مقدس خود
سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید
و این شب را خدا از برای ما اهلبیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر قرار داده
است پس اهتمام نمائید در این شب در دعا و ثنا کردن بر خدا بدرستیکه هر که در این شب صد مرتبه
سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا
گناهان او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد خواه طلب نماید و خواه طلب
ننماید راوی پرسید که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن
دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت
دوم سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه
الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و اگر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه زهرا ع بخواند
بهتر است پس این دعا را بخواند ظاهرا خوب باشد

يَا مَنْ اِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهِمَّاتِ وَاِلَيْهِ
ای آنکه بسوی تو پناه برنده بندگان در کارهای سخت و بسوی او

مَفْزَعُ الْخَلْقِ فِي الْمُلِمَّاتِ يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى
استغاثه مینمایند آفریدگان در بلاها نازل شود ای دانای آشکار و پنهانها ای آنکه پنهان

عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْاَوْهَامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ
نیست براو اندیشهها و همها و گردش خیالات ای پروردگار خلایق

وَالْبَرِيَّاتِ يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْاَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ اَنْتَ
و آفریدگان ای آنکه بدست او پادشاهی زمینها و آسمانها تو ئی

اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَمُتُّ اِلَيْكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ فَيَا لَا
خدا نیست خدائی مگر تو توسل بسوی تو بحق لا اله الا انت پس ای آنکه

اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ اِلَيْهِ
نیست خدائی مگر تو بگردان مرا در این ماه و شب از آنکه نظر بسوی تو

فَرَحِمْتَهُ وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ فَاَجَبْتَهُ وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ
کرده پس رحم کردی او را و شنیدی دعای او را پس اجابت کردی او را و دانستی طلب در گذشتن

فَاَقَلْتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ
پس در گذشتی و عفو کردی از گذشته گناه او و بزرگ جرم او

فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَلَجَأْتُ اِلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي

پس بتحقیق که پناه بردم بتو از گناهان خود و التجا بردم بتو در پوشیدن عیبهای من

اَللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَاحْطُطْ خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ

خدایا پس ببخش بر من بکرم خود و بخشش خود و بریز گناهان مرا ببردباری خود

وَعَفْوِكَ وَتَغَمَّدْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ وَاجْعَلْنِي

و عفو خود و فرو گیر مرا در این شب ببسیاری کرامت خود و بگردان

فِيهَا مِنْ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ وَاخْتَرْتَهُمْ

در آنجا از دوستان خود آنانکه برگزیدی ایشان را برای فرمانبرداری خود و خواستی ایشان را

لِعِبَادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصَفْوَتَكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي

برای بندگی خود و گردانیدی ایشان را خالص برای خود و برگزیده خود خداوندا بگردان مرا

مِمَّنْ سَعِدَ جَدُّهُ وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ

از آنکه نیکو شد بخت او و بسیار شد از خیرها بهره او و بگردان مرا از آنکه سالم شد

فَنَعِمَ وَفَازَ فَغَنِمَ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا اَسْلَفْتُ وَاعْصِمْنِي مِنَ الْاِ

پس نعمت یافت و فیروزی یافت پس غنیمت برد و دفع کن از من بدی آنچه پیش کردم و نگهدار مرا از زیاده

زْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ وَحَبِّبْ اِلَيَّ طَاعَتَكَ وَمَا يُقَرِّبُنِي

نمودن در نافرمانی تو و دوست کن بسوی من فرمانبرداری خود و آنچه نزدیک میکند مرا

مِنْكَ وَيُزْلِفُنِي عِنْدَكَ سَيِّدِي اِلَيْكَ مَلْجَأُ الْهَارِبِ وَ

از تو و نزدیک میکند مرا نزد تو آقای من بسوی تست پناه آوردن گریزنده

مِنْكَ مُلْتَمَسُ الطَّالِبِ وَعَلٰى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ

از تو درخواست خواهنده و بر کرم تست اعتماد طلب عفو کننده و رجوع کننده

اَدَّبْتَ عِبَادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ وَاَمَرْتَ

ادب نمودی بندگان خود را ببزرگواری و تو بزرگوارتر بزرگوارانی و امر کردی

بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَاَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ فَلَا

بعفو از بندگان خود و تویی آمرزگار مهربان خدایا پس

تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ

محروم مکن مرا آنچه امید دارم از کرم تو و ناامید مکن مرا از بسیاری نعمت خود

وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ لِاَهْلِ طَاعَتِكَ

و بی بهره مکن مرا از فراوانی قسمتهای خود در این شب برای اهل طاعت خود

وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرَارِ بَرِيَّتِكَ رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ

و بگردان مرا در حفظ خود از بدان خلق خود پروردگارا اگر نباشم سزاوار

ذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ

این پس تو سزاوار کرم و عفو و آمرزش میباشی و ببخش بر من آنچه تو

اَهْلُهُ لَا بِمَا اَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجَائِي

سزاوار آنی نه بآنچه من مستحق آنم پس بتحقیق که نیکو است گمان من بتو و ثابت دار امید من

لَكَ وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ فَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ

مر ترا و بسته ام نفس خود را بکرم تو و تو رحیم ترین رحیمانی و کریم ترین کریمانی

اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسَمِكَ وَاَعِذْنِي بِعَفْوِكَ

خدایا و مخصوص کن مرا از کرم خود بفراوانی قسمتهای و پناه ده مرا بعفو خود

مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ وَ

از عقوبت خود و بیامرز مرا گناهی که باز میدارد از من خلق را

يُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّٰى اَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَاَنْعِمْ بِجَزِيلِ

و تنگ میکند بر من روزی را تا بپای دارم شایسته خوشنودی ترا و نعمت ده

عَطَائِكَ وَاَسْعِدْ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ

ببسیاری عطای تو و نیکبخت گردان بفراوانی نعمتهای تو پس بتحقیق که پناه بردم بحرم تو و در آمدم

لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَبِحِلْمِكَ مِنْ

مر کرم تو و پناه جستم بعفو تو از عقوبت تو و ببردباری تو از

غَضَبِكَ فَجُدْ لِي بِمَا سَاَلْتُكَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ اَسْاَلُكَ

غضب تو پس ببخش مرا آنچه خواستم از تو و برسان آنچه درخواستم از تو درخواست میکنم

بِكَ لَا بِشَيْءٍ هُوَ اَعْظَمُ مِنْكَ [illegible] يَا رَبِّ [illegible] يَا اَللّٰهُ مرتبه

بتو نه بچیزی که بزرگتر است از تو [illegible] پروردگارا

هفت لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مرتبه هفت مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ مرتبه

نیست یاری و توانائی مگر بخدا آنچه خواسته خدا نیست

اللّهم افلل حدّ عدوهم وفلّوا الاواقلم المقادم كل

إلّا بالله دهرنه لا قوّة إلّا بالله دهرنه — پس صلوات بر محمد وآل محمد بفر[ستد] الحج بخواهد وحاجت خود را

خدا طلب و بخدا قسم که اگر بعد

عطا است از رضا جئ بطلبد خدا تو را با نها برساند بکرم فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگوید یا رب محمّد و شیخ کفعمی گفته است که بگوید

إلٰهي تَعَرَّضَ لَكَ في هٰذا

خداوندا خود را عرضه کردند برای تو در این

اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ الْقاصِدُونَ وَأَمَّلَ

شب عرضه کنندگان و قصد کردند ترا قصد کنندگان و آرزو دارد

فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطّالِبُونَ وَلَكَ في هٰذَا اللَّيْلِ

فضل ترا و احسان ترا طلبکاران و برای تست در این شب

نَفَحاتٌ وَجَوائِزُ وَعَطايا وَمَواهِبُ تَمُنُّ بِها عَلى مَنْ تَشاءُ

نفحها و صلها و عطاها و بخششها که منت گذاری آنها را بر هر که خواهی

مِنْ عِبادِكَ وَتَمْنَعُها مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنايَةُ مِنْكَ وَها

از بندگان خود و باز میداری از کسی که مقدر نشده برای او عنایت از تو و اینک

أَنا ذا عُبَيْدُكَ الْفَقيرُ إِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ

منم بنده کوچک تو محتاج بسوی تو امید دار فضل تو و احسان تو

فَإِنْ كُنْتَ يا مَوْلايَ تَفَضَّلْتَ في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلى أَحَدٍ مِنْ

پس اگر بوده باشی ای مالک من که بخشش نموده باشی در این شب بر یکی از

خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

خلق خود و نفع رسانیده باشی بنفعی از مهربانی خود پس رحمت فرست بر

وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ

و آل محمد که پاکان پاکیزگان نیکان زیادتی داران و انعام کن بر من

بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يا رَبَّ الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ

بانعام خود و احسان خود ای پروردگار جهانیان و رحمت فرستد خدا بر

النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً إِنَّ اللهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

پیغمبران و آل او که پاکانند و درود دهد درود دادنی بدرستیکه خدا ستوده بزرگ

اللّٰهُمَّ إِنّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَ إِنَّكَ لا

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه فرمودی پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده فرمودی

شعبان

مُخْلِفُ الْمِيعادَ — مؤلف گوید که اینجا بجای آنست از دعاهای اینشب است

خلاف کنی وعده را

اما ظاهر اجر و عمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت

حسن مجتبی ع روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول ص نازل شد و گفت یا محمّد امت خود را امر کن

که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه

سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند اللّهم لك سجد سوادي وخيالي وبياضي يا

عظيم كل عظيم اغفر لي ذنبي العظيم فانه لا يغفره غيرك يا عظيم پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند خدا

از او هفتاد و دو هزار گناه از او و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادر او

هفتاد هزار گناه از او و نماز دیگر نمازیست که فاطمه و خاصه از حضرت رسول ص روایت کرده اند که آنحضرت

فرمود که شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل بر من نازل شد گفت یا محمّد آیا بخواب رفته در این شب

گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است پس برخیز ای محمّد و بر خیز و برو بقبرستان بقیع و گفت سر بلند کن

بسوی آسمان بدرستیکه این شبی است که درهای آسمان در این شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت

و درهای خوشنودی خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درهای نور بر درگاه

نعمتهای درگاه جود و بخشش و میآمرزد خدا از بندگان در این شب بعدد موهای چهارپایان و بهایم

ایشان یا محمّد هر که احیا کند در این شب بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و الحمد لله و نماز

کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش کردن و استغفار نمودن بهشت را آخر جای او باشد و گناهان

گذشته و آینده او آمرزیده شود یا محمّد هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام

هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی

و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید خدا صد گناه کبیره هلاک کننده او را

بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت با و عطا کند و شفاعت او را قبول کند

در صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه

داران این ماه و ثواب عبادت کنندگان این شب و عطا کند با انکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس

احیا کن این شب را یا محمّد و امر کن امت خود را که احیا کنند آنرا و تقرب جویند بسوی خدا بعبادات

بدرستیکه این شبی است با شرف یا محمّد چون من نزد تو میآمدم جمیع ملائکه آسمانها پاهای خود

گشوده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند

بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمّد

بدرستیکه خدا در این شب نظر رحمت بسوی بندگان میافکند و میآمرزد هر مؤمن را که بنماز

ماه شعبان

بستاده باشد یا نشسته مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود یا مشغول یاد خدا باشد این
شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب شود و هر که سؤال کند عطا کرده میشود
و هر که استغفار کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد و محروم کسیست
که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که در شب نیمه شعبان صد
رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزی
که دلها همه از ترس مرده باشد نمیرد تا آنکه صد ملک ببیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی
سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر آنها باشند که دور دنیا او را از شر شیطان
نگاه میداشتند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار میکردند در ساعات
شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند از شر دشمنان و منقولست که حضرت رسول در این
شب میخواندند این دعا را اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْيَتِكَ ما يَحُولُ بَيْنَنا وَبَيْنَ
خدایا بهره ده ما را از ترس خود القدر که حایل شود میان ما و میان
مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ طاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَكَ وَمِنَ
نافرمانی تو و از فرمانبرداری خود آنقدر رسانی ما را بآن بخوشنودی تو و از
الْيَقِينِ ما يُهَوِّنُ عَلَيْنا بِهِ مُصِيباتِ الدُّنْيا اللَّهُمَّ
یقین القدر که سست کند بر ما بآن مصیبتهای دنیا خدایا
أَمْتِعْنا بِأَسْماعِنا وَأَبْصارِنا وَقُوَّتِنا ما أَحْيَيْتَنا وَاجْعَلْهُ
بهره ور کن ما را بگوشها و دیدهای ما و توانائی ما که مدام زنده داری ما را و بگردان
الْوارِثَ مِنّا وَاجْعَلْ ثارَنا عَلى مَنْ ظَلَمَنا وَانْصُرْنا عَلى مَنْ عادانا
او را وارث برنده از ما و بگردان مطالبه خون ما را بر آنکه ستم کند ما را و یاری ده ما را بر کسی که دشمنی
وَلا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنا فِي دِينِنا وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيا أَكْبَرَ هَمِّنا
کند با ما و مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگ ترین همت
وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا بِرَحْمَتِكَ يا
و رسید گاه دانش ما و مسلط مکن بر ما کسی که رحم نکند ما را برحمت خود ای بخشنده ترین
أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ
بخشندگان
و این دعا جامع کامل است و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرت است
چون دعای کمیل زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین
و بهترین دعاها است و از دعاهای این شب است در اوقات دیگر نیز میتوان کرد باز چه در اینجا
مراد ما مینماییم نادر و فتیخواندن مند که معانی آن باشند تا فائده اش تمام تر و نفعش عظیم تر باشد

بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل زیاد گفت روزی با
مولای خود در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده
آن شب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت خضر در آن شب بخواند البته دعای او مستجاب میگردد
چون حضرت بمنزل مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید فرمود که بچه کار آمده ای کمیل
گفتم یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی
در هر شب جمعه یا در هر ماهی یکبار یا در هر سالی یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان
از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت
تو موجب آن شد که ترا باینچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانم پس گفت بنویس دعا را املا فرمودند

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ
بنام خدای بخشاینده مهربان خدایا بدرستیکه من درخواست میکنم ترا برحمت خود که فرا گرفته
كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ وَخَضَعَ لَها كُلُّ
هر چیز را و بتوانائی تو که غلبه کردی بآن هر چیز را و خاضع شد برای او هر
شَيْءٍ وَذَلَّ لَها كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ وَ
چیز را و خوار شد برای او هر چیز و ببزرگواری تو که غالب شدی بآن هر چیز
بِعِزَّتِكَ الَّتِي لا يَقُومُ لَها شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ
بعزت تو که برابری نایستد مر او را چیزی و بعظمت تو که پر کرده هر چیز را
وَبِسُلْطانِكَ الَّذِي عَلا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْباقِي بَعْدَ فَناءِ
و بپادشاهی تو که برتر است از هر چیز و بذات تو که باقیست بعد از فانی
كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي
هر چیز و بنامهای تو که پر کرده رکنهای هر چیز را و بدانش تو که
أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يا نُورُ
فرا گرفته هر چیز را و بروشنائی ذات تو که روشن گردید مر او را هر چیز ای روشنی
يا قُدُّوسُ يا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ
ای پاک ای اول پیشینیان و ای آخر پسینیان خدایا بیامرز
لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي
برای من گناهانی که میدرد پرده عصمت را خدایا بیامرز برای من گناهانی که

تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر
لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي
تنزل البلاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء اللهم
اغفر لي كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها اللهم
اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك و
اسألك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك
وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسألك سؤال خاضع متذلل
خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا
وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسألك سؤال من
اشتدت فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته و
عظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك
وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك
ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا

ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غير
لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي
وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من
قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار
وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست
اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي و
قصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي
بعد امالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها
ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان لا يحجب عنك
دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه
من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي
من سوء فعلي واساءتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة
شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها

رؤفاً وعليّ في جميع الامور عطوفاً الهي وربي من لي غيرك

اسأله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي

اجريت عليّ حكماً اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من

تزيين عدوّي فغرّني بما اهوى واسعده على ذلك القضاء

فتجاوزت بما جرى عليّ من ذلك بعض حدودك وخالفت

بعض اوامرك فلك الحمد عليّ في جميع ذلك ولا حجة لي فيما

جرى عليّ فيه قضاؤك والزمني فيه حكمك وبلاؤك

وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذراً

نادماً منكسراً مستقيلاً مستغفراً منيباً مقراً مذعناً

معترفاً لا اجد مفراً مما كان مني ولا مفزعاً اتوجه اليه

في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من

رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني

من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة

عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني

لابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك

معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي

من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من

حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعاً لربوبيتك

يا مولاي هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد

من ادنيته او تشرد من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته

ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار

على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك

صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك

محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة

وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت

باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك

عنك يا كريم يا ربّ وانت تعلم ضعفي عن قليلٍ من بلاء الدّنيا
وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على انّ ذلك
بلاءٌ ومكروهٌ قليلٌ مكثه يسيرٌ بقاؤه قصيرٌ مدّته فكيف
احتمالي لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاءٌ
تطول مدّته ويدوم مقامه ولا يخفّف عن اهله لانّه لا
يكون الّا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم
له السّموات والارض يا سيّدي فكيف بي وانا عبدك الضّعيف
الذّليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربّي وسيّدي و
مولاي لايّ الامور اليك اشكو ولما منها اضجّ وابكي لاليم
العذاب وشدّته ام لطول البلاء ومدّته فلئن صيّرتني
للعقوبات مع اعدائك وجمعت بيني وبين اهل
بلائك وفرّقت بيني وبين احبّائك واوليائك فهبني
يا الهي وسيّدي ومولاي وربّي صبرت على عذابك فكيف

اصبر على فراقك وهبني صبرت على حرّ نارك فكيف اصبر عن
النّظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النّار ورجائي عفوك
فبعزّتك يا سيّدي ومولاي اقسم صادقاً لئن تركتني ناطقاً
لاضجّنّ اليك بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخنّ اليك
صراخ المستصرخين ولابكينّ عليك بكاء الفاقدين
ولاناديك اين كنت يا وليّ المؤمنين يا غاية آمال العارفين
يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصّادقين ويا اله
العالمين أفتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت
عبدٍ مسلمٍ سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته
وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضجّ اليك ضجيج
مؤمّلٍ لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك و
يتوسّل اليك بربوبيّتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب
وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك ام كيف

تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيبُهَا

درد داورد او را آتش و او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا یا چگونه میسوزاند او را

وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرىٰ مَكانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

و تو بشنوی صدای او را و ببینی جای او را چگونه مشتمل شود براو زبانهٔ آن

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ أَطْباقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ

و تو میدانی ناتوانی او را چگونه مضطرب شود میان طبقات آن و تو میدانی

صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَهُوَ يُنادِيكَ يا رَبَّهُ أَمْ

راستی او را یا چگونه زجر کند او را زبانهٔ آن و او ندا کند ترا ای پروردگار

كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فِيها هَيْهاتَ ما

چگونه امید دارد فضل ترا در آزاد کردن او از آن پس واگذاری دور است نیست چنین

ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلا مُشْبِهٌ لِما

گمان بتو و نه شناخته شده از فضل تو و نه شبیه است مر آنچه

عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ

کردی با یگانه پرستان از نیکی تو و احسان پس بیقین دارم قطع دارم

لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ

اگر نه این که حکم کردی با و که از عذاب کنی منکران خود را و حکم کنی با و که

إِخْلادِ مُعانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها بَرْداً وَسَلاماً وَما

همیشه بداری در جهنم معاندان را هر آینه گردانیدی آتش را همه را سرد و سلامت و نبود

كانَتْ لِأَحَدٍ فِيها مَقَرّاً وَلا مُقاماً لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُكَ

مر احدی را در آن قرار و نه اقامتی لیکن تو که پاکیزه است نامهای تو

أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَها مِنَ الْكافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ أَجْمَعِينَ

سوگند خورده پر کنی جهنم را از کافران از پریان و آدمیان همه

وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعانِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً

و اینکه همیشه بداری در جهنم معاندان را و تو که بزرگ است ثنای تو گفت ابتدا کننده

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعامِ مُتَكَرِّماً أَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ

و بخشش کرده بنعمت دادن کرم کننده آیا پس هر که باشد گرونده مانند آنکه باشد

فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي

نافرمان یکسان نیستند خدایا و آقای من پس درخواست میکنم از تو بتوانائی خود

قَدَّرْتَها وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَها وَحَكَمْتَها وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ

که مقدر کرده آنرا و بحکمی که حتم کرده او را و حکم کرده او را و غالب شده بر او

أَجْرَيْتَها أَنْ تَهَبَ لِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذِهِ السّاعَةِ كُلَّ

جاری کرده او را ببخشی مرا در این شب و در این ساعت هر

جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَكُلَّ

گناهی که کرده ام او را و هر گناهی که کرده ام آن را و هر کار زشتی که پوشانیده ام و هر

جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَكُلَّ

نادانی که کرده ام آنرا و پوشانیدم آنرا یا آشکار کردم او را پنهان کردم آنرا یا پیدا کردم او را و هر

سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ بِإِثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ

بدی که فرمان دادی بنوشتن او بزرگواران نویسندگان که موکل گردانیدی ایشان را

بِحِفْظِ ما يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوارِحِي وَ

بحفظ کنند آنچه صادر میشود از من و گردانیدی ایشان را گواه با جوارح من

كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرائِهِمْ وَالشّاهِدَ لِما خَفِيَ

و بودی تو نگهبان بر من از پس ایشان و گواه مر آنچه پنهان

عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ وَأَنْ تُوَفِّرَ

از ایشان و برحمت خود پنهان داشتی او را و بفضل خود پوشیدی او را و اینکه وافر کنی

حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ أَوْ إِحْسانٍ تُفَضِّلُهُ أَوْ بِرٍّ تَنْشُرُهُ أَوْ

بهره مرا از هر نیکی که فرستادی او را یا احسانی که زیاده دادی او را یا نیکی که پهن کنی آنرا یا

رِزْقٍ تَبْسُطُهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَإٍ تَسْتُرُهُ يا رَبِّ يا

روزی که بگشائی او را یا گناهی که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا ای پروردگار

رَبِّ يا رَبِّ يا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ وَمالِكَ رِقِّي يا

پروردگارا پروردگار خدای من آقای من و سید من و مالک بندگی من ای

مَنْ بِيَدِهِ ناصِيَتِي يا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكَنَتِي يا خَبِيراً بِفَقْرِي

آنکه بدست اوست موی پیشانی من ... بدحالی و بیچارگی من ای دانا بفقر

وَفِّقْني يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ
وَاَعْظَمِ صِفاتِكَ وَاَسْمآئِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتي فِي اللَّيْلِ
وَالنَّهارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَاَعْمالي
عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتّى تَكُونَ اَعْمالي وَاَوْرادي كُلُّها وِرْداً
واحِداً وَحالي في خِدْمَتِكَ سَرْمَداً يا سَيِّدي يا مَنْ عَلَيْهِ
مُعَوَّلي يا مَنْ اِلَيْهِ شَكَوْتُ اَحْوالي يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ
قَوِّ عَلى خِدْمَتِكَ جَوارِحي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزيمَةِ جَوانِحي
وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ في خَشْيَتِكَ وَالدَّوامَ فِي الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ
حَتّى اَسْرَحَ اِلَيْكَ في مَيادينِ السّابِقينَ وَاُسْرِعَ اِلَيْكَ
فِي الْمُبادِرينَ وَاَشْتاقَ اِلى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقينَ وَاَدْنُوَ مِنْكَ
دُنُوَّ الْمُخْلِصينَ وَاَخافَكَ مَخافَةَ الْمُوقِنينَ وَاَجْتَمِعَ في
جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنينَ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرادَني بِسُوٓءٍ فَاَرِدْهُ وَ
مَنْ كادَني فَكِدْهُ وَاجْعَلْني مِنْ اَحْسَنِ عَبيدِكَ نَصيباً

عِنْدَكَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَاِنَّهُ
لا يُنالُ ذلِكَ اِلّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لي بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ
بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْني بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِساني بِذِكْرِكَ لَهِجاً وَ
قَلْبي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ اِجابَتِكَ وَاَقِلْني عَثْرَتي
وَاغْفِرْ لي زَلَّتي فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلى عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ
بِدُعآئِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجابَةَ فَاِلَيْكَ يا رَبِّ نَصَبْتُ
وَجْهي وَاِلَيْكَ يا رَبِّ مَدَدْتُ يَدي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لي
دُعآئي وَبَلِّغْني مُنايَ وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجآئي وَاكْفِني
شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدآئي يا سَريعَ الرِّضا اِغْفِرْ لِمَنْ لا
يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعآءَ فَاِنَّكَ فَعّالٌ لِما تَشآءُ يا مَنِ اسْمُهُ دَوآءٌ
وَذِكْرُهُ شِفآءٌ وَطاعَتُهُ غِنىً اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجآءُ
وَسِلاحُهُ الْبُكآءُ يا سابِغَ النِّعَمِ يا دافِعَ النِّقَمِ يا نُورَ الْمُسْتَوْحِشينَ
فِي الظُّلَمِ يا عالِماً لا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي

مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهِ وَالْاَئِمَّةِ الْمَيَامِيْنَ مِنْ اٰلِهٖ

تو سزاوار آنی و رحمت فرستد خدا بر فرستاده او و پیشوایان بامیمنت از آل

وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا كَثِيْرًا فضيلت

درود و سلام فرستد درود درود بسیار

در اعمال بقیه ماه است از حضرت امام رضا منقول است که هر که سه روز آخر ماه شعبان را روزه بدارد و بماه رمضان وصل کند ثواب دو ماه روزه متوالی برای او بنویسند و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در روز جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر است پس تدارک و تلافی کن آنچه از این ماه باقی مانده است تقصیرهائیکه در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه برای تو نافع است برای تو در آخرت و دعا و استغفار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی خدا از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک رمضان در آید خالص کرده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانتی مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود و هر که بر خدا توکل کند بر خدا پس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيْمَا مَضٰى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيْمَا بَقِيَ مِنْهُ بدرستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میکرداند بندهها بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق در شب آخر شعبان و شب اول ماه رمضان این دعا را میخواندند

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِيْ اُنْزِلَتْ فِيْهِ

خداوندا بدرستیکه این ماه مبارک که فرود فرستادی در آن

الْقُرْاٰنُ وَجُعِلَتْهُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَ

قرآن و گردانیده او را رهنما بر مردمان و حجتها از هدایت

الْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنَا فِيْهِ وَسَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا

و جدا کننده حق از باطل که حاضر شده پس سالم دار ما را در آن و سالم دار او را برای ما و سالم دار او را

فِيْ يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِيْلَ وَشَكَرَ الْكَثِيْرَ

در آسانی از تو و عافیت ای آنکه فرا گرفته اندک را و جزا داده بسیار

اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيْرَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ اِلٰى كُلِّ

بپذیر از من اندک خداوندا بدرستیکه در میخواهم از تو که بگردانی مرا بسوی هر

خَيْرٍ سَبِيْلًا وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا

نیکی راهی و از هر آنچه دوست نداری باز دارنده ای رحیمترین رحیمان ای

مَنْ عَفَا عَنِّيْ وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهٖ مِنَ السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْنِيْ

آنکه در گذشته از من و از آنچه خلوت کردم با او از بدیها ای آنکه مواخذه نکرد مرا

بِارْتِكَابِ الْمَعَاصِيْ عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيْمُ اِلٰهِيْ وَعَظْتَنِيْ

بارتکاب معاصی در گذر تو در گذر تو در گذر تو ای بزرگوار خدا پند دادی مرا

فَلَمْ اَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِيْ عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ اَنْزَجِرْ فَمَا عُذْرِيْ فَاعْفُ

پس پند نگرفتم و منع کردی مرا از محرمات تو پس ممنوع نشدم پس چیست عذر من در گذر

عَنِّيْ يَا كَرِيْمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ

از من ای بزرگوار در گذر تو در گذر تو خداوندا بدرستیکه در میخواهم از تو آسایش نزد

الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ

مرگ و عفو نزد حساب بزرگ است گناه از بنده تو

فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

پس باید نیکو گذشتن از نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزش

عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ اَمَتِكَ ضَعِيْفٌ

در گذر در گذر خداوندا بدرستیکه من بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز توام ناتوان

فَقِيْرٌ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنٰى وَالْبَرَكَةِ عَلَى الْعِبَادِ

محتاجم بسوی رحمت تو و توئی فرود آورنده بی نیازی و برکت بر بندگان

قَاهِرٌ مُقْتَدِرٌ اَحْصَيْتَ اَعْمَالَهُمْ وَقَسَمْتَ اَرْزَاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ

غالب با اقتدار شمردی کردار ایشان و قسمت کردی روزیهای ایشان و گردانیدی

مُخْتَلِفَةً اَلْسِنَتُهُمْ وَاَلْوَانُهُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ لَا يَعْلَمُ

مختلف زبانهای ایشان و رنگهای ایشان آفریدنی پس از آفرینش نمیداند

الْعِبَادُ عِلْمَكَ وَلَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ وَكُلُّنَا فَقِيْرٌ

بندگان دانش ترا و توانائی ندارند بندگان توانائی ترا و همه ما محتاجیم

اِلٰى رَحْمَتِكَ فَلَا تَصْرِفْ عَنِّيْ وَجْهَكَ وَاجْعَلْنِيْ مِنْ صَالِحِ

بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا از شایسته

خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر الهي ابقني خير

افریده خود در کردار خود و ارزو و قضا و قدر خدای من باقی دار مرا

البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة

بهترین بقا، و فانی کن مرا بهترین فنا، بر دوستی دوستان خود و دشمنی

اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء

دشمنان تو و میل کردن بسوی تو و ترسیدن از تو و فروتنی و وفا،

والتسليم لك والتصديق بكتابك واتباع سنة رسولك

و تسلیم برای تو و باور داشتن بکتاب تو و تابع شدن طریقه پیغمبر تو

اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او

خدایا آنچه میباشد در دل من از شک یا شبهه یا انکار یا نومیدی

فرح او بذخ او بطر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق

یا شادی یا سرکشی یا کبر یا ریا و سمعه یا بدبختی

او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب

یا دوروئی یا کفر یا نافرمانی یا عصیان یا بزرگی یا چیزیکه دوست نمیداری

فاسالك يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء

پس درخواهم ترا پروردگار اینکه بدل کنی بجای او ایمان بوعده تو و وفا

بعهدك ورضا بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما

بعهد تو و خوشنودی بحکم تو و در دنیا و در خواهش در انچه

عندك واثرة وطمانينة وتوبة نصوحا اسالك ذلك

نزد تست عطائی که منفرد باشم و آرام گرفتن و توبه نصوح درخواهم ترا این را

يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى فكانك لم تر و

ای پروردگار جهانیان خدای من تو از بردباری تو عصیان کرده میشوی که گویا نمیبینی تو

من كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك

و از کرم تو و جود خود را اطاعت کرده میشوی پس گویا نافرمانی کرده نشده و من و آنکه نافرمانی تو کرده

سكان ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا

ساکنان زمین تو ایم پس باش بر ما بخشش خود بخشنده و بنیکی بسیار عود کننده

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله صلوة دائمة

ای رحم کننده ترین رحیمان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشه که

لا تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين

احصا نشود و شمرده نشود و اندازه نکند اندازه او را غیر از تو ای بخشنده ترین بخشایندگان

واما نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد شده است و علما ذکر کرده اند **شب اول** صد رکعت با حمد و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سوره حمد **دویم** پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هر یک یکمرتبه **سیم** دو رکعت در هر رکعت حمد و بینه و پنج مرتبه توحید **چهارم** چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید **پنجم** دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد **ششم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید **هفتم** دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید **هشتم** دو رکعت در رکعت اول حمد و آیه امن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید و در دوم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید **نهم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله **دهم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و آیة الکرسی و سوره انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه **یازدهم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و قل یا ایها الکافرون ده مرتبه **دوازدهم** دوازده رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر **سیزدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه سوره والتین **چهاردهم** چهار رکعت و در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سوره والعصر **پانزدهم** چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب تب علینا و بیست یکمرتبه توحید ده مرتبه سبحان الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر **شانزدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید **هفدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد و هفتاد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار **هیجدهم** ده رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه توحید **نوزدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه آیه قل اللهم مالک الملک **بیستم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله **بیست و یکم** هشت رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه

توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه قل یا ایها الکافرون
و پانزده مرتبه توحید بیست و سیم صد رکعت در هر رکعت حمد و سوره اذا زلزلت بیست
و چهارم دو رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه اذا جاء نصر الله بیست و پنجم هشت رکعت در
هر رکعت حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر بیست و ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
آیه آمن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی
بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و نهم
ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه
سی ام دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد **باب سیم** در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان است
و در آن هشت فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت ماه مبارک است باید دانست
که ماه رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت
امام رضا ع روایت کرده اند که حضرت رسول ص در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند
که ایها الناس بدرستیکه رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهیست
که در نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها
و ساعتهای آن بهترین ساعتها است و آن ماهیست که خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا
و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب
عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعای شما در آن مستجاب است پس سؤال کنید از
پروردگار خود بنیتهای درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد
شما را از برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه شقی و بدبخت کسی
است که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی شما در این ماه
گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید
پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاهدارید زبانها
خود را از آنچه نباید گفت و بپوشید دیده ها خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی
آن و باز دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان
مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند
کنید بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها

یا رب العالمین انک سمیع الدعاء غفور رحیم

بهترین ساعتها است نظر میکند خدا در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید
ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میکند
هرگاه او را دعا کنند ایها الناس بدرستیکه جانهای شما در گرو کردههای شما است پس از گرو
بدر آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها
را بطول دادن سجدهها در این ماه و بدانید که خدا سوگند یاد کرده است بعزت و جلال خود که عذاب
نکند نمازگذارندگان و سجده کنندگان را در این ماه و نترساند ایشان را باتش جهنم در روز قیامت ایها
الناس هرکه از شما افطار نماید روزه دار مؤمنی را در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده
آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر این
نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید باتش جهنم از افطار فرمودن روزه دار اگرچه بنصف دانه خرما
باشد اگرچه بیک شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اگر
قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هرکه خلق خود را در این ماه نیکو گرداند از صراط آسان
بگذرد در روزیکه قدمها بر آن بلغزد و هرکه سبک گرداند در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را
خدا در قیامت حساب او را آسان گرداند و هرکه در این ماه شر خود را از مردم باز دارد حقتعالی
غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هرکه در این ماه یتیمی را گرامی دارد خدا او را در
قیامت گرامی دارد و هرکه در این ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند
او را برحمت خود در قیامت و هرکه در این ماه قطع احسان خود را از خویشان خود بکند خدا
در قیامت قطع رحمت خود را از او بکند و هرکه نماز سنتی در این ماه بکند خدا برای او برات بیزاری از
آتش جهنم برای او بنویسد و هرکه در این ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز
واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هرکه در این ماه بسیار صلوات بر من و آل من بفرستد خدا
سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوها اعمال سبک باشد و کسیکه یک آیه
از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس
بدرستیکه درهای بهشت در این ماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بروی
شما نبندد و درهای جهنم در این ماه بسته است پس از خدا سؤال کنید که بر روی شما نگشاید و شیاطین
را در این ماه غل میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرگز مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر
المؤمنین ع منقول است که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس این ماهیست
که خدا او را بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل بیت

سایر مردم و در این ماه گشاده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته
میشود درهای جهنم و در این ماه شنیده میشود دعاهای مؤمنان و مستجاب کرده دعاهای
ایشان و رحم میکند گریههای ایشان را و در این ماه شبی هست که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین
میآیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه‌دار بر خصوص پروردگار خود تا طلوع صبح و آن
شب قدر است که خدا مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامتم را پیش از آنکه آدم را خلق
کند بدو هزار سال و عبادات آن شب بهتر است از هزار ماه و روزه روزه‌اش بهتر است از
روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه رمضان و ماههای آن طالع میشوند
بر مردان و زنان روزه‌دار با رحمت و این ماه شما مانند ماههای دیگر نیست و روزهایش بهتر
روزها و شبهایش بهترین شبها است و دیوان و شیاطین در این ماه غل کرده و در زندانند و
زیاده میکند خدا در این ماه روزیها و عمرها را و مینویسد و مقدر میگرداند در این ماه حاجیان
بیت الله و در این ماه خدا رو میکند بسوی اهل ایمان با آمرزش و فیروزی و رحمت در روزی
خوشنودی خداوند جزا دهنده ای روزه‌دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستیکه در این ماه مهمان
پروردگار خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و روز خود و چگونه
نگاه میداری اعضاء و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها
در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان
تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه‌داران مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیان
کاران باشی و در روزیکه بکرامت آقای خود فایز گردند تو از جمله محرومان باشی و در روزیکه
سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از جمله رانده‌شدها باشی ای
روزه‌دار اگر تو را آقای تو از درگاه خود برگرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد اگر محروم
گرداند تو را پروردگار که تو را روزی خواهد داد و اگر او تو را خوار کند که تو را گرامی خواهد
داشت اگر او تو را ذلیل گرداند که تو را عزیز خواهد کرد و اگر او تو را واگذارد که تو را یاری خواهد کرد
و اگر او تو را بندگی قبول نکند بندگی کدام خدا را اختیار میکنی و اگر او لغزشها و گناهان تو را
نیامرزد امید بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده
از تو طلب نماید چه جواب خواهی گفت ای روزه‌دار نزدیکی بجوی بسوی خدا بتلاوت کردن
کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده است که شفاعت او را قبول میکنند
و در قیامت شفاعت میکند از برای آنها که تلاوت آن کرده‌اند پس بالا میروند بدرجات بهشت

بعد تلاوت آن با سفیران ای روزه‌دار بشارت باد تو را که هر نفسی که میکشی ثواب تسبیحی در نامه
عمل تو مینویسند و خواب تو در این ماه عبادت و طاعت تو در این ماه مقبول است و گناهان تو
در این ماه آمرزیده است و آوازهای شما بدعا در این ماه شنیده شده است و بمناجات و زاری که با خدا
کنی بر تو رحم میکند بدرستیکه شنیدم از حبیب خود حضرت رسول که خداوند عالم آزاد میکند در هر شب
از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کردهها هست از آتش جهنم که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند
چون شب آخر ماه میشود در آن شب میآمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضاً فرمودند
هر که ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائی که خدا حرام کرده است نگاه دارد
بهشت البته او را واجب گردد و هر که در این ماه روزه دارد و در هیچ شب از شبهای آن بحرام
افطار نکند البته داخل بهشت شود پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیاء که فرمود که بهتر
اوصیا پیغمبر در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا
کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول
الله البته این واقع خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگارم بدرستیکه برانگیخته میشود بدبخت
ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سر خضاب
شود پس مردم شروع بگریه و فغان کردند پس حضرت از منبر بزیر آمد و ایضاً از حضرت رسول منقول
است بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد
روز آنرا و بایستد بنماز و عبادت قدری از شب آنرا و نمازهای آنرا در اوقات فضیلت
بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه آن و بامداد بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود
ثواب شب قدر و فایز میگردد بجایزههای بسیار و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند
بخششهای بندگان نیست **فصل دویم** در بیان حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر
است بدانکه روزه بازداشتن خود است از چیزی چند که روزه را میشکند از طلوع صبح تا
برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور یا پنهان شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع
آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است با نیت قربت پس باید بداند چیزها را
تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست در آنها اگر قصد ترک کند ترک همه را از برای
رضای خدا ظاهر آنکه کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متفق باشد وجوب ترک آنها قصد کند
ترک آنها را بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطاً و آنچه بدعت
مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحباً و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است اما

اما اگر واجب معین است آنها کردن تا وقت **دوم** چیزی خوردن و چیزی آشامیدن است و چیزی
خوردنی و آشامیدنی متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا
و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا
در گوش بچکانند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلاف است و همچنین خلافست در خوردن و آشامیدن
چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها مانند چوب و سنگ و خاک و گیا
هها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر آنستکه اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب
از آن واجبست و احوط آنستکه اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد **سیم** جماع کردن در قبل
زن مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و کفاره است بی خلاف و جماع کردن
در دبر زن هرگاه انزال بشود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور آن
استکه جماع در دبر زن بدون انزال نیز مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل
نمیدانند و اول اقوی است **چهارم** باقی ماندن بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنستکه
مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضای تنها را واجب دانسته
اند و احوط آنستکه اگر زن حایض پاک شود پیش از طلوع صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست بعد
از صبح غسل بکند و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط
آنستکه تیمم بکند و تیمم را نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالیکه نیت
غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است و مشهور آنستکه اگر تا صبح
بیدار نشود قضای آن روز بر آن واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور
آنستکه اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل کردن نداشته باشد بر او قضا و کفاره لازم است و این
احوطست اگرچه در دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب دوم وجوب قضا است و این قول قوی نیست
بلکه خلافی در آن ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد آنستکه در خواب سیم جنب گاه بصبح
رسد قضا و کفاره هر دو واجبست و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متأخرین اعتقاد
آنستکه خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار
نموده و این احوط است بلکه خالی از قوتی نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک
رمضان نیز خلافست که آیا باید صبح را پاک بدر آید یا نه و حق آنست که در قضای ماه رمضان
صبح نمیباید جنب نباشد و در غیر قضا احوط آنستکه اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین نباشد
آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند اما اگر عمدا

کرده باشد و نیست که کفاره در کار نباشد اگر بدهد احوط است و در روزنگی هرجنابت
عمدا بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در روزه
معین اگر عمدا نیز اراده کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنستکه روزه اش باطل است و قضا
میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیز اراده کند تا زوال نیت میتواند کرد و بعد
از زوال الخلافست و بعضی گفته اند واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه رمضان باشد
و در روزه سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول
زوال نیت میتواند کرد و بعد از زوال الخلافست و بعضی گفته اند که تا نزدیک شام نیت میتوان کرد
و جمعی از محققین علما باین قائلند و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته اند بعد از زوال نیت نمیتوان
کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزه تمام روز را میباید و اگر بعد از
زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را میباید **پنجم** رسانیدن غبار غلیظ است
بحلق و بعضی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی قضا تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و
احوط رعایت مشهور است و بعضی از متأخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار
غلیظ را که از آن اجزا منفصل شود چون دود تنور و بخار دیگ و اظهر عدم بطلانست و احوط
اجتنابست از دود تنباکو **ششم** استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن باحصول آن موجب قضا
و کفاره است و مشهور آنستکه هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه او باطل میشود و قضا
و کفاره لازم است و بعضی در این تامل نموده اند خصوصا وقتیکه نیت بجا آوردن باشد و عادت
او انزال نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال
یا حرام یا صدا او را شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد
انزال نداشته باشد یا عادت نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است
هفتم قی کردن است عمدا و اکثر موجب قضا تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب
میدانند و بعضی هیچ یک را واجب نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب قضا تنها خالی از
قوت نیست و مشهور آنستکه هرگاه قی بی اختیار آید بر او قضا نیست و بعضی قضا را واجب دانسته
اند و این ضعیف است **هشتم** حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی موجب
قضای تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچ یک ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را موجب
قضا دانسته اند و حقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته اند
و این قول اقوی است و احوط آنستکه بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و

واشهر واقوی آنستکه چکانیدن دوا در گوش موجب فساد صوم نمیشود و سعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنستکه جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند و اگر بحلق برسد احوط اجتناب است هفتم دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است یا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه کسیکه اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد و مسئله بگوید و در حرمت آن شکی نیست و بعضی دروغ را موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میگویند موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوت نیست و احوط آنستکه اگر بکند قضا بکند و کفاره بدهد هشتم سر فرو بردن در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره هردو میدانند و بعضی موجب قضای تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب هیچ یک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمت است و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را فرو برد در آب ناکردن و بدن بیرون از آب باشد یا زحکم ارتماسی دارد و این احوط است و بعضی گفته اند که سر کافر فرو برد منافذ سر را دفعة هرچند منابت مو بیرون باشد یا زحکم ارتماسی دارد و این اقوی است و احوط آنستکه در روزه ستر نیز سر را با بعض فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که از سینه بر آید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون میاید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعیکه حکم بفساد کرده اند بعضی بقضا تنها قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب دانند و بعضی بکفاره جمع قائل شده اند و گمان فقیر آنستکه هیچ یک لازم نشود اما احتیاط آنستکه بعد از آنکه بفضای دهن برسد فرو نبرد دوازدهم مشهور میان علما آنستکه مکروه است که زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند که هرگاه ناکرده آب بنشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اقوی اظهر است و در خائیدن کندر و مصطکی که اثر فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنستکه اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است آن وقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده خورده باشد قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او فرو رود قضا بر او واجب نیست و اگر

جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلقش فرو رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوب است و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهن را بیندازد و این احوط است

فصل سیم در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار بوسیدن زنان و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنستکه کراهت مخصوص بصورتی نیست که آنها محرک شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است بچشم کشیدن چیزی که آنرا طعمی باشد که بحلق برسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهت بیرون آوردن خون است زیادی که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است بوئیدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنستکه مشک را هم نبوید و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق منقولست که طیب تحفه صائم است و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خوشبو کند عقلش زائل نشود و اشهر و اقوی آنستکه بوئیدن رایحه غلیظه مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوئیدن رایحه غلیظه که بجوف برسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنستکه بوی خوش سائیده را که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروه است صائم جامه که ملاصق بدنست تر کند و مکروه است زن صائمه را که در آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق منقولست که هرگاه روزه داری میباید که روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد ایضا از آنحضرت منقولست که روزه تنها همین خوردن و آشامیدن نیست تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز هم و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت بگردانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد آرام دل و آرامی تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت مانند بنده که از آقای خود ترسد ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار

ماه رمضان

باشد و رحمت و را و باید که پاک باشد روزه دار دلش از عیبها و باطنش از حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدنش از کثافتها و بیزاری بجوید بسوی خدا از آنچه غیر او است در روزه و لا بد خود را خالص کرده از برای او و خاموش باشی از آنچه خوشنودی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن او است در پنهان و آشکار و ببخشی روح و خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ کردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خوانده است بسوی آن اگر همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنچه بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن بدرستیکه پدرم گفت که رسول خدا شنید که زنی در روزی روزه جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور آن زن گفت من روزه ام فرمود چگونه روزه که جاریه خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستیکه حق تعالی روزه را حجابی کرده است از سایر امور قبیحه از رفتار بد و گفتار بد چه بسیار کمند روزه داران و چه بسیار ند گرسنگی کشندکان و حضرت امیر المؤمنین فرمود چه بسیار روزه داریکه او را بهره نیست از روزه بغیر از تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کنندکه نیست و را بهره از عبادت بغیر تعب عبادت خوشا خواب زیرکان که بهتر است از بیداری و عبادت احمقان و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر است از روزه داشتن بیخردان زیرا که خواب عفران چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشانست بلکه روح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میکردند و بر اسرار غیب برؤیای صادقه مطلع کردند و او از راههای غریب ایشانست و افطار خردمندان چون از راه دانائیست بوجهیکه خدا خواسته است افطار مینمایند بهتر است از روزهای احمقان که بعد را دستگاه خود فروشی کرده اند و برپا و عجب ممزوج کرده اند و بشرایط صوم عمل نمیکنند

فصل چهارم در بیان دخول ماه مبارک رمضان است سنت است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو ربی و ربک الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و المسارعة الی ما تحب و ترضی اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا و ارزقنا خیره و عونه و اصرف عنا ضره و شره و بلاءه و فتنته و بهترین دعاها دعای هلال

صحیفهٔ کامله و از دعای عقبل وقت دیدن هلال ماه مبارک رمضان است الحمد
سپاس

لله الذی خلقنی و خلقک و قدر منازلک و جعلک
مر خدایرا که آفرید مرا و آفرید ترا و اندازه کرد منزلهای ترا و کردانید ترا

مواقیت للناس اللهم اهله علینا اهلالا مبارکا اللهم
اوقات برای مردم خداوندا در آور کردان برما در آوردنی با برکت خداوندا

ادخله علینا بالسلامة و الاسلام و الیقین و الایمان و
در آور ماه را برما بسلامتی و اسلام و یقین و ایمان

البر و التقوی و التوفیق لما تحب و ترضی
و نیکی و پرهیزکاری و توفیق مر آنچه را دوست داری و پسندی

و در شب و جماع با حلال خود سنت است و غسل در شب اول سنت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد تا طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضا منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق علیه السلام فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه معین میشوند که بحج بروند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان با ستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع کند بلا را از شما و استغفار محو میکند کناهان شما را و زیارت امام حسین در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق منقولست که هر کس در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند کناهان او بریزد مانند برک از درختان و از کناه بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب این ماه سورهٔ انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ کردد و روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ انعام بخواند و سؤال کند که خدا او را از کناهان شر نگاه دارد و او را کفایت کند از آنچه میترسد در این ماه و حفظ کند او را از آنچه میترسد از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن میتواند خواند

در شب اول ماه نیت تمام روزهای ماه را بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین کند که قصد کنم که فردا روزه ماه رمضان بدارم واجب قربة الی الله و در روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق منقول است که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضاً از آنحضرت منقول است که هر که در روز اول ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از این بلاها ایمن گردد و هر که یک کف گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی منقول است که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند با آنچه میسر شود سلامتی آن ماه را خریده است و در روز اول ماه

ابتدا این دعا بخواند اللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللّٰهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و از حضرت امام موسی منقول است که چون ماه رمضان داخل شود بگو: اللّٰهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا

حضرت صادق منقول است که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد خدا جمیع بدیها

در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است و کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را بجهت رضای خدا و بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال با و نرسد فتنه و گمراهی و نرسد آفتی که ضرر رساند بدین او و یا بدن او و خدا حفظ کند او را از شر آنچه در آن سال واقع شود از بلاها دعا این است

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ

السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب
التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر
لي الذنوب التي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة
التي لا ترام وعافني من شر ما احاذر بالليل والنهار
في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات السبع ورب
الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش
العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل
وميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه و
آله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسالك بك وبما
سميت به يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور
وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثير
وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل على محمد واهل
بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي بنورك

واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم
عطيتك واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه
احدا من خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل
شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما
تشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني
على ملة ابرهيم وفطرته وعلى دين محمد صلى الله عليه
وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك
معادياً لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل
او قول او فعل يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او
قول او فعل يقربني منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين
وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر
عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذاراً ان تصرف وجهك
الكريم عني فاستوجب به نقصاً من حظ لي عندك يا رؤوف

يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك و
اي ارزنده خداوندا بگردان مرا در آينده اين سال و اين در حفظ خودت

في جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك
و در سايه خودت و در پناه خودت و بپوشان مرا بپوشش عافيت خود و ببخش مرا كرامت خود

عزّ جارك وجلّ ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني
ارجمند است همسايه تو و بزرگست ثناي تو و نيست خداي غير تو خدايا بگردان مرا

تابعا لصالح من مضى من اوليائك والحقني بهم و
پيرو نيكوكار آنكه گذشته از دوستان تو و برسان مرا بايشان

اجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ
و بگردان مرا منقاد براي آنكه گفت براستي بر تو از ايشان و پناه ميبرم

بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي و
بتو خدايا اينكه فرو گيرد مرا گناه من و ستم من و اسراف من بر خودم

اتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني و
و پيروي كردن خواهش خود را و مشغول شدن مرا بخواهشهاي خود را پس مانع گردد اين ميان من

بين رحمتك ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا
و ميان رحمت تو و خوشنودي تو پس باشم فراموش شده نزد تو و در معرض

لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني
در غضب تو و عذاب تو خدايا توفيق ده مرا براي هر كرداري كه شايسته باشد و خوشنودي از من

وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلى
و نزديك كن مرا بسوي خود نزديكي خدايا چنانچه دفع نمودي از پيغمبر خود محمد رحمت فرستد

الله عليه واله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه
خدا بر او و آل او شدت دشمن او و گشادي هم او را و زايل كردي غم

وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك
او را و راستي وعده او را و روا كردي مراد او را عهد خود خدايا پس بآن روش

فاكفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها
دفع كن از من ترس اين سال و آفتهاي او را و بيماريهاي او و فتنه هاي آن

وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك
و شرور آن و اندوه آن را و تنگي معاش را در آن و برسان مرا برحمت خود

كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي
بنهايت عافيت بتمامي دوام نعمت نزد من تا آخر عمر من

اسألك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف و
در ميخواهم ترا در خواستن آنكه بد كرده و ستم كرده و فروتني نموده و اعتراف كرده

اسألك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها
و در ميخواهم ترا اينكه بيامرزي مرا آنچه گذشته از گناهانم كه شمردي او را

حفظتك واحصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني اللهم
حفظه تو و شمردي او را بزرگواران فرشتگان تو بر من و اينكه نگاه داري مرا

الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله
خداي من از گناهان در آنچه باقي مانده از عمر من تا آخر عمر من و اجل من اي خدا

يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيت محمد وآتني كل
اي بخشنده اي مهربان رحمت فرست بر محمد و خاندان محمد و بده مرا هر

ما سألتك ورغبت اليك فانك امرتني بالدعاء و
آنچه سؤال كردم از تو و رغبت نمودم بسوي تو پس بدرستيكه تو امر كردي مرا بخواندن

تكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين
و ضامن شدي براي من اجابت را اي بخشنده ترين بخشندگان

فصل پنجم

در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارك رمضان است از حضرت صادق و كاظم منقول است كه بعد از هر نماز ماه مبارك رمضان اين دعا را بخوانند

يا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم انت
اي بلند مرتبه اي بزرگ اي آمرزنده اي مهربان تويي

الرب العظيم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير
پروردگار بزرگ كه نيست مانند او چيزي و اوست شنوا و بينا

وهذا شهر عظمته وكرمته وشرفته وفضلته على
و اين ماهيست بزرگ گردي او را و گرامي داشتي او را و زيادتي دادي او را بر

الشهور وهو الشهر الذي فرضت صيامه علي وهو شهر
ماهها و آن ماهيست كه واجب كردي روزه را بر من و آن ماهيست

رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینة
رمضانست که فرو فرستادی دران قرآن را راهنما برای مردمان و حجتها

من الهدی والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها
از هدایت و جدا کننده حق از باطل وگردانیدی دران شب قدر را وگردانیدی

خیرا من الف شهر فیاذا المن ولا یمن علیك من علی
او را بهتر از هزار ماه پس ای خداوند عطا و منت باشد بر تو عطا کن بر من

بفکاك رقبتی من النار فیمن تمن علیه وادخلنی الجنة
بخلاصی گردن من از آتش در آنچه عطا کنی بر من و در آور مرا در بهشت

برحمتك یا ارحم الراحمین
برحمت خود ای رحیمترین از رحیمان
ودعای بسیار خوبست اقبال نیکو بر خوب خوانده شود و بسند صحیح منقولست که هر که در هر شب ماه مبارک این دعا را بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود

اللهم رب شهر رمضان الذی
خداوندا ای پروردگار ماه رمضان که فرو

انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادك فیه الصیام
فرستادی در آن قرآن و واجب گردانیدی بر بندگان خود در این ماه روزه

صل علی محمد وآل محمد وارزقنی حج بیتك الحرام فی
رحمت فرست بر محمد وآل محمد و روزی کن مرا حج خانه محترم خود

عامی هذا وفی کل عام واغفر لی تلك الذنوب العظام
در سال من امسال و در هر سال و بیامرز مرا این گناهان بزرگ

فانه لا یغفرها غیرك یا رحمن یا علام
پس بدرستیکه نیامرزد آنها را غیر از تو ای بخشنده ای دانا
و ایضا هزار مرتبه سوره انا انزلناه سنت خواندن وصد مرتبه سوره حم دخان

اگر میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که ترك نکنند امت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمای زبون باشد و ایضا
از آنحضرت منقولست که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در
سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیك شربت آب باشد و بهترین سحور خرما و قاووت
است و خرما و ایضا فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خدا صلوات و رحمت
فرستد بر سحور خورندگان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره انا انزلناه را
در وقت سحور خوردن و در وقت افطار بخواند و در این ما بین ابند و خالت بمیرد ثواب
کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته‌اند
که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکنند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد که

و همین که میداند و قصد دارد که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است و اما
آداب افطار سنت است که اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی
انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب باشد و مانع حضور قلب و باشد در
نماز در این دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است و در وقت افطار سوره انا انزلناه
خواندن سنت است چنانچه را انبی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت افطار
بگوید یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرك اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب
العظیم الا العظیم از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده است و از حضرت
امام حسن علیه السلام منقولست که هر روزه داری را در وقت افطار دعای مستجابی هست پس باید که
لقمه اول بگوید بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفر لی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که در وقت افطار بگوید اللهم لك صمت وعلی رزقك افطرت وعلیك
توکلت تا خدا عطا کند بتو ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته است و در روایت
دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار بدو زانو می‌نشستند و چون خوان را
میگذاشتند میگفتند اللهم لك صمنا وعلی رزقك افطرنا فتقبله منا انك انت السمیع
العلیم و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه افطار میکردند بر
خرما و آب یا بر رطب و آب و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت در وقت افطار ابتدا
مینمودند اگر میبود بقند یا نبات و قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نبود با آب گرم
افطار میکردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند معده را و فوت میدهد حدقه را و
بینائی را زیاد میکند و گناهان را میشوید و عروق را ساکن میکرداند و صفرای غالب را فرو
مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و ایضا
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بر خرمای حلال افطار کند ثواب نمازش چهارصد برابر
گردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که افطار کردن بآب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دوست میداشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که هر که در وقت افطار یك گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را
بیامرزد و ثواب یك بنده آزاد کردن از فرزندان اسماعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال
در روزها و شبهای این ماه تلاوت قرآنست و بسیار باید خواند چون قرآن در این ماه نازل
شده است و در حدیث است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارك رمضانست

و در ماههای دیگر هر ماه روزهای سنت است و افضل شش روز است در ماه مبارک رمضان
بکنم سنت است اگر روزه بگیرد ثوابش کرامت خوبیست در حدیث است که بعضی از ائمه صلوات الله علیهم
در این ماه چهل ختم و زیاده میکردند اگر هر ختمی ثوابش را بروح مقدس یکی از ائمه و رسول خدا
و فاطمه زهرا صلوات الله علیهم هدیه کند ثوابش مضاعف گردد صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
باید فرستاد و باید بسیار استغفار کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و تا قلیها شب و روز
زانیا باید ترک کرد و در شبهای طاق این ماه غسل کند سنت خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم و
نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبها جفت نیز غسل سنت است خصوصا
شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر از
حضرت صاحب الامر منقول است که بشیعیان نوشتند که در هر شب ماه مبارک این دعا را بخوانند
که دعای این ماه را ملائکه میشنوند و از برای
صاحبش استغفار میکنند دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِکَ
بار خدایا بدرستیکه من آغاز میکنم ستایش را بحمد تو

وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّکَ وَاَیْقَنْتُ اَنَّکَ اَنْتَ اَرْحَمُ
و تو توفیق دهنده برای صواب بعطای تو و یقین کردم بدرستیکه تو ای بخشنده ترین

الرّاحِمینَ فی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعاقِبینَ فی
بخشندگان در مقام عفو و رحمت تو و سخت گیرنده ترین عقوبت کنندگان

مَوْضِعِ النَّکالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرینَ فی مَوْضِعِ
در مقام عقوبت و عذاب و بزرگ ترین بزرگواران در مقام

الْکِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَةِ اَللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لی فی دُعائِکَ وَمَسْئَلَتِکَ
بزرگواری و عظمت بار خدایا دستوری مرا در دعا خود و سؤال خود

فَاسْمَعْ یا سَمیعُ مِدْحَتی وَاَجِبْ یا رَحیمُ دَعْوَتی وَاَقِلْ یا غَفُورُ
پس بشنو ای شنونده ستودن مرا و اجابت کن مرا ای مهربان خواندن مرا و درگذر ای آمرزگار

عَثْرَتی فَکَمْ یا اِلٰهی مِنْ کُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها وَهُمُومٍ
از لغزش من پس چه بسیار ای خدای من از اندوه که تحقیق گشادی آن را و غمهایکه

قَدْ کَشَفْتَها وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها وَ
تحقیق برداشتی آن را و لغزشها درگذشتی از آن و رحمت که تحقیق پهن کردی آن را

حَلْقَةِ بَلاءٍ قَدْ فَکَکْتَها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ
و حلقه بلا تحقیق گشودی آن را سپاس مر خدا راست که مر او را

یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ
نگرفته زنی و نه فرزندی و نباشد مر او را شریک در پادشاهی

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمیعِ
و نباشد مر او را دوستی از خواری و یاد کن او را ببزرگی حمد مر خدا را بهمه

مَحامِدِهِ کُلِّها عَلی جَمیعِ نِعَمِهِ کُلِّها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لا مُضادَّ
ستایشهای او همه آن بر همه نعمتهای او همه آن حمد مر خدا را که نیست ضدی مر او را

لَهُ فی مُلْکِهِ وَلا مُنازِعَ لَهُ فی اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لا شَریکَ
در پادشاهی او و نیست مخالفی مر او را در امر او حمد مر خدائی را که نیست شریک

لَهُ فی خَلْقِهِ وَلا شَبیهَ لَهُ فی عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفاشی
او را در آفرینش و نیست مانند او در عظمت او حمد مر خدای را که منتشر است

فِی الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظّاهِرِ بِالْکَرَمِ مَجْدُهُ الْباسِطِ بِالْجُودِ
در خلق امر او و حمد او که هویداست ببزرگواری مجد او گستراننده بجود

یَدَهُ الَّذی لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ وَلا تَزیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا
دست او که کم نمیکند خزانهای او و زیاد نکند او را بسیاری عطا مگر

جُوداً وَکَرَماً اِنَّهُ هُوَ الْعَزیزُ الْوَهّابُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
جود و کرم بدرستیکه او است غالب بخشنده خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو

قَلیلاً مِنْ کَثیرٍ مَعَ حاجَةٍ بی اِلَیْهِ عَظیمَةٍ وَغِناکَ عَنْهُ قَدیمٌ
کمی از بسیاری با احتیاج من بسوی او بزرگ و بی‌نیازی تو از او دیرینه

وَهُوَ عِنْدی کَثیرٌ وَهُوَ عَلَیْکَ سَهْلٌ یَسیرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَکَ
و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل و آسانست خدایا بدرستیکه عفو تو

عَنْ ذَنْبی وَتَجاوُزَکَ عَنْ خَطیئَتی وَصَفْحَکَ عَنْ ظُلْمی وَسَتْرَکَ
از گناه من و درگذشتن تو از خطاهای من و گذشتن تو از ستم من و پوشیدن تو

عَلی قَبیحِ عَمَلی وَحِلْمَکَ عَنْ کَثیرِ جُرْمی عِنْدَ ما کانَ مِنْ خَطائی
بر زشتی کردار من و بردباری تو از بسیاری جرم من نزد آنچه باشد از خطای من

وَعَمْدی اَطْمَعَنی فی اَنْ اَسْئَلَکَ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْکَ
و عمد من طمع انداخت مرا در آنچه سوال کنم ترا آنچه را که مستوجب نیستم از تو

الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنِي
که روزی دادی مرا از رحمت خود و نمودی مرا از قدرت خود و شناساندی مرا

مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا
از اجابت خود پس گردیدم که بخوانم ترا ایمن و درخواهم ترا انس گیرنده

خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ
نه ترسناک و نه بیمناک دلیل آورنده ام بر تو در آنچه قصد کردم در آن بسوی تو

فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي
پس اگر درنگ شود از من عتاب نمودم بنادانی خود بر تو و شاید آنکه درنگ کردی از من

هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلًى كَرِيمًا أَصْبَرَ
او بهتر است مرا از جهت علم تو بانجام کارها پس ندیدم بزرگواری را صابرتر

عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُوَلِّي عَنْكَ
بر بنده لئیم از تو بر من ای پروردگار بدرستیکه تو میخوانی مرا پس روگردانم از تو

وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ
و دوستی میکنی با من پس دشمنی میکنم با تو و دوستی میکنی با من پس نپذیرم از تو

كَأَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ بِي وَ
گویا این احسان است بر تو پس باز نمیدارد ترا این از رحمت بمن

الْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ
و احسان بسوی من و بخشش کردن بمن بجود تو و کرم تو پس رحم کن

عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ
بنده نادان خود و بخشش کن بر او بفضل و احسان خود بدرستیکه تو بخشنده

كَرِيمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ فَالِقِ
بزرگواری سپاس مر خدا را پادشاه پادشاهی روان سازنده کشتی رام کننده بادها شکافنده

الْإِصْبَاحِ دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ
عمود صبح جزا دهنده پروردگار جهانیان سپاس مر خدا را بر بردباری او

بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى
پس از دانش او و سپاس خدا را بر عفو او پس از قدرت او و حمد مر خدا را

طُولِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ
بردباری او در غضب او و او تواناست بر آنچه اراده کند سپاس مر خدا را آفریننده

الْخَلْقِ بَاسِطِ الرِّزْقِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
خلق گستراننده روزی شکافنده عمود صبح خداوند بزرگوار و گرامی داشتن

وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي بَعُدَ فَلَا يُرَى وَقَرُبَ فَشَهِدَ
و فضل و انعام که دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس گواه

النَّجْوَى تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ
راز برکت است و برتر است سپاس مر خدا را که نیست او را نزاع کننده که برابری کند

وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزَّاءَ
مر او را و نه مانندی که بماند مر او را و نه یاوری که قوت دهد او را غلبه کرد بعزت خود عزیزان

وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
فروتنی نموده مر عظمت او را بزرگان پس رسید بتوانائی آنچه خواهد سپاس مر خدایرا

الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ
که اجابت کند هنگامیکه بخوانم او را و بپوشاند بر من هر عورتی را و من نافرمانی کنم

وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ
و بزرگ کند نعمت را بر من پس پاداش ندهم پس بسا از بخشش گوارا که

أَعْطَانِي وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي
عطا کردی مرا و بلاهای بزرگ ترسیده شده که رفع کردی و خوشی که نمودی مرا

فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ
پس ثنا میگویم او را و سپاس میگویم و یاد میکنم او را و حال آنکه تسبیح میکنم حمد مر خدایرا که دریده نشود پرده او

وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ آمِلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
و بسته نشود در او و بر گردیده نشود خواهنده او و نا امید نشود آرزومند او سپاس مر خدایرا که

يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ
ایمنی دهد ترسندگان را و برهاند شایستگان را و بلند سازد ناتوانان را

وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
و پست میسازد گردنکشان را و هلاک کند پادشاهان را و جانشین کند دیگران را و سپاس مر خدا را

فاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين

درهم شكننده گردنكشان هلاك كننده ستمكاران دريابنده گريزندگان عذاب كننده ستمكاران

صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين

دادرس دادخواهان محل حاجتهاى طالبان محل اعتماد گروندگان

الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف

سپاس مر خدا را كه از ترس او ميلرزد آسمان و ساكنان آن و ميلرزد

الأرض وعمارها وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله

زمين و عمارت كنندگان او و موج زند درياها و آنكه شنا كند در گردابها حمد مر خدا را

الذي هدانا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد

كه راه نمود ما را و نبوديم كه راه يابيم اگر نه آنكه راه نمايد ما را خدا حمد

لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم

مر خدا را كه مى آفريند و آفريده نشود و روزى ميدهد و روزى داده نشود و ميخوراند و خورانيده نشود

ويميت الأحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو

و ميميراند زندگان را و زنده كند مردگان را و او زنده است كه نميرد در دست اوست خير و او

على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وامينك

بر هر چيز توانا خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و امين تو

وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ

و برگزيده تو و دوست تو و اختيار كرده تو از خلق تو و نگاه دارنده راز تو و رساننده

رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب

پيغامهاى تو بهتر و نيكوتر و خوبتر و كاملتر و پاكتر و فزاينده تر و پاكيزه تر

واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت

و پاكتر و بلندتر و بيشتر از آنچه رحمت فرستادى و بركت دادى و ترحم كردى و مهربانى كردى

وسلمت على احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك

و درود فرستادى بر يكى از بندگان خود و پيغمبران خود و فرستادگان خود و برگزيدگان

واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل على علي امير

و اهل كرامت بر تو از خلق تو خداوندا رحمت فرست بر على پادشاه

المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليك و

گروندگان و وصى فرستاده پروردگار جهانيان بنده تو و ولى تو

اخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبإ

و برادر فرستاده تو و حجت تو بر خلق تو و نشانه بزرگ تو و خبر

العظيم وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة

بزرگ و رحمت فرست بر پيوسته راستگو پاكيزه فاطمه زهرا بزرگ

نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى

زنان جهانيان و رحمت فرست بر دو فرزندزاده رحمت و دو پيشواى راستى

الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل على ائمة

حسن و حسين آقاى جوانان اهل بهشت و رحمت فرست بر پيشواى

المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد

مسلمانان على پسر حسين و محمد پسر على و جعفر پسر محمد

وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد

و موسى پسر جعفر و على پسر موسى و محمد پسر على و على پسر محمد

والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حججك على عبادك

و حسن پسر على و جانشين راهنما راه يافته حجت تو بر بندگان تو

وامنائك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل على

و امانت داران تو در شهرهاى تو رحمت بسيار پيوسته خداوندا رحمت فرست بر

ولي امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك

و ولى امر تو برپا ايستاده اميد داشته و دادخواه منتظر و فرو گير او را به فرشتگان

المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله

مقرب تو و قوت ده او را بروح القدس اى پروردگار جهانيان خدايا بگردان او را

الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما

خواننده بسوى كتاب تو و برپا دارنده دين تو و خليفه گردان او را در زمين چنانكه

استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له

خليفه گردى آنانكه پيش از او بودند جا ده براى او دينى را كه پسنديدى او را براى او

أبدله من بعد خوفه أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً اللهم
أعزه وأعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصراً عزيزاً وافتح له فتحاً
يسيراً واجعل له من لدنك سلطاناً نصيراً اللهم أظهر به دينك
وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة أحد من الخلق
اللهم إنا نرغب إليك في دولة كريمة تعز بها الإسلام وأهله
وتذل بها النفاق وأهله وتجعلنا فيها من الدعاة إلى طاعتك
والقادة إلى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة
اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه
اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر
به قلتنا وأعزز به ذلتنا وأغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا
واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا
وفك به أسرنا وأنجح به طلبتنا وأنجز به مواعيدنا واستجب به
دعوتنا وأعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة

آمالنا وأعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤولين وأوسع
المعطين اشف به صدورنا وأذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به
لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط
مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدونا إله الحق آمين رب العالمين
اللهم إنا نشكو إليك فقد نبينا صلواتك عليه وآله وغيبة
ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر
الزمان علينا فصل على محمد وآله وأعنا على ذلك بفتح منك
تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة
منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا أرحم
الراحمين اللهم إني أسألك أن تجعل فيما
تقضي وتقدر من الأمر المحتوم في الأمر الحكيم من القضاء الذي
لا يرد ولا يبدل أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور
حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم

وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَتُوَسِّعَ
فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي

وابن دعای عالیه المضامین نیز در شب وارد است

اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي
عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا
وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ
كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ
فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنَا
وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلاً فِي سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ لَنَا
وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَارْحَمْنَا وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا
وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ
الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا
وَفِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ

الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا

واما دعای سحرها بسند معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت او را هر آینه شمشیرها برای طلب این دعا کشند با یکدیگر قتال کنند اگر قسم یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعاست راست گفته‌ام پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ
بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ
وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ
بِأَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا

اللّهمّ إنّي أسألك من كمالك بأكمله وكلّ كمالك كاملٌ اللّهمّ
إنّي أسألك بكمالك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من أسمائك بأكبرها
وكلّ أسمائك كبيرةٌ اللّهمّ إنّي أسألك بأسمائك كلّها اللّهمّ إنّي
أسألك من عزّتك بأعزّها وكلّ عزّتك عزيزةٌ اللّهمّ إنّي
أسألك بعزّتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من مشيّتك بأمضاها وكلّ
مشيّتك ماضيةٌ اللّهمّ إنّي أسألك بمشيّتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك
من قدرتك بالقدرة الّتي استطلت بها على كلّ شيءٍ وكلّ قدرتك
مستطيلةٌ اللّهمّ إنّي أسألك بقدرتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك
من علمك بأنفذه وكلّ علمك نافذٌ اللّهمّ إنّي أسألك
بعلمك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من قولك بأرضاه وكلّ قولك
رضيٌّ اللّهمّ إنّي أسألك بقولك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من
مسائلك بأحبّها إليك وكلّ مسائلك إليك حبيبةٌ اللّهمّ
إنّي أسألك بمسائلك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك من شرفك بأشرفه

وكلّ شرفك شريفٌ اللّهمّ إنّي أسألك بشرفك كلّه اللّهمّ إنّي
أسألك من سلطانك بأدومه وكلّ سلطانك دائمٌ اللّهمّ
إنّي أسألك بسلطانك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من ملكك
بأفخره وكلّ ملكك فاخرٌ اللّهمّ إنّي أسألك بملكك كلّه
اللّهمّ إنّي أسألك من علوّك بأعلاه وكلّ علوّك عالٍ اللّهمّ
إنّي أسألك بعلوّك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من منّك بأقدمه
وكلّ منّك قديمٌ اللّهمّ إنّي أسألك بمنّك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك
من آياتك بأكرمها وكلّ آياتك كريمةٌ اللّهمّ إنّي أسألك
بآياتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك بما أنت فيه من الشّأن و
الجبروت وأسألك بكلّ شأنٍ وحده وجبروتٍ وحدها
اللّهمّ إنّي أسألك بما تجيبني حين أسألك فأجبني يا الله

پس هر حاجت که دارد از خدا بخواهد که برآورده است و از جمله ادعیه مشهوره سحر دعائیست که
شیخ طوسی و دیگران از ابوحمزه ثمالی روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین در شبهای
ماه مبارک اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر میشد باین دعا مناجات میخواندند

الهی لا تؤدّبني بعقوبتك ولا تمكر بي في حيلتك من

أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ لِيَ
النَّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَغْنَى عَنْ عَوْنِكَ
وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ
عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ (انقدر بگوید نفس منقطع شود) بِكَ عَرَفْتُكَ
وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا
أَنْتَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً
حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ
بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ
لِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ
يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ
رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي
وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ

وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ
شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اللّٰهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ
مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ
لِمَنْ أَمَّلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِخِينَ
إِلَيْكَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي إِلَيْكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ
وَلِلْمَلْهُوفِ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا
بِقَضَائِكَ عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي
الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا
تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ
قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ
بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ
مِنِّي وَلَا اسْتِيجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي
إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجَائِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي

بمعرفتك منّي أن لا ربّ لي غيرك ولا إله إلّا أنت وحدك

لا شريك لك اللهمّ أنت القائل وقولك حقّ ووعدك

صدق واسئلوا الله من فضله إنّ الله كان بكم رحيما

وليس من صفاتك يا سيّدي أن تأمر بالسؤال وتمنع العطيّة

وأنت المنّان بالعطيّات على أهل مملكتك والعائد عليهم

بتحنّن رأفتك إلهي ربّيتني في نعمك وإحسانك صغيرا ونوّهت

باسمي كبيرا فيا من ربّاني في الدنيا بإحسانه وتفضّله ونعمه

وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي

عليك وحبّي لك شفيعي إليك وأنا واثق من دليلي بدلالتك

وساكن من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك يا سيّدي بلسان

قد أخرسه ذنبه ربّ أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه

أدعوك يا ربّ راهبا راغبا راجيا خائفا إذا رأيت مولاي

ذنوبي فزعت وإذا رأيت كرمك طمعت فإن عفوت

فخير راحم وإن عذّبت فغير ظالم حجّتي يا الله في جرأتي على

مسألتك مع إتياني ما تكره جودك وكرمك وعدّتي في

شدّتي مع قلّة حيائي رأفتك ورحمتك وقد رجوت أن

لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقّق رجائي واسمع دعائي

يا خير من دعاه داع وأفضل من رجاه راج عظم يا سيّدي

أملي وساء عملي فأعطني من عفوك بمقدار أملي ولا تؤاخذني

بأسوإ عملي فإنّ كرمك يجلّ عن مجازاة المذنبين وحلمك

يكبر عن مكافاة المقصّرين وأنا يا سيّدي عائذ بفضلك

هارب منك إليك متنجّز ما وعدت من الصفح عمّن أحسن

بك ظنّا وما أنا يا ربّ وما خطري هبني بفضلك وتصدّق

عليّ بعفوك أي ربّ جلّلني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك

فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل

العقوبة لاجتنبته لا لأنّك أهون الناظرين إليّ وأخفّ

المطّلعين على بل لانك يا ربّ خير الساترين واحكم الحاكمين
واكرم الاكرمين ستّار العيوب غفّار الذنوب علّام
الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخّر العقوبة بحلمك فلك
الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني
ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني الى قلّة الحياء
سترك علىّ ويسرعني الى التوثّب على محارمك معرفتي بسعة
رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حيّ يا قيّوم يا غافر
الذنب يا قابل التوب يا عظيم المنّ يا قديم الاحسان اين
سترك الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين
غياثك السريع اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة
اين مواهبك الهنيئة اين صنائعك السنيّة اين فضلك
العظيم اين منّك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا
كريم به وبمحمّد وآل محمّد فاستنقذني وبرحمتك فخلّصني يا

محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لست اتّكل في النجاة من عقابك على
اعمالنا بل بفضلك علينا لانك اهل التقوى واهل المغفرة
تبدئ بالاحسان نعماً وتعفو عن الذنب كرماً فما ندري ما
نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت و
اوليت ام كثير ما منه نجّيت وعافيت يا حبيب من تحبّب اليك
ويا قرّة عين من لاذ بك وانقطع اليك انت المحسن ونحن
المسيئون فتجاوز يا ربّ عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك وايّ
جهل يا ربّ لا يسعه جودك او ايّ زمان اطول من اناتك وما قدر
اعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر اعمالاً نقابل بها كرمك
بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة فوعزّتك يا سيّدي لو انتهرتني ما برحت
من بابك ولا كففت عن تملّقك لما انتهى الىّ من المعرفة
بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذّب من تشاء

بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ
بهر چه خواهی بهر روشی که خواهی ورحم کنی هر کرا خواهی بآنچه خواهی بهر روش که خواهی

وَلَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي
وبازپرسیده نشود از کردار تو ونزاع کرده نشوی در پادشاهی خود وشریک گرفته نمیشوی

أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ
در امر خود ونه دشمنی آورده میشود در حکم خود واعتراض نکند بر تو احدی در تدبیر تو

لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هٰذَا مَقَامُ
مر تراست خلق وحکم بزرگست خدا پروردگار جهانیان ای پروردگار این مقام

مَنْ لَاذَ بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَأَلِفَ إِحْسَانَكَ وَنِعَمَكَ
کسی است که پناه برد بتو وزینهار جست بکرم تو وخو گرفته احسان ترا ونعمت ترا

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا
وتوئی بخشنده که تنگ نشود عفو تو ونه کم نشود فضل تو واندک

تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ
نیست رحمت تو وبحقیقت تو اعتماد داریم از تو بدرگذشتن دیرینه وتفضل

الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَفَتُرَاكَ يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا
بزرگ تو ورحمت فراخ فرد بیننده ای پروردگار که تخلف کنی گمان ما

أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هٰذَا ظَنَّنَا بِكَ وَلَا هٰذَا طَمَعَنَا
یا ناامید کنی آرزوی ما را چنین نیست ای بزرگوار پس نیست این گمان ما بتو واین طمع ما

فِيكَ يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِيكَ
در تو ای پروردگار بدرستیکه در تو آرزوی بزرگست دراز بسیار بدرستیکه ما را در تو

رَجَاءً عَظِيمًا عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَاكَ
امید بزرگ است نافرمانی تو کردیم وما امید داریم که بپوشی بر ما وخواندیم ترا

وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا يَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا
وامید داریم که بپذیری برای ما پس ثابت دار امید ما را ای آقای ما پس بتحقیق دانستیم

مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَلٰكِنْ عِلْمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا
که مستوجب چه هستیم بکردار خود ولیکن دانش تو در ما است ودانستیم ما بدرستیکه بر نگردانی ما را

عَنْكَ حَثَّنَا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ
از تو برانگیزانید ما را بر رغبت بسوی تو واگرچه باشیم غیر مستحق مر رحمت ترا

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ
پس تو سزاواری بخشش کنی بر ما وبر گنهکاران بزیادتی گشایش خود

فَامْنُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ
پس منت نه بر ما بآنچه تو سزاواری وبخشش کن بر ما پس بدرستیکه محتاجیم

إِلَى نَيْلِكَ يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا
بسوی عطای تو ای آمرزنده بروشنائی تو راه یافته ایم وبفضل تو بی نیاز شده ایم

وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ
وبنعمت تو صبح کردیم ما وشام کردیم گناه خود را پیش روی تو آمرزش میطلبیم

اللّٰهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ
بار خدایا از آن بازگشت میکنیم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها ومعارضه میکنیم ترا

بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَلَمْ
بگناهان نیکی تو بسوی ما فرود آینده است وشر ما بسوی تو بالا برده وهمیشه

يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ
بود وهمیشه خواهد بود فرشته بزرگوار می آید از ما در هر روز بکردار زشت

فَلَا يَمْنَعُكَ ذٰلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعَمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِآلَائِكَ
پس نمیدارد ترا این از اینکه فرو گیری ما را بنعمت خود وبخشش بر ما بنعمتهای تو

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئًا وَمُعِيدًا
پس پاکی چه بردباری تو وبزرگی وکرامت تو در حالیکه پدید آورنده

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَكَرُمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ
پاکیزه است نامهای تو وبزرگست ثنای تو وگرامیست صنعتهای تو وکردارهای تو

أَنْتَ إِلٰهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِفِعْلِي
تو ای خدای من فراگیرنده تری از روی بخشش وبزرگتری از روی بردباری از اینکه مقایسه کنی مرا بکردار من

وَخَطِيئَتِي فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي اللّٰهُمَّ
وخطای من پس درگذر درگذر درگذر سید من سید من سید من خدایا

اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك واجرنا من عذابك و
مشغول کن ما را بذکر خود و پناه ده ما را از غضب خود و پناه ده ما را از عذاب تو

ارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك وارزقنا
و روزی ده ما را از بخششهای خود و انعام کن بر ما از فضل خود و روزی کن ما را

حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك
حج خانه محترم خود و زیارت قبر پیغمبر خود رحمت تو و آمرزش خود

وبركاتك ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب
و برکت خود و خوشنودی خود بر او و بر خانواده او بدرستیکه تو نزدیک

مجيب وارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة
اجابت کننده روزی کن ما را عمل بفرمانبرداری خود و بمیران ما را بر ملت خود و طریقه خود

نبيك صلى الله عليه وآله اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما
پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او خدایا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحم کن

كما ربياني صغيرا واجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات
انچه تربیت کردند ایشان مرا در خوردی و جزاء ده ایشان را با احسان نیکی و ببدیها

غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم
آمرزش خداوندا بیامرز مردان گرونده و زنان گرونده را زنده ایشان

والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا و
و مرده ایشان پیوسته باش میان ما و میان ایشان بنیکوئیها خداوندا بیامرز زنده ما را

ميتنا شاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا
و مرده ما را و حاضر ما را و غایب ما را مرد ما را و زن ما را کوچک ما را و بزرگ ما را

ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا و
و بنده ما را دروغ گفتند عدول کنندگان بخدا و گمراه شدند گمراهی دور

خسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي
و زیان کردند زیانی آشکار خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ختم کن برای

بخير واكفني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تسلط
بخیر و کفایت کن آنچه را مهموم ساخته مرا از امر دنیای من و آخرت من و مسلط مکن

علي من لا يرحمني واجعل علي منك جنة واقية باقية ولا تسلبني صالح
بر من کسیکه رحم نکند و بگردان بر من از خود سپری که نگاه دارنده و باقی باشد و سلب مکن از من نیکوی

ما انعمت علي وارزقني من فضلك رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم
آنچه احسان کرده بر من و روزی ده مرا از فضل خود روزی فراخ حلال و پاکیزه خدایا

واحرسني بحراستك واحفظني بحفظك واكلأني بكلائتك
حفظ کن مرا بحفظ خود و نگاه داری کن … خود و نگاه دار مرا …

وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وزيارة
و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در سال ما این و در هر سال زیارت

قبر نبيك صلواتك عليه وآله والائمة عليهم السلام و
قبر پیغمبر خود رحمت تو بر او و آل او و پیشوایان بر ایشان باد سلام

لا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة
و دور مفرما ای پروردگار از این مشاهد شرافت و محلهای گرامی

اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك
خداوندا توبه ده بر من تا نافرمانی نکنم ترا و الهام کن مرا نیکی و عمل کردن بآن و ترسیدن از تو

بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني
در شب و در روز همیشه مادام که باقی داری مرا ای پروردگار جهانیان خدایا بدرستیکه من

كلما قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلوة بين يديك
هرگاه که گفتم که مهیا شدم و آماده گشتم و ایستادم برای نماز پیش روی تو

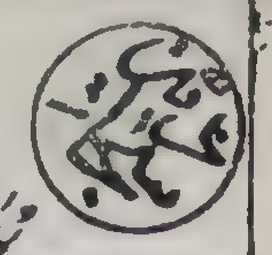
وناجيتك القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك
و راز گفتم ترا افکندی بر من کسالت را چون من نماز کردم و سلب کردی مرا از … خود

اذا انا ناجيتك ومالي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من
چون من راز گفتم ترا و چیست مرا هر وقت که گفتم که نیک شد راز … نزدیک باشد

مجالس التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني
از مجلسهای توبه کنندگان مجلس من عارض شده بمن بلائی که بلغزاند قدم مرا و حایل شود میان من

وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك
و میان خدمت تو سید من شاید تو از درگاه خود دور کردی مرا از خدمت خود

يُعَيِّبُنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ
رَأَيْتَنِي مُعْرِضاً عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ
فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنَعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ
لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ
رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ
مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ
دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ
بِقِلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا
عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ
مُجَازَاتِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاتِ الْمُقَصِّرِينَ
وَأَنَا عَائِذٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ
مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً إِلٰهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلاً
وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي



وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ يَا سَيِّدِي
وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ
وَجْهِكَ سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي
عَلَّمْتَهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ
وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَأَنَا الْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ
وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَالْفَقِيرُ
الَّذِي أَغْنَيْتَهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي
أَعْزَزْتَهُ وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ
وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ
الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ
الَّذِي آوَيْتَهُ وَأَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ
أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَاءِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا الَّذِي
عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي

اَعْطِبْتُ عَلى مَعاصِي الْجَليلِ الرُّشى اَنَا الَّذي حينَ بُشِّرْتُ بِها

خَرَجْتُ اِلَيْها اَسْعى اَنَا الَّذي اَمْهَلْتَني فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَتَرْتَ

عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعاصي فَتَعَدَّيْتُ وَاَسْقَطْتَني

مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ فَبِحِلْمِكَ اَمْهَلْتَني وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَني حَتّى كَاَنَّكَ

اَغْفَلْتَني وَمِنْ عُقُوباتِ الْمَعاصي جَنَّبْتَني حَتّى كَاَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَني

اِلهي لَمْ اَعْصِكَ حينَ عَصَيْتُكَ وَاَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جاحِدٌ وَلا بِاَمْرِكَ

مُسْتَخِفٌّ وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلا لِوَعيدِكَ مُتَهاوِنٌ وَ

لكِنْ خَطيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لي نَفْسي وَغَلَبَني هَوايَ وَاَعانَني

عَلَيْها شِقْوَتي وَغَرَّني سِتْرُكَ الْمُرْخى عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخالَفْتُكَ

بِجُهْدي فَالْآنَ مِنْ عَذابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُني وَمِنْ اَيْدِي الْخُصَماءِ

غَداً مَنْ يُخَلِّصُني وَبِحَبْلِ مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّي

فَوا سَوْاَتا عَلى ما اَحْصى كِتابُكَ مِنْ عَمَلِيَ الَّذي لَوْلا ما اَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ

وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ اِيّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنَطْتُ عِنْدَما

اَتَذَكَّرُها يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ وَاَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ اَللّهُمَّ بِذِمَّةِ

الْاِسْلامِ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَ

بِحُبِّي لِلنَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التِّهامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلا تُوحِشِ اسْتيناسَ

ايماني وَلا تَجْعَلْ ثَوابي ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواكَ فَاِنَّ قَوْماً آمَنُوا

بِاَلْسِنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِماءَهُمْ فَاَدْرَكُوا ما اَمَّلُوا وَاِنّا آمَنّا

بِكَ بِاَلْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنّا فَاَدْرِكْنا ما اَمَّلْنا وَ

ثَبِّتْ رَجاءَكَ في صُدُورِنا وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا

وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ فَوَ

عِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

لِما اُلْهِمَ قَلْبي يا سَيِّدي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ اِلى مَنْ يَذْهَبُ

الْعَبْدُ اِلّا اِلى مَوْلاهُ وَاِلى مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ اِلّا اِلى خالِقِهِ

اِلهي لَوْ قَرَنْتَني بِالْاَصْفادِ وَمَنَعْتَني سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الْاَشْهادِ

وَدَلَلْتَ عَلى فَضائِحِي عُيُونَ العِبادِ وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النّارِ وَحُلْتَ
بَيْنِي وَبَيْنَ الأَبْرارِ ما قَطَعْتُ رَجائِي مِنْكَ وَلا صَرَفْتُ وَجْهَ
تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلا خَرَجَ حُبُّكَ عَنْ قَلْبِي أَنا لا أَنْسى أَيادِيَكَ
عِنْدِي وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دارِ الدُّنْيا يا سَيِّدِي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ المُصْطَفى وَآلِهِ خِيَرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ وَخاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي إِلى
دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالبُكاءِ عَلى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ
بِالتَّسْوِيفِ وَالآمالِ عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الآيِسِينَ مِنْ
خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حالاً مِنِّي إِنْ أَنا نُقِلْتُ عَلى مِثْلِ حالِي
إِلى قَبْرٍ لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتِي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجْعَتِي
وَما لِي لا أَبْكِي وَلا أَدْرِي إِلى ما يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرى نَفْسِي
تُخادِعُنِي وَأَيّامِي تُخاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ المَوْتِ
فَما لِي لا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضِيقِ لَحَدِي

أَبْكِي لِسُؤالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيّايَ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْياناً ذَلِيلاً
حامِلاً ثِقْلِي عَلى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرى عَنْ شِمالِي إِذِ
الخَلائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ
وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها
غَبَرَةٌ تَرْهَقُها قَتَرَةٌ وَذِلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمَدِي
وَرَجائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشاءُ
وَتَهْدِي بِكَرامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ فَلَكَ الحَمْدُ عَلى ما نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ
قَلْبِي وَلَكَ الحَمْدُ عَلى بَسْطِ لِسانِي أَفَبِلِسانِي هذا الكالِّ أَشْكُرُكَ
أَمْ بِغايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أُرْضِيكَ وَما قَدْرُ لِسانِي يا رَبِّ فِي جَنْبِ
شُكْرِكَ وَما قَدْرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسانِكَ إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ
بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَمِنْكَ رَهْبَتِي
وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي وَقَدْ ساقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يا واحِدِي عَكَفَتْ
هِمَّتِي وَفِيما عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي وَلَكَ خالِصُ رَجائِي وَخَوْفِي

وبك انست محبتى واليك القيت بيدى وبحبل طاعتك

مددت رهبتى يا مولاى بذكرك عاش قلبى وبمناجاتك

بردت الم الخوف عنى فيا مولاى ويا مؤملى ويا منتهى سؤلى

صل على محمد وآل محمد وفرق بينى وبين ذنبى المانع لى

من لزوم طاعتك فانما اسألك لقديم الرجاء فيك

وخوفى اليك وعظيم الطمع منك الذى اوجبته على

نفسك من الرأفة والرحمة فالامر لك وحدك لا شريك

لك والخلق كلهم عيالك وفى قبضتك وكل شىء خاضع

لك تباركت يا رب العالمين الهى ارحمنى اذا انقطعت

حجتى وكل عن جوابك لسانى وطاش عند سؤالك اياى لبى

فيا عظيم رجائى ولا تخيبنى اذا اشتدت فاقتى اليك

ولا تردنى لجهلى ولا تمنعنى لقلة صبرى واعطنى لفقرى

وارحمنى لضعفى سيدى عليك معتمدى ومعولى ورجائى

وتوكلى وبرحمتك تعلقى وبفنائك احط رحلى وبجودك

اقصد طلبتى وبكرمك اى رب استفتح دعائى ولديك

ارجو فاقتى وبغناك اجبر عيلتى وتحت ظل عفوك قيامى

والى جودك وكرمك ارفع بصرى والى معروفك اديم

نظرى فلا تحرقنى بالنار وانت موضع املى ولا تسكنى الهاوية

فانك قرة عينى يا سيدى لا تكذب ظنى باحسانك ومعروفك

فانك ثقتى ورجائى ولا تحرمنى ثوابك فانك العارف

بفقرى الهى ان كان قد دنا اجلى ولم يقربنى منك عملى

فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبى وسائل عللى الهى ان

عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل

منك فى الحكم ارحم فى هذه الدنيا غربتى وعند الموت

كربتى وفى القبر وحدتى وفى اللحد وحشتى واذا نشرت

للحساب بين يديك ذل موقفى واغفر لى ما خفى على

أَلا دِمْتَ بَيْنَ مِنْ عَمَلي وَأْدِمْ لي ما بِهِ سَتَرْتَني وَارْحَمْني

صَريعاً عَلَى الْفِراشِ تُقَلِّبُني أَيْدي أَحِبَّتي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ

مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُني وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ

تَناوَلَ الأَقْرِباءُ أَطْرافَ جِنازَتي وَجُدْ عَلَيَّ مَنْقُولاً قَدْ

نَزَلْتُ بِكَ وَحيداً في حُفْرَتي وَارْحَمْ في ذلِكَ الْبَيْتِ

الْجَديدِ غُرْبَتي حَتّى لا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يا سَيِّدي فَإِنَّكَ

إِنْ وَكَلْتَني إِلى نَفْسي هَلَكْتُ سَيِّدي فَبِمَنْ أَسْتَغيثُ

إِنْ لَمْ تُقِلْني عَثْرَتي وَإِلى مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنايَتَكَ

في ضَجْعَتي وَإِلى مَنْ أَلْتَجِئُ إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتي سَيِّدي مَنْ

لي وَمَنْ يَرْحَمُني إِنْ لَمْ تَرْحَمْني وَفَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ

عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فاقَتي وَإِلى مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ

إِذَا انْقَضى أَجَلي سَيِّدي لا تُعَذِّبْني وَأَنَا أَرْجُوكَ إِلهي

حَقِّقْ رَجائي وَآمِنْ خَوْفي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبي لا أَرْجُو فيها

إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدي أَنَا أَسْأَلُكَ ما لا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ

التَّقْوى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لي وَأَلْبِسْني مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً

يُغَطّي عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعاتِ وَتَغْفِرُها لي وَلا أُطالَبُ بِها

إِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَديمٍ وَصَفْحٍ عَظيمٍ وَتَجاوُزٍ كَريمٍ إِلهي أَنْتَ

الَّذي تُفيضُ سَيْبَكَ عَلى مَنْ لا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجاحِدينَ

بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيْقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ

لَكَ وَالأَمْرَ إِلَيْكَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ

إِلهي وَسَيِّدي عَبْدُكَ بِبابِكَ أَقامَتْهُ الْخَصاصَةُ بَيْنَ

يَدَيْكَ يَقْرَعُ بابَ إِحْسانِكَ بِدُعائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَميلَ

نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ عَنّي

وَاقْبَلْ مِنّي ما أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهذَا الدُّعاءِ وَ

أَنَا أَرْجُو أَنْ لا تَرُدَّني مَعْرِفَةً مِنّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

إِلهي أَنْتَ الَّذي لا يُحْفيكَ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ

أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْراً
تو چنانچه خود گفتی و بالاتر از آنچه ما گفتیم خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم صبری

جَمِيلاً وَفَرَجاً قَرِيباً وَقَوْلاً صَادِقاً وَأَجْراً عَظِيماً اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
نیکو و گشایش نزدیک و گفتاری راست و مزدی بزرگ خدایا بدرستیکه سؤال میکنم

يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ أَسْأَلُكَ
ای پروردگار از خیر همه آنچه میدانم از آن و آنچه نمیدانم سؤال میکنم ترا

اللّٰهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا
خداوندا از بهترین آنچه سؤال کردند ترا از آن بندگان تو شایسته ای

خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي وَأَهْلِي
بهتر کسی که خواسته شود و بخشنده تر از کسی که ببخشد ببخش مرا آنچه خواستم در نفس خود

وَنَفْسِي وَوَلَدِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِ حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ
و اهل خود و فرزند خود و پدر و مادر خود و اهل و عیال من و برادرانم در باره

وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهِرْ مُرُوَّتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي
و گوارا کن زندگانی مرا و ظاهر کن مروت مرا و بسامان آور همه احوال مرا

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلْتَ عُمْرَهُ وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَأَتْمَمْتَ عَلَيْهِ
و بگردان مرا از آنکه درازی عمر دادی او را و نیکو کردی عمل او را و تمام کردی او را

نِعْمَتَكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي
نعمت خود را و خوشنود شدی از او و زنده داشتی او را زنده داشتنی پاکیزه در

أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكَرَامَةِ وَأَتَمِّ الْعَيْشِ إِنَّكَ
همیشه بودن خوشی و زیادی نوازش و تمام بودن عیش بدرستیکه تو

تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللّٰهُمَّ وَ
میکنی آنچه را خواهی و نمیکند آنچه خواهد غیر تو خداوندا و

خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا
مخصوص کن مرا از خود بهترین ذکر تو و مگردان چیزی را از آنچه

أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً
نزدیکی میجویم بسوی تو در ساعتهای شب و طرفهای روز ریا

وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشَراً وَلَا بَطَراً وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ
و نه سمعه و نه زیادتی و نه طغیان و بگردان مرا برای خود از

الْخَاشِعِينَ اللّٰهُمَّ وَأَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ
فروتنی کننده گان بار خدایا عطا کن مرا فراخی در روزی و ایمنی

فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَ
در وطن و روشنی دیده در اهل و مال و فرزند

الْمُقَامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي
و منزل در نعمتهای خود نزد من و صحت در جسم و توانائی در

الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ
بدن و سلامت در دین و وادار مرا بطاعت خود

وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و طاعت فرستاده خود محمد و خانواده او رحمت فرستد خدا براو

وَآلِهِ أَبَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ
و آل او همیشه آن قدر که عمر بخشی مرا و بگردان مرا از وافرترین بندگان

عِنْدَكَ نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ
نزد خود بهره در هر نیکی که فرستادی او را و فرو میفرستی در ماه

رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ
رمضان در شب قدر و آنچه تو فرستنده او را در همه

سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا
سال از رحمت که پهن میکنی او را و عافیتی که میپوشانی او را و بلائی که رد

وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي
کنی او را و نیکیها که بپذیری او را و بدیها که در گذری از آن و روزی کن مرا

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَ
حج خانه محترم خود در امسال ما این و در هر سال و

وَارْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ
روزی کن مرا روزی فراخی از فضل خود وسیع و بگردان

عنّی یا سیّدی و افض علیّ الدّین و الظّلامات حتّی لا اتأذّی
بشیءٍ منه وخذ عنّی باسماع اضدادی و ابصار اعدائی
وحسّادی والباغین علیّ وانصرنی علیهم واقرّ عینی و
حقّق ظنّی و فرّج قلبی واجعل لی من همّی وکربی فرجاً ومخرجاً
واجعل من ارادنی بسوءٍ من جمیع خلقک تحت قدمیّ و
اکفنی شرّ الشّیطان وشرّ السّلطان وسیّئات عملی و
طهّرنی من الذّنوب کلّها واجرنی من النّار بعفوک وادخلنی
الجنّة برحمتک وزوّجنی من الحور العین بفضلک والحقنی
باولیائک الصّالحین محمّد وآله الابرار الطّیّبین الطّاهرین
الاخیار صلوات الله علیهم وعلی ارواحهم واجسادهم
ورحمة الله وبرکاته الهی وسیّدی وعزّتک وجلالک
لئن طالبتنی بذنوبی لاطالبنّک بعفوک ولئن طالبتنی
بلؤمی لاطالبنّک بکرمک ولئن ادخلتنی النّار لاخبرنّ

اهل

اهل النّار بحبّی لک الهی وسیّدی ان کنت لا تغفر الّا لاولیائک
واهل طاعتک فالی من یفزع المذنبون وان کنت لا
تکرم الّا اهل الوفاء بک فبمن یستغیث المسیئون الهی
ان ادخلتنی النّار ففی ذلک سرور عدوّک وان ادخلتنی
الجنّة ففی ذلک سرور نبیّک وانا والله اعلم انّ سرور
نبیّک احبّ الیک من سرور عدوّک اللّهمّ انّی اسألک
ان تملأ قلبی حبّاً لک وخشیةً منک وتصدیقاً
بکتابک وایماناً بک وفرقاً منک وشوقاً الیک یا ذا
الجلال والاکرام حبّب الیّ لقاءک واحبب لقائی
واجعل لی فی لقائک الرّاحة والکرامة والفرج
اللّهمّ الحقنی بصالح من مضی واجعلنی من صالح من بقی
وخذ بی سبیل الصّالحین واعنّی علی نفسی بما تعین
به الصّالحین علی انفسهم واختم عملی باحسنه و

اجعل

اجعل ثوابي منه الجنّة برحمتك يا ارحم الراحمين يا
بگردان جزای مرا از آن بهشت برحمت خود ای مهربانترین مهربانان ای
ربّ العالمين واعنّي على صالح ما اعطيتني وثبّتني يا
پروردگار عالمیان و مدد فرما مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای
ربّ ولا تردّني في سوء استنقذتني منه ابداً اللّهمّ
پروردگار و برمگردان مرا در بدی که رهانیدی مرا از آن هرگز بار خدایا
انّي اسالك ايماناً لا اجل له دون لقائك احيني ما
من سؤال میکنم ترا ایمانی که نهایتی نباشد او را جز لقای تو زنده دار مرا تا
احييتني عليه وتوفّني اذا توفّيتني عليه وابعثني اذا
زنده داری مرا بر آن و بمیران مرا چون بمیرانی مرا بر آن و برانگیز مرا چون
بعثتني عليه وابرئ قلبي من الرياء والشكّ والسمعة
برانگیزی مرا بر او و بری گردان دل مرا از ریا و شک و سمعه
في دينك حتّى يكون عملي خالصاً لك اللّهمّ اعطني بصيرة
در دین خود تا باشد کردارم برای خالص بودن برای تو بار خدایا بخش مرا بینائی
في دينك وفهماً في حكمك وفقهاً في علمك وكفلين
در دین تو و فهم در حکم تو و دانش در علم تو و دو بهره
من رحمتك وورعاً يحجزني عن معصيتك وبيّض وجهي
از رحمت تو و ترسی که منع کند مرا از معصیت تو و سفید گردان روی
بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفّني في سبيلك
مرا بروشنائی خود و بگردان خواهش مرا در آنچه نزد تست و بمیران مرا در راه خود
وعلى ملّة رسولك صلّى الله عليه وآله اللّهمّ انّي
و بر ملت پیغمبر خود رحمت کند خدا بر او و آل او خدایا بدرستیکه
اعوذ بك من الكسل والفشل والهمّ والحزن والجبن
پناه میبرم بتو از کاهلی و سستی و اندوه و ترس
والبخل والغفلة والقسوة والذلّة والمسكنة والفقر
و بخیل و غفلت و سخت دلی و خواری و شکستگی و فقر

والفاقة وكلّ بليّة والفواحش كلّها ما ظهر منها وما بطن
و فاقه و هر رنجی و زشتی آنچه پیدا است از آن و آنچه پنهان است
واعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء
و پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نورزد و شکمی که سیر نشود و دلی که نترسد و دعائی
لا يسمع وعمل لا ينفع وصلوة لا ترفع واعوذ بك يا ربّ على
شنیده نشود و عملی که سود نبخشد و نمازی که بالا برده نشود و پناه میبرم بتو پروردگارا بر
نفسي وولدي وديني ومالي وجميع ما رزقتني من الشيطان
نفس خود و فرزند خود و دین و مال خود و همه آنچه روزی دادی مرا از دیو رانده
الرجيم انّك انت السميع العليم اللّهمّ انّه لا يجيرني منك
شده بدرستیکه تو شنوای دانائی خدایا بدرستیکه امان ندهد مرا از تو
احد ولا اجد من دونك ملتحداً فلا تجعل نفسي في شيء من
احدی و نیابم از غیر تو پناهی پس مگردان نفس مرا در چیزی از
عذابك ولا تردّني بهلكة ولا تردّني بعذاب اليم اللّهمّ
عذاب تو و برمگردان مرا بهلاکت و برمگردان مرا بعذاب دردناک خداوندا
وتقبّل منّي واعل ذكري وارفع درجتي وحطّ وزري ولا
بپذیر از من و بلند کن ذکر مرا و برافراز درجه مرا و فرو گذار بار مرا و یاد
تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب
مکن مرا بگناه خود و بگردان ثواب مجلس مرا و ثواب گفتار مرا و ثواب
دعائي رضاك والجنّة واعطني يا ربّ جميع ما سألتك وزدني
دعاء مرا خوشنودی تو و بهشت و ببخش مرا پروردگارا همه آنچه سؤال کردم ترا و بیفزا
من فضلك انّي اليك راغب يا ربّ العالمين اللّهمّ انّك
از فضل خود که من بسوی تو خواهشمندم ای پروردگار جهانیان خدایا بدرستیکه
انزلت في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمّن ظلمنا وقد
فرو فرستادی در کتاب خود عفو را و امر فرمودی ما را از اینکه درگذریم از کسیکه ستم کرد ما را و بحقیقت
ظلمنا انفسنا فاعف عنّا فانّك اولى بذلك منّا وامرتنا
ستم کردیم خود را پس درگذر از ما پس بدرستیکه سزاوارتری باین از ما و امر کردی ما را

۷ من ناحيه

أن لا نرد سائلا عن أبوابنا وقد جئتك سائلا فلا تردني

إلا بقضاء حاجتي وأمرتنا بالإحسان إلى ما ملكت أيماننا

ونحن أرقاؤك فأعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي

ويا غوثي عند شدتي إليك فزعت وبك استغثت وبك

لذت لا ألوذ بسواك ولا أطلب الفرج إلا منك فصل

على محمد وآل محمد وأغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير

ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير إنك أنت

الغفور الرحيم اللهم إني أسألك إيمانا تباشر به قلبي و

يقينا صادقا حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما كتبت لي

ورضني من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين

دعاها سحر ابن

يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي إليك

فزعت وبك استغثت وبك لذت لا ألوذ بسواك ولا

أطلب الفرج إلا منك فأغثني وفرج عني يا من يقبل

اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عن الكثير

إنك أنت الغفور الرحيم اللهم إني أسألك إيمانا تباشر

به قلبي ويقينا صادقا حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما

كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين

يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي

ويا غايتي في رغبتي أنت الساتر عورتي والآمن روعتي

والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا أرحم الراحمين

دعای هر روز ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهما السلام در هر روز این ماه مبارک این دعا را میخواندند

اللهم هذا شهر رمضان

الذي أنزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى

والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا

شهر الإنابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة و

الرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة و

هذا شهر فيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر اللهم

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّي عَلٰى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ

پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و یاری ده مرا بر روزه و بپا ایستادن در آن

وَسَلِّمْهُ لِي وَسَلِّمْنِي فِيهِ وَاَعِنِّي عَلَيْهِ بِاَفْضَلِ عَوْنِكَ وَوَفِّقْنِي

و سالم دار او را برای من و سالم دار مرا در آن و یاری ده مرا بر آن بهترین یاری خود و توفیق ده مرا

فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَاَوْلِيَائِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ

در آن برای فرمانبرداری و فرمان پیغمبر خود و دوستان خود و رحمت خدا

عَلَيْهِمْ وَفَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَ

بر ایشان و فارغ گردان مرا در آن برای بندگی و دعای خود و قرائت کتاب خود و

عَظِّمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَةَ وَاَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ وَاَجْزِلْ لِي فِيهِ

بزرگ دار مرا در آن برکت و نیکو دار مرا در آن عافیت و بسیار دار مرا در آن

الثَّوَابَ وَاَصِحَّ لِي فِيهِ بَدَنِي وَاَوْسِعْ لِي فِيهِ رِزْقِي وَاكْفِنِي فِيهِ مَا

ثواب و سالم دار مرا در آن بدن مرا و گشاده فرما در آن روزی مرا و کفایت فرما مرا در آن

اَهَمَّنِي وَاسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ

آنچه اندوهگین دارد مرا و بپذیر در آن دعای مرا و برسان مرا در آن امید مرا خدایا رحمت فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَ

بر محمد و آل محمد و ببر از من در این ماه پینکی و کسالت و

السَّاٰمَةَ وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ

ملالت و فترت و قساوت و غفلت و غرّه و باز دار مرا در آن

الْعِلَلَ وَالْاَسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْاَحْزَانَ وَالْاَعْرَاضَ وَالْاَمْرَاضَ

از علتها و ناخوشی و اندوه و غمها و عرضها و مرضها

وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوٓءَ وَالْفَحْشَآءَ وَ

و خطاها و گناهان و بگردان از من در این ماه بدی و زشتی و

الْجَهْدَ وَالْبَلَآءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَآءَ اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَآءِ اَللّٰهُمَّ

مشقت و امتحانات و رنج و عنا بدرستیکه تو شنونده دعائی خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِذْنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا در این ماه از شیطان

الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبِيطِهِ وَ

رانده و وسوسه و لمز او و خدعه و دمیدن و مکر او و

بَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَاَمَانِيِّهِ وَغُرُورِهِ

سختی و کید و خدعه و فریب و آرزو و فریفتن او

وَفِتْنَتِهِ وَشَرَكِهِ وَاَحْزَابِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَاَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ

و فتنه و شرک و لشکر و پیروان و دوستان و انبازان او

وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا قِيَامَهُ

و همه فریب او خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی فرما ما را ایستادن

وَصِيَامَهُ وَبُلُوغَ الْاَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالَ

و روزه آن و رسیدن آرزو را در آن و در قیام آن و کامل

مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَاِيمَانًا وَيَقِينًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذٰلِكَ

آنچه خوشنود دارد ترا از من شکیبائی و بپندار و ایمان و یقین پس قبول فرما آن را

مِنِّي بِالْاَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْاَجْرِ الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ

از من و چندان بسیار و مزد بزرگ ای پروردگار عالمیان خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْجِدَّ وَالْاِجْتِهَادَ

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی فرما مرا حج و عمره و سعی و اجتهاد

وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ وَالْقُرْبَةَ وَ

و قوت و نشاط و بازگشت و توبه و توفیق و نزدیکی و

الْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَ

خوبی پذیرفته و ترس و رغبت و عذرخواری و شکستگی و

الرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصَّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ

رقت و نیت راست و راستی زبان و ترسناکی

مِنْكَ وَالرَّجَآءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنْ

از تو و امیدواری مر ترا و اعتماد بر تو و اعتقاد بتو و پرهیزکاری از

مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ

محرمات تو با شایستگی گفتار و پذیرفته سعی و برافراشته

الْعَمَلِ وَمُسْتَجابَ الدَّعْوَةِ وَلا تُحِلْ بَيْني وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذلِكَ

بِعَرَضٍ وَلا مَرَضٍ وَلا هَمٍّ وَلا غَمٍّ وَلا سُقْمٍ وَلا غَفْلَةٍ وَلا نِسْيانٍ

بَلْ بِالتَّعاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفيكَ وَالرِّعايَةِ لِحَقِّكَ وَالْوَفاءِ

بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لي فيهِ أَفْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعِبادِكَ الصّالِحينَ

وَأَعْطِني فيهِ أَفْضَلَ ما تُعْطي أَوْلِياءَكَ الْمُقَرَّبينَ مِنَ الرَّحْمَةِ

وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدّائِمَةِ وَالْعافِيَةِ وَ

الْمُعافاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ اللّهُمَّ

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعائي فيهِ إِلَيْكَ واصِلاً وَرَحْمَتَكَ

وَخَيْرَكَ إِلَيَّ فيهِ نازِلاً وَعَمَلي فيهِ مَقْبُولاً وَسَعْيي فيهِ مَشْكُوراً وَذَنْبي

فيهِ مَغْفُوراً حَتّى يَكُونَ نَصيبي فيهِ الْأَكْبَرَ وَحَظّي فيهِ الْأَوْفَرَ

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْني فيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ

عَلى أَفْضَلِ حالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْها أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيائِكَ

وَأَرْضاها لَكَ ثُمَّ اجْعَلْها لي خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْني

فيها أَفْضَلَ ما رَزَقْتَ أَحَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ إِيّاها وَأَكْرَمْتَهُ بِها

وَاجْعَلْني فيها مِنْ عُتَقائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ

وَسُعَداءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوانِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنا فيشَهْرِنا هذَا الْجِدَّ وَ

الْاِجْتِهادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ وَما تُحِبُّ وَتَرْضى اللّهُمَّ رَبَّ

الْفَجْرِ وَلَيالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ وَما أَنْزَلْتَ

فيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ جَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَإِسْرافيلَ وَجَميعِ

الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ وَرَبَّ إِبْراهيمَ وَإِسْماعيلَ وَإِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ

وَرَبَّ مُوسى وَعيسى وَجَميعِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ

خاتَمِ النَّبِيّينَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ وَأَسْأَلُكَ

بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظيمِ عَلَيْهِمْ لَمّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحيمَةً تَرْضى بِها عَنّي رِضىً

اعمال رمضان

لا اسخط على بعده ابدا واعطنى جميع سؤلى ورغبتى وامنيتى
وارادتى واصرف عنى ما اكره واحذر واخاف على نفسى
وما لا اخاف وعن اهلى ومالى واخوانى و
ذريتى اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب
علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين و
اجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وامنا راغبين و
شفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب
اللهم انت ربى وانا عبدك واحق من سئل العبد ربه
ولم يسئل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين
ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب
دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين
ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج
هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا

تعقيب

رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وال محمد واغفر لى ذنوبى
وعيوبى واسائتى وظلمى وجرمى واسرافى على نفسى وارزقنى
من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واعف عنى و
اغفر لى كل ما سلف من ذنوبى واعصمنى فيما بقى من عمرى وستر
على وعلى والدى وولدى وقرابتى واهل حزانتى ومن كان
منى بسبيل من المؤمنين والمؤمنات فى الدنيا والآخرة فان
ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبنى يا سيدى
ولا ترد دعائى ولا ترد يدى الى نحرى حتى تفعل ذلك بى
وتستجيب لى جميع ما سألتك وتزيدنى من فضلك فانك على
كل شىء قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم
الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت فى هذه الليلة تنزل الملائكة
والروح فيها ان تصلى على محمد وال محمد وان تجعل اسمى فى

هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي
وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي واتني في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن
قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فأخرني الى ذلك
وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل
على محمد وآل محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين
يا احد يا صمد يا رب محمد وآل محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار
عترته واقتل اعدائهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر
الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة
النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله
شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم في
شأن انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسالك ان

وكان من دعاء على عليه السلام في ...

تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء
محمد صلواتك عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله
الا انت بحق لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد واجعلني
معهم في الدنيا والآخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك
ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي
باللطيف بلى انك لطيف فصل على محمد وآل محمد والطف لي
لطيف لما تشاء اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل عام وتطول علي بجميع حوائجي
للدنيا والآخرة (ثلاثا) استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي
قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي رحيم
ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا
اللهم اغفر لي انك ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا وظلمت
نفسي فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي

لا إله إلّا هو الحيّ القيّوم الحليم العظيم العليم الكريم الغفّار

للذنب العظيم وأتوب إليه أستغفر الله إنّ الله كان غفورًا رحيمًا

پس این دعا را بخواند

اللّهمّ إنّي أسألك أن تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ وأن تجعل فيما تقضي وتقدّر من الأمر العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء الّذي لا يردّ ولا يبدّل أن تكتبني من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفّر عنهم سيّئاتهم وأن تجعل فيما تقضي وتقدّر أن تطيل عمري وتوسّع في رزقي وتؤدّي عنّي أمانتي وديني آمين ربّ العالمين اللّهمّ اجعل لي فرجًا ومخرجًا وارزقني من حيث أحتسب ومن حيث لا أحتسب واحرسني من حيث أحترس ومن حيث لا أحترس وصلّى الله على محمّدٍ وآله وسلّم تسليمًا كثيرًا كثيرًا

واین تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که در هر روز ماه را بخوانند

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر

سبحان الله خالق الأزواج كلّها سبحان الله جاعل

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحبّ والنوى سبحان الله

خالق كلّ شيءٍ سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله

مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله السميع الّذي

ليس شيءٌ أسمع منه يسمع من فوق عرشه ما تحت سبع أرضين

ويسمع ما في ظلمات البرّ والبحر ويسمع الأنين والشكوى و

يسمع السرّ وأخفى ويسمع وساوس الصدور ولا يصمّ سمعه

صوتٌ سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق

الأزواج كلّها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كلّ شيءٍ سبحان الله خالق

ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ

العالمين سبحان الله البصير الّذي ليس شيءٌ أبصر منه يبصر

من فوق عرشه ما تحت سبع أرضين ويبصر ما في ظلمات البرّ

والبحر لا تدركه الأبصار وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف

الخبير لا تغشى بصره الظلمة ولا يستتر منه بسترٍ ولا يواري منه جدار

ولا يغيب عنه برٌّ ولا بحرٌ ولا يكنّ منه جبلٌ ما في أصله ولا قلبٌ

ما فيه ولا جنبٌ ما في قلبه ولا يستتر منه صغيرٌ ولا كبيرٌ ولا يخفى عليه

شيءٌ في الأرض ولا في السماء هو الّذي يصوّركم في الأرحام كيف

يشاء لا إله إلّا هو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان

المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق
كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب
الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل
الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي
رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته وينبت النبات بقدرته
ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال
ذرة في الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر
الا في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان
الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور
سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان
الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله

رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض
الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة
الكبير المتعال سواء منكم من اسر القول ومن جهر به ومن هو
مستخف بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه
ومن خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي يميت الاحياء
ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الارض منهم ويقر في الارحام ما يشاء
الى اجل مسمى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان
الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله
رب العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء
وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

در شب و بیرون می آوری زنده از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی می دهی

مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ

هر کرا خواهی بی شمار پاکیست خدا پدید آرنده هر ذی روحی پاکست خدا نگارنده

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

پاکیست خدای آفریننده اصناف همه آن پاکست خدا آفریننده تاریکی

وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ

و روشنی پاکست خدا شکافنده دانه و هسته آن پاکست خدا آفریننده همه

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ

پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکیست خدا که نزد اوست کلید نهانی

لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ

نمیداند آنرا مگر او و میداند آنچه در خشکی و دریاست نمیریزد از برگ درختی

إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا

مگر آنکه میداند آنرا و نه دانه در تاریکیها زمین و نه باشد تر و نه خشکی مگر

فِي كِتَابٍ مُبِينٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ

در کتاب آشکار پاکست خدا پدید آرنده هر ذی روحی پاکست خدا نگارنده پاکست

اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ

خدا آفریننده اصناف همه آن پاکست خدا گرداننده تاریکی و روشنی

سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ

پاکست خدا شکافنده دانه و هسته آن پاکست خدا آفریننده همه چیزی پاکست

اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ

خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا شمارنده سخنان پاکست

اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ لَا يُحْصِي مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ

خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا که شماره نتوانند کرد مدح او را گویندگان

وَلَا يَجْزِي بِآلَائِهِ الشَّاكِرُونَ وَالْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ

و سزا ندهد نعمتهای او را شکر گزاران و پرستندگان و او چنانکه گفته

وَفَوْقَ مَا نَقُولُ وَاللّٰهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَثْنَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ

و بالاتر است آنچه ما گوئیم و خدای پاکست او چنانست که خود مدح فرموده و احاطه نمیکنند

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ

بچیزی از دانش مگر بآنچه بخواهد فرا گرفته کرسی او آسمان را و

الْأَرْضَ وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ

زمین را و گران نشود باو داشتن آنها و اوست بلند مرتبه و بزرگ پاکست

اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

خدای پدید آرنده هر ذی روحی پاکست خدای نگارنده پاکست خدای آفریننده اصناف

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ

همه آن پاکست خدای گرداننده تاریکیها و نور پاکست خدای شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ

دانه و هسته آن پاکست خدای آفریننده همه چیزی پاکست خدای آفریننده

مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ

آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدای شماره سخنان او پاکست

اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

خدای پروردگار جهانیان پاکست خدای که آنچه میداند درآید در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ

و آنچه خارج میشود از او و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و مشغول نسازد

مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

آنچه درآید در زمین و آنچه بیرون آید از آن از آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود

فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي

در آن و مشغول نسازد او را آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه درآید در

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا

زمین و آنچه بیرون آید از آن و مشغول نسازد او را دانستن چیزی از دانستن چیزی و

يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ

مشغول نسازد او را آفریدن چیزی از آفریدن چیزی و نه یاد چیزی از یاد چیزی و مساوی

شَيْءٌ وَلا يُعادِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ سُبْحانَ
چیزی و برابری نمیکند او را چیزی نیست مثل چیزی و او است شنوا دانا پاکست

اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الْأَزْوا
خدای پدید آرنده هر ذی روحی پاکست خدای نگارنده پاکست خدا آفریننده صناف

جِ كُلِّها سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ
همه آن پاکست خدا گرداننده تاریکی و روشنی پاکست خدا شکافنده دانه

وَالنَّوى سُبْحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى
و هسته آن پاکست خدا آفریننده همه چیز پاکست خدای آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمِينَ سُبْحانَ اللهِ فاطِرِ
پاکست خدای شماره سخنان او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدای شکافنده

السَّماواتِ وَالْأَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِكَةِ أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنى وَثُلاثَ وَ
آسمان و زمین گرداننده فرشتگان خداوند پرها دو و سه و

رُباعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ ما يَشاءُ إِنَّ اللهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ما يَفْتَحِ اللهُ
چهار زیاد میکند در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدا بر همه چیز توانا است آنچه بگشاید

لِلنّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلا مُمْسِكَ لَها وَما يُمْسِكْ فَلا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ
برای مردمان از رحمت پس نیست نگاه دارنده مر او را و آنچه نگاه دارد پس نیست فرستنده مر او را پس

بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللهِ
از او و او است غالب درست کردار پاکست خدای پدید آرنده هر ذی روحی پاکست خدای

الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ
نگارنده پاکست خدای آفریننده صناف همه آن پاکست خدای گرداننده

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ اللهِ خا
تاریکی و روشنی پاکست خدا شکافنده دانه و هسته آن پاکست خدا آفریننده

لِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى سُبْحانَ اللهِ مِدادَ
همه چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا شماره سخنان

كَلِماتِهِ سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمِينَ سُبْحانَ اللهِ الَّذِي يَعْلَمُ ما فِي
او پاکست خدا پروردگار عالمیان پاکست خدائی که میداند آنچه در

السَّماواتِ وَما فِي الْأَرْضِ ما يَكُونُ مِنْ نَجْوى ثَلاثَةٍ إِلّا هُوَ
آسمانها و آنچه در زمین است نیست هیچ سرگوشی سه نفر مگر او

رابِعُهُمْ وَلا خَمْسَةٍ إِلّا هُوَ سادِسُهُمْ وَلا أَدْنى مِنْ ذلِكَ
چهارم ایشان و نه پنج مگر او ششم ایشان و نه کمتر از آن

وَلا أَكْثَرَ إِلّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَما كانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيمَةِ
و نه زیادتر مگر او با ایشان است هر جا باشند پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کردند روز قیامت

إِنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ إِنَّ اللهَ وَمَلائِكَتَهُ
وایضاً مستحبست که این صلوات را بعد از نماز ... در هر روز جمعه در ایام سال بخوانند
بدرستی خدا بهمه چیز داناست بدرستی خدا و فرشتگان او

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا
رحمت میفرستند بر پیغمبر ای آنانکه گرویدید رحمت فرستید براو و سلام

تَسْلِيماً لَبَّيْكَ يا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ وَسُبْحانَكَ اللّهُمَّ صَلِّ
و تسلیم ای پروردگار و اطاعت میکنم و پاکی تو خدایا رحمت فرست

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيْتَ
بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت کردی

وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إِبْراهِيمَ وَآلِ إِبْراهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
و برکت دادی و رحم بر ابراهیم و آل ابراهیم که توئی ستوده بزرگوار

اللّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمْتَ إِبْراهِيمَ وَآلَ إِبْراهِيمَ
خدایا رحم فرما بر محمد و آل محمد چنانکه رحم کردی ابراهیم و آل ابراهیم را

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّهُمَّ سَلِّمْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمْتَ عَلى
که توئی ستوده بزرگوار خدایا سلام فرست بر محمد و آل محمد چنانکه سلام فرستادی

نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ اللّهُمَّ امْنُنْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنْتَ
بر نوح در دو جهان خدایا منت نه بر محمد و آل محمد چنانکه منت نهادی

عَلى مُوسى وَهارُونَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما هَدَيْتَنا
بر موسی و هرون خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه راه نمودی ما را

بِهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً
بآن خدایا رحمت فرما بر محمد و آل محمد و برانگیز او را جایگاه ستوده

يغبطه

يغبطه به الاولون والآخرون على محمد وآله السلام كما
طلعت شمس او غربت على محمد وآله السلام كلما طرفت
عين او برقت على محمد وآله السلام كلما طرفت عين
او ذرفت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام
على محمد وآله السلام كلما سبح الله ملك او قدسه
السلام على محمد وآله في الاولين السلام على محمد
وآله في الآخرين السلام على محمد وآله في الدنيا و
الآخرة السلام على محمد وآله ورحمة الله وبركاته
اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل
والحرام ابلغ نبيك محمدا وآله عنا السلام اللهم اعط محمدا
من البهاء والسرور والنضرة والكرامة والغبطة والوسيلة
والمنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندك
يوم القيمة افضل ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا

فوق ما تعطي الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها
غيرك اللهم صل على محمد وآل محمد اطيب واطهر وازكى
وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين والآخرين
وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي
امير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت
نبيك محمد عليه وآله السلام والعن من آذى نبيك
فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال
من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من
شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من ظلمه اللهم صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال
من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على
موسى بن جعفر امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على علي
بن موسى امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه و
ضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على محمد
بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من ظلمه اللهم صل على علي بن محمد امام المسلمين
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من
ظلمه اللهم صل على الحسن بن علي امام المسلمين ووال
من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه
اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم صل على القاسم والطاهر

ابني نبيك اللهم صل على رقية بنت نبيك والعن من آذى
نبيك اللهم صل على ام كلثوم بنت نبيك والعن من آذى
نبيك فيها اللهم صل على الذرية من نبيك اللهم اخلف
نبيك في اهل بيته اللهم مكن لهم في الارض اللهم
اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم على الحق في السر و
العلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف
عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ و
طاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا
واشد تنكيلا

ودر اقبال وبعضى از نسخهاى ديگر ابتدا از حضرت على بن الحسين تا حضرت امام حسن عسكرى بجاى على من ظلمه چنين است على من شرك في دمه واز جمله دعاهاى هر روزه ماه مبارك رمضان دعائيست كه سيد بن طاوس به فضيلت بسيار از جهاران روايت كرده است ودر استجابت دعوات تجربه شده بر مصاحبين خالى نبايد شد ودعا اين است سه مرتبه بگو

اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسألك من
بهائك بابهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسألك ببهائك
كله اللهم اني اسألك من جلالك باجله وكل جلالك جليل

ماه رمضان

اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ جَمالِكَ

بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمالِكَ جَمیلٌ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ پس بگوید

اللّهُمَّ إِنّی أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگوید

اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظیمَةٌ

اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ

نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ

كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ

واسِعَةٌ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها پس بگوید اللّهُمَّ

إِنّی أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگوید

اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ

اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ

كَلِماتِكَ بِأَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ

بِكَلِماتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمائِكَ بِأَكْبَرِها

وَكُلُّ أَسْمائِكَ كَبیرَةٌ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِأَسْمائِكَ كُلِّها پس بگوید

اللّهُمَّ إِنّی أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگوید

اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ

عَزیزَةٌ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ

مِنْ مَشِیَّتِكَ بِأَمْضاها وَكُلُّ مَشِیَّتِكَ ماضِیَةٌ اللّهُمَّ إِنّی

أَسْأَلُكَ بِمَشِیَّتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتی

اسْتَطَلْتَ بِها عَلی كُلِّ شَیْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطیلَةٌ اللّهُمَّ

إِنّی أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها پس بگوید اللّهُمَّ إِنّی أَدْعُوكَ كَما

أَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگو اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ

مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ

بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضاهُ وَكُلُّ

قَوْلِكَ رَضِیٌّ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُكَ

مِنْ مَسائِلِكَ بِأَحَبِّها إِلَیْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ إِلَیْكَ حَبیبَةٌ اللّهُمَّ

اللّهمّ بمسائلك كلّها پس بگوید اللّهمّ إنّي أدعوك كما

أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللّهمّ إنّي أسألك

من شرفك بأشرفه وكلّ شرفك شريف اللّهمّ إنّي أسألك

بشرفك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من سلطانك بأدومه و

كلّ سلطانك دائم اللّهمّ إنّي أسألك بسلطانك كلّه اللّهمّ

إنّي أسألك من ملكك بأفخره وكلّ ملكك فاخر اللّهمّ إنّي

أسألك بملكك كلّه پس بگوید اللّهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني

فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللّهمّ إنّي أسألك من علائك

بأعلاه وكلّ علائك عالٍ اللّهمّ إنّي أسألك بعلائك كلّه

اللّهمّ إنّي أسألك من منّك بأقدمه وكلّ منّك قديم

اللّهمّ إنّي أسألك بمنّك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من آياتك

بأعجبها وكلّ آياتك عجيبة اللّهمّ إنّي أسألك بآياتك كلّها

پس بگوید اللّهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني

پس بگوید اللّهمّ إنّي أسألك من فضلك بأفضله وكلّ فضلك فاضل

اللّهمّ إنّي أسألك بفضلك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من

رزقك بأعمّه وكلّ رزقك عامّ اللّهمّ إنّي أسألك برزقك

كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من عطائك بأهنئه وكلّ عطائك

هنيء اللّهمّ إنّي أسألك بعطائك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك

من خيرك بأعجله وكلّ خيرك عاجل اللّهمّ إنّي أسألك بخيرك

كلّه اللّهمّ إنّي أسألك من إحسانك بأحسنه وكلّ إحسانك

حسن اللّهمّ إنّي أسألك بإحسانك كلّه اللّهمّ إنّي أسألك

بما تجيبني به حين أدعوك فأجبني يا الله نعم أدعوك يا الله

اللّهمّ إنّي أسألك بما أنت فيه من الشؤون والجبروت

اللّهمّ إنّي أسألك بكلّ شأن وجبروت اللّهمّ إنّي أسألك

بشأنك وجبروتك كلّها اللّهمّ إنّي أسألك بما تجيبني به

حين أسألك به فأجبني يا الله صلّ على محمّد وآل محمّد پس بخواه حاجت

که داری بطلب پس بگو

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْني عَلَى الإيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ وَالوِلايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ وَالائْتِمامِ بِالأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِهِمْ فَإِنّي قَدْ رَضيتُ بِذلِكَ يا رَبِّ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الخَيْرِ رِضْوانَكَ وَالجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنّارِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْني مِنْ كُلِّ مُصيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ مُصيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ إِلَى الأَرْضِ في هذِهِ السّاعَةِ وَفي هذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي هذَا اليَوْمِ وَفي هذَا الشَّهْرِ وَفي هذِهِ السَّنَةِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ

اسْتِقامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ إِلَى الأَرْضِ في هذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي هذِهِ السّاعَةِ وَفي هذَا اليَوْمِ وَفي هذَا الشَّهْرِ وَفي هذِهِ السَّنَةِ اللّهُمَّ إِنْ كانَتْ ذُنُوبي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ وَحالَتْ بَيْني وَبَيْنَكَ أَوْ غَيَّرَتْ حالي عِنْدَكَ فَإِنّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الكَريمِ الَّذي لا يُطْفَأُ وَبِوَجْهِ حَبيبِكَ مُحَمَّدٍ المُصْطَفى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ المُرْتَضى وَبِحَقِّ أَوْلِيائِكَ الَّذينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لي وَلِوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَلِلْمُؤْمِنينَ وَالمُؤْمِناتِ وَما تَوالَدُوا ذُنُوبَنا كُلَّها صَغيرَها وَكَبيرَها وَأَنْ تَخْتِمَ لَنا بِالصّالِحاتِ وَأَنْ تَقْضِيَ لَنا الحاجاتِ وَالمُهِمّاتِ وَصالِحَ الدُّعاءِ وَ

المسائل فاستجب لنا بحق محمد وآله اللهم صل على محمد وآل

محمد آمين آمين آمين ما شاء الله كان ولا حول ولا قوة إلا

بالله العلي العظيم سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام

على المرسلين والحمد لله رب العالمين

پس دستها را بجانب آسمان بلند کن

بگو يا لا إله إلا أنت أسألك بحق من حقه عليك عظيم بلا إله

إلا أنت أسألك ببهاء لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك

بجلال لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بجمال لا إله إلا

أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بنور لا إله إلا أنت يا لا إله

إلا أنت أسألك بكمال لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك

بعزة لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بعظم لا إله إلا أنت

يا لا إله إلا أنت أسألك بقول لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت

أسألك بشرف لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك

بعلاء لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بلا

إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت يا رباه يا رباه

انقدر بگوید که بیکنفس وفا

أسألك يا سيدي پس بگو يا الله

يا رباه

انقدر بگوید که بیکنفس وفا کند پس بگوید

يا سيداه يا مولاه يا غياثاه يا ملجأ

يا منتهى غاية رغبتاه يا أرحم الراحمين أسألك فليس

كمثلك شيء وأسألك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي

مرسل أو ملك مقرب أو عبد مؤمن امتحنت قلبه

للإيمان واستجبت دعوته منه وأتوجه إليك بمحمد نبيك

نبي الرحمة وأقدمه بين يدي حوائجي يا محمد يا رسول الله

بأبي أنت وأمي أتوجه بك إلى الله ربك وربي وأقدمك

بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه يا رباه أسألك بك

فليس كمثلك شيء وأتوجه إليك بمحمد حبيبك وبعترته

الهادية وأقدمهم بين يدي حوائجي أسألك اللهم بحيوتك

التي لا تموت وبنور وجهك الذي لا يطفأ وبعينك التي

التسليم واسألك اللهم بمحمّد من جهة عليك عظم ان تصلّي على محمّد

وآل محمّد قبل كلّ شيء وبعد كلّ شيء وعدد كلّ شيء وزنة كلّ

شيء وملأ كلّ شيء اللهمّ انّي اسألك ان تصلّي على محمّد عبدك

المصطفى ورسولك المرتضى وامينك المصطفى ونجيبك دون

خلقك ونجيبك وخيرتك من خلقك اجمعين البشير النذير

السراج المنير وعلى اهل بيته الطيبين

الطاهرين المطهّرين الاخيار الابرار وعلى ملائكتك الذين

استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك

الذين ينبئون بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين

الذين ادخلتهم في رحمتك المهديّين الائمّة الراشدين

المطهّرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك

الموت ورضوان خازن الجنّة ومالك خازن النّار و

روح القدس وحملة العرش ومنكر ونكير وعلى الملكين

الحافظين علىّ بالصلوة التي تحبّ ان تصلّي بها عليهم صلوة

كثيرة طيّبة مباركة زاكية نامية طاهرة شريفة

فاضلة تبيّن بها فضلهم على الاوّلين والآخرين اللهمّ

انّي اسألك ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي

وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتنجز لي ما

وعدتني وتقيلني عثرتي وتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن

ظلمي وتعفو عن جرمي وتقبل عليّ ولا تعرض عنّي وترحمني

ولا تعذّبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني من

اطيب الرزق واوسعه واهنئه وامرئه واسبغه

واكثره ولا تحرمني يا ربّ النظر الى وجهك الكريم و

الفوز بالجنّة والعتق من النّار واقض عنّي يا ربّ ديني

وامانتي وضع عنّي وزري ولا تحمّلني ما لا طاقة لي

به يا مولاي وادخلني في كلّ خير ادخلت فيه محمّدا وآل

محمد واخرجني من كل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق بيني
محمد و خارج فرما مرا از هر بدی که خارج کردی ایشان را از آن و جدائی میانداز میان من
وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة پس سجده کند بگوید
و میان ایشان بقدر چشم زدنی همیشه در دنیا و آخرت
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
بار خدایا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر از من چنانکه وعده کردی مرا
پس بگوید اللهم اني اسألك قليلا من كثير مع حاجة بي
خدایا من میخواهم از تو اندکی از بسیار با شدت حاجتی که مرا
اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير و
بسوی او بزرگ و بی‌نیازی تو از آن دیرینه است و او نزد من بسیار و
هو عليك سهل يسير فامنن علي انك على كل شيء قدير
آن بر تو آسان و آسوده پس منت گذار بر من بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی
اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا
خدایا برحمت کامله در شایستگان پس درآور مرا و در مرتبه برخورداران پس بلند فرما
وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين
و بجامی از شراب معین از چشمه سلسبیل پس بنوشان مرا و از حوران سیاه مژگان
برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم
برحمت خود پس جفت ده ما را و از غلمان ساده رو مانند آنکه ایشان
لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير
مروارید مستورند پس خادم بده ما را و از میوهای بهشتی و گوشت مرغ
فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق
پس بخوران ما را و از رخوت سندس و حریر و استبرق بهشتی
فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في
بپوشان ما را و شبهای قدر و زیارت خانه محترم و شهادت در
سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة
راه تو با ولی تو پس توفیق ده مرا و نیکوی دعا و درخواست

فاستجب لنا يا خالقنا اسمع واستجب لنا واذا جمعت
پس بپذیر برای ما ای آفریننده ما بشنو و بپذیر برای ما و چون فراهم شوند
الاولين والآخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من
پیشینیان و پسینیان روز قیامت پس رحم فرما ما را و بیزاری از
النار واماناً من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا
آتش و ایمنی از عذاب پس بنویس برای ما و در دوزخ پس
تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي هوانك
مگردان ما را و با دیوان در آتش پس وامگذار ما را و در خواری خود
وعذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا
و عذاب خود پس قرار مده ما را و از زقوم و ضریع پس مخوران ما را
وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار و
و در آتش بر روهای ما پس برو میفکن ما را و از جامهای آتش و
سرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا
پیراهن قطران پس مپوشان مرا و از هر بدی ای آنکه نیست
اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم اني اسألك
خدائی مگر تو بحق لا اله الا انت پس نجات ده ما را خدایا من درخواهم از تو
ولم يسأل مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك
و سؤال کرده نشود مانند تو و رغبت کرده ام بسوی تو و رغبت نشود بسوی مانند تو
يا رب انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة
ای پروردگار تو جایگاه درخواست خواهندگان و نهایت آمال
الراغبين اسألك اللهم بافضل اسمائك كلها و
آرزومندان میخواهم از تو خدایا ببهترین نامهای تو همه آن و
انجحها يا الله يا رحمن وباسمك المخزون المصون الاعز
رستگار ای خدا ای بخشنده و بنام تو پوشیده محفوظ بزرگوار
الاجل الاعظم الذي تحبه وتهوى به وترضى عمن
جلیل بزرگ آنکه دوست داری و مهربانی و خوشنود از آنکه

دَعاكَ بِهِ وَتَستَجيبَ لَهُ دُعاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيكَ يا رَبِّ اَن
خواند ترا بآن واجابت فرمودی برای او دعای او را وحتم کرده بر خود پروردگارا اینکه
لا تُحرِمَ سائِلَكَ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ بِكُلِّ اسمٍ هُوَ لَكَ
محروم نکنی سائلت را خدایا من سؤال از تو دارم بهر اسمی که از تست
دَعاكَ بِهِ عَبدٌ هُوَ لَكَ فی بَرٍّ اَو بَحرٍ اَو سَهلٍ اَو جَبَلٍ اَو
که میخوانند بآن بندگان مر ترا در خشکی یا دریا یا بیابان یا کوه یا
عِندَ بَيتِكَ الحَرامِ اَو فی شَیءٍ مِن سُبُلِكَ فَادعُوكَ يا
نزد خانه محترم تو یا در چیزی از راه تو پس میخوانم ترا ای
رَبِّ دُعاءَ مَن قَد اشتَدَّت فاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرمُهُ وَضَعُفَ
پروردگار خواندن کسی که سخت شده احتیاج او و بزرگست گناه او و ضعیف است
كَدحُهُ وَاَشرَفَت عَلَی الهَلَكَةِ نَفسُهُ وَلَم يَثِق بِشَیءٍ مِن عَمَلِهِ
جستجوی او و نزدیک است بر هلاکت جان او و امید ندارد بچیزی از کردار او
وَلَم يَجِد لِما هُوَ فيهِ سادّاً وَلا لِذَنبِهِ غافِراً وَلا لِعَثرَتِهِ
و نمی یابد مر آنچه او در آنست قایدی و نه گناه خود را آمرزنده و نه بدیهایش را
مُقيلاً غَيرَكَ هارِباً اِلَيكَ مُتَعَوِّذاً بِكَ مُتَعَبِّداً لَكَ غَيرَ
درگذرنده غیر تو گریزگاه بسوی تو پناه بتو بنده مر ترا نه
مُستَنكِفٍ وَلا مُستَكبِرٍ وَلا مُستَجيرٍ وَلا مُتَجَبِّرٍ وَلا مُتَعَظِّمٍ
استنکاف و نه تکبر کننده و نه پناه جوینده نه سرکش نه سربلند
بَل بائِسٌ فَقيرٌ خائِفٌ مُستَجيرٌ اَسئَلُكَ يا اَللّٰهُ يا رَحمٰنُ يا حَنّانُ
بلکه نومید بیچاره ترسنده پناه جوینده درخواهم اسم از تو ای خدا ای بخشنده
يا مَنّانُ يا بَديعَ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ يا ذَا الجَلالِ وَالاِكرامِ
ای منان ای آفریننده آسمانها و زمین ای خداوند بزرگی و کرامت
اَن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلوٰةً كَثيرَةً طَيِّبَةً مُبارَكَةً
اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد رحمتی زیاد پاکیزه مبارک
نامِيَةً زاكِيَةً شَريفَةً اَسئَلُكَ اللّٰهُمَّ اَن تَغفِرَ لی فی شَهرِ
نامیه زاکیه شریفه سؤال میکنم خدایا اینکه بیامرزی در این ماه مرا

ماه رمضان

هٰذا وَتَرحَمَنی وَتُعتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَتُعطِيَنی فيهِ خَيرَ ما
ورحمت فرمائی مرا و نگاهداری رقبه مرا از آتش و عطا فرمائی مرا آنچه بهتر از
اَعطَيتَ اَحَداً مِن خَلقِكَ وَخَيرَ ما اَنتَ مُعطيهِ وَلا تَجعَلهُ
عطاهائی که کرده احدی را از مخلوق خود و بهتر آنچه تو عطا فرمائی و نگردانی او را
آخِرَ شَهرِ رَمَضانَ صُمتُهُ لَكَ مُنذُ اَسكَنتَنی اَرضَكَ اِلیٰ يَومی
آخر ماه رمضان که روزه گرفته‌ام مر ترا آنگاهی که آرام دادی مرا در زمین تو تا امروز
هٰذا بَلِ اجعَلهُ عَلَیَّ اَتَمَّهُ نِعمَةً وَاَعَمَّهُ عافِيَةً وَاَوسَعَهُ رِزقاً
که هستم بلکه بگردان او را برای تمام نعمت و عموم آن عافیت و فراخی روزی
وَاَجزَلَهُ وَاَهنَأَهُ اللّٰهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِكَ وَبِوَجهِكَ الكَريمِ
و مهیا و مهنا گردان خدایا من پناه میبرم بتو و ذات بزرگوار تو
وَمُلكِكَ العَظيمِ اَن تَغرُبَ الشَّمسُ مِن يَومی هٰذا اَو تَنقَضِیَ
و پادشاهی عظیم تو اینکه غروب کند آفتاب از این روز یا بگذرد
بَقِيَّةُ هٰذَا اليَومِ اَو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتی هٰذِهِ اَو يَخرُجَ هٰذَا
باقی مانده این روز یا طالع شود صبح از این شب یا بگذرد این
الشَّهرُ وَلَكَ قِبَلی تَبِعَةٌ اَو ذَنبٌ اَو خَطيئَةٌ تُريدُ اَن تُقايِسَنی
ماه و مر ترا نزد من خطا یا گناه یا جریمه که اراده داری که موازنه کنی مرا
بِها اَو تُؤاخِذَنی بِها اَو تُوقِفَنی بِها مَوقِفَ خِزیٍ فِی الدُّنيا
بآن یا مؤاخذه کنی مرا بآن یا بازداری مرا بآن بازداشتن خواری در دنیا
وَالآخِرَةِ اَو تُعَذِّبَنی بِها يَومَ اَلقاكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اللّٰهُمَّ
و آخرت یا عذاب کنی مرا روز ملاقات خود ای رحیمتر راحمان خدایا
اِنّی اَدعوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ غَيرُكَ وَلِرَحمَةٍ لا تُنالُ اِلّا بِكَ
من میخوانم ترا برای اندوه که فرج دهی از او غیر تو ورحمتی که نمیرسد مگر بتو
وَلِكَربٍ لا يَكشِفُهُ اِلّا اَنتَ وَلِرَغبَةٍ لا تُبلَغُ اِلّا
و برای غمی که فرو ریزی از او مگر تو و برای رغبتی که نمیرساند مگر
بِكَ وَلِحاجَةٍ لا تُقضیٰ دونَكَ اللّٰهُمَّ فَكَما كانَ مِن شَأنِكَ
بتو و مر حاجتی که نمیرساند غیر از تو خدایا پس چنانکه باشد از کار تو

مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسَائِلِكَ وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ
آنچه مسئلت کردی مرا بآن از درخواست تو و رحمت کردی مرا بآن از یاد تو پس باشد
مِنْ شَأْنِكَ الْإِسْتِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَالنَّجَاةُ لِي فِيمَا فَزِعْتُ
از کار تو اجابت برای من در آنچه خواندم ترا بآن و نجات برای من در آنچه فزع
إِلَيْكَ مِنْهُ يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكَرْبِ
کردم از آن بسوی تو ای نرم کننده آهن برای داود ای کاشف ضرر و اندوه
الْعَظِيمِ عَنْ أَيُّوبَ وَمُفَرِّجَ غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ يُوسُفَ
بزرگ از ایوب و برطرف کننده غمهای یعقوب و رفع کننده اندوه یوسف
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ
رحمت فرما بر محمد و آل محمد و معمول فرما بمن آنچه تو شایسته آنی پس تو لایق
التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَ
پرهیزکاری و اهل آمرزش خدایا توئی امیدگاه من در هر اندوه و
رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ
امید من در هر سختی و توئی برای من در هر کاری که فرود آید امیدگاه و پناه
كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ مِنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ
بسا از اندوه که کم میشود از آن دلها و اندک میشود در آن چاره
وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ أَنْزَلْتُهُ
و نایاب میشود در آن دوست و شماتت کند در آن دشمن فرستادم آنرا
بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي فِيهِ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ
بتو و بسوی تو شکایت آوردم با کمال رغبت از من در آن بسوی تو از غیر تو
فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ
پس فرج دادی و گشودی و کفایت کردی آنرا پس توئی خداوند هر نعمت و صاحب
كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ
هر نیکی و نهایت هر آرزو پناه میبرم بکلمات تامات خدا
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي يَوْمِي هَذَا حَتَّى أُمْسِيَ
از بدی آنچه آفرید از چیزها خدایا عافیت ده مرا در این روز تا شام شود

اعمال

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ يَوْمِي هَذَا وَمَا نَزَلَ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ
خدایا بدرستیکه من سؤال از تو دارم برکت امروز را و آنچه فرود آید در آن از عافیت
وَمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ
و آمرزش و رحمت و خوشنودی و روزی فراخ حلال مبذول
عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَعِيَالِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي
بر من و بر پدر و مادر و اولاد و زن و بچه و عیال و اهل خانه ام
وَمَنْ أَحْبَبْتُ وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
و کسیکه محبت دارم و محبت دارد مرا و زاییده ام و زاییده مرا بارخدایا من پناه میبرم
بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ
بتو از شک و شرک و حسد و گمراهی و عزت بیجا و غضب
اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا
خدایا پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه
فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
در آنها و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ رحمت فرست بر محمد و آل محمد
وَاكْفِنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ
و کفایت کن مرا پروردگارا از کارم بآنچه خواهی و چنانکه خواهی
حمد و آية الكرسي
اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
خدایا تو که فرمودی به پیغمبر خود رحمت خدا بر او و آل او
وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى اللَّهُمَّ إِنَّ نَبِيَّكَ وَرَسُولَكَ
و زود باشد عطا کند ترا پروردگار تو پس راضی شوی خدایا بدرستی پیغمبر تو و فرستاده تو
وَحَبِيبَكَ وَخِيَرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ لَا يَرْضَى بِأَنْ تُعَذِّبَ أَحَدًا
و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو راضی نمیشود بآنکه عذاب کرده شود احدی
مِنْ أُمَّتِهِ دَانَ لَكَ بِمُوَالاتِهِ وَمُوَالاةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ
از امت او بدوستی تو بدوستی او و دوستی پیشوایان از خانواده او
وَإِنْ كَانَ مِنْ بَيْنِنَا خَاطِئًا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَأَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ
و اگر باشد گناهکار خطا کار در آتش جهنم پس پناه ده مرا ای پروردگار از

ماه رمضان

جَهَنَّمَ وَعَذابِها وَهَبْنی لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا
دوزخ و عذاب آن ببخش مرا برای محمد و آل محمد ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان ای

جامِعاً بَیْنَ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلی ما اَلَّفَهُمْ مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ
گرداننده میان اهل بهشت بر آنچه الفت داده از دلها و سختی

الْمَحَبَّةِ وَنازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجاعِلَهُمْ اِخْواناً عَلی
محبت و برآورنده کینه را از سینه‌هاشان و گرداننده‌شان برادران بر

سُرُرٍ مُتَقابِلینَ وَیا جامِعاً بَیْنَ اَهْلِ طاعَتِهِ وَبَیْنَ مَنْ خَلَقَها
تختها روبرو و ای جمع آورنده میان اهل طاعت خود و میان بازماندگان

لَهُ وَیا مُفَرِّجَ کُلِّ مَحْزُونٍ وَیا مُؤْنِسَ کُلِّ غَریبٍ وَیا راحِمی فی غُرْبَتی
برای آن ای گشاینده هر غمناک و ای انیس هر غریب ای رحم کننده من در غریبی من

وَفی کُلِّ اَحْوالی بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْکَلاءَةِ لی یا مُفَرِّجَ ما بی مِنَ
و در همه احوالم به نیکوئی حفظ و نگاهبانی مرا ای برطرف کننده آنچه بمن رسیده از

الضّیقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَیْنی وَبَیْنَ
تنگی و واهمه رحمت فرما بر محمد و آل محمد و جمع آور میان من و میان

اَحِبَّتی وَقادَتی وَساداتی وَهُداتی وَمَوالِیَّ یا مُؤَلِّفاً
دوستان و پیشوایانم و بزرگانم و راهنمایانم و آقایانم ای الفت دهنده

بَیْنَ الْاَحِبّاءِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَفْجَعْنی بِانْقِطاعِ رُؤْیَةِ
میان دوستان رحمت فرما بر محمد و آل محمد و دردمند مکن مرا به بریدن رؤیت

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا بِانْقِطاعِ رُؤْیَتی عَنْهُمْ فَبِکُلِّ مَسائِلِکَ یا
محمد و آل محمد و نه به بریدن دیدارم از آنها پس به همه درخواستهای تو ای

رَبِّ اَدْعُوکَ اِلهی فَاسْتَجِبْ دُعائی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
پروردگار میخوانم ترا خدایم پس بپذیر دعای مرا ای مهربانترین مهربانان

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِانْقِطاعِ حُجَّتی وَوُجُوبِ حُجَّتِکَ اَنْ تَغْفِرَ
خدایا از تو میخواهم به بریدن حجت من و واجب شدن حجت تو اینکه بیامرزی

لی اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ یَوْمِ الْمَحْشَرِ وَمِنْ شَرِّ ما بَقِیَ مِنَ
مرا خدایا بدرستی من پناه میبرم بتو از خواری روز قیامت و از شر آنچه باقی مانده از

الدَّهْرِ وَمِنْ شَرِّ الْاَعْداءِ وَصَغیرِ الْفَناءِ وَعُضالِ الدّاءِ وَ
روزگار و از بدی دشمنان و پستی خورد و درد عاجز کننده

خَیْبَةِ الرَّجاءِ وَزَوالِ النِّعْمَةِ وَفُجاءَةِ النِّقْمَةِ اَللّهُمَّ اجْعَلْ
و بی بهره‌مند شدن امید و زایل شدن نعمت و ناگاه رسیدن عقوبت خدایا بگردان برای

لی قَلْباً یَخْشاکَ کَاَنَّهُ یَراکَ اِلی یَوْمِ یَلْقاکَ و دوم بیستکه در آن
من دلی که بترسد ترا که گویا می‌بیند ترا تا روزی که ملاقات کند ترا دیگر هر گاه شدن

رود هد یا حاجت ضروری بهم رسد این نماز را توان خواند فصل ششم در اعمال
مختصره شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک و در روایتی وارد شده است که
انجیل بر عیسی ع در سیم این ماه نازل شده و در روایت دیگر در ششم و بروایت معتبر
دیگر در دوازدهم و شیخ مفید ره نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون
ملعون با حضرت امام رضا ع بیعت کرد و مروی است که هر که در آن روز دو رکعت نماز
بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر
شده است آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبره از حضرت صادق ع منقول
است که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس
و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در شب چهاردهم چهار
رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت
و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
مستحب است در آن چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقول است که حضرت رسول ص فرمودند که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد
رکعت نماز بگذارد یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند خداوند صد ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند
از او ضرر دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک
بفرستد که او را بشارت دهند ببهشت و سی ملک که او را ایمن گردانند
از آتش جهنم و ایضا از آنحضرت منقول است که در نصف ماه رمضان
زیارت حضرت امام حسین ع بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر
آن حضرت بکند و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد

بخواند پیغمبر را در خواب ببیند ملکی چند را که او را بشارت دهند به بهشت و ابر کرد
او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر حضرت رسول
با لشکر کفار قریش ملاقات نمودند در بدر و در روزش جنگ بدر واقع شد و خدا
لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت
در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است خدا میفرماید
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که
در نزد خدا قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر امور سال در آن میشود یا زمین تنگ
میشود از بسیاری نزول ملائکه وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ و چه چیز ترا
اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ شب قدر بهتر
از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ
فِيهَا فرود میآیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در این شب بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
برخصت پروردگار ایشان مِنْ كُلِّ أَمْرٍ بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد
شده است که ملائکه و روح در این شب بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر
کس در این شب مقدر شده است بر امام زمان عرض میکنند سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ
یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و بر
مؤمنان که در این شب عبادت میکنند تا طلوع صبح و میان شیعه و سنی در شب
قدر خلاف بسیار هست بعضی از سنیان گفته اند که شب قدر بعد از حضرت رسول
بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است
پس بعضی گفته اند که در تمام سال پنهان است و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است
و بعضی گفته اند شب اول رمضان است و بعضی گفته اند شب نیمه و بعضی شب هفدهم
و بعضی شب بیست و یکم و بعضی شب بیست و سیم و بعضی شب بیست و نهم و بعضی شب
آخر گفته اند و اکثر سنیان در این زمانها اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای
شیعه امامیه اجماع کرده اند بر آن که از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون
نیست و بعضی مردد میان شب بیست و یکم و بیست و سیم مردد اند و بسیاری از
احادیث معتبره دلالت میکند بر اینکه از این سه شب بیرون نیست و اینست شب
نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند

و در بعضی از روایات معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی
تعیین خصوص بیست و سیم واقع شده است و منقولست که شخصی جهنی
بود بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه میخواهم شبی را از برای من
تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بمدینه بیایم حضرت شب بیست و سیم
را از برای او تعیین فرمود و پیوسته با خیل و اهل و خدم و حشم خود در آن شب داخل مدینه
میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی از احادیث ظاهر میشود که هر سه
شب قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادت
ممکنست که بعضی تغییر بیابد و در شب سیم حتم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم
تغییر مییابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییر
آسانست و بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش دشوار است تا بمهر مهرها
مزین نگردیده است باز ممکن است که تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله حتم است
و تغییرش در غایت صعوبت است و خدا از حکمتها بعضی امور را مبهم ساخته مانند اسم
اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازها است و ساعت
استجابت دعا در هر شب و در روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال
اینها و باز حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همه اسماء مقدسه الهی مواظبت
نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا بکنند
و در همه اعمال خیر سعی بکنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین شب قدر
در شبهائی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها
میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره
آنرا وسیله حصول مطالب ردیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب
قدر و ساعت استجابت دعا اگر بخصوص آنها را دانند ممکنست که امور غیر مشروع
با ضررهای عظیم نسبت ببعضی از مسلمانان سند دعا کنند و اگر بخصوص دانند
البته باید مستجاب گردد و دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر
بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس باید مؤمن البته شبها را احیا
کند و اهتمام در عبادت و دعا بکنند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو
شب آخر اهتمام بیشتر کنند و در شب بیست و سیم که احادیث بسیار در تخصیص آن

وارد شده است که شب قدر را سعی بیشتر کند و فواید عبادت شب قدر بسیار
است از جمله اینکه چون عبادت شب قدر را به نص قرآن زیاده از ثواب عبادت
هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است برای او مقرر فرمایند و دیگر آن که چون
تقدیرات همه امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر
امور دیگر در این شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد
بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از
زمرهٔ سعادتمندان نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاها و احادیث
معتبره وارد شده است و دیگر آن که چون حضرت صاحب الامر ع در تمام این شب با
ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج به خدمت او میآیند و بر او سلام میکنند و
و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین
شبی تابعی با امام خود نکند و به غفلت بسر آورند و از حضرت رسول صلعم منقول است که
چون شب قدر میشود فرود میآیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکن اند و از
جملهٔ ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها میآورد و یک علم را در قبر منور من نصب
میکنند و یکی را در بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمی
گذارند مرد مؤمن و زن مؤمنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت
رسول صلعم منقول است که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه رمضان زینت
میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که آن را مثیره می
گویند و به صدا میآورد درختان و حلقههای درهای بهشت را پس نغمه از آن میشنوند
که هرگز شنوندگان از آن خوشتر نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفههای
بهشت بیرون میآیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از
خدا به اعمال صالحهٔ خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند این چه شب است رضوان
میگوید لبیک ای نیکورویان و نیکوکاران این شب اول ماه رمضان است درهای
بهشت گشوده شده است برای روزه داران امت محمد ص پس خدا میگوید که ای رضوان
بگشا درهای بهشت را ای مالک ببند درهای جهنم را از روزه داران امت
محمد ص ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن
ایشان گذار و ایشان را در لجههای دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امت حبیب

من محمد روزهای ایشان را و حضرت فرمود که خدا در هر شب از شبهای ماه رمضان
سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال کند او را عطا کنم آیا توبه
کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش را
بیامرزم کیست که بقرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا
کننده است بوعدههای خود و ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای
ماه رمضان در وقت افطار خدا هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند و چون
شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می
کند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب و روز آخر ماه بعدد
آنچه در تمام ماه آزاد کرده است و چون شب قدر میشود خدا امر میکند
جبرئیل را که بزمین بیاید با لشکر عظیم از ملائکه و با خود علم سبزی آورد
و بر بالای کعبهٔ معظمه نصب کند و او ششصد بال دارد و دو بال را نمیگشاید
مگر در شب قدر و چون شب قدر آید و بال را میگشاید از مشرق و مغرب بگذرد
و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند
بهر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه
میکنند و چون ایشان دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول
دارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند که ای گروه ملائکه
روانه جانب آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوایج
مؤمنان امت محمد ص جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزیده مگر کسی که
همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت
کند و چون شب عید فطر میشود آن را شب جوایز میگویند خدا مزد میدهد عمل
کنندگان ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد روز عید فطر میشود خدا ملا
ئکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بزمین میآیند و بر سر کوچها و بازارها
و راهها میایستند و میگویند ای امت محمد ص بیرون روید بسوی درگاه پروردگار
کریم که عطاهای بزرگ میبخشد و گناهان بزرگ را میآمرزد پس چون بمصلی
میروند بجهت نماز عید خدا بملائکه میگوید که ای ملائکه من چیست جزای مزدوری
هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که

مغفرتش تمام داده شود خدا میگوید بملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنان را که در آن مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هرچه میخواهید از من سؤال کنید بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجتی که برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من دو گردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گناهکاران رسوا نمیگردانم برگردید از مصلی آمرزیده بدرستی که خوشنود کردید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیگر را مبارکباد میگویند با آنچه حق تعالی بامت محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هرچند بعدد ستارههای آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و اما اعمال این سه شب دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دوم آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقولست هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او غرس نماید و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری گردانند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکنند و مستحب است که در این شبها قرآن مجید را بدست بگیرند و بگشایند و بعد این دعا بخوانند

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِيهِ وَ
خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بکتاب نازل شده تو و آنچه در اوست

فِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَىٰ وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَىٰ أَنْ
در اوست نام بزرگ تو و نامهای نیکوی تو و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود

تَجْعَلَنِي مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
اینکه گردانی مرا از آزاد شدگان خود از آتش و برآوری حاجتهای مرا برای دنیا و آخرت

اعمال

پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله برآورده است و ایضا از حضرت امام محمد باقر منقولست و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که مصحف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگو

اللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ
خداوندا بحرمت این قرآن و بحرمت آنکه فرستادی او را با آن و بحرمت هر گرونده

مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ
که ستوده او را در آن و بحرمت حق تو بر ایشان پس نیست کسی شناساتر بحق تو از تو

بِكَ يَا اللّٰهُ ده بِمُحَمَّدٍ ده بِعَلِيٍّ ده بِفَاطِمَةَ ده
ده مرتبه ای خدا ده مرتبه بحرمت محمد ده مرتبه بحرمت علی ده مرتبه بحرمت فاطمه

بِالْحَسَنِ ده بِالْحُسَيْنِ ده بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ده بِمُحَمَّدِ
ده مرتبه بحرمت حسن ده مرتبه بحرمت حسین ده مرتبه بحرمت علی پسر حسین ده مرتبه بحرمت محمد

بْنِ عَلِيٍّ ده بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ده بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ده بِعَلِيِّ
پسر علی ده مرتبه بحرمت جعفر پسر محمد ده مرتبه بحرمت موسی پسر جعفر ده مرتبه بحرمت علی

بْنِ مُوسَى ده بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ده بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ده بِالْحَسَنِ بْنِ
پسر موسی ده مرتبه بحرمت محمد پسر علی ده مرتبه بحرمت علی پسر محمد ده مرتبه بحرمت حسن پسر

عَلِيٍّ ده بِالْحُجَّةِ پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین در
علی ده مرتبه بحرمت حجت

هر یک از این سه شب سنت مؤکد است و در هر یک خصوصا شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد میخوانند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید این صد رکعت غیر از نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتوان کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن مرده و زنده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند اما دوم پس اعمال شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و صد مرتبه

ماه رمضان

اللّٰهمّ العن قتلة امير المؤمنين وابدعا اللّٰهمّ اجعل فيما

خدايا لعنت كن كشندهٔ پادشاه گرويدگان بخوانند خدايا بگردان در آنچه

تقضي وتقدّر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم

حكم كنى و اندازه كنى از امر واجب گرديده و در آنچه جدا كنى از امر موافق حكمت

في ليلة القدر من القضاء الّذي لا يردّ ولا يبدّل ان

در شب قدر از حكمى كه رد كرده نشود و بدل كرده نشود آنكه

تكتبني من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المشكور سعيهم

بنويسى از حج كنندگان خانهٔ محترم تو پذيرفته حج ايشان جزا داده سعى ايشان

المغفور ذنوبهم المكفّر عنهم سيّئاتهم واجعل فيما تقضي

آمرزيده شده گناه ايشان برداشته از ايشان بديهاى ايشان و بگردان در آنچه حكم كنى

وتقدّر ان تطيل عمري وتوسّع عليّ في رزقي وتفعل بي

و اندازه كنى كه دراز كنى عمر مرا و وسعت دهى بر من در روزى من و اندازه كنى براى من

جميع اموري ما هو خير لي في دنياي وآخرتي يا ارحم الرّاحمين

همه امور من آنچه آن بهتر است مرا در دنياى من و آخرت من اى رحيم‌ترين رحيمان

پس حوائج خود را از حق تعالى طلب نمايد شب بيست و يكم فضيلتش زياده از شب سابق است

و غسل و اعمال سابقه همه را بايد بعمل آورد و دعاى دهه آخر اعتكاف در ماه رمضان بعد از آن

سنّت است و دعاى اسحار مستجاب است و بسند معتبر از حضرت امام موسى منقول است كه در

شب بيست و يكم و بيست و سيم صد ركعت نماز بكن و در هر ركعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد

بخوان و در حديث معتبر ديگر منقول است كه حضرت امام محمّد باقر اين دو شب را احيا ميكرد و در نصف اوّل

شب مشغول دعا ميشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثّق از حضرت صادق مرويست

كه اگر بتوانى در شب بيست و يكم و بيست و سيم ماه رمضان در هر يك صد ركعت نماز بكن بغير از سيزده

ركعت نماز شب و نافلهٔ صبح و تا صبح بيدار باش و مستحب است كه مشغول نماز و دعا و تضرّع باشى

بدرستيكه اميد شب قدر در يكى از آنها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود يعنى

عمل در اين بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امرى كه در آن سال واقع ميشود در شب قدر

مقدّر ميگردد و دعاى اين شب در ضمن دعاهاى دهه آخر مذكور خواهد شد ان شاء الله تعالى

و امّا شب بيست و سيم اكثر احاديث معتبره دلالت ميكند بر آنكه اين شب قدر است و در آن

دو غسل سنّت است يكى در اوّل شب و ديگرى در آخر شب و حضرت صادق فرمود كه شب بيست و سيم

شب جهنى است در اين شب جميع امور بر وفق حكمت مقدّر ميگردد و در اين شب مقدّر ميشود عطاها

و بلاها و اجلها و روزيها و قضاها و آنچه در آن سال واقع ميشود تا شب قدر آينده پس خوشا حال

كسيكه احيا كند آن شب را و بيدار باشد بعبادت گاه در ركوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را

در برابر ديدهٔ خود ممثّل گرداند و بر آنها بگريد چون چنين كند اميد دارم كه از فضيلت شب

قدر محروم نگردد ان شاء الله تعالى و فرمود كه خدا امر ميكند ملكى را كه ندا ميكند در هر شب ماه رمضان

در هوا كه بشارت باد شما را در حق يكديگر قبول ميكنم و دعاهاى شما را در حق يكديگر مستجاب

گردانم مگر كسيكه روزه را افطار كند بر مسكرى يا كينهٔ مؤمنى را در دل داشته باشد

و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است كه هر كه سورهٔ عنكبوت و روم را در شب بيست و

سيم بخواند والله كه او از اهل بهشت است و استثنا نميكنم در آن احدى را و نميترسم كه خدا در اين

سوگند گناهى بر من بنويسد اين دو سوره را نزد خدا منزلت عظيم هست و ايضا از آنحضرت

بسند معتبر منقول است كه هر كه در شب بيست و سيم اين ماه هزار مرتبه سورهٔ انّا انزلناه

را بخواند هر آينه صبح كند با يقين شديد باعتراف با آنچه مخصوص ما است از كرامتها

در اين شب بسبب آنچه در خواب ببيند سورهٔ حم دخان را نيز سنّت است كه در اين شب بخواند

از حضرت امام محمّد تقى منقول است كه هر كه زيارت كند حضرت امام حسين را در شب بيست و سيم

كه اميد شب قدر در آن هست و در آن هر امرى مقدّر ميشود مصافحه كند با او روح بيست و چهار هزار

و بيست و چهار هزار پيغمبر كه همه در اين شب رخصت طلبند از خدا در زيارت آنحضرت

و بسند معتبر از حضرت امام محمّد باقر مرويست كه هر كه احيا كند شب بيست و سيم ماه رمضان

را و صد ركعت نماز بكند خدا روزى او را فراخ گرداند در دنيا و شر دشمنان را از او

كفايت كند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه خراب شدن بر سرش و لقمه در گلو گرفتن

از شر درندگان و دفع كند از او هول منكر و نكير را و از قبر كه بيرون آيد او را نورى باشد

كه روشنى بخشد اهل محشر را و نامه‌اش را بدست راستش دهند و بنويسند براى او برات

بيزارى از آتش جهنم و گذشتن بر صراط و ايمنى از عذاب را و داخل بهشت شود بى حساب و در بهشت

او را از رفيقان پيغمبران و صدّيقان و شهيدان گردانند و نيكو رفيقانند ايشان و

اين شب را از جملهٔ دعاهاى دهه آخر بخواند و ايضا اين دعا را بخواند اللّٰهمّ

امدد لي في عمري واوسع لي في رزقي واصحّ لي جسمي و

درازى بخش مرا در عمر من و فراخ كن مرا در روزى من و درست كن مرا در بدن مرا

وَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَإِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَامْحُنِي مِنَ

و برسان مرا آرزوی مرا و اگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا از

الْأَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ

دیوان بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان پس بدرستیکه تو گفتۀ در کتاب خود

الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْحُوا اللّٰهُ مَا

فرو داده بر پیغمبر خود رحمت تو باد بر او و آل او محو میکند خدا آنچه را

يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ وَايضاً اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي

خواهد و ثابت دارد و نزد او ست اصل کتاب بگوید خداوندا بگردان مرا

مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

از وافرترین بندگان خود نصیب گردان از هر خیری که فرو فرستادی در این شب

أَوْ أَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ

یا تو فرو فرستادی آنرا از نوری که هدایت نمائی بآن یا رحمتی که پراکنده کنی آنرا یا رزقی که

تَقْسِمُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ

قسمت کنی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا یا ضرری که زائل کنی آنرا و بنویس برای من آنچه نوشتی مر دوستان خود را

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ الثَّوَابَ وَأَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ

که شایسته اند که سزاوار شده اند از تو پاداش نیکو و دیدند بخشنودی تو از ایشان

مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي

از تو عقوبت ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت کن بر محمد و آل محمد و بکن با من این

ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

برحمت رحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

و هر قدر از قرآن که ممکن باشد بخواند و دعاهای صحیفهٔ کامله بخواند خصوصا

مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها از شهر حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل وارد شده است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و در احادیث معتبره در استحباب غسل در آن وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل در این شب فتح میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند خدا بایشان نور در بدنها و گوشهای ایشان و در شب بیست و هفتم نیز بخصوص غسل وارد شده است و منقول است

که حضرت امام زین العابدین در این شب مکرر این دعا را میخواندند از اول شب تا آخر شب اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب بیست و نهم نیز بخصوص غسل وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین سنت است و وداع ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است باظهار آنکه روزه و عبادت این ماه بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان آن بودیم و انقضای آنرا نازده و محزونیم و هر که لذت عبادات الهی را یافته است و فوائد آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادات و بندگی میباشد پس میباید این ماه وافر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزی از اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند معلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد از ترک خدمت او دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و با ان راضی نباشد و دعاهای وداع در شب آخر سنت خواندن است و اگر در روز آخر نیز بخوانند خوبست و در حدیث است که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعاهای صحیفهٔ کامله است و بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است که اینست دعای وداع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ

بنام خدای بخشنده مهربان بار خدایا بدرستیکه تو گفتۀ در کتاب خود فرو داده

عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَوْلُكَ حَقٌّ

بر زبان پیغمبر فرستاده شده رحمت تو بر او و آل او و گفتار تو راست

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ

ماه رمضان که فرو فرستاده شده در آن قرآن در حالتی که راهنمای آدمیانست و معجزها

مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَ

از هدایت و جدا کننده حق از باطل و این ماه رمضانست که بتحقیق بریده شده

انْقَضَتْ أَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

و بپایان رسیده روزهای او و شبهای او پس درخواست میکنم ای پروردگار بذات تو بزرگوار

وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي

و کلمات تمام تو اگر باشد باقی بر من گناهی که نیامرزیده آنرا یا اراده داری که عذاب

عَلَيْهِ أَوْ تُقَايِسَنِي بِهِ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا

کنی مرا بر او یا قیاس کنی مرا باو که بر نیاید صبح این شب و بپایان رسد این

الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك

ماه مگر و بتحقیق که بیامرزی مرا ای رحیم ترین رحیمان خدایا مر تراست ستایش

كلها اولها وآخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق

همه آن اول آن و آخر آن آنچه گفتی بذات خود از آن و آنچه گفت مر ترا آفریدگان

الحامدون المجتهدون المعددون الموثرون في ذكرك و

ستایش کنندگان و کوشش نمایندگان شمارندگان برگزینندگان در ذکر کردن تو

الشكر لك الذين اعنتهم على اداء حقك من اصناف خلقك

و شکر مر ترا که مدد کردی ایشان را بر ادا کردن حق تو از اقسام آفریدگان تو

من الملائكة المقربين والنبيين والمرسلين واصناف

از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان و اقسام

الناطقين المسبحين لك من جميع العالمين على انك بلغتنا

گویندگان تنزیه کنندگان مر ترا همه جهان برآنکه رسانیدی مرا

شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل قسمك واحسانك

ماه رمضان و بر ما از نعمت تو و نزد ماست از جزیل بخششهای و افزون احسان

وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد

و پی در پی آمدن انعام با این مر تراست نهایت ستایش همیشه جاوید پیوسته

المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا

ثابت همیشه ماند که بپایان نرسد در کشیدگی زمانه بزرگست ستایش تو مدد کردی مارا

عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه وما كان علينا فيه من

برآن تا ادا کردی از ما روزه داشتن آنرا و بپا ایستادن او و از

صلوة وما كان منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله

نماز و آنچه باشد از ما در آن از نیکی یا شکر یا ذکر خداوندا پس قبول کن آنرا

منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك

از ما بنیکوتر پذیرفتن تو و تجاوز تو و عفو تو و درگذشتن تو و آمرزش تو

وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل

و خوشنودی ثابت تو تا اینکه فیروزی دهی ما را در او بهر نیکوی طلب کرده شده و عطای

عطاء موهوب وتوقنا فيه من كل امر مرهوب او ذنب مكسوب

و عطای وافر که بخشیده شده و ایمن گردانی مارا از هر امری که ترسیده شود گناهی کسب کرده شده

اللهم اني اسالك بعظيم ما سالك به احد من خلقك من

خدایا بدرستی که درمیخواهم ترا به بزرگتر آنچه درخواهد ترا کسی از آفریدگان تو از

كريم اسمائك وجميل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي على

بزرگترین نامهای تو و ستایش وافر تو و خاص دعای تو اینکه رحمت فرستی بر

محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان مر

محمد و آل محمد و اینکه بگردانی ماه ما را این بزرگتر از ماه رمضان که گذشته

علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص

بر ما از زمانیکه فرود فرستادی ما را بسوی دنیا برکت در نگاه داشتن دین من و خلاص

نفسي وقضاء حاجتي وتشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي

نفس من و برآوردن حاجت من و اینکه بپذیری شفاعت مرا در سؤالهای من و تمام کردن نعمت بر من

وصرف السوء عني ولباس العافية لي وان تجعلني برحمتك

و گردانیدن بدی از من و لباس عافیت جهة من و اینکه بگردانی مرا برحمت خود

ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف شهر

از آنکه راندی برای او شب قدر را و گردانیدی او را جهة او بهتر از هزار ماه

في اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول العمر وحسن الشكر ودوام

در بزرگتر مزد و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیکوئی شکر و همیشگی

اليسر اللهم واسالك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك

توانگری خدایا و درمیخواهم ترا برحمت تو و احسان تو و عفو تو و نعمت تو

وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد

و بزرگی تو و دیرینه احسان تو و انعام تو آنکه مگردانی او را آخر عهد

منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال و

از ما مر ماه رمضان تا برسانی او را از سال آینده بر نیکوتر حالتی و

تعرفني هلاله مع الناظرين اليه والمعترفين له في اعفى

بشناسانی بمن هلال او را با بینندگان بسوی او و شناسندگان او در بزرگترین

عافیتك وأتمّ نعمتك وأوسع رحمتك وأجزل قسمك اللّهمّ یا
عافیت تو و تمام تر نعمت تو و فراخ تر رحمت تو و فزونترین قسمت تو خدایا
ربّی الّذی لیس لی ربّ غیره لا یكون هذا الوداع منّی وداع
ای پروردگارا که نیست مرا پروردگاری غیر او نباشد این وداع از من وداع
فناء ولا آخر العهد من اللّقاء حتّی ترینیه من قابل فی أسبغ النّعم
همیشه و نه آخر عهد از ملاقات من تا آنکه بنمائی بمن او را سال آینده در [illegible] ترین نعمت
وأفضل الرّجاء وأنا لك علی أحسن الوفاء إنّك سمیع الدّعاء
و بهترین امیدواری و حال آنکه بوده باشم برای تو بر نیکوترین وفا بدرستی که تو شنونده دعائی
اللّهمّ اسمع دعائی وارحم تضرّعی وتذلّلی لك واستكانتی
خدایا بشنو دعا مرا و رحم کن زاری کردن مرا و پستی نمودن من برای تو و فروتنی نمودن من مرا
وتوكّلی علیك وأنا لك مسلّم لا أرجو نجاحا ولا معافاة ولا
و توکل کردن بر تو و منم مر ترا منقاد امید ندارم رستگاری را و نه عافیت را و نه
تشریفا ولا تبلیغا إلّا بك ومنك فامنن علیّ جلّ ثناؤك و
شرافت را و نه رسانیدن مگر بتو و از تو پس منت نه بر من بزرگ است ستایش تو و
تقدّست أسماؤك بتبلیغی شهر رمضان وأنا معافی من كلّ
پاکیزه است نامهای تو برسانیدن من ماه رمضان و حال آنکه من عافیت بخشیده شوم از هر
مكروه ومحذور ومن جمیع البوائق الحمد للّه الّذی أعاننا علی
مکروه و [illegible] رسیده شده و از جمیع مصیبتها حمد مر خدا را که مدد کرد ما را بر
صیام هذا الشّهر وقیامه حتّی بلّغنا آخر لیلة منه اللّهمّ إنّی
روزه داشتن این ماه و ایستادن او تا رسانیدی ما را آخر شبی از او خدایا بدرستی که
أسألك بأحبّ ما دعیت به وأرضی ما رضیت به عن محمّد
سؤال میکنم ترا بدوست ترین آنچه خوانده شدی باو و پسندیده ترین آنچه خوشنود شدی بآن از محمد
صلّی اللّه علیه وآله أن تصلّی علی محمّد وآل محمّد ولا تجعل
رحمت خدا بر او و آل او آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و مگردان
شهر رمضان وداع خروجی من الدّنیا ولا وداع آخر
مرا ماه رمضان وداع بیرون رفتن از دنیا و نه وداع آخر

عبادتك فیه ولا آخر صومی لك وارزقنی العود فیه
پرستیدن تو در او و نه آخر روزه من مر تراست و روزی کن مرا برگشتن در او
ثمّ العود فیه برحمتك یا ولیّ المؤمنین ووفّقنی فیه للیلة
پس برگشتن در او برحمت خود ای دوست گروندگان و توفیق ده مرا در او در شب
القدر واجعلها لی خیرا من ألف شهر ربّ اللّیل والنّهار و
قدر و بگردان او را برای من بهتر از هزار ماه پروردگار شب و روز و
الجبال والبحار والظّلم والأنوار والأرض والسّماء یا بارئ
کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای پدیدآرنده
یا مصوّر یا حنّان یا منّان یا اللّه یا رحمن یا رحیم یا حیّ یا قیّوم
ای صورت بخشنده ای مهربان ای نیکوکارنده ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای زنده ای پاینده
یا بدیع السّماوات لك الأسماء الحسنی والأمثال العلیا
ای پدیدآرنده آسمانها و زمین مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند
والكبریاء والآلاء أسألك باسمك بسم اللّه الرّحمن
و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم از تو بنام تو بنام خدای بخشنده
الرّحیم أن تصلّی علی محمّد وآل محمّد وأن تجعل اسمی فی هذه
مهربان آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی نام مرا در این
اللّیلة فی السّعداء وروحی مع الشّهداء وإحسانی فی علّیّین و
شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین
إساءتی مغفورة وأن تهب لی یقینا تباشر به قلبی وإیمانا
و بدی مرا آمرزیده شده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی دل مرا و ایمانی
لا یشوبه شكّ ورضا بما قسمت لی وأن تؤتینی فی الدّنیا
نیامیزد او را شکی و خوشنودی بآنچه قسمت کرده ای مرا و آنکه بدهی مرا در دنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وأن تقینی عذاب النّار الحریق و
نیکی و در آخرت نیکی و آنکه نگاهداری مرا از عذاب آتش سوزنده
اللّهمّ اجعل فیما تقضی وتقدّر من الأمر المحتوم وفیما تفرق
خدایا بگردان در آنچه حکم کنی و اندازه کنی از امر حتمی و در آنچه جدا کنی

الأمر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل
كار محكم در شب قدر از حكمي كه رد كرده نشود و بدل كرده نشود
أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
و نويسي مرا از حج كنندگان خانهٔ محترم خود پذيرفته شده حج ايشان جزا داده شده سعي ايشان
المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي و
آمرزيده شده گناه ايشان بازدارنده از ايشان بديهاي ايشان و بگردان در آنچه حكم كني
تقدر أن تطيل عمري وأن تعتق رقبتي من النار يا أرحم الراحمين
و اندازه كني بسيار دراز كني عمر مرا و اينكه آزاد كني گردن مرا از آتش اي رحم كننده رحيمان
اللهم إني أسألك ولم يسأل العباد مثلك جوداً وكرماً و
خدايا بدرستيكه سوال ميكنم ترا و سوال نكردند بندگان مانند ترا از روي بخشش و كرم و
أرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت موضع مسألة السائلين
رغبت بسوي تو و رغبت كرده نشده بسوي مانند تو توئي قرارگاه سوال سوال كنندگان
ومنتهى رغبة الراغبين أسألك بأعظم المسائل كلها و
و منتهاي رغبت رغبت كنندگان سوال ميكنم ترا به بزرگتر از سوالهاي همه آن
أفضلها وأنجحها التي ينبغي للعباد أن يسألوك بها يا الله يا
و بهتر آن و روا شده تر آن آنها كه سزاوار است مر بندگان را كه پرسند ترا بآن اي خداي بخشنده
رحمن وبأسمائك ما علمت منها وما لم أعلم وبأسمائك الحسنى
و بنامهاي تو آنچه ميدانم از آن و آنچه نميدانم و بنامهاي نيكوي تو
وأمثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك
و داستانهاي بلند تو و نعمتهاي كه شمرده نشود و بگرامي ترين نامهاي تو بر تو
وأحبها إليك وأشرفها عندك منزلة وأقربها منك وسيلة
و دوست داشته تر بسوي تو و بلندتر آنها نزد تو از روي مرتبه و نزديكتر آنها بتو از روي وسيله
وأجزلها منك ثواباً وأسرعها لديك إجابة وباسمك المكنون
و داوفرتر آنها از تو از روي پاداش و شتابنده تر آن نزد تو از روي اجابت و بنام پوشيده پنهان
المخزون الحي القيوم الأكبر الأجل الذي تحبه وتهواه وترضى
داشته تو زنده پاينده بزرگتر بزرگوارتر كه دوست داري او را و ميخواهي او را

به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك أن لا تحرم سائلك
بآن از آنكه خواند ترا بآن و بپذيري مر او را دعاي او را و سزاوار است بر تو اينكه نااميد نكني خواهنده را
وأسألك بكل اسم هو لك في التوراة والإنجيل والزبور والفرقان
و سوال ميكنم ترا بهر ناميكه او مر تراست در توريه و انجيل و زبور و فرقان
وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة سماواتك وجميع
و بهر ناميكه خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو و فرشتگان آسمانها و همه
الأصناف من خلقك من نبي أو صديق أو شهيد وبحق الراغبين
تمام از خلق تو از پيغمبر يا راستگوي يا گواهي و بحرمت خواهندگان
إليك الفرقين منك المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك الحرام
بسوي تو ترسناكان از تو پناه برندگان بتو و بحرمت همسايگان خانهٔ محترم
حجاجاً ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك وبحق كل
حج كننده و عمره گذاران و تزكيه كنندگان و جهاد كنندگان در راه تو و بحرمت هر
عبد متعبد لك في بر أو بحر أو سهل أو جبل أدعوك دعاء من
بنده پرستنده مر تو را در خشكي يا دريا يا زمين هموار يا كوه ميخوانم تو را خواندن از
قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه
كسي كه سخت تر باشد احتياج و بسيار باشد گناه او و بزرگ باشد گناه او و ضعيف باشد كوشش او
دعاء من لا يجد لنفسه ساداً ولا لضعفه مقوياً ولا لذنبه
دعاي كسي كه نيابد مر نفس خود را بازدارنده و نه بجهة ناتواني خود قوت دهنده و نه بجهة گناه خود
غافراً غيرك هارباً إليك متعوذاً بك متعبداً لك غير مستكبر
آمرزنده غير تو گريزنده بسوي تو پناه برنده بتو پرستنده مر تو را نه گردنكش و
ولا مستنكف خائفاً بائساً فقيراً مستجيراً بك أسألك بعزتك
نه ننگ دارنده ترسان محتاج درويش و زنهار جوينده بتو ميخواهم ترا بعزت تو
وعظمتك وجبروتك وسلطانك وبملكك وبهائك و
و بزرگي تو و بزرگواري تو و غلبه تو و پادشاهي تو و نيكوئي تو و
جودك وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك وبقوتك
جود تو و كرم تو و بنعمتهاي تو و نيكوئي تو و جمال تو و بتوانائي تو

عَلى ما اَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَدْعُوكَ يا رَبِّ خَوْفاً وَطَمَعاً وَرَهْبَةً

بر آنچه اراده داری از خلق تو میخوانم ترا ای پروردگار از راه ترس و طمع و بیم

وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعاً وَتَمَلُّقاً وَتَضَرُّعاً وَاِلْحافاً وَاِلْحاحاً خاضِعاً لَكَ

و خواهش و فروتنی و ترسی و زاری نمودن و مبالغه نمودن و الحاح کردن و حال آنکه فروتن

لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ يا قُدُّوسُ يا قُدُّوسُ يا

مر تو را نیست خدائی مگر تو تنهائی تو نیست شریکی مر تو را ای بغایت پاک ای بغایت پاک

قُدُّوسُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا رَحْمنُ يا رَحْمنُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ

ای بغایت پاک ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان

يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَعُوذُ بِكَ يا اَللهُ الْواحِدُ الْاَحَدُ

ای مهربان ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار پناه میبرم بتو ای خدای فرد یکتا

الصَّمَدُ الْوِتْرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعالُ وَاَسْئَلُكَ بِجَميعِ ما دَعَوْتُكَ بِهِ

بی نیاز بیمانند بزرگوار بلند مرتبه و درخواهم ترا بهمه آنچه خواندم تو را با آن

وَبِاَسْمآئِكَ الَّتى مَلَاَتْ اَرْكانَكَ كُلَّها اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بنامهای تو که پر کرده اطراف مملکت تو را همه آن که رحمت فرستی بر محمد و اهلبیت محمد

وَاَنْ تَغْفِرَ لي ذَنْبي وَتَرْحَمَني وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظيمِ وَتَقَبَّلَ

و بیامرزی گناه مرا و رحم کنی مرا و فراخ کنی بر من و گشایش دهی از فضل بزرگ خود و بپذیری

مِنّي شَهْرَ رَمَضانَ وَصِيامَهُ وَقِيامَهُ وَفَرْضَهُ وَنَوافِلَهُ وَاَنْ

از من ماه رمضان و روزه داشتن آن را و بپا ایستادن آن را و واجبات و مستحبات آن را و بیامرزی

لي وَارْحَمْني وَاعْفُ عَنّي وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضانَ صُمْتُهُ لَكَ

مرا و رحم کنی مرا و بگذری از من و مگردان آن را آخر ماه رمضان که روزه داشتم برای تو

وَعَبَدْتُكَ فيهِ وَلا تَجْعَلْهُ وَداعي اِيّاهُ وَداعَ خُرُوجي مِنَ الدُّنْيا

و پرستیدم ترا در او و مگردان وداع من او را وداع بیرون رفتن از دنیا

اَللّهُمَّ اَوْجِبْ لي مِنْ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوانِكَ وَخَشْيَتِكَ

خدایا واجب کن برای من از رحمت و آمرزش و خوشنودی و ترس خود

اَفْضَلَ ما اَعْطَيْتَ اَحَداً مِنْ عَبيدِكَ فيهِ اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْني آخِرَ

بهتر آنچه عطا کرده احدی را از کسانی که پرستند ترا در آن خداوندا مگردان مرا در بازگشت

مَنْ سَئَلَكَ فيهِ وَاجْعَلْني مِمَّنْ اَعْتَقْتَهُ في هذَا الشَّهْرِ مِنَ النّارِ

آنکه درخواست کرد ترا در آن و بگردان مرا از کسیکه آزاد کرده او را در این ماه از آتش

وَغَفَرْتَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَاَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ

و آمرزیدی مر او را آنچه پیش فرستاده از گناه او و آنچه باز پس مانده و واجب کردی مر او را بهتر

رَجآئِكَ وَاَمَلِ مِنْكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ ارْزُقْني الْعَوْدَ في

امیدواری و آرزوی کرد از تو ای رحم‌تر از رحیمان خدایا روزی کن مرا باز گردیدن در

صِيامِهِ لَكَ وَعِبادَتِكَ فيهِ وَاجْعَلْني مِمَّنْ كَتَبْتَهُ في هذَا الشَّهْرِ

روزه داشتن آن مر ترا در پرستیدن تو در آن و بگردان مرا از کسیکه نوشتی او را در این ماه

مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ الْمَغْفُورِ لَهُمْ

از حج کننده‌گان خانه حرم تو پذیرفته شده حج ایشان آمرزیده مر ایشان را

ذُنُوبُهُمْ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ آمينَ آمينَ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ اَللّهُمَّ

گناه ایشان پذیرفته کردار ایشان بپذیر بپذیر بپذیر پروردگار عالمیان خدایا

لا تَدَعْ لي فيهِ ذَنْباً اِلاّ غَفَرْتَهُ وَلا خَطيئَةً اِلاّ مَحَوْتَها وَلا

وامگذار مرا در آن گناهی مگر آنکه بیامرزی آن را و نه خطائی مگر آنکه زائل کنی آن را و نه

عَثْرَةً اِلاّ اَقَلْتَها وَلا دَيْناً اِلاّ قَضَيْتَهُ وَلا عَيْلَةً اِلاّ اَغْنَيْتَها

لغزشی مگر درگذری از آن و نه قرضی مگر ادا کنی آن را و نه نیازمندی مگر آنکه بی‌نیاز گردانی

وَلا هَمّاً اِلاّ فَرَّجْتَهُ وَلا فاقَةً اِلاّ سَدَدْتَها وَلا عُرْياً اِلاّ كَسَوْتَهُ

و نه اندوهی مگر بگشائی آن را و نه حاجتی مگر آنکه ببندی آن را و نه برهنگی مگر آنکه بپوشانی آن را

وَلا مَرَضاً اِلاّ شَفَيْتَهُ وَلا دآءً اِلاّ اَذْهَبْتَهُ وَلا حاجَةً مِنْ

و نه مرضی مگر آنکه شفا دهی آن را و نه دردی مگر آنکه ببری آن را و نه حاجتی از

حَوآئِجِ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ اِلاّ قَضَيْتَها عَلى اَفْضَلِ اَمَلي وَرَجآئي

حاجتهای دنیا و آخرت مگر روا کنی آن را بر بهتر آرزوی و امید من

فيكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا

در او ای بخشنده‌ترین بخشندگان خدایا میگردان دلهای ما را پس از آنکه راهنمائی ما

وَلا تُذِلَّنا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنا وَلا تَضَعْنا بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنا وَلا

و مگردان ذلیل ما را پس از آنکه عزیز گردانیدی ما را و پست مکن ما را پس از آنکه بلند گردانیدی ما را و نه

نهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد
اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا تغير شيئا من نعمك
علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن
منا فان في كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر
لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم الراحمين اللهم اكرمني
في مجلسي هذا كرامة لا تهينني بعدها ابدا واعزني عزا لا تذلني
بعده ابدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها ابدا وارفعني رفعة
لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني شر كل شيطان مريد وشر
كل جبار عنيد وشر كل فاجر وبعيد وشر كل صغير او كبير وشر
كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اللهم
ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح
او بطر او بذخ او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق
او كفر او فسوق او معصية او شيء لا تحب عليه وليا لك فاسألك

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تمحوه من قلبي وتبدلني مكانه ايمانا
بوعدك ورضى بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا
في الدنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمأنينة اليك و
توبة نصوحا اليك اللهم ان كنت بلغتناه والا فاخر عنا آجالنا
الى قابل حتى تبلغناه في يسر منك وعافية يا ارحم الراحمين
صلى الله على محمد وآله كثيرا ورحمة الله وبركاته عليهم

و در جمعه آخر نیز وداع جمعها بدنیست که از جابر بن عبدالله انصاری منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت رسول در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه است از ماه رمضان پس آنرا وداع کن و بگو

اللهم لا تجعله آخر
العهد من صيامنا اياه فان جعلته فاجعلني مرحوما ولا تجعلني
محروما

و هر که این دعا را بخواند ظفر میابد بیکی از دو خصلت یا برسیدن ماه مبارک رمضان آینده یا بآمرزش خدا و رحمت او و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب آخر ماه رمضان این دعا را بخواند

اللهم
لا تجعله آخر العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان يطلع
فجر هذه الليلة الا وقد غفرت لي

خدا بیامرزد او را پیش از صبح و روزی او کند توبه و انابه را و ... است که ابن دعا را بخواند

اللهم اني اسألك بأحب ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن
محمد وعن اهل بيت محمد عليه وعليهم السلام ان تصلي عليه

وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِي هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا

و بر ایشان و مگردان وداع ماه من این را وداع بیرون رفتن من از دنیا

وَلَا وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا

و نه آخر وداع پرستیدن تو و توفیق ده مرا در آن شب قدر و بگردان آن را برای من بهتر

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْأَجْرِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ يَا

از هزار ماه با مضاعف شدن مزد و اجابت و عفو از گناه بگذشتن ای

الرَّبِّ (پروردگار) وازجمله چیزهائی که سنت است در شب آخر آزاد کردن بنده‌ها است بر آنکه شبی که خدا بنده‌ها بسیار از آتش جهنم آزاد میکرداند هر که بنده ضعیفی فرو فانی بنده کار قبل قیامت آزاد کند امید هست که خداوند بسیار آن و شغلها او را از آتش جهنم آزاد کرده و نام او را از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه منقولست که امام زین العابدین بنده‌ها میکه در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و که در شب آخر رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شماها را آزاد کردم با امید آنکه خداوند هم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد کند و چون روز عید میشد جائزه‌های عظیم با ایشان میبخشید که ایشان بی‌نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفتند که خدا در هر شب ماه رمضان در وقت افطار هفتاد هزار هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلام و کنیز را زیاده از یکسال خدمت نفرموده و در روز عید فطر در عرفات نیز بنده‌ها خود را آزاد میفرمودند و روایتی وارد شده است که سنت است که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخوانند و صد مرتبه بگویند أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ **فصل ششم** در دعاهای مخصوصه آخر ماه مبارک است بسند بسیار معتبر از حضرت صادق منقولست که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا را میخواند

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي

خدایا بدرستی تو گفته در کتاب خود ماه رمضان آنچنانست

أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ

نازل شده در آن قرآن حال آنکه راهنمای است مردمان را و نشانهای است از هدایت و جدا کننده

فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ

پس بزرگ گردانیدی حرمت ماه رمضان را بآنچه فرو فرستادی در آن قرآن را و مخصوص گردانیدی

۷ وذکر دعائیکه در هر شب از دهه آخر این ماه متبرکه باید خواند

بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ

بشب قدر و گردانیدی او را بهتر از هزار ماه خدایا و این روزهای ماه

رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلٰهِي

رمضان بتحقیق که بپایان رسید و شبهای او بتحقیق که منقطع شد و بتحقیق که گردیدم ای خدای من

مِنْهُ إِلَىٰ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَحْصَىٰ لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ

از آن بسوی آنچه تو داناتری بآن از من و ضبط نماینده تری مر شماره او را از خلق همه

فَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُكَ

پس سؤال میکنم ترا بآنچه درخواست نمودند بآن فرشتگان نزدیکان تو و پیغمبران تو

الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

و فرستادگان تو و بندگان شایسته تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

أَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ

و اینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش و درآوری مرا در بهشت برحمت خود و اینکه بخشش نمائی بر من

بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلٰهِي وَأَعُوذُ

بایمنی از روز ترس از هر سختی که مهیا کردی او را برای روز قیامت خدایا پناه

بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ أَنْ يَنْقَضِيَ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ

بذات بزرگوار تو و بجلال بزرگ تو که بپایان رسد روزهای ماه رمضان

وَلَيَالِيهِ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ أَوْ خَطِيئَةٌ

و شبهای آن و حال آنکه مر ترا باشد وبالی یا گناهی که مؤاخذه کنی بآن یا خطائی که

تُرِيدُ أَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

اراده کنی که قصاص نمائی او را از من نیامرزیده باشی آنرا برای من سید من سید من سید من

أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِذْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ

سؤال میکنم که نیست خدائی مگر تو چون نیست خدائی مگر تو اگر باشی خوشنود شده

عَنِّي فِي هٰذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ عَنِّي رِضًا وَإِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي

از من در این ماه پس افزون کن از من خوشنودی خود را و اگر نبوده باشی خوشنود از من

فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اللّٰهُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ

پس الآن راضی شو از من ای رحم‌کننده‌ترین رحیمان ای خدا ای یگانه ای بی‌نیاز ای آنکه

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَبِسْيار مى‌گفتند يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ

عَلَيْهِ السَّلامُ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظَامِ عَنْ اَيُّوبَ عَلَيْهِ

السَّلامُ اَيْ مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلامُ اَيْ مُنَفِّسَ غَمِّ

يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلامُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَنْتَ اَهْلُهُ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ

لا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ

وبسند معتبر از آن حضرت منقولست که در هر شب دهه آخر این دعا را بخوانند

اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضانَ اَوْ

يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هذِهِ وَبَقِيَ لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُ

عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْقاكَ

وبسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت صادق ع وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل است دعای شب بیست و یکم

يَا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهارِ وَمُولِجَ النَّهارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ

وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رازِقَ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ يَا اَللهُ يَا رَحْمنُ

يَا اَللهُ يَا رَحِيمُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ لَكَ

الْاَسْمآءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ

اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هذِهِ

اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ

وَاِسائَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيماناً

يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِما قَسَمْتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنْيا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي

فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَ

التَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ

دعای شب بیست و دویم

يَا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللَّيْلِ فَاِذا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَ

مُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّها بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ

الْقَمَرِ مَنازِلَ حَتّى عادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ

وَيا مُنْتَهى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اَللهُ يَا رَحْمنُ يَا اَللهُ يَا

قُدُّوسُ يَا اَللهُ يَا واحِدُ يَا اَحَدُ يَا فَرْدُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ لَكَ

الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ اَسْاَلُكَ

ان تصلي على محمد واهل بيته وان تجعل اسمي في هذه الليلة
اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او و اینکه بگردانی نام مرا در این شب
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
در نیکبختان و روح مرا با شهدا و نیکی مرا در علیین و بدی مرا
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب
آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر شود با آن دل من و ایمانی که ببرد
الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة
شک را از من و خوشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده مرا بده ما را در دنیا نیکی
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني
و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا
فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
در آن یاد خود و شکر خود و رغبت بسوی تو و توبه و انابه
والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام
و توفیق ده مرا بآنچه توفیق دادی مر او را محمد و آل محمد بر او و بر ایشان باد درود

دعای شب بیست و سیم
يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر
ای پروردگار شب قدر و گرداننده آن بهتر از هزار ماه
ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار
و پروردگار شب و روز و کوه و دریا و تاریکی و روشنائی
والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا
و زمین و آسمان ای پدید آرنده ای نگارنده ای مهربان ای بخشنده
الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله
ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نو پدید آرنده ای خدا ای خدا ای خدا
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء
مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها
اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه
سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این

الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهدا و نیکی مرا در علیین
واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
و بدی مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر گردد با دل من و ایمانی
يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا
که ببرد شک از من و خوشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده مرا و بده ما را در دنیا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني
نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا
فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة و
در آن یاد خود و شکر تو و رغبت بسوی تو و بازگشت و توبه
التوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه وعليهم السلام
و توفیق مرا بآنچه توفیق دادی مر او را محمد و آل محمد رحمت تو بر او و بر ایشان

دعای شب بیست و چهارم
يا فالق الاصباح ويا جاعل الليل سكنا والشمس
ای شکافنده صبحها و ای گرداننده شب را آرام و آفتاب
والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة و
و ماه وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام و توانائی و قوه
الحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله
و قدرت و فضل و انعام ای خداوند بزرگواری و اکرام ای خدا
يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله
ای بخشنده ای خدا ای یکتا ای بیهمتا ای خدا ای ظاهر ای باطن ای زنده نیست معبودی
الا انت لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
جز تو مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگی
والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی
اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهدا و

احسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر

به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی ورضا بما قسمت لی وآتنا فی

الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق

وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة

والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمداً وآل محمد صلواتک علیه

وعلیهم — دعای شب پنجشنبه — یا جاعل اللیل لباساً والنهار معاشاً

والارض مهاداً والجبال اوتاداً یا الله یا قاهر یا الله یا جبار

یا الله یا سمیع یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا الله یا

الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء

اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه

اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین

واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً

یذهب الشک عنی ورضا بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة

وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها

ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق

لما وفقت له محمداً وآل محمد علیه وعلیهم السلام — دعای شب جمعه —

یا جاعل اللیل والنهار آیتین یا من محی آیة اللیل وجعل آیة

النهار مبصرة لتبتغوا فضلاً منه ورضواناً یا مفصل کل شیء

تفصیلاً یا الله یا ماجد یا الله یا وهاب یا الله یا جواد یا الله

یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء

والآلاء اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل

اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی

فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی

وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا

حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی

فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة

اَلتَّوْفِيقِ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب هفتم

يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَاكِنًا وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضًا يَسِيرًا يَا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللّٰهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ

لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب هشتم يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ وَخَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَاءِ وَمَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَحَابِسَهُمَا أَنْ تَزُولَا يَا عَلِيمُ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ يَا اللّٰهُ يَا وَارِثُ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ دعای شب نهم يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكَوِّرَ

النَّهارَ عَلَى اللَّيْلِ يا عَليمُ يا حَكيمُ يا رَبَّ الْاَرْبابِ يا سَيِّدَ السّاداتِ

روز را بر شب ای دانا ای درست کردار ای پروردگار پروردگاران ای بزرگ بزرگان

لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ يا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ يا اَللهُ يا

نیست خدائی بحز تو ای آنکه نزدیک تر است بسوی من از رگ گردن بخدا

اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ

الخدا الخدا مر تو راست نامهای نیکو و صفتهای بلند و بزرگی

وَالْآلاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ

و نعمتها درخواست میکنم ترا که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قرار دهی

اِسْمي في هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَ

نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و

اِحْساني في عِلِّيّينَ وَاِساءَتي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً

نیکی کردنم را در بلند مقامان و بد کردنم را آمرزیده شده و اینکه بخشی مر مرا یقینی که

تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَ اِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا

مباشر گردانی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنود کنی مرا بآنچه قسمت کردی مرا و بده ما را

فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ

در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَ

و روزی کن مرا در این شب یاد کردنم ترا و سپاس ترا و میل کردن بسوی تو و

الْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

توبه و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای او محمد و آل محمد را رحمت فرستد

اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

خدا بر او و بر ایشان

دعای شب بیست و سوم

اَلْحَمْدُ لِلّهِ لا شَريكَ لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ

سپاس مر خدای را که نیست انباز مر او را سپاس مر خدا را

كَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَكَما هُوَ اَهْلُهُ يا قُدُّوسُ يا

همچنانکه سزاوار است بزرگواری ذاتش و عزت جلالش را و چنانکه او هست اهل آن ای پاکیزه ای

نُورُ يا نُورَ الْقُدْسِ يا سُبُّوحُ يا مُنْتَهَى التَّسْبيحِ يا رَحْمانُ يا فاعِلَ

نور ای نور پاکیزه ای بسیار تسبیح کرده شده ای نهایت تسبیح کرده شده ای بخشنده ای کننده

اعمال رمضان

الرَّحْمَةِ يا اَللهُ يا عَليمُ يا كَبيرُ يا اَللهُ يا لَطيفُ يا جَليلُ يا اَللهُ يا

رحمت ای خدا ای دانا ای بسیار بزرگ ای خدا ای لطف کننده ای بزرگ ای خدا ای

سَميعُ يا بَصيرُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ

ای شنوا ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا مر تو راست نامهای نیکو و صفتهای

الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ

بلند و بزرگواری و نعمتها درخواست میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمي في هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي

آل محمد و اینکه قرار دهی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا

مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْساني في عِلِّيّينَ وَاِساءَتي مَغْفُورَةً وَاَنْ

با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده شده و اینکه

تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ وَتُرْضِيَني

بخشی مرا یقینی که مباشر گردانی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد گمان را و خوشنود کنی مرا

بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا

بآنچه قسمت دادی مرا و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار مرا

عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب یاد خود و سپاس خود و رغبت کردن

اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ

بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد را و

آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ السَّلامُ

آل محمد را رحمت فرستد خدا بر او و بر ایشان همه باد درود

فصل در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزها

مشتمل که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقها معتبر نیست نماز شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دوم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه سیم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه پنجم دو رکعت در هر رکعت پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه هشتم دو رکعت و در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از تمام پنجاه مرتبه اللهم

صلّ علی محمّد وآل محمّد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انّا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انّا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه توحید و در دو رکعت دوم پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انّا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخوانند زیرا که مشکل است در یکشب هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سیم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الذی بیده الملک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است و امّا دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده‌اند که حضرت رسول فضیلت بسیار از برای روزه روزهای ماه مبارک بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوص با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده‌اند و ما با صل دعا اکتفا مینمائیم

دعای روز اوّل

اللّهمّ اجعل صیامی فیه صیام الصّائمین

خداوندا بگردان روزه مرا در این روز روزه روزه داران

وقیامی فیه قیام القائمین ونبّهنی فیه عن نومة الغافلین

و برخواستن مرا در این روز برخواستن قیام کنندگان و آگاه کن مرا در این روز از خواب کردن غافلان

وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنّی یا عافیاً عن

و بخش برای من گناه مرا در این روز ای خدای جهانیان و درگذر از من ای گذرنده از

المجرمین

دعای روز دوم

اللّهمّ قرّبنی فیه الی مرضاتک وجنّبنی فیه

گناهکاران خدایا نزدیک کن مرا در این روز بسوی خوشنودیهای خود و برکنار دار مرا

من سخطک ونقماتک ووفّقنی فیه لقرائة آیاتک برحمتک

از خشم خود و عقوبتهایت و توفیق ده مرا در این روز برای خواندن آیتهایت برحمت خود

یا ارحم الرّاحمین

دعای روز سیم

اللّهمّ ارزقنی فیه الذّهن والتّنبیه

ای بهترین رحم کنندگان خداوندا روزی کن مرا در این روز زیرکی و آگاهی

وباعدنی فیه من السّفاهة والتّمویه واجعل لی نصیباً من

و دور کن مرا در این روز از بیخردی و پوشانیدن حق و قرار ده برای من بهره از

کلّ خیر تنزل فیه بجودک یا اجود الاجودین

دعای روز چهارم

اللّهمّ

هر نیکی که فرو فرستی در این روز بخشش خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان خداوندا

قوّنی فیه علی اقامة امرک واذقنی فیه حلاوة ذکرک و

توانائی ده مرا در این روز بر بپا داشتن فرمان خود و بچشان مرا در این روز شیرینی یاد خود و

اوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک واحفظنی فیه بحفظک

قسمت کن مرا در این روز برای گزاردن شکر خود بکرمت و نگاه دار مرا بنگاهبانی خود

وسترک یا ابصر النّاظرین

دعای روز پنجم

اللّهمّ اجعلنی فیه من

و پوشانیدنت ای بیناتر نگرندگان خداوندا بگردان مرا در این روز از

المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک الصّالحین القانتین

آمرزش خواهان و بگردان مرا در این روز از بندگان خود شایستگان فرمانبرداران

واجعلنی فیه من اولیائک المقرّبین برأفتک یا ارحم الرّاحمین

و بگردان مرا در این روز از دوستان نزدیکانت بمهربانی خود ای بهترین بخشندگان

دعای روز ششم

اللّهمّ لا تخذلنی فیه لتعرّض معصیتک ولا تضربنی

خدایا رسوا مکن مرا در این روز برای پیش آوردن نافرمانیت و مزن مرا

بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات سخطک بمنّک

بتازیانهای عقوبتت و دور دار مرا در این روز از چیزها که باعث است خشم تو را بنعمتهایت

وَ اَيادِيكَ يا مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ روز هفتم اَللّهُمَّ اَعِنّي فيهِ عَلى
صِيامِهِ وَ قِيامِهِ وَ جَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَ آثامِهِ وَ ارْزُقْني فيهِ ذِكْرَكَ
بِدَوامِهِ بِتَوْفيقِكَ يا هادِيَ الْمُضِلّينَ روز هشتم اَللّهُمَّ ارْزُقْني
فيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتامِ وَ اِطْعامَ الطَّعامِ وَ اِفْشاءَ السَّلامِ وَ
صُحْبَةَ الْكِرامِ بِطَوْلِكَ يا مَلْجَاَ الْآمِلينَ روز نهم اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي
فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ وَ اهْدِني فيهِ لِبَراهينِكَ
السّاطِعَةِ وَ خُذْ بِناصِيَتي اِلى مَرْضاتِكَ الْجامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ
يا اَمَلَ الْمُشْتاقينَ روز دهم اَللّهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلينَ
عَلَيْكَ وَ اجْعَلْني فيهِ مِنَ الْفائِزينَ لَدَيْكَ وَ اجْعَلْني فيهِ
مِنَ الْمُقَرَّبينَ اِلَيْكَ بِاِحْسانِكَ يا غايَةَ الطّالِبينَ روز يازدهم
اَللّهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فيهِ الْاِحْسانَ وَ كَرِّهْ اِلَيَّ فيهِ الْفُسُوقَ وَ
الْعِصْيانَ وَ حَرِّمْ عَلَيَّ فيهِ السَّخَطَ وَ النّيرانَ بِعَوْنِكَ يا
غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ روز دوازدهم اَللّهُمَّ زَيِّنّي فيهِ بِالسِّتْرِ وَ الْعَفافِ

اعمال رمضان

وَ اسْتُرْني فيهِ بِلِباسِ الصَّبْرِ وَ الْقُنُوعِ وَ الْكَفافِ وَ احْمِلْني
فيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَ الْاِنْصافِ وَ آمِنّي فيهِ مِنْ كُلِّ ما اَخافُ
بِعِصْمَتِكَ يا عِصْمَةَ الْخائِفينَ روز سيزدهم اَللّهُمَّ طَهِّرْني فيهِ مِنَ
الدَّنَسِ وَ الْاَقْذارِ وَ صَبِّرْني فيهِ عَلى كائِناتِ الْاَقْدارِ وَ وَفِّقْني
فيهِ لِلتُّقى وَ صُحْبَةِ الْاَبْرارِ بِعَوْنِكَ يا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَساكينِ
روز چهاردهم اَللّهُمَّ لا تُؤاخِذْني فيهِ بِالْعَثَراتِ وَ اَقِلْني فيهِ مِنَ الْخَطايا
وَ الْهَفَواتِ وَ لا تَجْعَلْني فيهِ غَرَضاً لِلْبَلايا وَ الْآفاتِ بِعِزَّتِكَ
يا عِزَّ الْمُسْلِمينَ روز پانزدهم اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ طاعَةَ الْخاشِعينَ
وَ اشْرَحْ فيهِ صَدْري بِاِنابَةِ الْمُخْبِتينَ بِاَمانِكَ يا اَمانَ الْخائِفينَ
روز شانزدهم اَللّهُمَّ وَفِّقْني فيهِ لِمُوافَقَةِ الْاَبْرارِ وَ جَنِّبْني فيهِ
مُرافَقَةَ الْاَشْرارِ وَ آوِني فيهِ بِرَحْمَتِكَ اِلى دارِ الْقَرارِ
بِاِلهِيَّتِكَ يا اِلهَ الْعالَمينَ روز هفدهم اَللّهُمَّ اهْدِني فيهِ
لِصالِحِ الْاَعْمالِ وَ اقْضِ لي فيهِ الْحَوائِجَ وَ الْآمالَ يا مَنْ

لا یحتاج الی التفسیر والسؤال یا عالماً بما فی صدور العالمین

محتاج نیست بسوی بیان کردن و خواستن ای داننده بآنچه در سینه‌های جهانیانست

صلّ علی محمّد وآله الطاهرین روز هجدهم اللهم نبّهنی فیه لبرکات

درود و رحمت فرست بر محمد و آل او که پاکانند خدایا آگاه کن مرا در این روز برای برکتهای

اسحاره ونوّر فیه قلبی بضیاء انواره وخذ بکلّ اعضائی

سحرهایش و روشن کن در این روز دل مرا بروشنیهای انوارش و بگیر همه اعضای من

الی اتّباع آثاره بنورک یا منوّر قلوب العارفین روز نوزدهم

بسوی پیروی کردن از آثارش بنور خودت ای نوربخش دلهای شناسندگان

اللهم وفّر فیه حظّی من برکاته وسهّل سبیلی الی خیراته و

خدایا زیاد کن در این روز بهره مرا از برکات او و آسان کن راه مرا بسوی نیکیهایش و

لا تحرمنی قبول حسناته یا هادیاً الی الحقّ المبین روز بیستم

محروم مگردان مرا از پذیرفتن نیکوئیهایش ای هدایت کننده بسوی حق آشکارا

اللهم افتح لی ابواب الجنان واغلق عنّی فیه ابواب النیران

خدایا بگشا برای من در این روز درهای بهشت را و ببند از من در این روز درهای دوزخ را

ووفّقنی فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب

و توفیق ده مرا در این روز برای خواندن قرآن ای فرو فرستنده آرام در دلهای

المؤمنین روز بیست و یکم اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک

مؤمنان خدایا قرار ده برای من در این روز بسوی خوشنودیهایت

دلیلاً ولا تجعل للشیطان فیه علیّ سبیلاً واجعل الجنّة

راهنمائی و قرار مده برای شیطان در این روز بر من راهی و بگردان بهشت را

لی منزلاً ومقیلاً یا قاضی حوائج الطالبین روز بیست و دوم

برای من منزل و قرارگاه ای برآورنده حاجتهای طلب کنندگان

اللهم افتح لی ابواب فضلک وانزل علیّ فیه برکاتک ووفّقنی

خدایا بگشا برای من در این روز درهای فضل خود را و فرو فرست بر من در این روز برکتهایت را و توفیق ده مرا

فیه لموجبات مرضاتک واسکنّی فیه بحبوحات جنّاتک یا

در این روز برای اسباب خوشنودیهای تو و ساکن گردان مرا در این روز در میان بهشتهایت ای

مجیب دعوة المضطرّین روز بیست و سوم اللهم اغسلنی فیه من الذنوب

اجابت کننده دعای بیچارگان خدایا پاک گردان مرا در این روز از گناهان

وطهّرنی فیه من العیوب وامتحن قلبی فیه بتقوی القلوب

و پاکیزه گردان مرا در این روز از عیبها و آزمایش کن دل مرا در این روز بپرهیزکاری دلها

یا مقیل عثرات المذنبین روز بیست و چهارم اللهم انّی اسألک فیه

ای درگذرنده از لغزشهای گناهکاران خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو در این روز

ما یرضیک واعوذ بک فیه ممّا یؤذیک واسألک التوفیق

آنچه خوشنودی تست و پناه میبرم بتو در این روز از آنچه اذیت کند ترا و درخواست کنم از تو توفیق را

فیه لان اطیعک ولا اعصیک یا جواد السائلین روز بیست و پنجم

در این روز برای اینکه فرمان برم ترا و نافرمانبرداری نکنم ترا ای بخشنده سؤال کنندگان

اللهم اجعلنی فیه محبّاً لاولیائک ومعادیاً لاعدائک

خدایا بگردان مرا در این روز دوست دارنده مر دوستانت را و دشمن دارنده مر دشمنانت را

مستنّاً بسنّة خاتم انبیائک یا عاصم قلوب النبیّین روز

پذیرنده سنت آخر پیغمبران تو را ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران

بیست و ششم اللهم اجعل سعیی فیه مشکوراً وذنبی فیه مغفوراً

خدایا بگردان سعی مرا در این روز جزا داده شده و گناه مرا در این روز آمرزیده شده

وعملی فیه مقبولاً وعیبی فیه مستوراً یا اسمع السامعین

و کردارم در این روز پذیرفته شده و عیب من در این روز پوشیده شده ای شنواترین شنوندگان

روز بیست و هفتم اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر وصیّر

خدایا روزی کن مرا در این روز فضل شب قدر و بگردان

اموری فیه من العسر الی الیسر واقبل معاذیری وحطّ عنّی

کارهای مرا در این روز از دشواری بسوی آسانی و بپذیر عذرهای مرا و بریز از من

الوزر یا رؤوفاً بعباده الصالحین روز بیست و هشتم اللهم وفّر حظّی

بار گناهانم را ای مهربان به بندگان شایستگان خدایا افزون کن بهره مرا

فیه من النوافل واکرمنی فیه باحضار المسائل وقرّب فیه

در این روز از نمازهای نافله و گرامی دار مرا در این روز بحاضر شدن مسئله‌ها و قریب گردان مرا در این روز

وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ

وسیله مرا بسوی خود از میان وسیلها ای آنکه مشغول نمیدارد او را اصرار الحاح کنندگان

دعای روز بیست و نهم: اللّٰهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ

خدایا بپوشان مرا در این روز برحمت و روزی کن مرا در این روز توفیق

وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غَيَاهِبِ التُّهَمَةِ يَا رَحِيماً بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

و عصمت و پاک گردان دل مرا از تیرگیهای تهمت ای مهربان به بندگان گرونده

دعای روز سی ام: اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ

خدایا بگردان روزه مرا در این روز قرین سپاس و پذیرائی بر آنچه بپسندی

وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

و بپسندد آنرا پیغمبر در حالتیکه استوار شده باشد فروع آن باصل آن بحق آقای ما محمد

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مؤلف گوید که در نقد هم و تأخیر دعاها

و آل او که پاکانند و ستایش مر خدای راکه پروردگار جهانیانست و عبارات هر یک در کتب

دعوات مختلف ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر ندانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیم خواندن در روز بیست که انسب باشد والله یعلم

باب چهارم در اعمال ایام و لیالی متبرکه ماه شوال و ماه ذیقعده است از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز عید فطر است و شبش از لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیاء آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که احیا کند شب عید فطر را نمیرد دل او در روزیکه دلها بمیرد از ترس و از حضرت امام محمد باقر منقولست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد میماند و میگفت که ای فرزند این شب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارگر مزدش را میدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن شب عید است راوی گفت که چه کار سزاوار است که در آن شب بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله از آنجا آورده دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ

ای خداوند نعمت و احسان ای صاحب جود و

يَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ

ای برگزیننده محمد و یاری کننده او رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من هر

ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ پس بسجده برو و صد مرتبه در سجده بگو اتوب الی الله

گناهی که شمرده تو آنرا و او است نزد تو در قرآن هویدا

پس هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که برآورده است و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد میخواندند و در رکعت دوم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند اتوب الی الله پس میگفتند یا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس حاجات خود را از خدا میطلبیدند پس سر از سجده بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندیکه جانم بدست قدرت او است که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا مطلبید البته او را عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنت است که این نامها را بخواند

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا مَلِكُ يَا اَللّٰهُ يَا قُدُّوسُ يَا اَللّٰهُ

ای خدا ای خدا ای مهربان ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاکیزه از عیب ای خدا

يَا سَلَامُ يَا اَللّٰهُ يَا مُؤْمِنُ يَا اَللّٰهُ يَا مُهَيْمِنُ يَا اَللّٰهُ يَا عَزِيزُ يَا اَللّٰهُ

ای سالم دارنده ای خدا ای ایمن کننده ای خدا ای نگاهبان ای خدا ای غالب ای خدا

يَا جَبَّارُ يَا اَللّٰهُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اَللّٰهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا اَللّٰهُ يَا

ای کارساز ای خدا ای بزرگی دارنده ای خدا ای آفریننده ای پدید آورنده ای خدا ای

مُصَوِّرُ يَا اَللّٰهُ يَا عَالِمُ يَا اَللّٰهُ يَا عَظِيمُ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيمُ يَا اَللّٰهُ

صورت نگار ای خدا ای داننده ای خدا ای بزرگ ای خدا ای دانا ای خدا

يَا كَرِيمُ يَا اَللّٰهُ يَا حَلِيمُ يَا اَللّٰهُ يَا حَكِيمُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا بَصِيرُ

ای بزرگوار ای خدا ای بردبار ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا

يَا اَللّٰهُ يَا قَرِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا جَوَادُ يَا اَللّٰهُ يَا وَاحِدُ

ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یکتا

يَا اَللّٰهُ يَا وَلِيُّ يَا اَللّٰهُ يَا وَفِيُّ يَا اَللّٰهُ يَا مَوْلٰى يَا اَللّٰهُ يَا قَاضِي يَا

ای خدا ای صاحب اختیار ای خدا ای وفا کننده ای خدا ای آقا ای خدا ای حکم کننده ای

اَللّٰهُ يَا سَرِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا شَدِيدُ يَا اَللّٰهُ يَا رَؤُوفُ يَا اَللّٰهُ يَا رَقِيبُ

خدا ای شتابنده ای خدا ای سخت گیر ای خدا ای مهربان ای خدا ای نگاهبان

يَا اَللّٰهُ يَا مَجِيدُ يَا اَللّٰهُ يَا جَوَادُ يَا اَللّٰهُ يَا مَاجِدُ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيُّ

ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بلند مرتبه

يَا اَللّٰهُ يَا حَفِيظُ يَا اَللّٰهُ يَا مُحِيطُ يَا اَللّٰهُ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا اَللّٰهُ

ای خدا ای نگاهدارنده ای خدا ای فرو گیرنده ای خدا ای بزرگ بزرگان ای خدا

يَا اَوَّلُ يَا اَللهُ يَا اٰخِرُ يَا اَللهُ يَا ظَاهِرُ يَا اَللهُ يَا بَاطِنُ يَا اَللهُ يَا

اي اول ايخدا اي آخر ايخدا اي ظاهر ايخدا اي نهان ايخدا اي

فَاخِرُ يَا اَللهُ يَا قَاهِرُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا

بزرگوار ايخدا اي غلبه كننده ايخدا اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا

يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا وَدُودُ يَا اَللهُ يَا نُورُ يَا اَللهُ

اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا اي مهربان ايخدا اي نور ايخدا

يَا دَافِعُ يَا اَللهُ يَا مَانِعُ يَا اَللهُ يَا فَاتِحُ يَا اَللهُ يَا نَفَّاعُ يَا اَللهُ

اي دفع كننده ايخدا اي بازدارنده ايخدا اي گشاينده ايخدا اي سود رساننده ايخدا

يَا جَلِيلُ يَا اَللهُ يَا جَمِيلُ يَا اَللهُ يَا شَهِيدُ يَا اَللهُ يَا شَاهِدُ يَا اَللهُ

اي بزرگ ايخدا اي نيكو ايخدا اي حاضر ايخدا اي گواه ايخدا

يَا حَبِيبُ يَا اَللهُ يَا فَاطِرُ يَا اَللهُ يَا مُطَهِّرُ يَا اَللهُ يَا مَالِكُ يَا اَللهُ

اي دوست ايخدا اي پديد آورنده ايخدا اي پاك كننده ايخدا اي صاحب ايخدا

يَا مُقْتَدِرُ يَا اَللهُ يَا قَابِضُ يَا اَللهُ يَا بَاسِطُ يَا اَللهُ يَا مُحْيِي يَا اَللهُ

اي توانا ايخدا اي نگاهدارنده ايخدا اي گستراننده ايخدا اي زنده كننده ايخدا

يَا مُمِيتُ يَا اَللهُ يَا مُجِيبُ يَا اَللهُ يَا بَاعِثُ يَا اَللهُ يَا مُعْطِي يَا اَللهُ

اي ميراننده ايخدا اي اجابت كننده ايخدا اي برانگيزاننده ايخدا اي عطا كننده ايخدا

يَا مُفْضِلُ يَا اَللهُ يَا مُنْعِمُ يَا اَللهُ يَا حَقُّ يَا اَللهُ يَا مُبِينُ يَا اَللهُ

اي فزوني دهنده ايخدا اي انعام كننده ايخدا اي حق ايخدا اي هويدا ايخدا

يَا طَيِّبُ يَا مُحْسِنُ يَا اَللهُ يَا مُبْدِئُ يَا اَللهُ يَا مُعِيدُ يَا اَللهُ يَا بَارِئُ يَا اَللهُ

اي خوب كننده ايخدا اي نيكو كننده ايخدا اي پديد آورنده ايخدا اي برگرداننده ايخدا اي آشكار كننده ايخدا

يَا بَدِيعُ يَا اَللهُ يَا هَادِي يَا اَللهُ يَا كَافِي يَا اَللهُ يَا شَافِي يَا اَللهُ يَا عَلِيُّ

اي پديد آورنده ايخدا اي راهنماينده ايخدا اي كارسازنده ايخدا اي شفا دهنده ايخدا اي بلند

يَا اَللهُ يَا حَنَّانُ يَا اَللهُ يَا مَنَّانُ يَا اَللهُ يَا ذَا الطَّوْلِ يَا اَللهُ يَا مُتَعَالِي

ايخدا اي مهربان ايخدا اي منت گذارنده ايخدا ايخداوند بخششها ايخدا اي بلند درجه

يَا اَللهُ يَا عَدْلُ يَا اَللهُ يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا اَللهُ يَا صَادِقُ يَا اَللهُ يَا دَيَّانُ يَا اَللهُ

ايخدا اي عادل ايخدا ايخداوند بلنديها ايخدا اي راستگو ايخدا اي جزا دهنده ايخدا

يَا بَاقِي يَا اَللهُ يَا ذَا الْجَلَالِ يَا اَللهُ يَا ذَا الْاِكْرَامِ يَا اَللهُ يَا مَعْبُودُ

اي باقي ايخدا ايصاحب بزرگي ايخدا ايخداوند بزرگواري ايخدا اي پرستش كرده شده

يَا اَللهُ يَا مَحْمُودُ يَا اَللهُ يَا صَانِعُ يَا اَللهُ يَا مُعِينُ يَا اَللهُ يَا مَذْكُورُ

ايخدا اي ستوده شده ايخدا اي آفريدگار ايخدا اي ياري كننده ايخدا اي ياد كرده شده

يَا اَللهُ يَا فَعَّالُ يَا اَللهُ يَا لَطِيفُ يَا اَللهُ يَا جَلِيلُ يَا اَللهُ يَا غَفُورُ

ايخدا اي بسيار كننده ايخدا اي لطف كننده ايخدا اي بزرگ ايخدا اي آمرزنده

يَا اَللهُ يَا شَكُورُ يَا اَللهُ يَا نُورُ يَا اَللهُ يَا حَنَّانُ يَا اَللهُ يَا قَدِيرُ

ايخدا اي جزا دهنده ايخدا اي نور ايخدا اي بسيار مهربان ايخدا اي توانا

يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا

ايخدا اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا اي پروردگار اي

اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ اَسْاَلُكَ

خدا اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا درخواست ميكنم از تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضَاكَ وَتَعْفُوَ عَنِّي

كه رحمت فرستي بر محمد و آل محمد و منت گذاري بر من بخوشنودي و درگذري از من

بِحِلْمِكَ وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَ

ببردباريت و فراخي دهي بر من از روزي خود كه حلال پاكيزه است از جائي كه گمان برم و

مِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ فَاِنِّي عَبْدُكَ لَيْسَ لِي اَحَدٌ سِوَاكَ وَلَا اَحَدٌ

از جائي كه گمان نبرم پس بدرستيكه منم بنده تو نيست براي من هيچكس غير از تو و نه از كسي

اَسْاَلُهُ غَيْرُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا

ميخواهم او را غير از تو اي بهترين بخشندگان هرچه خواسته است خدا نيست توانائي مگر

بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بسجده ميروي و يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا رَبِّ يَا اَللهُ

بخداي بلند مرتبه بزرگ ميگوئي ايخدا ايخدا اي پروردگار ايخدا

يَا رَبِّ يَا اَللهُ يَا رَبِّ يَا اَللهُ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ

اي پروردگار ايخدا اي پروردگار ايخدا اي فرود فرستنده بركتها بواسطه تو فرستاده ميشود هر

حَاجَةٍ اَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْزُونِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَالْاَسْمَاءِ

حاجتي درخواست ميكنم از تو بهر نامي كه در گنجينه پنهاني است نزد تو و بنامهائي كه

اَلْمَشْهُوْراتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوْبَةِ عَلٰى سُرادِقِ عَرْشِكَ اَنْ تُصَلِّیَ
مشهوراست نزد تو که نوشته شده است بر سراپرده های عرش تو اینکه رحمت فرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْبَلَ مِنِّیْ شَهْرَ رَمَضانَ وَتَكْتُبَنِیْ
بر محمد وال محمد واینکه بپذیری از من روزهٔ ماه رمضان و بنویسی مرا

فِی الْوافِدِیْنَ اِلٰى بَیْتِكَ الْحَرامِ وَتَصْفَحَ لِیْ عَنِ الذُّنُوْبِ الْعِظامِ
در زمره واردین بسوی خانه تو که محترم است و درگذری برای من از گناهان بزرگ

وَتَسْتَخْرِجَ یا رَبِّ كُنُوْزَكَ یا رَحْمٰنُ و در روایت دیگر بجای یا رحمن قل
و بیرون آوری ای پروردگار من گنجهای کرم خود را ای بخشنده • الله احد تا صمد هم وارد شده است

و ایضا سنت مؤکد است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخواند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدانا و

واما اعمال روز عید پس زکوة فطره واجب مؤکد است و ترکش با تحقق شرائط موجب گناه کبیره است و شرط قبول روزهٔ ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هرکه روزه بدارد و فطره ندهد روزهٔ او مقبول نیست هرگاه عمدا ترک کند و هرکه صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نماز نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی یعنی بتحقیق که رستگاری یافت هرکه زکوة فطره داد و خداوند خود را یاد کرد به تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال از تلف محفوظ میماند چنانکه منقولست که هیچ مال در دریا و صحرا تلف نمیشود مگر بندادن زکوة و همچنین زکوة فطره بدن است و بدن را پاکیزه میکرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و آن را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق با مصب و کیل خرج خود فرمود که برو و فطرهٔ جمیع عیال و کنیزان و غلامان ما را بده و یکی از آنها را ترک مکن که زکوة او را ندهی که اگر یکی از آنها را ترک کنی میترسم که در عرض سال بمیرد و بدان که زکوة فطره بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمیشود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشد بر او واجب است که فطرهٔ ایشان را بدهد

و زکوة بنده را آقا میدهد بنابر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرط است و آنچه موافق مشهور است آنست که قوت سال خود و عیال واجب النفقه خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زائد بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجب است و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهند همه ثواب فطره را مییابند و باید که غنی اخراج فطره کند از خود و از هرکه واجب النفقهٔ او باشد بشرط آنکه عیال دیگری نباشد در شب فطر که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجب است و همچنین باید بدهد از هرکه در خانهٔ او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل خانه شود و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهند قربة الی الله و اگر کسی عیال او نباشد اما نفقه و کسوهٔ او را دهد و در خانهٔ دیگری باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهة مهمانی طعامی بفرستد یا چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید در جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده باشد یا باید یا چیزی نخورده باشد بعد از شام بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت آخر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر است وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور شام شب عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح جدا کند نیز خوب است و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر بر او حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قضا نمی‌شود و نیت ادا کند و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که آنچه امید هم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد والا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزند زادگان هرگاه فقیر باشند نفقهٔ ایشان بر او واجب است پس اگر نفقهٔ او را خورند فطره بر او است و اگر عیال شخص دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط آنست که فطرهٔ ایشان را بدهد **و اما جنس فطره** مشهور آنست که هرچه قوت غالب و باشد میتواند داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز است و بعد از آن هرچه قوت غالب

او را شد چنانچه مردم شهر چون غالب قوت ایشان نان گندم است بهتر اینست که گندم بدهند و مردم صحرا که غالبا نان جو میخورند جو بدهند و بهتر آنست که یکصاع خرما بدهند و در عطر و مستحب آنست که یکصاع طلا بدهند **و اما مقدار الفطرة** از هر کسی یکصاع باید داد و صاع موافق مشهور ظاهرا یک من تبریز و چهار ده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که یک من تبریز بدهند و نهایت احتیاط آنست که یکمن شاه بدهند باید بکسی بدهند که قوت سال ایشان نبود و صاحب الخود را نداشته باشد و سائل بکف نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسق نباشد صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام بمجتهد جامع الشرائط بدهد که او بمستحقان برساند چون مصارف را او بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که فقیر را کمتر از یکصاع ندهند و بیک کس چند صاع میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن همسایگان پرهیزکار و بعد از آن بکسانیکه فاضلتر و صالحتر و پرهیزکارتر باشند فطره غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره سید بسید و غیر سید میتوان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید روزه اول روز را افطار کنند و سنت است که بخرما افطار کنند و غسل روز عید سنت موکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در نهر مکن و پیش از غسل بگو اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنة نبیک صلی الله علیه و آله پس بسم الله بگو و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس و زیارت حضرت امام حسین ع در روز عید نیز سنت موکد است و ثواب بسیار در آن وارد شده است نماز عید در زمان حضور امام واجبست و در زمان غیبت اما اکثر علما سنت میدانند بجماعت کردن آنرا سنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کردن و بعضی از فقها واجب میدانند که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است **و نماز عید دو رکعت است**

در هر رکعت بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخوانند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگویند و چهار قنوت میخوانند و قنوت مخصوصی دارد و اگر کسی از اندازه آنچه در قنوت نمازهای دیگر میخوانند بخواند و هرگاه بجماعت بکنند پیش نماز دو خطبه بعد از نماز میخوانند **قنوت مخصوص نماز عید فطر اینست**

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ اَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ اَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ اَهْلَ

ای خداوندی که سزاوار بزرگی و بزرگواری ... اهل بخشش و بزرگواری و اهل گذشت و مهربانی و اهل

اَلتَّقْوٰى وَ الْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ

پرهیزکاری و آمرزش درخواست میکنم از تو بحق این روز که گردانیده تو برای مسلمانان

عِيدًا وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَةً وَ

عید و برای محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او زیادتی و بزرگی و بزرگواری و

مَزِيدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ

افزونی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه در آوری مرا در هر نیکی

اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ

که در آورده تو در آن محمد و آل محمد را و اینکه بیرون آوری مرا از هر بدی که بیرون آورده

مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

از آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو براو و بر ایشان خداوندا من میخواهم از تو

خَيْرَ مَا سَئَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ

بهتر چیزی را که خواستند از تو بندگان تو که شایسته اند و پناه میبرم بتو از آنچه پناه بردند بتو

مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ و بعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند

از آن بندگان تو که خالص شده اند صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگامی که مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید فطر و عید قربان میشوی این دعا بخوان **اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّاَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ**

خداوندا هر که آماده شود در این روز

اَوْ تَعَبَّاَ اَوْ اَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلٰى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ

یا ساخته گردد یا مهیا و مستعد شود برای رفتن بسوی آفریده مانند امیدواران

نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ عَطَايَاهُ فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهْيِئَتِي وَ

افزونیهای او و زیادتیهایش و بخششهایش پس بدرستیکه بسوی تست ای آقای من مهیا شدن من و

تَعْبِئَتِي وَ اِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ وَ

و ساخته شدنم و آماده شدنم و مستعد بودنم برای امیدواری ورود بتو و جایزه های تو و

نَوَافِلِكَ وَ فَوَاضِلِكَ وَ فَضَائِلِكَ وَ عَطَايَاكَ وَ قَدْ غَدَوْتُ

نافلهایت و زیادتیهایت و افزونیهایت و عطاهایت و بتحقیق که بامداد کردم

اِلٰى عِيدٍ مِنْ اَعْيَادِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ اَفِدْ

بسوی عیدی از عیدهای امت محمد رحمتهای تو باد براو و آل او و فرود نیامدم

إِلَيْكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَّلْتُهُ

بسوی تو امروز بکار شایسته که اعتماد کنم بان که پیش فرستم اورا و نه رو آورده ام بافریده شده که امید کرده ام او را

وَلٰكِنْ أَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبِي وَإِسَاءَتِي إِلَى نَفْسِي فَيَا

ولکن آمدم ترا فروتنی کننده اقرار کننده بگناهانم و بدی کردنم بنفس خود پس ای

عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ از گناهانم را پس بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را

الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بزرگ را جز تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای مهربانترین رحم کنندگان

اللّٰهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي وَعَلِيٍّ

خدایا بدرستیکه من رو آورده ام بسوی تو بسبب محمد پیش رویم باشد و علی

مِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَأَئِمَّتِي عَنْ يَسَارِي أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ

از پس سرم و از جانب راستم باشد و پیشوایانم از طرف چپم باشند که پوشیده شوم بوسیلهٔ ایشان از عذاب تو

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفَى لَا أَجِدُ أَحَداً أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَئِمَّتِي

و نزدیکی جویم بسوی تو نزدیکی جستنی که نیابم کسی را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشانند امامانم

فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي

پس ایمن کن بسبب ایشان ترس مرا از عقوبتهایت و خشمت و در آور مرا برحمت خود در زمره

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ أَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِناً مُوقِناً مُخْلِصاً عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ

بندگان خود که شایستگانند صبح کردم بخدا گرونده یقین دارنده اخلاص ورزنده بر دین محمد

وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ

و شریعت او و بر دین علی و سنت او و بر دین اوصیا و سنت ایشان

آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَى اللّٰهِ فِيمَا رَغِبَ فِيهِ

گرویده ام به پنهان ایشان و آشکار ایشان و رغبت دارم بسوی خدا در آنچه رغبت نموده بسوی آن

مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْأَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا عِزَّةَ

محمد و علی و اوصیا و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدا و نیست عزت

وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ

و نه باز گرفتنی و نه تسلطی مگر برای خدای یکتای غالب عزیز بزرگوار

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ

توکل کردم بر خدا و هر که توکل کند بر خدا پس او کفایت او را بدرستیکه خدا رساننده است

أَمْرِهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأَرِدْنِي وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ

فرمان او را خدایا بدرستیکه من خواهنده ام ترا پس بخواه مرا و طلب میکنم آنچه را نزد تست پس آسان کن آنرا

لِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ شَهْرُ

برای من و برآور برای من حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو گفته در قرآنت و گفته تو راست است که ماه

رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ

رمضانست که فرو فرستاده شده در آن قرآن برای راهنمائی مردمان و دلیلهای روشن

مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا

از هدایت و حق از باطل جدا کردن پس بزرگ کردی احترام ماه رمضان را بسبب آنچه

أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَصْيِيرِكَ

فرستادی در آن از قرآن و مخصوص گردانیدی او را و بزرگ داشتی او را بقرار دادنت

فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقُلْتَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ

در آن ماه شب قدر را پس گفتی شب قدر بهتر است از هزار ماه فرود میآیند

الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ

فرشتگان و روح در آن شب بفرمان پروردگارشان از هر کاری سلامت است این شب

حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ اللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَ

تا دمیدن سپیده صبح خدایا و اینست روزهای ماه رمضان که بتحقیق که گذشت و

لَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلٰهِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي

شبهای آن بتحقیق که منقطع گشت و بدرستیکه گردیدم در آن ای خدای من بسوی آنچه تو داناتری بآن از من

وَأَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدِي فَأَسْأَلُكَ يَا إِلٰهِي بِمَا سَأَلَكَ

و شمارنده تری مر عدد آنرا از شمار من پس سؤال میکنم ترا ای خدای من بآنچه سؤال کردند ترا

بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

بان بندگان تو که شایستگانند اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اهل

بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ

خانه محمد و اینکه بپذیری از من آنچه را تقرب جستم بان بسوی تو و اینکه تفضل کنی

علی تضعیف عملی و قبول تقربی و قرباتی واستجابة دعائی و
برمن بمضاعف نمودن عمل من و پذیرفتن نزدیکی جستنم و اسباب نزدیکی جستنم و اجابت کردن دعایم و
هب لی منک عتق رقبتی من النار و من علی بالفوز بالجنة و
ببخش برای من از نزد خود آزادی گردنم را از آتش و منت گذار بر من بفیروزی بهشت و
الامن یوم الخوف من کل فزع و من کل هول اعددته لیوم القیمة
ایمنی روز ترس از هر بلائی و از هر بیم که آماده کرده باشی برای روز رستخیز
اعوذ بحرمة وجهک الکریم و حرمة نبیک و حرمة الصالحین
پناه میبرم باحترام ذات بزرگوارت و باحترام پیغمبرت و احترام شایستگان
ان ینصرم هذا الیوم و لک قبلی تبعة ترید ان تؤاخذنی بها
از اینکه منقطع شود این روز را و مر ترا باشد نزد من وبالی که بخواهی که مؤاخذه کنی مرا بآن
او ذنب ترید ان تقایسنی به و تشقینی و تفضحنی به او خطیئة
یا گناهی که بخواهی که مقایسه کنی مرا بآن و بدبخت کنی مرا و رسوا سازی مرا بآن یا خطائی
ترید ان تقایسنی بها و تقتصها منی لم تغفرها لی و اسألک
که بخواهی که مقایسه کنی مرا بآن و قصاص خواهی آنرا از من که نیامرزی آنرا برای من و سؤال میکنم از تو
بحرمة وجهک الکریم الفعال لما ترید الذی یقول للشیء
باحترام ذات بزرگوارت که بجا آورنده است آنچه را خواهی که میگوید هر چیز را
کن فیکون لا اله الا هو اللهم انی اسألک بلا اله الا انت
باش پس میباشد نیست خدائی مگر او خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق لا اله الا انت
ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر ان تزیدنی فیما بقی من عمری
اگر هستی تو که خوشنودی از من در این ماه اینکه بیفزائی در آنچه باقیست از عمر من
رضا و ان کنت لم ترض عنی فی هذا الشهر فمن الآن فارض
خوشنودی را و اگر هستی که خوشنود نشدی از من در این ماه پس از الحال پس خوشنود شو
عنی الساعة الساعة الساعة و اجعلنی فی هذه الساعة و فی
از من در این ساعت این ساعت این ساعت و بگردان مرا در این ساعت و در
هذا المجلس من عتقائک من النار و طلقائک من جهنم و
این نشستگاه از آزاد کرده شدگانت از آتش و رها شدگانت از دوزخ و

سعداء خلقک بمغفرتک و رحمتک یا ارحم الراحمین
نیکبختان آفریدگانت بآمرزش خود و رحمتت ای مهربانترین رحم کنندگان
اللهم انی اسألک بحرمة وجهک الکریم ان تجعل شهری هذا
خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو باحترام ذات بزرگوارت که بگردانی ماه مرا اینماه
خیر شهر رمضان عبدتک فیه و صمته لک و تقربت به
بهتر ماه رمضانی که عبادت کنم ترا در آن و روزه داشتم او را برای تو و نزدیکی جویم بآن
الیک منذ اسکنتنی فیه اعظمه اجرا و اتمه نعمة و اعمه
بسوی تو وقتی که ساکن کنی مرا در آن بزرگتر ماه را از جهة مزد و تمام تر او را از جهة نعمت و فراگیرنده تر
مغفرة و اکمله رضوانا و اقربه الی ما تحب و ترضی اللهم لا
از جهة آمرزش و کاملتر او از جهة خوشنودی و نزدیکتر او بسوی آنچه دوست داری و خوشنودی خدایا
تجعله آخر شهر رمضان صمته لک و ارزقنی العود فیه ثم
قرار مده او را آخرین ماه رمضان که روزه داشتم او را برای تو و روزی کن مرا بازگشت در آن پس
العود فیه حتی ترضی و بعد الرضا و حتی تخرجنی من الدنیا سالما
بازگشت در آن تا اینکه خوشنود شوی بعد از خوشنودی و تا بیرون بری مرا از دنیا سلامت
و انت عنی راض و انا لک مرضی اللهم اجعل فیما تقضی و تقدر
و تو از من خوشنود باشی و من مر ترا پسندیده باشم خدایا بگردان در آنچه حکم میکنی و مقدر فرمائی
من الامر المحتوم الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج
از کارهای واجب کرده شده که برگردیده نشود و تغییر نپذیرد اینکه بنویسی مرا از گذارندگان حج
بیتک الحرام فی هذا العام و فی کل عام المبرور حجهم المشکور
خانه تو که محترم است در این سال و در هر سال که نیکو گشته حج ایشان پاداش داده شده
سعیهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسکهم المعافین علی
کوشش ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان پذیرفته گشته اعمال حج ایشان عافیت یافته شده بر
اسفارهم المقبلین علی نسکهم المحفوظین فی انفسهم
سفرهای ایشان رو آورندگان بر عبادات ایشان نگاهداشته شدگان در نفسهای ایشان
و اموالهم و ذراریهم و کل ما انعمت به علیهم اللهم
و اموال ایشان و فرزندان ایشان و هر چه انعام کردی آنرا بر ایشان ای خدایا

أَقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هٰذَا فِي شَهْرِي هٰذَا فِي يَوْمِي هٰذَا فِي سَاعَتِي هٰذِهِ
بگردان مرا از مجلسم این مجلس در ماهم این ماه در روزم امروز در ساعتم این ساعت

مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَغْفُورًا ذَنْبِي مُعَافًى مِنَ النَّارِ وَمُعْتَقًا مِنْهَا
رستگار و رستگار اجابت کرده شده برایم آمرزیده شده گناهم عافیت یافته از آتش و آزاد کرده شده از آتش

عِتْقًا لَا رِقَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَلَا رَهْبَةَ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
آزادی که بندگی نباشد پس از آن هرگز و نباشد ترسی ای پروردگار پروردگاران خدایا من میخواهم از تو

أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا شِئْتَ وَأَرَدْتَ وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ وَحَتَمْتَ
اینکه بگردانی مرا در آنچه خواسته و اراده کرده و حکم فرموده و مقدر کرده و واجب گردانیده

وَأَنْفَذْتَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُنْسِئَ فِي أَجَلِي وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي
و جاری کرده که درازکنی عمر مرا و تاخیر اندازی در اجل من و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا

وَأَنْ تُغْنِيَ فَقْرِي وَأَنْ تَجْبُرَ فَاقَتِي وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنَتِي وَأَنْ تُعِزَّ
و اینکه بی‌نیازی دهی احتیاج مرا و اینکه جبران کنی احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و اینکه عزت بخشی

ذُلِّي وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعَتِي وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي وَأَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتِي وَ
خواری مرا و اینکه بلند کنی پستی مرا و اینکه بی‌نیاز کنی دست‌تنگی مرا و اینکه انس دهی وحشت مرا و

أَنْ تُكْثِرَ قِلَّتِي وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ وَيُسْرٍ وَخَفْضٍ وَ
اینکه بسیار کنی اندکی مرا و اینکه پی در پی فرستی روزی مرا در عافیت و آسانی و در فراخیت و

أَنْ تَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تَكِلَنِي إِلَى
اینکه کفایت کنی آنچه مهموم ساخته مرا از امر دنیای من و آخرت من و وانگذاری مرا بسوی

نَفْسِي فَأَعْجِزَ عَنْهَا وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي وَأَنْ تُعَافِيَنِي
خودم پس عاجز گردم از آن و نه بسوی مردمان پس واگذارند مرا و اینکه عافیت دهی مرا

فِي دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَرُوحِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَأَهْلِ
در دینم و بدنم و جسدم و روح من و فرزندان من و اهل من و اهل

مَوَدَّتِي وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ
دوستیم و برادرانم و همسایگانم از گروندگان مردان و زنهای گروندگان و

الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ تَمُنَّ
و مردان مسلمان و زنهای گردن نهنده زنده‌های از ایشان و مرده‌های ایشان و اینکه منت نهی

عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّكَ وَلِيِّي وَمَوْلَايَ وَثِقَتِي
بر من بایمنی و ایمان مادامی که باقی داری مرا پس بدرستیکه تو دوست منی و آقای من و معتمد من

وَرَجَائِي وَمَعْدِنُ مَسْأَلَتِي وَمَوْضِعُ شَكْوَايَ وَمُنْتَهٰى رَغْبَتِي وَ
و امید منی و جایگاه سؤال منی و جای شکایت من و نهایت رغبت من و

لَا تُخَيِّبْنِي فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِي وَرَجَائِي
ناامید مکن مرا در امیدم ای آقای من و صاحب اختیارم و باطل مکن طمع مرا و امیدواری مرا

فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أَمَامِي
پس بدرستیکه رو آوردم بسوی تو بمحمد و آل محمد و پیش آوردم ایشان را بسوی تو پیش روی خودم

وَأَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَتِي وَتَضَرُّعِي وَمَسْأَلَتِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا
و پیش حاجتم و مطلب من و زاری کردنم و خواهش نمودنم پس بگردان مرا بسبب ایشان با آبرو

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ
در دنیا و آخرت و از نزدیکان پس بدرستیکه تو منت نهادی بر من بواسطهٔ ایشان

بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ
و شناختن ایشان پس ختم کن برای من به نیکبختی و سلامتی و ایمنی و ایمان

وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ وَالْحِفْظِ يَا اَللّٰهُ أَنْتَ لِكُلِّ
و آمرزش و خوشنودی و نیکبختی و نگاهداری ای خدا توئی برای هر

حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَافِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا
حاجتی برای ما پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و عافیت ده ما را و مسلط مکن بر ما

أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِمَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ
کسی را از آفریدگانت با آنچه نیست طاقتی ما را بآن و کفایت کن ما را هر امری از امر

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
دنیا و آخرت ای خداوند بزرگی و کرامت رحمت فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
آل محمد و رحم کن بر محمد و آل محمد و درود فرست بر محمد و آل محمد

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
مانند افزون‌تر رحمتی که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی فرمودی بر ابراهیم

وَآلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ و مستحبّ است روزه داشتن شش روز بعد از عید و
وآل ابراهیم بدرستیکه تویی ستوده بزرگوار — در بعضی از روایات وارد شده است نهی از این روزه

وارد شده است و ظاهرا روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان مشهور است
و ترک آن بهتر است و هم چنین کراهت نکاح کردن میان عید فطر و عید قربان اصلی ندارد
شاید که اصلش از عامه بوده باشد در ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است
و اکثر فاسد اسلام بر آن مترتب شده است و از بعضی روایات کراهت مستفاد میشود
و اگر در خصوص شوال احتراز کنند بهتر است و اما اعمال ذی القعدة باید
که آن اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آن ذوالقعده و
ذوالحجه و محرم و ماه رجب است در این ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد در شیخ
مفید و غیر او از حضرت رسول روایت کرده اند که هر که در یکی از این ماههای حرام پنجشنبه
و جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود و در
روایتی از حضرت رسول منقول است که در شب یازدهم ماه ذی القعده حق تعالی بسوی بندگان مؤمن
نظر رحمت کند و کسیکه آن شب را بعبادت بسر آورد ثواب صد عابد باو عطا کند که دیک
چشم بهم زدن معصیت خدا را نکرده باشد چون نصف شب بگذرد برخیز و مشغول عبادات و
طاعات شو و حاجات خود را از حضرت طلب کن که برآورده است و هر حاجت که طلب کنی مستجاب
می کرده و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و سیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام
رضا از نزدیک و دور سنت است و در روز بیست و پنجم ماه ذی القعده روز دحو
الارض است یعنی پهن شدن زمین از کعبه بر روی آب و روز بسیار مبارکیست و کلینی
از محمد بن عبدالله روایت کرده است که حضرت امام رضا در شهر مرو در روز بیست و
پنجم ذی القعده بیرون آمدند و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من روزه ام
گفتیم فدای تو شویم امروز چه روزی است فرمود امروز روزی است که رحمت در
این روز منتشر گردیده است و زمین در این روز پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده
و حضرت آدم در این روز بزمین فرود آمده و ابن بابویه روایت کرده است از حسن وشا
که گفت من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا شام خوردیم در شب بیست و پنجم ذی
القعده پس فرمود که امشب حضرت ابرهیم و حضرت عیسی علیهما السلم متولد شده اند
و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزه دارد چنانست که شصت ماه را روزه

داشته است و در این روز حضرت قائم ظاهر شود و از حضرت رسول منقول است که حق تعالی رحمت
خود را بر بندگان در این روز فرستاده است و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است
و بروایت دیگر رحمت از آسمان در این شب نازل شده است و تعظیم کعبه بر آدم در این روز
نازل شده است و هر که این روز را روزه بدارد هر چه در میان آسمان و زمین است برای
او استغفار کنند و طلب آمرزش نمایند از حضرت امیرالمؤمنین مرویست که اول رحمتی
که از آسمان بزمین نازل شده در روز بیست و پنجم ماه ذی القعده بود هر که این روز را روزه
بدارد و شبش را بعبادت بایستد از برای او عبادت صد سال نوشته شود که روزها
روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که در این روز جمع
شوند برای ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق شوند حاجت ایشان برآورده
شود و در این روز هزار هزار رحمت از جانب پروردگار بر بندگان نازل میگردد
و نود و نه رحمت را مخصوص جمعیتی که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول گردند و روزه
روزه دارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحب است
که در این روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد پنج
مرتبه سوره والشمس را بخواند لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ
و بعد از سلام این دعا را بخواند — نیست حرکتی و نه توانائی مگر بسبب خدای بلند مرتبه بزرگ

یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِی عَثْرَتِی یَا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِی
ای درگذرنده از لغزشها درگذر از لغزشهای من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا

یَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِی وَارْحَمْنِی وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِی
ای شنونده دعاها بشنو صدای مرا و رحم کن مرا و درگذر از گناهان من

یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ و دعای دیگر که طوسی گفته است در این روز این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ الْکَعْبَةِ
ای خداوند جلال و بزرگواری — خداوندا ای گستراننده کعبه

وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَکَاشِفَ کُلِّ کُرْبَةٍ اَسْئَلُکَ فِی
و شکافنده دانه و برگرداننده سختی و دفع کننده هر اندوه میخواهم از تو در

هٰذَا الْیَوْمِ مِنْ اَیَّامِکَ الَّتِی اَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا
این روز از روزهای تو که بزرگ فرموده حق او را و پیش داشتی پیشی آن را

وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِینَ وَدِیعَةً وَاِلَیْکَ ذَرِیعَةً وَبِرَحْمَتِکَ
و گردانیدی آن را نزد گروندگان امانت و بسوی تو وسیله و برحمت خود

أَوْ سَمِعَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ

...شنید که رحمت فرستی بر محمد بنده خود که برگزیده در روز میثاق نزدیک

يَوْمَ التَّلَاقِ فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ إِلَى كُلِّ حَقٍّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

روز ملاقات گشاینده هر بسته و خواننده بسوی هر حقی و بر اهل خانواده او

الْأَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

پاکان راهنمایان روشنی دهندگان ستونهای خداوند بزرگ و آقایان مردم بهشت

وَالنَّارِ وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ

و دوزخ و عطا کن ما را در روز ما امروز از عطاهای مخزون خود که نابریده است

وَلَا مَمْنُونٍ تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ

و نه منت نهاده شده که گرد آوری برای ما بآن توبه و نیکوئی بازگشت را ای بهتر خوانده شده و

أَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ الْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ

گرامی تر امید داشته شده ای کارساز ای وفا کننده ای آنکه مهربانی او پوشیده است مهربانی فرما مرا بلطف خود

وَأَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ وَأَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ

و نیکبخت کن مرا بگذشت خود و تقویت کن مرا بیاری خود و مبر از یاد من بزرگواری یاد کرد خود را

بِوُلَاةِ أَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ وَاحْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ

بواسطه صاحبان امرت و نگاهبانان سرت و نگاهدار مرا از آمیزشهای روزگار تا روز

الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَأَشْهِدْنِي أَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَمْسِي

محشور شدن و پراکندن و حاضر کن مرا از دوستان خود هنگام بیرون شدن جانم و فرود شدن در قبرم

وَانْقِطَاعِ عَمَلِي وَانْقِضَاءِ أَجَلِي اللَّهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلَى طُولِ

و بریدن کارم و گذشتن عمرم خدایا و یاد ده مرا بر درازی

الْبِلَى إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَنَسِيَنِي النَّاسُونَ مِنَ

پوسیدگی هنگامی که فرود آیم میان پردهای خاک و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان از

الْوَرَى وَأَحْلِلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي

مردمان و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده مرا در منزل بزرگواری و قرار ده مرا

مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَبَارِكْ

از رفاقت کنندگان دوستانت و اهل برگزیدگانت و پاکانت و برکت ده

لِي فِي لِقَائِكَ وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ بَرِيئاً مِنَ

برای من در روز ملاقاتت و روزی کن مرا نیکوئی کردار پیش از درود اجل پاک کرده شده از

الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ اللَّهُمَّ وَأَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

لغزشها و بد گفتاریها خدایا و واردکن مرا کنار حوض پیغمبرت محمد رحمت فرستد

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً لَا أَظْمَأُ

خدا براو و آل او و سیراب کن مرا از او آشامیدنی سیراب رساننده گوارا که تشنه نشوم

بَعْدَهُ وَلَا أُحَلَّأُ وِرْدَهُ وَلَا عَنْهُ أُذَادُ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ وَأَوْفَى

پس از آن و بازداشته نشوم از ورود آن و نه از آن رانده شوم و بگردان آنرا برایم بهتر توشه و باوفاتر

مِيعَادٍ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ اللَّهُمَّ وَالْعَنْ جَبَابِرَةَ الْأَوَّلِينَ وَ

وعده روزی که بایستند گواهان خدایا و لعنت کن ستمکاران پیشینیان و

الْآخِرِينَ وَبِحُقُوقِ أَوْلِيَائِكَ الْمُسْتَأْثِرِينَ اللَّهُمَّ وَاقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ

پسینیان را بسبب حقوق دوستانت که بخود اختصاص دادند خدایا هلاک ساز ستونهاشان را

وَأَهْلِكْ أَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ

و هلاک کن پیروان ایشان را و دانایانشان را و شتاب کن هلاکشان را و سلب فرما از ایشان مملکتهاشان را

وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ اللَّهُمَّ وَ

و تنگ کن بر ایشان راههای ایشان را و دور کن هم قرعه ایشان را و انبازهاشان را خدایا

عَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيَائِكَ وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ

شتاب فرما گشایش دوستانت را و بازگردان بر ایشان ستمدیدگیهاشان را و آشکار کن براستی

قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِراً وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتَمِراً

قائم ایشان را و بگردان او را برای دین خود انتقام کشنده و بامر خود در دشمنان خود امر فرماینده

اللَّهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ

خدایا گرداگرد او را بفرشتگان یاری کننده و بآنچه القا فرمودی بسوی او از امر

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِماً لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ

در شب قدر انتقام کشنده برای تو تا خوشنود شوی و بازگردد دین تو باو و

عَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً وَيَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضاً وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ

بر دو دستش تازه و خالص گرداند حق را خالص شدنی و متروک گرداند باطل را

رَفضَا اللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَعَلی جَمیعِ آبائِهِ وَاجْعَلْنا مِنْ

مرزوق گردانی خدایا رحمت فرست براو و آل او و بر همه پدران او و گردان ما را از

صَحْبِهِ وَاُسْرَتِهِ وَابْعَثْنا فی کَرَّتِهِ حَتّی نَکُونَ فی زَمانِهِ مِنْ اَعْوانِهِ اَللّهُمَّ

اصحاب او و یاران او و برانگیزان ما را در برگشتن او تا باشیم در زمان او از یاران او خدایا

اَدْرِکْ بِنا قِیامَهُ وَاَشْهِدْنا اَیّامَهُ وَصَلِّ عَلَیْهِ وَارْدُدْ

دریابان ما را ایستادن او را و حاضر گردان ما را در روزهای او و رحمت فرست براو و بازگردان

اِلَیْنا سَلامَهُ وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

بسوی ما سلامت بودن او را و درود باد برایشان و رحمت خدا و برکتهایش

باب نهم

در بیان فضائل و اعمال مبارک ماه ذی الحجه است و در آن پنج فصل است

فصل اول

در بیان فضائل و اعمال ماه ذی الحجه است و دهه اول و اعمال آنست ایام این دهه بسیار در فضیلت نهایت و برکت اند و حق تعالی فرموده است اذکروا الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده و باز فرموده است و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمة الانعام یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را یاد کنند خدا را در روزی چند معلوم برای آنکه روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و گوسفند و شتر و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه منقولست که ایام معلومات ده روز اول ماه ذی حجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی حجه است و از حضرت رسول منقولست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد خدا محبوبتر نیست از ده روز اول ماه ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر منقولست از حضرت امام جعفر صادق که پدرم امام محمد باقر با من گفت ای فرزند گرامی البته در هر شب از اول دهه ذی حجه دو رکعت نماز بجا آور در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله و این آیه را بخوان

وَواعَدْنا مُوسی

و وعده دادیم ما موسی را

ثَلثینَ لَیْلَةً وَاَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ اَرْبَعینَ لَیْلَةً

سی شب و تمام کردیم آن را بده شب دیگر پس تمام شد وعده پروردگارش چهل شب

وَقالَ مُوسی لِاَخیهِ هرُونَ اخْلُفْنی فی قَوْمی وَاَصْلِحْ وَلا تَتَّبِعْ سَبیلَ

و گفت موسی مر برادرش هارون را جانشینی کن مرا در میان قوم من و باصلاح آور و پیروی مکن راه

الْمُفْسِدینَ

مفسدان

چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود اگرچه بحج نروی و روز اول ذی الحجه روز مبارکیست و حضرت ابرهیم خلیل در این روز متولد شده است و در این روز حق تعالی حضرت ابراهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که بعد از اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی منقولست که هر که نه روز اول ذی حجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او برای او بنویسد و شیخ طوسی ...

گفته است که از اول روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه مستحب است اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول ذی الحجه حضرت رسول حضرت فاطمه را بحضرت امیرالمؤمنین تزویج نمود و بروایتی دیگر در روز ششم تزویج نمود و بدانکه روزه قضای ماه رمضان از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها معتبر نیست و محمولند بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه لاهل ایراد نموده ام و باز شیخ ره فرموده است که مستحبست در روز اول نماز حضرت فاطمه اورده و روایت شده است که چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیرالمؤمنین بدو سلام در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد میخواند و بعد از سلام تسبیح فاطمه زهرا را میخواند و تسبیح اینست سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنیفِ سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظیمِ سُبْحانَ ذِی الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ سُبْحانَ مَنْ یَری اَثَرَ النَّمْلَةِ فِی الصَّفا سُبْحانَ مَنْ یَری وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ سُبْحانَ مَنْ هُوَ هکَذا وَلا هکَذا غَیْرُهُ مؤلف گوید که بعد از این مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله احد و اگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه زهرا را بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند نیز بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحبست در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید حَسْبی حَسْبی حَسْبی مِنْ سُؤالی عِلْمُکَ بِحالی حق تعالی کفایت شر آن ظالم از او بکند و شیخ و تلعکبری و سید بن طاوس ره بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع از روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از شام این دعا میخواندند

اَللّهُمَّ هذِهِ الْاَیّامُ الَّتی فَضَّلْتَها عَلی غَیْرِها مِنَ الْاَیّامِ وَ

خدایا اینست روزهائی که فضیلت دادی آنها را بر غیر آنها از روزها و

شَرَّفْتَها وَقَدْ بَلَّغْتَنیها بِمَنِّکَ وَرَحْمَتِکَ فَاَنْزِلْ عَلَیْنا مِنْ

بزرگواری دادی آنها را و بدرستیکه رسانیدی مرا بآنها بمنت خود و رحمت پس فرو فرست بر ما از

بَرَكَاتِكَ وَاَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَآئِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
برکتهایت وتمام کن برما دران از نعمتهایت خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَاَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا سَبِيلَ الْهُدٰى
اینکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد دراین روزها واینکه راهنمائی کنی مارا دران براه هدایت

وَتَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوٰى وَالْعَفَافَ وَالْغِنٰى وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ
وروزی کنی مارا دراینها پرهیزکاری وعفت وبینیازی را وکردن دراینها آنچه دوست میداری

وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوٰى وَيَا سَامِعَ كُلِّ
وبپسندی خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ای جای هر شکوه و ای شنونده هر

نَجْوٰى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ
رازی و ای گواه هر جمعیتی و ای داننده هر پنهانی اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَآءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَآءَ
وال محمد و اینکه برداری ازما دراینها بلاها را واجابت کنی برای ما دراینها دعاها را

وَتُقَوِّيَنَا فِيهَا وَتُعِينَنَا وَتُوَفِّقَنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضٰى
وتوانائی دهی مارا دراینها وباری کنی مارا و توفیق دهی مارا دراینها برای آنچه که دوست میداری پروردگارا و بپسندی

وَعَلٰى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَاَهْلِ
و بر آنچه واجب کرده‌ای برما از فرمانبرداریت و اطاعت پیغمبرت واهل

وِلَايَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى
دوستیت خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ای بهترین رحم کنندگان اینکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَآءِ وَ
محمد وال محمد واینکه ببخشی برای ما دراینها خوشنودی را بدرستیکه شنونده دعائی و

لَا تَحْرِمْنَا خَيْرَ مَا تُنْزِلُ فِيهَا مِنَ السَّمَآءِ وَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا
محروم مکن مارا از بهتر چیزی که فرود آید دراینها از آسمان و پاک کن مارا از گناهان ای

عَلَّامَ الْغُيُوبِ وَاَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
دانای غیبها و واجب گردان برای ما دراینها سرای جاوید را خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا اِلَّا
وال محمد و ترک مکن برای ما دراینها گناهی را جز آنکه بیامرزی آن را و نه اندوهی مگر آنکه

فَرَّجْتَهُ وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا غَائِبًا اِلَّا اَدَّيْتَهُ وَلَا
گشایش دهی آنرا و نه وامی را مگر آنکه اداکنی آنرا و نه غایبی را مگر آنکه برسانی آنرا و نه

حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا
حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت مگر آنکه آسان کنی آنرا و فراهم کنی آنرا

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ
بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خدایا ای داننده پنهانها ای رحم کننده اشکها

يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَبَّ الْاَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ يَا مَنْ لَا تَتَشَابَهُ
ای اجابت فرماینده دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای آنکه مشتبه نشود

عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ عُتَقَائِكَ
براو آوازها رحمت فرست بر محمد وال محمد وبگردان مارا دراینها از آزادان تو

وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ وَالنَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ
ورهاکردگانت از دوزخ و فیروزی یافتگان بهشت خود ونجات یافتگان برحمت

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ
ای بهترین رحم کنندگان ورحمت فرستد خدا بر محمد وال او همه و درود فرستد

تَسْلِيمًا
درود فرستادنی

و شیخ معتمد و سید بن طاوس روایت کرده‌اند بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی (ع) پنج دعا را هدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ماه ذی الحجه بخوان بدرستیکه هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از آنکه در این دهه اول ماه ذی الحجه بخوانی

اول — اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای یگانه

لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
نیست انبازی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش بدست اوست خوبی و او بر همه چیز تواناست

دوم — اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اَحَدًا
گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست انبازی مر او را یکتای

صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا سوم اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ
بی‌نیاز فرا نگرفته همسری و نه فرزندی گواهی میدهم که نیست خدائی

اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
مگر خدای یگانه نیست انبازی مر او را یگانه برآرنده مقصود نه زاده و نه زاده شده و نه

يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ چهارم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا

بوده مر او را همتا احدی گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست

شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ

انباری مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمی میرد

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پنجم حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفٰى سَمِعَ

بدست اوست نیکی و او است بر هر چیز توانا کافیست مرا خدا و بسند است میشنود

اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهٰى اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِمَا دَعَا وَاَنَّهُ

خدا مر آنرا که بخواند نیست جز خدا نهایتی گواهی میدهم مر خدای را بانچه خوانده است و او

بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ وَاَنَّ لِلّٰهِ الْآخِرَةَ وَالْاُولٰى پس جواد بوی گفت یا نبی چه ثواب دارد کسیکه این

بیزار است از کسیکه بیزاری جوید و اینکه مر خدا راست آخرت و دنیا را بگو پس حضرت نبی گفت

که هر که دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از او نباشد و در روز قیامت حسنات او زیاد از همه کس باشد هر که صد مرتبه دعای دوم را بخواند چنان باشد که ده هزار مرتبه تورات و انجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را یابد هند حضرت نبی گفت که ای جبرئیل ثواب خواندن تورات و انجیل چیست فرمود طاقت برداشتن یک حرف از تورات و انجیل را نداشتی هر که در آسمانهای هفتگانه نازل شد یا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول ولا قوة الا بالله و هر که دعای سیم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد برای او یا بنده غادو هزار هزار حسنه و محو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار درجه و فرو فرستد از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات فرستند کسیکه این کلمات را بدعا خوانده است پس نبی گفت ای جبرئیل با ملائکه صلوات فرستند بر حضرت پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد با پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهد شریعت ایشان را حق تعالی ثواب پیغمبران با و عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند خدا او را استغنا الکند ملکی و نبا الا برسد بسوی خود پس خدا نظر کند بسوی که بنده ابد الابد رحمت هر که را خدا نظر رحمت او کند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت نبی گفت با جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست گفت بندها منو و حضرتم رخصت نداده است که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز

رب از بینداعاطهار را ده مرتبه بخواند و ببیند که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یکرا صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه بسند طاوس از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده اند که هر که در هر روز از اول دهه ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند با او بهر تهلیلی در بهشت از مروارید و یاقوت و زمرد هر درجه تا درجه دیگر صد ساله راه بوده باشد بر رفتاری سواری که بماند و در هر درجه شهری باشد در آن شهر قصری باشد از یک جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از آن شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و خوبان و نهالیها و منکاها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چونکه از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نماید بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و جانب چپ او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند تا آن که بشهری رسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد از هر نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس با و گویند که ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامی که تو آن تهلیلها را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در آن هست از نعمتهای الهی یک ثواب تو است که خواندی این تهلیلها و بشارت باد ترا بهتر از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیلات این است

لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ

نیست خدائی جز خدا بشماره شبها و روزگارها نیست خدائی مگر خدا بشماره

اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ لا اِلٰهَ

موجهای دریاها نیست خدائی مگر خدا و رحمت او بهتر است از آنچه جمع میکنند نیست خدائی

اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ

جز خدا بشماره خارها و درختها نیست خدائی مگر خدا بشماره موها و

الْوَبَرِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ

کرکها نیست خدائی مگر خدا بشماره سنگها و کلوخها نیست خدائی مگر خدا بشماره

لَمْحُ الْعُيُونِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ اِذا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذا

بر گردیدن چشمها نیست خدائی مگر خدا در شب انگاه که تاریک شود و صبح چون

تَنَفَّسَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّياحِ فِي الْبَرارِي وَالصُّخُورِ

بدمد نیست خدائی مگر خدا بشماره بادها در بیابانها و کوهها

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلىٰ يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ — و از بعضی روایات مستفاد گردد که ... بجای هر بند اکتفا

گویم لا اله الا الله از امروز تا روزیکه دمیده شود در صور

تو انگر **فصل ششم** در اعمال روز نهم و روز عرفه است روز نهم ذی حجه است و روز مبارکیست ابن بابویه از حضرت امام موسی کاظم ع روایت کرده است که حضرت رسول ص فرمود که روزه گرفتن روز نهم برابر است روزها چهار روز از روز جمعه و روز نهم و روز عید قربان و روز عرفه و ایضا از حضرت رسول ص روایت کرده است که روزه روز نهم کفاره شصت سال گناهاست و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت ... منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسیکه آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت یابد و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است و هر که در آن شب توبه کند توبه اش مقبول است و از حضرت رسول ص منقولست که هر که شب عرفه یا شبهای جمعه این دعا را بخواند خدا گناهانش را بیامرزد

اللّٰهُمَّ يا شاهِدَ

بار خدایا ای گواه

كُلِّ نَجْوىٰ وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوىٰ وَعالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ

همه رازها و جای همه شکایتها و ای دانای همه نهانها و نهایت همه

حاجَةٍ يا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبادِ يا كَرِيمَ الْعَفْوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ

حاجتها ای ابتدا کننده نعمتها بر بندگان ای بزرگوار بخشش ای نیکو در گذرنده

يا جَوادُ يا مَنْ لا يُوارِي مِنْهُ لَيْلٌ داجٍ وَلا بَحْرٌ عَجّاجٌ وَلا سَماءٌ

ای بخشنده ای آنکه پنهان نیست از او شب تاریک و نه دریای پر آب و نه آسمان

ذاتُ اَبْراجٍ وَلا ظُلَمٌ ذاتُ ارْتِتاجٍ يا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِياءٌ

خداوند برجها و نه تاریکیهای صاحب ... ای آنکه تاریکی نزد او است نورها

اَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ

سؤال میکنم ترا بنور ذات تو که بزرگوار است آنکه تابیده به او بر کوه پس گردانیدی

دَكّاً وَخَرَّ مُوسىٰ صَعِقاً وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّماواتِ بِلا

خورد و افتاد موسی بیهوش و بنام تو که برافراشتی به او آسمانها را

عَمَدٍ وَسَطَحْتَ بِهِ الْاَرْضَ عَلىٰ وَجْهِ ماءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ

بی ستون ... زمین را بر روی آب بسته شده و بنام های تو که پوشیده

الْمَخْزُونِ الْمَكْتُومِ الطّاهِرِ الَّذِي اِذا دُعِيتَ بِهِ اَجَبْتَ وَاِذا

سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهانِ الَّذِي

هُوَ نُورٌ عَلىٰ كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ اِذا بَلَغَ الْاَرْضَ

انْشَقَّتْ وَاِذا بَلَغَ السَّماواتِ فُتِحَتْ وَاِذا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ

وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرائِصُ مَلائِكَتِكَ وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئِيلَ

وَمِيكائِيلَ وَاِسْرافِيلَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَآلِهِ وَعَلىٰ جَمِيعِ الْاَنْبِياءِ وَجَمِيعِ الْمَلائِكَةِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي مَشىٰ

بِهِ الْخِضْرُ عَلىٰ قُلَلِ الْماءِ كَما مَشىٰ بِهِ عَلىٰ جَدَدِ الْاَرْضِ وَبِاسْمِكَ

الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسىٰ وَاَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَاَنْجَيْتَ

بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ وَمَنْ مَعَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعاكَ بِهِ مُوسَى

بْنُ عِمْرانَ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْاَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَلْقَيْتَ

عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي اَحْيىٰ بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ

الْمَوْتىٰ وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيّاً وَاَبْرَأَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِكَ

وَبِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجَبْرَئيلُ وَميكائيلُ
وَاِسْرافيلُ وَحَبيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلائِكَتُكَ
الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِياؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبادُكَ الصّالِحُونَ مِنْ
اَهْلِ السَّماواتِ وَالْاَرَضينَ وَبِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ ذُو النُّونِ
اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِي الظُّلُماتِ
اَنْ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْتَ
لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنينَ وَبِاسْمِكَ الْعَظيمِ
الَّذي دَعاكَ بِهِ داوُدُ وَخَرَّ لَكَ ساجِداً فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ
وَبِاسْمِكَ الَّذي دَعَتْكَ بِهِ آسِيَةُ امْرَاَةُ فِرْعَوْنَ اِذْ قالَتْ
رَبِّ ابْنِ لي عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّني مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّني
مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْتَ لَها دُعاءَها وَبِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ
بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلاءُ فَعافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ
مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرى لِلْعابِدينَ وَبِاسْمِكَ الَّذي

دَعاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ
وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ سُلَيْمانُ فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكاً
لا يَنْبَغي لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ وَبِاسْمِكَ الَّذي
سَخَّرْتَ بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اِذْ قالَ
تَعالى سُبْحانَ الَّذي اَسْرى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَى
الْمَسْجِدِ الْاَقْصى وَقَوْلُهُ سُبْحانَ الَّذي سَخَّرَ لَنا هذا وَما كُنّا لَهُ
مُقْرِنينَ وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذي نَزَلَ بِهِ جَبْرَئيلُ
عَلى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ آدَمُ
فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَاَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ
الْعَظيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَبِحَقِّ اِبْراهيمَ وَبِحَقِّ فَصْلِكَ
يَوْمَ الْقَضاءِ وَبِحَقِّ الْمَوازينِ اِذا نُصِبَتْ وَالصُّحُفِ اِذا نُشِرَتْ
وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَما جَرى وَاللَّوْحِ وَما اَحْصى وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الَّذي كَتَبْتَهُ
عَلى سُرادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَالدُّنْيا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

بالغنى عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و
بدو هزار سال و گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه است اونیست شریک مراورا

ان محمدا عبده ورسوله واسألك باسمك المخزون في خزائنك
وبدرستیکه محمد بنده اوست و رسول اوست و سؤال میکنم ترا بنام تو که پنهان است در گنجهای

الذي استأثرت به في علم الغيب عندك لم يظهر عليه احد
تو آنکه اختیار کردی به او در دانش پنهان نزد تو که هم نشده برآن کسی

من خلقك لا ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد مصطفى
از خلق تو نه فرشته نزدیک و نه پیغمبر فرستاده و نه بنده برگزیده

واسألك باسمك الذي شققت به البحار وقامت به الجبال
وسؤال میکنم ترا بنام تو آنکه شکافتی به او دریاها را و ایستاده به او کوهها

واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن
و مختلف شد باو شب و روز و بحق هفت آیه مکرر و قرآن

وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق
عظیم و بحق بزرگواران و نویسندگان و بحق طه و یس و کهیعص و حمعسق

وبحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد
و بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد درود

صلى الله عليه وآله وعلى جميع الرسل وباهيا شراهيا اللهم
خدا بر او و آلش و بر جمیع پیغمبران و بحق ... خداوندا

اني اسألك بحق تلك المناجاة التي كانت بينك وبين موسى
بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق این مناجات آنکه بود میان تو و میان موسی

بن عمران فوق جبل طور سيناء واسألك باسمك الذي
پسر عمران بر روی کوه طور سینا و سؤال میکنم ترا بنام تو آنکه

علمته ملك الموت لقبض الارواح واسألك باسمك الذي
آموختی او را فرشته مرگ برای گرفتن روحها و سؤال میکنم ترا بنام تو آنکه

كتب على ورق الزيتون فخضعت النيران لتلك الورقة فقلت
نوشته شد بر ورق زیتون پس خاضع شد آتش برای این برگ پس گفتی

يا نار كوني بردا وسلاما واسألك باسمك الذي كتبته على
ای آتش باش سرد و سلامت و سؤال میکنم ترا بنام تو آنکه نوشتی او را بر

سرادق المجد والكرام يا من لا يحفيه سائل ولا ينقصه
سراپرده های بزرگی و بزرگواری ای آنکسیکه برنجاند او را سؤال کننده و کم گرداند او را

نائل يا من به يستغاث واليه يلجأ اسألك بمعاقد العز من
عطای داعی ای آنکه به او استغاثه شود و بسوی او است نجات داده شود سؤال میکنم و بجاهای بستن

عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وجدك
عزت از عرش تو و نهایت رحمت از کتاب تو و بنام تو که بزرگ است

الاعلى وكلماتك التامات العلى كلها اللهم رب الرياح
تمام است کلمات تو خداوندا پروردگار بادها

وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت و
آنکه حرکت کرد و آسمان و آنچه سایه شد و آنچه سایه انداخت و زمین و آنچه برداشته

والشياطين وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو
و دیوان و آنچه گمراه کرده و دریاها و آنچه جاری شده و بحق هر

عليك حق وبحق الملائكة المقربين والروحانيين والكروبيين
جمله او بر تو حق است و بحق فرشتگان نزدیکان و روحانیان و کروبیان

والمسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون وبحق ابراهيم
و تسبیح کنندگان مر ترا شب و روز مانده نشوند و بحق ابراهیم

خليلك وبحق كل ولي يناديك بين الصفا والمروة وتستجيب
دوست تو و بحق هر دوستی که ندا کند ترا میان صفا و مروه و اجابت کنی

له دعاءه يا مجيب اسألك بهذه الاسماء وبهذه الدعوات
مر او را دعایش ای اجابت کننده سؤال میکنم ترا به این نامها و به این دعاها

ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما اعلنا وما
اینکه بیامرزی برای ما آنچه پیش داده ما را و آنچه تاخیر کنی ما را و آنچه پنهان داری ما او آنچه آشکارا

ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل شيء قدير
ما را و آنچه ظاهر کنی ما را و آنچه پنهان داری ما را و آنچه تو داناتری به آن از ما بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی

برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل وحيد
يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل
مستوحش يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب و
خطيئة يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف
كرب المكروبين يا فارج هم المهمومين يا بديع السموات والارضين
يا منتهى غاية الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين
يا رب العالمين يا ديان يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم
الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين
اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تورث
الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر لي الذنوب
التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء و
اغفر لي الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي الذنوب
التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء

واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب
التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها غيرك
يا الله واحمل عني كل تبعة لاحد من خلقك واجعل لي
من امري فرجا ومخرجا ويسرا وانزل يقينك في صدري
ورجاءك في قلبي حتى لا ارجو غيرك اللهم احفظني وعافني
في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري ومن بين يدي و
من خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي و
يسر لي السبيل واحسن لي التيسير ولا تخذلني في العسير
اهدني يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور ولقني
كل سرور واقلبني الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في
العاجل والآجل انك على كل شيء قدير وارزقني من فضلك
واوسع علي من طيبات رزقك واستعملني في طاعتك
واجرني من عذابك ونارك واقلبني اذا توفيتني الى جنتك

برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك ومن
تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن نزول عذابك
واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن سوء القضاء
وشماتة الاعداء ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما في
الكتاب المنزل اللهم لا تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب
النار ولا تحرمني صحبة الاخيار واحيني حيوة طيبة و
توفني وفاة طيبة تلحقني بالاخيار وارزقني مرافقة الانبياء
في مقعد صدق عند مليك مقتدر اللهم لك الحمد على
حسن بلائك وصنعك ولك الحمد على الاسلام والسنة
يا رب كما هديتهم لدينك وعلمتهم كتابك فاهدنا و
علمنا ولك الحمد على حسن بلائك وصنعك عندي خاصة
كما خلقتني فاحسنت خلقي وعلمتني فاحسنت تعليمي و
هديتني فاحسنت هدايتي فلك الحمد على انعامك علي

قديما وحديثا فكم يا سيدي من كرب قد فرجته وكم من
غم يا سيدي قد نفسته وكم من هم يا سيدي قد كشفته
وكم من بلاء يا سيدي قد صرفته وكم من عيب يا سيدي
قد سترته فلك الحمد على كل حال في كل مثوى وزمان و
منقلب ومقام وعلى هذه الحال وكل حال اللهم اجعلني
من افضل عبادك نصيبا في هذا اليوم من خير تقسمه
او ضر تكشفه او سوء تصرفه او بلاء تدفعه او خير تسوقه
او رحمة تنشرها او عافية تلبسها فانك على كل شيء قدير
وبيدك خزائن السموات والارض وانت الواحد الكريم
المعطي الذي لا يرد سائله ولا يخيب امله ولا ينقص نائله
ولا ينفد ما عنده بل يزداد كثرة وطيبا وعطاء وجودا
وارزقني من خزائنك التي لا تفنى ومن رحمتك الواسعة
ان عطاءك لم يكن محظورا وانت على كل شيء قدير برحمتك

یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ واحادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین ع در شب
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
روز عرفه وارد شده است و زیارت نزد بکرا در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده
ام و زیارت کوری بعد از این مذکور خواهد شد و بیشتر زیارات آنحضرت مذکور شد اما روز عرفه از اعیاد
عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد دعا و اعمال بسیار از و بهترین اعمال در آن
روز دعا است حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت نافله و اذان عصر
ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و
مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقول است که ابرهیم بن هاشم گفت که عبدالله جندب را دیدم در
موقف عرفات و حال هیچکس را بهتر از و ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود
و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم و موقف هیچکس را
بهتر از تو موقف ندیدم گفت بخدا قسم که دعا نکردم مگر از برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت
امام موسی ع شنیدم که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا رسد
باو که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای
ملائکه البته مستجاب است از برای یک دعای خود که نمیدانم که مستجاب شود یا نه و اگر کسی توفیق
یابد که در روز عرفه در تحت قبه حضرت امام حسین ع باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات
باشد بلکه زیاده است چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که هر که در روز عرفه بزیارت
آنحضرت برود و حق او را بشناسد او را امام واجب الاطاعه داند بنویسد حق تعالی
از برای او ثواب و هزار حج و هزار عمره مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل کرده
باشد یا امام عادل راوی گفت کجا است ثواب وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی
او نظر کرد و فرمود بدرستیکه بنده مؤمن چون در روز عرفه در نزد قبر آنحضرت حاضر شود
و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر گامی که بر میدارد ثواب یک حج و یک عمره از
برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول نظر رحمت بسوی
زوار حضرت امام حسین ع میکند و گناهان ایشان را میآمرزد و حاجات ایشان را بر میآورد
و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در میان زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند
زنا نیست و در میان اهل عرفات هست و کسیکه توفیق هیچ یک از اینها را نیافته باشد
باید که در سایر بلاد غسل کند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند
و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام

مشغول

مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب آنها شریک باشند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام
منقول است و احادیث بسیار در باب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث باین
روش کرده اند که اگر شک در هلال در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند سنت
است و الا مکروه است یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی وارد شده است که روزه
روز عرفه برابر است با روزه یکساله و اگر شک در ماه باشد یا باروزه از دعا خواندن
ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق ع منقول است که هر که در روز عرفه پیش
از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان
خود و اقرار کند بخطاهای خود فایز میگردد بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته
و آینده اش آمرزیده گردد و شیخ مفید این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته
است که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه اللّٰه اکبر
و صد مرتبه الحمد للّٰه و صد مرتبه سبحان اللّٰه و صد مرتبه لا اله الّا اللّٰه و صد مرتبه قل
هو اللّٰه و صد مرتبه انّا انزلناه بخواند و در روایت دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی
بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الّا باللّٰه بگوید و صد مرتبه اللّهمّ صلّ علی
محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است از روی
خضوع و خشوع و با دور نیست بخواند که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی
بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع
گفت میخواهی تو را تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است میگوئی

لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ
نیست خدائی بجز خدا تنها و یگانه نیست شریک برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست
یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِ
زنده میکند و میمیراند و او است زنده نمیمیرد بدست قدرت او است خیر و او بر هر چیز توانا است
اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَالَّذِی تَقُولُ وَخَیْرًا مِمّا نَقُولُ وَفَوْقَ ما یَقُولُ
بار خدایا مر تو راست ستایش مانند آنچه میگوئی و بهتر از آنچه میگوئیم و بالای آنچه میگویند
الْقائِلُونَ اَللّٰهُمَّ لَکَ صَلاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیایَ وَمَماتِی وَلَکَ بَرا
گویندگان بار خدایا مر تو راست نمازم و عبادتم و زندگانیم و مردنم و مر تو راست بیز

وبك حولي ومنك قوّتي اللهمّ إنّي أعوذ بك من الفقر ومن
وساوس الصدر ومن شتات الأمر ومن عذاب القبر اللهمّ
إنّي أسألك خير الرياح وأعوذ بك من شرّ ما تجيء به الرياح
وأسألك خير الليل وخير النهار اللهمّ اجعل في قلبي نورًا
وفي سمعي نورًا وفي بصري نورًا وفي لحمي نورًا وفي دمي وعظامي
وعروقي ومقامي ومقعدي ومدخلي ومخرجي نورًا وأعظم
لي النور يا ربّ يوم ألقاك إنّك على كلّ شيء قدير

و از حضرت امام رضا منقول است که این دعا را در روز عرفه بخواند

اللهمّ كما سترت عليّ ما لم أعلم فاغفر لي ما تعلم وكما وسعني
علمك فليسعني عفوك وكما بدأتني بالإحسان فأتمّ نعمتك
بالغفران وكما أكرمتني بمعرفتك فاشفعها بمغفرتك وكما
عرّفتني وحدانيّتك فأكرمني بطاعتك وكما عصمتني
ممّا لم أكن أعتصم منه إلّا بعصمتك فاغفر لي ما لو شئت
عصمتني منه يا جواد يا كريم يا ذا الجلال والإكرام

و از حضرت امام موسی

ابتدا دعا منقول است

اللهمّ إنّي عبدك وابن عبدك إن تعذّبني فبأمور قد
سلفت منّي وأنا بين يديك برمّتي وإن تعف عنّي فأهل العفو
أنت يا أهل العفو يا أحقّ من عفا اغفر لي ولإخواني

و از جمله دعاهای روز عرفه دعای امام حسین است که بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهلبیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه کردند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد ابتدا فرا خواندند

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي
ليس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا كصنعه صنع صانع
وهو الجواد الواسع فطر أجناس البدائع وأتقن بحكمته الصنائع
لا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده الودائع جازي كلّ صانع
ورائش كلّ قانع وراحم كلّ ضارع ومنزل المنافع والكتاب الجامع
بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللمطيعين نافع وللدرجات
رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم كلّ ضارع ورافع ضرعة كلّ
ضارع فلا إله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو السميع
البصير اللطيف الخبير وهو على كلّ شيء قدير اللهمّ إنّي أرغب إليك

وأشهد بالربوبيّة لك مقرّاً بأنّك ربّي وأنّ إليك مردّي

ابتدأتني بنعمتك قبل أن أكون شيئاً مذكوراً وخلقتني من

التراب ثمّ أسكنتني الأصلاب آمناً لريب المنون واختلاف

الدهور فلم أزل ظاعناً من صلب إلى رحم في تقادم الأيّام

الماضية والقرون الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك

بي وإحسانك إليّ في دولة أئمّة الكفرة الذين نقضوا عهدك

وكذّبوا رسلك لكنّك أخرجتني رأفة منك وتحنّناً عليّ للذي

سبق لي من الهدى الذي له يسّرتني وفيه أنشأتني ومن

قبل ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمتك فابتدعت

خلقي من منيّ يمنى ثمّ أسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم و

جلد ودم لم تشهّرني بخلقي ولم تجعل إليّ شيئاً من أمري

ثمّ أخرجتني إلى الدنيا تامّاً سويّاً وحفظتني في المهد طفلاً

صبيّاً ورزقتني من الغذاء لبناً مريّاً وعطفت عليّ قلوب

الحواضن وكفّلتني الأمّهات الرواحم وكلأتني من طوارق الجانّ

وسلّمتني من الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن

حتّى إذا استهللت ناطقاً بالكلام أتممت عليّ سوابغ الإنعام

فربّيتني زائداً في كلّ عام حتّى إذا اكتملت فطرتي واعتدلت مرّتي

أوجبت عليّ حجّتك بأن ألهمتني معرفتك وروّعتني بعجائب

فطرتك وأنطقتني لما ذرأت في سمائك وأرضك من بدائع

خلقك ونبّهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك

وفهّمتني ما جاءت به رسلك ويسّرت لي تقبّل مرضاتك و

مننت عليّ في جميع ذلك بعونك ولطفك ثمّ إذ خلقتني من

خير الثرى لم ترض لي يا إلهي نعمة دون أخرى ورزقتني من

أنواع المعاش وصنوف الرياش بمنّك العظيم عليّ وإحسانك القديم

إليّ حتّى إذا أتممت عليّ جميع النعم وصرفت عنّي كلّ النقم لم يمنعك

جهلي وجرأتي عليك أن دللتني على ما يقرّبني إليك و

وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزْلِفُنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ
أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ
إِكْمَالاً لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ
مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ فَأَيُّ
نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أُحْصِي عَدَداً وَذِكْراً أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا
شُكْراً وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً
بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا دَرَأْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَ
الضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أَشْهَدُ
يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ
صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي
نُورِ بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرَقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيفِ
مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ
عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي

وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ مَأْكَلِي
وَمَشْرَبِي وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي وَجُمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ
تَامُورُ صَدْرِي وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَاذِ حَوَاشِي كَبِدِي
وَمَا حَوَتْهُ شَرَاسِيفُ أَضْلَاعِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي
وَقَبْضُ عَوَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي
وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعُ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ
أَيَّامَ رِضَاعِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي
وَحَرَكَتِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ
مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ
مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجَبِ عَلَيَّ شُكْراً
أَنِفاً جَدِيداً وَثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً أَجَلْ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَ
الْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ
وَآنِفِهِ لَمَا حَصَرْنَاهُ عَدَداً وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَداً هَيْهَاتَ

انّى ذلك وانت المخبر عن نفسك فى كتابك الناطق والنبأ
کجاست اینها و حال اینکه تو خبر دهنده از خویش در کتابت که گویاست و خبر

الصّادق وان تعدّوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك
راست و اگر بشمارید نعمتهای خدارا نتوانید شمرد آنها را راست است کتاب

اللّهمّ وانباؤك وبلّغت انبياؤك ورسلك ما انزلت
خدایا و خبرهای تو و رسانیدند پیغمبران تو و فرستادگان تو آنچه فرو فرستادی

عليهم من وحيك وشرعت لهم من دينك غير انّى يا الهى اشهد
برایشان از وحیت و شریعت نهادی برایشان از دینت جز اینکه من ای خدایم

بجدّى وجهدى ومبالغ طاقتى ووسعى واقول مؤمنا موقنا
گواهی میدهم بسعی و کوشش خود و رسیدنهای طاقتم و وسعتم و میگویم یقین کننده

الحمد لله الّذى لم يتّخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن له شريك
ستایش مر خدایرا که فرا نگرفته فرزندی پس باشد ارث برنده شده و نباشد مر او را

فى الملك فيضادّه فيما ابتدع ولا ولىّ من الذّلّ فيرفده فيما
در پادشاهی پس مخاصمه کند او را در آنچه آفریده و نه دوستی از خواری پس یاری دهد او را در آنچه کرده

صنع سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة الّا الله
منزه است پاک است منزه است اگر بودی در آسمان و زمین خدایان جز خدا

لفسدتا وتفطّرتا فسبحان الله الواحد الحقّ الاحد الصّمد
هر اینه تباه شدندی و شکافته گشتندی پس منزه است یگانه درست کردار یکتای بی نیاز که

الّذى لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل
نزاده و نه زاده شده و نباشد مر او را همتا ستایش ستایش مر خدایرا ستایشی

حمد ملائكته المقرّبين وانبيائه المرسلين وصلّى الله على
که برابری کند ستایش فرشتگان او که نزدیکند و پیغمبران او که فرستاده شده اند و رحمت فرستد خدا

خيرته من خلقه محمّد خاتم النّبيّين وآله الطّيّبين الطّاهرين
بر گزیدگان او از آفریدگانش محمد خاتم پیغمبران و آل او که پاکیزگانند پاکان

المخلصين
پس شروع فرمود آنحضرت بسؤال و اهتمام نمودند در دعا و آب از دیده های مبارکش جاری بود پس گفت

اللّهمّ اجعلنى اخشاك
خدایا چنان کن مرا که بترسم از تو

كانّى اراك واسعدنى بتقواك ولا تشقنى بمعصيتك وخر
گویا که می بینم ترا و نیکبخت گردان مرا به پرهیزکاری و به بخت مگردان مرا بنافرمانی

لى فى قضائك وبارك لى فى قدرك حتّى لا احبّ تعجيل ما اخّرت
بهتر کن مرا در حکمت و برکت ده مرا در اندازه دادنت تا اینکه دوست ندارم شتابانیدن آنچه

ولا تأخير ما عجّلت اللّهمّ اجعل غناى فى نفسى واليقين فى قلبى
خدایا بگردان بی نیازی مرا در نفس من و یقین را در دل من

والاخلاص فى عملى والنّور فى بصرى والبصيرة فى دينى ومتّعنى
و خالصی در کار من و روشنایی را در دیده ام و بینائی را در دینم و بهره ده مرا

بجوارحى واجعل سمعى وبصرى الوارثين منّى وانصرنى على
باعضایم و بگردان گوش و چشمم را دو وارث برای من از من و یاری ده مرا بر

من ظلمنى وارنى فيه ثارى ومآربى واقرّ بذلك عينى
آنکه ستم کرد مرا و روزی کن مرا در آن حاجتهای مرا و خون مرا و روشن فرما بآن چشم مرا

اللّهمّ اكشف كربتى واستر عورتى واغفر لى خطيئتى واخسأ
خدایا بردار اندوه مرا و بپوشان عورتم را و بیامرز خطاهای مرا و بران

شيطانى وفكّ رهانى واجعل لى يا الهى الدّرجة العليا
شیطانم را و گرو برهان گردنم را و بگردان برایم ای خدایم مرتبه بلند در

فى الآخرة والاولى اللّهمّ لك الحمد كما خلقتنى فجعلتنى سميعا
آخرت و دنیا خدایا مر تراست ستایش چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا

بصيرا ولك الحمد كما خلقتنى فجعلتنى خلقا سويّا رحمة بى و
شنوای بینا و مر تراست سپاس چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا آفریده درست

قد كنت عن خلقى غنيّا ربّ بما برأتنى فعدّلت فطرتى ربّ بما
بودی تو از آفریدن من بی نیاز پروردگارا بآنکه آفریدی مرا پس معتدل گردانیدی خلقت مرا پروردگارا

انشأتنى فاحسنت صورتى يا ربّ بما احسنت الىّ وفى نفسى عافيتنى
بآنچه پدید کردی مرا پس نیکو نمودی صورت مرا ای پروردگار بآنچه نیکو کردی برای من و در نفس من

ربّ بما كلأتنى ووفّقتنى ربّ بما انعمت علىّ فهديتنى ربّ بما

اوبتني ومن كل خير اتيتني واعطيتني ربّ بما اطعمتني وسقيتني
جای دادی مرا از هر خوبی آوردی مرا و عطا کردی مرا پروردگارا بآنچه خورانیدی مرا و سیراب کردی

ربّ بما اغنيتني واقنيتني ربّ بما اعنتني واعززتني ربّ بما
مرا پروردگارا بآنچه بی‌نیاز کردی مرا و سرمایه دادی مرا پروردگارا بآنچه اعانت کردی مرا و عزیز داشتی مرا

البستني من سترك الصافي ويسّرت لي من صنعك الكافي صلّ
پروردگارا بآنچه پوشانیدی مرا از پوشش خالص و آسان کردی برایم از کار خود که کفایت کننده است رحمت کن

على محمّد وآل محمّد واعنّي على بوائق الدهر وصروف الايّام والليالي
بر محمد و آل محمد و یاری کن مرا بر حوادث روزگار و گردش روزها و شبها

ونجّني من اهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شرّ ما
و نجات ده مرا از ترسهای دنیا و سختیهای آخرت و کفایت کن مرا بدی آنچه

يعمل الظالمون في الارض اللهمّ ما اخاف فاكفني وما احذر
میکنند ستمکاران در زمین خدایا آنچه را میترسم پس کفایت کن مرا و آنچه را

فقني وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي اهلي
حذر دارم پس نگاه دار مرا و در خودم و دینم پس پاسبانی کن مرا و در سفرم پس نگاه دار مرا و در اهلم

ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذلّلني
و مالم و فرزندم پس جانشین باش مرا و در آنچه روزی دادی پس برکت ده مرا و در نفسم پس ذلیل

وفي اعين الناس فعظّمني ومن شرّ الجنّ والانس فسلّمني وبذنوبي
کن مرا و در چشمهای مردم پس بزرگ ساز مرا و از شر جن و مردم پس سالم دار مرا و بگناهانم

فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا
پس رسوا مکن مرا و بسریره‌ام پس خوار مکن مرا و بکردارم پس مبتلا مکن مرا و نعمتهایت را پس

تسلبني والى غيرك فلا تكلني الهي الى من تكلني الى القريب يقطعني
مگیر از من و بسوی غیر تو پس وامگذار مرا خدای من بکه وامیگذاری مرا بسوی نزدیکان که ببرد

ام الى البعيد يتجهّمني ام الى المستضعفين لي وانت ربّي
از من یا بسوی بیگانه که بسیار ترشرو شود مرا یا بضعیف شمارندگان مر مرا و تو پروردگار منی و

ومليك امري اشكو اليك غربتي وبعد داري وهواني على
مالک امر منی شکوه میکنم بسوی تو غربت خود و دوری سرای خود و خواری خود را بر

اینجا موضع اشارة است

ما ملكته

من ملّكته امري اللهمّ فلا تحلل بي غضبك فان لم تكن غضبت
آنکه مالک کردی او را بکار من خدایا پس فرود میاور خشم خود را پس اگر نباشی غضب

عليّ فلا ابالي سواك غير ان عافيتك اوسع لي فاسألك يا ربّ
بر من پس باک ندارم از غیر تو جز اینکه عافیت تو وسیعتر است مرا پس میخواهم ای پروردگار

بنور وجهك الذي اشرقت له الارض والسموات وانكشفت
از تو بنور ذات تو که روشن شده برای آن زمین و آسمانها و پیدا گشت

به الظلمات وصلح عليه امر الاوّلين والآخرين ان لا تميتني
بسبب او تاریکیها و سامان شد بسبب او کار پیشینیان و پسینیان که نمیرانی مرا

على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى حتّى ترضى قبل
بر غضبت و فرود نیاوری بمن سخط خود را مر تراست عتاب کردن تا خوشنود شوی

ذلك لا اله الّا انت ربّ البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت
این است خدایی که نیست خدایی جز تو پروردگار شهر با حرمت و مشعر الحرام و خانه

العتيق الذي احللته البركة وجعلته للناس امنا يا من
آزاد شده که فرود آوردی بآن برکت را و گردانیدی او را برای مردمان ایمنی ای

عفى عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله
کسیکه درگذرد از بزرگ از گناهان ببردباری ای آنکه تمام کرد نعمت را بفضل خود

يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدّتي في شدّتي ويا صاحبي في
ای کسیکه عطا کرد عطای بزرگ را بکرم خود ای ذخیره من در سختی من و ای یار من در

وحدتي يا غياثي في كربتي يا مونسي في حفرتي يا وليّ نعمتي يا
تنهایی من ای فریادرس من در رنج من ای مونس من در قبر من ای ولی نعمت من ای

الهي واله آبائي ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب وربّ
خدای من و خدای پدران من ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار

جبرئيل وميكائيل واسرافيل وربّ محمّد خاتم النبيّين
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیغمبران

وآله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل والزبور والفرقان
و آل او که برگزیده گانند و فرو فرستنده توریت و انجیل و زبور و فرقان

وَيس لِكهيعص وَطه وَيس وَالقُرآنِ الحَكيمِ اَنتَ كَهفي حينَ تُعيِيني

اَلمَذاهِبُ في سَعَتِها وَتَضيقُ عَلَيَّ الاَرضُ بِرُحبِها وَلَولا رَحمَتُكَ

لَكُنتُ مِنَ الهالِكينَ وَاَنتَ مُقيلُ عَثرَتي وَلَولا سَترُكَ اِيّايَ

لَكُنتُ مِنَ المَفضوحينَ وَاَنتَ مُؤَيِّدي بِالنَّصرِ عَلَى الاَعداءِ وَ

لَولا نَصرُكَ اِيّايَ لَكُنتُ مِنَ المَغلوبينَ يا مَن خَصَّ نَفسَهُ بِالسُّمُوِّ

وَالرِّفعَةِ فَاَولِياؤُهُ بِعِزِّهِ يَعتَزّونَ يا مَن جَعَلَت لَهُ المُلوكُ

نيرَ المَذَلَّةِ عَلى اَعناقِهِم فَهُم مِن سَطَواتِهِ خائِفونَ يَعلَمُ خائِنَةَ

الاَعيُنِ وَما تُخفِي الصُّدورُ وَغَيبَ ما تَأتي بِهِ الاَزمِنَةُ وَ

الدُّهورُ يا مَن لا يَعلَمُ كَيفَ هُوَ اِلّا هُوَ يا مَن لا يَعلَمُ ما يَعلَمُهُ

اِلّا هُوَ يا مَن كَبَسَ الاَرضَ عَلَى الماءِ وَسَدَّ الهَواءَ بِالسَّماءِ يا

مَن لَهُ اَكرَمُ الاَسماءِ يا ذَا المَعروفِ الَّذي لا يَنقَطِعُ اَبَدًا يا

مُقَيِّضَ الرَّكبِ لِيوسُفَ في البَلَدِ القَفرِ وَمُخرِجَهُ مِنَ الجُبِّ وَ

جاعِلَهُ بَعدَ العُبودِيَّةِ مَلِكًا يا رادَّ يوسُفَ عَلى يَعقوبَ بَعدَ

اَنِ ابيَضَّت عَيناهُ مِنَ الحُزنِ فَهُوَ كَظيمٌ يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالبَلاءِ

عَن اَيّوبَ يا مُمسِكَ يَدِ اِبراهيمَ مِن الذَّبحِ عَنِ ابنِهِ بَعدَ كِبَرِ

سِنِّهِ وَفَناءِ عُمرِهِ يا مَنِ استَجابَ لِزَكَرِيّا فَوَهَبَ لَهُ يَحيى وَلَم يَدَعهُ

فَردًا وَحيدًا يا مَن اَخرَجَ يونُسَ مِن بَطنِ الحوتِ يا فارِقَ البَحرِ لِبَني

اِسرائيلَ فَاَنجاهُم وَجَعَلَ فِرعَونَ وَجُنودَهُ مِنَ المُغرَقينَ يا مَن

اَرسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ بَينَ يَدَي رَحمَتِهِ يا مَن لَم يَعجَل عَلى

مَن عَصاهُ مِن خَلقِهِ يا مَنِ استَنقَذَ السَّحَرَةَ مِن بَعدِ طولِ الجُحودِ وَقَد

غَدَوا في نِعمَتِهِ يَأكُلونَ رِزقَهُ وَيَعبُدونَ غَيرَهُ وَقَد حادّوهُ

وَنادّوهُ وَكَذَّبوا رُسُلَهُ يا اَللهُ يا بَديءُ لا بَدءَ لَكَ يا دائِمًا لا

نَفادَ لَكَ يا حَيُّ حينَ لا حَيَّ يا مُحيِيَ المَوتى يا مَن هُوَ قائِمٌ عَلى كُلِّ

نَفسٍ بِما كَسَبَت يا مَن قَلَّ لَهُ شُكري فَلَم يَحرِمني وَعَظُمَت عِندَهُ خَطيئَتي

فَلَم يَفضَحني وَرَآني عَلَى المَعاصي فَلَم يَخذُلني يا مَن حَفِظَني في صِغَري

يا مَن رَزَقَني في كِبَري يا مَن اَيادِيهِ عِندي لا تُحصى يا مَن نِعَمُهُ عِندي

لا يجازى يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة

والعصيان يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر الامتنان

يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا فاطعمني

وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا

فكثرني وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني و

غنيا فلم يسلبني وامسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد

يا من اقال عثرتي ونفس كربتي واجاب دعوتي وستر عورتي و

غفر ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وان اعد

نعمك ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت الذي

انعمت انت الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت

انت الذي مننت انت الذي اكملت انت الذي رزقت انت

الذي اعطيت انت الذي وفقت انت الذي اغنيت انت

الذي اقنيت انت الذي آويت انت الذي كفيت انت

الذي هديت انت الذي عصمت انت الذي سترت انت الذي

غفرت انت الذي اقلت انت الذي مكنت انت الذي اعززت

انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي ايدت انت

الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت الذي

اكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك

الشكر واصبا ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا

الذي اسأت انا الذي اخطأت انا الذي غفلت انا الذي

انا الذي هممت انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت انا الذي

تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي نكثت انا

الذي اقررت انا يا الهي اعترف بنعمتك عندي وابوء بذنوبي

فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن

طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته فلك

الحمد الهي امرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت

لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فبأي شيء استقبلك
يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني أم بيدي أم برجلي أليس
كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة و
السبيل علي يا من سترني من الآباء والأمهات أن يزجروني
ومن العشائر والإخوان أن يعيروني ومن السلاطين أن يعاقبوني
ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني إذاً ما أنظروني
ولرفضوني وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا سيدي خاضعاً
ذليلاً حصيراً حقيراً لا ذو براءة فاعتذر ولا ذو قوة فانتصر
ولا حجة لي فأحتج بها ولا قائل لم أجترح ولم أعمل سوءاً وما عسى
الجحود ولو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف وأنى ذلك وجوارحي
كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقيناً غير ذي شك
أنك سائلي عن عظائم الأمور وأنك الحكم العدل الذي لا تجور و
عدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي

يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين لا إله إلا أنت
سبحانك إني كنت من المستغفرين لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الموحدين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من
الخائفين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الوجلين لا
إله إلا أنت سبحانك إني كنت من السائلين لا إله إلا أنت
سبحانك إني كنت من الراجين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من المهللين المسبحين لا إله إلا أنت سبحانك ربي ورب
آبائي الأولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجداً وإخلاصي لذكرك
موحداً وإقراري بآلائك معدداً وإن كنت مقراً أني لا أحصيها
لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها إلى حادث ما لم تزل
تتعهدني به معها مذ خلقتني وبرأتني من أول العمر من الإغناء
بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج

الكرب والعافية في البدن والسلامة في الدين ولو
رفدني على قدر ذكر نعمك على جميع العالمين من الاولين والآخرين
لما ازددت ولاهم على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم
كريم رحيم ولا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك
صل على محمد وآل محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك
سبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة المضطر اذا
دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم وتغني
الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك
ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير يا مطلق المكبل الاسير
يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له
ولا وزير صل على محمد وآل محمد واعطني في هذه العشية
افضل ما اعطيت وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها
وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها

وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وعلى كل
شيء قدير اللهم انك اقرب من دعي واسرع من اجاب واكرم
من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل يا رحمن الدنيا
والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسؤول ولا سواك مأمول
دعوتك فاجبتني وسألتك فاعطيتني ورغبت اليك
فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني
اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى
آله الطيبين الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك
واجعلنا لك شاكرين ولآلائك ذاكرين آمين آمين رب
العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر فقهر وعصي فستر
واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين
يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة ورحمة
وحلما اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية التي شرفتها

وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك وامينك
بزرگ کردی آنرا بمحمد پیغمبرت و فرستاده ات و برگزیده ات از آفریده ات و امین تو
على وحيك اللهم فصل على البشير النذير السراج المنير الذي
بر وحیت خدایا پس رحمت کن بر مژده دهنده بیم کننده چراغ روشنی که
انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل
انعام فرمودی او را بر مسلمانان و گردانیدی او را رحمت برای جهانیان خدایا پس رحمت
على محمد وآله كما هو محمد اهل ذلك يا عظيم فصل عليه وعلى آل
فرست بر محمد و آل او چنانکه محمد سزاوار آنست ای بزرگ رحمت فرست بر او و بر آل
محمد المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا
محمد که برگزیدگان پاکیزگان پاکانند همه و سترکن ما را بعفوت از ما
فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه
پس بسوی تو بلند شده آوازها باقسام لغتها و بگردان برای ما در این
العشية نصيبا من كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة
شب بهره از همه خوبی که قسمت کردی او را و نوری که هدایت کردی بآن و رحمتی
تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم
که پراکنده کردی آنرا و عافیتی که بپوشانی آنرا و برکتی که فرستادی آنرا و روزیکه گسترانیدی آنرا ای
الراحمين اللهم اقلبنا في هذا الوقت مفلحين منجحين مبرورين
ای بهترین رحم کنندگان خدایا بگردان ما را در این وقت رستگاران فیروزان نیکو کرده شدگان
غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك
غنیمت برندگان و مگردان ما را از نومید شدگان و خالی مساز ما را از رحمتت
ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من بابك
و محروم مکن ما را آنچه آرزو داریم آنرا از نعمتت و رد مکن ما را بی بهرگان و نه از درت رانده
مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما
شدگان و مگردان ما را از رحمتت محروم شدگان و نه برای زیادی
نؤمله من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم
آنچه امید داریم آنرا از عطاهای تو ناامیدان ای بهترین بخشندگان و ای کریمترین

الاكرمين اليك اقبلنا موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين
کریمان بسوی تو رو آوردیم گروندگان و بسوی خانه محترمت قصد کنندگان
فاعنا على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف اللهم عنا وعافنا
پس یاری کن ما را بر عبادتهامان و کامل کن برای ما حج ما را و درگذر خدایا از ما و عافیت ده ما را
فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم
پس بتحقیق کشیدیم ما بسوی تو دستهامان را و آنها بخواری اعتراف نام کرده شده اند خدایا
فاعطنا في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك
پس عطا کن ما را در این شب آنچه سؤال کردیم از تو و کفایت کن ما را آنچه طلب
فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك
کفایت نموده ایم از تو پس نیست کفایت کننده ما را جز تو و نیست پروردگاری برای ما جز تو نافذ
محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا
احاطه کننده است بما علم تو عدالتست در ما قضای تو حکم فرما برای ما خوبی را و بگردان ما را
من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم
از اهل خوبی خدایا واجب کن برای ما بجودت بزرگی مزد و بزرگواری
الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا
ذخیره و همیشگی توانگری و بیامرز برای ما گناهان ما را همه و هلاک مکن ما را
مع الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك برحمتك يا ارحم الراحمين
با هلاک شدگان و مگردان از ما مهربانیت را برحمتت ای بهترین رحم کنندگان
اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته وشكرك
خدایا بگردان ما را در این وقت از کسانیکه درخواست کردند پس عطا کردی او را و شکر
فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه كلها
کرد پس افزودی او را و بازگشت بسوی تو پس پذیرفتی او را و عذر آورد بسوی تو از گناهانش همه
فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا وسددنا و
پس آمرزیدی آنها را برای او ای خداوند جلال و کرامت خدایا توفیق ده ما را و درستی ده ما را و
اعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم
نگاه دار ما را و بپذیر زاری ما را ای بهترین کسیکه سؤال کرده شده و ای مهربانترین کسیکه طلب رحم کرده شد

يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر

ای آنکه پوشیده نیست براو بهم زدن پلکها ونه دیدن چشمها ونه آنچه ثابت ا

في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك

در امور پوشیده ونه آنچه در نوردیده شده براو نهانیهای دلها آگاه هم همه این را

قد احصاه علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول

بتحقیق که شمرده احاطه اش دانش تو وفرا گرفته او را بردباری تو منزهی تو وبالاتری از آنچه میگویند

الظالمون علوا كبيرا اسبحت لك السموات السبع والارضون ومن

ستمکاران بلندی بزرگ تسبیح کنند مر ترا آسمانهای هفتگانه وزمین ها وکسیکه

فيهن وان من شيء الا يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد

در آنهاست و نیست هیچ چیز مگر تسبیح میکند بستایش تو پس مر تراست ستایش و بزرگواری

يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام والايادي الجسام

وبلندی عظمت ای خداوند بزرگی و کرامت و فضل و انعام و نعمتهای بزرگ

وانت الجواد الكريم الرؤوف الرحيم اللهم اوسع علي من رزقك

بخشنده بزرگوار مهربان رحم کننده خدایا وسعت ده بر من از روزی تو

الحلال وعافني في بدني وديني وامن خوفي واعتق رقبتي من النار

که حلال است و عافیت ده مرا در بدنم و دینم و ایمن گردان ترسم را و آزاد کن گردن مرا

اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني ولا تخذلني وادرا عني شر

خدایا تدبیر مکن بمن و مگیر مرا درجه درجه و خوار مکن مرا ودفع کن از من بدی

فسقة الجن والانس

پس سر فرود آر بسجده و خود را بلند بگوی آسمان وازدیدهای مبارکش بمانند دو مشک ابر بجمع بصدای بلند گفت

يا اسمع السامعين

فاسقان جن وانس را ای شنونده ترین شنوندگان

ويا ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين

وای بیناترین بینندگان وای شتابنده ترین حساب کنندگان وای مهربانترین رحم کنندگان

صل على محمد وال محمد السادة الميامين واسالك اللهم

رحمت فرست بر محمد وآل محمد بزرگان با میمنت و مسئلت میکنم ترا خدایا

حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان

حاجت خودم را آنچه اگر عطا کنی بمن آن را زیان نرساند مرا آنچه منع کردی مرا

منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسالك فكاك رقبتي من النار

منع کنی مرا از آن سود ندهد مرا آنچه عطا کردی مرا درخواست میکنم از تو رهیدن گردنم از آتش

لا اله الا انت وحدك لا شريك لك لك الملك ولك الحمد

نیست خدائی مگر تو تنها نیست انبازی مر ترا مر تراست پادشاهی ومر

وانت على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب

تراست ستایش و تو بر همه چیز توانائی ای پروردگار ای پروردگار

پس مکرر میگفت یا رب تا نفسش قطع شد و باز گفت

بلند شد و باز گر دید و روانه جانب مشعر الحرام شدند و سید بن طاوس بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر را بکن بیک اذان و دو اقامه و بعد از آن بایست در موقف صد مرتبه

الله اكبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه آیة الکرسی و سوره انا انزلناه بخوان و ابتدا بخوان

لا اله الا الله الحليم الكريم

نیست خدائی مگر خدای بردبار کریم

لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع

نیست خدائی مگر خدای بلند مرتبه بزرگ منزه است خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه

ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وهو رب العرش العظيم

و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و او پروردگار عرش

والحمد لله رب العالمين اللهم اياك اعبد واياك استعين

و ستایش مر خدا را پروردگار عالمیان خدایا ترا عبادت میکنم و از تو یاری میطلبم

اللهم اني اريد ان اثني عليك بما عسى ان ابلغ من مدحك

خدایا بدرستیکه من میخواهم که ثنا گویم بر تو آنچه شاید برسم از مدح تو

مع قلة علمي وقصر رايي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك

با کمی علم و کوتاهی رایم و توئی پدید آورنده و منم آفریده شده و توئی مالک

وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزيز وانا

و منم مملوک و توئی پروردگار و منم بنده و توئی عزیز و منم

الذليل وانت القوي وانا الضعيف وانت الغني وانا الفقير

ذلیل و توئی توانا و منم ناتوان و توئی بی نیاز و منم محتاج

وانت المعطي وانا السائل وانت الغفور وانا الخاطئ وانت

و توئی عطا کننده و منم درخواست کننده و توئی آمرزنده و منم خطاکار و

لحیّاً الذی لا یموت و انا خلق اموت اللهم انت الله لا اله
الا انت رب العالمین و انت الله لا اله الا انت العزیز الحکیم
و انت الله لا اله الا انت العلی العظیم و انت الله لا اله
الا انت الغفور الرحیم و انت الله لا اله الا انت مالک
یوم الدین و انت الله لا اله الا انت منک بدء الخلق و
الیک یعود و انت الله لا اله الا انت لم تزل و لا تزال
و انت الله لا اله الا انت خالق الجنة و النار و انت الله لا
اله الا انت خالق الخیر و الشر و انت الله لا اله الا انت الواحد
الاحد الفرد الصمد لم تلد و لم تولد و لم یکن لک کفواً احد و انت
الله لا اله الا انت عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم و انت
الله لا اله الا انت الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون و انت الله لا اله الا
انت الخالق الباری المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات

و الارض و انت العزیز الحکیم و انت الله لا اله الا انت الکبیر المتعال
و الکبریاء رداؤک اللهم انک سابغ النعماء حسن البلاء جزیل العطاء
مفیض الفضل باسط الیدین بالرحمة نفّاع بالخیرات کاشف
الکربات رفیع الدرجات منزل الآیات من فوق سبع سموات عظیم
البرکات مخرج من النور الی الظلمات و مخرج من فی الظلمات الی النور
مبدل السیئات حسنات جاعل الحسنات درجات اللهم انک تری
فی علوک و علوت فی دنوک فدنوت فلیس دونک شیء و ارتفعت
فلیس فوقک شیء تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی فالق الحب
و النوی لک ما فی السموات العلی و لک الکبریاء فی الآخرة و الاولی
اللهم انک غافر الذنب شدید العقاب ذو الطول لا اله الا
انت الیک المصیر وسعت رحمتک کل شیء و بلغت حجتک و
لا معقب لحکمک و انت لا تخیب سائلک انت الذی لا رافع
لما وضعت و لا واضع لما رفعت انت الذی تبعث کل شیء

بحكمتك وأحصيت كل شيء بعلمك وأبرمت كل شيء بحكمتك ولا يفوتك
شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء أنت الذي لا يعجزك هاربك ولا يرجع
صريعك ولا يحيى قتيلك أنت علوت فقهرت وملكت فقدرت و بطنت
فخبرت وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة الأعين وما تخفي الصدور
وتعلم ما تحمل كل أنثى وما تضع وما تغيض الأرحام وما تزداد وكل
شيء عندك بمقدار أنت الذي لا تنسى من ذكرك ولا تضيع من
توكل عليك أنت الذي لا يشغلك ما في جو أرضك عما في جو
سمواتك أنت الذي تعززت في ملكك ولم تشرك أحدا في جبروتك
أنت الذي علا كل شيء ملكك وملك كل شيء أمرك أنت الذي
ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الأرباب بعزتك
وأنت الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك
وأنت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك
أنت الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع

المزايلون نعوتك أنت شفاء لما في الصدور وهدى و
رحمة للمؤمنين أنت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل
ولا يبلغ مدحك مادح ولا قائل أنت الكائن قبل كل شيء
والمكون لكل شيء والكائن بعد كل شيء أنت الواحد الأحد
الصمد الذي لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا أحد ولم يتخذ
صاحبة ولا ولدا السموات ومن فيهن لك والأرضون و
من فيهن وما بينهما أنت الذي أحصيت كل شيء وأحطت به علما
وأنت تزيد في الخلق ما تشاء وأنت لا تسأل عما تفعل وهم
يسألون وأنت الفعال لما تريد وأنت القريب وأنت
البعيد وأنت السميع وأنت البصير وأنت الماجد وأنت الوا
وأنت العليم وأنت الحكيم وأنت الغني وأنت الكريم وأنت
البار وأنت الرحيم وأنت القادر وأنت القاهر لك الأسماء
الحسنى كلها وأنت الجواد الذي لا يبخل وأنت العزيز الذي

لا یذل وانت تمنع لا یرام یسبح لک ما فی السموات والارض

وانت بالخیر اجود منک بالشر انت ربی ورب آبائی الاولین

انت مجیب المضطر اذا دعاک انت نجیت نوحا من الغرق و

انت غفرت لداود ذنبه وانت نفست عن ذی النون کربه

وانت کشفت عن ایوب ضره وانت رددت موسی علی امه وانت

صرفت قلوب السحرة الیک حتی قالوا آمنا برب العالمین

وانت ولی نعمة الصالحین لا یذکر منک الا الحسن الجمیل

وما لا یذکر اکثر لک الآلاء والنعم وانت المحسن المجمل لا

یبلغ مدحتک ولا الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک

سبحانک وبحمدک تبارکت اسماؤک وجل ثناؤک ما اعظم

شانک واجل مکانک وما اقربک من عبادک والطفک

بخلقک وامنعک بقوتک انت اعز واجل واسمع وابصر

واعلی واکبر واظهر واشکر واقدر واعلم واخبر واکبر

واعظم واقرب واملک واوسع وامنع واعطی واحکم

وافضل واحمد من ان تدرک العباد عظمتک او یصف

الواصفون صفتک او یبلغوا غایتک اللهم انت الله الذی

لا اله الا انت اجل من ذکر واشکر من عبد وارأف من ملک

واجود من سئل واوسع من اعطی تحلم بعد ما تعلم وتعفو

تعفو بعد ما تقدر لم تطع قط الا باذنک ولم تعص قط الا بعلمک

تطاع ربنا فتشکر وتعصی ربنا فتغفر اللهم انت اقرب

حفیظ وادنی شهید حلت بین القلوب واخذت بالنواصی

واحصیت الاعمال وعلمت الاخبار وبیدک المقادیر والقلوب

الیک مقصدة والسر عندک علانیة والمهتدی من هدیت

والحلال ما حللت والحرام ما حرمت والدین ما شرعت والامر

تقضی ولا یقضی علیک اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء

وانت الآخر فلیس بعدک شیء وانت الظاهر فلیس فوقک

شَیْءٌ وَاَنْتَ الْباطِنُ فَلَیْسَ دُونَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ

اَللّٰهُمَّ بِیَدِکَ مَقادیرُ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَبِیَدِکَ مَقادیرُ الشَّمْسِ

وَالْقَمَرِ وَبِیَدِکَ مَقادیرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلانِ وَبِیَدِکَ مَقادیرُ الدُّنْیا

وَالْاٰخِرَةِ وَبِیَدِکَ مَقادیرُ الْمَوْتِ وَالْحَیٰوةِ وَبِیَدِکَ مَقادیرُ الْغِنٰی

وَالْفَقْرِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لی کُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ

فی ظُلَمِ اللَّیْلِ وَضَوْءِ النَّهارِ عَمْداً اَوْ خَطَأً سِرّاً اَوْ عَلانِیَةً اِنَّکَ

عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَهُوَ عَلَیْکَ سَهْلٌ یَسیرٌ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا

بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُثْنی عَلَیْکَ بِاَحْسَنِ ما اَقْدِرُ عَلَیْهِ

وَاَشْکُرُکَ بِما مَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ وَعَلَّمْتَنی مِنْ شُکْرِکَ اَللّٰهُمَّ

لَکَ الْحَمْدُ بِمَحامِدِکَ کُلِّها عَلٰی نَعْمائِکَ کُلِّها وَعَلٰی جَمیعِ خَلْقِکَ

حَتّٰی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ لَکَ اِلٰی ما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ لَکَ

الْحَمْدُ عَدَدَ ما خَلَقْتَ وَعَدَدَ ما ذَرَأْتَ وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما

اَرَدْتَ وَعَدَدَ ما بَرَأْتَ وَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما اَحْصَیْتَ وَلَکَ

الْحَمْدُ عَدَدَ ما فِی السَّمٰواتِ وَالْاَرَضینَ وَلَکَ الْحَمْدُ فِی الدُّنْیا

وَالْاٰخِرَةِ پس بگو لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ

وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ

شَیْءٍ قَدیرٌ ده مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ

وَاَتُوبُ اِلَیْهِ پس بگو یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ ده مرتبه یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ ده

مرتبه یا رَحیمُ یا رَحیمُ ده مرتبه یا بَدیعَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ ده مرتبه یا ذَا

الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ ده مرتبه یا حَنّانُ یا مَنّانُ ده مرتبه یا حَیُّ یا قَیُّومُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ ده مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ ده

مرتبه اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَلِیُّ الْحَمْدِ وَمُنْتَهَی الْحَمْدِ وَفِیُّ الْعَهْدِ عَزیزُ

الْجُنْدِ قَدیمُ الْمَجْدِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ حینَ

لا شَمْسٌ تُضیءُ وَلا قَمَرٌ یَسْری وَلا بَحْرٌ یَجْری وَلا ریحٌ تَذْری وَلا

سَماءٌ مَبْنِیَّةٌ وَلا اَرْضٌ مَدْحِیَّةٌ وَلا لَیْلٌ یَجُنُّ وَلا نَهارٌ یُکِنُّ

وَلا عَیْنٌ تَدْمَعُ وَلا صَوْتٌ یُسْمَعُ وَلا جَبَلٌ مُرْسیً وَلا سَحابٌ مُنْشَیً

وَلا اِنْسٌ مُبَرَّءٌ وَلا جِنٌّ مُنْذَرٌ وَلا مَلَكٌ مُكَرَّمٌ وَلا شَيْطانٌ رَجِيمٌ
وَلا ظِلٌّ مَمْدُودٌ وَلا شَيْءٌ مَعْدُودٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَحْمَدَ اِلى مَنْ اَحَبَّهُ
مِنْ اَهْلِ مَحامِدِهِ بِمَحامِدِهِ وَعَلى ما بَذَلَ مِنْ نَوافِلِهِ الْكافِي مَدْحَ الْمادِحِ
مِلْءَ مَحامِدِهِ وَعَدَّ اَوْصافِ الْواصِفِينَ هَيْبَةَ جَلالِهِ هُوَ اَهْلُ كُلِّ
حَمْدٍ وَمُنْتَهى كُلِّ رَغْبَةٍ وَقاضِي كُلِّ حاجَةٍ الْواحِدُ الَّذِي لا بَدْءَ لَهُ
الْمَلِكُ الَّذِي لا زَوالَ لَهُ الرَّفِيعُ الَّذِي لَيْسَ فَوْقَهُ ناظِرٌ ذُو الْمَغْفِرَةِ وَ
الرَّحْمَةِ الْمَحْمُودُ لِبَذْلِ نَوالِهِ الْمَعْبُودُ لِهَيْبَةِ جَلالِهِ الْمَذْكُورُ بِحُسْنِ
الْآئِهِ الْمَنّانُ بِسَعَةِ فَواضِلِهِ الْمَرْغُوبُ اِلَيْهِ فِي تَمامِ الْمَواهِبِ مِنْ
خَزائِنِهِ الْعَظِيمُ الشَّأْنِ الْكَرِيمُ فِي سُلْطانِهِ الْعَلِيُّ فِي مَكانِهِ الْمُحْسِنُ
فِي امْتِنانِهِ الْجَوادُ فِي فَواضِلِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بارِئِ خَلْقِ الْمَخْلُوقِينَ
بِعِلْمِهِ وَمُصَوِّرِ اَجْسادِ الْعِبادِ بِقُدْرَتِهِ وَمُخالِفِ صُوَرِ مَنْ خَلَقَ
مِنْ خَلْقِهِ وَبارِئِ الْاَرْواحِ فِي خَلْقِهِمْ بِعِلْمِهِ وَمُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ
عِبادِهِ اسْمَهُ وَمُدَبِّرِ خَلْقِ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ بِعَظَمَتِهِ الَّذِي

وسع

وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَ كُرْسِيَّهُ وَعَلا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ الْاَعْلَيْنَ وَقَهَرَ
الْمُلُوكَ بِجَبَرُوتِهِ الْجَبّارِ الْاَعْلَى الْمَعْبُودِ فِي سُلْطانِهِ الْمُتَسَلِّطِ
بِقُوَّتِهِ الْمُتَعالِي فِي دُنُوِّهِ الْمُتَدانِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفاعِهِ الَّذِي
نَفَذَ بَصَرُهُ فِي خَلْقِهِ وَحارَتِ الْاَبْصارُ لِشُعاعِ نُورِهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الْحَلِيمِ الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ الْفَعّالِ لِما يُرِيدُ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ مُنْزِلِ الْآياتِ وَكاشِفِ الْكُرُباتِ وَمُؤْتِي السُّؤْلاتِ الْحَمْدُ
لِلّٰهِ فِي كُلِّ مَكانٍ وَفِي كُلِّ زَمانٍ وَفِي كُلِّ اَوانٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
لا يَنْسى مَنْ ذَكَرَهُ وَلا يُخَيِّبُ مَنْ دَعاهُ وَلا يَخْذُلُ مَنْ والاهُ الَّذِي
يَجْزِي بِالْاِحْسانِ اِحْساناً وَبِالصَّبْرِ نَجاةً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ ما فِي
السَّماواتِ وَما فِي الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِكَةِ رُسُلاً اُولِي
اَجْنِحَةٍ مَثْنى وَثُلاثَ وَرُباعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ ما يَشاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ

الحمد لله

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ

تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيًّا

وَحِينَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ وَ

سُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَسُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ

عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا يَرْضٰى حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ

اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُحْمَدَ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ كُلَّمَا هَلَّلَ

اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُهَلَّلَ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللّٰهَ شَيْءٌ

وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُكَبَّرَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ (هفت مرتبه) بِاَسْمَائِكَ

الرَّفِيعَةِ الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ

الْكَبِيرَةِ الْاَكْبَرِ يَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الْعَزِيزَةِ الْمَنِيعَةِ

وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ الْمَشْهُورَةِ يَا اَللّٰهُ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ

الَّتِي هِيَ رِضَاكَ يَا اَللّٰهُ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ اَحَدٌ يَا

اَللّٰهُ وَاَسْاَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِمَا عَاهَدْتَ وَفِي الْعَهْدِ يَا اَللّٰهُ اَنْ لَا تُخَيِّبَ

سَائِلَكَ يَا اَللّٰهُ وَاَسْاَلُكَ بِجُمْلَةِ مَسَائِلِكَ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ

يَا اَللّٰهُ (هفت مرتبه) وَاَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَوْجَبْتَهُ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ مَسْاَلَةٍ

حَتّٰى يَنْتَهِيَ اِلٰى اسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ الْعَلِيِّ الْاَعْلَى الَّذِي

اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلٰى عَرْشِكَ وَاسْتَقْلَلْتَ عَلٰى كُرْسِيِّكَ وَهُوَ اسْمُكَ

الْفَاضِلُ الْكَامِلُ الَّذِي فَضَّلْتَهُ عَلٰى جَمِيعِ اَسْمَائِكَ يَا رَحْمٰنُ (هفت مرتبه)

وَاَسْاَلُكَ بِمَا لَا اَعْلَمُهُ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَاَلْتُكَ بِهِ يَا اَللّٰهُ وَبِكُلِّ اسْمٍ

اسْتَاْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ

خَلْقِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ

وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ

وَاجْمَلَ وَاَزْكىٰ وَاَطْهَرَ وَاَعْظَمَ وَاَكْثَرَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ

مِنْ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاَوَّلينَ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرينَ وَصَلِّ

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلىٰ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّبِيّينَ

وَالْمُرْسَلينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ الْوَسيلَةَ

وَالْفَضيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفيعَةَ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْ مَقامَهُ وَ

شَرِّفْ بُنْيانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهانَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَاَعْلِ كَعْبَهُ

وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَاَظْهِرْ عُذْرَهُ وَدَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ كَما بَلَّغَ رِسالاتِكَ

وَتَلا اٰياتِكَ وَاَمَرَ بِطاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِها وَنَهىٰ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهىٰ عَنْها

في سِرٍّ وَعَلانِيَةٍ وَجاهَدَ حَقَّ الْجِهادِ فيكَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً حَتّىٰ اَتاهُ

الْيَقينُ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقاماً

مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ مِنَ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ

اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنا عَلىٰ مِلَّتِهِ وَابْعَثْنا في شيعَتِهِ

وَاحْشُرْنا في زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ وَلا تَحْجُبْنا عَنْ رُؤْيَتِهِ

وَلا تَحْرِمْنا مُرافَقَتَهُ حَتّىٰ تُسْكِنَنا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنا في جِوارِهِ رَبِّ اِنّي

اَحْبَبْتُهُ فَاَحْبِبْني لِذٰلِكَ وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي

الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذينَ اَذْهَبْتَ

عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً اَللّٰهُمَّ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسيراً وَ

انْصُرْهُمْ نَصْراً عَزيزاً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً اَللّٰهُمَّ

مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ اَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوارِثينَ اَللّٰهُمَّ

اَرِهِمْ في عَدُوِّهِمْ ما يَأْمُلُونَ وَاَرِ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ ما يَحْذَرُونَ اَللّٰهُمَّ

اجْمَعْ بَيْنَهُمْ في خَيْرٍ وَعافِيَةٍ اَللّٰهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِاٰلِ مُحَمَّدٍ

اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ عَلَى الْهُدىٰ اَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ عَلىٰ قُلُوبِ خِيارِهِمْ وَ

اَصْلِحْ ذاتَ بَيْنِهِمْ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لي وَلِوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَاَعْتِقْهُما

مِنَ النّارِ وَارْحَمْهُما وَاَرْضِهِما عَنّي وَاغْفِرْ لِكُلِّ والِدٍ لي دَخَلَ الْاِسْلامَ

وَلِأَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ قَرَابَاتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَخُصَّ

وَجَمِيعَ وُلْدِ أَبِي وَإِخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ وِلَايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَمِنْ

لَا يَهْتَدِي عَلَى ذَلِكَ غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ اللَّهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ

نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَ

أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَاجْزِ وَالِدَيَّ

خَيْرَ مَا جَزَيْتَ وَالِداً عَنْ وَلَدِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُمَا عَنِّي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا

غِلّاً لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ

وَاجْمَعْ عَلَى الْهُدَى أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْنِي وَإِيَّاهُمْ عَلَى طَاعَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ

اللَّهُمَّ وَالْمُتْعَةَ وَاحْفَظْ بِهَا إِيمَانَهُمْ وَوَلِّ أَمْرَهُمْ خِيَارَهُمْ أَهْلَ الرَّأْفَةِ

وَالرَّحْمَةِ وَالْعَدْلِ فِيهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبَّنَا

رَبِّ اللَّهُمَّ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ذَا

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ذَا الْجُودِ وَالْقُوَّةِ وَالسُّلْطَانِ وَالْجَبَرُوتِ وَ

الْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْهَيْبَةِ وَالرَّهْبَةِ وَ

الرَّغْبَةِ وَالْجُودِ وَالْعُلُوِّ وَالْحُجَّةِ وَالْهُدَى وَالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ

وَالْأَمْرِ وَالْخَلْقِ وَكُلُّ شَيْءٍ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ

يَا رَبِّ سُؤَالَ الضَّارِعِينَ الْمُتَضَرِّعِينَ الْمَسَاكِينِ الْمُسْتَكِينِينَ الرَّاغِبِينَ

الرَّاهِبِينَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ سِوَاكَ يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَيَكْشِفُ

الضُّرَّ وَيُجِيبُ الدَّاعِيَ وَيُعْطِي السَّائِلَ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ سُؤَالَ مَنْ لَمْ

يَجِدْ لِضَعْفِهِ مُغِيثاً وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِراً وَلَا لِفَقْرِهِ سَادّاً غَيْرَكَ

أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ

مَسْأَلَةَ كُلِّ سَائِلٍ وَرَغْبَةَ كُلِّ رَاغِبٍ سُبْحَانَكَ إِذَا دُعِيتَ أَجَبْتَ

وَنَسْأَلُكَ بِالسَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ صَفْوَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَمُنْتَهَى الْعِزِّ

مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ أَنْ لَا تَسُدَّ دُونِي بِخَطِيئَتِي

وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَاذْكُرْنِي يَا رَبِّ بِرِضَاكَ وَلَا تَنْسَنِي
تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكَرَامَتِكَ يَا ذَا
الْعَفْوِ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي فَإِنِّي بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ
مِنْ عَذَابِكَ لَا أَثِقُ بِعَمَلِي وَلَكِنِّي أَثِقُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
اللَّهُمَّ كُنْ بِي حَفِيًّا وَلَا تَجْعَلْنِي بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا امْنُنْ عَلَيَّ
بِعَافِيَتِكَ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَإِنِّي لَا أَسْتَغِيثُ بِغَيْرِكَ وَأَسْتَجِيرُ بِكَ
فَأَجِرْنِي مِنْ كُلِّ هَوْلٍ وَمَشَقَّةٍ وَخَوْفٍ وَآمِنْ خَوْفِي وَشَجِّعْ جُبْنِي وَ
قَوِّ ضَعْفِي وَسُدَّ فَاقَتِي وَأَصْلِحْ لِي جَمِيعَ أُمُورِي يَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ
مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَمِنْ شِدَّةِ الْمَوْقِفِ يَوْمَ الدِّينِ فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا
يُجَارُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ لَا تُعْرِضْ عَنِّي حِينَ أَدْعُوكَ
وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ إِذَا سَأَلْتُكَ فَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ وَأَعْطِنِي
مَسْأَلَتِي وَآمِنْ خَوْفِي يَوْمَ أَلْقَاكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِذْنِي
فَإِنِّي ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ بَائِسٌ فَقِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ

اكْشِفْ ضُرَّ مَا اسْتَعَذْتُ بِكَ مِنْهُ وَأَلْبِسْنِي رَحْمَتَكَ وَجَلِّلْنِي
عَافِيَتَكَ وَآمِنِّي بِرَحْمَتِكَ فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضِيقِهِ
وَعَذَابِهِ وَمِنْ هَوْلِ مَا أَتَخَوَّفُ بَعْدُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا
رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
صَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي وَتُعْطِيَنِي
سُؤْلِي وَاكْفِنِي أَمْرَ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ وَارْحَمْ فَاقَتِي وَاغْفِرْ ذُنُوبِي
مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي صِلَةَ قَرَابَتِي وَحَجًّا
مَقْبُولًا وَعَمَلًا صَالِحًا مَبْرُورًا وَأَرْضِهِ مِمَّنْ عَمِلَ بِهِ وَأَصْلِحْ لِي
وُلْدِي وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي عَقِبًا صَالِحًا تُلْحِقُنِي مِنْ دُعَائِهِمْ
مَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا وَزِيَادَةً فِي كَرَامَتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَكُلَّمَا كَانَ فِي قَلْب

مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ
از شکی یا شبهه یا انکاری یا نومیدی یا شادی یا نازشی یا بطری

فَخْرٍ اَوْ خُيَلاۤءَ اَوْ جُبْنٍ اَوْ خِفَّةٍ اَوْ رِيآءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ
یا افتخاری یا کبری یا بددلی یا ترسی یا ریائی یا آوازه یا بدبختی

نِفاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَىْءٍ مِمّا لا تُحِبُّ عَلَيْهِ
یا نفاقی یا کفرانی یا فسقی یا عصیانی یا بزرگی یا چیزی آنچه دوست نداری

اَوْلِيآءَكَ فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَنْزِعَ ذٰلِكَ مِنْ قَلْبى وَاَنْ
بر آن دوستان تو را پس درخواست میکنم از تو بحق محمد و آل محمد که دور گردانی آنرا از دل من و آنکه

تُبَدِّلَنى مَكانَهُ اِيماناً وَعَدْلاً وَرِضاً بِقَضاۤئِكَ وَوَفاۤءً بِعَهْدِكَ
بدل کنی مرا بجای آن ایمانی و عدالتی و خشنودی بحکم تو و وفا کردن بعهد تو

وَوَجَلاً وَزُهْداً فِى الدُّنْيا وَرَغْبَةً فيما عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَ
و ترسیدن و زهد در دنیا و رغبت در آنچه نزد تست و اعتماد بتو و

طُمَأْنينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً اِلَيْكَ نَصُوحاً يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ
آرامش بسوی تو و بازگشت بسوی تو بازگشتنی نیکو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خدایا

لَكَ الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنى وَلَمْ اَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَاَعِنّى عَلى اَهْوالِ الدُّنْيا
مر تراست ستایش چنانکه آفریدی مرا و نبودم من چیزی یاد کرده شده پس یاری ده مرا بر ترسهای دنیا

وَبَوائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَباتِ الزَّمانِ وَكُرُباتِ الْاٰخِرَةِ وَمُصيباتِ
و شوربختیهای روزگار و شیبهای دوران و سختیهای آخرت و مصیبتهای

اللَّيالى وَالْاَيّامِ وَاكْفِنى شَرَّ ما يَعْمَلُ الظّالِمُونَ فِى الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ
شبها و روزها و کفایت کن مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران در روی زمین خدایا

بارِكْ لى فى قَدَرِكَ وَرَضِّنى بِقَضاۤئِكَ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ مَسامِعَ قَلْبى
برکت ده برای من در اندازه نمودنهایت و خشنودی ده مرا بحکمت خدایا بگشای گوشهای دل مرا

لِذِكْرِكَ وَارْزُقْنى شُكْراً وَتَوْفيقاً وَعِبادَةً وَخَشْيَةً يا رَبِّ
بیاد خود و روزی کن مرا سپاس و توفیق و عبادت و ترسناکی ای پروردگار

الْعالَمينَ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اطَّلِعْ عَلَىَّ الْيَوْمَ اطِّلاعَةً
جهانیان ای پروردگار ای پروردگار خدایا مطلع شو بر من امروز اطلاع شدنی که

تُدْخِلُنى بِهَا الْجَنَّةَ اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ دُعاۤئى وَاقْبَلْهُ مِنّى وَاجْعَلْهُ
در آوری مرا بسبب آن بهشت خدایا اجابت کن دعای مرا و بپذیر او را از من و گردان او را

دُعاۤءً جامِعاً يُوافِقُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَاِنَّ كُلَّ شَىْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدارٍ
خواندنی جامع که موافقت کند پاره از آن پاره از آن را پس بدرستیکه هر چیزی نزد تو باندازه

اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ مِنْ شَأْنِكَ فَاِنَّكَ كُلَّ يَوْمٍ فى شَأْنٍ اَللّٰهُمَّ وَاكْتُبْهُ
خدایا بگردان او را از شان خود پس بدرستیکه تو هر روز در شانی هستی خدایا و بنویس آنرا

فى عِلِّيّينَ فى كِتابٍ لا يُمْحى وَلا يُبَدَّلُ بِاَنْ تَقُولَ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدى
در دیوان نیکان در کتابی که محو نمیشود و تغییر داده نمیشود باینکه بگوئی بتحقیق که آمرزیدم برای بنده ام

ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَاَخَّرَ وَاسْتَجَبْتُ لَهُ دَعْوَتَهُ وَوَفَّقْتُهُ
آنچه پیش رفته از گناه او و آنچه بعد است و مستجاب کردم برای او دعای او را و توفیق دادم او را

وَاصْطَفَيْتُهُ لِنَفْسى وَكَرَّمْتُهُ وَفَضَّلْتُهُ وَعَصَمْتُهُ وَهَدَيْتُهُ
و برگزیدم من او را برای خودم و بزرگ نمودم او را و افزونی دادم او را و نگاهداشتم او را و راه نمودم او را

وَزَكَّيْتُهُ وَاَصْلَحْتُهُ وَاسْتَخْلَصْتُهُ وَغَفَرْتُ لَهُ وَعَفَوْتُ عَنْهُ
و پاکیزه نمودم و اصلاح نمودم او را و خالص گردانیدم او را و آمرزیدم برای او و گذشتم من از او

آمينَ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَتَوَجَّهُ بِنَبِيِّكَ نَبِىِّ الرَّحْمَةِ
آمین ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خدایا بدرستیکه من رو میآورم به پیغمبر تو پیغمبر رحمت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فى خَلاصى وَخَلاصِ والِدَىَّ وَما
محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او در خلاص من و پدر و مادر من و آنچه

وَلَدا وَاَهْلى وَوُلْدى وَجَميعِ ذُرِّيَّةِ اَبى وَاِخْوانى فيكَ وَجَميعِ
زاییده اند و اهل من و فرزندانم و همه فرزندان پدرم و برادرانم در دین تو و همه

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَكُلِّ وَلَدٍ لى دَخَلَ فِى الْاِسْلامِ مِنْ اَهْوالِ
گروندگان و زنان گرونده و هر فرزندی که مراست داخل در اسلام از ترسهای

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمِنْ شَرِّ عَذابِ الْقَبْرِ وَمِنْ هُمُومِ الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ
روز قیامت و از بدی عذاب گور و از غمهای دنیا و آخرت

وَاَهْوالِها وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنى خَيْرَها وَتَصْرِفَ عَنّى شَرَّها [illegible]
و ترسهای آن و سؤال میکنم از تو که روزی کنی مرا خوبی آنها و برگردانی از من بدی آنها را

بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ
بگفتار پایدار در زندگی دنیا و آخرت بدرستیکه مهربان بخشنده

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و درودی بسیار و بس است ما را خدا نیکو وکیل است

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ
ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خدایا من سؤال میکنم از تو اینکه بازگردانی از من بدی هر

جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ
ستمکار بدکار و دیو رانده شده و بدی هر ناتوان از آفریدگانت و

شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَالْخَاصَّةِ وَ
توانا و از بدی هر صاحب سم و هر دیو و دیوانه و همه خاص و

الْعَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ اَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
عام و از بدی هر جنبنده کوچک یا بزرگ در شب و روز

وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّكَ عَلٰى
و از بدی فاسقان عرب و عجم و از بدی فاسقان جن و آدمی بدرستیکه تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى
بر هر چیز توانائی و نیست گردش و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ و رحمت

اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ مَخْلُوقٍ دَعَا اِلٰى خَيْرِ مَعْبُودٍ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا
فرستد خدا بر محمد و آل او بهترین آفریدگان که خواند بسوی بهترین پرستیده شده خدایا پروردگارا

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ
و بیاور ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب آتش

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ وَمَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ اَوْ عَمَلٍ صَالِحٍ سَأَلْتُكَ
ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خدایا و آنچه باشد از خیر یا کردار شایسته سؤال کردم

بِهِ وَاَكُونُ فِي رِضْوَانِكَ وَعَافِيَتِكَ وَمَا صَلُحَ مِنْ ذٰلِكَ مِنَ
از تو آن را و باشم در خشنودی تو و عافیت تو و آنچه شایسته باشد از این از

الْبِرِّ فَامْنُنْ عَلَيَّ اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ اَللّٰهُمَّ مَا
نیکی پس منت گذار بر من بدرستیکه من بسوی تو میل کننده ام و بتو پناه آورنده ام خدایا آنچه

اسْتَعْفَيْتُكَ مِنْهُ وَمَا لَمْ اَسْتَعْفِكَ مِنْهُ وَتُوجِبُ عَلَيَّ بِهِ
طلب عافیت کردم از او و آنچه طلب عفو نکردم تو را از او و موجب شده بر من باو

النَّارَ وَسَخَطَكَ فَعَافِنِي مِنْهُ وَمَا عُذْتُ مِنَ الْخِزْيِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
آتش و سخط تو را پس عافیت ده مرا از او و آنچه پناه گرفتم از خواریهای روز قیامت

وَسُوءَ الْمُطَّلَعِ اِلٰى مَا فِي الْقُبُورِ فَاَعِذْنِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ وَمَا اَنْدَمُ
و بدی نگریستن بسوی آنچه در گورهاست پس پناه ده مرا از او خدایا و آنچه پشیمانم

عَلَيْهِ مِنْ فِعْلٍ لِي لَهُ وَاُجَازَى عَلَيْهِ يَوْمَ الْمَعَادِ اَوْ تَزْرِي بِي فِي
بر او از کردنم مر او را و جزا داده شوم بر او روز قیامت یا بی‌عیبی کنی مرا در

الدُّنْيَا عَلَى الْحَالِ الَّتِي تُورِثُ سَخَطَكَ فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
دنیا بر حالتی که سبب شود خشم ترا پس درخواست میکنم ترا بذات بزرگوارت

اَنْ تُعْظِمَ عَافِيَتِي مِنْ جَمِيعِ ذٰلِكَ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ يَا رَبِّ يَا
که بزرگی کنی عافیت مرا از همه اینها ای متولی عافیت ای پروردگار

رَبِّ يَا رَبِّ وَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ مَعَ ذٰلِكَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَهْدِ
ای پروردگار ای پروردگار سؤال میکنم از تو ای پروردگار با این عافیت از شدت

الْبَلَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَاَنْ لَا تُحَمِّلَنِي مَا لَا
بلا و بدی قضا و شادکامی اعدا و اینکه بار نکنی بر من آنچه نباشد

طَاقَةَ لِي بِهِ وَاَنْ تُسَلِّطَ عَلَيَّ ظَالِمًا اَوْ تَبْتَلِيَنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي
توانائی برای من بآن و اینکه مسلط کنی بر من ستمکاری را یا مبتلا گردانی مرا بآنچه نباشد طاقتی برای من

وَتُنَاقِشَنِي الْحِسَابَ يَوْمَ الْحِسَابِ مُنَاقَشَةً بِمَا وَفِي اَحْوَجِ مَا اَكُونُ
و مناقشه کنی مرا در حساب روز محاسبه مناقشه کردنی ببدیهای من که حتمی

اِلٰى عَفْوِكَ وَتَجَاوُزِكَ اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تُعْظِمَ عَافِيَتِي
بسوی گذشت تو و درگذشت تو سؤال میکنم از تو بذات بزرگوارت که بزرگی کنی عافیت مرا

فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ اَيْ مَنْ عَفٰى عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَا
در همه اینها ای متولی عافیت ای آنکه گذشت نمودی از بدیها و مکافات

زِ بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ نَفْسِي
نکردی آن رحم کن بنده خود را ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار الخدا الخدا نفس مرا

نفسی

نفسي ارحم عبدك يا سيّداه عبدك بين يديك يا ربّاه يا ربّاه

يا ربّاه يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروق عبده

يا سيّداه يا مالك عبده يا سيّداه يا مالكاه يا هو يا ربّاه

لا حيلة لي ولا غنى بي عن نفسي ولا أستطيع لها ضرّاً ولا نفعاً

ولا رجاء لي ولا أجد أحداً أصانعه تقطّعت أسباب

الخدائع واضمحلّ عنّي كلّ باطل أفردني الدهر إليك فقمت

هذا المقام إلهي بعلمك فكيفما أنت صانع بي ليت شعري

لا أشعر كيف تقول لدعائي أتقول نعم أم تقول لا فإن قلت

لا فيا ويلتاه يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه

يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلّاه يا ذلّاه

يا ذلّاه إلى من وإلى عند من أو كيف أو بماذا أو إلى أيّ شيء

ومن أرجو ومن يعود عليّ إن رفضتني يا واسع المغفرة وإن

قلت نعم كما الظنّ بك فطوبى لي أنا السعيد وطوبى لي أنا المرحوم

يا مترحّماً يا مترئّفاً يا متعطّفاً يا محيي يا متملّك يا متسلّط

لا عمل لي أرجو به نجاح حاجتي ولا أحد أنفع لي منك يا من عرّفني

نفسه يا من أمرني بطاعته يا مدعوّاً يا مسؤولاً يا مطلوب

إليه رفضت وصيّتك التي أوصيتني ولو أطعتك لكفيتني

ما قمت إليك فيه من قبل أن أقوم وأنا مع معصيتي لك راج

فلا تحل بيني وبين ما رجوته واردد يديّ ملأى من خيرك

بحقّك يا سيّدي أنا من قد عرفت شرّ عبيد وأنت خير ربّ

يا مخشيّ الانتقام يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا الله

يا محيط بملكوت السموات والأرض أصلحني لدنياي وأصلحني

لديني وأصلحني لآخرتي وأصلحني لأهلي وأصلحني لولدي

وأصلح لي ما خوّلتني وأصلحني من خطاياي يا حنّان يا منّان

تفضّل عليّ يا رحمن برحمتك وامنن عليّ بإجابتك وصلّ

اللهم على محمد النبي وأهله وسلّم وحل بيني وبين ما خلقتني له و

بن اهل بيت محمد من الباطل وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

حسنة يا ارحم الراحمين. بسم الله الرحمن الرحيم

الهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو

الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما

في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم

وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه

السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم الم

الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الارحام

كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا اننا

آمنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين و

الصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط

لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام

لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيامة لا ريب فيه ومن

اصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق

كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي

اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين قل

يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك

السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله

ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه

لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله

الا هو سبحانه عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم

عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف

رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت

وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت

انه لا اله الا الذي آمنت به بنو اسرائيل وانا من

الْمُسْلِمِينَ فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ

وَأَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا

هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

أَنَا فَاتَّقُونِ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا

إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ

أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ

وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا

نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ

الْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ

لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا

إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ

الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ

رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ذَٰلِكُمُ

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ

آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ

لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ

لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما
يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى
يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الله لا
اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق والمغرب
لا اله الا هو فاتخذه وكيلا يكرر عشر وانه لكتاب عزيز
لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم
حميد يكرر عشر آمنا بالله وما انزل الينا وما انزل الى
ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي
موسى وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم لا نفرق بين
احد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والارض
لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذي
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد

جاءت رسل ربنا بالحق صلى الله عليهم اجمعين يكرر
السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا نبي الله السلام
عليك يا خيرة الله من خلقه وامينه على وحيه السلام
عليك يا مولاي يا امير المؤمنين انت حجة الله على خلقه
وامينه على وحيه وباب علمه ووصي نبيه والخليفة من
بعده في امته لعن الله امة غصبتك حقك وقعدت
مقعدك انا برئ منهم ومن شيعتهم اليك السلام عليك
يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين السلام
عليك يا بنت رسول الله رب العالمين صلى الله عليك
وعليه السلام عليك يا ام السبطين الحسن والحسين
لعن الله امة غصبتك حقك ومنعتك وجعل الله
لك حقا لا انا برئ الى الله منهم ومن شيعتهم السلام
عليك يا مولاي يا ابا محمد الحسن الزكي لعن الله امة قتلتك و

وَبايَعَتْ فِي اَمْرِكَ وَتابَعَتْ اَنَا بَرِيءٌ اِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيَعِهِمْ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَواتُ

اللهِ عَلَيْكَ وَعَلى اَبيكَ وَعَلى جَدِّكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وَآلِهِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ

وَاسْتَباحَتْ حَرِيمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اَشْياعَهُمْ وَاَتْباعَهُمْ وَلَعَنَ

اللهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ اَنَا بَرِيءٌ اِلَى اللهِ وَ

اِلَيْكَ مِنْهُمْ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا مَوْلايَ يا اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ

يا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ

يا اَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبَا الْحَسَنِ

عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبَا الْقاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَّى اللهُ

عَلَيْكَ وَعَلى عِتْرَتِكَ الطّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ يا مَوالِيَّ كُونُوا شُفَعائي

عِنْدَ اللهِ فِي حَطِّ وِزْري وَخَطاياىَ آمَنْتُ بِاللهِ وَبِما اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَاَتَوالى

آخِرَكُمْ بِما اَتَوالى اَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَاللاّتِ

وَالْعُزّى يا مَوالِيَّ اَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ وَ

عَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ اِلى يَوْمِ الْقِيمَةِ وَلَعَنَ

ظالِمِيكُمْ وَغاصِبِيكُمْ وَلَعَنَ اللهُ اَشْياعَهُمْ وَاَتْباعَهُمْ وَ

اَهْلَ مَذْهَبِهِمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ اَللّهُمَّ اِنّي

اُشْهِدُكَ وَكَفى بِكَ شَهيداً وَاَشْهَدُ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وَآلِهِ وَعَلِيّاً وَالْاَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِما وَالثَّمانِيَةَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ

وَالْاَرْبَعَةَ الْاَمْلاكَ خَزَنَةَ عِلْمِكَ اَنّي بَرِيءٌ مِنْ اَعْدائِهِمْ

فَعَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الصَّلوةُ

وَالسَّلامُ اَللّهُمَّ اَقِرَّ عَيْني بِصَلوتِهِ وَصَلوةِ اَهْلِ بَيْتِهِ

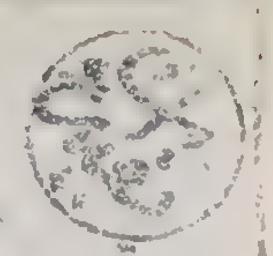
وَاجعَلْ ما هَدَيتَني إلَيهِ مِنَ الحَقِّ وَالمَعرِفَةِ بِهِ مُستَقَرّاً لا
مُستَودَعاً يا أرحَمَ الرّاحِمينَ اللّهُمَّ وَعَرِّفني نَفسَكَ وَعَرِّفني
رُسُلَكَ وَعَرِّفني مَلائِكَتَكَ وَعَرِّفني وُلاةَ أمرِكَ اللّهُمَّ
إنّي لا آخُذُ إلّا ما أعطَيتَ وَلا أُوقى إلّا ما وَقَيتَ اللّهُمَّ لا
تَحرِمني مَنازِلَ أولِيائِكَ وَلا تُزِغ قَلبي بَعدَ إذ هَدَيتَني
وَهَب لي مِن لَدُنكَ رَحمَةً إنَّكَ أنتَ الوَهّابُ وَهَيِّئ لي مِن
أمري رَشَداً اللّهُمَّ وَعَلِّمني باطِنَ التَّنزيلِ وَخَلِّصني مِنَ الآثامِ
اللّهُمَّ وَخَلِّصني مِنَ الشَّيطانِ وَحِزبِهِ وَمِنَ السُّلطانِ وَ
جُندِهِ وَمِنَ الجِنِّ وَالإنسِ وَأنصارِهِ بِحَقِّ المَحمودِ وَبِعَليٍّ المَقصودِ
وَبِحَقِّ شَبَّرَ وَشَبيرَ وَبِحَقِّ أسمائِكَ الحُسنى صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ أفضَلَ
الصَّلوةِ إنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ وَأنتَ بِكُلِّ شَيءٍ مُحيطٌ يا رَبِّ
يا رَبِّ يا رَبِّ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا
سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا مَولاهُ يا مَولاهُ يا مَولاهُ يا

يا عِمادَ مَن لا عِمادَ لَهُ يا سَنَدَ مَن لا سَنَدَ لَهُ يا ذُخرَ مَن لا ذُخرَ
لَهُ أنتَ رَبّي وَأنا عَبدُكَ عَلى عَهدِكَ وَوَعدِكَ اللّهُمَّ اجعَلهُ
مَوقِفاً مَحموداً وَلا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِنّا وَأشرِكنا في صالِحِ
دُعاءِ مَن دَعاكَ في يَومي وَعَرَفاتٍ وَمُزدَلِفَةٍ وَعِندَ قَبرِ نَبِيِّكَ
عَلَيهِ السَّلامُ وَعِندَ زَمزَمَ وَالمَقامِ اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ حَيثُ
رَفَعتَ أقدارَنا عَن شَدِّ الزَّنانيرِ فِي الأوساطِ وَالخَواتيمِ فِي
الأعناقِ وَلَكَ الحَمدُ حَيثُ لَم تَجعَلنا زَنادِقَةً مُضِلّينَ وَلا
مُدَّعِيَةً شاكّينَ مُرتابينَ وَلا مُعارِضينَ وَلا عَن أهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ
نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ مُنحَرِفينَ اللّهُمَّ كَما بَلَّغتَنا هذَا اليَومَ
المُبارَكَ مِن شَهرِنا هذا وَسَنَتِنا هذِهِ المُبارَكَةِ فَبَلِّغنا آخِرَها
في عافِيَةٍ وَبَلِّغنا أعواماً كَثيرَةً بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ
يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا
رَبّاهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا مَولاهُ يا مَولاهُ يا

مَوْلايَ يا اَللّٰهُ وَما قَسَمْتَ لي في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي هٰذَا الْيَوْمِ
وَفي هٰذَا الشَّهْرِ وَفي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ اَوْ بَرَكَةٍ اَوْ عافِيَةٍ
اَوْ مَغْفِرَةٍ اَوْ رَحْمَةٍ اَوْ رَأْفَةٍ اَوْ عِتْقٍ مِنَ النّارِ اَوْ رِزْقٍ واسِعٍ
حَلالٍ طَيِّبٍ اَوْ تَوْبَةٍ نَصُوحٍ فَاجْعَلْ لَنا في ذٰلِكَ اَوْفَرَ النَّصيبِ وَ
اَجْزَلَ الْحَظِّ اَللّٰهُمَّ وَما اَنْزَلْتَ في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي هٰذَا
الْيَوْمِ وَفي هٰذَا الشَّهْرِ وَفي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ حَرْقٍ اَوْ شَرْقٍ
اَوْ غَرْقٍ اَوْ هَدْمٍ اَوْ رَدْمٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ قَذْفٍ اَوْ رَجْفٍ اَوْ مَسْخٍ
اَوْ صَيْحَةٍ اَوْ زَلْزَلَةٍ اَوْ فِتْنَةٍ اَوْ صاعِقَةٍ اَوْ بَرَدٍ اَوْ جُنُونٍ
اَوْ بَرَصٍ اَوْ جُذامٍ اَوْ اَكْلِ سَبُعٍ اَوْ مِيتَةِ سُوءٍ وَجَميعِ اَنْواعِ الْبَلاءِ
فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ فَاصْرِفْهُ عَنّا كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّىٰ شِئْتَ وَ
عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَفي كُلِّ دارٍ وَمَنْزِلٍ في شَرْقِ الْاَرْضِ وَ
غَرْبِها عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلٰهَ غَيْرُكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ
لَكَ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ رَبَّ

كُلِّ شَيْءٍ وَمَليكَهُ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ
لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اَشْهَدُ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَاَنَّ النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَةَ اٰتِيَةٌ لا رَيْبَ
فيها وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ عَلَيْها اَحْيىٰ وَعَلَيْها اَمُوتُ وَعَلَيْها اُبْعَثُ
حَيّاً اِنْ شاءَ اللّٰهُ رَضيتُ بِاللّٰهِ رَبّاً وَبِالْاِسْلامِ ديناً وَبِمُحَمَّدٍ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ وَلِيّاً وَبِالْقُرْاٰنِ كِتاباً
وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِاِبْرٰهيمَ عَلَيْهِ السَّلامُ لِنَبِيِّنا اَباً وَ
بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ نَبِيّاً وَبِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ
اللّٰهِ عَلَيْهِ لِلْحَقِّ مُوَضِّحاً وَلِلْجَنَّةِ وَالنّارِ قاسِماً وَبِالْمُؤْمِنينَ
مِنْ شيعَتِهِ اِخْواناً لا اُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئاً وَلا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ
وَلِيّاً وَلا اَدْعُو مَعَهُ اِلٰهاً لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ
لَهُ اِلٰهاً واحِداً اَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً

اللهم إني أسألك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك
والمخزون من أسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد
العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك
لا شريك لك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن ترحم هذه
النفس الجزوع وهذا البدن الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك
فكيف حر نارك إن تعافني لا يزيد في ملكك شيء وإن تعف
عني لا ينقص من ملكك شيء أنت يا رب بخلقك أرحم و
بعبادك أعلم وبسلطانك أقدم وبملكك ... وبعفوك
أكرم وعلى عبادك أنعم لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين
ولا ينقص منه معصية العاصين واعف عني يا أكرم الأكرمين
ويا أرحم الراحمين ألوذ بعزتك وأستظل بفنائك وأستجير
بقدرتك وأستغيث برحمتك وأعتصم بحبلك ولا أثق
إلا بك ولا ألجأ إلا إليك يا أعظم الرجاء يا كاشف



البلاء ويا أحق من تجاوز وعفا اللهم إن ظلمي مستجير
بعفوك وخوفي مستجير بأمانك وفقري مستجير بغناك
ووجهي البالي الفاني مستجير بوجهك الدائم الباقي الذي
لا يفنى ولا يزول يا من لا يشغله شأن عن شأن لا تجعل
مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا ولا تسلط
علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وبإحسانك على
إساءتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا وأعذنا
من الأذى والعنت والضر وسوء القضاء وشماتة الأعداء
وسوء المنظر في المال والدين والأهل والولد وعند
معاينة ملك الموت اللهم يا رب نشكو غيبة نبينا عنا
وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة الزمان علينا ووقوع
الفتن بنا وتظاهر الخلق علينا اللهم صل على محمد وآل
محمد وافرج ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق تظهره

اللّهُمَّ وَابْعَثْ بِنا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلنَّصْرِ
بار خدایا و برانگیز بقائم آل محمد رحمت خدا بر او و آلش برای یاری
لِدِينِكَ وَإِظْهارِ حُجَّتِكَ وَالْقِيامِ بِأَمْرِكَ وَتَطْهِيرِ أَرْضِكَ مِنْ
کردن دین خود را و اظهار حجت تو و ایستاده بامر تو و پاکیزه زمین تو از
أَرْجاسِها بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ اللّهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
نجاستهایش برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو
أَنْ أُوالِيَ لَكَ عَدُوّاً أَوْ أُعادِيَ لَكَ وَلِيّاً أَوْ أَسْخَطَ لَكَ رِضًى أَوْ
که دوست دارم مر ترا دشمن یا دشمن دارم مر ترا دوست یا بد آید مرا خوشنودی تو یا
أَرْضى لَكَ سَخَطاً أَوْ أَقُولَ لِحَقٍّ هذا باطِلٌ أَوْ أَقُولَ لِباطِلٍ هذا
پسندم مر ترا خشم یا گویم مر حق را این باطل است یا گویم مر باطل را این
حَقٌّ أَوْ أَقُولَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلاً
حق است یا گویم مر آنانرا که کافر شدند اینگروه راه یافته ترند از آنانکه ایمان دارند براه
اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بده ما را در دنیا نیکی و در
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ وسابقا مذکور شد که عمل استفتاح را نیز در این روز بعمل آورد و مستحب
آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش

فصل در بیان اعمال شب و روز عید قربان و روزش و ایام تشریق یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدان که شب عید اضحی از جمله چهار شبی است که احیای آنها مؤکد است و منقول است که در این شب درهای آسمان باز میشود برای آنکه صدای دعای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمانها بپیچد مانند صدای مگس عسل و رحمان کند و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شمائید بندگان من و حق مرا از کرم بر من لازم است که دعاهای شما را مستجاب کردانم پس هر که میخواهم آمرزش است همه گناهان او را بیامرزم و هر که منفی نیست گناهانش را کم میکنم پس هر که با ایشان در دعا و عبادت شریک شده باشد در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل روز با حضرت امام حسین علیه السلام در این شب سنت است و منقول است که هر که آن حضرت را در این شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اما اعمال روز عید

در آن سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند بهتر آنستکه پیش از نماز روز عید غسل کند و نماز عید بنابر مشهور در زمان غیبت امام سنت مؤکد است و بجماعت و فرادی واجب نیست بشرائط مقرره و نمازش همان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید در اینجا مذکور شد و دعاهای پیش از نماز و بعد از آن وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها را ندارد و بهترین دعاها دعای چهل و هشتم دعای صحیفه کامله است که اولش اینست اللّهُمَّ هذا يَوْمٌ مُبارَكٌ و اگر دعای چهل و ششم که اولش يا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لا يَرْحَمُهُ الْعِبادُ است نیز بخوانند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ قدیمه صحیفه کامله استحباب خواندن این دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاهاست در این روز و سایر اعیاد سنت خواندن چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور خواهد شد و سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود و از جمله احکام این عید قربانی است و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که اضحیه واجبست بر هر که مستطیع و ایضا فرمود که البته از برای خود بکن و از برای عیال خود میخواهی بکن و میخواهی نکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول ص منقولست که بآنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بخرم حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض ادا کرده میشود بهتر آنستکه در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتوان کشت و اگر در منی باشد در روز سیزدهم نیز میتواند کشت و بهتر آنستکه در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروهست قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و میباید که شتر یا گاو یا گوسفند یا بز باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد و اگر شتر باشد میباید که پنجسال تمام داشته باشد یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد میباید که یکسال تمام باشد و داخل در سال دوم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است و میباید که نقص در اعضا نبوده باشد و کور یکچشم و لوچ و چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر او دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده و جدا نشده باشد

باکی نیست و اگر شتر نباشد بهتر است و باید که مغز شاخش شکسته باشد و اگر
پوستش نیز شکسته باشد بهتر است و بهتر آنستکه بچار و بپا پیر نبوده باشد
سنت استکه فربه باشد و باید که بپا لاغر نبوده باشد که پیه بر گرده اش نباشد
و باید که خصی نبوده باشد یعنی خصیه اش را نبریده باشند و مکروهست اگر خصیه اش
را مالیده باشند و اگر غیر از خصی هم نرسد خصی را میتوان قربانی کرد و سنت است
که قربانی اگر شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت است
که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد و مددی بکند و طریق
کشتن آنستکه اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه در گودال پایین
گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجبست که رو بقبله بدارد
او را و نام خدا ببرد و سنت استکه او را ایستاده بدارد رو بقبله و هر دو دستش را
از سرها تا زانو بر پیمان یا ریسمان ببندد یکدیگر بپیچد و آنکه نحر میکند در جانب راست
شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز باشد باید که چهار
رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم است و رگی
که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف آن میرود و اگر اینها را نحر کند
حرام میشود و سنت استکه دعا بخواند در وقت کشتن چنانکه بسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که چون قربانی را بخری روی او را بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح
بگو وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ
وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس نحر یا ذبح کند و بگوید
اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و فرمود که تا نمیرد سرش را جدا مکن و چون پوست بکند سنت است
که یک حصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر آنستکه خود با اهل خانه بخورند و یک حصه را
برای همسایگان بدهد یا بفرستد و اگر پریشان باشند بهتر است و یک حصه را بفقرا و سؤال
کنندگان بدهد و اگر اکثر را تصدق کنند ثوابش بیشتر باشد و سنت است که پوست و
کله و جمیع اعضا را تصدق کند و تصرف نکند و بقصاب ندهد مگر آنکه
قصاب پریشان باشد بقصد تصدق باو بدهد و در حدیث صحیح وارد شده استکه پوستش را
میتواند دباغی کند و بر روی آن نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند یافت نشود سنت

استکه قیمتش را بطلبد و تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال خود بکشد کافیست
و اگر یکی از برای خود و یکی از برای عیال خود بکشد بهتر است اگر بعدد عیال بکشد ثوابش
بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن
خوب است و اگر از برای حضرت رسول و ائمه قربانی کند ظاهرا خوبست منقولست
که حضرت رسول دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و از
هر که قربانی کرده است از اهل بیت من و در دوم فرمودند خداوندا این از من و از هر
که قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیرالمؤمنین هر سال اول یک گوسفند
قربانی میکرد و میفرمود خداوندا این از پیغمبر تست پس یک گوسفند دیگر از برای
خود قربانی میکرد و میفرمود خداوندا قبول کن از من و اگر جمعی فقیر باشند که هر یک
قربانی جدا نتوانند بکنند جایز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر
و خدا فرموده استکه ذکر خدا بکنید در ایام معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده
و در احادیث معتبره وارد شده استکه مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که
در منی باشد در عقب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز
سیزدهم و در سایر شهرها عقب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم
و مشهور استحباب است و بعضی واجب دانسته اند و اولش بعد از نماز ظهر بودن است
و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر موافق
حدیث صحیح این است اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ
وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا هَدَانَا اللّٰهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
عَلَىٰ مَا أَبْلَانَا

فصل چهارم

در فضیلت و اعمال شب و روز عید غدیر
است و عید غدیر هیجدهم این ماه است و عظیم ترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه
و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصا است و در این مقام
بچند حدیث اکتفا مینمائیم بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که چون روز
قیامت شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینت تمام مانند عروسی
که او را بخانه داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید
غدیر و روز عید غدیر در میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و او
روزیست که خدا ابراهیم خلیل را از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت

برای شکر خدا و آن روزیست که خدا در آن روز کامل گردانید دین را بآنکه حضرت
رسول حضرت امیر المؤمنین را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن او را
ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشتن این روز را و این روز کامل شدن دین است
و روزیست که بینی شیطان بخاک مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان
و دوستان آل محمد در این روز مقبول میشود و این روزیست که خدا عملهای مخالفان
و دشمنان را باطل میکند مانند ذره‌ها که در میان هوا پراکنده میشود و این روزی
است که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را
در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او
جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان
امیر المؤمنین و ائمه طاهرین و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که
خدا امر میکند ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت
و شیعیان ایشان تا سه روز از روز عید غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را
برای کرامت محمد و علی و فاطمه و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا
مخصوص محمد و آل او و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست که خدا زیاده
گرداند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد بر عیال
خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیست
که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه ایشان را میآمرزد و عمل
ایشان را قبول میکند و این روزیست که خدا غمهای شیعیان را زایل میگرداند
و گناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش است و روز عطیه است و روز پهن
کردن علم است و روز بشارت است و روز عید بزرگ است و روزیست که دعاها
در آن مستجاب میگردد و روز موقف بزرگ است و روز پوشیدن جامه‌های نیکو است
و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر المؤمنین است و روزیست که بسیار
صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد و روز خوشنودی است و روز عید اهل
بیت محمد است و روز قبول اعمال است و روز طلب بلندی ثواب است و روز
استراحت مؤمنان است و روز سوداگری ایشان است و روز دوستی کردن شیعیان
است با یکدیگر و روز رسیدن برحمت خدا است و روز ترک کبائر و گناهان است

وصغایر

و روز عبادت است و روز افطار فرمودن روزه‌داران است پس هر که در این روز روزه
داری را افطار فرماید چنان است که ده فئام را اطعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار کس
است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر مؤمنی که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت
بگوید الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین و الائمة علیهم السلام
یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاوار است که گردانید ما را از آنها که چنگ زده‌اند در ولایت و
محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلام و این روز تبسم است در روی مؤمنان پس
هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر خدا نظر کند در روز قیامت
بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری
از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند و این روز زینت است پس هر که زینت
کند برای روز غدیر خدا بیامرزد از برای او هر گناهی که کرده است از صغیره و کبیره
و بفرستد خدا بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند برای
او درجات تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب
شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعام
دهد در این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان
را و هر که دیدن کند در این روز مؤمنی را داخل گرداند خدا در قبر او هفتاد نور
و قبرش را گشاده گرداند و روز زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک
و بشارت دهند او را ببهشت و روز غدیر خدا عرض کرد ولایت و امامت و محبت
اهل بیت را بر اهل آسمانهای هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار بآن اهل آسمان
هفتم پس زینت داد آن را بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند اهل آسمان چهارم پس
زینت داد آن را ببیت المعمور پس سبقت گرفتند باقرار اهل آسمان اول پس آن را زینت
بخشید بستارگان پس خدا عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار
بآن مکه معظمه پس زینت داد آن را بکعبه پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت داد آن را
بمصطفی پس سبقت کرد بآن شهر کوفه پس زینت داد آن را بقبر حضرت امیر المؤمنین
پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و
کوه فیروزه و کوه یاقوت و با نسبت بجواهرها دادند آنها همه رسید پس کوههای دیگر سبقت
گرفتند و با نسبت معدن طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند و هر یک که اقرار نکردند

معهذا هیچ چیز نکردند و باز روز غدیر عرض کرد ولایت را بر آسمانها و
قبول کردند شهرهای شام هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت را بر مرغان
پس مرغی که قبول کرد سخن گو و خوش آواز شد هر مرغی که قبول نکرد لال شد و آواز گرفته شد
مؤمنان در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین ع در روز غدیر مانند ملائکه‌اند که سبقت در قبول کردن
سجده حضرت آدم ع و مثل آنها که قبول ولایت آنحضرت را نکردند در روز غدیر مثل شیطان
است در قبول نکردن سجده آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد الیوم اکملت لکم دینکم و
اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا یعنی امروز کامل گردانیدم برای
شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس
حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز
نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا
مسلمانان را عیدی هست بغیر از جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که حرمتش
بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر
المؤمنین ع را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولا و آقای اویم علی مولا و آقا و پیشوای اوست
و آن روز هیجدهم ذی الحجه است راوی گفت که چه کار در آن روز باید کرد فرمود
که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید
و وصیت کرد رسول خدا امیر المؤمنین ع را که این روز را عید گردانند و هر پیغمبری وصی
خود را وصیت کرد که این روز را عید گردانند و بروایت دیگر فرمود که روزه روز عید
غدیر کفاره شصت ساله گناه است و بروایت دیگر منقولست که مفضل از حضرت صادق ع
پرسید که امر میکنی که روز غدیر را روزه بگیرم فرمود آری والله آری والله آری بدرستیکه
در این روز خدا توبه حضرت آدم را قبول کرد و بشکر آن این روز را روزه داشت و در این روز خدا
حضرت ابراهیم را از آتش نمرود نجات داد و بشکر آن این روز را روزه داشت و در این روز
موسی هرون را وصی خود گردانید و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و در این روز
حضرت عیسی وصی خود شمعون الصفا را ظاهر گردانید و این روز را بشکر
آن روزه داشت و در این روز حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را خلیفه و جانشین خود
گردانید و فضیلت و منقبت او را بر خلق ظاهر گردانید و این روز را بشکر این نعمتها
روزه داشت و این روز روزه داشتن و روز عبادت و روز طعام دادن و روز

نیکی کردن است با برادران مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میگردد و
بینی شیطان بر خاک مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت
روزی در خدمت حضرت امام رضا ع بودم و جماعتی بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز
غدیر مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرش روایت
کرده که روز غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی
قصری هست که یک خشت آن از طلاست و یک خشت از نقره و در آن قصر صد هزار قبه
است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش مشک و عنبر است و در
آنجا چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور
آن درختان است از انواع میوه‌ها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدنهاشان
از مروارید است و بالهای ایشان از یاقوت و با انواع نغمها خوانندگی میکنند چون روز عید
غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس و تهلیل
خدا میکنند و آن مرغان پرواز میکنند و در میان آب فرو میروند و بر آن مشک
و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع شدند پرواز میکنند و مشک و عنبر بر سر آنها میپاشند
و در این روز نثار حضرت فاطمه را که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی بر درختان طوبی
نثار کردند برای یکدیگر هدیه میفرستند چون آخر این روز میشود ندا از جانب حق تعالی
با ایشان میرسد که برگردید بسوی درجه‌ها و مرتبه‌های خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه
و خطا و لغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی پس حضرت فرمود که
ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین ع حاضر شوی بدرستیکه
خدا در این روز میآمرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و در این
روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب
فطر و یک درهم که در این روز ببرادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات
دیگر بدهی و احسان کن در این روز ببرادران مؤمن خود و شاد گردان هر مرد مؤمن و
زن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه
هر روز ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع در این روز فضیلت
بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوان و غیر آن زیارت کند
و دو رکعت نماز بایستی بجا آورند در رکعت اول سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى اَخي نَبِيِّكَ وَوَزيرِهِ

وَحَبيبِهِ وَخَليلِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَخِيَرَتِهِ مِنْ اُسْرَتِهِ وَ

وَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخالِصَتِهِ وَاَمينِهِ وَوَلِيِّهِ وَاَشْرَفِ

عِتْرَتِهِ الَّذينَ آمَنُوا بِهِ وَاَبي ذُرِّيَّتِهِ وَبابِ حِكْمَتِهِ وَالنّاطِقِ

بِحُجَّتِهِ وَالدّاعي اِلى شَريعَتِهِ وَالْماضي عَلى سُنَّتِهِ وَخَليفَتِهِ

عَلى اُمَّتِهِ سَيِّدِ الْمُسْلِمينَ وَاَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ

اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاَصْفِيائِكَ وَاَوْصِياءِ

اَنْبِيائِكَ اللّهُمَّ اِنّي اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ ما حُمِّلَ وَرَعى مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ

وَحَلَّلَ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَاَقامَ اَحْكامَكَ وَدَعا اِلى

سَبيلِكَ وَوالى اَوْلِياءَكَ وَعادى اَعْداءَكَ وَجاهَدَ

النّاكِثينَ عَنْ سَبيلِكَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ عَنْ اَمْرِكَ

صابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ لا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ

لائِمٍ حَتّى بَلَغَ في ذلِكَ الرِّضا وَسَلَّمَ اِلَيْكَ الْقَضاءَ وَعَبَدَكَ

ثابت کننده و برسید از آن خوشنودی و گردن نهاد قضا را و پرستید ترا

مُخْلِصاً وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِداً حَتّى اَتاهُ الْيَقينُ فَقَبَضْتَهُ اِلَيْكَ

با اخلاص و نصیحت کرد ترا جهد کننده تا آمد او را یقین پس گرفتی او را بسوی خود

شَهيداً سَعيداً وَلِيّاً تَقِيّاً رَضِيّاً زَكِيّاً هادِياً مَهْدِيّاً اللّهُمَّ

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيائِكَ

رحمت بر محمد و بر او بهترین آنچه فرستادی بر یکی از پیغمبران

وَاَصْفِيائِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

یا اَمينَ اللهِ في اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلى عِبادِهِ اَشْهَدُ لَقَدْ

ای امین خدا در زمین او و حجت او بر بندگانش گواهی میدهم

جاهَدْتَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ

جهاد کردی ای امیر المؤمنین در راه خدا سزاوار جهادش و عمل کردی بکتاب او

سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ اللهُ اِلى جِوارِهِ فَقَبَضَكَ

اِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ لَكَ ثَوابَهُ وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ الْحُجَّةَ في قَتْلِهِمْ اِيّاكَ

مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى جَميعِ خَلْقِهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ راضِيَةً بِقَضائِكَ

و بگردان نفس مرا آرمیده باندازه خود پسندیده بقضای تو

مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِيائِكَ مَحْبُوبَةً

حریص بیاد کردن تو و دعای تو دوست دارنده برگزیدگان دوستان خود

فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ صَابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ
در زمین تو و آسمان تو شکیبا نزد نازل شدن بلای تو سپاس گزار زیادتی

نَعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ
نعمتهای تو یاد آورنده نعمتهای تو مشتاق بسوی شادی ملاقات تو

مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً
توشه بردارنده پرهیزکاری برای روز جزای تو طریقه گیرنده بطریقه‌های دوستان تو مفارقت

لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ اللَّهُمَّ
خوهای دشمنان تو باز داشته از دنیا بحمد تو و ثنای تو بار خدایا

إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالِهَةٌ وَسُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ
بدرستیکه دلهای نیکوکاران بسوی تو حیران است و راههای رغبت کنندگان بسوی تو

شَارِعَةٌ وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْئِدَةَ الْعَارِفِينَ
هویداست نشانهای قصد کنندگان بسوی تو آشکار است و دلهای عارفان

مِنْكَ فَازِعَةٌ وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ
از تو ترسانست و آوازهای خوانندگان بسوی تو بالا رونده است و درهای اجابت

لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ
برای ایشان گشوده و دعوت کسیکه راز گوید ترا پذیرفته است و توبه کسیکه بازگشت بسوی تو

مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغَاثَةَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ
پذیرفته و سرشک دیده کسیکه گریست از ترس تو رحم کرده شده و فریادرسی مر کسیکه استغاثه کرد

بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ وَعِدَاتِكَ
بتو دریافت شده و اعانت مر کسیکه یاری جوید بتو بخشیده شده و وعده‌های

لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةٌ وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقَالَكَ مُقَالَةٌ وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ
تو بر بندگانت تمام شده و لغزشهای کسیکه گذشت خواهد ترا در گذرانیده شده و کردار کارکنان

لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقَ الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدَ
نزد تو نگاهداشته و روزیهای خلایق از نزد تو فرود آمده و بخششهای

الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجَ
افزونی بایشان رسیده و گناهان آمرزش خواهان آمرزیده شده و حاجتهای

خَلْقِكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوَائِدَ
خلق تو برآورده و جایزه‌های سائلان نزد تو تمام کرده شده و بخششهای

الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلَ الظِّمَاءِ
زیادتی پیاپی است و خوانهای طعام خواهان آماده است و چشمه‌های تشنگان

لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي
نزد تو لبالب است بار خدایا پس بپذیر دعای مرا و بپذیر ثنای مرا و جمع کن میان

وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي وَأَحِبَّائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَ
میان من و میان دوستان من و دوستان من بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و

الْحُسَيْنِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَ
حسین و امامان از فرزندان حسین بدرستیکه تو صاحب نعمتهای منی و

مُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ
نهایت آرزوهای من و نهایت امیدهای من در بازگشت من و جای من

و اگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و آنچه از دعا بخواند شاید بهتر باشد و شب عید غدیر شب با برکتیست و در این شب نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورند و نمازی در این شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم و اما فضیلت روزه داشتن و تصدق کردن و افطار روزه دار دادن در این روز در این ابواب احادیث بسیار است از جمله آنها این روایتست که حضرت صادق فرمود که روزه روز عید غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی تمام عمر دنیا عمر بیابد و روزه بدارد روزه این روز برابر است با ثواب او و روزه اش نزد خدا برابر است با صد حج و صد عمره و این عید بزرگ خدا است و خدا نفرستاده است پیغمبری را مگر آنکه این روز را عید کرده است و حرمتش را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود است و نامش در زمین روز میثاق ماخوذ است و جمع مشهود است و هر که در این روز افطار فرماید مؤمنی را ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد که هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی دارد که طعام دهد و آب دهد باین عدد که مذکور شد از پیغمبران و اوصیا ایشان و شهیدان و صالحان در حرم خدا و یکدرهم که در این روز تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند پس فرمود که شاید گمان کنی که خدا روزی را خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر باشد نه

والله نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای
حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید شریف و روز شادی شیعیان است و بسند معتبر از فیاض بن محمد
منقول است که گفت در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت امام رضا بودم و آنحضرت
در آن روز خصوصان خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاهداشته
بود که در شب افطار کنند و بخانه‌های ایشان طعام و زرها و خلعتها فرستاده
بود حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و با ایشان خلعتهای فاخر شفقت فرمود و ملازمان
و خدمتکاران خود را جامه‌های نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را بر
مردم نقل می فرمود از جمله آنها گفت که در بعضی از سالهای خلافت حضرت امیرالمؤمنین
روز جمعه با عید غدیر یکی شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت حضرت
بر منبر بالا رفت و خطبه طولانی خواند و فضایل روز غدیر را بسیار بیان فرمود و ثوابهای
بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانه‌های خود
و توسعه کنید بر عیال خود و احسان کنید و نیکی نسبت ببرادران مؤمن خود و در
خانه‌های خود برادران مؤمن را جمع کنید و نیکی کنید با ایشان و یکدیگر را تهنیت
و مبارکباد بگوئید نیکوئی کردن در این روز نعمت را زیاد میکند و مهربانی کردن
با یکدیگر موجب زیادتی رحمت الهی است تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال
خود و برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان
از شما دارد در باره او تفضل کنید و ضعیفان و فقیران و خدمتکاران و کنیزان را با
خود برابر کنید بدرستیکه دادن یک درهم در این روز برابر است با دویست هزار
درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا میکند و روزه این روز را حق تعالی سنت گردانیده است
و ثوابش را مانند ثواب کسی کرده که از اول دنیا تا آخر دنیا صبح کند با آن
که روزها روزه بدارد و شبها بعبادت باشد و کسیکه بر آورد حاجت برادر
مؤمنی را پیش از آن که او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان
باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر
که در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و
شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسیکه متکفل احوال چند
نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه شود و هرکه چنین کند من ضامنم برخدا که امان

یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید
غدیر آینده بمیرد بی‌آنکه کبیره بسیار بدی بکند البته آمرزیده است و هر که قرض بکند در
این روز برای برادران مؤمن خود من ضامنم بر خدا که اگر او زنده بدارد یا بمیرد ادای قرض
را از او متحمل شود و اندوه او بردارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه
و بنا بنهید یکدیگر را تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغائبان بگویند و توانگران
رعایت کنند فقیران را و قویان دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول مرا باین
امر فرمود و بدانکه غسل در اول این روز سنت مؤکد است اما کیفیت نماز روز
عید غدیر مشهورش آنستکه از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که در این روز
نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد یک
مرتبه و قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را
ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد خدا با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت
از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته باسانی بر آورده
شود و چون برادر مؤمن را ملاقات کنی بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَکْرَمَنَا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنَا
مِنَ الْمُؤْمِنِینَ بِعَهْدِهِ الَّذِی عَهِدَهُ اِلَیْنَا وَمِیثَاقِهِ الَّذِی وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةِ اَمْرِهِ
وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِینَ وَالْمُکَذِّبِینَ بِیَوْمِ الدِّینِ یعنی سپاس
خداوندی را سزاست که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمان
آورندگان و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما
و پیمانی که محکم کرده است بر ما که ولایت والیان امر امامانست و آنها که حکم
کنند بعدالت در میان خلق و نگردانید ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان
روز جزا و فرمود که بعد از نماز این دعا را بخواند

رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِی
پروردگارا ما شنیدیم ندا کننده که ندا کرد برای
لِلْاِیمَانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
ایمان که بگروید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم پروردگارا پس بیامرز ما را گناهان ما را
وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا
و دور گردان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوکاران پروردگارا و بده ما را آنچه وعده دادی
عَلٰی رُسُلِکَ وَلَا تُخْزِنَا یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ اَللّٰهُمَّ
بر زبان رسولان خود و خوار مکن ما را روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده خود را

إنّي أُشهدك وكفى بك شهيداً وأُشهد ملائكتك وأنبياءك
وحملة عرشك وسكّان سماواتك بأنّك أنت الله الذي
لا إله إلّا أنت المعبود فلا نعبد سواك فتعاليت عمّا
يقول الظالمون علوّاً كبيراً وأشهد أنّ محمّداً عبدك ورسولك
وأشهد أنّ أمير المؤمنين عبدك ومولانا ربّنا سمعنا وأجبنا
وصدّقنا المنادي رسولك صلّى الله عليه وآله إذ نادى
بنداءٍ عنك بالذي أمرته أن يبلّغ ما أنزلت إليه من ولاية
وليّ أمرك وحذّرته وأنذرته إن لم يبلّغ ما أمرته به أن
تسخط عليه ولمّا بلّغ رسالاتك عصمته من الناس
فنادى مبلّغاً عنك ألا من كنت مولاه فعليّ مولاه ومن
كنت وليّه فعليّ وليّه ومن كنت نبيّه فعليّ أميره ربّنا
فقد أجبنا داعيك النذير المنذر محمّداً عبدك ورسولك إلى الهادي
المهديّ عبدك الذي أنعمت عليه وجعلته مثلاً

لبني إسرائيل عليّ أمير المؤمنين ومولينا ووليّنا ربّنا
واتّبعنا مولينا ووليّنا وهادينا وداعينا وداعي الأنام
وصراطك المستقيم وحجّتك البيضاء وسبيلك الداعي
على بصيرة هو ومن اتّبعه وسبحان الله وتعالى عمّا يشركون
وأشهد أنّه الإمام الهادي الرشيد أمير المؤمنين الذي
ذكرته في كتابك وقولك الحقّ وإنّك قلت وإنّه في أُمّ
الكتاب لدينا لعليّ حكيم اللّهمّ فإنّا نشهد بأنّه عبدك
والهادي من بعد نبيّك النذير المنذر وصراطك المستقيم
وأمير المؤمنين وقائد الغرّ المحجّلين وحجّتك البالغة
ولسانك المعبّر عنك في خلقك وأنّه القائم بالقسط
في بريّتك وديّان دينك وخازن علمك وأمينك
المأمون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك صلّى الله عليهما وآلهما
من جميع خلقك وبريّتك شاهداً بالإخلاص لك والوحدانيّة

وَالرُّبُوبِيَّةِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ
و پروردگاری به اینکه توئی خدا نیست خدائی مگر تو و بدرستیکه محمد بنده تو است
وَرَسُولُكَ وَأَنَّ عَلِيّاً أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلْتَهُ وَلِيَّكَ وَالْإِقْرَارَ
و رسول تست و علی امیر مؤمنین است گردانیدی او را دوست خود و اقرار
بِوِلَايَتِهِ تَمَامَ تَوْحِيدِكَ وَكَمَالَ دِينِكَ وَتَمَامَ نِعْمَتِكَ
بولایت او تمام توحید تست و تمام کننده دین تو و تمام کننده نعمت تو
عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبَرِيَّتِكَ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الْيَوْمَ
بر جمیع خلق تو و آفریدگان تو پس گفتی تو و گفتار تو حق است که امروز
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
تمام کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت را و پسندیدم برای شما اسلام را
دِيناً فَلَكَ الْحَمْدُ بِمُوَالاتِهِ وَإِتْمَامِ نِعْمَتِكَ عَلَيْنَا بِالَّذِي جَدَّدْتَ
دینی پس تو راست حمد بدوستی او و تمام کردن انعام تو بر ما به آنچه تازه کردی
مِنْ عَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ وَذَكَّرْتَنَا ذَلِكَ وَجَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ
از عهد خود و پیمان خود و بیاد داری ما را این و گردانیدی ما را از اهل
الْإِخْلَاصِ وَالتَّصْدِيقِ بِمِيثَاقِكَ وَمِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ بِذَلِكَ
اخلاص و تصدیق به پیمانهای تو و از اهل وفا باین
وَلَمْ تَجْعَلْنَا مِنْ أَتْبَاعِ الْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُنْحَرِفِينَ وَ
و نگردانیدی ما را از پیروان تغییر دهندگان و بدل کنندگان و برگردانندگان
الْمُبَتِّكِينَ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَالْمُغَيِّرِينَ خَلْقَ اللهِ وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ
بُرَندگان گوشهای چهارپایان و تغییر دهندگان خلق خدا و از آنانکه دست یافت
عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
بر ایشان شیطان پس فراموش کرد ایشان را یاد خدا و باز داشت ایشان را از راه
وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ اللّٰهُمَّ الْعَنِ الْجَاحِدِينَ وَالنَّاكِثِينَ وَ
و راه راست خدایا لعنت کن منکران و شکنندگان را و
الْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ
تغییر دهندگان و بدل کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ اللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ عَلَيْنَا بِالْهُدَى الَّذِي
و پسینیان بار خدایا پس تو راست سپاس بر نعمتهای تو بر ما بهدایتی که
هَدَيْتَنَا بِهِ إِلَى وُلَاةِ أَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
هدایت کردی ما را بوالیان امر تست بعد از پیغمبرت رحمت خدا برا او
وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ
و آل او پیشوایان راه یافتگان بصواب و نشانهای هدایت و محل
الْقُلُوبِ وَالتَّقْوَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَكَمَالِ دِينِكَ وَتَمَامِ
نورهای دلها و پرهیزکاری و دستاویز محکم و تمام دین تو و تمام
نِعْمَتِكَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوَالاتِهِمْ رَضِيتَ لَنَا الْإِسْلَامَ دِيناً
نعمت تو و هر که با ایشان و بدوستی ایشان پسندیدی برای ما اسلام را دینی
رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ آمَنَّا وَصَدَّقْنَا بِمَنِّكَ عَلَيْنَا بِالرَّسُولِ النَّذِيرِ
پروردگارا پس تو راست حمد گرویدیم ما و تصدیق کردیم بانعام تو بر ما برسول بیم کننده
الْمُنْذِرِ وَوَالَيْنَا وَلِيَّهُمْ وَعَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ وَبَرِئْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ
ترساننده دوست داریم دوستان ایشان را و دشمن داریم دشمنان ایشان را و بیزاریم از منکران
وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ اللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْ شَأْنِكَ يَا
و تکذیب کنندگان بروز جزا بار خدایا پس چنانکه هست این از طریقه تو ای
صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ
راست وعده ای آنکه خلاف نمیکند وعده را ای آنکه هر روز در کاریست
إِذْ أَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ بِمُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ الْمَسْؤُولِ عَنْهُمْ
چون تمام کرد بر ما نعمت خود را بدوستی دوستانت که پرسیده از ایشان
عِبَادُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَقُلْتَ
بندگانت پس گفته پس پرسیده شوی امروز از نعمت و گفتی
وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ وَمَنَنْتَ عَلَيْنَا
و گفتار حق است و نگاهدارید ایشان را پرسیده شوند و انعام کردی بر ما
بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِمُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ الْهُدَاةِ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ
بگواهی از روی اخلاص و بدوستی دوستانت راه یافتگان پس از بیم

الْمُنْذِرِ السِّراجِ الْمُنيرِ فَاَكْمَلْتَ لَنا بِهِمُ الدّينَ وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنا بِ
هِمُ النِّعْمَةَ وَجَدَّدْتَ لَنا عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنا ميثاقَكَ الْمَأْخُوذَ
مِنّا في ابْتِداءِ خَلْقِكَ اِيّانا وَجَعَلْتَنا مِنْ اَهْلِ الْاِجابَةِ وَلَمْ
تُنْسِنا ذِكْرَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَني آدَمَ مِنْ ظُهُورِ
هِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى
شَهِدْنا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ رَبُّنا
وَمُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ نَبِيُّنا وَعَلِيٌّ اَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَبْدُكَ
الَّذي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنا وَجَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَآيَتَكَ الْكُبْرى وَصِراطَكَ الْمُسْتَقيمَ وَالنَّبَأَ الْعَظيمَ الَّذي
هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْؤُلُونَ اَللّهُمَّ فَكَما كانَ مِنْ شَأْ
نِكَ اَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيْنا بِالْهِدايَةِ اِلى مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبارِكَ لَنا في يَوْمِنا هذَا الَّذي
اَكْرَمْتَنا بِهِ وَذَكَّرْتَنا فيهِ عَهْدَكَ وَميثاقَكَ وَاَكْمَلْتَ دينَنا

وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ وَجَعَلْتَنا بِمَنِّكَ مِنْ اَهْلِ الْاِجابَةِ
لَكَ وَالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكَ وَاَعْداءِ اَوْلِيائِكَ الْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ
الدّينِ فَاَسْاَلُكَ يا رَبِّ تَمامَ ما اَنْعَمْتَ عَلَيْنا بِهِ وَاَنْ تَجْعَلَنا
مِنَ الْمُوفينَ وَلا تُلْحِقْنا بِالْمُكَذِّبينَ وَاجْعَلْ لَنا قَدَمَ صِدْقٍ
مَعَ الْمُتَّقينَ وَاجْعَلْنا مَعَ الْمُتَّقينَ اِماماً يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُناسٍ
بِاِمامِهِمْ وَاحْشُرْنا في زُمْرَةِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْاَئِمَّةِ الصّادِقينَ
وَاجْعَلْنا مِنَ الْبُرَآءِ مِنَ الَّذينَ هُمْ دُعاةٌ اِلَى النّارِ وَيَوْمَ الْقِيمَةِ
هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحينَ وَاَحْيِنا عَلى ذلِكَ ما اَحْيَيْتَنا وَاجْعَلْ لَنا
مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً وَاجْعَلْ لَنا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ اِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ
مَحْيانا خَيْرَ الْمَحْيا وَمَماتَنا خَيْرَ الْمَماتِ وَمُنْقَلَبَنا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ
عَلى مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَمُعاداةِ اَعْدائِكَ حَتّى تَتَوَفّانا وَاَنْتَ
عَنّا راضٍ قَدْ اَوْجَبْتَ لَنا جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
وَالْمَثْوى في جِوارِكَ في دارِ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لا يَمَسُّنا

فيها نصب ولا يمسّنا فيها لغوب ربّنا اغفر لنا ذنوبنا وكفّر
عنّا سيّئاتنا وتوفّنا مع الابرار ربّنا وآتنا ما وعدتنا
على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انّك لا تخلف الميعاد
اللهمّ احشرنا مع الائمّة الهداة من آل رسولك نؤمن بسرّهم
وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم اللهمّ انّي اسألك بالحقّ
الّذي جعلته عندهم وبالّذي فضّلتهم به على العالمين
جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا الّذي اكرمتنا فيه
بالوفاء بعهدك الّذي عهدته الينا والميثاق الّذي
واثقتنا به من موالاة اوليائك والبراءة من اعدائك
ان تتمّ علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرّا
ولا تسلبناه ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة
وليّك الهادي المهديّ الى الهدى وتحت لوائه وفي
زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك انّك على كلّ

شيء قدير

واگر این عمل بر او دشوار باشد بانهر روایت عمل کند که شیخ مفید و دیگران از ابن ... روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و بهتر آنست که نزدیک بزوال بکند که در ان ساعت حضرت رسول صلعم حضرت امیر المؤمنین را در روز غدیر در غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب کرد و بهتر آنست ... و اگر در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر دیگر وارد شده است بهتر است پس بسجود رود و صد مرتبه شکرا لله یا شکرا بگوید و چون سر از سجود بردارد ابتدا این دعا بخواند

اللهمّ انّي اسألك بانّ لك الحمد وحدك لا
شريك لك وانّك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد و
لم يكن له كفوا احد وانّ محمّدا عبدك ورسولك صلوا
عليه وآله يا من هو كلّ يوم في شأن كما كان من شأنك
ان تفضّلت عليّ بان جعلتني من اهل اجابتك واهل
دينك واهل دعوتك ووفّقتني لذلك في مبتدء
خلقي تفضّلا منك وكرما وجودا ثمّ اردفت الفضل
فضلا والجود جودا والكرم كرما رأفة منك ورحمة
الى ان جدّدت ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديدك
خلقي وكنت نسيا منسيّا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك
بان ذكّرتني ذلك ومننت به عليّ وهديتني له فليكن

مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْ تُتِمَّ لِي ذٰلِكَ
وَلَا تَسْلُبَنِيهِ حَتّٰى تَتَوَفَّانِي عَلٰى ذٰلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ فَإِنَّكَ
أَحَقُّ الْمُنْعِمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَ
أَجَبْنَا دَاعِيَكَ بِمَنِّكَ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ
الْمَصِيرُ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَدَّقْنَا وَأَجَبْنَا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ
فِي مُوَالَاةِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللّٰهِ وَأَخِي رَسُولِهِ وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ وَ
الْحُجَّةِ عَلٰى بَرِيَّتِهِ الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَدِينَهُ الْحَقَّ الْمُبِينَ عَلَمًا
لِدِينِ اللّٰهِ وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ وَعَيْبَةِ غَيْبِ اللّٰهِ وَمَوْضِعِ سِرِّ اللّٰهِ
وَأَمِينِ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ وَشَاهِدِهِ فِي بَرِيَّتِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا إِنَّنَا
سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا
فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ فَإِنَّا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ وَجُودِكَ
أَجَبْنَا دَاعِيَكَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنَاهُ وَصَدَّقْنَا مَوْلَى
الْمُؤْمِنِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ فَوَلِّنَا مَا تَوَلَّيْنَا وَاحْشُرْنَا
مَعَ أَئِمَّتِنَا فَإِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ آمَنَّا
بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ
وَرَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَقَادَةً وَسَادَةً وَحَسْبُنَا بِهِمْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ اللّٰهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ
وَلِيجَةً وَبَرِئْنَا إِلَى اللّٰهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ
وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ
مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلٰى آخِرِهِ اَللّٰهُمَّ إِنَّا نُشْهِدُكَ
أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

وَقَوْلُنا ما قالُوا وَدِینُنا ما دانُوا بِهِ ما قالُوا بِهِ قُلْنا وَما

دانُوا بِهِ دِنّا وَما اَنْکَرُوا اَنْکَرْنا وَمَنْ والَوْا والَیْنا وَمَنْ

عادَوْا عادَیْنا وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنّا وَمَنْ تَبَرَّؤُا مِنْهُ تَبَرَّأْنا

مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَیْهِ تَرَحَّمْنا عَلَیْهِ آمَنّا وَسَلَّمْنا وَرَضِینا

وَاتَّبَعْنا مَوالِیَنا صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِمْ اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنا ذٰلِکَ

وَلا تَسْلُبْناهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً ثابِتاً عِنْدَنا وَلا تَجْعَلْهُ

مُسْتَعاراً وَاَحْیِنا ما اَحْیَیْتَنا عَلَیْهِ وَاَمِتْنا اِذا اَمَتَّنا عَلَیْهِ

آلُ مُحَمَّدٍ اَئِمَّتُنا فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَاِیّاهُمْ نُوالِی وَعَدُوُّهُمْ عَدُوُّ

اللهِ نُعادِی فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ

الْمُقَرَّبِینَ فَاِنّا بِذٰلِکَ راضُونَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ پس سجده کن

در سجده صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و صد مرتبه شُکْراً لِلّٰهِ بگو پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی دارد که

کسی که در روز غدیر بر حضرت رسول حاضر شده باشد و با حضرت رسول و حضرت امیرالمؤمنین بر ولایت آن حضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راستگویان و تصدیق‌کنندگان باشد که تصدیق خدا و رسول در ادای فرزند از روی اخلاص کردند مانند سلمان و ابوذر و مقداد و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و امیرالمؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم صاحب الامر در زیر خیمه آن حضرت بوده باشد از نجبا و نقبا و ...

کاه حضرت و ابن شیخ مفید روایت کرده است که در روز غدیر این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ

عَلِیٍّ وَلِیِّکَ وَالشَّأْنِ وَالْقَدْرِ الَّذِی خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ خَلْقِکَ

اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْقادَةِ وَالدُّعاةِ السّادَةِ

وَالنُّجُومِ الزّاهِرَةِ وَالْاَعْلامِ الْباهِرَةِ وَساسَةِ الْعِبادِ وَ

اَرْکانِ الْبِلادِ وَالنّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِینَةِ النّاجِیَةِ الْجارِیَةِ

فِی اللُّجَجِ الْغامِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزّانِ عِلْمِکَ

وَاَرْکانِ تَوْحِیدِکَ وَدَعائِمِ دِینِکَ وَمَعادِنِ کَرامَتِکَ وَ

صَفْوَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ الْاَتْقِیاءِ الْاَنْقِیاءِ

النُّجَباءِ الْاَبْرارِ وَالْبابِ الْمُبْتَلی بِهِ النّاسُ مَنْ اَتاهُ نَجی وَمَنْ

اَباهُ هَوی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَهْلِ الذِّکْرِ الَّذِینَ

اَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ وَذَوِی الْقُرْبَی الَّذِینَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ

وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعادَ مَنِ اقْتَصَّ آثارَهُمْ اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَما اَمَرُوا بِطاعَتِکَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِیَتِکَ

وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

و راهنمائی کردند بندگانت را بر یگانگی تو بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق محمد

نَبِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَمِينِكَ وَرَسُولِكَ إِلَى خَلْقِكَ

پیغمبر تو و برگزیده ات و خاص تو و امین تو و رسول تو بسوی خلقت

وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

و بحق امیر المؤمنین و بزرگ دین و پیشرو روسفیدان

وَالْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

و الوصی و وفا کننده و راست گوی بزرگ و جدا کننده میان حق و باطل

وَالشَّاهِدِ لَكَ وَالدَّالِّ عَلَيْكَ وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَالْمُجَاهِدِ

و گواه مر تو و راه نماینده بر تو و ظاهر کننده بفرمان تو و جهاد کننده

فِي سَبِيلِكَ لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ لَائِمٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

در راه تو که نگرفت او را در تو ملامت ملامت کننده که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فِي

و اینکه بگردانی مرا در این روز آنکه بستی در آن مر ولی خود عهد

أَعْنَاقِ خَلْقِكَ وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ بِحُرْمَتِهِ

در گردنهای خلق خود و کامل کردی برای ایشان دین را از عارفان بحرمت او

وَالْمُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ وَمِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَلَا

و اقرار کنندگان بافزونی او و از آزاد کردگان تو و رها شدگان تو از آتش و

تُشْمِتْ بِي حَاسِدِي النِّعَمِ اللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ الْأَكْبَرَ

شاد مکن بمن حسد برندگان نعمتها را بار خدایا پس چنانکه گردانیدی عید بزرگ

وَسَمَّيْتَهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ

و نامیدی او را در آسمان روز عهد عهد کرده شده و در زمین

الْمِيثَاقِ الْمَأْخُوذِ وَالْجَمْعِ الْمَسْئُولِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

میثاق گرفته شده و جمع پرسیده رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنَا وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

و روشن گردان به او دیده‌های ما را و جمع گردان به او پراکندگی ما را و گمراه مکن ما را پس از آنکه هدایت کردی

وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

و بگردان ما را برای نعمتهای خود از شکرگزاران ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ستایش

الَّذِي عَرَّفَنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ وَ

مر خداوندی را که شناسانید ما را فضیلت این روز را و بینا کرد ما را حرمت او و گرامی داشت ما را

شَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

بآن و مشرف کرد ما را بمعرفت او و هدایت کرد ما را بنور خود ای رسول خدا و یا امیر المؤمنین

عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِتْرَتِكُمَا وَعَلَى مُحِبِّيكُمَا مِنِّي أَفْضَلُ السَّلَامِ مَا بَقِيَ

بر شما و بر فرزندان شما و بر دوستان شما از من بهترین درود

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِكُمَا أَتَوَجَّهُ إِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا فِي نَجَاحِ

تا باقیست شب و روز و بشما رو میآورم بسوی خدا که رب من و رب شما است در برآوردن

طَلِبَتِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي وَتَيْسِيرِ أُمُورِي اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

مطلبم و کفایت حاجتهایم و آسان کردن کارهایم بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَلْعَنَ مَنْ

بحق محمد و آل محمد که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه لعنت کنی آنرا

جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ فَصَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ لِإِطْفَاءِ

که انکار کرد حق این روز را و انکار کرد حرمتش را پس باز داشت از راه تو برای خاموش کردن

نُورِكَ فَأَبَى اللّٰهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ اللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ

نور تو پس ابا کرد خدا مگر آنکه تمام کند نور خود را بار خدایا گشایش ده از اهل خانه

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاكْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرُبَاتِ اللّٰهُمَّ

محمد پیغمبر تو و بردار از ایشان و بایشان از مؤمنان اندوهها را بار خدایا

امْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَأَنْجِزْ

پر کن زمین را بایشان از عدل چنانکه پر کرده شد از ستم و جور و وفا کن

لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

برای ایشان آنچه وعده کردی ایشان را بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده ها را

و اگر بعد از این دعا بجهت و دو صد مرتبه شکراً و صد مرتبه بخواند بگوید الحمد لله بگوید وصد مرتبه بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ الْكَرِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلٰوةُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بهتر خواهد بود چنانکه

فصل پنجم

سنید باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید و ابن زهره نقل نکرده اند
در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در تعیین روز مباهله
در میان علما خلاف است و اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و بعضی بیست
و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها
اعمال منجیه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است
و سبب فضیلت روز مباهله آنست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسولان فرستاد بسوی نصارای
نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت
رسالت را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند و حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد
و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که صفاتی که در کتب
سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده نمایند و چون بمدینه داخل شدند صفات
را موافق یافتند و حضرت رسول حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی
از ایشان بجهت حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن و خدا
این آیه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا
نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ
فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از
آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند
پس بگو ای محمد بیایید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان
شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها که بمنزله جان ما اند
و آنها که بمنزله جان شمایند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا
و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند انما شما پس حضرت رسول
عبا بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین ع و فاطمه ع و حسن و حسین ع
را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است
که مخصوص ترین خلق بوده اند باو خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان
برطرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه
را در شان ایشان آورد اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا یعنی پس نیست جز اینکه اراده دارد خدا که زایل گرداند از شما اهل

بیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی پس حضرت رسول ص
علی و فاطمه و حسن و حسین را با خود بیرون بردند از مدینه برای مباهله و چون نصاری
هیبت آنحضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن آنحضرت با آن بزرگواران
در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و علمای بزرگ ایشان
گفتند بخدا سوگند که من روی چند میبینم که اگر دعا کنند که کوهها از جا کنده شود
کنده خواهد شد پس جرأت نکردند بر مباهله و استدعای مصالحه و مصالحه کردند
و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان
جزیه قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب آویخته شد بر اهل
نجران و اگر مباهله میکردم همه این جماعت بمیمون و خوک مسخ میشدند و این وادی
بر ایشان آتش میشد و مستاصل میکرد بنجران و همه ترسایان نجران را میسوخت حتی مرغ
از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین باقی نمیماند
و باین سبب چندین امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت
خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بدر نمیآورد دوم اگر
آنجماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مصالحه
و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند و هم آنکه ظاهر شد که اهل عبا بزرگوارترین خلق
بودند نزد آنحضرت که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سیم آنکه
ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض
نفرین بدر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را بمهالک میاندازد اما اعزه عیال
خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف و غیر او از
متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن و حسین فرزندان حقیقی
حضرتند و نسبت ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول خدا با
صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه ع بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات باز
حضرت اخص و اقرب بوده و منزلتش نزد خدا بیشتر ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه
حضرت امیر المؤمنین ع در مباهله داخل بود و داخل ابنا و نسا نیست پس باید داخل
انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محال است پس
مراد آنست که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت ص در کمالات و صفات بمرتبه بود

که بمنزلهٔ نفس و جان آنحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول ثابت بود باید در آنحضرت
بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید
مخصوص ترین خلق باشد با آنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصلهٔ این قصهٔ
شریفه و فوائدیکه از آن مستفاد میشود در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده‌ام و این رساله
گنجایش ذکر آنها ندارد و از جملهٔ اموریکه در روز بیست و چهارم واقع شده است و موجب مزید
فضل آن گردیده آنست که حضرت امیرالمؤمنین ع در رکوع انگشتر خود را بسائل بخشید
و این آیهٔ کریمه نازل شد در امامت آنحضرت بر اصحاب بصیرت هویدا گردید انما ولیکم الله
ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون یعنی نیست
اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را برپا
میدارند و چنانچه باید بجا میآورند و زکوة میدهند در رکوع و این آیه نص صریح است در امامت
آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده‌ام و در این روز غسل سنت است و زیارت حضرت امیر
المؤمنین ع را در این روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسبت دارد و در این روز
مستحب است تاسی بمولای خود امیرالمؤمنین ع کردن در تصدق بر فقرا و ارباب حاجات بر
آنچه مقدور و میسر باشد مطلوبست اعمال این روز مبارک بسیار است و شیخ طوسی
ره از حضرت صادق ع روایت کرده است که در این روز پیش از زوال بنیم ساعت دو
رکعت نماز بکند برای شکر نعمت سابقه و در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سورهٔ قل
هو الله و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و انا انزلناه ده مرتبه بخواند اگر این نماز را
بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی از حاجتهای
دنیا و آخرت از خدا سؤال کند البته برآورده شود هر چند عظیم باشد و این فاضلترین
نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل دوم از اعمال این روز دعائی
است که شیخ طوسی و سید بن طاوس ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم
روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر ع روایت کرده است
که آنحضرت فرمود که اگر گویم که در این دعا اسم اعظم خدا هست هر آینه راست گفته‌ام
و اگر مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه تأثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور
باشد سعی مینمایند در تحصیل آن هر چند که باید قتال کنند و مرا هر حاجت که عاجز
میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میشود

کرده و این دعائیست که در روزیکه آیهٔ مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند
جلیل بر حضرت سید رسل نازل شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون
رو و وصی خود علی بن ابی طالب ع و سیدة النساء فاطمهٔ زهرا را و دو نور دیده و فرزند
پسندیدهٔ خود حسن و حسین ع را با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله کن
و بر ایشان نفرین کن پس حضرت امام جعفر صادق ع گفت که هرگاه این دعا را خواهید
جهد و سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسی
که اهلش نباشد از سفیهان و منافقان پنهان دارید و بایشان تعلیم منمائید که
از علمهای مخزونست و هرگز قابل این گوهر گرانمایه نیست و دعا اینست

اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ بَهائِکَ
بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا از روشنی تو
بِاَبْهاهُ وَکُلُّ بَهائِکَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِبَهائِکَ کُلِّهِ
بروشنترین آن و همه روشنیهای تو روشن است بار خدایا که من سؤال میکنم ترا بروشنی تو همه آن
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ جَلالِکَ بِاَجَلِّهِ وَکُلُّ جَلالِکَ جَلیلٌ
بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا از بزرگی تو ببزرگترین آن و همه بزرگیهای تو بزرگست
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِجَلالِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ
بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا ببزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا از
جَمالِکَ بِاَجْمَلِهِ وَکُلُّ جَمالِکَ جَمیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
نیکوئی تو بنیکوترش و همه نیکوئی تو نیکوست بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا
بِجَمالِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما
بنیکوئی تو همه آن بار خدایا که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا
وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِاَعْظَمِها وَکُلُّ
چنانکه وعده کردی مرا بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا از بزرگی تو ببزرگترین آن و همه
عَظَمَتِکَ عَظیمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّها
بزرگی تو بزرگست بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا ببزرگی تو همه آن
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِاَنْوَرِهِ وَکُلُّ نُورِکَ نَیِّرٌ
بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا از نور تو بروشنترین آن و همه روشنیهای تو روشن است
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِنُورِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ
بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بنور تو همه آن بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا از رحمت

بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ

كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اَللّٰهُمَّ

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ

بِأَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ

كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ

كَبِيرَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ

بِأَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ

مَاضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ

قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ

وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا وَكُلُّ مَسَائِلِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ

وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

عَلائِكَ بِأَعْلاهُ وَكُلُّ عَلائِكَ عالٍ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعَلائِكَ

كُلِّهِ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ آياتِكَ بِأَعْجَبِها وَكُلُّ آياتِكَ عَجيبَةٌ

اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ

مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ

كُلِّهِ اَللّهُمَّ إِنّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني

اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِما أَنْتَ فيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ

اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ جَبَرُوتٍ يا اَللّهُ لَكَ

وَإِنّي أَسْأَلُكَ بِما تُجيبُني بِهِ حينَ أَسْأَلُكَ يا اَللّهُ يا لا إِلهَ

إِلّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِبَهاءِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ

أَسْأَلُكَ بِجَلالِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ

اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِلا إِلهَ إِلّا أَنْتَ اَللّهُمَّ إِنّي أَدْعُوكَ

كَما أَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ

رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عامٌّ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ

كُلِّهِ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطائِكَ بِأَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطائِكَ

هَنيءٌ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعَطائِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ

مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ

كُلِّهِ اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ

اَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ إِنّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَني

فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْني

عَلَى الْإِيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ

وَالْوِلايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ وَالْبَراءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ وَالْإِئْتِمامِ

بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ فَإِنّي قَدْ رَضيتُ بِذلِكَ

يا رَبِّ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي الْأَوَّلينَ

وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرينَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

فِي الْمَلَإِ الْأَعْلى وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلينَ اَللّهُمَّ

أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ وَالدَّرَجَةَ

الْكَبيرَةِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَنِّعْني بِما رَزَقْتَني
وَبارِكْ لي فيما أَعْطَيْتَني وَاحْفَظْني في غَيْبَتي وَفي كُلِّ
غائِبٍ هُوَ لي اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ
خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوانَكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ
وَالنّارِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْني مِنْ كُلِّ
مُصيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ
فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ
آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ في هذِهِ السّاعَةِ
وَفي كُلِّ ساعَةٍ وَفي هذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي هذَا الْيَوْمِ وَفي هذَا
الشَّهْرِ وَفي هذِهِ السَّنَةِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاقْسِمْ لي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقامَةٍ
وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلامَةٍ وَمِنْ
كُلِّ كَرامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ وَ

مِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ إِلَى
الْأَرْضِ في هذِهِ السّاعَةِ وَفي هذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي هذَا الْيَوْمِ
وَفي هذَا الشَّهْرِ وَفي هذِهِ السَّنَةِ اللّهُمَّ إِنْ كانَتْ ذُنُوبي
قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ وَحالَتْ بَيْني وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ
حالي عِنْدَكَ فَإِنّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي لا يُطْفَأُ
وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبيبِكَ الْمُصْطَفى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى
وَبِحَقِّ أَوْلِيائِكَ الَّذينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لي ما مَضى مِنْ ذُنُوبي وَأَنْ تَعْصِمَني فيما بَقِيَ
مِنْ عُمْري وَأَعُوذُ بِكَ اللّهُمَّ أَنْ أَعُودَ في شَيْءٍ مِنْ مَعاصيكَ
أَبَداً ما أَبْقَيْتَني حَتّى تَتَوَفّاني وَأَنَا لَكَ مُطيعٌ وَأَنْتَ عَنّي راضٍ
وَأَنْ تَخْتِمَ لي عَمَلي بِأَحْسَنِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ لي ثَوابَهُ الْجَنَّةَ وَأَنْ
تَفْعَلَ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ يا أَهْلَ التَّقْوى وَيا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْني بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ

و بعد از آن هر حاجت که داری از خدای تعالی طلب کن که برآورده است مؤلف گوید که شیخ ابن فهد در روز مباهله انسب است و شیخ طوسی که نیز در این روز روایت کرده است و از روایات مذکور معلوم میشود که در همه وقت میتوان خواندن و در دعا اختلافی هست میان روایات و آنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه این دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و اعظم این دعاها است علیهم آنکه شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و در این روز آنچه خواهی از نماز بکن و در هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ بگو پس می ایستی و بموضع سجود خود نظر میکنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است و باید که این روز را روزه بداری برای شکر خدا بر این نعمت عظیمه و غسل بکنی و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و با آنچه توانی ببوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزدیک ضریح مقدس حاضر شوی والا بجای خلوتی بروی و یا بر کوه بلندی برآیی و یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون برود و غسل کند و بهترین جامهای خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرائط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که هر دعائی که خواهم بکنی باز دو رکعت نماز بکن و دعا کن و دعا اینست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی مَا کُنْتُ بِهِ جَاهِلًا وَ لَوْ لَا تَعْرِیفُهُ اِیَّایَ لَکُنْتُ هَالِکًا اِذْ قَالَ وَ قَوْلُهُ الْحَقُّ قُلْ لَا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی فَبَیَّنَ لِیَ الْقَرَابَةَ وَ قَالَ سُبْحَانَهُ اِنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا فَبَیَّنَ لِیَ اَهْلَ الْبَیْتِ بَعْدَ الْقَرَابَةِ ثُمَّ قَالَ تَعَالٰی مُبَیِّنًا عَنِ الصَّادِقِینَ الَّذِینَ اَمَرَنَا بِالْکَوْنِ مَعَهُمْ وَ الرَّدِّ اِلَیْهِمْ بِقَوْلِهِ تَعَالٰی یَا اَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ فَاَوْضَحَ عَنْهُمْ وَ اَبَانَ عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَاءَنَا وَ اَبْنَاءَکُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَکُمْ وَ اَنْفُسَنَا وَ اَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ فَلَکَ الشُّکْرُ یَا رَبِّ وَ لَکَ الْمَنُّ حَیْثُ هَدَیْتَنِی وَ اَرْشَدْتَنِی حَتّٰی لَمْ یَخْفَ عَلَیَّ الْاَهْلُ وَ الْبَیْتُ وَ الْقَرَابَةُ فَعَرَّفْتَنِی نِسَاءَهُمْ وَ اَوْلَادَهُمْ وَ رِجَالَهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَتَقَرَّبُ

الٰهِیْ بِذٰلِکَ الْمَقَامِ الَّذِیْ لَا یَکُوْنُ اَعْظَمَ مِنْهُ فَضْلًا لِلْمُؤْمِنِیْنَ

وَلَا اَکْثَرَ مِنْهُ رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْرِیْفِکَ اِیَّاهُمْ شَاْنَهُ وَاِبَانَتِکَ فَضْلَ

اَهْلِهِ الَّذِیْنَ بِهِمْ اَدْحَضْتَ بَاطِلَ اَعْدَآئِکَ وَثَبَّتَّ بِهِمْ قَوَاعِدَ

دِیْنِکَ وَلَوْلَا هٰذَا الْمَقَامُ الْمَحْمُوْدُ الَّذِیْ اَنْقَذْتَنَا بِهِ وَ

دَلَلْتَنَا عَلَی اتِّبَاعِ الْمُحِقِّیْنَ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ الصَّادِقِیْنَ

عَنْکَ الَّذِیْنَ عَصَمْتَهُمْ مِنْ لَغْوِ الْمَقَالِ وَمَدَانِسِ الْاَفْعَالِ

لَخَصِمَ اَهْلُ الْاِسْلَامِ وَظَهَرَتْ کَلِمَةُ اَهْلِ الْاِلْحَادِ وَفِعْلُ

اُوْلِی الْعِنَادِ فَلَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الْمَنُّ وَلَکَ الشُّکْرُ عَلٰی نَعْمَآئِکَ

وَاَیَادِیْکَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذِیْنَ افْتَرَضْتَ

عَلَیْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَقَدْتَ فِیْ رِقَابِنَا وِلَایَتَهُمْ وَاَکْرَمْتَنَا

بِمَعْرِفَتِهِمْ وَشَرَّفْتَنَا بِاتِّبَاعِ اٰثَارِهِمْ وَثَبَّتَّنَا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ

الَّذِیْ عَرَّفُوْنَاهُ فَاَعِنَّا عَلَی الْاَخْذِ بِمَا بَصَّرُوْنَاهُ وَاجْزِ مُحَمَّدًا

عَنَّا اَفْضَلَ الْجَزَآءِ بِمَا نَصَحَ لِخَلْقِکَ وَبَذَلَ وُسْعَهُ فِیْ

اِبْلَاغِ رِسَالَاتِکَ وَاَخْطَرَ بِنَفْسِهِ فِیْ اِقَامَةِ دِیْنِکَ وَعَلٰی اَخِیْهِ

وَوَصِیِّهِ وَالْهَادِیْ مِنْ بَعْدِهِ اِلٰی دِیْنِهِ وَالْقَیِّمِ بِسُنَّتِهِ

عَلِیٍّ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَصَلِّ عَلَی الْاَئِمَّةِ مِنْ

اَبْنَائِهِ الصَّادِقِیْنَ الَّذِیْنَ وَصَلْتَ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِکَ

وَاَدْخِلْنَا بِشَفَاعَتِهِمْ دَارَ الْکَرَامَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ

هٰؤُلَآءِ اَصْحَابُ الْکِسَآءِ وَالْعَبَآءِ یَوْمَ الْمُبَاهَلَةِ اَللّٰهُمَّ

اجْعَلْهُمْ شُفَعَآءَنَا وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ ذٰلِکَ الْمَقَامِ الْمَحْمُوْدِ وَ

الْیَوْمِ الْمَشْهُوْدِ اَنْ تَغْفِرَ لِیْ وَتَتُوْبَ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ

الرَّحِیْمُ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّ اَرْوَاحَهُمْ وَطِیْنَتَهُمْ وَاحِدَةٌ

وَهِیَ الشَّجَرَةُ الَّتِیْ طَابَ اَصْلُهَا وَاَغْصَانُهَا وَاَوْرَاقُهَا

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنَا بِحَقِّهِمْ وَاَجِرْنَا مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْیِ فِی الدُّنْیَا

وَالْاٰخِرَةِ بِوِلَایَتِهِمْ وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَ الْاَمْنِ مِنْ اَهْوَالِ یَوْمِ

الْقِیٰمَةِ بِحُبِّهِمْ وَاَقْرِرْنَا بِفَضْلِهِمْ وَاَتْبَعْنَا اٰثَارَهُمْ وَ

اهتدائنا بهديهم واعتقادنا ما عرّفوناه من توحيدك
ووقّفونا عليه من تعظيم شأنك وتقديس أسمائك و
شكر آلائك ونفي الصفات أن تحلّك والعلم أن يحيط
بك والوهم أن يقع عليك فإنّك أقمتهم حججاً على خلقك
والدلائل على توحيدك وهداة تنبّه على أمرك وتهدي
إلى دينك وتوضح ما أشكل على عبادك للمعجزات التي
تعجز عنها غيرك وبها تبين حجّتك وتدعو إلى تعظيم السفير
بينك وبين خلقك وأنت المتفضّل عليهم حتى قرّبتهم
من ملكوتك واختصصتهم بسرّك واصطفيتهم لوحيك
وأورثتهم غوامض تأويلك رحمة بخلقك ولطفاً بعبادك
وحناناً على بريّتك وعلماً بما تنطوي عليه ضمائر أمنائك
وما يكون من شأن صفوتك وطهّرتهم في منشئهم و
مبتدئهم وحرستهم من نفث نافث إليهم وأريتهم برهاناً

على من عرض نبوءة لهم فاستجابوا لأمرك وشغلوا أنفسهم
بطاعتك وملؤا أجزائهم من ذكرك وعمّروا قلوبهم بتعظيم
أمرك وجزّؤا أوقاتهم فيما يرضيك وأخلوا دخائلهم من
معاريض الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن
لإرادتك وعقولهم مناصب لأمرك ونهيك وألسنتهم
تراجمة لسنّتك ثم أكرمتهم بنورك حتى فضّلتهم من بين
أهل زمانهم والأقربين إليهم فخصصتهم بوحيك و
أنزلت إليهم كتابك وأمرتنا بالتمسّك بهم والردّ إليهم
والاستنباط منهم اللهم فإنّا قد تمسّكنا بكتابك وبعترة
نبيّك صلواتك عليهم الذين أقمتهم لنا دليلاً وعلماً و
أمرتنا باتّباعهم اللهم فإنّا قد تمسّكنا بهم فارزقنا شفاعتهم
حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم
واجعلنا من الصادقين المصدّقين لهم المنتظرين لأيامهم

الْنَّاظِرِينَ إِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ

نگرندگان بسوی شفاعت ایشان و گمراه مکن ما را پس از آنکه هدایت

هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

ببخش ما را از نزد خود رحمتی که توئی بخشنده بپذیر ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلَى أَخِيهِ وَصِنْوِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

بار خدایا رحمت فرست بر محمد پیغمبر تو و بر برادر او و ... امیر مؤمنان

وَقِبْلَةِ الْعَارِفِينَ وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ وَثَانِي الْخَمْسَةِ الْمَيَامِينِ

و قبله عارفان و علم راه یافتگان و دوم پنج تن با برکت

الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَبَاهَلَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِمُ

آنانکه فخر کرد بایشان روح الامین و مباهله کرد خدا و ملک بایشان

الْمُبَاهِلِينَ فَقَالَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ

مباهله کنندگان را پس گفت و او راستگوترین گویندگان است پس هر که حجت کند در او

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ

از بعد آنچه آمد ترا از دانش پس بگو بیائید بخوانیم پسران ما را و

أَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ

پسران شما و زنان ما و زنان شما و نفسهای ما و نفسهای شما پس مباهله

فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ذَلِكَ الْإِمَامُ الْمَخْصُوصُ

بگردانیم لعنت خدا بر دروغگویان آن امام مخصوص

بِمُؤَاخَاتِهِ يَوْمَ الْإِخَاءِ وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ الطَّوَى وَ

ببرادری او روز برادری و دهنده خوراک خود پس از صدمه گرسنگی و

مَنْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَهُ فِي هَلْ أَتَى وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعَادُوهُ

و هر که شکر داد خدا سعی او را در هل اتی و هر که گواهی داد بفضیلت او دشمنانش

وَأَقَرَّ بِمَنَاقِبِهِ جَاحِدُوهُ مَوْلَى الْأَنَامِ وَمُكَسِّرُ الْأَصْنَامِ وَ

و اقرار کرده بمناقبش منکران او مولای مردمان و شکننده بتها

مَنْ لَمْ تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا

هر که فرا نگرفت او را در خدا ملامت ملامت کننده رحمت خدا بر او و آل او

طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهَارِ وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ وَعَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقَاتِ

مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْوَاضِحَاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

روز بیست و پنجم است و مشهور آنست که در این روز سوره مبارکه هل اتی در شأن حضرت امیر المؤمنین ع و فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلم نازل شد سبب آنکه حسن و حسین بیمار شدند حضرت سید رسل بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین ع نذر کنند که اگر خدا ایشانرا شفا بخشد سه روز روزه بگیرند چون خدا شفا کرامت کرد آنچهار بزرگوار با فضه خادمه روزه گرفتند و نداشتند چیزی که با آن افطار نمایند پس حضرت امیر قرض کرد پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع جو حضرت فاطمه ع هر روز ثلث آن پشم را بریسد و یکصاع از آن جو را نزد خود برداشت روز اول فاطمه یکثلث آن پشم را گرفت رشت و بعد آن صاع از جو برداشت آرد کرد پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر ع با حضرت رسول نماز شام کرد و بخانه برگشت حضرت فاطمه پنج کرده نانرا حاضر کرد و خواستند افطار کنند مسکینی بدر خانه ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینم از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید که خدا شما را از مائده‌های بهشت طعام دهد پس حضرت امیر ع ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را دهم و سایر اهلبیت با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانها را بسائل دادند و با آب افطار کردند روز دیگر را روزه داشتند باز حضرت فاطمه بنزد رشتن ثلث دیگر از پشم یکصاع دیگر از جو برداشت و آرد کرد و پنج کرده دیگر را پخت و چون خواستند افطار کنند سائلی بدر خانه آمد و صدا زد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمم از اولاد مهاجرین و پدرم در روز عقبه شهید شد است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر مؤمنان اول نان خود را داد و بعد از او فاطمه زهرا و بعد از آن دو گوشواره عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادتمند همگی نانهای خود را بیتیم دادند و با آب افطار نمودند و روز سیم را روزه داشتند و باز حضرت سیدة النساء در روز سیم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و با آسیا خورد کرد و باز پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر کبیر از نماز برگشت حضرت فاطمه ع طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه

اسیری از اسیران کافران ندا کرد السلام علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر
می‌کنید و می‌بندید و طعام نمی‌دهید بخوریم پس بخوشبهای ستایش
کرده‌های ما را بسائل دادند و باب بجهت افطار فرمودند چون صبح شد خدا سوره
کریمه هل اتی را در شان ایشان فرستاد و در آن سوره اشاره باین قصه نمود
که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَیَخَافُونَ یَوْمًا کَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیرًا وَیُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ
حُبِّهِ مِسْکِینًا وَیَتِیمًا وَأَسِیرًا إِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَلَا
شُکُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا یَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِیرًا یعنی وفا می‌کنند بنذر و می
ترسند از روزی که شر آن خلق را فرا گرفته است و می‌خورانند طعام را با خواهش
و محبتشان با او برای محض محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و می‌گویند یعنی در دل
خود و نیستند ایشان این است که ما طعام نمی‌دهیم شما را مگر از برای رضای خدا
نمی‌خواهیم از شما نه جزائی و پاداشی را و نه شکر و نه ثنا بدرستی که ما می‌ترسیم از روز قیامت که
در نهایت شدت هولست و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود
سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول بخانه اهل بیت آمد و او
ایشان را بآن شدت گرسنگی و حال تغیر مشاهده نمود گریست و فرمود که این
حالت است که در شما مشاهده می‌نمایم و امام حسن و امام حسین را دید که از نهایت
بیماری و از گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آمده می‌لرزند و حضرت فاطمه در محراب
عبادت ایستاده و از گرسنگی شکم مبارکش بپشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود و چون
از نماز فارغ شد خدا خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد و در آن کاسه بود و گوشت
و ثرید گرم و در روایتی آن بود که می‌جوشید بوئی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت
فاطمه آن خوان را نزد حضرت رسول آورد حضرت فرمود که ای فاطمه این از کجا آورده‌ای گفت
از جانب خدا آمده است خدا هر که را می‌خواهد روزی می‌دهد بحساب حضرت فرمود که الحمد لله
که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم پس از آن تناول نمودند
و تا هفت روز از آن می‌خوردند آخر نمی‌شد و حضرت صادق فرمود که آن کاسه نزد
ما است و حضرت صاحب الامر آن را ظاهر کرده و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود
و شیعیان از این روایت با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده‌اند و تفصیل این قصه را در
سایر کتب ذکر کرده‌ام پس مناسب است که شیعیان اهل بیت در این ایام تاسی نمایند بجمیع

خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید
ره گفته است که باید این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول هل اتی در شان آل
عبا و ایضاً مناسبت غسل زیارت و زیارت ائمه و زیارت جامعه را خواندن ضرور
مناسبت و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله می‌دانند دعای مباهله
را نیز در این روز خواندن خوبست روز بیست و ششم بنا بر مشهور عمر را خنجر زدند و شکم
دریده اند و باین سبب نهایت برکت دارد و روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفا
بنی امیه است بجهنم واصل شد و دولت بنی امیه برطرف شد پس در این روز شکر این
نعمت باید کرد و بعضی گفته‌اند که حضرت امام علی النقی در این روز متولد شده
و در روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر از دنیا رفته است و باین سبب فضیلت عظیم
دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنت است که
دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل
هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوانند و بعد از سلام این دعا را بخوانند
اللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِی هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَیْتَنِی عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَنَسِیتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ
وَدَعَوْتَنِی إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِی عَلَیْکَ اللّٰهُمَّ فَإِنِّی أَسْتَغْفِرُکَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِی وَ
مَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ یُقَرِّبُنِی إِلَیْکَ فَاقْبَلْهُ مِنِّی وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی مِنْکَ یَا کَرِیمُ **باب**
ششم در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است **فصل اول** در
اعمال دهه اول ماه محرم است از حضرت امام رضا منقول است که حضرت رسول در
روز اول محرم دو رکعت نماز می‌کردند و چون از نماز فارغ می‌شدند دستها را بر
می‌داشتند و این دعا **اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْإِلٰهُ الْقَدِیمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ**
را سه مرتبه می‌خواندند — بار خدایا توئی خدای دیرینه و این سال از
جَدِیدَةٌ فَأَسْأَلُکَ فِیهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّیْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلَىٰ
تازه است پس سؤال میکنم ترا عصمت از دیو و توانائی بر
هٰذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا یُقَرِّبُنِی
این نفس اماره ببدی و مشغول بانچه نزدیک کند مرا
إِلَیْکَ یَا کَرِیمُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ
بسوی تو ای بزرگ ای خداوند کرم جلالت و بزرگی ای تکیه گاه آنکه نیست تکیه

وسیجیء بتطیه

له یا ذخیرة من لا ذخیرة له یا حرز من لا حرز له یا غیاث

ای ذخیره آنکه نیست ذخیره او را ای حرز کسی که نیست حرزی او را ای فریادرس

من لا غیاث له یا سند من لا سند له یا کنز من لا کنز له

آنکه نیست فریادرسی او را ای تکیه آنکه نیست اعتمادی او را ای گنج آنکه نیست گنجی او را

یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء یا عز الضعفاء یا منقذ

ای نیکو آزمایش ای بزرگ امید ای عزت ناتوانان ای رهاننده

الغرقی یا منجی الهلکی یا منعم یا مجمل یا مفضل یا محسن انت

غرق شده‌ها ای رهاننده هلاکان ای نعمت دهنده ای نیکوکار

الذی سجد لک سواد اللیل و نور النهار وضوء القمر و

آنکه سجده کرد برای تو سیاهی شب و نور روز و روشنی ماه و

شعاع الشمس ودوی الماء وحفیف الشجر یا الله لا شریک

لک اللهم اجعلنا خیرا مما یظنون واغفر لنا ما لا یعلمون

ولا تؤاخذنا بما یقولون حسبی الله لا اله الا هو علیه

توکلت وهو رب العرش العظیم آمنا به کل من عند ربنا

وما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و چون حضرت سید الشهدا [illegible] بسعادت

شهادت فائز گردید و در اکثر این دهه محزون و غمگین بوده و اخبار موحشه با ایشان رسید باید که شیعیان در این ده روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و محزون و گریان باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته‌اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در ایام جاهلیت قتال را در این ماه حرام میدانستند و جفاکاران این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را

کردند و آتش در خیمه‌های ما زدند و آنچه در خیمه‌ها بود غارت کردند و حرمت رسول را رعایت نکردند بدرستیکه مصیبت حضرت امام حسین چشمهای ما را مجروح کرد و آب دیده‌های ما را جاری ساخت و عزیزان ما را ذلیل گردانید و واقعه کربلا کرب و بلا را برای ما میراث ساخت تا روز قیامت پس باید که بر مصیبت آنحضرت گریه کنند که گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را بر طرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اندوه و حزن بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و میگفت امروز روزیست که امام حسین در این روز شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد خدا جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو نباشد زیارت کن حضرت امام حسین را و اگر خواهی که در غرفه‌های بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن بر قاتلان حسین و اگر خواهی که ثواب شهید کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاش میبودم با ایشان پس رستگاری مییافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش و بدانکه روزه روز اول محرم مستحب است و از حضرت امام رضا منقولست که در روز اول محرم حضرت زکریا دعا کرد و از خدا فرزند طلبید و خدا دعای او را مستجاب کرد و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه دارد و دعا کند خدا دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید گفته که روز سیم محرم روزیست که حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که این روز را روزه دارد خدا کارهای صعب او را آسان گرداند و غمهای او را زایل گرداند و بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارند زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزه آنها بر حضرت رسول بسته‌اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار در مذمت روزه این روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است و بنی امیه برای برکت آذوقه سال در روز عاشورا در خانه ذخیره میکردند لهذا از حضرت امام رضا منقولست که هر که

زیارت کند سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و پی کاری نرود خدا حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هرکه روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد خدا روز قیامت را روز فرح و شادی و سرور گرداند و بدیدار ما در بهشت چشمش روشن گردد و هرکه روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی را ذخیره کند خدا آن چیز را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة محشور گردد پس باید که روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آنحضرت را بدارند در ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگرچه بشربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته باشد که بنذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را روزه باید بگیرد و در آن روز از وقت در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند و بگوید اللّهمّ العن قتلة الحسین و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق که هرکه در روز عاشورا هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خداوند نظر رحمت بسوی او بکند و هرکه خدا نظر رحمت بسوی او بکند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تاسی بحضرت امام حسین و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بعبادت تا صباح احیا کردند و صبح سعادت شهادت تمام کردند

فصل دویم در زیارت مشهور آنحضرت است در روز عاشورا و فضیلت زیارت آنحضرت در روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هرکه در شب و روز عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده و بهیئت شهدای کربلا در میان ایشان محشور گردد و هرکه در شب و روز عاشورا زیارت کند آنحضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح از آنحضرت منقول است که هرکه حضرت امام حسین را در روز عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب گردد و اما زیارت مشهور آنحضرت شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان روایت کرده اند و از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و غیر او از محمد

بن اسمعیل و علقمة بن محمد حضرمی و غیر او از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر فرمود که هرکه زیارت کند حضرت امام حسین را در روز دهم محرم تا نزد قبر آنحضرت بگریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که با رسولخدا و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثواب است برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بر صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند بسوی قبر آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین بر قاتل آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین و امر کند هرکه را که در خانه او است و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبتی بر پا کند با اظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه کردن و تعزیت گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا اگر گاه این کارها را بکند خدا جمیع این ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت که تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود که بلی پرسید که چگونه بگویند بکدیگر را تعزیت بگویند فرمود که میگویند عَظَّمَ اللّهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا وَاِیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الاِمامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و اگر توانی در آن روز از برای هیچ کاری از خانه بیرون مرو که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمیشود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست و در آن رشدی و خیری نیست و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هرکه در این روز چیزی ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای او پس کسیکه چنین کند نوشته شود از برای او ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسولخدا کرده باشد از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدیکه مرده باشد یا کشته یا از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت علقمة بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر که تعلیم نما مرا دعائی که بخوانم در این روز هرگاه که خواهم آن حضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی که هرگاه در شهرهای دور خواهم که اشاره

کنم و آنحضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود ای علقمه هر گاه بکنی این دو رکعت را بعد از آن
که اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز آن اقوال
را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائی که ملائکه میخوانند
و هر که زیارت آنحضرت نماید کنند و مینویسد خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار
حسنه و محو میکند از او هزار هزار گناه و بلند کند از برای تو در بهشت هزار
هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده باشند با حسین بن علی تا آنکه
شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند ترا مگر از ایشان که با
آنحضرت شهید شده باشند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی
و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید شده است کوید

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
درود بر تو ای ابا عبدالله درود بر تو ای پسر

رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَ
رسول خدا درود بر تو ای پسر امیر المؤمنین و

ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ
پسر مهتر اوصیاء درود بر تو ای پسر فاطمه

الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا
زهرا مهتر زنان جهانیان درود بر تو ای خون

ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ
خدا و پسر خون او و خون ریخته شده درود بر تو و

عَلَى الْاَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ عَلَيْكُمْ مِنّي جَميعاً
بر روحها که فرود آمدند بسرای تو بر شما از من همه

سَلامُ اللّهِ اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ يا اَبا
درود خدا همیشه تا دائم که هستم من و هست شب و روز ای ابا

عَبْدِ اللّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصيبَةُ بِكَ
عبدالله بتحقیق که بزرگست اندوه تو و بزرگست بلای تو

عَلَيْنا وَعَلى جَميعِ اَهْلِ الْاِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ
بر ما و بر همه اهل اسلام و بزرگ و بزرگست

مُصيبَتُكَ فِي السَّماواتِ عَلى جَميعِ اَهْلِ السَّماواتِ فَلَعَنَ اللّهُ
بلای تو در آسمانها بر همه اهل آسمانها پس

اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ
گروهی که بنا نهادند بنای ستم و ظلم را بر شما از تو ای

وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ وَاَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ
و لعنت کند خدا گروهی که دفع کردند شما را از مقام شما و دور کردند شما را از مرتبهای

الَّتي رَتَّبَكُمُ اللّهُ فيها وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللّهُ
شما که برقرار داشت شما را خدا در آن و لعنت خدا گروهی که کشتند شما را و لعنت خدا

الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللّهِ وَاِلَيْكُمْ
تمهید کنندگان مر ایشان را بتمکین از کارزار شما بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی شما

مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِيائِهِمْ يا اَبا عَبْدِ
از ایشان و از پیروان و تابعان او و دوستان ایشان ای ابا عبدالله

اللّهِ اِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ اِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ
من صلح مر کسی که صلح کرد با شما و جنگم مر هر که جنگ کرد با شما تا روز قیامت

وَلَعَنَ اللّهُ آلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللّهُ بَني اُمَيَّةَ قاطِبَةً
و لعنت کند خدا آل زیاد و آل مروان و لعنت کند خدا بنی امیه را همه

وَلَعَنَ اللّهُ ابْنَ مَرْجانَةَ وَلَعَنَ اللّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللّهُ شِمْراً
و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند خدا عمر پسر سعد را و لعنت کند خدا شمر

وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ
و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند و لگام کردند و سوراخ کردند و مهیا گردیدند

لِقِتالِكَ بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي لَقَدْ عَظُمَ مُصابي بِكَ
برای کارزار تو بفدای باد پدرم تو و مادرم بتحقیق که بزرگست مصیبتهای من

فَاَسْئَلُ اللّهَ الَّذي اَكْرَمَ مَقامَكَ وَاَكْرَمَني بِكَ
پس میخواهم خدا را که گرامی داشت جای تو را و گرامی داشت مرا بتو

اَنْ يَرْزُقَني طَلَبَ ثارِكَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
او را روزی کند مرا طلب خون تو با پیشوای یاری کرده شده از اهل بیت محمد

صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها

رحمت خدا بر او و آلش باد خدایا بگردان مرا نزد خود با جاه

بالحسين في الدنيا والآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب

بالحسین (ع) در دنیا و آخرت ای ابا عبد الله بدرستیکه من

الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة و

تقرب میجویم بسوی خدا و بسوی رسولش و بسوی امیر المؤمنین و بسوی فاطمه و

الى الحسن واليك بموالاتك وبالبراءة ممن قاتلك

بسوی حسن و بسوی تو با دوستیهای تو و بیزاری از هر که کارزار کرد

ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم و

و نصب کرد برای تو جنگ را و بیزاری از هر که بنا نهاد بنای ستم و ظلم را

الجور عليكم وابرء الى الله والى رسوله ممن اسس اساس

و ظلم را بر شما و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی رسولش از هر که بنا نهاد بنای

ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره عليكم

این را و قرار داد بر این بنای خود را و جاری گردید در ستم و جورش بر شما

وعلى اشياعكم برئت الى الله والى رسوله واليكم منهم واتقرب

و بر پیروان شما بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی رسولش و بسوی شما از ایشان و تقرب میجویم

الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبراءة

بسوی خدا پس بسوی شما بدوستی شما و دوستی دوستداران شما و به بیزاری

من اعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبراءة من

از دشمنان شما و برپا کنندگان برای شما جنگ را و به بیزاری از

اشياعهم واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن

پیروان و تابعان ایشان بدرستیکه من در صلحم با هر که صلح کند با شما و در جنگم با هر که

حاربكم وولي لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فاسأل

جنگ کند با شما و دوستم با هر که دوست دارد شما را و دشمنم با هر که دشمنی دارد با شما پس سؤال میکنم

الله الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني

خدا را که گرامی داشت مرا بمعرفت شما و معرفت دوستان شما و روزی گردانید مرا

البراءة من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة

بیزاری از دشمنان شما آنکه بگرداند مرا با شما در دنیا و آخرت

وان يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة

و آنکه ثابت دارد مرا نزد شما قدم راستی در دنیا و آخرت

واسأله ان يبلغني المقام المحمود الذي لكم عند الله

و سؤال میکنم او را آنکه برساند مرا بمقام ستوده که برای شما است نزد خدا

ان يرزقني طلب ثاري مع امام مهدي ظاهر ناطق

آنکه روزی کند مرا طلب خونم با پیشوای راه یافته آشکار سخنگو

منكم واسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده

از شما و سؤال میکنم خدا را بحق شما و بشأنی که برای شما است نزد او

ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته

آنکه بدهد مرا بمصیبت شما بهترین آنچه عطا کند مصیبت دیده را بمصیبتش

مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع

مصیبتی که چه قدر بزرگ است و بزرگ است اندوه او در اسلام و در همه

اهل السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا

اهل آسمانها و زمین بارخدایا بگردان مرا در مقام من این

ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم

از کسیکه میرسد او را از تو رحمتها و آمرزش و بخشش بارخدایا

اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات

بگردان مرا زندگانی مرا زندگانی محمد و آل محمد و مردگانی من مردن

محمد وآل محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية و

محمد و آل محمد بارخدایا بدرستیکه این روزیست که مبارک کردند او را بنو امیه و

ابن آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان

پسر خورنده جگرها ملعون پسر ملعون بر زبان تو و زبان

نبيك صلى الله عليه وآله في كل موطن وموقف وقف

پیغمبرت رحمت خدا بر او و آل او در هر جائی و در هر جائی ایستاد

فِيهِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَا سُفْيَانَ

وَمُعٰوِيَةَ بْنَ اَبِي سُفْيٰانَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعٰوِيَةَ عَلَيْهِمْ

مِنْكَ اللَّعْنَةُ اَبَدَ الْاٰبِدِينَ وَهٰذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ

وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ

فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ

اِلَيْكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هٰذَا وَاَيَّامِ حَيٰوتِي بِالْبَرَاءَةِ

مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوَالاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پس صد مرتبه میگوئی اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ

ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلٰى ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ

الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

شَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلٰى قَتْلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا

پس صد مرتبه میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ وَ

عَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ

اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللّٰهُ

آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلٰى عَلِيِّ

بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلٰى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلٰى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

پس میگوئی اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ

ابْدَءْ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ ثُمَّ الرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

يَزِيدَ بْنَ مُعٰوِيَةَ خَامِسًا وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ

وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ اَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَ

آلَ مَرْوَانَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ پس بسجده میروی اَللّٰهُمَّ لَكَ

الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلٰى مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيمِ

رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ

لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

علقمه گفت که حضرت امام محمد باقر فرمود که اگر بتوانی هر روز آن حضرت را باین زیارت زیارت کنی بکن که جمیع این ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال بن خالد با جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آن

که حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته بودند از حیره بمدینه پیش از نماز پس چون نماز زیارت حضرت امیر المؤمنین
فارغ شد صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین ع و گفت که زیارت کنید
حضرت امام حسین ع را از همین مکان از بالای سر امیر المؤمنین ع که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
چنین کرده در رفتنی که من در خدمت آنجناب با همین مکان شریف آمده بودم پس صفوان خواند زیارتی
را که علقمه از حضرت امام محمد باقر ع برای روز عاشوراء روایت کرده است پس دو رکعت نماز ادا
کرده نزد سر امیر المؤمنین ع و وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را و رو به
جانب قبر حضرت امام حسین ع کرده و آن
حضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها
بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبَ
ای خدا ای خدا ای خدا ای پذیرنده

دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ يَا غِيَاثَ
دعای بیچارگان را ای برطرف کننده اندوه اندوهناکان ای فریادرس

الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ
فریادخواهندگان و ای دادرس ناله کنندگان و ای آنکه نزدیکتر است

اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا
بمن از رگ گردن و ای آنکه حایل است میان مرد و قلبش و ای

مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى وَبِالْاُفُقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ
آنکه او در جای بلندیست و در کناری هویدا و ای آنکه اوست بخشنده

الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ
مهربان او بر عرش مستولی است و ای آنکه میداند خیانت دیدها

وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَيَا مَنْ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ وَيَا مَنْ
و آنچه پوشیده سینها و ای آنکه پنهان نیست بر او پوشیده و ای آنکه

لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ وَيَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ
مشتبه نیست بر او آوازها و ای آنکه غلط نکند او را حاجتها

وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ
و ای آنکه بستوه نیاورد او را الحاح مبالغه کنندگان ای دریابنده هر فوت شده و ای گرد آورنده هر

شَمْلٍ وَيَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَيَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاْنٍ يَا قَاضِيَ
پراکنده و ای پدید کننده نفسها بعد از مرگ و ای آنکه او هر روز در کاریست ای برآورنده

الْحَاجَاتِ يَا مُنَفِّسَ الْكُرُبَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ يَا وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ
حاجتها ای زایل کننده اندوهها ای دهنده سؤالها ای روا کننده خواهشها

يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ
ای کفایت کننده مقصودها ای آنکه کفایت کند از همه چیزی و کفایت نکند از او چیزی

فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ
در آسمانها و زمین میخواهم از تو بحق محمد و علی و بحق فاطمه

بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَاِنِّي بِهِمْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ
دختر پیغمبرت و بحق حسن و حسین پس بدرستیکه من بایشان رو میکنم بسوی تو

فِي مَقَامِي هٰذَا وَبِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ اَتَشَفَّعُ اِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ
در این جایگاهم این و بایشان وسیله میجویم و بایشان شفاعت میخواهم بسوی تو و بحق ایشان

اَسْاَلُكَ وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ عَلَيْكَ وَبِالشَّاْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ
سؤال میکنم از تو و قسم میدهم و اهتمام مینمایم بر تو و بآن مرتبه که مر ایشان راست نزد تو

وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
و بآنچه قدر که ایشان راست نزد تو و بآنچه افزونی دادی ایشان را بر جهانیان

وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ
و بنام تو که گردانیدی آن را نزد ایشان و بآن برگزیدی ایشان را نزد

الْعَالَمِينَ وَبِهِ اَبَنْتَهُمْ وَاَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ
جهانیان و بآن جدا کردی ایشان را و جدا کردی زیادتی ایشان را از زیادتی جهانیان

حَتّٰى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
تا بالا گرفت افزونی ایشان افزونی جهانیان را که رحمت کنی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَتَكْفِيَنِي الْمُهِمَّ مِنْ
محمد و اینکه برداری از من غم و اندوه مرا و گرفتاریم را و باز داری مرا از اندوه از

اُمُورِي وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتُجِيرَنِي مِنَ
کارهایم و ادا کنی از من قرض مرا و پناه دهی مرا از احتیاج و پناه دهی مرا از

الْفَاقَةِ وَتُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْاَلَةِ اِلَى الْمَخْلُوقِينَ وَتَكْفِيَنِي هَمَّ
بی‌چیزی و بی‌نیاز کنی مرا از سؤال کردن بسوی آفریدگان و کفایت کنی و باز داری مرا از اندوه

مَنْ اَخَافُ هَمَّهُ وَعُسْرَ مَنْ اَخَافُ عُسْرَهُ وَحُزُونَةَ مَنْ اَخَافُ
هر که میترسم اندوه او را و دشواری هر که میترسم دشواری او را و درشتی آنکه میترسم

حزونته وشر من اخاف شره ومكر من اخاف مكره وبغي
من اخاف بغيه وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف
سلطانه وكيد من اخاف كيده ومقدرة من اخاف
بلاء مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة ومكر
المكرة اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني فكده
واصرف عني كيده ومكره وباسه واما نيه وامنعه عني
كيف شئت وانى شئت اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره و
ببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافيه و
ذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل
نصب عينيه وادخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم
في بدنه حتى تشغله عني بشغل شاغل لا فراغ له وانسه
ذكري كما انسيته ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه
ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه وادخل عليه

في جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا
شاغلا به عني وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا
يكفي سواك فانك الكافي لا كافي سواك ومفرج لا
مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار سواك
خاب من كان رجاؤه سواك ومغيثه سواك ومفزعه
الى سواك ومهربه وملجاؤه الى غيرك ومنجاه من مخلوق
غيرك فانت ثقتي ورجائي ومفزعي ومهربي وملجاي و
منجاي فبك استفتح وبك استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه
اليك واتوسل واتشفع فاسئلك يا الله يا الله يا الله
فلك الحمد ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان
فاسئلك يا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي في مقامي هذا كما
كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه وكفيته هول عدوه

فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ
وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا اَخَافُ هَوْلَهُ
وَمُؤْنَةَ مَا اَخَافُ مُؤْنَتَهُ وَهَمَّ مَا اَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مُؤْنَةٍ
عَلَى نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَكِفَايَةِ
مَا اَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
وَيَا اَبَا عَبْدِ اللهِ عَلَيْكُمَا سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَ
النَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَلَا فَرَّقَ
اللهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِي حَيٰوةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَ
اَمِتْنِي مَمَاتَهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ
وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَتَيْتُكُمَا وَ[illegible]
تَوَجَّهْتُ اِلَى ضَرِيحِكُمَا بِكَوْنِ زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا اِلَى اللهِ رَبِّي وَ
وَمُتَوَجِّهًا اِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا اِلَى اللهِ فِي حَاجَتِي هٰذِهِ

فَاشْفَعَا لِي فَاِنَّ لَكُمَا عِنْدَ اللهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ
الْوَجِيهَ وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ اِنِّي اَنْقَلِبُ عَنْكُمَا
مُنْتَظِرًا لِتَنَجُّزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا مِنَ اللهِ بِشَفَاعَتِكُمَا
لِي اِلَى اللهِ فِي ذٰلِكَ فَلَا اَخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا
خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا
مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشَفَّعَا لِي اِلَى اللهِ اِنْقَلَبْتُ
عَلَى مَا شَاءَ اللهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ مُفَوِّضًا اَمْرِي اِلَى
اللهِ مُلْجِئًا ظَهْرِي اِلَى اللهِ وَمُتَوَكِّلًا عَلَى اللهِ وَاَقُولُ حَسْبِيَ اللهُ
وَكَفَى سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي
مُنْتَهَى مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللهِ اَسْتَوْدِعُكُمَا اللهَ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي اِلَيْكُمَا
اِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ وَاَنْتَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ يَا
سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

وَاَوْصِلْ ذلِكَ اِلَيْكُما غَيْرَ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامي اِنْ شاءَ اللّهُ وَ

و برسان این را بسوی شما نه ممنوع از شما درود مرا اگر خواهد خدا و

اَسْئَلُهُ بِحَقِّكُما اَنْ يَشاءَ ذلِكَ وَيَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ

سؤال میکنم او را بحق شما آنکه بخواهد این را و بکند بدرستیکه او ستوده بزرگوار است

اِنْقَلَبْتُ يا سَيِّدَيَّ عَنْكُما تائِباً حامِداً لِلّهِ شاكِراً راجِياً

بازگشتم ای آقایانم از شما بازگردنده ستاینده مر خدا را سپاس گذار امیدوار

لِلاِجابَةِ غَيْرَ آيِسٍ وَلا قانِطٍ آئِباً عائِداً راجِعاً اِلى زِيارَتِكُما

مر اجابت را نه مأیوس و نه نومید رجوع کننده عود کننده بازگردنده بسوی زیارت شما

بَلْ راجِعٌ عائِدٌ اِنْ شاءَ اللّهُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ يا سادَتي

بلکه بازگردنده عود کننده اگر خواهد خدا و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدا ای آقایان من

رَغِبْتُ اِلَيْكُما وَاِلى زِيارَتِكُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فيكُما وَفي زِيارَتِكُما

رغبت کردم بشما و بزیارت شما بعد از آنکه بی رغبت بودند در شما و در زیارت شما

اَهْلُ الدُّنْيا فَلا خَيَّبَنِيَ اللّهُ مِمّا رَجَوْتُ وَما اَمَّلْتُ في

اهل دنیا پس نومید نگرداند مرا خدا از آنچه امید دارم و آنچه آرزو دارم در

زِيارَتِكُما اِنَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ

زیارت شما بدرستیکه او نزدیک اجابت کننده است

سیف بن عمیره گفت که من بصفوان گفتم که علقمة ابن محمد این زیارت را از حضرت امام محمد باقر ع از برای ما روایت کرد و این دعا را نقل نکرد و صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود امام جعفر صادق ع باین مکان پس کرد همین مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز کرده بود و رابجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق ع بمن گفت که تعاهد کن این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش باین حضرت برسد و محجوب نگردد و هر حاجتی که از خدا بطلبد بر آورده گردد هر چند حاجتش بزرگ باشد زیارت را با همین ضامنی از پدر شنیدم و پدرم از علی بن الحسین ع با همین ضامنی و او از امام حسین ع با همین ضامنی و او از امام حسن ع با همین ضامنی و او از پدرش امیر المؤمنین ع با همین ضامنی و از رسول خدا با همین ضامنی و رسول خدا از جبرئیل ع با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی و بتحقیق که خدا بذات مقدس خود قسم خورده است که هر که حضرت امام حسین ع باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد بر آورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از درگاه من نا امید بر نگردد و او را برگردانم شاد و خوشحال بر آمدن حاجتش و فایز شدن ببهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش

قبول کنم مگر کسیکه دشمن ما اهل بیت باشد گواه گرفت خدا ما را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله خدا مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی امیر المؤمنین ع و فاطمه ع و حسن ع و حسین ع و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت صادق ع فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب که البته بر آورده میشود و خدا خلف وعده خود نمیفرماید **مؤلف گوید** که چون عبارت حدیث شریف تشویش عظیمی دارد و قابل احتمال بسیار هست اگر کسی زیارت اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّهِ را تا وآل نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت بکند و باز همان زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعنت یا دیگر نماز بکند و بعد از صد مرتبه سلام باز دیگر نماز بکند و متصل بسجده رود و بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده شود و اگر اول یکی از این زیارات معتبره را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین ع را با این زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر گاه این زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین ع بعمل آورد و چون در حدیث مجوز کردن این زیارت در وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا کند بجای اَللّهُمَّ اِنَّ هذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ بگوید اَللّهُمَّ اِنَّ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِ يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ

فصل سیم در سایر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتی است که بسند صحیح عبد الله بن سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق ع در روز عاشورا و آنحضرت را شکسته رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیده های آنحضرت مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیده های شما را گریان نگرداند فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل این روز حضرت امام حسین ع شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائید در باب روزه فرمود که روزه بدار بدون آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و بگیر روز تمام روزه مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیک ساعت بشربتی از آب زیرا که در این وقت جنگ برطرف شد از آل رسول و در زمین بی

نفر از اهل بیت و موالیان ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت اهل حضرت رسالت
بود و اگر آنحضرت در دنیا میبود باید آنحضرت را برای ایشان تعزیت بگویند پس
آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که
بهترین کاریکه در این روز بکنی آنستکه جامههای پاکیزه بپوشی و بندها را بگشائی
و آستینها را تا مرفق بگیری بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان
یا بجائی که کسی تو را نبیند یا خانه خلوتی از برای تعبیه از سنبان در وقت چاشت
پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت
سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بخوانی
و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد
از حمد سوره احزاب بخوانی و در رکعت دوم اذا جاءك المنافقون و اگر اینها را ندانی
هر سوره که تو را بخوان پس بگردانی روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و
بخاطر آوری شهادت امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب او را و سلام کنی
بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایتی بگو هزار
مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که هر لعنی هزار حسنه برای تو نوشته شود و هزار
گناه از تو محو شود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند شود و بهتر آنستکه هزار
مرتبه بگوئی اللّٰهمّ العن قتلة الحسین و اصحابه پس فرمود که بعد از آن از موضع
ایستاده چند گام پیش روی و بگوئی اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ رِضًا بِقَضائِهِ وَ
تَسْلیمًا لِاَمْرِهِ و اگر هفت مرتبه چنین کنی بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال
باید که محزون و غمناک و گریان باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی
اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذینَ شاقُّوا
بار خدایا عذاب کن بدکاران را آنانکه مخالفت کردند
رَسُولَكَ وَحارَبُوا اَوْلِیاءَكَ وَعَبَدُوا غَیْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا
رسول تو را و محاربه کردند دوستان تو را و پرستش کردند غیر تو را و حلال کردند
مَحارِمَكَ وَالْعَنِ الْقادَةَ وَالْاَتْباعَ وَمَنْ کانَ مِنْهُمْ
حرامهای تو را و لعنت کن پیشروان و پس روان و هر که باشد از ایشان
فَخَبَّ وَاَوْضَعَ مَعَهُمْ اَوْ رَضِیَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا کَثیرًا اَللّٰهُمَّ
پس شتاب کرد بسبب آن یا راضی شد بکردار ایشان لعنتی بسیار بار خدایا

وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَ
شتاب کن فرج آل محمد را و بگردان رحمتهای تو را بر او و بر ایشان
اسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ اَیْدِی الْمُنافِقینَ وَالْمُضِلّینَ وَالْکَفَرَةِ الْجاحِدینَ
برهان ایشان را از دستهای دورویان و گمراهان و کافران منکران
وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا یَسیرًا وَاَتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَریبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ
و بگشا برایشان گشایشی آسان و مهیا کن برای ایشان آسایش و شادی نزدیک و بگردان برای ایشان
مِنْ لَدُنْكَ عَلی عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطانًا نَصیرًا
از نزد تو بر دشمن تو و دشمن ایشان حجتی یاری کننده
پس بشتاب بعجله و فضا کن دشمنان آل محمد را و بگو
اَللّٰهُمَّ اِنَّ کَثیرًا مِنَ الْمُسْتَحْفِظینَ مِنَ الْاَئِمَّةِ وَکَفَرَتْ بِالْکَلِمَةِ
بار خدایا بدرستیکه بسیاری نگاهداران از امت را کافر شدند بکلمه ایشان
وَعَکَفَتْ عَلَی الْقادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْکِتابَ وَالسُّنَّةَ وَ
و اقامت نمودند بر پیروان ستمکار و دوری گزیدند از کتاب و سنت را و
عَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَیْنِ الَّذَیْنِ اَمَرْتَ بِطاعَتِهِما وَالتَّمَسُّكِ بِهِما
برگشتند از دو رشته که فرمودی بطاعت کردن آن دو و چنگ زدن بآن
فَاَماتَتِ الْحَقَّ وَحادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمالَأَتِ الْاَحْزابَ وَ
پس میراندند حق را و برگشتند از راه راست و یاری کردند گروهها را
حَرَّفَتِ الْکِتابَ وَکَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمّا جاءَها وَتَمَسَّکَتْ بِالْباطِلِ
تغییر دادند کتاب را و کافر شدند بحق چون آمد ایشان را و چنگ زدند به بیهوده
لَمَّا اعْتَرَضَها وَضَیَّعَتْ حَقَّكَ وَاَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ
چون فرا پیش آمد ایشان را و نابود کردند حق تو را و گمراه کردند خلق ترا و کشتند
اَوْلادَ نَبِیِّكَ وَخِیَرَةَ عِبادِكَ وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ وَوَرَثَةَ حِکْمَتِكَ
فرزندان پیغمبر تو را و برگزیده بندگانت را و بردارندگان علم تو را و میراث بران حکمت تو را
وَوَحْیِكَ اَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ اَقْدامَ اَعْدائِكَ وَاَعْداءِ رَسُولِكَ
و وحی تو را بار خدایا پس بلرزان قدمهای دشمنان خود را و دشمنان پیغمبرت را
وَاَهْلِ بَیْتِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ وَاَخْرِبْ دِیارَهُمْ وَاَفْلِلْ سِلاحَهُمْ
و اهل خانه پیغمبرت را بار خدایا و خراب کن خانههای ایشان را

وَخالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فى اَعْضادِهِمْ وَاَوْهِنْ كَيْدَهُمْ

اِضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقاطِعِ وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدّامِغِ وَطُمَّهُمْ

بِالْبَلاءِ طَمّاً وَعُمَّهُمْ بِالْبَلاءِ عَمّاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً

بِالسِّنينَ وَالْمَثُلاتِ الَّتى اَهْلَكْتَ بِها اَعْداءَكَ اِنَّكَ ذُو

نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمينَ اَللّـٰهُمَّ اِنَّ سُنَّتَكَ ضائِعَةٌ وَاَحْكامَكَ

مُعَطَّلَةٌ وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِى الْاَرْضِ هائِمَةٌ اَللّـٰهُمَّ فَاَعِنِ الْحَقَّ وَ

اَهْلَهُ وَاقْمَعِ الْباطِلَ وَاَهْلَهُ وَمُنَّ عَلَيْنا بِالنَّجاةِ وَاهْدِنا

اِلَى الْاِيمانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنا وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ اَوْلِيائِكَ وَاجْعَلْهُمْ

لَنا وُدّاً وَاجْعَلْنا لَهُمْ وَفْداً اَللّـٰهُمَّ وَاَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ

قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ عيداً وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحاً وَ

مَرَحاً وَخُذْ آخِرَهُمْ كَما اَخَذْتَ اَوَّلَهُمْ وَضاعِفِ اللّـٰهُمَّ الْعَذابَ

وَالتَّنْكيلَ عَلى ظالِمى اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَاَهْلِكْ اَشْياعَهُمْ

وَقادَتَهُمْ وَاَبِرْ حُماتَهُمْ وَجَماعَتَهُمْ اَللّـٰهُمَّ وَضاعِفْ صَلَواتِكَ

وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكاتِكَ عَلى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِتْرَةِ الضّائِعَةِ الْخائِفَةِ

الْمُسْتَذَلَّةِ بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزّاكِيَةِ الْمُبارَكَةِ وَاَعْلِ

اَللّـٰهُمَّ كَلِمَتَهُمْ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ وَاكْشِفِ الْبَلاءَ وَاللَّأْواءَ وَحَنادِسَ

الْاَباطيلِ وَالْعَمى عَنْهُمْ وَثَبِّتْ قُلُوبَ شيعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلى

طاعَتِكَ وَوِلايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ وَاَعِنْهُمْ وَامْنَحْهُمُ

الصَّبْرَ عَلَى الْاَذى فيكَ وَاجْعَلْ لَهُمْ اَيّاماً مَشْهُودَةً وَاَوْقاتاً

مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فيها فَرَجَهُمْ وَتُوجِبُ فيها تَمْكينَهُمْ

وَنَصْرَهُمْ كَما ضَمِنْتَ لِاَوْلِيائِكَ فى كِتابِكَ الْمُنْزَلِ فَاِنَّكَ قُلْتَ

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَعَدَ اللهُ الَّذينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ

لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِى ارْتَضى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ

اَمْناً يَعْبُدُونَنى لا يُشْرِكُونَ بى شَيْئاً اَللّـٰهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ

يا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ اِلّا هُوَ يا واحِدُ يا اَحَدُ يا حَىُّ

يا قيوم وانا يا الهي عبدك الخائف منك والراجع اليك

السائل لك المقبل عليك الى فنائك العالم بانه لا

ملجأ منك الا اليك اللهم فتقبل دعائي واسمع ندائي

يا الهي علانيتي ونجواي واجعلني ممن رضيت عمله وقبلت

نسكه ونجيته برحمتك انك انت العزيز الكريم اللهم و

صل اولا وآخرا على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد

وارحم محمدا وآل محمد باكمل وافضل ما صليت وباركت و

ترحمت على انبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك

بلا اله الا انت اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد وآل محمد

صلواتك عليه وعليهم واجعلني من شيعة محمد وعلي وفاطمة و

الحسن والحسين وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك

بحبلهم والرضا بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم

يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت

پس بعد روی خود را بر طرف روی خود را بر خاک بگذار و بگو

فلك الحمد محمودا مشكورا فعجل فرجهم يا مولاي وفرجنا بهم

فانك ضمنت اعزازهم بعد الذلة وتكثيرهم بعد القلة

واظهارهم بعد الخمول يا اصدق الصادقين ويا ارحم

الراحمين فاسألك يا الهي وسيدي متضرعا اليك بجودك

وكرمك بسط املي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره

والزيادة في ايامي وتبليغي ذلك المشهد وان تجعلني ممن

يدعى فيجيب الى طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وتريني ذلك

قريبا سريعا في عافية انك على كل شيء قدير

پس سر خود را بسوی آسمان بلند کن و بگو

اعوذ بك ان اكون من الذين لا يرجون ايامك فاعذني

يا الهي برحمتك من ذلك

چون چنین گفتی این عمل بجا آوردی از برای تو اجر بسیار و عمرهای بسیار که مال بسیار در این عمل ... و بدن خود را در آن با تعب ... و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدان که کسی که این نماز را در این روز و ابتدا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورد خداوند خصلت با و عطا کند که از جملهٔ آنها آنکه او را از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و نامردن دشمنی برا و مسلط نکرد و نگاه دارد او را از خوره و دیوانگی و پیسی در خودش و فرزندانش تا چهار پشت و شیطان را و دوستان و یاوران شیطان را مسلط نکرداند بر او و بر نسل او تا چهار پشت و زیارت دیگر زیارت است که مشتمل است بر شهدا و متضمن نعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم هست و مناسب است که در این روز خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد

السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام
عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث ابراهيم
خليل الله السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام
عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث
محمد حبيب الله السلام عليك يا وارث علي امير المؤمنين
السلام عليك يا وارث الحسن الشهيد سبط رسول الله
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن البشير
النذير وابن سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة
سيدة نساء العالمين السلام عليك يا ابا عبد الله السلام
عليك يا خيرة الله وابن خيرته السلام عليك يا ثار الله وابن
ثاره السلام عليك ايها الوتر الموتور السلام عليك ايها الامام
الهادي الزكي وعلى ارواح حلت بفنائك واقامت في جوارك
ووفدت مع زوارك السلام عليك مني ما بقيت وبقي

الليل والنهار فلقد عظمت بك الرزية وجل المصاب في
المؤمنين والمسلمين وفي اهل السموات اجمعين وفي سكان
الارضين فانا لله وانا اليه راجعون وصلوات الله و
بركاته وتحياته عليك وعلى آبائك الطيبين المنتجبين
وعلى ذراريهم الهداة المهديين السلام عليك يا مولاي
وعليهم وعلى روحك وعلى روحهم وعلى تربتك وعلى
تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وريحانا السلام
عليك يا مولاي يا ابا عبد الله يا ابن خاتم النبيين ويا ابن
سيد الوصيين ويا ابن سيدة نساء العالمين السلام عليك
يا شهيد يا ابن الشهيد يا اخ الشهيد يا ابا الشهداء اللهم
بلغه عني في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الوقت
وفي كل وقت تحية كثيرة وسلاما سلام الله عليك ورحمة
الله وبركاته يا ابن سيد العالمين وعلى المستشهدين

مَعَكَ سَلاماً مُتَّصِلاً ما اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ اَلسَّلامُ عَلَى
با تو درود پیوسته مادام که پیوسته است شب و روز درود بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ
حسین پسر علی شهید درود بر علی پسر حسین شهید

اَلسَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلَى
درود بر عباس فرزند امیر المؤمنین شهید درود بر

الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ
شهیدان از فرزندان امیر مومنان درود بر شهیدان از فرزندان

الْحَسَنِ اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ عَلَى
حسن درود بر شهیدان از فرزندان حسین درود بر

الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقيلٍ اَلسَّلامُ عَلى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ
شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل درود بر شهید شده با

مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنّي
ایشان از گروندگان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برسان از من

تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ اَحْسَنَ
درودی بسیار و سلام درود بر تو ای رسول خدا نیکو گرداند

اللهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ
خدا برای تو عزا را در فرزندت حسین درود بر تو ای فاطمه

اَحْسَنَ اللهُ لَكِ الْعَزاءَ في وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا
نیکو گرداند خدا بر تو صبر را در فرزندت حسین درود بر تو ای

اَميرَ الْمُؤْمِنينَ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ ع
امیر المؤمنین نیکو گرداند خدا بر تو صبر را در فرزندت حسین ع

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزاءَ في
درود بر تو ای پدر محمد حسن نیکو گرداند خدا برای تو عزا را در

اَخيكَ الْحُسَيْنِ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَنَا ضَيْفُ اللهِ وَ
برادرت حسین ای آقایم ای ابا عبد الله منم مهمان خدا

ضَيْفُكَ وَجارُ اللهِ وَجارُكَ وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجارٍ قِرىً وَ
مهمان تو و همسایه خدا و همسایه تو و هر مهمانی و همسایه را ضیافتی است

قِرايَ في هذَا الْوَقْتِ اَنْ تَسْاَلَ اللهَ تَبارَكَ وَتَعالى اَنْ يَرْزُقَني
ضیافت من در این وقت آنست که سؤال کنی خدا را که برکت دهد و برتر است که روزی کند

فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ اِنَّهُ سَميعُ الدُّعاءِ قَريبٌ مُجيبٌ
رهایی گردن مرا از آتش بدرستی که او شنونده دعا است نزدیک اجابت کننده است

و شیخ مفید ره گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه ع و امیر المؤمنین ع واقع شد تا بدکه این روز را برای شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی ره گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن کعبه آمده بودند بر گشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین بعالم اعلی ارتحال نمود

باب هفتم

در اعمال ماه صفر است این ماه مشهور است بنحوست و وجه مشهور اینست اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه در این ماه واقع شده است دوم آنکه در بیست و هشتم ماه مذکور که اشهر حرم چون عرب قتال نمیکردند در این ماه شروع بقتال کرده اند لهذا نحس شمرده اند و در اخبار شیعه نیز بایام چهارشنبه که در آخر ماه نحوست کند در روایت غیر معتبره وارد شده است و سید بن طاوس ره از بعضی از کتب معتبره روایت کرده است که در روز سیم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در رکعت دوم سوره توحید بعد از سلام صد مرتبه بگویند اللهم صل على محمد وآل محمد و صد مرتبه اللهم العن آل ابي سفيان و صد مرتبه استغفر الله واتوب اليه روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین روز چهلم شهادت حضرت امام حسین ع و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری ع روایت کرده اند که علامات مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز از فریضه و نافله گزاردن و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده شکر بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن و کیفیت زیارت اربعین منقول است از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت صادق ع بمن گفت در زیارت اربعین بعد از بلند شدن روز باشد و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلى وَلِيِّ اللهِ وَحَبيبِهِ اَلسَّلامُ عَلى خَليلِ اللهِ وَ
درود بر دوست خدا و دوست او درود بر دوست خدا و

نَجيبِهِ اَلسَّلامُ عَلى صَفِيِّ اللهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ
برگزیده او درود بر برگزیده خدا و پسر برگزیده او درود بر حسین ستمکرده شده

الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلى اَسيرِ الْكُرُباتِ وَقَتيلِ الْعَبَراتِ اَللّهُمَّ
شهید درود بر دستگیر اندوهها کشته شده اشکها خدایا

اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّكَ وَابْنُ وَلِیِّكَ وَصَفِیُّكَ وَابْنُ صَفِیِّكَ

الْفائِزُ بِكَرامَتِكَ اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ

وَاجْتَبَیْتَهُ بِطیبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ

وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَیْتَهُ مَوارِیثَ

الْاَنْبِیاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلی خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِیاءِ فَاَعْذَرَ

فِی الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیكَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ

مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْهِ مَنْ غَرَّتْهُ

الدُّنْیا وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنی وَشَری آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ

الْاَوْكَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّی فی هَواهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِیَّكَ

وَاَطاعَ مِنْ عِبادِكَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ

الْمُسْتَوْجِبینَ النّارَ فَجاهَدَهُمْ فیكَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّی سُفِكَ

فی طاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ اَللّٰهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً

وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَلیماً اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ سَیِّدِ الْاَوْصِیاءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمینُ اللّٰهِ

وَابْنُ اَمینِهِ عِشْتَ سَعیداً وَمَضَیْتَ حَمیداً وَمُتَّ فَقیداً مَظْلُوماً

شَهیداً وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكَ ما وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ

خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ

وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللّٰهِ حَتّی اَتاكَ الْیَقینُ فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ

قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ

فَرَضِیَتْ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُكَ اَنّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاهُ وَعَدُوٌّ

لِمَنْ عاداهُ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ

نُوراً فِی الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ

الْجاهِلِیَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِیابِها

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّینِ وَاَرْكانِ الْمُسْلِمینَ وَمَعْقِلِ

الْمُؤْمِنینَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الزَّكِیُّ

الْهادِی الْمَهْدِیُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ

ماه صفر

التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل

الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم

عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ونصرتي لكم

معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم صلوات الله عليكم

وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم

وباطنكم آمين رب العالمين

السلام عليك يابن رسول الله السلام

عليك يابن علي المرتضى وصي رسول الله السلام عليك

يابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك

يا وارث الحسن الزكي السلام عليك يا حجة الله في ارضه

وشاهده على خلقه السلام عليك يا ابا عبد الله

الشهيد السلام عليك يا مولاي وابن مولاي اشهد انك

قد اقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف و

نهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله حتى اتيك اليقين

واشهد انك على بينة من ربك اتيتك يا مولاي

زائرا وافدا راغبا مقرا لك بالذنوب هاربا اليك من الخطايا

لتشفع لي عند ربك يابن رسول الله صلى الله عليك حيا

وميتا فان لك عند الله مقاما معلوما وشفاعة مقبولة

لعن الله من ظلمك ولعن الله من قصد حرمتك وغصب

حقك ولعن الله من قتلك ولعن الله من خذلك ولعن

الله من دعوته فلم يجبك ولم يعنك ولعن الله من منعك

من حرم الله وحرم رسول الله وحرم ابيك واخيك و

لعن الله من منعك من شرب ماء الفرات لعنا كثيرا يتبع

بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب

والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون

وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون اللهم لا

نجعله آخر العهد من زیارته و ارزقنیه ابداً ما بقیت و
گردان او را آخر عهد از زیارت او و روزی کن او را همیشه مادام که هستم
وحییت یا رب و ان مت فاحشرنی فی زمرته یا ارحم الراحمین
و زنده کانی کنم ای پروردگار من و اگر بمیرم پس برانگیز مرا در گروه او ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و اگر زیارت ناخر روز عاشورا را نیز در این روز بخوانند مناسب است بدانکه مشهور آنست که سبب تاکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که در این روز حضرت امام زین العابدین ع با سایر اهل بیت بعد از مراجعت از شام بکربلای معلی وارد شده اند و سرهای مقدس شهدا را به بدنهای ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که در این روز اهل بیت وارد مدینهٔ طیبه شده اند این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین ع باعجاز و طی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها را ببدنها ملحق کرده باشند و این هم که گفتند ما روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافی آنست فی الجمله با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسیکه از صحابهٔ حضرت رسالت ص بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبدالله انصاری بود و او در این روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت میتواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز شده باشد و شاید وجوه دیگر نیز داشته باشد که بر ما مخفی باشد و چون فرموده اند که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سببش ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا ص در روز بیست و هشتم ماه صفر واقع شد و شیخ طوسی و جمع دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی ع نیز در این روز واقع شد پس هنگام بمراسم تعزیت این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست و بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبهٔ آخر ماه صفر شهرتی دارد و در کتب معتبرهٔ عامه و خاصه چیزیکه دلالت بر این کند بنظر نرسید و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبهٔ آخر هر ماه وارد شده است و چون این ماه بنا بر اینها که مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهار

شنبهٔ آخر آن نحوستش از سایر چهارشنبهها بیشتر باشد اگر در آن روز از احتراز از طیره استدفاع بلا با تصدقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که این کفاره طیره است مناسب است و اگر بلائی متوجه باشد باینها دفع میشود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند بلهو و لعب و سور و سرور و شادی و ساز و ساز و ملاهی مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و نقد بلاها گردد

باب هشتم در بیان فضایل اعمال و ایام ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است

فصل اول در فضیلت و اعمال روز اول ماه روز شانزدهم است شیخ طوسی و شیخ مفید و دیگران گفته اند که حضرت رسالت پناه ص در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت امیرالمؤمنین جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول ص کرد و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان و بر همگنان ظاهر گردید که خدا با ملائکه سموات با آنحضرت مباهات نمود و آیهٔ کریمهٔ و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله در شان او نازل شد چنانکه تفصیلش در جوة القلوب مذکور است و چون خدا آن دو جان مقدس نبیا را از کید کافران حفظ کرد گفته اند که روزه آنروز اول ماه ربیع الاول است مستحب است که برای شکر این نعم عظیمه و نعمتها و هر چند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند اما زیارت حضرت رسول ص و حضرت امیرالمؤمنین ع در این روز مناسب است بجهاتی که مذکور شد شیخ طوسی ره و مصباح گفته است که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری ع بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر ع بمنصب جلیل امامت فایز گردید پس زیارت این دو امام غالب مقدار نیز در این روز مناسب است اما شیخ ره در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید و غیر ایشان گفته اند که وفات حضرت امام حسن عسکری ع در روز هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت آن دو بزرگوار اولی است و اما روز نهم این ماه بدانکه میان علمای خاصه و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب خلاف است مشهور میان فریقین آنستکه قتل عمر در روز بیست و ششم ماه ذی حجه واقع

شده چنانچه سابقا اشاره بان شد بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این قول
ظاهرا همین جا است و از کتب معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال در میان عوام
شیعه مشهور است قتل او در روز نهم ماه ربیع الاول واقع شده است و سابقا
میان جمعی از علمای شیعه نیز چنین مشهور است و سید بزرگوار علی بن طاوس ره
در کتاب اقبال اشاره نموده است بانکه ابن بابویه روایت از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت کرده است که عمر در روز نهم ربیع الاول کشته شده است و از نقل
او چنان مفهوم میشود که شیخ صدوق قدس سره چنین اعتقاد داشته است هر چند سید
خود این حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از
شیعیان عجم پیوسته آن روز را بسبب تعظیم و تکریم مینموده اند و خلف بزرگوار سید علی
بن طاوس در کتاب زوائد الفوائد این مذهب را تقویت کرده است و روایت معتبر
در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که روایت کرده اند محمد بن ابی العلاء
همدانی و یحیی بن محمد بن جریج بغدادی که روزی با هم منازعه کردیم در باب قتل عمر بن
الخطاب و رفتیم بشهر قم نزد احمد بن اسحق قمی که از خواص اصحاب حضرت امام علی النقی
و امام حسن عسکری ع بود و بخدمت حضرت صاحب الامر ع نیز رسیده بود و چون در
را کوبیدیم دختر عراقیه بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم گفت که او
امروز مشغول اعمال عید است و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان
الله عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن
دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی النقی ع روایت میکند که امروز عید
و بهترین عیدها است نزد اهل بیت رسالت و شیعیان ایشان گفتیم پس رخصت
بطلب تا نزد او رویم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد [illegible] لنگی بسته بود
و عبائی بر خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم این چه حالت است
که در تو مشاهده میکنیم گفت که الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر
عید است گفت بلی پس ما را بخانه خود در آورد و بر کرسیها نشاند و گفت روزی
با جمعی از برادران خود نزد مولای خود امام حسن عسکری ع رفتیم در سر من رای در
مثل این روز که شما نزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت آنحضرت رسیدیم
دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک

خود عود در آن مجمره میاندازد و مجلس خود را معطر کرده است بر غلامان و کنیزان
خود جامه های فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدر و مادر ما فدای
تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه روی داده است حضرت فرمود
که کدام روز حرمتش نزد اهل بیت از این روز زیادتر است پدرم خبر داد مرا
پدرم که حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم حضرت رسول
خدا ص حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین ع و امام حسن ع و امام حسین
را که با حضرت رسالت پناه ص طعام تناول میفرمودند و آنحضرت بر روی ایشان تبسم
مینمود و با امام حسن ع و امام حسین ع میگفت بخورید گوارا باد از برای شما برکت و
سعادت این روز زیرا که این روزی است که خدا هلاک میکند در این روز دشمن
خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که امروز
روزیست که خدا در این روز قبول میکند اعمال محبان و شیعیان شما را بخورید که امروز
روزیست که ظاهر میشود راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا
ظَلَمُوا یعنی این است خانهای ایشان که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید
که این روزیست که شکسته میشود در این روز شوکت دشمنان جد شما و یاری
کننده دشمن شما را بخورید که این روزیست که هلاک میشود در این روز هلاک
شود فرعون اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید
که این روزیست که خدا عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند حذیفه
گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمت منهم
نماید حضرت فرمود که ای حذیفه جبتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد
و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد
کرد و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خواهد کشید و مردم را از راه خدا منع خواهد
کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند
مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من
علی بن ابی طالب ع خواهد کرد و مالهای خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد و
در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادرم و وزیر من علی را بدروغ
نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد پس دختر من او را

نفرین خواهد کرد و خدا نفرین او را در این روز مستجاب خواهد کرد حذیفه گفت یا
رسول الله چرا دعا نمیکنی که خدا او را در حیات تو هلاک گرداند حضرت فرمود
که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر قضای خدا و از او طلب کنم تغییر
امری را که در علم او گذشته است ولیکن از خدا سؤال کردم که فضیلت دهد آن
روزی را که در آن روز او را بجهنم میفرستد بر سایر روزها تا آنکه احترام آن روز
سنتی گردد در میان دوستان من و دوستان و شیعیان اهل بیت من پس
خدا وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که دریابد تو را و
اهل بیت تو را محنتهای دنیا و بلاها و ستمهای منافقان و غصب کنندگان
از بندگان من آن منافقانی که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و تو با
ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی
و ایشان دشمنی تو را بدل گرفتند و تو ایشان را خوشنود کردی و ایشان
تو را تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی و ایشان تو را در بلیه گذاشتند
و سوگند یاد میکنم بحول و قوه و پادشاهی خود که البته بگشایم بروح کسی که غصب
کند حق تو را که بعد از تو خلیفه شود هزار در از پستترین طبقهای جهنم که او را
فیلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جای دهم که شیطان از دریچه
خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و آن منافق را در قیامت عبرت گردانم
برای فرعونها که در زمان پیغمبران دیگر بودند و برای سایر دشمنان دین و
ایشان و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیدهای کبود و روهای ترش با نهایت
مذلت و خواری و پشیمانی و ایشان را ابد الآباد در عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد
علی بمنزلت تو مگر با محنه میرسد باو از بلاها از فرعونها و غصب کننده حق او که
جرأت بمن میکند و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن میآورد و مردم را منع میکند از
راه رضای من و گوساله از برای امت تو برپا میکند که از او کافر
میشود بمن بعرش عظمت و جلال من که بدرستیکه امر کرده ام ملائکه هفت
آسمان خود را که برای شیعیان و محبان دین شما عید کنند در روزی که او
کشته میشود و امر کردم ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور
و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان

آدم و امر کرده ام ملائکه تو بنویسند گناهان اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم
بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را
عید گردانیدم برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان
و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بر خود بعزت و جلال و علو منزلت و مکان
خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بعرش
احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر گشاده کند
دست بر خود و عیال خود در این روز و هر سال در این روز صد هزار هزار کس از موالیان
و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد کردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان
ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست رسول خدا و بخانه ام سلمه رفت و من
برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر دومی تا آنکه بعد از وفات رسول خدا دیدم که او
چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار نمود و از دین برگشت و دامان بی حیائی
و وقاحت برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت
زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد
و شهادت حضرت امیر المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را دروغ گو نسبت
داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور
دیده مصطفی را بخشم آورد و رضاجوئی اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول
را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین کرد و جور و ستم را در میان مردم علانیه کرد
و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه خدا حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد
که از پوست شتر درهم و دینار بسازند و خرج کنند و در پهلو و شکم فاطمه زهرا زد
و بر منبر حضرت رسالت بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت امیر المؤمنین افترا
بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را سفاهت نسبت داد حذیفه گفت
که پس خدا دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کرد
و قتل او را بر دست کشنده او جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیر المؤمنین
که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد بگویم بآنکه آن منافق کشته شد و بعذاب خدا واصل
گردید چون آنحضرت مرا دید گفت ای حذیفه یاد در خاطر داری آن روز را که آمدی بنزد
سید خود رسول خدا و من و دو سبط او حسن و حسین در نزد او نشسته بودیم

وبا او طعام میخوردیم پس نوزاده لشکر بر فضیلت این روز کفتم بلی این روز روز
خدا حضرت فرمود که بخدا سوکند که این روزیست که خدا در آن دیدهٔ الرسول را
روشن کردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه کفت یا امیر
المؤمنین میخواهم این نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت
مؤمنانست از شر منافقان امان یافتند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر
دوم است و روز تخفیف کناهان شیعیان است و روز اختیار نیکوئی برای مؤمنان
و روز برداشتن قلم از شیعیان است و روز بر هم شکستن بنای کفر و عدوان است
و روز برکات است و روز عافیت است و روز طلب خونهای مؤمنان است و روز عید
بزرکست و روز مستجاب شدن دعا است و روز موقف اعظم است و روز وفای بعهد
است و روز شرطست و روز کندن جامهٔ سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز
شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز
اعمال کافرانست و روز ظهور قدرت خدا است و روز عفو از کناه شیعیانست
و روز فرح ایشانست روز توبه است و روز انابه بسوی خدا است و روز زکوة
بزرکست و روز فطر دوم است و روز اندوه یاغیانست و روز کره شدن آب
دهان در کلوی مخالفانست و روز خوشنودی مؤمنانست و روز عید اهل
است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل است بر فرعون و روز مقبول شدن اعمال شیعیان
است و روز پیش فرستادن تصدقات است و روز زیاده شدن ثوابست و روز قتل
منافق است و روز وقت معلوم است و روز سرور اهل بیت است و روز شهود
است و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیان ظالمانست و روز بکزیدن
ظالم انکشت ندامت بدندان میکیرد و روز تنبیه است و روز شرفست و روز
خنک شدن دلهای مؤمنانست و روز شهادتست و روز در کذشتن از کناه
مؤمنانست و روز زیارت کردن ایشانست و روز بوستان اهل ایمانست و روز شریک کام ایشانست و روز خوشی
دلهای ایشانست و روز برطرف شدن پادشاهی منافقانست و روز نوشتن
اهل ایمانست و روز رهائی مؤمنان از شر کافرانست و روز تظاهر است و روز
مفاخره است و روز قبول اعمال است و روز تبجیل و تعظیم است و روز تحفه و عطا
و روز شکر خدا است و روز یاوری مظلومانست و روز زیارت کردن مؤمنان

است و روز محبت کردن با ایشانست و روز رسیدن برحمت الهی است و روز پاک
کردانیدن اعمالست و روز فاش کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتها است
و روز ترک کناهان کبیره است و روز ندا کردن بحق است و روز عبادتست و روز
موعظه و نصیحت است و روز نقاب پوشیدن است حذیفه کفت که پس از خدمت
حضرت امیر المؤمنین برخواستم و کفتم اکر نیابم از افعال خیر و آنچه امید ثواب
از آن دارم مکر محبت این روز و دانستن فضیلت این روز را هر آینه منتهای آرزوی
من خواهد بود پس محمد و یحیی زاد با این حدیث کفتند که چون این حدیث را از احمد بن
اسحق شنیدیم هر دو برخواستیم و سر او را بوسیدیم و کفتیم حمد و شکر میکنیم
خداوندی را که برانکیخت تو را از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانید
پس بخانهای خود بر کشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب زوائد الفوائد کفته
که این حدیث را از خط علی بن محمد بن طی رحمه الله نوشتم و در کتب دیکر تتبع کردم چند
روایت دیکر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار است شیعیان
را که این روز را تعظیم نمایند و سرور و شادی در این روز بکنند و شیخ ابراهیم علی کفعمی
در کتاب مصباح کفته که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که
در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند خدا کناهان او را بیامرزد و مستحب
است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو کردن ایشان و توسعه دادن بر عیال
خود و دیکران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت خدا و این روز برطرف شدن
غمها است و روزه داشتن نیست **مؤلف کوید** که از نقل این بزرکواران
معلوم است که بر فضیلت این روز و وقوع این قضیه در این ماه که در احادیث وارد
شده است در اعصار سابقه در میان شیعه مشهور بوده است و بر خلاف این روایات
بنظر این قاصر نرسیده و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند
و اکر کسی استبعاد کند که چنین واقعهٔ عظیمه که سبب حزن جمعی و سرور جمعی کردد
چون میتواند بود که مضبوط نماند جوابش آنست که این واقعه از واقعهٔ وفات حضرت رسالت
و شهادت حضرت امیر المؤمنین عظیم تر نیست و در تاریخ آنها خلاف میان خاصه و
عامه هست در واقعه اول و اتفاق ندارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است و اکر
کویند که باعث بر افترای ایشان در اینها نیست جواب میکوییم که شبهه در هر دو

جاری است و باعث قوی‌تر این جماعت نیز اگر ممکن است که برای رفع شماتت شمتا [illegible] این نموده باشند علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه آنست که در مستحبات باخبار ضعیفه متمسک میشوند بنابر اخبار صحیحه که از ائمه طاهرین علیهم السلام وارد شده است که هر که ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و او بجا آورد آن ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی از شارع وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد بعمل آورد خوب خواهد بود و مثوبت خواهد گردید و بعضی گفته‌اند که عمر سعد در این روز کشته شده است اگر چنین باشد این شرافت برای او نیز کافی است شیخ مفید ره گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول ص خدیجه کبری را تزویج نمود و مستحب است که برای شکر این مواصلت عظیم البرکة شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول ص داخل مدینه طیبه شد از شهر شمنان ایمن گردید و این جهت روز مبارکی است و ایضا دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت ع بودند در این روز دولت ایشان بنهایت رسید و زایل گردید و این نیز فضیلتی دیگر است برای این روز و اکثر شیعیان ولادت با سعادت حضرت رسول ص را در این روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی ره از علمای امامیه نیز در کتاب کافی چنین قائل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فتوای بعضی از روایات نیز اظهر میدانند اگر چه خلاف مشهورست میان علمای امامیه رضی الله عنهم اما اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال که در روز هفدهم مذکور خواهد شد در این روز نیز بعمل آورند باحتیاط اقرب است و سید بن طاوس از بعضی از علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در روز دوازدهم این ماه دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سه مرتبه قل هو الله احد بخوانند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی روایت کرده‌اند که یزید پلید در روز چهاردهم این ماه باسفل درکات جهنم منتقل شد باید که شیعیان این روز را مبارک دانند بر خود و شکر خدا را بر این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز را سنت دانسته‌اند **فصل دوم** در فضائل و اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان علمای شیعه آنست که [illegible]

کثیر السعادة حضرت رسالت پناه ص در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت در آسمانها نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب و روز شهر دو مبارک است و در این روز زیارت حضرت رسالت و حضرت امیر المؤمنین ع مناسب است و علما ذکر کرده‌اند روزه این روز فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید ره گفته است که این روز شریفیست و پیوسته فرقه شیعه از قدیم الایام الی الان تعظیم آن میکرده‌اند و حرمت آن را میشناخته‌اند و روزه میداشته‌اند و از ائمه هدی ع روایت کرده‌اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکسال برای او نوشته شود و مستحب است که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مؤمنان را شاد کنند و زیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت پناه ص و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین ع و شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس ره گفته‌اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول ص را زیارت کنی غسل بکن و شبیه قبری در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آنحضرت را بران قبر بنویس و بایست و دل خود را متوجه آنحضرت گردان و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّهُ سَیِّدُ الْاَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ اَنَّهُ سَیِّدُ الْاَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَئِمَّةِ الطَّیِّبِینَ

گواهی میدهم که نیست خدائی بغیر خدای یگانه شریکی نیست او را و گواهی میدهم که محمد بنده او و رسول او است و بدرستیکه او بهترین اولین و آخرین است و بدرستیکه او سید انبیاء و مرسلین است خداوندا و رحمت فرست بر او و بر اهل بیت او که امامان پاکیزه‌اند

پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیلَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا صَفِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَحْمَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خِیَرَةَ اللّٰهِ

درود بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو ای دوست خدا درود بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو ای رحمت خدا درود بر تو ای برگزیده خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا نَجيبَ اللهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتَمَ النَّبِيّينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ
الْمُرْسَلينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِماً بِالْقِسْطِ السَّلامُ عَلَيْكَ
يا فاتِحَ الْخَيْرِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزيلِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يا مُبَلِّغاً عَنِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّراجُ الْمُنيرُ
السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُبَشِّرُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا نَذيرُ السَّلامُ
عَلَيْكَ يا مُنْذِرُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ الَّذي يُسْتَضاءُ بِهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْهادينَ
الْمَهْدِيّينَ السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلى
اَبيكَ عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلى اُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهَبٍ السَّلامُ
وَعَلى عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَداءِ السَّلامُ عَلى عَمِّكَ وَكَفيلِكَ
اَبي طالِبٍ السَّلامُ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيّارِ في جِنانِ الْخُلْدِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَحْمَدُ السَّلامُ

عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ عَلَى الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَالسّابِقَ اِلى
طاعَةِ رَبِّ الْعالَمينَ وَالْمُهَيْمِنَ عَلى رُسُلِهِ وَالْخاتَمَ لِاَنْبِيائِهِ
وَالشّاهِدَ عَلى خَلْقِهِ وَالشَّفيعَ اِلَيْهِ وَالْمَكينَ لَدَيْهِ وَالْمُطاعَ
في مَلَكُوتِهِ الْاَحْمَدَ مِنَ الْاَوْصافِ الْمُحَمَّدَ لِسائِرِ الْاَشْرافِ
الْكَريمَ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمَ مِنْ وَراءِ الْحُجُبِ الْفائِزَ بِالسِّباقِ
وَالْفائِتَ عَنِ اللِّحاقِ تَسْليمَ عارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصيرِ في
قِيامِهِ بِواجِبِكَ غَيْرِ مُنْكِرٍ مَا انْتَهى اِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ مُوقِنٍ
بِالْمَزيداتِ مِنْ رَبِّكَ مُؤْمِنٍ بِالْكِتابِ الْمُنْزَلِ عَلَيْكَ مُحَلِّلٍ حَلالَكَ
مُحَرِّمٍ حَرامَكَ اَشْهَدُ يا رَسُولَ اللهِ مَعَ كُلِّ شاهِدٍ وَاَتَحَمَّلُها عَنْ
كُلِّ جاحِدٍ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ
وَجاهَدْتَ في سَبيلِ رَبِّكَ وَصَدَعْتَ بِاَمْرِهِ وَاحْتَمَلْتَ
الْاَذى في جَنْبِهِ وَدَعَوْتَ اِلى سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ الْجَميلَةِ وَاَدَّيْتَ الْحَقَّ الَّذي كانَ عَلَيْكَ وَاَنَّكَ

فَقَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ عَبَدْتَ
اللهَ مُخْلِصاً حَتَّى اَتَيكَ الْيَقِينُ فَبَلَّغَ اللهُ بِكَ اَشْرَفَ مَحَلِّ
الْمُكَرَّمِينَ وَ اَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ اَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ
حَيْثُ لَا يَلْحَقُكَ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُكَ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُكَ سَابِقٌ
وَ لَا يَطْمَعُ فِي اِدْرَاكِكَ طَامِعٌ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ
مِنَ الْهَلَكَةِ وَ هَدَانَا بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ نَوَّرَنَا بِكَ مِنَ
الظُّلْمَةِ فَجَزَاكَ اللهُ يَا رَسُولَ اللهِ مِنْ مَبْعُوثٍ اَفْضَلَ مَا جَازَى
نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ وَ رَسُولاً عَمَّنْ اُرْسِلَ اِلَيْهِ بِاَبِي اَنْتَ وَ اُمِّي
يَا رَسُولَ اللهِ زُرْتُكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ مُقِرّاً بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِراً
بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَ خَالَفَ اَهْلَ بَيْتِكَ عَارِفاً بِالْهُدَى
الَّذِي اَنْتَ عَلَيْهِ بِاَبِي اَنْتَ وَ اُمِّي وَ نَفْسِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي
وَ وَلَدِي اَنَا اُصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَ صَلَّى عَلَيْكَ
مَلَائِكَتُهُ وَ اَنْبِيَاؤُهُ وَ رُسُلُهُ صَلَوةً مُتَتَابِعَةً وَافِرَةً

مُتَوَاصِلَةً لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لَا اَمَدَ وَ لَا اَجَلَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ
وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ كَمَا اَنْتُمْ اَهْلُهُ پس دستها را بگشا و بگو
اَللّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَ
فَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ وَ شَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَ تَسْلِيمَاتِكَ وَ كَرَامَاتِكَ
وَ رَحَمَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ اَنْبِيَائِكَ
الْمُرْسَلِينَ وَ اَئِمَّتِكَ الْمُنْتَجَبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ اَهْلِ
السَّمَوَاتِ وَ الْاَرَضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ
الْاَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ شَاهِدِكَ
وَ نَبِيِّكَ وَ بَشِيرِكَ وَ نَذِيرِكَ وَ اَمِينِكَ وَ مَكِينِكَ وَ نَجِيِّكَ
وَ نَجِيبِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَلِيلِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ صَفْوَتِكَ
وَ خَاصَّتِكَ وَ خَالِصَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ خَيْرِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ خَازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَةِ وَ مُنْقِذِ
الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِاِذْنِكَ وَ دَاعِيهِمْ اِلَى دِينِكَ الْقَيِّمِ

بأمرك أول النبيين ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته
في بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة
الخطيرة وأودعته الأصلاب الطاهرة ونقلته منها
إلى الأرحام المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه
إذ وكلت لصونه وحراسته وحفظه وحياطته من قدرتك
عينا عاصمة حجبت بها عنه مدانس العهر ومعائب السفاح
حتى رفعت به نواظر العباد وأحييت به ميت البلاد بأن
كشفت عن نور ولادته ظلم الأستار وألبست حرمك به
حلل الأنوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة
وذخر هذه المنقبة العظيمة صل عليه كما وفى بعهدك
وبلغ رسالاتك وقاتل أهل الجحود على توحيدك وقطع
رحم الكفر في إعزاز دينك ولبس ثوب البلوى في مجاهدة
أعدائك وأوجبت له بكل أذى مسه أو كيد أحس به

من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل
ويملك بها الجزيل من نوالك وقد أسر الحسرة وأخفى
الزفرة وتجرع الغصة ولم يتخط ما مثل له وحيك
اللهم صل عليه وعلى أهل بيته صلاة ترضاها لهم وبلغهم
منا تحية كثيرة وسلاما وآتنا من لدنك في موالاتهم فضلا
وإحسانا ورحمة وغفرانا إنك ذو الفضل العظيم

پس چهار رکعت نماز بکن و بخوان در هر رکعتی حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح فاطمه زهرا را بخوان پس بگو

اللهم إنك قلت لنبيك
محمد صلى الله عليه وآله ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوك
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما
ولم أحضر زمان رسولك عليه وآله السلام اللهم وقد
زرته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا لك من ذنوبي
ومقرا لك بها وأنت أعلم بها مني ومتوجها إليك بنبيك
نبي الرحمة صلواتك عليه وآله فاجعلني اللهم بمحمد وأهل

بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ يا
مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا نَبِيَّ اللهِ يا سَيِّدَ خَلْقِ اللهِ
إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَيَتَقَبَّلَ
مِنِّي عَمَلِي وَيَقْضِيَ لِي حَوائِجِي فَكُنْ لِي شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي
فَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ الْمَوْلى رَبِّي وَنِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ يا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلى أَهْلِ
بَيْتِكَ السَّلامُ اللّهُمَّ وَأَوْجِبْ لِي مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ
الْواسِعَ الطَّيِّبَ النّافِعَ كَما أَوْجَبْتَ لِمَنْ أَتى نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَواتُكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ حَيٌّ فَأَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَغْفَرَ لَهُ رَسُولُكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ
اللّهُمَّ وَقَدْ أَمَّلْتُكَ وَرَجَوْتُكَ وَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَرَغِبْتُ
إِلَيْكَ عَمَّنْ سِواكَ وَقَدْ أَمَّلْتُ جَزِيلَ ثَوابِكَ وَإِنِّي لَمُقِرٌّ غَيْرُ
مُنْكِرٍ وَتائِبٌ إِلَيْكَ مِمَّا اقْتَرَفْتُ وَعائِذٌ بِكَ فِي هذَا الْمَقامِ
مِمّا قَدَّمْتُ مِنَ الأَعْمالِ الَّتِي تَقَدَّمْتَ إِلَيَّ فِيها وَنَهَيْتَنِي عَنْها

وَأَوْعَدْتَ عَلَيْها الْعِقابَ وَأَعُوذُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ أَنْ تُقِيمَنِي
مَقامَ الْخِزْيِ وَالذُّلِّ يَوْمَ تُهْتَكُ فِيهِ الأَسْتارُ وَتَبْدُو
فِيهِ الأَسْرارُ وَالْفَضائِحُ وَتَرْتَعِدُ فِيهِ الْفَرائِصُ يَوْمَ
الْحَسْرَةِ وَالنَّدامَةِ يَوْمَ الآفِكَةِ يَوْمَ الآزِفَةِ يَوْمَ التَّغابُنِ
يَوْمَ الْفَصْلِ يَوْمَ الْجَزاءِ يَوْماً كانَ مِقْدارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ
سَنَةٍ يَوْمَ النَّفْخَةِ يَوْمَ تَرْجُفُ الرّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرّادِفَةُ
يَوْمَ النَّشْرِ يَوْمَ الْعَرْضِ يَوْمَ يَقُومُ النّاسُ لِرَبِّ الْعالَمِينَ
يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ
يَوْمَ تَشَقَّقُ الأَرْضُ وَأَكْنافُ السَّماءِ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجادِلُ
عَنْ نَفْسِها يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ لا يُغْنِي
مَوْلىً عَنْ مَوْلىً شَيْئاً وَلا هُمْ يُنْصَرُونَ إِلّا مَنْ رَحِمَ اللهُ إِنَّهُ هُوَ
الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ يَوْمَ
يُرَدُّونَ إِلَى اللهِ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الأَجْداثِ سِراعاً

كَاَنَّهُمْ اِلى نُصُبٍ يُوفِضُونَ وَكَاَنَّهُمْ جَرادٌ مُنْتَشِرٌ مُهْطِعينَ
اِلَى الدّاعِ اِلَى اللهِ يَوْمَ الْواقِعَةِ يَوْمَ تُرَجُّ الْاَرْضُ رَجّاً يَوْمَ تَكُونُ
السَّماءُ كَالْمُهْلِ وَتَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ وَلا يُسْئَلُ حَميمٌ حَميماً يَوْمَ
الشّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ يَوْمَ تَكُونُ الْمَلائِكَةُ صَفّاً صَفّاً اَللّهُمَّ ارْحَمْ
مَوْقِفي في ذلِكَ الْيَوْمِ بِمَوْقِفي في هذَا الْيَوْمِ وَلا تُخْزِني في ذلِكَ الْمَوْقِفِ
بِما جَنَيْتُ عَلى نَفْسي وَاجْعَلْ يا رَبِّ في ذلِكَ الْيَوْمِ مَعَ اَوْلِيائِكَ
مُنْطَلَقي وَفي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ مَحْشَري وَ
اجْعَلْ حَوْضَهُ مَوْرِدي وَفِي الْغُرِّ الْكِرامِ مَصْدَري وَاَعْطِني
كِتابي بِيَميني حَتّى اَفُوزَ بِحَسَناتي وَتُبَيِّضَ بِهِ وَجْهي وَتُيَسِّرَ بِهِ
حِسابي وَتُرَجِّحَ بِهِ ميزاني وَاَمْضِيَ مَعَ الْفائِزينَ مِنْ عِبادِكَ
الصّالِحينَ اِلى رِضْوانِكَ وَجِنانِكَ اِلهَ الْعالَمينَ اَللّهُمَّ اِنّي
اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ تَفْضَحَني في ذلِكَ الْيَوْمِ بَيْنَ يَدَيِ الْخَلائِقِ بِجَريرَتي
اَوْ اَنْ اَلْقَى الْخِزْيَ وَالنَّدامَةَ بِخَطيئَتي اَوْ اَنْ تُظْهِرَ فيهِ سَيِّئاتي

عَلى حَسَناتي اَوْ اَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلائِقِ بِاسْمي يا كَريمُ يا كَريمُ
الْعَفْوَ الْعَفْوَ السَّتْرَ السَّتْرَ اَللّهُمَّ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ يَكُونَ
في ذلِكَ الْيَوْمِ في مَواقِفِ الْاَشْرارِ مَوْقِفي اَوْ في مَقامِ الْاَشْقِياءِ
مَقامي وَاِذا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلّاً بِاَعْمالِهِمْ زُمَراً اِلى
مَنازِلِهِمْ فَسُقْني بِرَحْمَتِكَ في عِبادِكَ الصّالِحينَ وَفي زُمْرَةِ
اَوْلِيائِكَ الْمُتَّقينَ اِلى جَنّاتِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ
السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا الْبَشيرُ النَّذيرُ السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّراجُ الْمُنيرُ
السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السَّفيرُ بَيْنَ اللهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ اَشْهَدُ
يا رَسُولَ اللهِ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَ
الْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ
مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَاَشْهَدُ يا رَسُولَ اللهِ اَنّي مُؤْمِنٌ بِكَ
وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَميعِ ما اَتَيْتَ بِهِ راضٍ

مُؤمِنٌ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ اَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ

و گواهی میدهم که پیشوایان از اهل خانهٔ تو نشانهای راه راستند و ریسمان

الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ

محکم و حجت بر اهل دنیا خدایا مگردان او را آخر عهد از

زِيارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ وَاِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَاِنّي اَشْهَدُ

زیارت پیغمبرت بر او و آل او درود و اگر بمیرانی مرا پس بدرستیکه من گواهی میدهم

في مَماتي عَلى ما اَشْهَدُ عَلَيْهِ في حَياتي اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ

در مماتم بر آنچه گواهی دهم بر آن در حیاتم که تو توئی خدا نیست خدائی

اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

جز تو یگانهٔ تو نیست انباری مر ترا و بدرستیکه محمد بنده تو است و رسول تو

وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَوْلِياؤُكَ وَاَنْصارُكَ وَحُجَجُكَ

و پیشوایان از اهل بیت او دوستانند و یارانت و حجتهای تو

عَلى خَلْقِكَ وَخُلَفاؤُكَ في عِبادِكَ وَاَعْلامُكَ في بِلادِكَ

بر خلقت و جانشینان تو در بندگانت و نشانهای تو در شهرهایت

وَخُزّانُ عِلْمِكَ وَحَفَظَةُ سِرِّكَ وَتَراجِمَةُ وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و خازنان دانش تو و نگاهداران رازت و ترجمهای وحی تو خدایا رحمت

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ في ساعَتي هٰذِهِ

بر محمد و آل محمد و برسان روح پیغمبرت محمد و آلش در ساعتم این

وَفي كُلِّ ساعَةٍ تَحِيَّةً مِنّي وَسَلاماً وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ

و در هر ساعت درودی از من و سلامی و درود بر تو ای رسول

اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ لا جَعَلَهُ اللّٰهُ اخِرَ تَسْليمي عَلَيْكَ

خدا و رحمت خدا و برکتهایش مگرداند او را خدا آخر درودم بر تو

مؤلف گوید که این زیارت را اگرچه سندش بنظر این فقیر نرسیده ولکن علامه مجلسی در تحفة الزائر آنرا ذکر کرده ام اما زیارت جامعهٔ کامله که در همه اوقات میتوان آورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصری که بعد از این ان شاء الله مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز سنت است و خصوص این زیارت را در این روز ذکر کرده اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمیشود و بهترین زیارات آنحضرت از جهت لفظ و معنی و بسند بسیار معتبر منقول است که در همه اوقات از

نزدیک و دور میتوان کرد خصوصا در این روز چنانکه شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس رحمهم الله روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در این روز که هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود بر او ثقهٔ عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی و گفت چون که بیائی بمشهد امیر المؤمنین علیه السلام غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و ببوی خوش خود را خوشبو کن و بر تو باد بآرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام پس بنظر رکاه روضهٔ مقدسه که ضریح مقدس با آن است رو بقبله بایست و سه مرتبه الله اکبر بگو و بگو

اَلسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

درود بر رسول خدا درود

عَلى خِيَرَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَى الْبَشيرِ النَّذيرِ السِّراجِ الْمُنيرِ وَرَحْمَةُ

بر برگزیده خدا درود بر مژده دهنده بیم کننده چراغ روشن و رحمت

اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلى اَنْبِياءِ اللّٰهِ الْمُرْسَلينَ وَعِبادِ اللّٰهِ

خدا و برکتهای او درود بر پیغمبران خدا فرستادگان و بندگان

الصّالِحينَ اَلسَّلامُ عَلى مَلائِكَةِ اللّٰهِ الْحافّينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَبِهٰذَا

که شایسته اند درود بر فرشتگان خدا احاطه داران باین حرم و باین

الضَّريحِ اللّائِذينَ بِهِ پس نزدیک ضریح برو و بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ

ضریح و پناه آرندگان به آن درود بر تو ای

الْاَوْصِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِمادَ الْاَتْقِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

وصی وصیها درود بر تو ای ستون پرهیزکاران درود بر تو

يا وَلِيَّ الْاَوْلِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ

ای دوست دوستان درود بر تو ای مهتر شهیدان درود

عَلَيْكَ يا آيَةَ اللّٰهِ الْعُظْمى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خامِسَ اَهْلِ الْعَباءِ

بر تو ای نشانه خدا که بزرگست درود بر تو ای پنجم آل عبا

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ الْاَتْقِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

درود بر تو ای پیشرو سفید پیشانیان پرهیزکاران درود بر تو

يا عِصْمَةَ الْاَوْلِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ الْمُوَحِّدينَ النُّجَباءِ

ای نگهدار دوستان درود بر تو ای زینت یکتاپرستان برگزیدگان

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَ الْاَخِلّاءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ

درود بر تو ای خالص دوستان درود بر تو ای پدر

الائمة

الائمة الامناء السلام عليك يا صاحب الحوض وحامل
اللواء السلام عليك يا قسيم الجنة ولظى السلام عليك
يا من شرفت به مكة ومنى السلام عليك يا بحر العلوم و
كهف الفقراء السلام عليك يا من ولد في الكعبة و
زوج في السماء بسيدة النساء وكان شهودها الملائكة
البررة الاصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء السلام
عليك يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك
يا من بات على فراش خاتم الانبياء ووقاه بنفسه شر الاعداء
السلام عليك يا من ردت له الشمس فسامى شمعون الصفا السلام
عليك يا من انجى الله سفينة نوح باسمه واسم اخيه حيث التطم
الماء حولها وطمى السلام عليك يا من تاب الله به و
باخيه على آدم اذ غوى السلام عليك يا فلك النجاة الذي
من ركبه نجا ومن تأخر عنه هوى السلام عليك يا من خاطب

الثعبان وذئب الفلا السلام عليك يا امير المؤمنين
ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا حجة الله على من كفر
واناب السلام عليك يا امام ذوي الالباب السلام
عليك يا معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك
يا من عنده علم الكتاب السلام عليك يا ميزان يوم الحساب
السلام عليك يا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام
عليك ايها المتصدق بالخاتم في المحراب السلام عليك يا من
كفى الله المؤمنين القتال به يوم الاحزاب السلام عليك
يا من اخلص لله الوحدانية واناب السلام عليك يا قاتل خيبر
وقالع الباب السلام عليك يا من دعاه خير الانام للمبيت
على فراشه فاسلم نفسه للمنية واجاب السلام عليك
يا من له طوبى وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام
عليك يا ولي عصمة المؤمنين الدين ويا سيد السادات السلام

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجِزَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ

بر تو ای صاحب معجزات درود بر تو ای آنکه فرود آمد در فضیلت

سُورَةُ الْعَادِيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كُتِبَ اِسْمُهُ فِي السَّمَاءِ

سوره عادیات درود بر تو ای آنکه نوشته شد نام او در آسمان

عَلَى السُّرَادِقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ

بر خیمه‌ها درود بر تو ای ظاهر کننده عجایبها و نشانها

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْغَزَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا

درود بر تو ای پادشاه جنگها درود بر تو ای خبر دهنده بآنچه

غَبَرَ وَبِمَا هُوَ آتٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطِبَ ثُعْبَانِ الْفَلَوَاتِ

گذشته و بآنچه او آینده است درود بر تو ای خطاب کننده مار بیابانها

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْحَصَى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو ای تمام کننده عددها و ظاهر کننده مشکلات درود بر تو

يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْوَغَا مَلَائِكَةُ السَّمٰوَاتِ اَلسَّلَامُ

ای آنکه تعجب کردند از حمله‌های او در جنگها فرشتگان آسمانها درود

عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ الصَّدَقَاتِ

بر تو ای آنکه راز گفت رسول پس پیش گرفت پیش از راز او صدقه‌ها

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ

درود بر تو ای پدر پیشوایان نیکوکاران مهتران و رحمت

اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ الْمَبْعُوثِ اَلسَّلَامُ

خدا و برکتهای او درود بر تو ای خلیفه پیغمبر درود

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

بر تو ای میراث بردارنده بهتر ارث برده شده و رحمت خدا و برکتهای او

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْمُتَّقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ

درود بر تو ای پیشوای پرهیزکاران درود بر تو ای فریادرس

الْمَكْرُوبِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ

اندوهناکان درود بر تو ای نگهدارنده مؤمنان درود

عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلَامُ

بر تو ای ظاهر کننده حجتها درود بر تو ای طه و یس درود

عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ

بر تو ای رشته محکم خدا درود بر تو ای آنکه تصدق کرد

فِي صَلَاتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ

در نمازش بانگشتری خود بر مسکین درود بر تو ای کننده سنگ

عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ

از دهان چاه و ظاهر کننده آب جوشنده درود بر تو ای چشم

اللّٰهِ النَّاظِرَةِ وَيَدَهُ الْبَاسِطَةِ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ

خدا که بیناست و دست او که گشوده است و زبان گویا است از او در میان

اَجْمَعِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ

خلقش درود بر تو ای میراث علم پیغمبران و سپرده شده

عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَاحِبَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ اَوْلِيَائِهِ

دانش پیشینیان و پسینیان و صاحب رایت حمد و آب دهنده دوستان

مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَ

قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللّٰهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيءِ وَجَنْبِهِ

الْقَوِيِّ وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاِمَامِ التَّقِيِّ الْمُخْلِصِ

الصَّفِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاِمَامِ اَبِي

الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاِمَامِ

الهدى ومصباح الدجى وعلم التقى ومنار الهدى وذي النهى

وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا و

رحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجة الجبار

ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر

عن الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين

من عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة

المختار المولود في البيت ذي الاستار المزوج في السماء

بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار ورحمة

الله وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم فيه

مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسألون السلام

على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته

السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته

اشهد يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق

جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله

وحللت حلال الله وحرمت حرامه وشرعت احكامه

واقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف و

نهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا

مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتاك اليقين

فلعن الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك

ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملائكته

وانبيائه ورسله اني وال لمن والاك وعاد لمن عاداك

السلام عليك ورحمة الله وبركاته

انك تسمع كلامي وتشهد مقامي واشهد لك يا ولي الله

بالبلاغ والاداء يا مولاي يا حجة الله يا امين الله يا ولي

الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري

ومنعتني من الرقاد وذكرها يقلقل احشائي وقد نذرت

(۱۸۱۵۱)

إلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإلَيْكَ فَنَجِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَ

بسوی خدای عزّ و جلّ و بسوی تو پس نجات ده آنکه ایمن کردی بر راز خود و

اسْتَرْعاكَ أمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ وَمُوالاتَكَ

خواسته تو را برای امر خلق خود و نزدیک کرد طاعت ترا بطاعت خود و موالات

بِمُوالاتِهِ كُنْ لِي إلَى اللّٰهِ شَفِيعاً وَمِنَ النّارِ مُجِيراً وَعَلَى الدَّهْرِ

بموالات خود باش مرا بسوی خدا شفیع و از آتش رهاننده و بر روزگار

ظَهِيراً يا وَلِيَّ اللّٰهِ يا حُجَّةَ اللّٰهِ يا بابَ حِطَّةِ اللّٰهِ

معین شونده ای دوست خدا ای حجت خدا ای درگاه فرو ریختن

وَلِيُّكَ وَزائِرُكَ وَاللّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنّازِلُ بِفِنائِكَ وَ

دوست تو و زیارت کننده تو و پناه جوینده بقبر تو و فرود آینده بدرگاه تو و

الْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي جِوارِكَ يَسْألُكَ أنْ تَشْفَعَ لَهُ إلَى اللّٰهِ فِي قَضاءِ

فرود آینده بارش را در همسایگی تو میخواهد از تو آنکه شفاعت کنی او را بسوی خدا در روا کردن

حاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ فَإنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ

حاجت خود و بر آوردن خواهش خود در دنیا و آخرت پس بدرستیکه برای تست نزد خدا

الْجاهَ الْعَظِيمَ وَالشَّفاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يا مَوْلايَ مِنْ

مرتبه بزرگ و شفاعت پذیرفته پس بگردان مرا ای آقای من از

هَمِّكَ وَأدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ

هم بنده تو و در آور مرا در گروه تو و درود بر تو و بر دو همخوابه تو

آدَمَ وَنُوحٍ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

آدم و نوح و درود بر تو و بر دو فرزندت حسن و حسین

وَعَلَى الْأئِمَّةِ الطّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ

و بر پیشوایان پاکان از فرزندانت و رحمت خدا و برکتهای او

پس از روی تضرع و خشوع هر حاجت که داری از خدا بطلب مؤلف گوید که چون از دور زیارت کنند بهذا الحرم و بهذا الضریح قصد روضه و ضریح حضرت امیرالمؤمنین ع میکنند و زیارتها و دعاها متصل بیکدیگر میخوانند و نزدیک رفتن و بوسیدن ضریح نباشد یعنی بعوض آنها در کار نیست که چیزی بجا آورد و بسند ظاهراً و بر کفت است که مستحب است که در ابتدا و در گفتن نماز بگذارد و بعد از هر رکعت بعد از سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید

دعای نماز ... بگوید

أنْتَ حَيٌّ لا تَمُوتُ وَخالِقٌ لا تُغْلَبُ وَبَدِيءٌ لا تَنْفَدُ

تو زنده که نمیری و آفریننده که مغلوب نشوی و پدید آورنده که فانی

وَقَرِيبٌ لا تَبْعُدُ وَقادِرٌ لا تُضادُّ وَغافِرٌ لا تَظْلِمُ وَصَمَدٌ لا تُطْعَمُ

نشوی و نزدیکی که دور نشوی و توانایی که دشمنی کرده نشوی و آمرزنده که ستم کرده نشوی و بی نیاز

وَقَيُّومٌ لا تَنامُ وَعالِمٌ لا تُعَلَّمُ وَقَوِيٌّ لا تَضْعُفُ وَعَظِيمٌ لا

و پاینده که نخوابی و دانایی که آموخته نشوی و توانا که ناتوان نگردی و بزرگی که

تُوصَفُ وَوَفِيٌّ لا تُخْلِفُ وَغَنِيٌّ لا تَفْتَقِرُ وَحَكِيمٌ لا تَجُورُ وَمَنِيعٌ

وصف کرده نشوی و وفا کننده که خلاف کرده نشوی و بی نیازی که محتاج نشوی و بردباری که جور نکنی

لا تُقْهَرُ وَمَعْرُوفٌ لا تُنْكَرُ وَوَكِيلٌ لا تَخْفَى وَغالِبٌ لا تُغْلَبُ

که مقهور نشوی و معروفی که منکر نشوی و وکیلی که پنهان نشوی و غالبی که مغلوب نگردی

وَوِتْرٌ لا تَسْتَشِيرُ وَوَهّابٌ لا تَمَلُّ وَسَرِيعٌ لا تَذْهَلُ وَجَوادٌ

و تنهایی که مشورت نکنی و بخشنده که ملول نشوی و شتابنده که غافل نشوی و بخشنده که

لا تَبْخَلُ وَعَزِيزٌ لا تَذِلُّ وَحافِظٌ لا تَغْفُلُ وَقائِمٌ لا تَزُولُ وَ

بخیل نشوی و ارجمندی که خوار نشوی و نگاه دارنده که غافل نشوی و پاینده که زایل نشوی

مُحْتَجِبٌ لا تُرَى وَدائِمٌ لا تَفْنَى وَباقٍ لا تَبْلَى وَواحِدٌ لا تُشْبَهُ

و پنهانی که دیده نشوی و همیشه که فانی نشوی و باقی که کهنه نشوی و یگانه که شبیه نشوی

وَمُقْتَدِرٌ لا تُنازَعُ اللّٰهُمَّ إنِّي أسْألُكَ بِعِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

و توانایی که نزاع کرده نشوی خدایا سؤال میکنم ترا بعلم پنهان نزد تو

وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أجْمَعِينَ أنْ تُحْيِيَنِي ما عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْراً

و بتوانایی تو بر خلق همه آنکه زنده داری مرا مادام که بدانی زندگانی

لِي وَتَوَفَّنِي إذا كانَتِ الْوَفاةُ خَيْراً لِي وَأسْألُكَ الْخَشْيَةَ فِي

برای من بهتر و بمیرانی مرا هرگاه باشد وفات بهتر مرا و سؤال میکنم ترا ترس در

الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ وَأسْألُكَ اللّٰهُمَّ يا رَبِّ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي

پنهان و آشکار و سؤال میکنم ترا خدایا پروردگارا کلمه حق در حال

الْغَضَبِ وَالرِّضا وَأسْألُكَ نَعِيماً لا يَنْفَدُ وَأسْألُكَ الرِّضا

غضب و خشنودی و سؤال میکنم ترا نعمتی که فانی نشود و سؤال میکنم ترا خشنودی

بَعْدَ الْقَضَاۤءِ وَاَسْاَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَاَسْاَلُكَ لَذَّةَ

بعد از فرمان و خواهش دارم از تو خوشی عیش را بعد از مرگ و سؤال میکنم تو را لذت

النَّظَرِ اِلٰى وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْۤ اَسْاَلُكَ

نگریستن بذات تو که بزرگست بپذیر پروردگار جهانیان خدایا بدرستیکه سؤال میکنم

بِمَنِّكَ الْكَرِيْمِ وَفَضْلِكَ الْعَظِيْمِ اَنْ تَغْفِرَ لِيْ وَتَرْحَمَنِيْ بِالطَّفِ اللُّطْفِ

بعطای تو که بزرگست و افزونیت که بزرگست آنکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا

بِيْ فِيْ كُلِّ مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ اِنِّيْۤ اَسْاَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ

در هرچه دوست داری و پسندی خدایا سؤال میکنم تو را کردن نیکیها و

تَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِيْنِ وَمُخَالَطَةَ الصَّالِحِيْنَ وَ

ترک زشتیها و دوستی بیچارگان و آمیزش نیکان و

اَنْ تَغْفِرَ لِيْ وَتَرْحَمَنِيْ وَاِذَا اَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً فَتَوَفَّنِيْ غَيْرَ

آنکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا و هرگاه بخواهی بگروهی آزمایش پس نگاه دار مرا نه

مَفْتُوْنٍ وَاَسْاَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُّحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ

آزموده و میخواهم تو را دوستی تو و دوستی هرکه دوست دارد تو را و دوستی هر کاری که

يُقَرِّبُنِيْۤ اِلٰى حُبِّكَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ حَبِيْبِكَ

نزدیک کند مرا بدوستی تو خدایا بحق محمد رحمت خدا براو و آل او دوست

وَبِحَقِّ اِبْرٰهِيْمَ خَلِيْلِكَ وَصَفِيِّكَ وَبِحَقِّ مُوْسٰى كَلِيْمِكَ وَبِحَقِّ

و بحق ابراهیم دوست تو و برگزیده تو و بحق موسی کلیمت و بحق

عِيْسٰى رُوْحِكَ وَاَسْاَلُكَ بِصُحُفِ اِبْرٰهِيْمَ وَتَوْرٰيةِ مُوْسٰى وَ

عیسی که روح توست و میخواهم ترا بصحف ابراهیم و توریه موسی و

اِنْجِيْلِ عِيْسٰى وَزَبُوْرِ دَاوٗدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد رحمت خدا براو و

اٰلِهٖ وَاَسْاَلُكَ بِكُلِّ وَحْيٍ اَوْحَيْتَهٗ وَبِحَقِّ كُلِّ قَضَاۤءٍ قَضَيْتَهٗ

آل او و سؤال میکنم تو را بهر وحی که فرستادی او را و بحق هر حکمی که حکم کردی آن را

وَبِكُلِّ سَاۤئِلٍ اَعْطَيْتَهٗ وَاَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَنْزَلْتَهٗ فِيْ كِتَابِكَ

و بهر سائلی که عطا کردی او را و میخواهم ترا بهر اسمی که فرستادی او را در کتابت

وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَاۤئِكَ الَّتِيْ اسْتَقَلَّ بِهَا عَرْشُكَ وَاَسْاَلُكَ

و میخواهم ترا بنامهای تو که برقرار شد بآن عرش تو و سؤال میکنم ترا

بِاَسْمَاۤئِكَ الَّتِيْ وَضَعْتَهَا عَلَى النَّارِ فَاسْتَنَارَتْ وَاَسْاَلُكَ

بنامهای تو که نهادی آنرا بر آتش پس روشن شد و سؤال میکنم ترا

بِاَسْمَاۤئِكَ الَّتِيْ وَضَعْتَهَا عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَاۤئِكَ

بنامهای تو که نهادی آنرا بر شب پس تاریک شد و سؤال میکنم تو را بنامهای تو

الَّتِيْ وَضَعْتَهَا عَلَى النَّهَارِ فَاَضَاۤءَ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَاۤئِكَ الَّتِيْ

که نهادی آنرا بر روز پس روشنائی داد و سؤال میکنم ترا بنامهای تو آنچنانیکه

وَضَعْتَهَا عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَحَدِ

وضع کرده شد بر زمین پس قرار داده ای و سؤال میکنم ترا بنام تو که یکتاست

الصَّمَدِ الَّذِيْ مَلَاَ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الطُّهْرِ

بی‌نیاز که پر کرده پایه‌های هر چیز را و سؤال میکنم تو را بنامهای تو که پاک

الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ

و پاکیزه است بابرکت زنده پاینده نیست خدائی مگر او آمرزنده مهربان

وَاَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ

و سؤال میکنم تو را بنشستهای عزت از عرش تو و رسانی رحمت از کتاب تو

وَبِاَسْمَاۤئِكَ الْعِظَامِ وَجَدِّكَ الْاَعْلٰى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ

و بنامهای تو که بزرگست و جد تو که برتر است و کلمهای تو که تمام است

اَنْ تَرْزُقَنَا حِفْظَ الْقُرْاٰنِ وَالْعَمَلَ بِهٖ وَالطَّاعَةَ لَكَ وَالْعَمَلَ

آنکه روزی کنی ما را حفظ قرآن و کردار بآن و طاعت برای تو و عمل

الصَّالِحَ وَاَنْ تُثْبِتَ ذٰلِكَ فِيْۤ اَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَاَنْ

نیکو و آنکه ثابت داری این را در گوشهای ما و دیده‌های ما و آنکه

تَخْلِطَ ذٰلِكَ بِلَحْمِيْ وَدَمِيْ وَمُخِّيْ وَشَحْمِيْ وَاَنْ تَسْتَعْمِلَ بِذٰلِكَ بَدَنِيْ

مخلوط کنی این را بگوشت من و خون من و مغز من و پیه من و آنکه بکار داری بآن تن مرا

وَقُوَّتِيْ فَاِنَّهٗ لَا يَقْوٰى عَلٰى ذٰلِكَ اِلَّاۤ اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ

و قوت مرا پس بدرستیکه توانا نیست بر این مگر تو تنها نیست انبازی ترا

لَكَ يا اَللّٰهُ الْواحِدُ الرَّبُّ الْقَديرُ يا اَللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ
ترا ای خدای یگانه یکتا پروردگار توانا ای خدای آفریننده پدید آورنده صورت

يا اَللّٰهُ الْباعِثُ الْوارِثُ يا اَللّٰهُ الْفَتّاحُ الْعَزيزُ الْعَليمُ يا اَللّٰهُ
ای خدای برانگیزنده وارث ای خدای گشاینده غالب دانا ای خدای

الْمَلِكُ الْقادِرُ الْمُقْتَدِرُ اغْفِرْ لي وَارْحَمْني فَاِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ
پادشاه توانا با اقتدار بیامرز مرا و رحم کن مرا پس بدرستیکه تو امرزنده

الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ادْعُوني اَسْتَجِبْ
مهربانانی خدایا تو گفت و گفتارت حق است بخوانید مرا تا مستجاب کنم

لَكُمْ فَاَسْاَلُكَ يا اَللّٰهُ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ آدَمُ عَلَيْهِ
کنم شما را سؤال میکنم ترا ای خدا بنام تو که خواند ترا باو آدم براو

السَّلامُ فَاَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ
درود پس واجب کردی او را بهشت و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا

بِهِ شيثُ بْنُ آدَمَ فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ اَبيهِ بَعْدَهُ اَنْ تَسْتَجيبَ دُعائَنا
باو شیث پسر آدم پس گردانیدی او را وصی پدرش بعد از او آنکه مستجاب کنی دعای ما را

وَاَنْ تَرْزُقَنا اِنْفاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ لِاَحَدٍ عِنْدَنا وَاَنْ تَقْضِيَ
وآنکه روزی کنی ما را روا کردن هر وصیتی مر کسی را نزد ما وآنکه [illegible]

وَصِيَّنا اِمامَنا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ اِدْريسُ
وصیت ما را پیشوای ما و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا باو ادریس

فَرَفَعْتَهُ مَكاناً عَلِيّاً اَنْ تَرْفَعَنا اِلى اَحَبِّ الْبِقاعِ اِلَيْكَ
پس بالا بردی او را بجای بلند آنکه بلند کنی ما را بدوست ترین مکانها بسوی تو

وَتَمُنَّ عَلَيْنا بِرِضْوانِكَ وَتُدْخِلَنا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ
و منت نهی بر ما بخشنودی خود و در آوری ما را بهشت برحمت تو و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ وَاَهْلَكْتَ
بنام تو که خواند ترا باو نوح پس رهانیدی او را از غرق و هلاک کردی

الْقَوْمَ الظّالِمينَ اَنْ تُنْجِيَنا مِمّا نَحْنُ فيهِ مِنَ الْبَلاءِ وَاَسْاَلُكَ
گروه ستمکاران را آنکه رهائی ما را از آنچه ما در آنیم از بلا و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ هُودٌ عَلَيْهِ السَّلامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الرّيحِ
بنام تو که خواند ترا باو هود براو درود رهانیدی او را از باد

الْعَقيمِ اَنْ تُنْجِيَنا مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَعَذابِهِما وَاَسْاَلُكَ
نازاینده آنکه رهائی ما را از بلاهای دنیا و آخرت و عذاب هر دو و سؤال

بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ صالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اَنْ
بنام تو که خواند ترا باو صالح پس رهانیدی او را از [illegible] آنکه

تُنْجِيَنا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَعَذابِهِما وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ
برهانی ما را از خواری دنیا و آخرت و از عذابهای هر دو و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذي دَعاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ السَّوْءِ
که خواند ترا باو لوط پس رهانیدی او را از [illegible] و باران بد

اَنْ تُنْجِيَنا مِنْ مَخازِي الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي
آنکه برهانی ما را از خواریهای دنیا و آخرت و سؤال میکنم ترا بنام تو که

دَعاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذابِ يَوْمِ الظُّلَّةِ اَنْ تُنْجِيَنا
خواند ترا باو شعیب پس رهانیدی او را از عذاب روز [illegible] آنکه نجات دهی ما را

مِنَ الْعَذابِ اِلى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي
از عذاب بسوی راحت خود و رحمت خود و سؤال میکنم ترا بنام تو که

دَعاكَ بِهِ اِبْراهيمُ فَجَعَلْتَ لَهُ النّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلاماً
خواند ترا باو ابراهیم پس گردانیدی آتش را براو سرد و سلامت

اَنْ تُخَلِّصَنا كَما خَلَّصْتَهُ وَاَنْ تَجْعَلَ ما نَحْنُ فيهِ بَرْداً وَسَلاماً
آنکه خالص کنی ما را چنانچه خالص گردانیدی او را وآنکه بگردانی آنچه ما در آنیم سرد و سلامت

كَما جَعَلْتَها عَلَيْهِ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ اِسْماعيلُ
چنانچه گردانیدی براو و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا باو اسمعیل

عِنْدَ الْعَطَشِ فَاَخْرَجْتَ لَهُ مِنْ زَمْزَمَ الْماءَ الرَّوِيَّ اَنْ تَجْعَلَ
نزد تشنگی و بیرون آوردی از زمزم آب روان آنکه بگردانی

مَخْرَجَنا اِلى خَيْرٍ وَاَنْ تَرْزُقَنا الْمُلْكَ الْاَوْسَعَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ
بیرون رفتن ما را بسوی خیر و آنکه روزی کنی ما را ملک وسیع برحمت خود و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَ
بنام تو که خواند ترا باو یعقوب پس رد کردی براو دیده اورا و

وَلَدَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اَوْلَادِنَا
فرزند اورا و روشنی دیده اورا اینکه خلاص کردی ما را و جمع کنی میان ما و میان اولاد ما

وَاَهَالِينَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ فَاَخْرَجْتَهُ
و اهالی ما را و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا باو یوسف پس بیرون کردی

مِنَ السِّجْنِ اَنْ تُخْرِجَنَا مِنَ السِّجْنِ وَتُمَلِّكَنَا نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ
از زندان اینکه بیرون کنی ما را از زندان و مالک گردانی ما را نعمت تو که انعام کردی

بِهَا عَلَيْنَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْاَسْبَاطُ فَتُبْتَ
بآن بر ما و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا باو پیرکان پس توبه پذیرفتی

عَلَيْهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ اَنْبِيَاءَ اَنْ تَتُوبَ عَلَيْنَا وَتَرْزُقَنَا طَاعَتَكَ
بر ایشان و گردانیدی ایشان را پیغمبران اینکه توبه پذیری ما و روزی کنی ما را طاعت خود

وَعِبَادَتَكَ وَالْخَلَاصَ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
و عبادت خود و خلاصی از آنچه ما درآنیم و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَقَالَ رَبِّ اِنِّي مَسَّنِيَ
که خواند ترا باو ایوب چون فرود آمد باو بلا پس گفت پروردگارا رسیده

الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَكَشَفْتَ عَنْهُ
مرا زیان و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت کردی اورا و بردی از او

ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ
سختی اورا و بازگردانیدی بر او اهل اورا و مثل ایشان با ایشان رحمت از تو

وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَقُولُ كَمَا قَالَ رَبِّ اِنِّي مَسَّنِيَ
و پندی مر عبادت کنندگان را خدایا بدرستیکه من میگویم چنانکه گفت پروردگارا رسید مرا

الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ
زیان و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس بپذیر ما را و رحم کن ما را و

خَلِّصْنَا وَرُدَّ عَلَيْنَا اَهْلَنَا وَمَالَنَا وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً
خلاص کن ما را و رد کن بر ما اهل ما را و مال ما را و مانند ایشان را با ایشان رحمت

مِنْكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
از تو و گردان ما را از پرستندگان مر ترا و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى وَهَرُونُ فَقُلْتَ عَزَزْتَ مِنْ قَائِلٍ
که خواند ترا باو موسی و هارون پس گفتی ارجمندی از گوینده

قَدْ اُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا اَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَتُنَجِّيَنَا كَمَا
که پذیرفته شده دعوت شما اینکه اجابت کنی دعاهای ما را و برهانی ما را چنانکه

نَجَّيْتَهُمَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ فَغَفَرْتَ
نجات دادی ایشان را و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا باو داود پس آمرزیدی

ذَنْبَهُ وَتُبْتَ عَلَيْهِ اَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ
گناه اورا و توبه پذیرفتی براو اینکه بیامرزی گناهان مرا و توبه پذیری بر من بدرستیکه تو توی

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ
توبه پذیرنده مهربان و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا باو سلیمان

فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ مُلْكَهُ وَاَمْكَنْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَسَخَّرْتَ لَهُ
پس رد کردی براو پادشاهی اورا و قدرت دادی اورا از دشمن و رام کردی برای او

الْجِنَّ وَالْاِنْسَ وَالطَّيْرَ اَنْ تُخَلِّصَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَتَرُدَّ عَلَيْنَا
جن و انس و مرغ را اینکه خلاص کنی ما را از دشمن ما و رد کنی بر ما

نِعَمَكَ وَتُخْرِجَ لَنَا مِنْ اَيْدِيهِمْ حُقُوقَنَا وَتُخَلِّصَنَا مِنْهُمْ
نعمت خود را و بیرون آوری برای ما از دست ایشان حقهای ما را و رهانی ما را از ایشان

اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
بدرستیکه تو بر همه چیزی توانائی و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا او

الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَا اَنْ يَحْمِلَهُ
که نزد او علم از کتاب بر تخت پادشاه سبا اینکه دانسته شود

اِلَيْهِ فَاِذَا هُوَ مُسْتَقِرٌّ عِنْدَهُ اَنْ تَحْمِلَنَا مِنْ عَامِنَا هٰذَا
باو ناگاه او برقرار است نزد او اینکه بار کنی ما را از سال ما این

اِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَزُوَّارًا لِقَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ
بخانه تو که محترم است که حاجیان و زواران باشیم مر قبر پیغمبرت را براو و

إله السلام وأسألك باسمك الذي دعاك به يونس بن
متى في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني
كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من بطن الحوت
ومن الغم وقلت عز من قائل وكذلك ننجي المؤمنين
فنشهد أنا مؤمنون ونقول كما قال لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الظالمين فاستجب لي ونجني من غم الدنيا و
الآخرة كما ضمنت أن تنجي المؤمنين وأسألك باسمك
الذي دعاك به زكريا وقال رب لا تذرني فردا وأنت
خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له يحيى وأصلحت
له زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك
رغبا ورهبا وكانوا لك خاشعين فإني أقول كما قال
رب لا تذرني فردا وأنت خير الوارثين فاستجب لي و
أصلح لي شأني وجميع ما أنعمت به علي وخلصني مما أنا

فيه وهب لي كرامة الدنيا والآخرة وأولادا صالحين يرثوني
واجعلنا ممن يدعوك رغبا ورهبا ومن الخاشعين
المطيعين لك وأسألك باسمك الذي دعاك به يحيى
فجعلته يرد القيمة ولم يعمل معصية ولم يهم بها أن
تعصمني من اقتراف المعاصي حتى نلقاك طاهرين ليس
لك قبلنا معصية وأسألك باسمك الذي دعتك به
مريم فنطق ولدها بحجتها أن توفقنا وتخلصنا بحجتنا عند
وعند كل ملمة حتى تظهر لنا حجتنا على ظالمينا وأسألك باسمك
الذي دعاك به عيسى بن مريم فأحيى به الموتى وأبرأ الأكمه
والأبرص أن تخلصنا وتبرئنا من كل سوء وآفة وألم
تحيينا حيوة طيبة في الدنيا والآخرة وأن ترزقنا العافية
في أبداننا وأسألك باسمك الذي دعاك به الحواريون
فأغثتهم حتى بلغوا عن عيسى ما أمرتهم به وصرفت عنهم

كيد الجبّارين وتولّيتهم ان تخلّصنا وتجعلنا من الدعاة

مر گردنکشان را و دوست داشتی ایشان را آنکه خلاص کنی ما را و بگردانی ما را از خوانندگان

الى طاعتك واسئلك باسمك الّذي دعاك به جرجيس

به طاعت تو و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا باو جرجیس

فرفعت عنه الم العذاب في الدنيا والآخرة ان لا تبتلينا

پس برداشتی از او درد عذاب را در دنیا و آخرت و آنکه مبتلا نکنی ما را

وان ابتليتنا فصبّرنا والعافية احبّ الينا واسئلك

و اگر مبتلا کنی ما را پس شکیبا کن ما را و عافیت دوست تر است بما و سؤال میکنم ترا

باسمك الّذي دعاك به الخضر حتّى ابقيته ان تفرّج عنّا

بنام تو که خواند ترا باو خضر تا باقی داری او را آنکه فرج دهی از ما

وتنصرنا على من ظلمنا وتردّنا الى مأمنك واسئلك باسمك

و یاری دهی ما را بر آنکه ستم کرده ما را و باز گردانی ما را بامن خود و سؤال میکنم ترا بنام تو

الّذي دعاك به محمّد صلّى الله عليه وآله فجعلته سيّد

که خواند ترا باو محمد رحمت خدا بر او و آل او پس گردانیدی او را مهتر

المرسلين وايّدته بعليّ سيّد الوصيّين ان تصلّي عليهما

فرستادگان و قوت دادی او را بعلی مهتر اوصیا آنکه رحمت فرستی بر ایشان

وعلى ذرّيّتهما الطاهرين وان تقبلني في هذا اليوم عثرتي

و بر فرزندان ایشان که پاکانند و آنکه در گذری از من در این روز لغزشهای مرا

وتغفر لي ما سلف من ذنوبي وخطاياي ولا تصرفني من

و بیامرزی مرا آنچه پیش کرده ام از گناهانم و خطاهایم و نگردانی مرا از

مقامي هذا الّا بسعي مشكور وذنب مغفور وعمل مقبول

اینجا مگر بسعی جزا داده شده و گناه آمرزیده شده و کردار پذیرفته

ورحمة ومغفرة ونعيم موصول بنعيم الآخرة برحمتك

و رحمت و آمرزش و نعمت متصل بنعیمهای آخرت برحمت تو

يا حنّان يا منّان يا ذا الجلال والاكرام انّك على كلّ شيء

ای مهربان ای نیکی بخشنده ای خداوند بزرگی و بزرگواری بدرستیکه تو بر همه چیز

قدير ولا حول ولا قوّة الّا بالله العليّ العظيم

توانائی و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدای برتر بزرگ

باب سيّم در بيان اعمال ماه ربيع الثاني وجمادى الثانية است و در آن سه فصل است

فصل اوّل در بيان اعمال ماه ربيع الثاني است سيّد ابن طاوس ره گفته است که در روز اوّل این ماه مستحبّ است که این دعا را بخوانند

اللّهمّ انت اله كلّ شيء وخالق كلّ حيّ وربّ كلّ شيء اسئلك

خدایا توئی خدای هر چیز و آفریننده هر زنده و پروردگار هر چیز سؤال میکنم ترا

بالعروة الوثقى والغاية والمنتهى وبما خالفت به بين

بدست آویز محکم و غایت و نهایت و بآنچه مخالفت کردی باو

الانوار والظلمات والجنّة والنار والدنيا والآخرة و

میان نورها و ظلمتها و بهشت و آتش و دنیا و آخرت و

باعظم اسمائك في اللوح المحفوظ واتمّ اسمائك في التورية

ببزرگترین نامها در لوح نگاه داشته شده و تمامترین نامها در توریة از

نبلا وازهر اسمائك في الزبور عزّا واجلّ اسمائك في الانجيل

فضیلت و روشنترین نامها در زبور از عزت و بزرگترین نامها در انجیل

قدرا وارفع اسمائك في القرآن ذكرا واعظم اسمائك في الكتب

از مرتبه و بلندترین نامها در قرآن از یاد و بزرگترین نامها در کتابهای

المنزلة وافضلها واسمى اسمائك في نفسك الّذي ليس

فرود آمده و بهترین آنها و بلندترین نامها در نفس تو که نیست

واسئلك بعزّتك وقدرتك وبالعرش العظيم وما حمل و

و سؤال میکنم ترا بعزت تو و توانائی تو و بعرش بزرگ و آنچه برداشت و

بالكرسيّ الكريم وما وسع ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وتتيح

بکرسی بزرگ و آنچه فراگرفت آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مقدر کنی

لي من عندك فرجك القريب العظيم الاعظم اللّهمّ اتمم عليّ

برای من از نزد خود فرج نزدیکتر که بزرگست بزرگتر خدایا تمام کن بر من

احسانك القديم الاقدم وتابع الىّ معروفك الدائم

نیکیهای خود را که دیرینه است و پی در پی کن بسوی من احسان خود را که دائم است

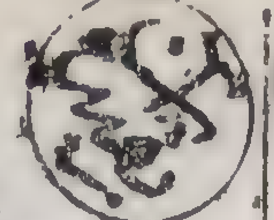
الادوم وانعشني بعز جلالك الكريم الاكرم والهكم اله
واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي
القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم الم الله لا اله الا هو الحي
القيوم هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء
لا اله الا هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا اله الا هو
والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز
الحكيم الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيامة لا ريب
فيه ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه
وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا
هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم
جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو
يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي
يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما

امروا الا ليعبدوا الله الها واحدا لا اله الا هو سبحانه
عما يشركون فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه
الغرق قال امنت انه لا اله الا الذي امنت به بنوا
اسرائيل وانا من المسلمين قل هو ربي لا اله الا هو عليه
توكلت واليه متاب ينزل الملائكة بالروح من امره على
من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون
وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا
هو له الاسماء الحسنى وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني
انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما
الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما
ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا
انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن

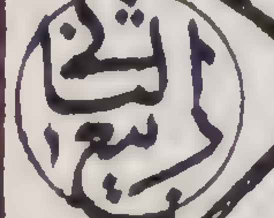
نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِي الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ
إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ فَتَعالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْكَريمِ اَللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَهُوَ
اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَ
إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهاً آخَرَ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ
كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يا أَيُّهَا
النّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ
مِنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ فَأَنّىٰ تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ
رَبُّكُمْ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ فَأَنّىٰ تُصْرَفُونَ غافِرِ الذَّنْبِ وَقابِلِ التَّوْبِ
شَديدِ الْعِقابِ ذِي الطَّوْلِ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصيرُ ذٰلِكُمُ
اللّٰهُ رَبُّكُمْ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ فَأَنّىٰ تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ
رَبُّكُمْ فَتَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمينَ هُوَ الْحَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ فَادْعُوهُ
مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ رَبِّ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ

بَيْنَهُما إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنينَ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ يُحْيي وَيُميتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبائِكُمُ
الْأَوَّلينَ فَأَنّىٰ لَهُمْ إِذا جاءَتْهُمْ ذِكْراهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ
اسْتَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ
عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ
الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزيزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ
اللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ اَللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ عَفْواً لَيْسَ بَعْدَهُ عُقُوبَةٌ وَرِضاً لَيْسَ بَعْدَهُ سَخَطٌ
وَعافِيَةً لَيْسَ بَعْدَها بَلاءٌ وَسَعادَةً لَيْسَ بَعْدَها شَقاءٌ
وَهُدًى لا يَكُونُ بَعْدَها ضَلالَةٌ وَإِيماناً لا يُداخِلُهُ كُفْرٌ
وَقَلْباً لا يُداخِلُهُ فِتْنَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الْقَبْرِ
وَالْحُجَّةَ الْبالِغَةَ وَالْقَوْلَ الثّابِتَ وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيَّ الْأَمانَ وَ
الْفَرَحَ وَالسُّرُورَ وَنَضْرَةَ النَّعيمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَعَرِّفْني بَرَكَةَ هٰذَا الشَّهْرِ وَيُمْنَهُ وَارْزُقْني خَيْرَهُ

وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ وَهَّابُ الْخَيْرِ فَهَبْ لِي شَوْقاً إِلَى لِقَائِكَ وَ
إِشْفَاقاً مِنْ عَذَابِكَ وَحَيَاءً مِنْكَ وَتَوْقِيراً وَإِجْلَالاً لَا أَحْوَجُ
بِوَجَلٍ مِنْ ذٰلِكَ خَلْقِي وَيَقْشَعِرُّ مِنْهُ جِلْدِي وَيَتَجَافَى لَهُ جَنْبِي وَ
تَدْمَعُ مِنْهُ عَيْنِي وَلَا أَخْلُو مِنْ ذِكْرِكَ فِي لَيْلِي وَنَهَارِي يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُثْنِي عَلَيْكَ وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مَدْحِي وَ
ثَنَائِي مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ رَأْيِي وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَ
أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ
الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَ
أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ وَ
أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَأَنَا خَلْقٌ أَمُوتُ فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَ
أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ
وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَكَرِّمْ مَقَامَهُ
وَأَجْزِلْ ثَوَابَهُ وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَأَظْهِرْ عُذْرَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَأَدِمْ
كَرَامَتَهُ وَأَلْحِقْ بِهِ أُمَّتَهُ وَذُرِّيَّتَهُ وَأَقْرِرْ بِذٰلِكَ عَيْنَهُ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ مُحَمَّداً أَكْرَمَ النَّبِيِّينَ تَبَعاً وَأَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً وَأَتَمَّهُمْ
كَرَامَةً وَأَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَأَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلاً اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ
مُحَمَّداً دَرَجَةَ الْوَسِيلَةِ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ
وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلَاةَ أُمَّتِهِ عَلَيْهِ



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَتَلَا آيَاتِكَ وَ
نَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ
زِدْ مُحَمَّداً مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً وَمَعَ كُلِّ فَضْلٍ فَضْلاً وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَ
مَعَ كُلِّ سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتَّى تَجْعَلَ مُحَمَّداً فِي الشَّرَفِ الْأَعْلَى مِنَ الدَّرَجَاتِ
الْعُلَى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ مَحَبَّتِي وَبَلِّغْنِي

وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَفَرِّجْ هَمِّي وَغَمِّي وَكَرْبِي
وَيَسِّرْ لِي اِرَادَتِي وَاَوْصِلْنِي اِلٰى بُغْيَتِي سَرِيعاً عَاجِلاً يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

فصل در بیان اعمال ماه جمادی الاولی است سید بن طاوس ... از بعضی از کتب نقل کرده است که در روز اول این ماه مستحب است که این دعا را بخوانند

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ وَاَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
وَاَنْتَ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ وَاَنْتَ الْمُهَيْمِنُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ وَاَنْتَ الْجَبَّارُ
وَاَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنْتَ الْبَارِئُ وَاَنْتَ الْمُصَوِّرُ وَاَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَكَ
الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى اَسْاَلُكَ يَا رَبِّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ
كُلِّهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰتِنَا اللّٰهُمَّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ فِي
سَبِيلِكَ وَعَرِّفْنَا بَرَكَةَ شَهْرِنَا هٰذَا وَيُمْنَهُ وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ
وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَاجْعَلْنَا فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ

عَذَابَ النَّارِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
پس این آیات را بخوانند
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ
الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ
مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضٰى اَجَلاً وَاَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ اَنْتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ
اللّٰهُ فِي السَّمٰوَاتِ وَفِي الْاَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا
تَكْسِبُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ
عِوَجاً قَيِّماً لِيُنْذِرَ بَاْساً شَدِيداً مِنْ لَدُنْهُ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ
وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلاً اُولِي اَجْنِحَةٍ
مَثْنٰى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ
فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد

جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله الذي وهب لي على الكبر

اسماعيل واسحق ان ربي لسميع الدعاء الحمد لله بل اكثرهم

لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من القوم الظالمين الحمد لله

الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين الحمد لله سيريكم

اياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون الحمد لله الذي

اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الحمد لله

الذي صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوء من الجنة

حيث نشاء فنعم اجر العاملين وترى الملائكة حافين

من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضي بينهم بالحق و

قيل الحمد لله رب العالمين فلله الحمد رب السموات و

رب الارض رب العالمين وله الكبرياء في السموات

وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن

له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره

تكبيرا اللهم اغفر لي ما سلف من ذنوبي وتداركني فيما

بقي من عمري وقو ضعفي للذي خلقتني له وحبب الي الايمان

وزينه في قلبي وقد دعوتك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني

اللهم اصبحت لك عبدا لا استطيع دفع ما اكره ولا املك

ما ارجو واصبحت مرتهنا بعملي فلا فقير افقر مني

اليك يا رب العالمين اسالك ان تستعملني عمل من

استيقن حضور اجله لا بل عمل من قد مات فراى عمله

ونظر الى ثواب عمله انك على كل شيء قدير اللهم وهذا مكان

العائذ برحمتك من عذابك وهذا مكان العائذ بمعافاتك

من غضبك اللهم اجعلني ممن دعاك فاجبته وسالك

فاعطيته وامن بك فهديته وتوكل عليك فكفيته

وتقرب اليك فادنيته وافتقر اليك فاغنيته و

اَسْتَغْفَرَكَ فَغَفَرْتَهُ لَهُ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَاَرْضَيْتَهُ فَهَدَيْتَهُ
آمرزش خواست ترا پس آمرزیدی او را و خشنود شدی از او و خشنود گردانیش و هدایت کردیش

اِلَى مَرْضَاتِكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ وَلِذَلِكَ فَرَّغْتَهُ اَبَدًا
بخشنودی و بکار داشتی او را با طاعت خود و برای آن فارغ داشتی او را همیشه

مَا اَحْيَيْتَهُ فَمُنَّ عَلَيَّ يَا رَبِّ وَاَعْطِنِي سُؤْلِي وَلَا تَحْرِمْنِي شَيْئًا
مادام که زنده داشتی او را پس منت بگذار بر من ای پروردگار و بده مرا خواهش مرا و محروم مگردان مرا چیزی

مِمَّا سَاَلْتُكَ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ وَ
از آنچه سؤال کردم تو را و باز دار از من بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین و

اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا اِلَهَ هُوَ الَّذِي لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
آمرزش خواهم از خدائی که نیست خدائی جز او آنکه نمی آمرزد گناهها را

اِلَّا هُوَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا
مگر او خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر دنیا

وَارْزُقْنِي خَيْرَهَا وَكَرِّهْ اِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ
و روزی ده مرا بهتر او را و کراهت دار بمن کفر و نافرمانی و معصیت را

وَاجْعَلْنِي مِنَ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ قَوِّنِي لِعِبَادَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي
و گردان مرا از راه یافتگان خدایا قوت ده مرا برای عبادت خود و بکار دار مرا

فِي طَاعَتِكَ وَبَلِّغْنِي الَّذِي اَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
در طاعت خود و برسان مرا آنچه امیدوارم از رحمت تو ای زیاده مهربان

اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ الرَّوْحَ فِي يَوْمِ الظَّمَاءِ وَالنَّجَاةَ يَوْمَ الْفَزَعِ
خدایا بدرستیکه سؤال میکنم تو را ... در روز تشنگی و نجات روز ترس

الْاَكْبَرِ وَالْفَوْزَ يَوْمَ الْحِسَابِ وَالْاَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ وَاَسْاَلُكَ
بزرگ و پیروزی روز حساب و ایمنی روز ترس و سؤال دارم

النَّظَرَ اِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ مِنْ
نگریستن بذات تو که بزرگ است و جاوید در بهشت تو در سرای باقی از

فَضْلِكَ وَالْجُودَ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَالظِّلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ
از افزونی تو و بخشش روزی که برداشته شود از ساقها و سایه روزی که نیست سایه جز سایه تو

وَمُرَافَقَةَ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَوْلِيَائِكَ اَللَّهُمَّ اغْفِرْ
و دوستی پیغمبرانت و رسولانت و دوستانت خدایا بیامرز مرا

لِي مَا قَدَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا
آنچه پیش کرده ام از گناهانم و آنچه تاخیر کردم و آنچه پوشیدم و آنچه

اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَارْزُقْنِي
آشکار کردم و آنچه اسراف کردم بر نفس خود و آنچه تو داناتری باو از من و روزی کن

التُّقَى وَالْهُدَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى وَوَفِّقْنِي لِلْعَمَلِ بِمَا
پرهیزکاری و هدایت و بخشش و بی نیازی و توفیق ده مرا بعمل بآنچه

تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللَّهُمَّ اَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِي
دوست داری و پسندی خدایا اصلاح آور برای دینم که او نگاه دارنده امر من است

وَاَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَاَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي اِلَيْهَا
و اصلاح آور برای دنیایم که در اوست زندگانیم و اصلاح آور برای آخرتم که باوست

مُنْقَلَبِي وَاجْعَلِ الْحَيٰوةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ
بازگشت من و بگردان زندگانی را زیاد برای من در هر نیکی و بگردان مرگ را

رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ يَا رَبَّ الْاَرْبَابِ
راحتی برای من از هر بدی خدایا بدرستیکه سؤال میکنم تو را ای پروردگار پروردگارها

وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَيَا مَالِكَ الْمُلُوكِ اَنْ تَرْحَمَنِي وَ
و ای مهتر مهترها و ای پادشاه پادشاهان آنکه رحم کنی مرا و

تَسْتَجِيبَ لِي وَتُصْلِحَنِي فَاِنَّهُ لَا يُصْلِحُ مَنْ صَلَحَ مِنْ عِبَادِكَ اِلَّا
بپذیری مرا و اصلاح آوری مرا پس بدرستیکه نیکو نمیشود آنکه نیکوست از بندگانت

اَنْتَ فَاِنَّكَ اَنْتَ رَبِّي وَثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَوْلَايَ وَمَلْجَاَيَ
مگر تو پس بدرستیکه توئی رب من و اعتماد من و امید من و آقای من و پناه من

وَلَا رَاحِمَ لِي غَيْرُكَ وَلَا مُغِيثَ لِي سِوَاكَ وَلَا مَالِكَ سِوَاكَ
و نیست رحم کننده مرا غیر از تو و نه فریادرسی مرا سوای تو و نه پادشاهی سوای تو

وَلَا مُجِيبَ اِلَّا اَنْتَ اَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ
و نه اجابت کننده مگر تو منم بنده تو و پسر بنده ات و پسر کنیزت

الخاطئ الذي وسعته رحمتك وانت العالم بحاجتي
گناهکاری که فرا گرفته او را رحمت تو و تو دانائی به حاجتم

وكثرة ذنوبي والمطلع على اموري كلها فاسألك يا لا
و بسیاری گناهم و اطلاع دارنده بر کارهایم همه آن پس سؤال میکنم تو را ای

اله الا انت ان تغفر لي ما تقدم من ذنبي وما تأخر اللهم
آنکه نیست خدائی جز تو آنکه بیامرزی آنچه پیش کرده ام از گناهانم و آنچه را پس کردم خدایا

لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة
وامگذار برای من گناهی مگر آنکه بیامرزی او را و نه اندوهی مگر بگشائی او را و نه حاجتی

هي لك رضا الا قضيتها ولا عيبا الا اصلحته اللهم
که آن برای تو خشنودی در برآوری او را و نه عیبی مگر اصلاح آوری او را خدایا

آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش

اللهم اعني على اهوال الدنيا وبوائق الدهور و
خدایا یاری ده مرا بر اهوال دنیا و حادثه های روزگار و

مصيبات الليالي والايام اللهم واحرسني من شر ما
مصیبتهای شبها و روزها خدایا و نگاه دار مرا از بدی آنچه

يعمل الظالمون في الارض فانه لا حول ولا قوة الا
میکنند ستمکاران در زمین بدرستیکه نیست گردیدنی و نه توانائی مگر

بك يا الله اني اسألك ايمانا ثابتا وعملا متقبلا ودعاء
بتو خداوندا من سؤال میکنم ترا ایمانی ثابت و کرداری پاینده و دعای

مستجابا ويقينا صادقا وقولا طيبا وقلبا شاكرا و
پذیرفته شده و یقینی راست و گفتاری پاک و دلی شاکر و

بدنا صابرا ولسانا ذاكرا اللهم انزع حب الدنيا و
تنی شکیبا و زبانی یاد کننده خدایا بکن دوستی دنیا را و

ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم انك بكرمك
و معصیتهای او را و یاد او را و خواهش او را از دل من خدایا بدرستیکه تو بکرمت

تشكر اليسير من عملي واغفر لي الكثير من ذنوبي وكن لي وليا
جزا دادی اندک از عمل را پس در گذر مرا بسیاری از گناهانم و باش دوستی

ونصيرا ومعينا وحافظا اللهم هب لي قلبا اشد رهبة
و یاوری و یاری دهنده و نگاه دارنده خدایا ببخش مرا دلی سخت تر ترس

لك من قلبي ولسانا ادوم لك ذكرا من لساني وجسما
برای تو از دلم و زبانی پاینده تر برای تو بندگی از زبانم و جسمی

اقوى على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ
قوی تر بر طاعت تو و پرستش تو از بدنم خدایا من پناه میبرم

بك من زوال نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن تحويل عافيتك
بتو از زوال نعمت تو و از ناگهانی عذابت و از گردانیدن عافیت

ومن هول حلول غضبك واعوذ بك من جهد البلاء
تو از فرود آوردن خشم تو و پناه میبرم بتو از کوشش بلا و

ودرك الشقاء ومن شماتة الاعداء وسوء القضاء
و از دریافت بدبختی و از سرزنش دشمنان و بدی فرمان

في الدنيا والآخرة اللهم اني اسألك باسمك الكريم
در دنیا و آخرت خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بنام تو که بزرگ است

وعرشك العظيم وملكك القديم يا وهاب العطايا
و عرش تو که بزرگ است و پادشاهی تو که دیرینه است ای بخشنده عطاها ای

يا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب ويا كاشف
رها کننده اسیران و ای رها کننده گردنها و ای برطرف کننده

العذاب اسألك ان تخرجني من الدنيا سالما غانما
عذاب سؤال میکنم ترا آنکه بیرون آوری مرا از دنیا سالم با غنیمت

وان تدخلني الجنة برحمتك آمنا وان تجعل اول
و آنکه در آوری مرا بهشت برحمت خود ایمن و آنکه بگردانی اول

شهري هذا صلاحا واوسطه فلاحا واخره نجاحا انك
ماه مرا این صلاح و میانش را فیروزی و آخرش را رستگاری بدرستیکه

آنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق ع

تو تویی دانای نهانیها

روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها

هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت زنده بود پس بنابر مشهور که وفات حضرت رسول

در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا چهاردهم

یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسبست

خصوصاً چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید ره گفته است که در شب پانزدهم

این ماه حضرت امام زین العابدین ع متولد شده است و روز شریفیست و مستحب

است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی

ره گفته است که فتح بصره برای امیر المؤمنین ع نیز در این روز میسر شد مؤلف

گوید که زیارت حضرت امام در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه در این

ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی بهتر است فصل

سیم در اعمال ماه جمادی الثانیه است سید ابن طاوس ره روایت کرده است

که در این ماه در هر روز که خواهد سنتست که چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو

سلام و در رکعت اول بعد از حمد یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه

انا انزلناه و در رکعت دوم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد

بخوانند و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب

الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه سوره اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل

اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سُبْحانَ

اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و هفتاد مرتبه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ پس سه مرتبه بگوید اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ پس سر بسجده

گذارد و سه مرتبه بگوید یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا اَللهُ یا رَحْمنُ یا

رَحیمُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند

حق تعالی خود و مال او و زنان و فرزندان و دین و دنیای او را حفظ نماید

و اگر در این سال بمیرد بشهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ

بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت

کرده است که ولادت با سعادت حضرت فاطمه ع در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شد

است و شهادت آنحضرت نیز در سیم این ماه واقع شده است و شیخ طوسی و سید ابن طاوس

و دیگران چنین ذکر کرده اند که اگرچه وفات مثل روایتی است که سابقاً ذکر کردیم

اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز سیم این ماه نیز اسم تعزیت آنحضرت

بپا نمایند و غاصبان حق آنحضرت و لعن بر قاتلان آنحضرت بکنند بخصوص ابو بکر و عمر و قنفذ

غلام عمر و در روز بیستم آنحضرت را باز زیارت کنند و چنانچه شیخ مفید گفته است اظهار

سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر کنند و زیارت

آنحضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید ابن طاوس ره روایت کرده است

که هر که زیارت کند آنحضرت را باین زیارت بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ

نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ

اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّها پس بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَمَتِکَ وَابْنَةِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَةِ

وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلوةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفی عِبادِکَ الْمُکْرَمینَ مِنْ اَهْلِ السَّمواتِ

وَاَهْلِ الْاَرَضینَ پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی و حق تعالی گناهان

او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند و این زیارت معتبر نیست و همه وقت میتوان

کرد دوم زیارتی است مبسوطه که علما ذکر کرده اند در کتب زیارت و سندش بنظر فقیر نرسیده و آن

زیارت اینست

اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ

درود بر تو ای دختر رسول خدا درود بر تو

یا بِنْتَ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ حَبیبِ اللهِ اَلسَّلامُ

ای دختر پیغمبر خدا درود بر تو ای دختر دوست خدا درود

عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلیلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ صَفِیِّ

بر تو ای دختر برگزیده خدا درود بر تو ای دختر برگزیده

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَمینِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ

خدا درود بر تو ای دختر امین خدا درود بر تو

یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَفْضَلِ

ای دختر بهترین خلق خدا درود بر تو ای دختر بهترین

اَنْبِیاءِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیَّةِ اَلسَّلامُ

پیغمبران خدا درود بر تو ای دختر بهترین مردمان درود

عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللهِ وَخَيْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا

الصِّدِّيقَةُ الطَّاهِرَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ

الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الرَّشِيدَةُ السَّلَامُ

عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ

أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ

النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ السَّلَامُ

عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا

الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ

الْمَغْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْغَرَّاءُ الزَّهْرَاءُ السَّلَامُ

عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَا

صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ يَا مَوْلَاتِي وَابْنَةَ مَوْلَايَ وَصَلَّى عَلَى رُوحِكِ

وَبَدَنِكِ أَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكِ

وَأَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ جَفَاكِ فَقَدْ

جَفَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذَاكِ فَقَدْ

آذَى رَسُولَ اللهِ وَمَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ

وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ لِأَنَّكِ بَضْعَةٌ مِنْهُ

وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلٰوةِ

أَكْمَلُ السَّلَامِ أُشْهِدُ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكِ

وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكِ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكِ أَنَا يَا مَوْلَاتِي بِكِ

وَبِأَبِيكِ وَبَعْلِكِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكِ مُوقِنٌ وَبِوِلَايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ وَلِطَاعَتِهِمْ

مُلْتَزِمٌ أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا

عَنِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَدَعَوْا إِلَى سَبِيلِ اللهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

الْحَسَنَةِ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ وَصَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكِ

وعلى ابيك وبعلك وذريتك الائمة الطاهرين اللهم
صل على محمد واهل بيته وصل على البتول الطاهرة الصديقة
المعصومة التقية النقية الرضية الزكية الرشيدة
المقهورة المغصوبة حقها الممنوعة ارثها المكسور ضلعها
المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة
لحمه وصميم قلبه وفلذة كبده والنخبة منك له والتحفة
خصصت بها وصيه وحبيبة المصطفى وقرينة المرتضى
وسيدة النساء ومبشرة الاولياء حليفة الورع و
الزهد وتفاحة الفردوس والخلد التي شرفت مولدها
بنساء الجنة وسللت منها انوار الائمة وارخيت دونها
حجاب النبوة اللهم صل عليها صلوة تزيد في محلها
عندك وشرفها لديك ومنزلتها من رضاك وبلغها
منا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في حبها فضلا و

احسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو الكريم

اللهم اني اتوجه
اليك بنبينا محمد واهل بيته صلواتك عليهم واسألك
بحقك العظيم عليهم الذي لا يعلم كنهه سواك واسألك
بحق من حقه عندك عظيم وباسمائك الحسنى التي امرتني
ان ادعوك بها واسألك باسمك الاعظم الذي امرت به
ابرهيم ان يدعو به الطير فاجابته وباسمك العظيم الذي
قلت للنار كوني بردا وسلاما على ابرهيم فكانت و
باحب الاسماء اليك واشرفها واعظمها لديك واسرعها
اجابة وانجحها طلبة وبما انت اهله ومستحقه و
مستوجبه واتوسل اليك وارغب اليك واتضرع
والح عليك واسألك بكتبك التي انزلتها على انبيائك

وَرُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجيلِ وَالزَّبُورِ
(و رسولانت رحمتهای تو بر ایشان از توریة و انجیل و زبور)
وَالْفُرْقانِ الْعَظيمِ فَاِنَّ فيهَا اسْمَكَ الْاَعْظَمَ وَبِما فيها مِنْ
(و فرقان بزرگ پس بدرستیکه در اوست نام تو که بزرگترست و بآنچه در اوست از)
اَسْمائِكَ الْحُسْنَى الْعُظْمى اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
(نامهای تو که بزرگست انکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و انکه)
تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشيعَتِهِمْ وَمُحِبّيهِمْ وَعَنّي وَتَفْتَحَ اَبْوابَ
(گشایش دهی از آل محمد و پیروان ایشان و دوستانشان و از من و بگشائی درهای)
السَّماءِ لِدُعائي وَتَرْفَعَهُ في عِلِّيّينَ وَتَأْذَنَ في هٰذَا الْيَوْمِ
(آسمانرا برای دعایم و بلند کنی آنرا در علیین و اذن دهی در این روز)
وَفي هٰذِهِ السّاعَةِ بِفَرَجي وَاِعْطاءِ اَمَلي وَسُؤْلي في
(در این ساعت بگشایش من و دادن آرزویم و سؤالم در)
الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا مَنْ لا يَعْلَمُ اَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ اِلّا
(دنیا و آخرت ای آنکه نمیداند کسی چگونه است او و توانائیش مگر)
هُوَ يا مَنْ سَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ وَكَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْماءِ وَ
(او ای آنکه بست هوا را باسمان و فرا گسترد زمین را بر آب و)
اخْتارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْماءِ يا مَنْ سَمّى نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ
(برگزید برای نفس خود نیکوترین نامها را ای آنکه نام نهاد نفس خود را بنامی)
الَّذي يُقْضى بِهِ حاجَةُ مَنْ يَدْعُوهُ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذٰلِكَ الْاِسْمِ
(که روا شود باو حاجت هر که بخواند او را میخواهم از تو بحق این اسم)
فَلا شَفيعَ لي اَقْوى مِنْهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
(پس نیست شفیعی برای من قویتر از او انکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و انکه)
تَقْضِيَ لي حَوائِجي وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَ
(برآوری برای من حاجتهایم و بشنوانی بمحمد و علی و فاطمه و حسن و)
الْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
(حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و)

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
(و موسی ابن جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد)
وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ لِاِذْنِكَ صَلَواتُكَ وَسَلامُكَ
(و حسن پسر علی و حجت انتظار برده شده برای اذن تو رحمتهای تو و درودهای تو)
وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ عَلَيْهِمْ صَوْتي لِيَشْفَعُوا لي اِلَيْكَ وَتُشَفِّعَهُمْ
(و رحمت تو و برکتهای تو بر ایشان صدایم تا شفاعت کنند برایم بتو و شفیعشان کنی)
فِيَّ وَلا تَرُدَّني خائِباً بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ — پس حاجتهای خود را طلب کن که برآورده است
(ایشان را در من و باز مگردان مرا نومید بحق آنکه نیست خدائی مگر تو)

باب سیم در اعمال هر ماه است بدان که در وقت دیدن ماه نو خواه در شب اول وخواه در دویم وخواه در سیم مستحب است که دعای منقول را بخواند وبهترین اینها دعای هلال صحیفهٔ کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه سوره حمد خواندن برای دفع درد چشم منقول است و گفته‌اند پنیر خوردن مستحب است واز حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را خوش بو و شیرین میکند و اشتهای طعام میآورد و باعث هضم طعام میشود و هر که اول ماه بخورد حاجتش رد نمیشود واز حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره انعام بخواند و از خدا سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند ونبیند در این ماه امری را که مکروه وی باشد واز حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که چون ماه تازه در آید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم سی مرتبه سوره انا انزلناه بخوان وبعد از نماز تصدق کن چون چنین کنی سلامتی آن ماه را از خدا خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحب است که بعد از این دو رکعت این آیات را بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ وَما مِنْ دابَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُها وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَمُسْتَوْدَعَها كُلٌّ في كِتابٍ مُبينٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ اِلّا هُوَ وَاِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلا رادَّ لِفَضْلِهِ يُصيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً ما شاءَ اللّٰهُ لا قُوَّةَ

إِلاَّ بِاللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و بدان که از جملهٔ
سنتهای مؤکد که حضرت رسول ص بر آن مواظبت نمود تا از دنیا رفت روزهٔ
سه روز در هر ماه است و آنچه موافق مشهور پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر
ماه و چهارشنبهٔ اول از دههٔ میان ماه است و در بعضی از روایات عکس این
نیز وارد شده است یعنی چهارشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ آخر و پنجشنبهٔ اول از
دههٔ میان ماه و اول اشهر است و بهتر است و سنن آنحضرت تالی واجبات است
در فضیلت و تأکید و آنحضرت نماز سنت در هر شب و روز دو برابر نماز واجب
مقرر فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر
و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت نشسته بعد از نماز خفتن و چون نشسته
کرده میشود برابر یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش
از نماز صبح و اینها متمم فریضه‌اند و در ثواب و تأکید مثل آنند و مانند
فریضه اگر ترک کنند سنت است که قضا کنند و از برای آن کفارهٔ یک مد از گندم
یا از جو برای نافلهٔ روز و یک مد از برای نافلهٔ شب مقرر کرده‌اند و همچنین روزهٔ
سنت دو برابر واجب است که تمام ماه شعبان است و در ده ماه دیگر هر ماه سه
روز و اگر فوت شود سنت است که قضا کنند و اگر در تابستان دشوار باشد
سنت است که در زمستان قضا کنند و اگر دشوار باشد بدل هر روز یک مد
بدهند که بحساب تبریز ده دانگ سه سیر و سه نار باشد و بحساب تبریز
های ناقص این زمان احوط چهارده فاز یکی است تا یکمد گندم که بحساب
وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درم شاه بدهند
احوط است و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقول
است که حضرت رسول ص مدتی روزهٔ سنت میگرفت که مردم گمان کردند
که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزه
نخواهد گرفت پس مدتی روزهٔ حضرت داود گرفت که یک روز روزه
میداشت و یک روز افطار میکرد پس در آخر عمر اکتفا نمود بروزهٔ سه روز

در هر ماه بنحوی که گذشت تا آنکه بر امتان آسان باشد متابعت آنحضرت و
فرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزهٔ تمام سال و وسواس شیطان
را از سینه برطرف میکند راوی پرسید که کدام روزها است فرمود که پنجشنبهٔ
اول و چهارشنبهٔ اول دههٔ دوم و پنجشنبهٔ آخر پرسید که چرا این روزها را
روزه میدارند فرمود برای آنکه عذاب بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده
است پس امر کرد که در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایت
دیگر فرمود که پنجشنبه را برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در این
روز بر خدا عرض میکنند و چهارشنبهٔ میان را برای این روزه میدارند که در
روز چهارشنبه آتش جهنم خلق شده است و روزه سپر آتش جهنم است و بروایت دیگر
هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شده است در چهارشنبهٔ میان ماه نازل شده
است و اگر در دههٔ اول دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبهٔ اول را گرفتن بهتر
است و اگر میسر نشود پنجشنبهٔ دوم را بگیرند و اگر در دههٔ آخر دو پنجشنبه بوده
باشد موافق مشهور پنجشنبهٔ دوم بهتر است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است
و در روایت دیگر وارد شده است که پنجشنبهٔ اول بهتر است و بعضی حمل کرده‌اند
بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبهٔ دوم اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت
صادق ع منقول است که هر که در هر ماه این سه روز روزه بدارد باید که با هیچ
کس مجادله نکند و سفاهت و تندخوئی و بیخردی نکند و مبادرت نکند بسوگند
خوردن بخدا و اگر کسی با او سفاهت و بیخردی بکند در گذرد و معارضه نکند و اگر
در این ایام روزه باشد و بخانهٔ برادر مؤمن خود وارد شود و او را تکلیف کند
بخدا افطار کردن بهتر است بر روزه داشتن بهفتاد برابر یا نود برابر چنانکه در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقول است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که داخل شود بخانهٔ
برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه‌ام که بر او
منت گذارد خدا ثواب روزهٔ یکسال برای او بنویسد و اگر این سه روز را در اول
ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده است
و ثواب روزهٔ سال مییابد چنانکه خدا فرموده است که مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ
أَمْثَالِهَا یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا آورد از برای او هست ده برابر آن و این

مضمون در احادیث بسیار وارد شده است فاما بهتر آنستکه بنحوی باشد که اول مذکور شد و از جملهٔ روزهای سنت هر ماه روزهٔ ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق خاصه و عامه منقول است و در بعضی از روایات وارد شده که چون حضرت آدم ع مرتکب آن امر مکروه شد در بهشت و او را در زمین فرستادند بدنش سیاه بود تا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون ملائکه این حالت را دیدند در او خروش بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه خدا پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن سیاهی برطرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر برطرف شد پس روز پانزدهم باز ندا رسید چون روزه داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید از آسمان که ای آدم روزهٔ این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردم که هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که تمام عمر خود روزه باشد و ابن بابویه گفته که روزهٔ دوشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و منافاة ندارد که هر دو سنت باشد و در پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس ره از حضرت رسول ص روایت کرده استکه جبرئیل بر من نازل شد و گفت بگو بعلی ع که بگیر روزهٔ هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو بسبب روزهٔ روز اول روزهٔ ده هزار سال و بروزهٔ روز دوم سی هزار سال و بروزهٔ روز سیم صد هزار سال حضرت امیرالمؤمنین ع گفت که یا رسول الله این مخصوص منست یا برای همه کس حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو که این روزها را روزه بدارد این ثواب از برای او خواهد بود گفت کدام روزها است این ماه فرمود سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است و از جملهٔ روزهای مرغوب روزهٔ روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسیکه حاجت داشته باشد چنانکه در ربیع الاسابیع است در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علما آنستکه هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت مگر

آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقول استکه کسیکه ارادهٔ عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید ره گفته است که مستحب نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن بلکه ملحق سازند بان یکروز پیش یا یکروز بعد را جایز است و گفته است که استحباب روزهٔ روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است و روزهٔ شنبه نهی از آن وارد شده است

مؤلف گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته است خلاف مشهور است میان علمای ما و شیخ طوسی ره در مصباح گفته است که ترغیب در روز جمعه وارد شده است بهتر آنستکه تنها روزه ندارد مگر آنکه یکروز پیشتر روزه بدارد و گمان فقیر آنستکه نهی از تنها گرفتن روزهٔ روز جمعه محمول بر تقیه باشد زیرا که سنیان این حدیث را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علما روزهٔ روز جمعه را حمل کرده اند بر کراهت آن در صورتیکه او را ضعیف کند از ادای فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل بد نیست و اما روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزهٔ آن واقع شده است و بهتر ترک است خصوصا هر گاه بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای تمام موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها و نهی از روزهٔ روز شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزهٔ آن بخاطر ندارم مگر آنچه شیخ مفید ره روایت کرده است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد خدا برای او ثواب نهصد سال عبادت بنویسد

باب یازدهم

در بیان زیارات حضرت رسول ص و ائمه علیهم السلام است بغیر آنچه سابقا مذکور شد بدانکه زیارت حضرت رسول ص و ائمه ع در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب است و اگر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارت جامعه و دعای ندبه و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا مینمایم

اول زیارت حضرت رسالت است از حضرت رسول ص منقول استکه

و خدا را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هلاکی از غلامان که از خدا سؤال نمود که هر چه بنده کان خدا گویند او بشنود و خدا با و عطا کرد پس او ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید و علیک السلام پس بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانید بر شما پس حضرت پیغمبر میفرماید و علیه السلام بعد از آن بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست حضرت رسول فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن از حضرت منقول است که حضرت صادق مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه تو را میسر نمیشود که باین مکان شریف بیائی و فرمود که نزد قبر رسول خدا میروی گفتم بلی فرمودند بدرستیکه سلام از نزدیک که میگوئی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی سلامت با آنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که بروید بمدینه و سلام کنید بر رسول خدا هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که بفرستند بان حضرت میرسد و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که صلوات فرستید بر حضرت رسول هر چند نزد آنحضرت هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که باشند با آنحضرت میرسد این حدیث احتمال تمام دارد که در نزدیک و دور کنند و ثوابش را هدیه روح مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول ﷺ باید فرستاد فرمود که میگوئی

السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا رَسُولَ اللهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خِیَرَةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا حَبِیبَ اللهِ السَّلَامُ

عَلَیْكَ یَا صِفْوَةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَمِینَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ رَبِّكَ وَ عَبَدْتَهُ حَتّٰی اَتٰیكَ الْیَقِینُ فَجَزَاكَ اللهُ یَا رَسُولَ اللهِ اَفْضَلَ مَا جَزٰی نَبِیًّا عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیمَ وَ آلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّكَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

و در روایت معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبر حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم را او در شهرهای دور باشد پس غسل کند در روز جمعه و دو جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرا پس چهار رکعت نماز بگذارد و با سوره که میسر شود پس بایستد و بقبله و بگوید السَّلَامُ عَلَیْكَ

اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ وَ الْوَصِیُّ الْمُرْتَضٰی وَ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ وَ السِّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ وَ الْاَوْلَادُ الْاَعْلَامُ وَ الْاُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطَاعًا اِلَیْکُمْ وَ اِلٰی آبَائِکُمْ وَ وَلَدِکُمُ الْخَلَفِ عَلٰی بَرَکَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ

حَتّی یَحْکُمَ اللهُ لِدینِهِ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لا مَعَ عَدُوِّکُمْ اِنّی مِنَ

تا حکم کند خدا برای دین او پس با شما باشم نیست با دشمنان شما بدرستیکه من از

الْقائِلینَ بِفَضْلِکُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِکُمْ لا اُنْکِرُ لِلّهِ قُدْرَةً وَ

معتقدانم به فضیلت شما اقرار دارندم برجعت شما و منکر نیستم خدا را قدرت او

لا اَزْعُمُ اِلّا ما شاءَ اللهُ سُبْحانَ اللهِ ذِی الْمُلْکِ وَ

نیست بزعم الا آنچه بخواهد خدا پاک است خدای صاحب ملک و

الْمَلَکوتِ یُسَبِّحُ اللهَ بِاَسْمائِهِ جَمیعُ خَلْقِهِ وَالسَّلامُ عَلی

ملکوت تسبیح میکند خدا را بنامهای او جمیع خلق او و درود بر

اَرْواحِکُمْ وَاَجْسادِکُمْ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ

ارواح شما و اجساد شما و درود بر شما و رحمت خدا

وَبَرَکاتُهُ و در روایت دیگر وارد است که این زیارت را در بام خانه خود بکن و زیارت آنحضرت سابقا مذکور شد و اما زیارات آنحضرت امام حسین ع بسندهای معتبر از سدیر صیرافی منقول است که گفت که حضرت صادق ع بمن فرمود که چه مانع است ترا آنکه زیارت کنی قبر امام حسین ع در هر هفته پنجشنبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالا میروی بر بام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر آنحضرت میکنی و میگوئی

السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِاللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ

درود بر تو ای ابا عبدالله درود بر تو

یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

ای پسر رسول خدا درود بر تو و رحمت خدا و برکات او

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسا است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقول است که کسیکه را حاجتی بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا رود بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکند و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقول است که از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق ع که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکن و متوجه شو بسوی من بدرستیکه هرکه مرا از دور زیارت کند چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه زیارت کند ما را بعد از موت من چنان است که زیارت کرده است مرا در حیات من هو الغفور که ابجد شده لا اثم کند

اینکه در تمامی قبرها حضرت صاحب الامر را در هر موضع زیارت توان کرد و اگر رو بسامرا کنند رو بروی قبر بهتر است و بعضی از زیارات مخصوص آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله و در حدیث معتبر بکر منقول است که حضرت صادق ع به سدیر گفت که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی ع را گفتم از بسیاری شغل ممکن نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی ثواب زیارت آنحضرت برای تو نوشته شود گفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل کن در خانه خود و بالا رو بر بام خانه خود و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق ع و نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین ع میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که سالی یکمرتبه گفت نه فرمود چه بسیار جفا کار بد بسید و آقای خود گفت یابن رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهم شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر چند زیارت کننده دور باشد گفتم چگونه زیارت کنم یابن رسول الله فرمود غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکیزه ترین جامه های خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خود یا خانه را و رو بصحرا کن و رو بجانب قبر آن حضرت کن و بگو

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ

درود بر تو ای آقای من و پسر آقای من

سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتیلُ

مهتر من و پسر مهتر من درود بر تو ای آقای من ای کشته شده

ابْنَ الْقَتیلِ الشَّهیدُ ابْنَ الشَّهیدِ السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ

پسر کشته شده شهید پسر شهید درود بر تو و رحمت خدا

وَبَرَکاتُهُ اَنا زائِرُکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبی وَلِسانی

و برکتهای او منم زیارت کننده ای پسر رسول خدا بدل و زبانم

وَجَوارِحی وَاِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسی وَالْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِکَ

و اعضایم و اگر زیارت نکنم ترا بنفس خود و مشاهده مرقد قبه تو

فَعَلَیْکَ السَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ وَوارِثَ

پس بر تو درود ای وارث آدم برگزیده خدا و وارث

نُوحٍ نَبِیِّ اللّٰهِ وَوارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ اللّٰهِ وَوارِثَ مُوسیٰ

کَلیمِ اللّٰهِ وَوارِثَ عیسیٰ رُوحِ اللّٰهِ وَکَلِمَتِهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ

حَبیبِ اللّٰهِ وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ وَوارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ

وَوَصِیِّ رَسُولِ اللّٰهِ وَخَلیفَتِهِ وَوارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ

وَصِیِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ لَعَنَ اللّٰهُ قاتِلیکَ وَجَدَّدَ عَلَیْهِمُ

الْعَذابَ فی هٰذِهِ السّاعَةِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ اَنَا یا سَیِّدی

مُتَقَرِّبٌ اِلَی اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ وَاِلیٰ جَدِّکَ رَسُولِ اللّٰهِ وَاِلیٰ

اَبیکَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلیٰ اَخیکَ الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ یا مَوْلایَ

عَلَیْکَ سَلامُ اللّٰهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ بِزِیارَتی لَکَ

بِقَلْبی وَلِسانی وَجَمیعِ جَوارِحی فَکُنْ یا سَیِّدی شَفیعی

لِقَبُولِ ذٰلِکَ مِنّی وَاَنَا بِالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِکَ وَاللَّعْنَةِ

عَلَیْهِمْ اَتَقَرَّبُ اِلَی اللّٰهِ وَاِلَیْکُمْ اَجْمَعینَ فَعَلَیْکَ صَلَواتُ

اللّٰهِ وَرِضْوانُهُ وَرَحْمَتُهُ — پس از آن که میکردی بجانب پیش رو روی مبکردانی بسوی قبر علی بن الحسین و او

زیارت پای پدر خود مدفون است و سلام میکنی بر او و مثل این سلام پس دعا میکنی و مطلبهای

حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میکنی که نماز زیارت هشت رکعت

میبایست باشد شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهتر هشت رکعت است پس رو

بجانب قبر امام حسین ع و میگوی اَنَا مُوَدِّعُکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَیا سَیِّدی

وَابْنَ سَیِّدی وَمُوَدِّعُکَ یا سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی یا

عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ وَمُوَدِّعُکُمْ یا سادَتی یا مَعْشَرَ الشُّهَداءِ

فَعَلَیْکُمْ سَلامُ اللّٰهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ وَرِضْوانُهُ

مؤلف میگوید که چون عبارت حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد بهتر

آنست که همین زیارت را با وداع چنانچه در بعض شریف میخوانند و بعضی نمیکنند و بخوانند

تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث در همه جا یا بن

وارث میخوانند تا از وارث قصد و راثت امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده

است و بدان که ابن طاوس رحمه الله اکتفا کرده است بر اینکه از دور که زیارت کنند نماز زیارت را بعد

از زیارت باید بکنند و احادیث پیش دلالت کرد بر اینکه پیش باید بکنند و در نیت که

عمر باشد و اگر این زیارت را کنند بهمین نحو که وارد شده است بکنند و از ابن طاوس معلوم

شد که غسل از برای زیارت بعید مستحب است و از بعضی هم مفهوم شد که بی غسل نیز

میتوان کرد و از بعضی عموماً مستفاد میشود که بر هر حالی میتوان کرد چنانکه اکثر

علما گفته اند و اگر در بام خانه یا صحرا کرد و اغتسال احوط و اولی است و در روایت معتبر

از حسین بن ثویر منقول است که بخدمت حضرت صادق عرض کردم که من بسیار امام حسین را یاد

میکنم در آنوقت چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ که سلام از

حضرت میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی ره ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد آنحضرت را از

دور چنانکه از نزدیک زیارت میکنند اشاره با دست نماید که اینک زایر باشد بگوید

بگوید قَصَدْتُکَ بِقَلْبی زائِراً اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِکَ وَوَجَّهْتُ سَلامی لِعِلْمی اَنَّهُ یُبَلِّغُکَ

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ عَزَّ وَجَلَّ و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر

علما روایت کرده اند از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار زیارت امام حسین ع میرفتم

پس چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول

ص را در خواب دیدم که حضرت امام حسن ع و امام حسین ع در خدمت آنحضرت بودند چون من نزدیک

ایشان رسیدم امام حسین ع گفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون

ترک کرده است حضرت رسول ص متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت مثل

حبوة میتوان کرد که گفتم یا رسول الله قلت ما الیسیر من الخانم اذ ذلک ابن سعاد
کرده است حضرت فرمود که هر شب بام خانه خود برو و با نگشت نهادن بسوی قبر آنحضرت

اشاره کن و بگو السلام علیک و علی جدک و ابیک السلام علیک

و علی امک و اخیک السلام علیک و علی الائمة

من بنیک السلام علیک یا صاحب الدمعة الساکبة

السلام علیک یا صاحب المصیبة الراتبة لقد

اصبح کتاب الله فیک مهجورا و رسول الله فیک موتورا

السلام علیک و رحمة الله و برکاته السلام علی انصار

الله و خلفائه السلام علی امناء الله و احبائه السلام

علی محال معرفة الله و معادن حکمة الله و حفظة سر الله و

حملة کتاب الله و اوصیاء نبی الله و ذریة رسول الله

صلی الله علیه و آله و رحمة الله و برکاته پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن

چون که زیارت تو از نزدیک و دور مقبول است اما زیارت سابر ائمه از نزدیک
و دور بهتر از آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت
کرده اند که شخصی از حضرت امام علی النقی سؤال کرد که ابن سند رسول خدا بمن تعلیم فرما
سخن بلیغ کاملی که آنرا بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه رسیدی بایست
و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و با بدنی که با غسل است

داخل شوی و ضریح را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس راه برو با آرام دل و آرام تن و گامها
نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک ضریح برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر تمام
شود پس بگو

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و موضع الرسالة و مختلف

الملائکة و مهبط الوحی و معدن الرحمة و خزان العلم

و منتهی الحلم و اصول الکرم و قادة الامم و اولیاء النعم

و عناصر الابرار و دعائم الاخیار و ساسة العباد و

ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة

النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین

و رحمة الله و برکاته السلام علی ائمة الهدی و مصابیح

الدجی و اعلام التقی و ذوی النهی و اولی الحجی و کهف الوری

و ورثة الانبیاء و المثل الاعلی و الدعوة الحسنی و حجج الله

علی اهل الدنیا و الآخرة و الاولی و رحمة الله و برکا

السلام علی محال معرفة الله و مساکن برکة الله

و معادن حکمة الله و حفظة سر الله و حملة کتاب

الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلى الله
عليه وآله ورحمة الله وبركاته السلام على الدعاة
الى الله والادلاء على مرضاة الله والمستقرين في امر
الله والتامين في محبة الله والمخلصين في توحيد الله
والمظهرين لامر الله ونهيه وعباده المكرمين الذين
لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون ورحمة الله
وبركاته السلام على الائمة الدعاة والقادة الهداة
والسادة الولاة والذادة الحماة واهل الذكر واولي
الامر وبقية الله وخيرته وحزبه وعيبة علمه وحجته
وصراطه ونوره وبرهانه ورحمة الله وبركاته
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له كما شهد
الله لنفسه وشهدت له ملائكته واولوا العلم من
خلقه لا اله الا هو العزيز الحكيم واشهد ان محمدا

عبده المنتجب ورسوله المرتضى ارسله بالهدى و
دين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون و
اشهد انكم الائمة الراشدون المهديون المعصومون
المكرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون
المطيعون لله القوامون بامره العاملون بارادته
الفائزون بكرامته اصطفاكم بعلمه وارتضاكم
لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته واعزكم
بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وايدكم بروحه
ورضيكم خلفاء في ارضه وحججا على بريته وانصارا
لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته
وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء على خلقه
واعلاما لعباده ومنارا في بلاده وادلاء على صراطه
عصمكم الله من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من

الذين واذهب عنكم الرجس اهل البيت وطهركم تطهيرا
فعظمتم جلاله واكبرتم شانه ومجدتم كرمه وادمتم
ذكره ووكدتم ميثاقه واحكمتم عقد طاعته ونصحتم له
في السر والعلانية ودعوتم الى سبيله بالحكمة و
الموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته وصبرتم
على ما اصابكم في جنبه واقمتم الصلوة واتيتم الزكوة
وامرتم بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله
حق جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرائضه و
اقمتم حدوده ونشرتم شرايع احكامه وسننتم سنته
وصرتم في ذلك منه الى الرضا وسلمتم له القضاء و
صدقتم من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق و
اللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم
وفيكم ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث

النبوة عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم و
فصل الخطاب عندكم وايات الله لديكم وعزائمه فيكم
ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم فقد
والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد
احب الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن اعتصم
بكم فقد اعتصم بالله انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم
وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة
الموصولة والاية المخزونة والامانة المحفوظة
والباب المبتلى به الناس من اتيكم فقد نجى ومن لم
ياتكم فقد هلك الى الله تدعون وعليه تدلون و
به تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والى سبيله
ترشدون وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم و
هلك من عاداكم وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز

من تمسك بكم وامن من لجأ اليكم وسلم من صدقكم و
هدي من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة ماويه ومن
خالفكم فالنار مثويه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم
مشرك ومن رد عليكم في اسفل درك من الجحيم اشهد ان
هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم
ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من
بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى
من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر
فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من
ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا
وكفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين
بتصديقنا اياكم فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين
واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا

يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا
يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي
مرسل ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا
دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا
جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك
شهيد الا عرفهم جلالة امركم وعظم خطركم وكبر شانكم
وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم و
شرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم
لديه وقرب منزلتكم منه بابي انتم وامي ونفسي واهلي
ومالي واسرتي اشهد الله واشهدكم اني مؤمن بكم و
بما امنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشا
نكم وضلالة من خالفكم موال لكم ولاوليائكم
مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم وحرب لمن

حاربكم مُحقِّقٌ لما حقّقتم مُبطِلٌ لما أبطلتم مُطيعٌ لكم عارفٌ

جنگم با کسیکه جنگ کند با شما تحقیق کننده ام آنچه را که تحقیق کردید باطل کننده ام هر آنچه را باطل کردید فرمانبرم شما را شناسنده ام

بحقّكم مُقِرٌّ بفضلكم مُحتمِلٌ لعلمكم مُحتجِبٌ بذمّتكم مُعترِفٌ

حق شما اقرار کننده ام برتری شما را حمل دارم مر علم شما را پنهانم بذمه شما اعتراف کننده ام

بكم مؤمنٌ بإيابكم مُصدِّقٌ برجعتكم مُنتظِرٌ لأمركم مُرتقِبٌ

بشما گرونده ام ببازگشت شما باور دارنده ام برجعت شما منتظرم مر امر شما را انتظار برده

لدولتكم آخذٌ بقولكم عاملٌ بأمركم مُستجيرٌ بكم زائرٌ لكم عائذٌ

ام مر دولت شما را فراگیرنده ام بگفتار شما عمل کننده ام بفرمان شما پناه جوینده ام بشما زیارت کننده ام شما را پناه جوینده

بكم لائذٌ بقبوركم مُستشفِعٌ إلى الله عزّ وجلّ بكم ومُتقرِّبٌ بكم

بشما پناه جوینده ام بقبرهای شما شفیع کننده ام خدا را عزّ و جلّ بشما و نزدیکی جوینده ام بشما

إليه ومُقدِّمُكم أمام طلبتي وحوائجي وإرادتي في كلّ

بسوی او و پیش دارنده ام شما را پیش مطلبها و حاجتهای من و اراده من در همه

أحوالي وأموري مؤمنٌ بسرّكم وعلانيتكم وشاهدكم

احوالم و امورم گرونده ام به پنهان شما و آشکار شما و حاضر شما

وغائبكم وأوّلكم وآخركم ومُفوِّضٌ في ذلك كلّه إليكم

و غائب شما و اول شما و آخر شما و واگذاشته ام در این همه بشما

ومُسلِّمٌ فيه معكم وقلبي لكم ورأيي لكم تبعٌ ونصرتي لكم

و تسلیم دارم در او با شما و دل من مر شما را و اعتقاد شما پیرو است و نصرتم برای شما

مُعدّةٌ حتّى يُحيي الله تعالى دينه بكم ويردّكم في أيّامه

مهیاست تا آنکه زنده کند خدای بلند مرتبه دین خود را بشما و رد کند شما را در ایام خود

ويُظهركم لعدله ويُمكّنكم في أرضه فمعكم معكم لا مع

و ظاهر کند شما را برای عدل خود و قدرت دهد شما را در زمین خود پس با شمایم با شما نه با

عدوّكم آمنتُ بكم وتولّيتُ آخركم بما تولّيتُ به أوّلكم و

دشمنان شما گرویدم بشما و دوست دارم آخر شما را چنانکه دوست دارم بآن اول شما را و

برئتُ إلى الله عزّ وجلّ من أعدائكم ومن الجبت والطاغوت

بیزارم بسوی خدای عزّ و جلّ از دشمنان شما و از جبت و طاغوت

والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين لحقّكم

و دیوان و لشکرهای ایشان ستمکاران بر شما و منکران مر حق شما را

والمارقين من ولايتكم والغاصبين لإرثكم والشاكّين

و بیرون روندگان از ولایت شما و غصب کنندگان میراث شما را و شک کنندگان

فيكم والمنحرفين عنكم ومن كلّ وليجةٍ دونكم وكلّ مُطاعٍ

در شما و برگردندگان از شما و از هر یار غیر شما و هر فرمان برده

سواكم ومن الأئمّة الذين يدعون إلى النار فثبّتني الله

جز شما و از پیشوایانیکه میخوانند بسوی آتش پس ثابت دارد خدا

أبداً ما حييتُ على موالاتكم ومحبّتكم ودينكم ووفّقني

همیشه مادام که زنده ام بر موالات شما و محبت شما و دین شما و توفیق دهد مرا

لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم

بطاعت شما و روزی کند مرا شفاعت شما و بگرداند مرا از بهترین دوستان شما

التابعين لما دعوتم إليه وجعلني ممّن يقتصّ آثاركم

پیروان مر آنچه خواندید بسوی او و بگرداند مرا از هر که حکایت کند اخبار شما را

ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويُحشر في زمرتكم

و برود براه شما و هدایت کند براه شما و برانگیخته شود در زمره شما

ويكرّ في رجعتكم ويُملَّك في دولتكم ويُشرَّف في عافيتكم

و بازگردد در رجعت شما و پادشاه شود در دوران شما و مشرف شود در عافیت شما

ويُمكَّن في أيّامكم وتقرّ عينه غداً برؤيتكم بأبي أنتم

و جای گرفته در روزهای شما و روشن شود دیده او فردا بدیدن شما بفدا باد پدرم شما

وأمّي ونفسي وأهلي ومالي من أراد الله بدأ بكم ومن وحّده

و مادرم و نفسم و اهلم و مالم هر که بخواهد خدا را ابتدا کند بشما و هر که یگانه داند

قبل عنكم ومن قصده توجّه بكم مواليّ لا أُحصي ثناءكم

بپذیرد از شما و هر که قصد کند او را رو آورد بشما ای آقایانم شمرده نتوانم ثنای شما را

ولا أبلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم وأنتم

و نمیرسم از مدح بکنه شما و از وصف باندازه شما و شما

نُورُ الأَخيارِ وَهُداةُ الأَبرارِ وَحُجَجُ الجَبّارِ بِكُم فَتَحَ اللهُ

وَبِكُم يَختِمُ وَبِكُم يُنَزِّلُ الغَيثَ وَبِكُم يُمسِكُ السَّماءَ أَن تَقَعَ

عَلَى الأَرضِ إِلّا بِإِذنِهِ وَبِكُم يُنَفِّسُ الهَمَّ وَبِكُم يَكشِفُ الضُّرَّ

وَعِندَكُم ما نَزَلَت بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَت بِهِ مَلائِكَتُهُ وَإِلى

جَدِّكُم بُعِثَ الرُّوحُ الأَمينُ — واگر زیارت حضرت امیر باشد بجای — وَإِلى جَدِّكُم

بُعِثَ الرُّوحُ الأَمينُ بگوید وَإِلى أَخيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الأَمينُ

آتاكُمُ اللهُ ما لَم يُؤتِ أَحَداً مِنَ العالَمينَ طَأطَأَ كُلُّ

شَريفٍ لِشَرَفِكُم وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُم وَخَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ

لِفَضلِكُم وَذَلَّ كُلُّ شَيءٍ لَكُم وَأَشرَقَتِ الأَرضُ بِنُورِكُم وَ

فازَ الفائِزُونَ بِوِلايَتِكُم بِكُم يُسلَكُ إِلَى الرِّضوانِ وَ

عَلى مَن جَحَدَ وِلايَتَكُم غَضَبُ الرَّحمٰنِ بِأَبي أَنتُم وَأُمّي وَ

نَفسي وَأَهلي وَمالي ذِكرُكُم فِي الذّاكِرينَ وَأَسماؤُكُم فِي

الأَسماءِ وَأَجسادُكُم فِي الأَجسادِ وَأَرواحُكُم فِي الأَرواحِ

وَأَنفُسُكُم فِي النُّفُوسِ وَآثارُكُم فِي الآثارِ وَقُبُورُكُم فِي القُبُورِ

فَما أَحلى أَسماءَكُم وَأَكرَمَ أَنفُسَكُم وَأَعظَمَ شَأنَكُم وَأَجَلَّ

خَطَرَكُم وَأَوفى عَهدَكُم وَأَصدَقَ وَعدَكُم كَلامُكُم نُورٌ وَأَمرُكُم رُشدٌ

وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقوى وَفِعلُكُمُ الخَيرُ وَعادَتُكُمُ الإِحسانُ وَ

سَجِيَّتُكُمُ الكَرَمُ وَشَأنُكُمُ الحَقُّ وَالصِّدقُ وَالرِّفقُ وَ

قَولُكُم حُكمٌ وَحَتمٌ وَرَأيُكُم عِلمٌ وَحِلمٌ وَحَزمٌ إِن ذُكِرَ الخَيرُ

كُنتُم أَوَّلَهُ وَأَصلَهُ وَفَرعَهُ وَمَعدِنَهُ وَمَأواهُ وَمُنتَهاهُ

بِأَبي أَنتُم وَأُمّي وَنَفسي كَيفَ أَصِفُ حُسنَ ثَنائِكُم وَأُحصي

جَميلَ بَلائِكُم وَبِكُم أَخرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّا

غَمَراتِ الكُرُوبِ وَأَنقَذَنا بِكُم مِن شَفا جُرُفِ الهَلَكاتِ

وَمِنَ النّارِ بِأَبي أَنتُم وَأُمّي وَنَفسي بِمُوالاتِكُم عَلَّمَنَا اللهُ

مَعالِمَ دينِنا وَأَصلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِن دُنيانا وَبِمُوالاتِكُم

تَمَّتِ الكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعمَةُ وَائتَلَفَتِ الفُرقَةُ وَبِمُوالاتِكُم

بقبول طاعتهم المفترضة وتكون المودة الواجبة والدرجات

الرفيعة والمقام المحمود والمكان المعلوم عند الله عز

وجل والجاه العظيم والشأن الكبير والشفاعة المقبولة

ربنا آمنا بما أنزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك

رحمة إنك أنت الوهاب سبحان ربنا إن كان وعد ربنا

لمفعولا يا ولي الله إن بيني وبين الله عز وجل ذنوبا لا يأتي

عليها إلا رضاكم فبحق من ائتمنكم على سره واسترعاكم أمر

خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم ذنوبي

وكنتم شفعائي فإني لكم مطيع من أطاعكم فقد أطاع

الله ومن عصاكم فقد عصى الله ومن أحبكم فقد أحب

الله ومن أبغضكم فقد أبغض الله اللهم إني لو وجدت

شفعاء أقرب إليك من محمد وأهل بيته الأخيار

الأئمة الأبرار لجعلتهم شفعائي فبحقهم الذي أوجبت

لهم عليك أسألك أن تدخلني في جملة العارفين بهم و

بحقهم وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم إنك أرحم الراحمين

وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله

ونعم الوكيل

که این زیارت کامل‌ترین زیارات است [illegible] و در چون منظور جمله در این رساله زیارت بعید است زیارت وداع را ذکر نکردیم و چون این زیارت مشتمل بر [illegible] احادیث که در [illegible] وارد شده است اگر در هر هفته بلکه در هر روز این زیارت را بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند موافق [illegible] مجملا ترجمه کرده‌ام و والد مرحوم [illegible] مفصلا شرح نموده برای کمال معرفت ایشان بسیار نافع خواهد بود و جمله ارکان ایمان معرفت ایشان است و زیارت حضرت صاحب الامر [illegible] بطرق بسیار منقول شده و در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده‌ام و در اینجا همان زیارتی که مختصر است [illegible] را یاد نمایند و از برکات [illegible] ذکر کرده است که [illegible] بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را چنین زیارت کند

اللهم بلغ مولاي

صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين

والمؤمنات في مشارق الأرض ومغاربها وبرها وبحرها

وسهلها وجبلها حيهم وميتهم وعن والدي وولدي

وعني من الصلوات والتحيات زنة عرش الله ومداد كلماته

ومنتهى رضاه وعدد ما أحصاه كتابه وأحاط به علمه

اللّٰهُمَّ اِنّی اُجَدِّدُ لَهُ فی هٰذَا الْیَوْمِ وَفی کُلِّ یَوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً
وَبَیْعَةً لَهُ فی رَقَبَتی اَللّٰهُمَّ فَکَما شَرَّفْتَنی بِهٰذَا التَّشْریفِ وَ
فَضَّلْتَنی بِهٰذِهِ الْفَضیلَةِ وَخَصَصْتَنی بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ
عَلیٰ مَوْلایَ وَسَیِّدی صاحِبِ الزَّمانِ وَاجْعَلْنی مِنْ اَنْصارِهِ
وَاَشْیاعِهِ وَالذّابّینَ عَنْهُ وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُسْتَشْهَدینَ
بَیْنَ یَدَیْهِ طائِعاً غَیْرَ مُکْرَهٍ فِی الصَّفِّ الَّذی نَعَتَّ اَهْلَهُ
فی کِتابِکَ فَقُلْتَ صَفّاً کَاَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ عَلیٰ طاعَتِکَ
وَطاعَةِ رَسُولِکَ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَیْعَةٌ
لَهُ فی عُنُقی اِلیٰ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ

وبسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هرکه چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد و خدا بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظیمِ وَرَبَّ
الْکُرْسِیِّ الرَّفیعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْریٰةِ
وَالْاِنْجیلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ
الْعَظیمِ وَرَبَّ الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبینَ وَالْاَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلینَ

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ وَبِنُورِ وَجْهِکَ الْمُنیرِ
وَمُلْکِکَ الْقَدیمِ یا حَیُّ یا قَیُّومُ اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی اَشْرَقَتْ
بِهِ السَّمٰواتُ وَالْاَرَضُونَ وَبِاسْمِکَ الَّذی یَصْلَحُ بِهِ الْاَوَّلُونَ
وَالْآخِرُونَ یا حَیُّ قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَیا حَیُّ بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ یا حَیُّ حینَ
لا حَیَّ یا مُحْیِیَ الْمَوْتیٰ وَمُمیتَ الْاَحْیاءِ یا حَیُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا الْاِمامَ الْهادِیَ الْمَهْدِیَّ الْقائِمَ بِاَمْرِکَ
صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَعَلیٰ آبائِهِ الطّاهِرینَ عَنْ جَمیعِ الْمُؤْمِنینَ
وَالْمُؤْمِناتِ فی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها سَهْلِها وَجَبَلِها
وَبَرِّها وَبَحْرِها وَعَنّی وَعَنْ والِدَیَّ وَوُلْدی وَاِخْوانی مِنَ
الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدادَ کَلِماتِهِ وَما اَحْصاهُ
عِلْمُهُ وَاَحاطَ بِهِ کِتابُهُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُجَدِّدُ لَهُ فی صَبیحَةِ
یَوْمی هٰذا وَما عِشْتُ مِنْ اَیّامی عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَةً
لَهُ فی عُنُقی لا اَحُولُ عَنْها وَلا اَزُولُ اَبَداً اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی

مِنْ اَنْصارِهِ وَاَعْوانِهِ وَالذّابّينَ عَنْهُ وَالْمُسارِعينَ
اِلَيْهِ في قَضاءِ حَوائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلينَ لِاَوامِرِهِ وَالْمُحامينَ
عَنْهُ وَالسّابِقينَ اِلى اِرادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ
اَللّٰهُمَّ اِنْ حالَ بَيْني وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذي جَعَلْتَهُ عَلى عِبادِكَ
حَتْماً مَقْضِيّاً فَاَخْرِجْني مِنْ قَبْري مُؤْتَزِراً كَفَني شاهِراً سَيْفي مُجَرِّداً
قَناتي مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدّاعي فِي الْحاضِرِ وَالْبادي اَللّٰهُمَّ
اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَميدَةَ وَاكْحُلْ ناظِري
بِنَظْرَةٍ مِنّي اِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَاَوْسِعْ مَنْهَجَهُ
وَاسْلُكْ بي مَحَجَّتَهُ وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ وَاشْدُدْ اَزْرَهُ وَاعْمُرِ
اَللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَكَ وَاَحْيِ بِهِ عِبادَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ
الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ اَيْدِي النّاسِ
فَاَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمّى بِاسْمِ
رَسُولِكَ حَتّى لا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْباطِلِ اِلّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ

الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعاً لِلْمَظْلُومِ مِنْ عِبادِكَ وَ
ناصِراً لِمَنْ لا يَجِدُ لَهُ ناصِراً غَيْرَكَ وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ اَحْكامِ
كِتابِكَ وَمُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ دينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ
الْمُعْتَدينَ اَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا بَعْدَهُ
اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ
اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعيداً وَنَريهُ قَريباً بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
الْعَجَلَ الْعَجَلَ يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ

دعای ندبه

که مشتملست بر مطالب حقه و تأسف بر غیبت حضرت قائم ع بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مستحب است که این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند یعنی روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَلَهُ الْحَمْدُ رَبِّ
الْعالَمينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً اَللّٰهُمَّ
لَكَ الْحَمْدُ عَلى ما جَرى بِهِ قَضاؤُكَ في اَوْلِيائِكَ الَّذينَ

استخلصتهم لنفسك ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما
عندك من النعيم المقيم الذي لا زوال له ولا اضمحلال
بعد ان شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا
الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك ذلك وعلمت
منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت لهم الذكر
العلي والثناء الجلي واهبطت عليهم ملائكتك
واكرمتهم بوحيك ورفدتهم بعلمك وجعلتهم
الذرائع اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض
اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها وبعض حملته
في فلكك ونجيته ومن آمن معه من الهلكة برحمتك
وبعض اتخذته لنفسك خليلا وسألك لسان صدق
في الآخرين فاجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته
من شجرة تكليما وجعلت له من اخيه ردءا ووزيرا

وبعض اولدته من غير اب وآتيته البينات وايدته بروح
القدس وكل شرعت له شريعة ونهجت له منهاجا وتخيرت
له اوصياء مستحفظا بعد مستحفظ من مدة الى مدة
اقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا يزول الحق
عن مقره ويغلب الباطل على اهله ولا يقول احد
لولا ارسلت الينا رسولا منذرا واقمت لنا علما
هاديا فنتبع آياتك من قبل ان نذل ونخزى الى ان
انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله
عليه وآله فكان كما انتجبته سيد من خلقته و
صفوة من اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم
من اعتمدته قدمته على انبيائك وبعثته الى الثقلين
من عبادك واوطأته مشارقك ومغاربك وسخرت
له البراق وعرجت بروحه الى سمائك واودعته علم

ماكان وما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته بالرعب
وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك
ووعدته ان تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون
وذلك بعد ان بوأته مبوء صدق من اهله وجعلت
له ولهم اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا
وهدى للعالمين فيه آيات بينات مقام ابراهيم و
من دخله كان آمنا وقلت انما يريد الله ليذهب عنكم
الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا وجعلت اجر
محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت
قل لا اسألكم عليه اجرا الا المودة في القربى و
وقلت ما سألتكم من اجر فهو لكم وقلت ما اسألكم
عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا
هم السبيل اليك والمسلك الى رضوانك فلما انقضت

ايامه اقام وليه علي بن ابيطالب صلواتك عليهما وآلهما
هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ
امامه من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد
من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من
كنت انا نبيه فعلي اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة
وسائر الناس من شجر شتى واحله محل هرون من موسى
فقال له انت مني بمنزلة هرون من موسى الا انه لا نبي
بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين واحل
له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه
علمه وحكمته فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن
اراد الحكمة فليأتها من بابها ثم قال له انت اخي ووصيي
ووارثي لحمك من لحمي ودمك من دمي وسلمك سلمي و
حربك حربي والايمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي

وَدَمي وَاَنْتَ غَداً عَلَى الْحَوْضِ خَليفَتي وَاَنْتَ تَقْضي دَيْني
وَتُنْجِزُ عِداتي وَشيعَتُكَ عَلى مَنابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً وُجُوهُهُمْ
حَوْلي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جيراني وَلَوْلا اَنْتَ يا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ
الْمُؤْمِنُونَ بَعْدي وَكانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلالِ
وَنُوراً مِنَ الْعَمى وَحَبْلَ اللهِ الْمَتينَ وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ
لا يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ في رَحِمٍ وَلا بِسابِقَةٍ في دينٍ وَلا
يُلْحَقُ في مَنْقَبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما وَيُقاتِلُ عَلَى التَّاْويلِ وَلا تَاْخُذُهُ فِي اللهِ
لَوْمَةُ لائِمٍ قَدْ وَتَرَ فيهِ صَناديدَ الْعَرَبِ وَقَتَلَ اَبْطالَهُمْ وَناوَشَ
ذُؤْبانَهُمْ فَاَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ اَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً
وَغَيْرَهُنَّ فَاَضَبَّتْ عَلى عَداوَتِهِ وَاَكَبَّتْ عَلى مُنابَذَتِهِ حَتّى
قَتَلَ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ وَلَمّا قَضى نَحْبَهُ
وَقَتَلَهُ اَشْقَى الْاَشْقِياءِ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ يَتْبَعُ اَشْقَى

الْاَوَّلينَ لَمْ يُمْتَثَلْ اَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهادينَ
بَعْدَ الْهادينَ وَالْاُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلى قَطيعَةِ
رَحِمِهِ وَاِقْصاءِ وُلْدِهِ اِلَّا الْقَليلَ مِمَّنْ وَفى لِرِعايَةِ الْحَقِّ
فيهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَاُقْصِيَ مَنْ اُقْصِيَ وَجَرَى
الْقَضاءُ لَهُمْ بِما يُرْجى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ اِذْ كانَتِ الْاَرْضُ
لِلّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ وَ
سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً وَلَنْ يُخْلِفَ
اللهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ فَعَلَى الْاَطائِبِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ
مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما فَلْيَبْكِ الْباكُونَ وَ
اِيّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ الدُّمُوعُ
وَلْيَصْرُخِ الصّارِخُونَ وَيَضِجَّ الضّاجُّونَ وَيَعِجَّ الْعاجُّونَ
اَيْنَ الْحَسَنُ وَاَيْنَ الْحُسَيْنُ وَاَيْنَ اَبْناءُ الْحُسَيْنِ صالِحٌ بَعْدَ
صالِحٍ وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ وَاَيْنَ السَّبيلُ بَعْدَ

السبيل وأين الخيرة بعد الخيرة وأين الشموس الطالعة وأين
الأقمار المنيرة وأين الأنجم الزاهرة أين أعلام الدين وقواعد
العلم أين بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة أين
المعدّ لقطع دابر الظلمة أين المنتظر لإقامة الأمت والعوج
أين المرتجى لإزالة الجور والعدوان أين المدّخر لتجديد
الفرائض والسنن أين المتخيّر لإعادة الملّة والشريعة
أين المؤمّل لإحياء الكتاب وحدوده أين محيي معالم
الدين وأهله أين قاصم شوكة المعتدين أين هادم أبنية
الشرك والنفاق أين مبيد أهل الفسوق والعصيان
أين حاصد فروع الغيّ والشقاق أين طامس آثار الزيغ
والأهواء أين قاطع حبائل الكذب والافتراء أين مبيد
العتاة والمردة أين مستأصل أهل العناد والتضليل
والإلحاد أين معزّ الأولياء ومذلّ الأعداء أين جامع

الكلم على التقوى أين باب الله الذي منه يؤتى أين وجه
الله الذي إليه يتوجّه الأولياء أين السبب المتصل بين
أهل الأرض والسماء أين صاحب يوم الفتح وناشر راية
الهدى أين مؤلّف شمل الصلاح والرضا أين الطالب
بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء أين الطالب بدم
المقتول بكربلا أين المنصور على من اعتدى عليه و
افترى أين المضطرّ الذي يجاب إذا دعا أين صدر الخلائق
ذو البرّ والتقوى أين ابن النبيّ المصطفى وابن عليّ المرتضى
وابن خديجة الغرّاء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بأبي
أنت وأمّي ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة المقرّبين
يا ابن النجباء الأكرمين يا ابن الهداة المهديّين يا ابن
الخيرة المهذّبين يا ابن الغطارفة الأنجبين يا ابن الخضارمة
المنتجبين يا ابن القماقمة الأكرمين يا ابن الأطائب المطهّرين

الْمُطَهَّرِينَ يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ
يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَا ابْنَ السُّبُلِ
الْوَاضِحَةِ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ
يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجِزَاتِ
الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
يَا ابْنَ النَّبَإِ الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ
حَكِيمٌ يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ
يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ
يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طٰه وَالْمُحْكَمَاتِ يَا ابْنَ يٰس وَ
الذَّارِيَاتِ يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى
فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوّاً وَاقْتِرَاباً مِنَ الْعَلِيِّ
الْأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ
أَوْ ثَرَى أَبِرَضْوَى أَمْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوًى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ

أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلَا نَجْوَى
عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِيَ الْبَلْوَى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي
ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِي
أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةُ شَائِقٍ يَتَمَنَّى
مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ عِزٍّ
لَا يُسَامَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلِ مَجْدٍ لَا يُجَارَى بِنَفْسِي أَنْتَ
مِنْ تِلَادِ نِعَمٍ لَا تُضَاهَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا
يُسَاوَى إِلَى مَتَى أَحَارُ فِيكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى وَأَيَّ خِطَابٍ
أَصِفُ فِيكَ وَأَيَّ نَجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأُنَاغَى
عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ
عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ
وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَذِيَتْ
عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَذَى هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ

سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك بعدة فنحظى متى نرد
مناهلك الروية فنروى متى ننتقع من عذب مائك فقد
طال الصدى متى نغاديك ونراوحك فنقر عينا متى ترانا
ونريك وقد نشرت لواء النصر ترى اترانا نحف بك
وانت تام الملأ وقد ملأت الارض عدلا واذقت
اعداءك هوانا وعقابا وابرت العتاة وجحدة الحق
وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت اصول الظالمين ونحن
نقول الحمد لله رب العالمين اللهم انت كشاف الكرب
والبلوى واليك استعدي فعندك العدوى وانت
رب الآخرة والاولى فاغث يا غياث المستغيثين
عبيدك المبتلى واره سيده يا شديد القوى وازل
عنه به الاسى والجوى وبرد غليله يا من على العرش
استوى واليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك

الينا يقولون الى وليك المذكر بك وبنبيك خلقته لنا
عصمة وملاذا واقمته لنا قواما ومعاذا وجعلته
للمؤمنين منا اماما فبلغه منا تحية وسلاما وزدنا
بذلك يا رب اكراما واجعل مستقره لنا مستقرا و
مقاما واتمم نعمتك بتقديمك اياه امامنا حتى توردنا
جنانك ومرافقة الشهداء من خلصائك اللهم صل
على حجتك وولي امرك وصل على جده محمد رسولك
السيد الاكبر وصل على علي ابيه السيد القسور وحامل
اللواء في المحشر وساقي اوليائه من نهر الكوثر والامير
على سائر البشر الذي من امن به فقد ظفر ومن لم يؤمن
به فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى اخيه وعلى
نجلهما الميامين الغرر ما طلعت شمس وما اضاء قمر
وعلى جدته الصديقة الكبرى فاطمة الزهراء بنت

محمد المصطفى وعلى من اصطفيت من آبائه البررة وعليه
افضل واكمل واتم وادوم واكثر واوفر ما صليت على احد
من اصفيائك وخيرتك من خلقك وصل عليه صلوة
لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها ولا نفاد لامدها
اللهم واقم به الحق وادحض به الباطل وادل به اولياءك
واذلل به اعداءك وصل اللهم بيننا وبينه وصلة
تؤدي بنا الى مرافقته واجعلنا ممن ياخذ بحجزته
ويمكث في ظله واعنا على تادية حقوقه اليه والاجتهاد
في طاعته والاجتناب عن معصيته وامنن علينا برضاه
وهب لنا رافته ورحمته ودعاءه وخيره ما ننال به
سعة من رحمتك وفوزا عندك واجعل صلوتنا به
مقبولة وذنوبنا به مغفورة ودعاءنا به مستجابا
واجعل ارزاقنا به مبسوطة وهمومنا به مكفية وحوائجنا

به مقضية واقبل الينا بوجهك الكريم واقبل تقربنا
اليك وانظر الينا نظرة رحيمة نستكمل بها الكرامة
عندك ثم لا تصرفها عنا بجودك واسقنا من حوض جده
صلى الله عليه واله بكاسه وبيده ريا رويا هنيئا
سائغا لا ظما بعده يا ارحم الراحمين

عبد الله بن محمد گفت که من سوال کردم از حضرت امام حسن عسکری که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اوصیاء آن حضرت را و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بر من املا فرمود بی آنکه از کتاب ملاحظه کند

اللهم صل على محمد وال محمد كما حمل وحيك وبلغ رسا
لتك وصل على محمد وال محمد كما احل حلالك وحرم حرامك
وعلم كتابك وصل على محمد وال محمد كما اقام الصلوة
واتى الزكوة ودعا الى دينك وصل على محمد وال محمد كما
صدق بوعدك واشفق من وعيدك وصل على محمد وال محمد
كما غفرت به الذنوب وسترت به العيوب وفرجت به الكروب
وصل على محمد وال محمد كما دفعت به الشقاء وكشفت

به العماء ولجبت به الدعاء ونجيته من البلاء وصل

على محمد وآل محمد كما رحمت به العباد واحييت به البلاد

وقصمت به الجبابرة واهلكت به الفراعنة وصل على

محمد وآل محمد كما اضعفت به الاموال واحرزت به من

الاهوال وكسرت به الاصنام ورحمت به الانام وصل

على محمد وآل محمد كما بعثته بخير الاديان واعززت به

الايمان وتبرت به الاوثان وعظمت به البيت الحرام و

صل على محمد واهل بيته الطاهرين الاخيار وسلم تسليما

اللهم صل على امير المؤمنين علي بن ابي طالب اخي نبيك

ووليه ووصيه ووزيره ومستودع علمه وموضع سره

وباب حكمته والناطق بحجته والداعي الى شريعته و

خليفته في امته ومفرج الكرب عن وجهه قاصم الكفرة

ومرغم الفجرة والذي جعلته من نبيك بمنزلة هرون

من موسى اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من

نصره واخذل من خذله والعن من نصب له من الاولين

والآخرين وصل عليه افضل ما صليت على احد من

اوصياء انبيائك يا رب العالمين اللهم صل على الصديقة

فاطمة الزكية حبيبة حبيبك ونبيك وام احبائك و

اصفيائك التي انتجبتها وفضلتها واخترتها على نساء

العالمين اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها واستخف

بحقها وكن الثائر اللهم بدم اولادها اللهم وكما

جعلتها ام ائمة الهدى وحليلة صاحب اللواء والكرم

عند الملاء الاعلى فصل عليها وعلى امها صلوة تكرم بها

وجه ابيها محمد صلى الله عليه وآله وتقر بها اعين

ذريتها وابلغهم عني في هذه الساعة افضل التحية

والسلام اللهم صل على الحسن والحسين عبديك و

لبيك وابن رسولك وسبطي الرحمة وسيدي شباب
اهل الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين
والمرسلين اللهم صل على الحسين بن سيد النبيين ووصي
امير المؤمنين السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك
يا ابن سيد الوصيين اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين
الله وابن امينه عشت مظلوما ومضيت شهيدا و
اشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم صل
عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة افضل
التحية والسلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم
الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة والسلام عليك
يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام
عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله
وابن امينه قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد

ان الله تعالى الطالب بثارك ومنجز ما وعدك من النصر
والتأييد في هلاك عدوك واظهار دعوتك واشهد
انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت
الله مخلصا حتى اتاك اليقين فلعن الله امة قتلتك و
لعن الله امة خذلتك ولعن الله امة البت عليك و
ابرء الى الله تعالى ممن اكذبك واستخف بحقك و
استحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله
قاتلك ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك
ولم يجبك ولم ينصرك ولعن الله من سبا نسائك انا الى
الله منهم بريء وممن والاهم ومالاهم واعانهم عليه و
اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب الهدى
والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني
بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي و

بشر آتی دینی وخواتیم عملی ومنقلبی فی دنیای وآخرتی اللهم
دینم و خاتمهٔ کردارم و بازگشتم در دنیایم و آخرتم خدایا

صل علی علی بن الحسین سید العابدین الذی استخلصته
رحمت فرست بر علی پسر حسین بهتر پرستندگان آنکه برگزیدی او را

لنفسك وجعلت منه ائمة الهدی الذین یهدون
برای خود و گردانیدی از او پیشوایان هدایت را که هدایت کنند

بالحق وبه یعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس
بحق و باو عدل کنند برگزیدی او را برای خود و پاک کردی او را از پلیدی

واصطفیته وجعلته هادیا مهدیا اللهم فصل
و برگزیدی او را و گردانیدی او را راهنما راه یافته خداوندا پس رحمت

علیه افضل ما صلیت علی احد من ذریة انبیائك
فرست بر او بهترین آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبرانت

حتی تبلغ به ما تقر به عینه فی الدنیا والآخرة انك
تا برسانی او را بآنچه روشن شود باو دیده‌اش در دنیا و آخرت بدرستیکه

عزیز حکیم اللهم صل علی محمد بن علی باقر العلم وامام
تو غالب درست کرداری خدایا رحمت فرست بر محمد پسر علی شکافنده علم و پیشوای

الهدی وقائد اهل التقوی والمنتجب من عبادك
هدایت و کشنده اهل پرهیزکاری و برگزیده از بندگانت

اللهم وکما جعلته علما لعبادك ومنارا لبلادك
خدایا و چنانچه گردانیدی او را نشانه برای بندگانت و روشنائی برای شهرهایت

ومستودعا لحکمتك ومترجما لوحیك وامرت بطاعته
و امانت دار حکمت تو و بیان کننده وحی تو و امر نمودی باطاعت

وحذرت عن معصیته فصل علیه یا رب افضل ما
او و ترسانیدی از معصیت خود پس رحمت بر او ای پروردگارم بهترین آنچه

صلیت علی احد من ذریة انبیائك واصفیائك و
رحمت فرستی بر یکی از فرزندان پیغمبرانت و برگزیدگانت و

رسلك وامنائك یا رب العالمین اللهم صل علی جعفر
رسولانت و امینانت ای پروردگار جهانیان بار خدایا رحمت فرست بر جعفر

بن محمد الصادق وخازن العلم الداعی الیك بالحق النور
پسر محمد راستگو و خزینه دار علم خواننده بسوی تو براستی نور

المبین اللهم وکما جعلته معدن کلامك ووحیك
آشکار خدایا و چنانکه گردانیدی او را کان کلامت و وحیت

وخازن علمك ولسان توحیدك وولی امرك و
و خزینه دار علمت و زبان یگانگیت و والی امرت و

مستحفظ دینك فصل علیه افضل ما صلیت علی
حفظ کننده دینت پس رحمت فرست بر او بهترین آنچه رحمت بر

احد من اصفیائك وحججك انك حمید مجید اللهم صل
یکی از برگزیدگانت و حجتهایت بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خدایا رحمت

علی الامین المؤتمن موسی بن جعفر البر الوفی الطاهر الزکی
بر امین امانتدار موسی پسر جعفر نیکوکار وفا کننده پاک پاکیزه

النور المبین المجتهد المحتسب الصابر علی الاذی فیك
نور آشکار جهد کننده صبر کننده بر آزارها در تو

اللهم وکما بلغ عن آبائه ما استودع من امرك ونهیك
خدایا و چنانکه رسانید از پدرانش آنچه امانت داشت از امر تو و نهی

وحمل علی المحجة وکابد اهل العزة والشدة فیما کان
و برداشت بر راه راست و رنج کشید از اهل عزت و سختی در آنچه بود

یلقی من جهال قومه رب فصل علیه افضل واکمل ما
دریافت از نادانهای قوم خود پروردگارا پس رحمت فرست براو بهترین و تمامترین آنچه

صلیت علی احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور
رحمت فرستادی بر یکی از آنکه فرمان برد ترا و خیرخواهی کرد بندگانت را بدرستیکه تو آمرزنده

رحیم اللهم صل علی علی بن موسی الرضا الذی ارتضیته
مهربانی بار خدایا رحمت فرست بر علی پسر موسی که پسندیدی او را

وَرَضِيتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ وَكَما
جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى خَلْقِكَ وَقائِماً بِاَمْرِكَ وَناصِراً لِدينِكَ
وَشاهِداً عَلى عِبادِكَ وَكَما نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ
وَدَعا اِلى سَبيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَصَلِّ
عَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ اِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ
مُوسى عَلَمِ التُّقى وَنُورِ الْهُدى وَمَعْدِنِ الْوَفاءِ وَفَرْعِ
الْاَزْكِياءِ وَخَليفَةِ الْاَوْصِياءِ وَاَمينِكَ عَلى وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ
وَكَما هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلالَةِ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَ
اَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدى وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّى فَصَلِّ
عَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ وَبَقِيَّةِ
اَوْصِيائِكَ اِنَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَصِيِّ الْاَوْصِياءِ وَاِمامِ الْاَتْقِياءِ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدّينِ

وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلائِقِ اَجْمَعينَ اَللّٰهُمَّ كَما جَعَلْتَهُ نُوراً يَسْتَضيءُ
بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزيلِ مِنْ ثَوابِكَ وَاَنْذَرَ بِالْاَليمِ مِنْ
عِقابِكَ وَحَذَّرَ بَأْسَكَ وَذَكَّرَ بِآياتِكَ وَاَحَلَّ حَلالَكَ
وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَبَيَّنَ شَرائِعَكَ وَفَرائِضَكَ وَحَضَّ عَلى
عِبادَتِكَ وَاَمَرَ بِطاعَتِكَ وَنَهى عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ
عَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ وَذُرِّيَّةِ
اَنْبِيائِكَ يا اِلٰهَ الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرِّ
التَّقِيِّ الصّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضيءِ خازِنِ عِلْمِكَ وَالْمُذَكِّرِ
بِتَوْحيدِكَ وَوَلِيِّ اَمْرِكَ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدّينِ الْهُداةِ الرّاشِدينَ
وَالْحُجَّةِ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا فَصَلِّ عَلَيْهِ يا رَبِّ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ
عَلى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيائِكَ وَحُجَجِكَ وَاَوْلادِ رُسُلِكَ يا اِلٰهَ الْعالَمينَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيائِكَ الَّذينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ
وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً

اللهم انصره وانتصر به لدينك وانصر به اولياءك واوليائه

خدایا یاری کن او را و انتقام کش به او برای دینت و یاری ده به او دوستانت و دوستان او

وشيعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر

و پیروانش و یارانش و بگردان ما را از ایشان خدایا پناه ده او را از بدی

كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك واحفظه من بين يديه

هر ستمکار و از سرکش و از بدی همه خلقت و نگاه دارنده او از پیش روی

ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه من

و از پس او و از راست او و از چپ او و نگاهدار او را و بازدار او را

ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك

از آنکه رسیده شود به او بدی و نگاهدار در او رسولت را و آل رسولت را

واظهر به العدل وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل

و ظاهر کن به او عدالت را و قوت ده او را به یاری و یاری کن یاری کنندگان او را و خوار

خاذليه واقصم جبابرة الكفر واقتل به الكفار و

کن خوار کنندگان او را و هلاک کن گردنکشان کفار را و بکش به او کافران و

المنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض

دو رویان و همه ملحدان را هر جا که باشند از مشرقهای زمین

ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض عدلا واظهر

و مغربهایش و بیابان و دریاهای آن و پر کن به او زمین را عدالت و ظاهر کن

به دين نبيك عليه وآله السلام واجعلني اللهم من انصاره

به او دین پیغمبرت را بر او و آلش درود و بگردان خدایا مرا از یاران او

واعوانه واتباعه وشيعته وارني في آل محمد ما يأملون

و اعوان او و پیروانش و شیعیانش و بنما مرا در آل محمد آنچه امید دارند

وفي عدوهم ما يحذرون اله الحق آمين يا رب العالمين

و در دشمنان ایشان آنچه می‌ترسند ای خدای حق مستجاب کن

در بیان نمازهای واجبه که مخصوص روز معین و ماه معین نیست و نمازهای سنتی که اختصاص بوقتی ندارد و اغلب بلکه بغیر نمازهای عربی تعلق دارد و در آن هشت فصل است

فصل اول در بیان نماز آیات است بدانکه این نماز واجب است

نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و در زلزله که زمین بلرزد و مشهور آنست که هر آیتی که از آسمان حادث شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب شود مانند بادهای سیاه که بر خلاف عادت باشد و رنگین باشد و خواه نباشد و صاعقه‌های عظیم و ظلمه‌های بسیار شدید و تاریک شدن هوا و امثال اینها و این قول قوی است و کیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا از جهت اینکه واجب است برای رضای خدا یا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید و حمد و سوره بخواند و رکوع کند پس سر بردارد و سنت است که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و بعد از رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن بسجود رود و سجده بجا آورد پس برخیزد و یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اول و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعاده حمد نمیکند و اگر سوره کریمه را پنج قسمت کند بر رکوعها بپیچید که در رکوع اول بخواند اکتفا میکند و همچنین در رکعت دوم ببعض حمد و سوره که تفریق کند اکتفا میشود لکن بهتر آنست که بطریق اول بکند و حمد و سوره بجا آورد مگر آنکه وقت تنگ باشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر وقت بنا بر مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد این فقیر [illegible] از محققین آنست که تا منجلی شود وقتش باقی است و نماز زلزله و آیات که وقتش بزمانی وفا نکند موافق مشهور در تمام عمر ادا است و اگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حالت [illegible] که از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا میکنند آن نماز را مطلقا و بعضی گفته‌اند که بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد و عمل مشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضا کسوف واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و بعضی گفته‌اند واجب است مطلقا قول اول اقوی و ثانی احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان کسوف و خسوف و هر گاه از نماز فارغ شوند و انجلا نشد

باشد و اشهر و اقوی آنست که اعادهٔ نماز مستحب است و بعضی واجب دانسته‌اند و مستحب است خواندن سوره‌های طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام زلزله مکرر این آیه را بخواند مناسب است إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا و از حضرت امام رضا منقول است که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود

فصل دوم در نماز استسقا است طلب باران در وقتیکه باران کم آید و آب چشمه‌ها و چاهها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد بجماعت باید کرد و در قنوتها اثر طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و بهترین دعاها دعای نود و دوم صحیفهٔ کامله است و اکثر گفته‌اند وقتش مثل نماز عید است از طلوع آفتاب تا زوال و باید که امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند و روز سیم ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه و بصحرا بیرون روند پای برهنه و با سکینه و وقار و مؤذنان عصاها بدست گرفته پیش روی امام بروند چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند بانکه جانب راست را بجانب چپ و جانب چپ را بجانب راست آورد و رو بقبله کند و باواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید و بجانب راست بگردد و صد مرتبه سبحان الله بگوید و بجانب چپ بگردد و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و گفته‌اند مردم در این ذکرها موافقت کنند با او در گفتن پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبهای منقوله بهتر است و دور نیست که اگر این ذکرها را بعد از خطبه بخوانند نیز خوب باشد

فصل سیم در بیان نماز حضرت رسول است سید ابن طاوس ره بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلید از نماز حضرت رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آن حضرت را نکرده باشد راوی گفت پس آن نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت یکمرتبه فاتحه و پانزده

مرتبه انا انزلناه میخوانی پس برکوع میروی و بعد از سر برداشتن و در سجدهٔ اول و سر برداشتن و در سجدهٔ دوم و سر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی باقی نمیماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجت که بطلبی روا است و بعد از آن این دعا میخوانی

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَ
نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما و

رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ
پروردگار پدران ما پیشینیان نیست خدائی مگر خدای واحد یگانه و ما

لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ
مر او را گردن نهادگان نیست خدائی مگر خدا نمی‌پرستیم مگر او را با اخلاص کنندگان مر او را

الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ
دین و اگر کراهت دارند کافران نیست خدائی مگر خدا یگانه یگانه

أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ
وفا کرد وعدهٔ خود را و یاری کرد بندهٔ خود را و غالب گردانید لشکر خود را و گریزانید لشکرها را تنها

فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ أَنْتَ نُورُ
پس مر او راست پادشاهی و مر او راست حمد و او بر همه چیز تواناست خداوندا توئی نور

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ قَيَّامُ السَّمٰوَاتِ
آسمانها و زمین و هر که در آنهاست پس ترا است سپاس و توئی پاینده آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ
و زمین و هر که در آنهاست پس ترا است حمد و توئی حق و وعده‌ات حق است

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَإِنْجَازُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اللّٰهُمَّ
و گفتارت حق است و وفای تو حق است و بهشت حق است و آتش حق است خداوندا

لَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَ
برای تو منقاد شدم و بتو گرویدم و بر تو توکل کردم و بتو مخاصمه کردم و

إِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا
بسوی تو داوری بردم ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار بیامرز مرا آنچه پیش داشتم و آنچه

أَخَّرْتُ وَأَسْرَرْتُ وَأَعْلَنْتُ أَنْتَ إِلٰهِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ
پس داشتم و نهان داشتم و آشکار داشتم توئی خدای من نیست خدائی مگر تو رحمت فرست

علی محمّد وآل محمّد واغفر لی وارحمنی وتب علیّ انّک انت التوّاب الرّحیم

مؤلّف گوید که این نماز از نمازهای مشهوره است و شیخ و سیّد و دیگران در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و روایت اختصاصی معلوم نمی‌شود و ظاهر آن در سایر ایّام توان کرد

فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام است ابن بابویه و شیخ طوسی و کلینی و دیگران بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد بدو تشهّد و سلام و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند چون فارغ شود میان او و خدا گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سیّد و شیخ از حضرت صادق روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز امیرالمؤمنین علیه السّلام بجا آورد از گناه بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده است و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا بخواند که تسبیح آنحضرت است

سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدّته سبحان من لا یشارک احدا فی امره سبحان من لا اله غیره

پس استغفار نماید و بخواند

یا من عفی عن السّیّئات ولم یجاز بها ارحم عبدک یا الله یا الله نفسی نفسی انا عبدک یا سیّداه انا عبدک بین یدیک یا ربّاه الهی بکینونتک یا املاه یا

رحماناه یا غیاثاه عبدک عبدک لا حیلة له یا منتهی رغبتاه یا مجری الدّم فی عروقی عبدک یا سیّداه یا مالکاه ایا هو ایا هو یا ربّاه عبدک لا حیلة لی ولا غنی بی عن نفسی ولا استطیع لها ضرّا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه تقطّعت اسباب الخدائع عنّی واضمحلّ کلّ مظنون عنّی افردنی الدّهر الیک فقمت بین یدیک هذا المقام یا الهی بعلمک هذا کان کلّه فکیف انت صانع بی ولیت شعری کیف تقول لدعائی اتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فیا ویلی یا ویلی یا ویلی یا عولی یا عولی یا عولی یا شقوتی یا شقوتی یا شقوتی یا ذلّی یا ذلّی یا ذلّی الی من وممّن او عند من او کیف او ماذا او الی ایّ شیء الجأ ومن ارجو ومن یجود علیّ بفضله حین ترفضنی یا واسع المغفرة وان قلت نعم کما هو الظّنّ بک والرّجاء لک فطوبی لی انا السّعید

وَاَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبى لى وَاَنَا الْمَرْحُومُ يا مُتَرَحِّمُ يا مُتَرَئِّفُ

و منم نیکبخت پس شادمانی مرا و منم رحم کرده شده ای رحم کننده ای مهربان

يا مُتَعَطِّفُ يا مُتَجَبِّرُ يا مُتَمَلِّكُ يا مُقْسِطُ لا عَمَلَ لى مَعَ نَجاحِ حاجَتى

ای دوست دار ای شکسته بند ای مالک ای عدل کننده نیست کاری مرا که برساند بروائی حاجتم

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى جَعَلْتَهُ فى مَكْنُونِ غَيْبِكَ وَاسْتَقَرَّ

سؤال میکنم ترا بنام تو آنکه گردانیدی او را در پوشیده غیب خود و قرار گرفت

عِنْدَكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلى شَىْءٍ سِواكَ اَللّهُمَّ بِهِ وَبِكَ وَبِهِ

نزد تو پس بیرون نمیرود از تو بچیزی که سوای تست خدایا باو و بتو و باو

فَاِنَّهُ اَجَلُّ وَاَشْرَفُ اَسْمائِكَ لا شَىْءَ لى غَيْرُ هذا وَلا

پس بدرستیکه بزرگ و بزرگترین نامهای تست نیست چیزی مرا غیر این و نه

اَحَدَ اَعْوَدُ عَلَىَّ مِنْكَ يا كَيْنُونُ يا مُكَوِّنُ يا مَنْ عَرَّفَنى نَفْسَهُ يا مَنْ

کسی که برگردد بر من از تو ای موجود ای موجود کننده ای آنکه شناسانید مرا نفس خود ای

اَمَرَنى بِطاعَتِهِ يا مَنْ نَهانى عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَيا مَدْعُوُّ

آنکه فرمود مرا بطاعت خود ای آنکه باز داشت مرا از نافرمانی خود ای خوانده شده ای

يا مَسْئُولُ يا مَطْلُوباً اِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتى اَوْصَيْتَنى

پرسیده شده ای طلب کرده شده بسوی او افکندم وصیت ترا که

بِها وَلَمْ اُطِعْكَ وَلَوْ اَطَعْتُكَ فيما اَمَرْتَنى لَكَفَيْتَنى

وصیت کردی مرا بآن و اطاعت نکردم ترا و اگر فرمان برم ترا در آنچه امر کنی بر من کفایت میکردی مرا

ما قُمْتُ اِلَيْهِ وَاَنَا مَعَ مَعْصِيَتى لَكَ راجٍ فَلا تَحُلْ

آنچه برخاستم در او و من با معصیتم مر ترا امیدوارم پس حائل مشو

بَيْنى وَبَيْنَ ما رَجَوْتُ يا مُتَرَحِّماً لى اَعِذْنى مِنْ بَيْنِ يَدَىَّ وَمِنْ

میان من و میان آنچه امید دارم ای رحم کننده مرا پناه ده مرا از پیش روی و از

خَلْفى وَمِنْ فَوْقى وَمِنْ تَحْتى وَمِنْ كُلِّ جِهاتِ الاِْحاطَةِ بى اَللّهُمَّ

پس پشت و از بالای من و از زیر من و از همه جهت احاطه کننده بمن خداوندا

بِمُحَمَّدٍ سَيِّدى وَبِعَلِىٍّ وَلِيّى وَبِالاَْئِمَّةِ الرّاشِدينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ

بمحمد بهتر و سید من و بعلی دوست من و بامامان راه نمایان بر ایشان درود

اِجْعَلْ عَلَيْنا صَلَواتِكَ وَرَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَاَوْسِعْ عَلَيْنا

بگردان بر ما رحمتهای خود را و مهربانی خود و فراخ گردان بر ما

مِنْ رِزْقِكَ وَاقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَميعَ حَوائِجِنا يا اَللّهُ

از روزی تو و قضا کن از ما دین را و همه حاجتهای ما را ای خدا

يا اَللّهُ يا اَللّهُ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ

ای خدا ای خدا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی از او نماند مگر آنکه آمرزیده شود

فصل پنجم

در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه ع شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت این تسبیح را میخواند

سُبْحانَ ذِى الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ سُبْحانَ ذِى الْجَلالِ الْباذِخِ

منزه است صاحب غلبه بلند برتر منزه است خداوند بزرگی زیاده

الْعَظيمِ سُبْحانَ ذِى الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ سُبْحانَ مَنْ

بزرگ منزه است صاحب ملک فاخر قدیم پاک است آنکه

لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمالَ سُبْحانَ مَنْ تَرَدّى بِالنُّورِ وَالْوَقارِ

پوشید بهجت و جمال را پاک است کسیکه رداء پوشید بنور و وقار

سُبْحانَ مَنْ يَرى اَثَرَ النَّمْلِ فِى الصَّفا سُبْحانَ مَنْ يَرى

پاک است کسیکه میبیند آثار مور در صفا منزه است کسیکه میبیند

وَقْعَ الطَّيْرِ فِى الْهَواءِ سُبْحانَ مَنْ هُوَ هكَذا وَلا هكَذا غَيْرُهُ

پریدن مرغان را در هوا پاک است کسیکه او است اینچنین و نیست غیر او

و سید ره گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه ع را که بعد از هر نماز خوانده میشود بخواند بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ ره در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که چون سلام بگوید تسبیح حضرت فاطمه را بخواند و بعد از آن دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که هر کسیکه این نماز را بکند و از نماز فارغ شود زانوها و ذراعهایش را برهنه کند و بجمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان فاصله نشود و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و بگوید در سجده

يا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبٌّ

ای کسیکه نیست غیر او پروردگار

يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ مَلِكٌ دُونَهُ يُتَّقَى
يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ
لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَماً
وَجُوداً وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْواً وَصَفْحاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

پس بجای کذا و کذا حاجتهای خود را یاد کند.

فصل ششم

اما نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله نمازهای متواتره است در میان عامه و خاصه
بسندهای بسیار روایت کرده اند و علمای اعیان نیز این نماز را از امور مستحبه دانسته اند و هر یک یاد
از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار حدوث باطنی که با امیرالمؤمنین علیه السلام
و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر نسبت داده اند و بعد
از نوافل شبانه روزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمی رسد
و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین منقول است که چون جعفر طیار
برادر حضرت امیرالمؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد
که فتح خیبر بدست حضرت امیرالمؤمنین شده بود حضرت رسول بعد
مسافت بلند بیرون آمد باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال جهان
المثال آنحضرت افتاد شتافت بجانب آنحضرت دوید حضرت ویرا در بر
گرفت و دست بر گردنش در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه غضبا
سوار شد و جعفر را در عقب خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود
ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی ترا عطیه گران
بهائی بدهم میخواهی ترا برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر
باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز
تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق فرمود که صفتش اینست که این چهار رکعت
بدو تشهد و دو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت خواند

و در رکعت دوم بعد از حمد سوره والعادیات و در رکعت سیم بعد از حمد
سوره اذا جاء نصر الله والفتح و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره قل
هو الله و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه گوید سُبْحَانَ اللَّهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه
گوید چون سر از رکوع بر دارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن
ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد
ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین بکند که مجموع سیصد مرتبه شود و هزار و
دویست تسبیح بوده باشد بروایت معتبر دیگر حضرت رسول فرمود که اگر هر
روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر در هر روز یکبار
بکنی گناهی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماه
یا در سالی یکمرتبه بکنی گناهی که در میان آن دو وقت کرده آمرزیده شود و بروایت
معتبر دیگر اگر بعدد کف دریا و ریگ بیابانها گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر
از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر
توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی
یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و
کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاهائی که در این نماز مستحب است کلینی
بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات
فارغ شوی بگو سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ
بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ
مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ
ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ
مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ

وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

و سخنان تو تمام تو چنانکه تمام کردی را استی و عدل را رحمت فرست بر محمد و

اَهْلِ بَيْتِهِ (پس حاجات خود را ذکر کند و شیخ در مصباح ابن زهار را ذکر کرده اسنباب ابن زهار) سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ

اهل بیت محمد پاک است صاحب قدرت و کرامت

سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ

پاک است صاحب عزت و فضل پاک است دارای صاحب قوت بزرگ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ يَا آخِر (و ابصابین و سید ازمفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی که حضرت امام جعفر صادق نماز جعفر را بجا آورد)

خدایا سوال میکنم

پس دستها را بلند کرد و گفت یا رب یا رب بقدر یک نفس و گفت یا رباه یا رباه بقدر یک نفس رب رب بقدر یک نفس یا الله یا الله بقدر یک نفس یا رحیم یا رحیم بقدر یک نفس یا رحمن یا رحمن هفت

(مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه پس این دعا را خواندند)

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَاَنْطِقُ بِا

بار خدایا آغاز میکنم گفتار را بستایش و سخن گویم با

لثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَاُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَاُثْنِي عَلَيْكَ

ثنا بر تو و تمجید تو میکنم و نیست نهایتی مر مدح ترا و ثنا گویم بر تو

وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ وَاَمَدَ مَجْدِكَ وَاَنّٰى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ

و کیست که برسد بنهایت ثنای تو و منتهای بزرگواری تو و کجا میشود مر آفریده تو کنه

مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَاَيُّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً

شناسائی بزرگی ترا و کدام زمان که نبوده ستایش کرده شده بافزونیت وصف کرده

بِمَجْدِكَ عَوَّاداً عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ اَرْضِكَ

بزرگواریت عطا کننده بر گناهکاران بردباریت که تخلف نمودند ساکنان زمین تو

عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَوَاداً بِفَضْلِكَ عَوَّاداً

از اطاعت تو پس بودی برایشان بخشش بخشنده بافزونی تو عطا کننده

بِكَرَمِكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

بکرم تو ای خدا که نیست عطا کننده خداوند بزرگی و بزرگواری

پس حضرت فرمود که ای مفضل که هرگاه ترا حاجت ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و

این دعا را بخوان و حاجت خود را از خدا طلب کن که برآورده میشود ان شاء الله تعالی دعای دیگر بعد از این نماز بروایت

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ

پاک است آنکه پوشید عزت را و وقار را پوشید و پاک است آنکه مهربانی

بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ

بزرگی و کرم نمود با او پاک است آنکه سزاوار نیست تسبیح مگر او را

سُبْحَانَ مَنْ اَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ جَلَّ جَلَالُهُ

بزرگ است بزرگی مرتبه است آنکه ضبط نمود هر چیز را بدانش و آفرید او را

بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ

بتوانائی خود پاک است خداوند عطا و نعمت پاک است خداوند توانائی

وَالْكَرَمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ

و کرم خدایا سوال میکنم ترا بجاهای بستن عزت از عرش تو

وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ

و نهایت رحمت از کتاب تو و بنام تو که بزرگ است و کلمات تو

التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

که تمام است که تمام شده براستی و عدالت آنکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا

و آل محمد که پاکان پاکانند و آنکه جمع کنی برای من نیکی دنیا

وَالْآخِرَةِ بَعْدَ عُمُرٍ طَوِيلٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

و آخرت را پس از زندگانی دراز خدایا تو زنده پاینده برتر بزرگوار

الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ

آفریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده پدید کننده آورنده مر تراست

وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَحْدَكَ

و مر تراست منت و مر تراست بخشش و مر تراست ستایش تنها

لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

نیست شریک مر ترا ای یگانه ای یکتا ای بی‌نیاز ای آنکه نزائیده و زائیده نشده

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

و نباشد مر او را همتا احدی ای اهل پرهیزکاری و ای اهل آمرزش

يا ارحم الراحمين يا عفوّ يا غفور يا ودود يا شكور انت
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای بخشنده ای آمرزنده ای دوست ای جزا دهنده تو مهربان
ارءف بي من ابي وامّي وارحم بي من نفسي ومن الناس اجمعين
تری بمن از پدرم و مادرم و مهربانتری از خودم و از مردمان همگی
يا كريم يا جواد اللّهمّ انّي صلّيت هذه الصلوة ابتغاء
ای بزرگ ای بخشنده خدایا که من نماز کردم این نماز را بر طلب
مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك
خوشنودی تو و طلب کردن عطای تو و بخشش تو و امید بخشش تو
وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللّهمّ فصلّ
و جایزه تو و بزرگی بخشش تو و دیرینه آمرزشهای تو خدایا پس رحمت
على محمّد وآل محمّد وارفعها في علّيّين وتقبّلها منّي و
فرست بر محمد و آل محمد و بلند گردان او را در علیین و بپذیر از من و
اجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك فكاك
بگردان عطای خود را و نیکیهای خود را و امیدی آنچه دارم از تو آزاد کردن
رقبتي من النار والفوز بالجنّة وما جمعت من انواع
گردنم از آتش و فیروزی بهشت و آنچه جمع کردی از انواع
النعيم ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي منك
نعمتها و از نیکوئی سیاه چشمان و بگردان جایزه مرا از تو
العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والديّ
آزادی از آتش و آمرزش گناهانم و پدر و مادرم و آنچه
وما ولدا وجميع اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات
زائیدند و همه برادرانم و خواهرانم مردان مؤمن و زنان مؤمنه
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان
و مردان مسلم و زنان مسلم زندگان از ایشان و مردگان و آنکه
تستجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردّني خائبا
مستجاب کنی دعای مرا و رحم کنی فریاد مرا و آواز مرا و برنگردانی مرا نومید زیان

خاسرا واقلبني منجحا مفلحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا
کار و بگردان مرا رستگار فیروزی آمرزیده شده پذیرفته دعایم آمرزیده
لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب
مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بتحقیق بزرگ است
من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا
از بنده تو پس نیکو است بخشش از تو ای نیکو درگذرنده ای
واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا نفّاحا
فراخ آمرزش ای گشاینده دو دست برحمت ای بسیار دهنده
بالخيرات يا معطي السؤالات يا فكّاك الرقاب من النار
نیکیها ای عطا کننده سؤالها ای آزاد کننده گردنها از آتش
صلّ على محمّد وآل محمّد وفكّ رقبتي من النار واعطني
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آزاد کن گردن مرا از آتش و بده مرا
سؤلي واستجب دعائي وارحم صرختي وتضرّعي وندائي و
سؤال من و بپذیر دعای مرا و رحم کن فریاد مرا و زاری مرا و آواز مرا
اقض لي كلّها للدنياي وآخرتي وديني ما ذكرت منها
برآور برای من حاجتهای مرا در دنیایم و آخرتم و دینم آنچه یاد کردم از آن
وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردّني خائبا
و آنچه یاد نکردم و بگردان مرا در این خیر و رد مکن مرا نا امید
خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي دعائي مغفورا
زیانکار و بگردان مرا فیروز حاجت روا پذیرفته مرا دعایم آمرزیده شده
لي مرحوما يا ارحم الراحمين يا محمّد يا ابا القاسم يا
ای بخشنده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای محمد ای ابوالقاسم ای
رسول الله يا امير المؤمنين انا عبدكما ومولاكما غير
رسول خدا ای امیر المؤمنین من بنده شما و آقا شما نه
مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل عبد مقرّ بنعمتك
سرپیچ و نه روگردان ... بنده اقرار کننده ...

بِشَأْنِكُمَا مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوِلَايَتِكُمَا أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ تَعَالَى
برشتهٔ شما چنک زننده ام از گناهانم و بدوستی شما نزدیکی میجویم بسوی خدا تعالی

بِكُمَا وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللّٰهِ بِكُمَا وَأُقَدِّمُكُمَا بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي إِلَى اللّٰهِ
بشما و توسل میجویم بسوی خدا بشما و پیش دارم شما را پیش روی حاجتهایم بسوی خدا

عَزَّ وَجَلَّ فَاشْفَعَا لِي فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي
عز و جل پس شفاعت کنید مرا در آزاد کردن گردنم از آتش و آمرزش گناهانم

وَإِجَابَةِ دُعَائِي اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعَائِي وَ
و اجابت دعایم خدایا پس رحمت فرست بر محمد و آلش و بپذیر دعایم را و

اغْفِرْ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بیامرز مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و اما احکام این نماز را در چند مقصد باید دانست اول بدانکه مشهور میان علما اقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانروز میتوان کرد که بهر دو حساب شود و هم چنین بنیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث بر این مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست ولکن احوط ترک کردن است دوم در آداب و ارشاد است و اکثر علما گفته اند که ضرورت و تعجیل داشته باشد میتواند نماز جعفر را بی تسبیحها بجا آورد و تسبیحها را در راه بخواند سیم حدیث صحیح وارد شده است که یکرکعت و دو رکعت از نماز جعفر را بکند و از امر ضروری و حاجتی بخواند پس انکار بر خود و دو رکعت دیگر را در وقتی دیگر بکند و اگر بعد از نماز تغییر بکند و تمام را هم بکند بهتر است چهارم روایت معتبر از حضرت قائم وارد شده است که بجا آوردن نماز جعفر را در موضع فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده است که با این روایت عمل کنند ظاهر اباید نباشد پنجم خلاف است در تعیین سورها که منصوص است که در این نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول از لزلت و در دوم و العادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله بخواند و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول و العادیات و در دوم اذا زلزلت گفته اند و در روایتی وارد شده است که در اول اذا زلزلت و در دوم اذا جاء و در سیم انا انزلنا و در چهارم توحید وارد شده است و اصح و اقوی آنست که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که با سوره توحید میتوان کرد و ظاهر همه خوبست اگرچه و لعین فضل نیست ششم مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دوم رکعت اول و سیم از نشسته بخواند و بعضی گفته اند که بعد از برخاستن بر رکعت دیگر پیش از قرائت بخواند و عمل بمشهور اولیست هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانکه گذشت هشتم مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع میخوانند بعد از قرائت باید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده است که مضر نیست آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت و عمل بمشهور اقوی و اولی

فصل نهم در اعمال و فضیلت روز نوروز است بدانکه در تعیین آن اختلاف بسیار است بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته اند نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است به برج حمل چنانچه در این زمان معمول است و این مطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیم داده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان این فقیر همین نوروز که در این زمان مشهور است قریب به صواب و اضبط است در حساب اگرچه اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست و اما فضایل و اعمال آن روز پس بسند معتبر از معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق علیه السلام بوده است منقول است که گفت در روز نوروز بخدمت امام جعفر صادق عرفتم فرمود که آیا میشناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند و در این روز تحفها و هدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی آنرا گفتم ای سید و آقای من دانستن آنرا از برکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که خدا در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که اورا بیکانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستش او هیچ چیز را شریک او قرار ندهند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین و این اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای آبستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفهای زمین آفریده شده و در این روز کشتی حضرت نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت و این روزیست که خداحیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریخته بودند یعنی از طاعون و یکدفعه خداوند همه را ایشان را امیرانید پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا از استخوانها که گذشت از پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میگرداند پس خدا وحی فرستاد بسوی او که آب بریزد بر استخوانهای آنها در همان جاهای خود که هستند پس چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است و این سنت شد که آب بر یکدیگر بریزند در این روز و غسل کنند و خدا در قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده است اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ

دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم و مفسرین گفته اند
که آن پیغمبر حضرت حزقیل بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود
که در این روز جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد یعنی روز نوروز موافق
مبعث بود که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روزی است که
حضرت رسالت پناه ص بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابراهیم نیز در
این روز بتهای کافران را شکست و اولا اشاره است بانکه سنی و شیعه روایت کرده اند
که در شبی که حضرت رسالت حضرت امیرالمؤمنین ع را با خود بر مسجد
آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کفار را از بام بر
آورد و شکست پس مراد این است که در شب این روز بود و فرمود که در این روز
حضرت رسول ص امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیرالمؤمنین ع و اقرار کنند
که او پادشاه مؤمنان است یعنی روز غدیر این روز بود یا آن روز که سرکردهای
صحابه را گفت بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام علیک یا امیرالمؤمنین
این روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول ص حضرت امیر را فرستاد به
وادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که در این روز حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام بر گشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت
کردند و در این روز حضرت امیرالمؤمنین ع با خارجیان نهروان جنگ کرد و ظفر
یافت و سرکرده ایشان را که ذو الثدیه میگفتند کشت و در این روز قائم آل
محمد ظاهر خواهند شد و در این روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد
و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال و در کناسه که محله ایست از محلات
کوفه او را بردار خواهند کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر اینکه ما انتظار
فرج میکشیم زیرا که از روزهای ما و روزهای شیعیان ما است این روز را
عجمان حفظ کردند و حرمت آنرا رعایت کردند و شما عربان آنرا ضایع کردید پس
حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای
خود را بپوش و بهترین بوهای خوش خود را خوش بو کن و در آن روز روزه
بدار پس چون از نماز پیشین و پسین (یعنی ظهر و عصر) فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار به
دو سلام در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در

رکعت دویم ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم
بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و در رکعت چهارم بعد از
حمد سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان
و بعد از نماز بسجده شکر برو و این دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ
خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلٰى
رحمت کن بر محمد و آل محمد اوصیاء پسندیدگان و بر

جَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ
همه پیغمبران خود و فرستادگان خود به بهترین رحمتهای خود و برکت ده

عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ
بر ایشان به بهترین برکتهای خود و رحمت کن بر روحها و بدنهای ایشان

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا
خداوندا برکت ده بر محمد و آل محمد و برکت ده برای ما در روز ما این روز

الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ
که زیادتی دادی او را و گرامی داشتی او را و مشرف کردی او را و بزرگ کردی قدر او را

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِيمَا اَعْطَيْتَنِي حَتّٰى لَا اَشْكُرَ اَحَدًا غَيْرَكَ
خدایا برکت ده مرا در آنچه انعام کردی تا آنکه شکر نکنم کسی غیر تو

وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَا
و فراخی کن بر من در روزی من ای خداوند بزرگواری و کرامت خداوندا آنچه

غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ وَمَا فَقَدْتُ
غایب شد از من پس غایب نشود از من یاری تو و حراست تو و آنچه گم کردم

مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتّٰى لَا اَتَكَلَّفَ مَا
از چیزی پس نایاب مکن برای من مدد خود را برای آن تا رنج نکشم آنچه

لَا اَحْتَاجُ اِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
محتاج نباشم بسوی او ای خداوند بزرگوار و کرامت

چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بجا

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
ای خداوند بزرگوار و گرامی

و در بعضی کتب مشهور دعا بنحو دیگر روایت کرده اند و در بعضی بلا ... را پسندیده خوانند بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه

يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ
اى گرداننده سال و احوال بگردان حال ما را به نیکوترین حال
يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ
اى گرداننده دلها و دیدها اى مدبر شب و
النَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ
روز اى گرداننده سال و احوال بگردان حال ما را به نیکوترین
الْحَالِ وایضا بعضى روایت کرده اند که این دعا را در روز نوروز بعد د[ر] ایام سال بخوانند اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ
حال خدایا اینک این سال نو است
وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ
و تو پادشاه دیرینه ای سؤال میکنم ترا نیکی آن و نیکی آنچه در آن است و پناه
بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَأَسْتَكْفِيكَ مَؤُونَتَهَا وَشُغْلَهَا
میبرم بتو از شر آن و شر آنچه در آن است و کفایت جویم ترا از رنج آن
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ واگرچه منع در دعا نیست اما آن دعای اول را خوانند هرچند مشاهده کرده شود چون سنه عبرانیه است
اى خداوند جلال و بزرگوارى

فصل هشتم در اعمال ماههای رومی است و سید جلیل علی بن طاوس روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل شد و بر ایشان سلام فرمود و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشید پس حضرت امیرالمؤمنین ع و سلمان و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول ص بحضرت امیرالمؤمنین ع خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران میگیری و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی و بروایت دیگر سوره انا انزلناه را هفتاد مرتبه میخوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ص میفرستی و هفت روز در بامداد و پسین از آن آب میآشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد میکنم که خدا بر میدارد از کسی که این آب را بیاشامد هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت میبخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و از استخوانهای او و اگر در لوح محفوظ دردی از برای او مقدر شده باشد محو نماید و بحق پروردگاری که مرا بخلق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد از این آب بیاشامد او را فرزند روزی کرده و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب بیاشامد فرزند او را بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر از آن آب بیاشامند

مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حقتعالی میفرماید يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا یعنی خدا میبخشد هر که را خواهد دختر و هر که را خواهد پسر یا جفت میگرداند برای ایشان پسران با دختران یعنی هر دو را با ایشان عطا میفرماید و هر که خواهد عقیم و بی فرزند میگرداند پس حضرت فرمود که اگر درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمها قطره از آن آب بچکاند و بیاشامد چشمهای خود را از آن آب بشوید باذن خدا شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو کند و لعاب بن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلاء بسبب خوردن طعام و آشامیدن این آب بهم نرساند و از بادهای قولنج و غیر اینها متاذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیو نکی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و کر و لال و زمین گیر نشود و آب سیاه در دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسهای شیاطین و جنیان متاذی نگردد پس حضرت رسالت ص فرمود که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردهائی که در مردم باشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد خدا دلش را مملو گرداند از نور و روشنی و الهام خود را در دل او وارد سازد و حکمت بر زبانش جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و با او عطا کند از کرامتها آنچه با احدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب از دل او بر دارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد **مؤلف گوید** که این روایت مشهور بعبدالله بن عمر منتهی میشود از نسبت ضعیف و قصه بخط شیخ شهید دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده بود با همین

خواص سورها اما بانچه از کارها یا بنروش شده وارد شده است که میخوانند برای باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و بگو هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سُبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و مرضی بر طبع او غالب نگردد و اکثر از خواص که مذکور شد در این روایت مذکور است آب باران مطلقا مبارک است و منفعت دارد خواه در نیسان بیارد و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که بیاشامید آب آسمان را که پاک میکند بدن شما را و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی میفرماید وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی میفرستد خدا بر شما از آسمان آب برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع السورها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که میخوانند فائده اثر عظیم تر و ثوابش بیشتر است و در این اوقات بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشود و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق ع منقول است که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحوس است چنانچه در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق ع ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهیست که حضرت موسی در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یک شبانه روز سیصد هزار کس از ایشان مردند و ایضا بسند معتبر از آن حضرت منقول است که خدا اجلها را در ماه حزیران نزدیک گردانید یعنی موت در آن بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنابر حرکت آفتاب است و عدد آنها دوازده است تشرین الاول و تشرین الآخر کانون الاول و کانون الآخر شباط و آذار و نیسان

ایار و حزیران و تموز و آب و ایلول و چهار ماه از اینها سی و یک روز است تشرین الآخر و حزیران و ایلول و نیسان و هفت ماه سی و یک روز است و یک ماه بیست و هشت روز و ربعی است و آن شباط است و ربع هر سال جمع میشود و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست شباط بیست و نه میباشد و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و تشرین الاول که اول سال ایشانست در این ایام تقریبا موافق نوزده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون بعضی از احادیث مذکور شد است مجملی در اینجا ایراد نمودیم

باب سیزدهم در بیان احکام اموات

فصل اول

در بیان آداب احتضار است و در آن پنج فصل است

و بر داشتن میت سنت باید که چون بیمار آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان خود توبه کند و بر گذشتها نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده ماند دیگر مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق و آنچه بر ذمه آن باشد ادا کند و بدیگران نگذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان پریشان و فقرا و مساکین و سایر وجوه بر صرف نمایند پس ابرا ذمه از برادران مؤمن طلبد و هر که را غیبت کرده باشد یا اذیت رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس نماید که از او عفو کنند و اگر غایب باشند از حاضران التماس نماید که از او نیز عفو کنند و ایشان را از او راضی گردانند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب قدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه و ادعیه که وارد شده است که سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بنویسند حضرت امام حسین ع بران بنویسند و اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که پیوسته کفن با او باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه نظرش بر آن کفن افتد حسنه برای او نوشته میشود و باید که در آن توقع امید وار برحمت خدا و شفاعت رسولخدا ص و ائمه هدی بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقول است که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت نقص عقل و نقص

مرحوم و مردی او است گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفاتش شود و مردم در نزد او جمع شوند بگوید

اللهم فاطر السموات والارض

خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین

عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم اني اعهد اليك

دانای نهان و آشکار بخشنده مهربان من عهد میکنم بتو که

اني اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك و

گواهی میدهم که نیست خدائی مگر تو یگانه تو نیست شریک مر ترا و

وان محمدا صلى الله عليه واله عبدك ورسولك

آنکه محمد رحمت خدا بر او و آلش بنده تو و رسول توست

وان الساعة آتية لا ريب فيها وانك تبعث من في القبور

و بدرستیکه قیامت آینده است نیست شک در آن و تو بر انگیزی هر که در گورها است

وان الحساب حق وان الجنة حق وما وعد الله فيها من

و بدرستیکه حساب حق است و بدرستیکه بهشت حق است آنچه وعده کرده خدا در آن از

النعيم من المأكل والمشرب والنكاح حق وان النار

نعمتها از خوردن و آشامیدن و جماع حق است و بدرستیکه

حق وان الايمان حق وان الدين كما وصفت وان الاسلام

حق است و آنکه ایمان حق است و آنکه دین چنان است که وصف کردی و آنکه اسلام

كما شرعت وان القول كما قلت وان القرآن كما انزلت

همچنان است که ظاهر کردی و آنکه گفتار همچنان است که گفته و آنکه قرآن همچنان است که فرستاده

وانك انت الله الحق المبين واني اعهد اليك في دار

و آنکه توئی خدای حق آشکار و بدرستیکه من عهد کردم بتو در سرای

الدنيا اني رضيت بك ربا وبالاسلام دينا وبمحمد

دنیا که من خوشنودم ترا به پروردگاری و اسلام را بدین و محمد

صلى الله عليه واله نبيا وبعلي اماما وبالقرآن

رحمت خدا بر او و آلش به پیغمبری و علی را امام و قرآن را

كتابا وان اهل بيت نبيك عليه وعليهم السلام ائمتي

کتاب و بدرستیکه خانواده پیغمبرت بر او و بر ایشان درود پیشوایانند

اللهم انت ثقتي عند شدتي ورجائي عند كربتي و

خداوندا توئی اعتماد من نزد سختی من و امید من نزد اندوه من

عدتي عند الامور التي تنزل بي وانت وليي في نعمتي

ساز من نزد کارها که فرستی بمن و توئی ولی من در نعمتم

والهي واله آبائي صل على محمد واله ولا تكلني الى نفسي

خدایم و خدای پدرم رحمت بر محمد و آلش و وامگذار مرا بسوی نفس

طرفة عين ابدا وآنس في قبري وحشتي واجعل لي عندك

چشم بر هم زدنی هرگز و انس ده در قبر وحشت مرا و بگردان نزد خود

عهدا يوم القاك منشورا — پس حضرت رسول فرمود که این عهد پیمان میت است با خدا در روزی که میخواهد

عهدی روزیکه برسم بتو — وصیت کند و وصیت واجب و لازم

است بر هر مسلمانی و صحیفه اعتقادات را چنانکه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند بمهر گواهان برساند تا در میان کفن او بگذارند و چون آثار احتضار ظاهر شود باید عازم مکرر بخواند اللهم اغفر لي الكثير من معصيتك واقبل مني اليسير من طاعتك تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان و برادران مؤمن در آن حالت و در آنها نگذارند نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و والصافات نزد او بخوانند اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسالت و امامت ائمه هدی بتفصیل و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حق را مکرر تلقین او کنند که بگوید و مکرر بیاد او آورند و اگر نتواند بخواند نزد او بخوانند و دعای عدیله را براو بخوانند و اگر تواند خود بخواند و مضامینش را براو القا کنند که در این وقت شیطان براو دست نیابد که او را از دین بدر کرداند و باید که کلمه طیبه لا اله الا الله را بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که سخن آخر او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر وارد شده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که تلقین کنید مردگان خود را بگفتن لا اله الا الله بدرستیکه گناهان را در هم میشکند و مونس مؤمن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام

مراد این کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال
پای او را بقبله بگردانند که ملائکه رحمت باو رو آورند و در این وقت
حایض و جنب نزد او نباشند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر
ایشان کسی نباشد جایز است که برای ضرورت پرستاری او و غایت چون
نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است که
اگر جان کندن بر او دشوار باشد او را ببرند بجائی که همیشه نماز میکرده است یا
بخوانند او را بر روی جای نماز بگذارند که بر او نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا
هست شفا مییابد و الا جانش باسانی بر میآید از حضرت امام رضا منقول است
که زنهار در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد تعرض
نشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات
بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع در احتضار
بود و حضرت امام محمد باقر ع در کنار خانه نشسته بود هر که نزدیک او میرفت
منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که او در این حال در نهایت نا
توانی است و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در
حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرگاه کسی را وقت
جان کندن رسد باید که کلمات فرج را تلقین او کنید و کلمات فرج اینست لا
اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش
العظیم و الحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقول است که چون این کلمات
را تلقین کسی میکردند حضرت امیرالمؤمنین ع میفرمود که برو که دیگر بر تو
باکی نیست و حضرت رسول ص این کلمات را تلقین شخصی کرد و چون او خواند
حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت
صادق ع منقول است که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی
از شیاطین را موکل میگرداند که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش
مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتوانند بر او دست یافت پس در احتضار
تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت

پناه و ائمه طاهرین یک یک را بخصوص تا از سخن گفتن باز مانند و ایضا سنت است
که بجهت سهولت جان کندن این دعا را تلقین او کنند یا من یقبل الیسیر و یعفو
عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت العفو الرحیم و بروایت دیگر
انک انت العفو الغفور و چون روح مفارقت کند سنت است که دهانش را بهم
بگذارند و چانه اش را ببندند و چشمهایش را بهم آورند و دستهایش را بر پهلوهایش
بکشند و او را بچادر یا جامهٔ بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زودش بردارند
مگر بجهت جمع شدن مؤمنان اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا
یقین شود موقوف بدارند و از حضرت صادق ع منقول است که سزاوار است که برادران
مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازهٔ او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او
استغفار کنند و میت و ایشان همه ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق
منقول است که چون مؤمن را در قبر میگذارند ندا میکنند که اول عطائی که تو را
دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم اینها را که با جنازه تو آمدند آمرزش گناهان است
و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفهٔ که مؤمن می‌یابد در قبر آنست که میآمرزند هر
کس را که با جنازه او بوده است در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی
بکند تا او را دفن کنند خدا در قیامت هفتاد ملک را بر او بگمارد که همراه او بیایند
و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را
بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناه بیرون آید
و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست که از برای کسی که تشییع جنازه
کند اول دست راست میت را که طرف چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد
پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ
میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب راست جنازه
است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود
بلکه از پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع کند و اکثر علما بر عکس گفته
اند که اول باید دست راست جنازه میکنند پس بپای راست پس بپای چپ پس
بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولی است و اگر هر دو را بعمل آورند بهتر است
و بهتر آنست که عقب جنازه یا پهلوها راه روند و در پیش جنازه نروند و ظاهر

گفته اند بیشتر نشستن اگر جنازه مؤمن باشد پیش راه رفتن خوبست و در
جنازه مخالف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال العذاب می
کنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول صلعم منقول است
که هر گاه جنازه ببیند ابتدا بدعا را بخواند اَللّٰهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ
وَ صَدَقَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیمَانًا وَ تَسْلِیمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ
وَ قَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کنند از برای رحم
با او و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در حال برداشتن جنازه ابتدا دعا
را بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ و منقولست که حضرت امام زین العابدین ع هرگاه جنازه را میدید
میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ و دنبال تشییع جنازه
سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و
مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و سر
و در شب خوبست و مکروه است کسیرا که بجنازه حاضر شود نشستن و حرف
باطل گفتن **فصل دوم** در غسل دادن میت بدان که احکام
میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام پیش
همه واجب کفائی است یعنی بر همه واجب است و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود
و اگر همه ترک کنند همه معاقب میشوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این
معنی تعلق بوارث میت دارد و بی رخصت او دیگری متوجه اینها نمیتواند شد
و مردان ورثه اولی اند از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط آنست
که بی ضرورت خود غسل ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت واجبست برای همه
مسلمانان اثنی عشری و در سنی و سایر فرق مخالف خلافست و ظاهر او واجب نیست
مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد و در
معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند و با جامها
که پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفته اند که در جهاد حق که کشته شود چنین است
و خالی از قوت نیست و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میت عضوی یافت شود
که در آن استخوان باشد میشویند و کفن میکنند و دفن میکنند و بعضی سه کفن

در اینجا واجب دانسته اند و اگر نصفی باشد که دل در آن باشد نماز هم در آن میباید
کرد و احوط آنست که اگر سینه تنها بیابند باز چنین کنند و هم چنین اگر جمیع
استخوانهای میت را بیابند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته
بپیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه که از شکم ساقط
شود هرگاه که چهار ماه زیاده داشته باشد غسل میدهند و کفن میکنند و دفن میکنند
و بر او نماز نیست و بعضی گفته اند که بسه جامه کفن میکنند و حنوط میکنند و هرگاه
چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته میپیچند و دفن میکنند و در روایتی
در لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در
غسل و کفن نه چهار ماه و این احوط است و اگر عضو استخوان داری از زنده بریده باشند
احوط آنست که غسل و کفن و دفن میکنند اگر چه ظاهر عدم وجوبست و اگر طفلی در شکم مادر
مرده باشد و مادر زنده باشد اگر بتوانند درست بیرون میاورند و الا پاره پاره
میکنند و بیرون میاورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را میشکافند
از جانب چپ و طفل را بیرون میاورند و بهتر آنست که شکمش را بدوزند و واجبست که
مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی
هر یک دیگری را غسل میتوانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهند
و نظر بعورت نکنند و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد
زن را دوم جایز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی یا در عده کسی نبوده
باشد و در غسل کنیز آقا را خلاف است سیم جایز است که غسل دهد مرد اجنبی دختر
سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی پنج ساله را نیز تجویز کرده
اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را
غسل میتواند داد از زیر جامه و هم چنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهرا
در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند داد و اما احوط آنست که تا ممکن
باشد زن را زن و مرد را مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از
غسل کفن را مهیا کنند و اول حبره را و بعد از آن سرتاسری و بعد از آن پیراهن
را پهن کنند و بعد از آن نصفه تا بالای پیراهن برگردانند و لنگ را و بعد از آن
ران پیچ را پهن کنند بجای خود پس متوجه غسل شود و اگر میسر شود که میزاد روغن

غسل بدهند بر بلندی یا تخته بخوابانند بهتر است و مستحب است که در وقت غسل پای میت
بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال باید
چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید که رختهایش را بکنند و اگر خواهند با پیراهن
غسل دهند و اگر خواهند لنگ ببندند و برهنه کنند و واجبست که در وقت غسل دادن
میت عورتین را بپوشانند و مشهور آنستکه واجبست که اول ازاله نجاست از بدن میت
بکنند و سنتست که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر تنگ باشد
باذن وارث بشکافند و سنتست که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهند که برابر آسمان نباشد
و سنتست که دو نفر باشند غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری بگرداند میت
را و مستحبست که انگشتان میت را بمالد و بملایمت نرم کنند و اگر دشوار باشد
خوف شکستن باشد دست بر دارد و واجبست که میت را سه غسل بدهد اول
بآب سدر و بعد از آن بآب کافور و بعد از آن بآب خالص و سنتست که اول دستهای
میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنابر بعضی از روایات پس عورت میت را
بشوید و احوط آنستکه چون خواهد عورت میت را بشوید لته بر دست ببندد که بعورت
نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است و سنتست که اول عورت
را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود
پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و همواری بپائین کشد که اگر فضله باشد
بیرون آید و اگر چیزی بیرون آید مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف
افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما گفته اند که سنتست سر و ریش
را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنتست که دستهای خود را تا مرفق بشوید
یعنی آنکسیکه دست بر میت میگذارد پس وضو دهد میت را بر روش وضوی زنده که
بآب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة
الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند
بغسل و احوط آنستکه آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند
و بهتر آنستکه نیت هر سه را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت
جدا کنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل میدهم بآب سدر و کافور
و قراح از جهت آنکه واجبست قربة الی الله یا از برای رضای خدا پس سر

میت را بآب سدر میشوید و احوط آنستکه اول بجانب راست سر آب بریزد و بعد
از آن بجانب چپ و سنتست که سر را و هر جانب را سه مرتبه بشوید پس میت را بر
پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشوید و سنتست که سه مرتبه بشوید و
هر سبوئی را که میریزد قطع نکند تا بپایان رساند و آنکه میت را میگرداند در هنگام
آب ریختن دست بر پشت و شکم بمالد و هموار بکه آب خوب برسد بهتر است و دست
میت را از پهلو جدا کند تا آنکه آب زیر ران برسد و چنان کند که آب زیر بغل و عورت
و ران و سایر اعضا خوب برسد پس میت را بگردانند و بر پهلوی راست بخوابانند پهلوی
چپ را بهمان طریقه که مذکور شد سه مرتبه بشوید و در آب سدر همین کافیست و
مشهور آنستکه حدی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی
یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد
و احوط آنستکه در آب غسل آنقدر داخل نکند که مضاف شود و اشنان نکوبند و بعضی
روایات در شستن هر دو جانب شستن نصف سر وارد شده است و شاید بنا
اگرچه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت بخوابانند و ظرفها را میشوید که اثر سدر
از آنها برطرف شود و اندک کافور برابر ریزه ریزه میکنند و داخل آب میکنند و غسل
دهنده دستهای خود را تا مرفق میشوید و بهتر آنستکه دست میت را تا نصف
ذراع سه مرتبه بآب کافور بشوید و فرجش را سه مرتبه بشوید بهمان نحو که لته
یا دستمالی بر دست بپیچد و دست بر شکم میت بکشد بهمواری و بهتر آنستکه
آنکه دست بشکم میت میکشد سر میت را بلند کند که فضلات از ظرف بیرون
رود پس احتیاطا آب ریزنده و گرداننده هر دو نیت کنند که این میت را غسل
میدهیم بآب کافور از برای آنکه واجبست از برای رضای خدا پس سر را بشوید و سنتست
که سر را سه مرتبه بشوید و در هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر کند و گرداننده
بهمواری دست بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه
بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید پس میت را بر پشت بخوابانند
و باز دست خود را تا مرفقین بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثر
سدر و کافور در آنها نماند و اگر سبوئی بگیرد برای آب قراح مهیا
کند بهتر است و احوط آنستکه آب غسل قراح را از حوضی که آب بسیار

وکافور در آن ریخته شده است بریزند و از آن بپردازد که اینها مطلقا
داخل در آن نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه
با آب خالص بشویند استحبابا و فرج میت را نیز با آب خالص سه مرتبه بشویند
و اگر در این وقت نیز باید یکی میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس
احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را با آب قراح از جهت آنکه واجب
است قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب
چپ را سه مرتبه بشوید که یک مرتبه واجب است و دو مرتبه سنت و بهتر آنستکه گردانند
بدن را در وقت ریختن دستی بکشد بر بدن میت و پیش از این غسل و در
اثنای این غسل دست بر شکم میت نمیکشند و چون از این هر سه غسل فارغ
شود اگر خوف خروج نجاستی باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کنند و هم
چنین در دهان و بینی و اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد
پس سنت آنستکه بدنش را بجامه خشک کند و بعد از آن او را بر روی جامههای
کفن بگذارد و سنت آنستکه هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی گردانند این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا
فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ پس اگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ
و اگر روحها بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل مکرر بگوید رَبِّ عَفْوَكَ
عَفْوَكَ تا خدا او را بیامرزد و سنت آنستکه هر چه از عیوب میت بر او ظاهر
شود بکسی نقل نکند تا خدا گناهان او را بیامرزد چنانچه از مادر متولد شده باشد
و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست بایستد و گودالی در برابر قبله
بکنند و بهتر آن است که آب غسل در آن گودال رود و مکروه است
که آب غسل را بچاله که در آن بول و غائط کنند بریزند و اگر چاله باشد که کنار
خانه در آن بریزند ضرری ندارد و مکروه است میت را با بکر غسل دادن مگر در
حال الضرورة و مکروه است که میت را در میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه
است که ناخن میت یا موی آن را بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن یا مو را یا موئی
در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد و با میت دفن کنند چه
منقول است که دندانی که از حضرت امام محمد باقر ع کنده شد و بحضرت صادق ع

داد و فرمود که با من دفن کنید در قبر و اگر سدر و کافور بهم نرسد یکمرتبه با آب قراح
غسلش دهند و احوط آنستکه سه مرتبه غسلش دهند و اگر پیش از دفن بهم رسد احوط
آنستکه مرتبه دیگر آنرا غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل
نتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهرا
یک تیمم کافی است و سه تیمم احوط است و بهتر آنستکه تیمم را چنین بدهد که نیت
کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب
است برای رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل
کافور احتیاطا قربة الی الله و همچنین قراح و چون نیت کند دست خود را بر خاک
زند و بر پیشانی میت بکشد و دیگر بر پشت دست راست میت بکشد و بعد از آن بر پشت
دست چپ و اگر یک ضرب تیمم دهد بکشد برای دو و یکی برای دستها خوب است و اگر
میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند فصل در کفن
کردن میت است واجب آنستکه میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفتهاند که اول لنگ
آنستکه از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفتهاند سنت آنستکه سینه و تا پهلو
و تا پاها برسد دوم پیراهنی سوم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشد بعضی از علما گفته
اند که پیراهن و دو سرتاسری جایز نیست که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر بکنند که
مجموع سه سرتاسری بوده باشد و این قول اظهر است در احادیث معتبره بر این دلالت
دارد و احوط آنستکه با اینها لنگ نیز بکنند با ضرورت یک سرتاسری کافی است در باب کفن
حریر محض نباشد احوط آنستکه کفن زنان نیز حریر محض نباشد و احوط آنستکه کفن از
پوست نبوده باشد و بهتر آنستکه از پشم و مو نبوده باشد و مستحب آنستکه از پنبه سفید
بوده باشد و سنت آنستکه سرتاسری بالای از جمله سرتاسری حبره باشد و آن جامه
بوده که از یمن میآورده اند و الحال معلوم نیست و سنت آنستکه اگر بجای آن قطیفه بند
بپوشند بند نباشد و علما گفتهاند که سنت آنستکه اول جانب چپ لفافه را بر جانب
راست میت اندازند و بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر آن
آنستکه چنین کنند اگرچه مستندش بنظر نرسیده و سنت آنستکه خرقه طولی
که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه ذرع و نیم باشد لهذا ذراع دستی باز کنند
برای ران پیچ با آنکه سر آن را بشکافند و بر کفن میت بندند و پنبه بسیار بر

دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر در پنبه قدری
از کافور بپاشند شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بیرون آورند
و از زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند که فرج را و پنبه که گذاشته
اند فرا گیرد و پاها را بهم آورند و رانها را بپیچند بر آن خرقه که سخت ببندند
و بپیچند تا زانوها تا زانوها بهر جا که منتهی میشود سرش را در آنچه پیچیده اند
فرو برند و سنتست که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بدور سرش بگردانند و
موافق مشهور زیر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از هر طرف بدر آورند
و بر سینه میت بیندازند چپ را بجانب راست و راست را بجانب چپ و بدل از عمامه
مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن ببندند که پستانهای او را
بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی تازه
کنند که آستین داشته باشد اما اگر میت در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست
بریدن آستین و با آستین باکی نیست اما تکمها و بندهایش را ببرند و سنت
است که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز میکرده است و اگر در
پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بد نباشد و مستحبست در جامه
که در آن احرام بسته است حج یا عمره کفن کنند و مستحبست که کفن خوش قماش
و صاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای
مردگان خود را که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند
و مستحبست که در قیمت کفن مضایقه بسیار نکنند و کفن از مال حلال
بی شبهه باشد و سنتست موافق مشهور که بر کفن اقرار بر شهادتین و اقرار ائمه
بنویسند و دعای جوشن و قرآن در بعضی از روایات وارد شده است و سنت
است که بتربت حضرت امام حسین علیه السلم بنویسند و علما گفته اند که سنتست
که کفن را بریسمانی که از آن بیرون آورند بدوزند و مکروه است که با آب دهن تر
کنند و سنتست که در وقتی که غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند
دستهایش را تا دوش یا تا مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن
و واجبست حنوط کردن میت را بآن که بر هفت موضع سجده یعنی پیشانی
و کف دستها و زانوها و انگشتهای پاها را کافور بمالند اگر چه اندک

باشد و احوط آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر کوزه را
پاک کردن و بندگاههای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ رانها و
بندگاه انگشتان و سایر بندها را بمالند احوطست و بهتر آنست که حنوط کافور خام
جویانه باشد و مقدارش بقدر یک مثقال شرعی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال
است و بهتر از آن اینست که سیزده درهم و ثلث بوده باشد موافق حنوط حضرت
رسول که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که غسل از آن
مقدار را تنها باشد و سنت مؤکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار
بسیار وارد شده است که تا این چوبها ترست میت را عذاب نمیکنند و بهتر آنست
که از چوب خرما باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب
بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر یافت نشود هر چوب تری که باشد خوبست
و باید تر باشد و تازه از درخت بریده باشند و چوب خشک هرچند از درخت
خرمای اماکن مشرفه باشد فائده نمیکند و باید که هر یک بقدر شبر بوده باشد
یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر بیشتر است
و ظاهر همه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها بپیچند تا رطوبتشان بیشتر
بماند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر گردن بگذارند سرش را ملصق ببدن
سازند و دیگری را از جانب چپ میت بر پیراهن و سرش را بگذارند و سرش را بچنبر گردن گذارند
و بعضی گفته اند که سنتست که بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف و
اگر تقیه باشد و جریده در میان کفن نتوان گذاشت در میان قبر بیندازند
اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند و بدان که کفن واجب از
اصل مال او است مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد جامه‌های
او را تطهیر کنند و با آنها کفن کنند و اگر آنها نباشد برهنه دفن کنند
و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت را میتوان کرد و خالی از قوتی نیست
و سنت مؤکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن جامه
او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمن قبری چنانست که او
را در خانه موافق نیکوئی جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست

هرچند زن فاسد باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از میت
نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته
اند او را میشویند و اگر بعد از آن باشد مشهور آنست که آن موضع را مقراض میکنند
و کفن را از یکدیگر میکشانند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر
ممکن باشد شستن در اندرون قبر بآنکه طشت و آفتابه ببرند و بشویند خصوصا
هرگاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد و کفن را نیز بآن عنوان
بشویند و این احوط است و جمعی گفته اند مکروه است کفن را با آهن بریدن و گفته
اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنت است که پاهایش بجانب قبله
باشد و کسیکه در غیر جهاد با امام کشته شده باشد خون و جراحتهای بدنش را ازاله
کنند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی که اول سر را میشویند و آخر بدن را و بعضی گفته
اند که اگر خون بند نشود گل ارمنی ریزند و از حضرت صادق ع منقولست که در حکم
چنین کسیکه اول خون را میشویند و آب بر آن میریزند در غسل و دستهای بدنش
نمیمالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم میبندند و همچنین اگر
گردنش بریده یا جدا شده باشد کافور میپاشند بر موضع جراحت و پنبه را بر
آن میگذارند و محکم میبندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده
باشد در غسل اول سر را میشویند و بعد از آن بدن را و پنبه را بر بالای گردن
میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان کفن میپیچند
و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و بدن را بجانب قبله
میگردانند **فصل چهارم** در نماز میت است این نماز واجبست بر همه
مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران
ساقط میشود و واجبست نماز بر شیعه اثنا عشری که بالغ باشد و اشهر و اقوی آنست
که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجبست ظاهرا بقصد قربت اکتفا
میتوان کرد و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته
اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج
و نواصب که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان که ائمه را خدا می
دانند یا میگویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و بر آنها که خدا را

جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست ظاهر مخیر باشد میان آنکه
نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کند بر او
و در موضع تعزیه ثنا نباید کرد و سزاوار نیست که هم بنماز میت وارث اولیست
بر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و بانفراد
میتوان کرد و احوط آنست که تا توان رخصت گرفتن از ایشان بی رخصت نکنند
و شوهر از همه اولیا اولیست نسبت بزن و مرد را اولی باید از زنان و وارث
اگر خود قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر کرا اعتقاد داشته باشد بهتر
داند مقدم دارد و جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با ماموم در یک صف
بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگرچه ماموم یکنفر باشد و اگر زنان با مردان جمع
شوند زنان در عقب مردان بایستند و مرد باید که پیش بایستد و اگر حایض
باشد سنتست که در صف جداگانه بایستد و واجبست که نماز گذارنده رو بقبله
بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست
و احوط در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشند و واجبست که میت را
بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارت از جمله شرطها نیست و جنب و حایض بی
وضو این نماز را میتوانند کرد و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را در
این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت بدن و نجس نبودن جامه و حریر نبودن
جامه و غیر اینها اگرچه اظهر آنست که هیچیک از رعایت اینها ضرور نیست مگر چیزی چند که حرام
باشد و ازاله آنها منافی نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان و جامه غصبی
و سنتست که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ
باشد سنتست که تیمم کند و ظاهر بعضی احادیث آنست که بدون عذر نیز تیمم
مستحبست و نباید که از جنازه بسیار دور باشد مگر آنکه در نماز جماعت
باشد و صفها بر هم پیوسته باشد و نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند
اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را بپوشانند
و نماز کنند و سنتست که پیشنماز برابر میان مرد و سینه زن بایستد بنا بر مشهور
و سنتست که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد در کندن سنت نیست
و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجبست که نیت کند بهتر آنست که چنین نیت کند

کند که نماز بر این میت حاضر میکنادم از برای آنکه واجب شده قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را و اول اقوی است و در وجوب دعا در بین تکبیرها خلاف است و احوط وجوب است و ظاهر اینست هر دعا مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ و بعد از تکبیر دوم اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ و بعد از تکبیر سیم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از تکبیر چهارم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتِ و اگر زن باشد لهذه المیتة بگوید و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود

مجرب و موافق مشهور بهتر آنست که چنین بگوید و بعد از تکبیر

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ پس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلِّ عَلٰى جَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ پس بگوید اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَ

تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي اَعْلٰى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلٰى اَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس بگوید اَللّٰهُ اَكْبَرُ و اگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ اَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَابْنَةُ اَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي اِحْسَانِهَا وَاِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَاغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي اَعْلٰى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلٰى اَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ

يا ارحم الراحمين واگر بعد از چهارم تکبیر استغفار بخواند خوب است اشهد ان لا اله الا الله

وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم

صل على محمد وآل محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات اللهم

ان هذا المسجى قدامنا عبدك وابن عبدك وقد قبضت

روحه اليك وقد احتاج الى رحمتك وانت غني عن عذا[به]

اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خيرا وانت اعلم بسريرته

اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز

عن سيئاته واگر زن باشد اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتك

وابنة عبدك وقد قبضت روحها اليك وقد احتاجت

الى رحمتك وانت غني عن عذابها اللهم انا لا نعلم من

ظاهرها الا خيرا وانت اعلم بسريرتها اللهم ان كانت محسنة

فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عن سيئاتها

بلکه موافق جمع بين الاحاديث
واگر بعد از هر تکبیر استغفار بخواند خوب است اشهد ان لا اله الا الله وحده لا

شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل

على محمد وآل محمد وعلى الائمة الهداة واغفر لنا ولاخواننا

الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين

آمنوا ربنا انك رؤف رحيم اللهم اغفر لاحيائنا وامواتنا

من المؤمنين والمؤمنات والف بين قلوبنا على قلوب اخيارنا

واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي

من تشاء الى صراط مستقيم اللهم عبدك ابن عبدك ابن

امتك انت اعلم به افتقر الى رحمتك واستغنيت عنه

اللهم فتجاوز عن سيئاته وزد في حسناته واغفر له

وارحمه ونور له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه صلى

الله عليه وآله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واگر زن باشد

الى صراط مستقيم اللهم امتك ابنة عبدك ابنة امتك انت اعلم

بها افتقرت الى رحمتك واستغنيت عنها اللهم فتجاوز

عَنْ سَيِّئاتِها وَزِدْ في حَسَناتِها وَاغْفِرْ لَها وَارْحَمْها وَنَوِّرْ

از بديهاى او و زياد كن در نيكيهاى او و بيامرز او را و رحمت كن او را و روشن

لَها في قَبْرِها وَلَقِّنْها حُجَّتَها وَأَلْحِقْها بِنَبِيِّها صَلَّى اللهُ

گردان قبر او را و بياموز حجت او را و ملحق كن او را به پيغمبرش رحمت خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلا تَحْرِمْنا أَجْرَها وَلا تَفْتِنّا بَعْدَها و در دعا وارد شده

بر او و آلش و محروم مكن ما را از مزد آن و مبتلا مكن ما را بعد از آن است كه بعد از فارغ شدن از نماز بگويد

رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً

پروردگارا بده ما را در دنيا نيكى و در آخرت نيكى

وَقِنا عَذابَ النّارِ واگر بر سنى و مخالف مذهب نماز كنند بجز دعاى بعد از تكبير چهارم بلكه بعد از هر تكبير بر او نفرين و لعنت كنند

نگاه دار ما را از عذاب آتش

و بهتر آن است كه چنين بگويد اللّهُمَّ أَخْزِ عَبْدَكَ في عِبادِكَ وَبِلادِكَ اللّهُمَّ أَصْلِهِ

خداوندا خوار كن بنده خود را در بندگانت و شهرهايت خدايا برسان

حَرَّ نارِكَ اللّهُمَّ أَذِقْهُ أَشَدَّ عَذابِكَ فَإِنَّهُ كانَ يُوالِي أَعْداءَكَ

او را گرمى آتش خود بار خدايا بچشان او را سخت عذاب خود را پس بدرستيكه او بود دوست دشمنانت

وَيُعادِي أَوْلِياءَكَ وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ

و دشمن بود دوستان ترا و دشمن ميداشت اهل بيت پيغمبرت را رحمت خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ واگر مستضعف باشد كه ضعيف العقل باشد كه تميز ميان مذاهب نكند و يا نسبت به مخالف حق باشد و عنادى با شيعه نداشته باشد يا اعتقاد با اهل بيت داشته باشد يا دشمنان ايشان نباشد بر نماز بر او بگويد

بر او و آلش

اللّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذينَ تابُوا وَاتَّبَعُوا

بار خدايا بيامرز آنان را كه بازگشت نمودند و پيروى

سَبيلَكَ وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحيمِ واگر مذهب مستضعف مجهول باشد بگويد اللّهُمَّ إِنَّ هذِهِ النَّفْسَ

كردند راه ترا و نگاهدار ايشان را از عذاب دوزخ بار خدايا بدرستيكه اين تن تو

أَنْتَ أَحْيَيْتَها وَأَنْتَ أَمَتَّها اللّهُمَّ وَلِّها ما تَوَلَّتْ وَاحْشُرْها

زنده كردى او را و تو ميراندى بار خدايا ولى گردان او را آنچه دوست داشت و محشور كن او را

مَعَ مَنْ أَحَبَّتْ واگر مستضعف طفل نابالغ باشد بگويد اللّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَلَنا

با هر كه دوست دارد خداوندا گردان او را از براى پدر و مادرش و ما را

سَلَفاً وَفَرَطاً وَأَجْراً و مشهور در همه آنست كه دعاى بعد از تكبير را بخوانند بجوى

پيش رو و اجر كه گذشت و ابتداى نماز بعد از تكبير چهارم ميخوانند و در

سنى اگر نماز كنند تكبير پنجم را نميگويند و سنتست كه بر جاى خود باشند تا جنازه را بردارند خصوصا پيشنماز و نماز جنازه را در مسجد ميتوان كرد و مشهور آنست كه اگر در مسجد نكنند بهتر است و بر يك جنازه دو مرتبه نماز كردن خلاف است در جواز آن و دور نيست كه كسيكه نماز نكرده باشد تواند كرد و كسيكه در اثناى نماز برسد بقصد وجوب ملحق ميشود و دعاها را كه خودش بايد بخواند ميخواند و چون پيشنماز فارغ شود بقيه را با دعاهاى مختصر ميخواند اگرچه جنازه را بردارند و اگر وقت نشود بايد تكبيرها را پياپى بگويد و اگر ميتى را بى نماز دفن كرده باشند احوط آن است كه بر قبر او نماز كنند هرچند مدتى گذشته باشد و همه وقت نماز جنازه را ميتوان كرد مگر آنكه وقت فريضه تنگ شود كه فريضه را مقدم ميدارند و بهتر آنست كه با وسعت وقت نيز اول فريضه را مقدم دارند مگر آنكه خوف تغيير ميت جنازه بوده باشد يا خوف ضايع شدن ميت

فصل پنجم

در آداب دفن ميت است از آداب بعد از آن سنتست كه تا ميت را در قبر نگذارند ننشينند و واجب است كفايةً دفن كردن ميت و قدر واجب آنست كه ميت را در گودى پنهان كنند بحيثيتيكه بوى بد او از مردم مستور گردد و جسد او از درندگان ايمن باشد و خوابانيدن او بر جانب راست و بقبله واجب است بقول مشهور و بعضى مستحب دانسته اند و مستحب است كندن قبر بقدر قامت و يا تا چنبر گردن و سنت است كندن لحد از طرف قبله و مستحب است كه لحد فراخ باشد كه كسى در آن تواند نشست و اگر زمين سست باشد لحد نتوان كند بعضى گفته اند كه مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق كنند با آنكه از ميان قبر بقدر جسد ميت گودى بكنند كه بتوان نشست و دو طرف داشته باشد كه خشت بر روى آن توان گذاشت كه خاك بر ميت ريخته نشود و احوط آنست كه در صندوق نگذارند و شخصى كه در دريا بميرد اگر ممكن باشد بخشكى برسانند و الا در دريا بگذارند و سر آن را ببندند و در دريا اندازند اگر ممكن شود و الا او را سنگين كنند و رو بقبله بآب اندازند و چون جنازه نزديك قبر رسد سنت است

که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند
و مشهور آنست که زود او را که میگذارند سه مرتبه نقل میکنند و در مرتبه چهارم بقبر
گذارند و آنچه در روایات معتبره وارد شده است که چون میت را نزدیک قبر برند
او را یکباره بقبر مبر و کار او را آسان مکن و پایین تر از قبر بدو ذراع یا سه ذراع
بگذار و ساعتی صبر کن تا مهیا شود خود را برای سؤال قبر زیرا که قبر را هول
عظیم است دعا کن که خدا او را پناه دهد از هول قبر و سنت است که سر میت را پیش
کنند و از پیش پای قبر سرازیر بقبر برند و بعضی از علما گفته اند که زن را از پیش رو
میبرند و بعرض بقبر میبرند و سرازیر نمیکنند چنانچه در بعضی از روایات وارد
شده است و سنت است که شخصی که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بندهای دستار
بگشاید یا لاپوش و ردا را ببندد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است که یک کس
برود یا زیاده خواه طاق باشد یا جفت و اکثر علما گفته اند که مکروه است که اگر
مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه از احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروه
که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب را باکی نیست و اگر میت زن باشد اولی
آنست که محرم او را بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زن صالحه و اگر زن صالحه نبوده باشد
مرد صالح پیرمرد در رفتن قبر و نامحرم سنت است که از پیش پای قبر باشد سنت است که چون
میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید اللّٰهُمَّ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ
بار خدایا بنده تو پسر بنده تست و پسر کنیز تو فرود فرستاده
وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ — و چون میت را بقبر برد بگوید — بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلیٰ مِلَّةِ رَسُولِ
و تو بهترین فرود فرستاده گانی باو — بنام خدا و بخدا و بر کیش رسول
اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ اِلیٰ رَحْمَتِکَ لا اِلیٰ عَذابِکَ
خدا رحمت خدا بر او و آلش بار خدایا بسوی رحمت تو نه بسوی عذاب
اللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثّابِتِ
خدایا گشاده کن برای او در قبرش و القا کن او را حجت او و ثابت دارش
وَقِنا وَاِیّاهُ عَذابَ الْقَبْرِ — و چون میت را در قبر بگذارد سنت است که بندهای کفن را بگشاید و روی میت را باز کند طرف راست
و نگاه دار ما را و او را از عذاب قبر
او را بر زمین برساند و اگر زیر سرش از خاک بالشی کند بهتر است و خشتی بر پشتش بگذارد

که بر پشت نیفتد و سنت است که مهری از تربت حضرت
امام حسین در برابر روی او بگذارد و اگر تربت
آنحضرت را در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید
اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ
پس سوره فاتحه و قل هو الله و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلیٰ
بنام خدا و بخدا و بر
مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ
کیش رسول خدا رحمت خدا بر او و آلش خدایا رحمت بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ صَلَّی اللّٰهُ
محمد و آل محمد خداوندا گشاده کن برای او در قبرش و برسان او را به پیغمبرش رحمت خدا
عَلَیْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ فی اِحْسانِهِ وَاِنْ
بر او و آل او خدایا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در احسان او و اگر
کانَ مُسیئاً فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجاوَزْ عَنْهُ پس بگوید اللّٰهُمَّ
باشد بدکار پس بیامرز او را و رحم کن او را و درگذر از او پس بگو خداوندا
جافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَصاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْکَ رِضْواناً
دور کن زمین را از دو پهلوی او و بالا بر عملش را و القا کن او را از خود خوشنودی
پس بگوید اللّٰهُمَّ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَاَنْتَ
خداوندا بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده است بتو و تو
خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَاَلْحِقْهُ
بهترین فرود آمده باو بار خدایا گشاده کن برای او در قبرش و بیاموز او را حجتش و ملحق کن
بِنَبِیِّهِ وَقِهِ شَرَّ مُنْکَرٍ وَنَکیرٍ — و ایضا بگوید — بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفی
به پیغمبرش و نگاه دار او را از بدی منکر و نکیر — بنام خدا و بخدا و در
سَبیلِ اللّٰهِ وَعَلیٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
راه خدا و بر کیش رسول خدا رحمت خدا بر او و آلش
اللّٰهُمَّ عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ نَزَلَ بِکَ وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ
خدایا بنده تو پسر بنده تو فرود آمده است بر تو و تو بهترین فرود آمده باو
اللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ
خدایا گشاده کن برای او در قبرش و ملحق کن او را به پیغمبرش خدایا ما نمیدانیم

منه الا خيراً وانت اعلم به منا [illegible] اللهم يا رب عبدك ابن
عبدك نزل بك وانت خير منزول به اللهم ان كان محسناً فزد
في احسانه وان كان مسيئاً فتجاوز عنه والحقه بنبيه محمد
صلى الله عليه وآله وصالح شيعته واهدنا واياه الى
صراط مستقيم اللهم عفوك عفوك [illegible] اللهم ان
هذا عبدك (بجای فلان نام او) وابن عبدك قد نزل بك
وانت خير منزول به قد احتاج الى رحمتك اللهم ولا نعلم
منه الا خيراً وانت اعلم بسريرته ونحن الشهداء بعلانيته
اللهم فجاف الارض عن جنبيه ولقنه حجته واجعل
هذا اليوم خير يوم اتى عليه واجعل هذا القبر خير بيت
نزله وصيره الى خير ما كان فيه ووسع له في مدخله وآنس
وحشته واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده

وسنت شده [illegible] را تلقین کنند خصوصاً [illegible] و بهتر
آنست که [illegible]
و تلقین کنند [illegible] اگر [illegible] بگوید جا معتبر است اسمع افهم اسمع

افهم اسمع افهم يا فلان ابن فلان (نام او و پدرش را بگوید) هل انت على
العهد الذي فارقتنا عليه من شهادة ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له وان محمداً صلى الله عليه وآله عبده
ورسوله وسيد النبيين وخاتم المرسلين وان علياً
امير المؤمنين وسيد الوصيين وامام افترض الله طاعته
على العالمين وان الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن
علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والقائم
المنتظر المهدي صلوات الله عليهم ائمة المؤمنين و
حجج الله على الخلق اجمعين وائمتك ائمة هدى ابرار يا
فلان بن فلان اذا اتاك الملكان المقربان رسولين من
عند الله تبارك وتعالى وسألاك عن ربك وعن
نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن قبلتك وعن

آمنك فلا تخف ولا تحزن وقل في جوابهما الله جل جلاله ربي

ومحمد صلى الله عليه وآله نبيي والاسلام ديني والقرآن

كتابي والكعبة قبلتي وامير المؤمنين علي بن ابي طالب

امامي والحسن بن علي المجتبى امامي والحسين بن علي الشهيد

بكربلاء امامي وعلي زين العابدين امامي ومحمد باقر علم

النبيين امامي وجعفر الصادق امامي وموسى الكاظم

امامي وعلي الرضا امامي ومحمد الجواد امامي وعلي الهادي

امامي والحسن العسكري امامي والحجة المنتظر امامي هؤلاء

صلوات الله عليهم اجمعين ائمتي وسادتي وقادتي و

شفعائي بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرأ في الدنيا والآخرة

ثم اعلم يا فلان بن فلان ان الله تبارك وتعالى نعم الرب

وان محمدا صلى الله عليه وآله نعم الرسول وان امير

المؤمنين علي بن ابي طالب واولاده الائمة الاحد عشر

نعم الائمة وان ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق و

ان الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والنشور

حق والصراط حق والميزان حق وتطاير الكتب حق والجنة

حق والنار حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث

من في القبور ثم يقول افهمت يا فلان ثبتك

الله بالقول الثابت وهداك الله الى صراط مستقيم عرّف

الله بينك وبين اوليائك في مستقر من رحمته

اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك

ولقّه منك برهانا اللهم عفوك عفوك

اللهم

صل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسكن اليه

من رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك فانما

رحمتك للظالمين رحمة تستغني بها عن رحمة من

احکام میت

سوالک واحشره مع من کان یتولاه و مکروه است فرش قبر بچوب و تخته کردن و میت
را با تابوت گذاشتن مگر آنکه زمین آب برآرد و یا قبر بسیار نم داشته باشد و
چون از پیش پای قبر بیرون آید بگوید انا لله و انا الیه راجعون والحمد لله رب
العالمین اللهم ارفع درجته فی اعلی علیین واخلف علی عقبه فی الغابرین
وعندک نحتسبه یا رب العالمین پس سنت که حاضران بپشت کفها خاک
بر قبر بریزند و اگر به پشت دست کفها پر کنند و بریزند نیز خوبست و سنت که سه مرتبه
بریزند و در وقت ریختن بگویند اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک هذا ما وعدنا
الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما و در حدیث است که هر
که چنین کند و اینها را بخواند خدا بهر ذره از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروه
است که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت قلب و دوری از رحمت
الهی میشود و سنت است که از طرف سر قبر بریزند که بار است بهشت و سنت است که
قبر را بعد از چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی هم آورده
گفته اند و ظاهر هر دو خوب باشد و سنت که بیشتر نباشد و سنت
که قبر را هموار کنند و در میان قبر کند و بیشتر نکنند چنانچه که سنیان
میکنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند و بهتر است که از سر قبر ابتدا
ابتدا کنند و سنت است که آب ریزنده رو بقبله باشد و ابتدا از پیش
سر کند و بر یکجانب قبر بریزد تا پیش پا و بگرداند بجانب دیگر و بریزد تا پیش سر و
و بعد از آن میان قبر بریزد و سنت است که آب را قطع نکند بلکه متصل بریزد تا تمام
شود و مستحب است که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند بنحوی که انگشتان
گشاده باشد و فرو کنند تا اثر انگشتان ایشان بر گل بماند و رو بقبله باشند
و از بعضی روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا را به
خوانند اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد الیک روحه ولقه منک
رضوانا واسکن قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه
سوره انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در بعضی دعاها که گذشت ضمیر
مونث بیاورند و سنت است که ولی میت یا اقرب خویشان بعد از آنکه
مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز بلند آن تلقین که گذشت بار

دیگر

احکام میت

دیگر بخواند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این
تلقین را بکنند منکر و نکیر میگویند بیا تا برویم تلقین حجت او کردند احتیاج بسؤال نیست
پس بر میگردند و سؤال نمیکنند و مکروه است عمارت بر سر قبر کردن و سر قبر
بنا رفاندن و گچ مالیدن بر قبور مگر قبور انبیا و ائمه و بعضی گفته اند که
قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن
و در خبر است که خدا دوست دارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را
و مکروه است بنا بر اخبار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا
مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه و بعضی استثنا کرده
نقل بمقبرهٔ علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروه است روی قبر نشستن و راه رفتن
مگر بواسطه زیارت یا عبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبر
مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب حقی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین
غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند و دیگر آنکه او را بی غسل
و کفن دفن کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست
نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات
ائمه را و مشهور آنست که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن بر غیر پدر
و برادر و پدر و برادر ایشان جایز است بلکه از بعضی از اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد
خصوصا بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جایز نیست خراشیدن
رو و بریدن و کندن مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و قبر آن نزنند
و بعضی از علما موافق روایتی قائل شده اند که زنی که موی سر خود را در مصیبتی
ببرد واجب است کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد انشاء الله و بعضی
گفته اند گناه دارد و کفاره بر او نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط دادن
کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند بر بریدن در وجوب کفاره و هم
چنین اکثر علما قائل شده اند که واجب است کفاره قسم بر زنی که موی سر را بکند
در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون بیاید و مردی که در مرگ فرزند یا
زن خود جامه چاک کند و کفاره یمین انشاء الله مذکور خواهد شد و بعضی واجب
نمیدانند و احوط عمل بمشهور است و لازم است صاحب مصیبت را که صبر کند

بقضای الهی وراضی باشند بدانند که خدا صابرانرا اجر بحساب کرامت فرماید و میباید که صاحب
مصیبت بگوید اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ تا گناهان گذشته او امرزیده شود و هرگاه
آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهانش امرزیده شود و کلمه امرزیده شود و بسند
معتبر منقولست که هر که مصیبت بخاطرش اورد اگرچه بعد از مدتی باشد و بگوید اِنّا لِلّهِ
وَاِنّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِی عَلی مُصِیبَتِی وَاخْلُفْ عَلَیَّ
اَفْضَلَ مِنْها ثواب مصیبت باید دیگر باو زاده شود و سنتست که دیگران تعزیت ایشان
بکنند و ایشانرا بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه بعد از
دفن بیشتر است و اقل تعزیت آنست که برویند تا صاحب عزا ایشانرا ببیند منقولست از حضرت
رسول که هر که صبر نماید و هلاک را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را حله از
از حلهای بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید خدا
او را ثواب صاحب مصیبت کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود فرمود که ثواب
تعزیت صبر فرمودن بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت تغییر وضع خود کند تا او را
بشناسند و جایز است قبرها را و ندبه کردن که نیکیهای میت بشمارند و نوحه کردن بنیکی
جایز است که دروغ نگویند و چیزهای بد از برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که
نوحه کرنیاورند و مستحب است که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان برای صاحبان
مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زنان که چهار ماه و ده
روز برای شوهر ماتم میگیرند با آنکه جامهای رنگین نپوشند و زینت نمیکنند و
زیارت کردن قبر مؤمنان خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان شود
بگوید اَلسَّلامُ عَلی اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْشاءَ
اللّهُ بِکُمْ لاحِقُونَ و بروایت دیگر اَلسَّلامُ عَلی اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ
رَحِمَ اللّهُ الْمُسْتَقْدِمِینَ مِنّا وَالْمُسْتَأْخِرِینَ وَاِنّا اِنْشاءَ اللّهُ بِکُمْ لاحِقُونَ و به
روایت دیگر اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الدِّیارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَ
بَرَکاتُهُ اَنْتُمْ لَنا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَکُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللّهُ الْمُسْتَقْدِمِینَ مِنْکُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِینَ
وَاِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد
قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن
گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنتست که در وقت

خواندن سنت قبر گذارد و رو بقبله باشد و سنتست که این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ
جافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصاعِدْ اِلَیْکَ اَرْواحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْکَ رِضْواناً وَ
اَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُونِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّکَ عَلی
کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و بروایت معتبر دیگر این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ
وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْکِنْ اِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ ما یَسْتَغْنِی بِها عَنْ
رَحْمَةِ مَنْ سِواکَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ کانَ یَتَوَلّاهُ و بروایت دیگر مستحبست که نزد قبر
سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
هر یک را سه مرتبه و انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول منقولست که هر
که در قبرستان مؤمنان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و
ثوابش را بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر
هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند خدا بعدد هر حرفی ملکی
خلق کند که تسبیح کنند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه
زیارت قبور مستحب است و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که را مصیبتی
وارد شود مصیبت حضرت رسالت را بیاد آورد که صعب ترین مصیبتها است
و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند
ثوابش حبط میشود و نباید شیون و فریاد کنند و واویلا و وامصیبتا و امثال آن بگویند
و در حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او بمیرد و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه
هفت فرزند از او بماند که همه سوار شوند در راه خدا جهاد کنند و منقولست که هر گاه
دوست دارد بهتر فرزندان او را میگیرد و منقولست که ثواب مؤمن از مردن فرزند بهشت
است خواه صبر بکند و خواه نکند بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در وقت مصیبت
ابتدا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی دِینِی وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی لَوْ شاءَ
جَعَلَ مُصِیبَتِی اَعْظَمَ مِمّا کانَتْ وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلَی الْاَمْرِ الَّذِی شاءَ اَنْ یَکُونَ فَکانَ و
باید که مردگانرا فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب
فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امید وارند و احسان ایشانرا چشم براهند
خصوصا دعا در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه و پدر و مادر
را زیاده از دیگران دعا باید کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد و در خبر است که در دعا

حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد بعد از فوت ایشان نکوکار گردد بسبب عمل خیری که برای ایشان بعمل آورد و عمدهٔ خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست که قرض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند که باستیجار یا بتبرع بجا آورد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق ع در هر شب از برای فرزند خود و هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند در رکعت اولی انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطیناک میخواندند و از حضرت صادق ع منقولست که بسا باشد که میت در تنگی و شدت بوده باشد حق تعالی او را وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو گویند که این فرج که تو را روی داد بسبب نماز پسر که فلانی برادر مؤمن از برای تو بجا آورد و راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوان کرد فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود و فرج می‌یابد بدعا و استغفاری که از برای او بکنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او میبرند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسیکه کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان که از برای میتی که عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف گرداند و میت بآن عمل منتفع میگردد روایت وارد شده است که هرگاه شخصی بمیت مؤمنی تصدق بکند حق تعالی جبرئیل را امر میفرماید که با هفتاد هزار ملک بقبر او بروند و هر یک طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلام علیک ای دوست خدا این هدیهٔ فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت فرماید و هزار حوری باو تزویج میفرماید و هزار حله باو میپوشاند و هزار حاجت او را بر میآورد و در حدیث منقولست که معتبر که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات او اول فرزندی که از برای او استغفار کند دوم مصحفی یا کتاب علمی که از او بماند و مردم بعد از او بخوانند سیم درختی که بکارند و مردم از او منتفع شود چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که مخلوق از او نفع برند ششم سنتی است که مردم بآن عمل نمایند از ارشاد خلق و هدایت ایشان یا تصنیف کتاب و مانند آن

باب چهاردهم

در مجملی از احکام زکوة و خمس و اعتکاف است و در آن سه فصل است

فصل اول

در زکوة است بدانکه آیات و احادیث در وجوب و عقاب ترک کننده بسیار است و از جمله حق

تعالی میفرماید وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنْفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ یَوْمَ یُحْمَى عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا کَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا مَا کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ یعنی آنکسانی که جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند و در راه خدا صرف نمیکنند پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناک در آن روزی که سرخ کنند طلا و نقره را در آتش جهنم و داغ کنند بآن پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان را پس با ایشان گویند این است آنها که برای خود جمع کرده بودید الان بچشید عذاب آنها را و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ندهد قیراطی از زکوة را که بیست یک دینار است او نه مؤمن است و نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّی أَعْمَلُ صَالِحًا فِیمَا تَرَکْتُ یعنی تا وقتی که بیاید یکی از ایشان را مرگ گوید پروردگارا برگردان مرا بدنیا شاید عمل شایسته بکنم در اموالی که بعد از خود گذاشته‌ام و از حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین بطریق صحیح منقولست که کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة او را ندهد حق تعالی او را در روز قیامت محشور خواهد کرد در زمین لغزنده که پا بند نشود و مسلط سازد بر آن ماری را که زهرش از مارهای دیگر عظیم‌تر است از عقب او رود و او از وی بگریزد تا چون باو رسد و داند که از وی خلاصی نیابد سر خود را بدهان او دهد پس بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که چیزی بدندان فرو برد پس طوق گردد در گردن او و اینست معنی قول حق تعالی سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ یعنی بزودی طوق کنند در گردن ایشان آنچه را که بخل ورزیدند در دنیا بآن و در راه خدا ندادند در روز قیامت و هر کس که شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة آنرا ندهد خدا حبس کند او را در صحرائی لغزنده و پامال کند او را هر حیوان شکافته سمی بسم خود و گزند او را بدندان و نیش هر صاحب نیشی بنیش خود و هر که زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را نداده باشد آن قطعهای زمین را تا طبقهٔ هفتم طوق کنند در گردن او و اندازند و آن همه آتش شود تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد حق تعالی مال او را اژدهائی گرداند در گردن او که تا دماغش را بجوید و گوشش را بدندان گزد تا از حساب خلایق فارغ گردد

حدیث یکی حضرت رسالت فرمود که هیچ مالی بصحرا و دریا تلف نمیشود مگر بنداردن زکوة و
حق تعالی میفرماید مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ
سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی مثل جماعتی
که صرف مینمایند مالهای خود را از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند دانه ایست
که برویید از ان هفت خوشه و در خوشه صد دانه که مجموع هفتصد دانه میشود برابر و
خدا تعالی مضاعف کرداند باضعاف این از برای هرکه میخواهد و ایات و اخبار در این
باب بسیار است و آنچه مذکور شد از برای کسیکه ایمان بخدا و رسول داشته باشد
کافیست اما اجناسیکه در آنها زکوة واجب شود نه جنس است طلا هرگاه
مقدار بیست مثقال شرعی باشد و سکه داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکنند و
تغییر ندهند مقدار چهل یک از او زکوة میباید داد و بعد از ان هر چهار مثقال شرعی
که زیاد میشود بعد از سال چهل یک میباید داد دوم نقره است هرگاه بدویست
درهم برسد که تخمینا دوازده هزار و ششصد دینار عجمی بوده باشد و هفده
زرده دانکی و سکه داشته باشد و بحال خود بماند بعد از سال چهل یک میباید داد
و همچنین هر چند چهل درهم زیاد شود که دو هزار و پانصد بیست دینار باشد
چهل یک میباید داد سیم شتر است و نصاب آن دوازده است اول پنج شتر است
در آن یک گوسفند است دوم ده شتر است در آن دو گوسفند میباید داد سیم پانزده
شتر است در ان سه گوسفند است چهارم بیست شتر است در ان چهار گوسفند است
پنجم بیست و پنج شتر است در ان پنج گوسفند است گوسفندی که دهند بهتر آنست
که هفت ماهه یا در هشت باشد و کمتر ندهند اگر گوسفند بدهند و اگر بز
باشد یکساله یا در دو باشد ششم بیست و شش شتر است باید که شتر ماده یک
ساله یا در دو بدهند و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهد
هفتم سی و شش شتر است در ان باید که یک شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد
هشتم چهل و شش شتر است باید شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهد نهم شصت و یک است در ان
شتر ماده چهار ساله یا در پنج باید داد دهم هفتاد و شش شتر است باید دو شتر ماده دو
ساله یا در سه بدهد یازدهم نود و یک است در آن دو شتر ماده سه ساله یا در چهار
بدهند دوازدهم صد و بیست و یک . هر چه زیاد شود در هر پنجاه شتر یک شتر ماده

ساله یا در چهار میدهند در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله یا باید داد چهارم گاو و
یا در سه و در هر سی گاو و یک گوساله ماده یا نر یکساله یا باید بدهند در هر چهل گاو یک گاو
ماده دو ساله یا در سه دهند پنجم گوسفند است در چهل گوسفند یک گوسفند واجب
است و در صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند
واجب است در سیصد و یک گوسفند احوط آنستکه چهار گوسفند بدهند چون بچهار صد
برسد هر چه زیاد شود از هر صد گوسفند یک گوسفند بدهند در زکوة هر یک از شتر
و گاو و گوسفند شرط است که در علف مباح چریده باشد در تمام سال پس اگر علف مملوک
خورده باشد زکوة واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشد و بعضی را علف مملوک
خورده باشد احوط آنستکه اگر چریدنش بیشتر باشد باید زکوة دهند و بچها تا شیر میخورند
حساب نباید کرد بنا بر مشهور و احتیاط در آنستکه از روزی که متولد میشوند حساب
کنند در طلا و نقره و جوانات همه شرط است که سال بر ایشان بگذرد و سال الزکوة
یازده ماه است و چون ماه دوازدهم داخل شود زکوة واجب میشود و در گاو و شتر شرط است
که کارکن نباشند پس اگر کار کنند یا بار کشند یا خویش کنند واجب نیست و گوسفند
بز را بر سر هم حساب کنند و گاو و گاومیش را بر سر هم حساب میکنند شتر ماده و نر و لوک
را بر سر هم حساب کنند ششم و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو و خرما و مویز است و شرط
است که هر یک بنصاب برسد و نصاب سیصد و هفت من و پنجاه درم است
و انگور هرگاه هفتصد و بیست و یکمن باشد احوط آنستکه زکوة بدهند و احوط آنست
که انتقالات در غلات و بحد نصاب رسیده باشد پس اگر گندم و جو را بعد از درو
بخرد زکوة بر فروشنده واجب است اگر زمین را باجاره گرفته باشند واجب است
یا مزارعه گرفته باشد بنصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار رشد از زکوة حصه مالک بر مالک واجب
و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهایی بحد نصاب رسیده باشد پس اگر
زراعت یا باغ آب باران یا آب روان یا ابقنات یا آب رشته خورده باشد یک
میدهند و اگر اندنیا گاو یا شتر آب خورده باشد یا چرخ از ... بیشتر اعتبار
دارد و اگر هر دو مساوی باشند یا نزده یک میدهند و احوط و اقوی آنستکه
غیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت بدر نکنند و بدهند زکوة و جون اکثر
علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدنست پس احوط آنستکه اول انگور

خبرهٔ را بیاورند که تخمین کنند میوهٔ باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازد
که بآن نسبت زکوة خواهم داد نه آنچه بخورد از انگور و غوره حلال بوده باشد با آنچه
بر باد بکشد و خیانتکار هم داند با آنچه بر زارع عشر غوره را بدهد و هم چنین گندم
و جو و خرما که زانو بیند بعضی از علما گفته اند که زکوة واجب است در حبوب مانند برنج
و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هر گاه بنصاب جو و گندم برسند بهمان شرایط و
مقدار که گذشت و مشهور آنست که زکوة اینها سنت است و در مادیان که در علف مباح
چرا کنند و سال بر او بگذرد زکوة بر او سنت است پس اگر هر دو ماده در شهر یکی باشند
سالی دو اشرفی چهار دانگ و نیم باشد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادر شهری
نباشند یک اشرفی میدهند در زکوة تجارت جمعی بوجوب قائل شده اند و مشهور آنست
که سنت است و مال التجاره آنست که مال کشود او را بعنوان معاوضه در وقت مالک شدن قصد
اکتساب و تجارت داشته باشد و باید که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد
و در تمام سال بر نصاب باقی بماند و در تمام سال نقصان کم نشود یا بیشتر بخرند
اگر چند سال بگذرد که نقصان نکشی باشد سنت است که زکوة یک سال را بدهند اگر نقصان یا
باشد در سال پیش کرا میدهند و اگر معاوضه کند در اثنای سال بقصد تجارت خلاف است و احوط
آنست که باز بدهد و سنت است که در وقت درو کردن اگر فقرا حاضر باشند هر فقیر یک دسته
کند بدهند و در وقت دستچین کردن خرما و انگور یک مشت بدهد و به
زکوة حساب نکنند و بعضی واجب دانسته اند احوط آنست که ترک نکنند **امّا مستحقین**
زکوة پس هشت طایفه اند اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سال
خود و عیال خود نداشته باشند و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال
خود را بان توانند کرد و اینها احوط آنست که صالح باشند و گدا و سائل بکف نباشند سیم
کسانیکه نصب کند او را امام از برای گرفتن زکوة و حصه بان میدهند در این زمان نیستند
غالبا و همچنین چهارم که مؤلّفة قلوبهم اند و در این زمان نمی باشند غالبا پنجم صرف
کردن در آزادی بندگان مثل آن که آقا غلام خود را مکاتبه کرده است که مالی
بدهد آزاد باشد و او عاجز باشد از دادن اگر برای از زکوة واجب باشد باید که
از زکوة آن مال کتابت حساب بکنند و الا دیگران از زکوة حصه با و بدهند که با قابد
و آزاد شود یا غلامی از دست قادر در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرد و آزاد کند

ششم قرض داران که قرض کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند و ادای قرض
ایشان میتوان داد هفتم فی سبیل الله یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله
و بنای خانها و زیارت ائمه معصومین و بنای مساجد و پلها و مانند اینها و بعضی
بر آنند که مخصوص جهاد است و هر گاه جهاد حق باشد این احوط است هشتم ابن السبیل
و آن کسیست که بغربت مانده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد بقدر آن
باو میدهند که بخانه خود برسد و باید که سفر او سفر معصیت نبوده باشد و باید
که کسیکه زکوة باو میدهند غیر مؤلفة قلوبهم شیعه اثنا عشری باشند احوط آنستکه
اجتناب از گناه کبیره کنند خصوصا شرابخوار نباشند بلکه شرط است و واجب النفقه مالک
نبوده باشند مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند بالا روند و فرزندان و فرزند
زادگان هر چند پایین روند و بنده و بهتر آنستکه زکوة را بخویشان پریشان بدهند
غیر اینها که مذکور شد اگر شرایط را داشته باشند و غیر سید زکوة بسید نمی
توانند داد و اما سید زکوة خود را بسید و غیر سید میتواند داد و غیر سید احوط آنست
آنستکه بشریعت همند هند و بهتر آنستکه زکوة را بمجتهد عالم که مصارف را داند
بدهند که او بمصرف برساند **فصل دوم** در خمس است بدانکه خمس در هفت چیز
واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگگاه باشد خواه
در بیرون دوم معادن است مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد
و سرمه و عنبر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن بدر رود پنج
یک آنرا باید داد و مشهور آنستکه نصاب ندارد و بعضی گفته اند نصاب بیک دینار
است چون بیک دینار برسد خمس واجب میشود و بعضی گفته اند بیست دینار است
یعنی بیست اشرفی که نصاب طلا است و اکثر متاخرین باین قائل شده اند و خلاف
از قوت نیست و اگر چند کس شریک باشند باید حصه هر یک جدا جدا بنصاب برسد
سیم گنج یعنی مالیکه در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار
بیابند که در آنجا مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام نداشته باشد و یا بیابند
بعضی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس آنرا میدهند و باقی از او است و اگر
نقره باشد و بیست درهم برسد که موافق نه دانگی دوازده هزار و ششصد
دینار است و اگر غیر طلا و نقره بوده باشد قیمت آن بیکی از اینها و مقدار برسد

اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از مسلمان بوده است
مشهور میان علما آنستکه حکم لقطه دارد و میباید که یکسال تعریف کند اگر صاحبش
پیدا شود بصاحبش بدهد والا مخیر است میان مالک شدن و با ضمان تصدق کردن
و با امانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد
عوض بدهد و ظاهر اخبار آنستکه اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در
زیر زمین یافته است گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی
باین قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران
او باو رسیده باشد از او است و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر زمین را خریده
باشد تعریف میکند ببایع نزدیک و دور و اگر نشانی بدهند که ظن صدق ایشان
حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از او است و باز احوط آنستکه خمس
از آن بدهد و هم چنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم آن چیزی بیابد تعریف
میکند ببایع اگر نشان ندهد از او است و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی
بیابد خمس میدهد احتیاطا و بعضی از او است و بان ملحق کرده اند حیوانات شکاری
را مانند آهو و اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنستکه
باو تعریف کند چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و
مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنستکه نصابش یک دینار است یعنی یک
اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه دراورند و هر دفعه در نصاب با
حساب میکنند هر چند در میان دو ماه غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر
چند کس شریک باشند حصه هر یک میباید بنصاب برسد و اگر عنبر را بغوص
از دریا بیرون آورند حکم غوص دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند
مشهور آنستکه حکم معدن دارد و احوط آنستکه بهر حال خمس از آن بدهند و
رعایت نصاب در آن نکنند پنجم فاضل مؤنه سال است از ارباح تجارتها
و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنستکه در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد
و خرج سال ایشان را که بیرون میکنند قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده
اند پس اگر اسراف کرده باشد خمس آنچه را اسراف کرده است بیرون نمیکنند و اگر
بر خود تنگ گرفته است آن را هم بیرون نمیکنند علی المشهور و احوط آنستکه از هر چه

زیاد آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنستکه هر چه حاصل شود و خرج بکند
زیادتی را روز بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضروری واقع شود مثل
خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارات رسول و ائمه و امثال اینها همه را بعد از وسط
بیرون کنند و هم چنین هدیهها و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکنند و خمس
بقیه را میدهند و ابو الصلاح قائل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس
است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی
از جائی که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید
داد و عمل باین روایت احوط است ششم زمینی است که یهودیان و نصرانیان و مجوسیان از
مسلمانان بخرند خمس زمین یا خمس قیمت آن را باید از ایشان بگیرند اگر نهاده باشد بایع زراعت مشهور
میان علما آنستکه خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر فقهای علما متعرض این نوع خمس نشده
اند هفتم مال حلالی است که مخلوط شده باشد بحرام و صاحبش را ندانند و مقدار حرام را ندانند
خمس آن را میدهند بفقرای سادات و فقرای ایشان و بعضی از مخصوص سادات نمیدانند و
بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر آنست که بهر دو میتوان داد و اگر بیشتر بدهند بهتر
است و اگر مقدار حرام را دانند و صاحبش را ندانند آن مقدار را از جهت صاحبش بفقیر بدهند
و اگر صاحب را دانند و مقدار را ندانند با صاحب باید صلح کنند احتیاطا و بعضی گفته اند
در این صورت خمس را بصاحب میدهند بعضی گفته اند که آن مقداری که علم دارند بصاحب میدهند
بقیه را با صاحب صلح میکنند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را دانند و صاحب را ندانند
سعی میکنند تا صاحبش را بهم رسانند و اگر بهم نرسانند از جانب او تصدق میکنند و این صورت داخل
اولی است در مظالم و اگر خمس را بدهند یا تصدق کنند کل را یا بعض را بعد از آن صاحبش
پیدا شود خلاف است که آیا باید بصاحب بدهند یا نه و احوط آنستکه بدهند و
اما مستحق خمس مشهور میان علما آنستکه شش حصه شود چنانچه ظاهر آیه کریمه است و
حصه خدا و رسول و ذی القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول ص از امام زمان
است و نصف دیگر سه حصه شود که بیتیمان سادات و مسکینان سادات و ابنا السبیل سادات
میدهند مراد از سید موافق مشهور کسیست که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب
و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوه گذشت و در یتیم احوط آنستکه پریشان باشد و
ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود برود و از اخبار معتبر ظاهر میشود که در

زمان حضور امام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبرده اند حضرت نصف خمس را بر میداشتند و نصف را بایتام و فقرا سادات میداده اند که مذکور شد بهر یک بقدر کفایت ایشان در یک سال عیالات اند و آنچه زیاده میامده خود بر میداشته اند و اگر وفا نمیکرده از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان بمنزله عیال امام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنستکه حصه سادات را بعالم عادل اثنا عشری بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرتست در زمان غیبت خلافست مشهور آنستکه بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهد اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیابد و الا از برای آنحضرت ضبط کند و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند و خمس دهندگان کم اند و بعضی گفته اند که در زمان غیبت امام ائمه این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر روایتی صریح نرسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بوده نایبان آنحضرت یعنی عثمان و پسر او محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بفقرا و بآنحضرت میرسانیدند و ظاهر آنستکه در این زمان نیز نایب عام که علمای ربانی و محدثان و عاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بسادات که عیال آنحضرتند برسانند و الا باید سادات که اشرف خلق‌اند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس ذلیل‌تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس را بعوض آن بایشان داده اند و بسبب اختلافی که در میان علما بهم رسیده است و بعضی از علمای عصر اغنیا را جرات داده اند بر منع خمس باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند و حقوق ایشان و اجداد ایشان بر ذمه اغنیا میماند و بر تقدیری که امام بر ایشان حرام کرده باشد در زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع میشد حلال کرده باشند ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطراب ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز توقع شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال العرصم

در روز قیامت و قتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم حضرت صادق فرمود که من بکدرهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناهان و ادای حقوق ما و حضرت رسول فرمود که هرکه احسان با علی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم در روز قیامت و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال خود خواهد حصه امام را بسادات دهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه دستش بعالم محدث عادل نرسد بکار فقیه همه خمس انچه کرد اند **فصل هم** در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف و اعتکاف مکث است در مسجد جامع بجهت عبادت و آن سنت مؤکد است بمقتضای احادیث اخبار اهلبیت خصوص در دهه آخر ماه رمضان چنانچه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه ماه رمضان اعتکاف میکردند مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف نشستند ده روز قضای سال گذشته و ده روز ادا و از آنحضرت منقولست که اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بر پدر واجب شده باشد و نکرده باشد احوط آنستکه پسر بر او قضا کند و بعضی گفته اند که بعد از نیت و شروع کردن واجب میشود و بعضی گفته اند که روز سیم واجب میشود و همچنین ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هرچه بالا رود و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا از سنتیات بیرون نیاید و این قول اقوی است و احوط آنستکه او را شبهای مذکور بخدمت بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند با پروردگار خود که اگر مانعی او را پیدا شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنستکه جایز است شرط رجوع باختیار تعیید بعارض و مانع و بعضی در این مضایقه کرده اند و ظاهر اشتراط عارض و مانع اعم از عذر ضرورت است و محل این شرط و اعتکاف سنت نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل این در اعتکاف واجب بنذر وقت صیغه نذر است و خالی از اشکالی نیست و فایده شرط آنستکه نزد عارض مطلقا اگر خواسته باشد رجوع تواند کرد اگر چه در روز سیم باشد و بعضی گفته اند که اگر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب نیست اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف نمیباشد و بعضی بجای بصره مسجد مداین گفته اند

وبعضی هر دو را گفته اند و بنا بر قول اول بنا یا بنا است و مسجد مدائن در این زمانها گویا معلوم
نیست و مسجد بصره در این وقت بنا بر آن واقع است اعتکاف در آن مشکل است و گفته اند
که مراد بمسجد مدینه و مکه آنست که در زمان حضرت رسول صلی الله علیه وآله مسجد بود نه آنچه که بعد الحاق
کرده اند و بنا بر این در مسجد جامع اعتکاف میتوان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگ هر
شهر و بلد که در آنجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نبوده باشد و اکثر اهل آن شهر
آنجا از برای اقامه جمعه یا جماعت حاضر شوند گو که متعدد باشد مثل مسجد جامع عتیق
و مسجد قدیم در اصفهان و سایر آنها مثل مسجد قانون و مسجد عباس آباد محل تامل است و احوط
آنستکه اگر در مکه و مدینه و کوفه باشد در غیر این مساجد مخصوصه واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط
آنستکه در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند و اگر مسجد بزرگتر باشد احوط
است و غایت احتیاط آنستکه قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر مطلوب شارع
باشد بعنوان اعتکاف و الا در مسجد عبادت میکنم از برای رضای خدا قربة الی
الله و شرط است در اعتکاف سه روز یا بیشتر و مشهور آنستکه دو شب داخل است
و بعضی گفته اند که شب اول نیز داخل است و احوط آنستکه نزدیک غروب آفتاب نیت
اعتکاف بکند تا شام روز سیم اگر تا صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاط است
و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب خواه سنت و در روزه
نابد برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند شوهر
زن را و مالک بنده را و احوط آنستکه فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت
نکند و مهمان بی رخصت میزبان را و بر عکس واقع نسازند و نیت در اعتکاف شرط است و
... بشرطی است و واجبست که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند
بدون ضرورتی مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن
در جنازه مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن
و غسل جنابت کردن اگر محتلم شده باشد و در غسل جنابت بنا بر قول باستحباب اند و سایر
اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنستکه نمیتوان کرد و هم چنین
جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد
که برای او تحصیل نماید و هم چنین جایز است بیرون رفتن از برای گواهی دادن و گواه
شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود بجائی ننشیند

تا برگردد بمسجد و بهتر آنستکه در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیک
برود پی مطلب بی سبب تعطل آنرا بگذارد اگر ممکن باشد و بتوقف زیاده از ضرورت واقع
نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف است نکند
مگر در مکه معظمه که در هر جا میتوان کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتوان کرد و اگر
سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمان درازی بکشد که او را
معتکف نگویند و هم چنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنستکه جزو بدن را از مسجد
بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن به بام مسجد و ظاهر اگر داخل مسجد باشد ضرر
ندارد و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و هم چنین حرام است
بوسیدن بشهوت و دست مالیدن او را بشهوت و احوط اجتناب از نظر کردن با شهوت
نیز باشد و حرام است طلب تفوق کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه قصد تفوق داشته باشد که از او
... و احوط آنستکه بعضی ... حرام است بوی خوش و گل بوئیدن
... باشد علی المشهور ... جدال و نزاع با کسی نکند و احوط آنستکه مباحثه علمی نیز
نکند مگر برای اظهار حق و خرید و فروش نکند مگر برای ضرورت ...
آنستکه وکیل از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط آنستکه مطلقا ...
خود را واقع نسازد حتی عقد نکاح را و جمیع آنچه در اعتکاف حرام است در روزها و شبها
همه حرام است مگر خوردن و آشامیدن که در شب جایز است نه در روز و هر چه روزه را
باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل آورند ...
کرد و مفطرات غیر از جماع و استمناء را واقع میتوان ساختن و اولی اجتناب است ...
اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب
باشد در روز او ... اعتکاف سنت ... احوط کفاره است اگرچه جماع
در شب واقع شده باشد و احوط آنستکه هرچه روزه را باطل میکند اگر آنها را در روز واقع
سازد کفاره میدهد احتیاطا و کفاره آن بنده آزاد کردن است اگر نتوانند و الا دو ماه پی در پی
روزه گرفتن و الا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و
اول احوط است بلکه اظهر اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز
ماه رمضان واقع سازد دو کفاره میدهد یک مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند که اگر
در غیر ماه رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد این وجه است و بیع و شرا

و بنا بر تحقیق سبب بطلان اعتکاف میشود و کفاره بانها واجب شود و در بطلان با استمنا و کفاره به سبب آن خلاف است و احوط تمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره مبتنی بر احتیاط و احکام اعتکاف بسیار است باینقدر ضرور بود اکتفا کردیم خاتمه در بیان کفارات است بدانکه کفاره بر دو نوع است اول کفارات احرام حج و عمره و آنها را در رساله حج بیان کرده ام دوم کفارات است و آنها بسیار است بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را یکدیگر بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک ابدی و محصلان نجات عقوبت سرمدی بیان مینمایم اول کفاره افطار روزه ماه مبارک رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خورند و آشامیدن معتاد و متعارف باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلاف است و اشهر و اقوی وجوب و بجماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و بباقی ماندن تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت و نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن بکرتین یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و بطلب منی کردن با دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزن تا منی بیاید علی الاحوط و بمعی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و بحقنه کردن و شیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بخدا و رسوله و ائمه هدی بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در آب بنا بر قول بعضی هر گاه یکی از این امور را بعمل اولی عمدا و مسئله را داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلاف است و احوط کفاره است اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده ازاد کردن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادنست و بعضی بترتیب قائل شده اند یعنی اگر قدرت داشته باشد بنده ازاد کردن آن مقدم است و الا دو ماه روزه و اگر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب یا بلنتر و زنا و لواطه را بعضی از علما قائل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب شود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است و هر گاه در قضای روزه ماه مبارک بعد از زوال افطار کند مشهور آن است که کفاره واجب است و بعضی سنت دانند اشهر و اقوی آن

است که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مخیر میدانند و بعضی گفته اند بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره افطار ماه مبارک رمضان لازم میدانند سیم کفاره ظهار است که کسی با زن خود بگوید انت علی کظهر امی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در زن حائض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده باشد و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد که جماع کند باید که کفاره و اگر بدون آنکه کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب شود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده ازاد کردنست و اگر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه گرفتن و با عجز شصت مسکین را طعام کردن چهارم کفاره ایلاء است یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را نزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را یا طلاق بگوید یا وطی کند و اگر اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم است که بعد از این مذکور میشود انشاء الله پنجم کفاره مخالفت قسم است یا قسم بخورد با سماء مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید کفاره اش آنست که یک بنده ازاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پیاپی روزه بدارد ششم کفاره مخالفت نذر است یا آنکه نذر کند فعل امری را که راجح باشد یا ترک امری را که مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش بعضی گفته اند مانند کفاره قسم است و بعضی گفته اند مانند کفاره افطار ماه رمضان یک بنده ازاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر متعلق بروزه داشتن باشد کفاره اش کفاره افطار ماه رمضان است و اگر متعلق بغیر روزه داشتن باشد کفاره اش کفاره قسم است و این قول خالی از قوت نیست و احوط کفاره ماه رمضان است هفتم کفاره مخالفت عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا آنکه ترک کند امر غیر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت العهد نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر خلاف است و احوط آنست که در نذر مذکور شد هشتم قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسوله و ائمه علیهم السلام است و در حرام بودن چنین قسمی خلاف نیست بلکه در وجوب کفاره بچنین قسمی خلاف است و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده ازاد کردن و با عجز از آن دو ماه پی در پی روزه

راشتن وبا عجز از ان شصت مسکین را اطعام کردن واگر عاجز شود ده مسکین را طعام
باکوده دهد واگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند که کفارهٔ اش
کفارهٔ نذر است ابن بابویه گفته است که سه روز روزه بدارد وده مسکین را طعام
بدهد وبعضی گفته اند که گناه کرده است وکفاره ندارد ودر حدیث صحیح وارد شده است که صفار
بخدمت امام حسن عسکری ع عرض کرد که مردی سوگند یاد کرد ببیزاری از خدا ورسول
ومخالفت کرد توبه وکفارهٔ او چیست فرمود که ده مسکین را طعام دهد هر مسکینی را
یک مد وطلب آمرزش میکند وبعضی از علما باین مضمون قائل شده اند وخالی از قوتی نیست
وایضا خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت سوگند باید
کردن وباید که چنین سوگند یاد نکند واگر بکند بعضی سوگند عمل بقول اول بکند اگرچه ظاهر اند
که عمل بروایت بجز بیست هم بعضی از علما قائل شده اند که زنی که در مصیبتی موی سر خود را
ببرد کفارهٔ افطار ماه رمضان میدهد بنابر قول بعضی وهمچنین بر مخیر بقول بعضی
وبعضی گفته اند گناه دارد وکفاره ندارد ودر روایتی وارد شده است که کفاره ماه رمضان
لازم است واحوط عمل بروایت است وبعضی زاشیدن موی را نیز الحاق کرده اند ببریدن در وجوب
کفاره دهم هرگاه زنی در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی
جامهٔ خود را در مرگ فرزند یا زوجهٔ خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود بنابر قول
بعضی ودر روایتی باین مضمون وارد شده است واحوط است هرچند وجوب ثابت نیست
یازدهم مردی که با زن یا متعه یا کنیز خود در ایام حیض جماع کند در وقت بعضی کفاره
واجب دانسته اند وبعضی سنت ومشهور میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد یک
اشرفی تصدق میکند واگر در وسط حیض باشد نیم اشرفی ودر آخر حیض ثلث اشرفی واحوط
عدم ترک کفاره است دوازدهم کسیکه بخواب رود ونماز خفتن نکرده باشد تا
نصف شب بگذرد بعضی گفته اند واجب است که از برای فردا روزه بدارد واشهر استحباب
وبعضی حامد ونامه را نیز ملحق کرده اند ومشهور آنست که بر تقدیر وجوب اگر روزه
ندارد گناه کرده است وکفاره ندارد وبعضی لازم دانسته اند کفارهٔ افطار ماه رمضان
را واین قول ضعیف است واحوط آنست که بگیرد وقضا بکند سیزدهم کفارهٔ قتل
که عمدا کسی را بکشد یا کاری بکند که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد واو
کشته شود که قصد کشتن نداشته باشد کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند

ودو ماه متوالی روزه بدارد وشصت مسکین را طعام بدهد چهاردهم کفاره قتل خطا است
که کسی را بنادانی بکشد بآنکه قصد قتل نداشته باشد وکاری کند که غالبا کشنده باشد
واو کشته شود مانند آنکه طفلی را برای تادیب بزند واو بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد
وبشخصی بخورد وکشته شود یا در راه بکسی بخورد واو بیفتد وبمیرد واگر خود مباشر
قتل نبوده باشد وکاری کند که آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی بکند وکسی در آن
چاه بیفتد وبمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد وباعث قتل کسی شود مشهور آنست که کفاره
لازم نمیشود هرچند دیه لازم شود وکفاره بنده آزاد کردن است وبعد از عاجز شدن از آزاد
دو ماه متوالی روزه داشتن وبعد از عجز از آن شصت مسکین را طعام دادن پانزدهم اگر کسی
زن را در عدهٔ دیگری تزویج کند میباید که از آن زن مفارقت کند وبقول بعضی از علما پنج
صاع آرد تصدق کند واحوط آنست که اگر زن دیگری را عقد کند نیز این کفاره را بدهد
یا پنج درهم تصدق کند شانزدهم کسیکه مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته
اند موافق بعضی از روایات واجبست که آن مملوک را بکفارهٔ این عمل آزاد کند واین احوط است
واگر او را بعمد بکشد کفارهٔ جمع میدهد واگر بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد وواجبست
که قیمت غلام را تصدق کند بنابر مشهور هفدهم کسیکه روزهٔ ماه رمضان را افطار کند
بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر واقوی آنست که قضا ساقط میشود
وبرای هر روز یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف وبعضی گفته اند قضا میکند
وابن جنید ره گفته است که احتیاط آنست روزه میکند اگر در مابین دو رمضان از آن بر
طرف شود وقضا در بر روزه باشد بدون عذر تاخیر کند تا آنکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر و
اقوی آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند وهم برای هر روز یک مد یا دو مد میدهد وبعضی
کفاره را واجب ندانسته اند وبعضی گفته اند که کفاره در صورتی است که عزم بر قضا نداشته
باشد واگر عازم بر قضا باشد وبعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود
قضا باید کرد وکفاره نیست وقول اول قوی تر است هیجدهم نوادر کفارات است از حضرت
صادق ع منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضاء حوائج مؤمنان است وکفارهٔ غیبت آن
است که برای آن شخص که او را غیبت کرده است استغفار کند وکفارهٔ مجلس آنست که
چون از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وکفارهٔ خنده آنست که بگوید اللهم لا تمقتنی یعنی خداوندا

مراد شمس نماز بود و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر کسی که بد بگوید و بگوید لا اب لک
و لا ام لک یعنی تو را پدر مباد و تو را مادر مباد باید چیزی تصدق کند و کسی که بگوید یهودیم و
نصرانیم کفاره اش این است که بگوید لا اله الا الله و خلاف است در مثل این نوع از قسم چون بجان تو
یا بجان خودم یا بجوید بعضی حرام دانسته اند و اشهر کراهیت است و احوط ترک است و اما احکام کفارات
مذکوره پس در چند فصل بیان میشود اول هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفاره قتل میباید که آن
بنده مؤمن باشد و در باقی کفارات خلاف است و احوط رعایت ایمان است در کفارات قتل احوط آن
که بالغ باشد و در غیر آن صغیر و کبیر و بنده بالغ و نابالغ مجزی است باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمینگیر
نباشد و مولی او را نفروخته باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و
لال و کر و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزا است و احوط ترک است و غلام گریخته را مشهور آنست
که آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم رسد و بعضی شرط کرده اند که خبر از او برسد و بعضی شرط کرده اند
ظن حیات او باشد و هم در کفاره مرتبه اگر از بنده آزاد کردن عاجز شود بروزه منتقل می
شود و هر جا که روزه دو ماه باشد باید که متوالی بگیرد و متوالی یکماه و یک روز که متصل
بگیرد بعمل میآید باین معنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند تتابع باطل نمیشود و اکثر بر آنند که
جایز است بی عذر یا حرام است و اظهر اینست که اثم و احوط است اگر پیش از یکماه و
یک روز بی عذر افطار کند از سر بگیرد و اگر بسبب عذری باشد مانند حیض و نفاس و بیماری و
سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود در افطار
روزه بنا بر اقوی و هر جا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی
میگیرد علی الاقوی و هر جا که اطعام لازم شود مشهور آنست که هر یک را نفقه طعام دهد که سیر شوند و
بهتر آنست که از آنچه خورش با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند که میباید چاشت و
شام هر دو مسکین بخورانند که سیر شوند احوط اینست اگر چه اظهر آنست که یکی کافی است
نمود و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلاف است بعضی یک مد گفته اند و بعضی
دو مد احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و
در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصه اطفال را بولی شرعی ایشان باید داد
و اگر طعام بخورانند اطفال صغیر و کبیر را با هم میتوان ضم کرد و اگر طفل تنها باشد یکی را بجای دو حساب کند
و نمیتوان یک کفاره دو حصه به یک مسکین داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست
که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و بپیر و یتیم و پریشان بدهد که مسکین بر او صادق

باشد و مد چهار یک صاع است و صاع یک من تبریز است و چهار ده مثقال و ربع مثقال است بنا بر مشهور و بعضی در اخبار
است که در زمان صاع و مد است احوط آنست که بجای مد مثقال بدهد چهار ربع است که مشهور
داد و در پیراهن و کفن تمام جامه است و در بعضی پیراهن کافی کرده اند و بعضی دو جامه
لازم میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا بدهند یا قبا و بالاپوش و بهتر آنست که نو باشد
و جامه طفل را بهتر آنست که بر خصم بدهد ولی او بپوشانند پنجم هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و
شروع کند در روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او را مجزی است و بهتر آنست
که ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یکماه و یکروز روزه داشته باشد
و جمعی از اصحاب قائل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی واجب شود و عاجز باشد از گرفتن
آن هجده روز روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روز مدی از طعام میدهد و اگر نتواند
استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود
مگر ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد
و اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که آن کفاره را بعمل بیاورد
و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول
الذمه بحقوق الهی میمانند قدری از احکام آنها را در این رساله کثیر الفائده ایراد نمودم ملتمس از
برادران ایمانی آنست که هر که از این رساله منتفع گردد در حال حیات یا بعد از وفات این شکسته مستمند
دعا بدعای رحمت و مغفرت یاد نمایند و ختم نمود بفضل الله سبحانه و تاییده فی شهر الله المعظم
شهر رمضان از سنه سبع ماة و الف من الهجرة المقدسة النبویة علی مهاجرها الف الف تحیة و الثناء فی
محروسه اصفهان صینت عن طوارق الحدثان مع وفور الاشتغال و اختلال الاحوال و تنوع البال
و الحمد لله اولا و آخرا و الصلوة علی سید المرسلین محمد و آله الاطهرین الاقدسین و لعنة الله علی اعدائهم
اجمعین

فهرست خواص اسرار المعانی

چشم دفع درد	چشم کسنوری جهة	رعاف جهة دفع	زلزله جهة دفع	باران جهة	بدربت جهة کند	کار جهة درد
کلوو کرد جهة درد	کاو جهة ورم	دندان دفع کرم	لکنت زبان جهة	زبان جهة ورم	مسان درد	دهان سفید جهة
دهان جهة بجروه	روی جهة درد	جامعه وداع زنا	دیرتبه جهة دفع	بازوی جهة درد	بازوی جب دفع درد	مرض مسری دفع درد
دنبها دفع درد	سینه دفع درد	دنبا درد	شیر بستن زبان	سگ جهة دفع	شکم جهة درد	ناف جهة درد
دل جهة درد	کبد جهة درد	یسر جهة درد	قولنج جهة دفع	دخر جهة دفع	مثانه جهة دفع	عقدبو جهة
رحم جهة درد	ران جهة درد	النسا جهة عرق	زانو جهة درد	ساق جهة درد	درد پا جهة	[illegible] جهة عرقوب
انکشتان جهة درد	بت جهة دفع	ربع دفع تب	غب جهة تب	اطفال جهة مرض	اطفال جهة ترس	اطفال بیخوی
اطفال سرفه	ابله جهة دفع	اطفال جهة کریه	چشم جهة ابله	اطفال کلخوزک	طفل جهة حلیه	بثره دفع انو
حمل تشخص	جنین نشرو کر تشخص	اولاد طلب	جنین جهة سقوط	[illegible] علت زنا	فالج دفع	حیض بستن
بکر نوع د	[illegible]	زن جهة [illegible]	چشم زخم دفع سو	بکر نوع د	چشم جهة ضیا	کوش دفع کری
شنکور دفع	برا دفع نما	عقرب کزنده	مار [illegible]	[illegible]	عقرب [illegible]	کتاب دفع
پشه دفع	صبه دفع ازار	موش دفع	[illegible] دفع مو	قمل دفع	[illegible]	بکر نوع د

نوع دیکر

بقیه فهرست ادعیه وخواص اسرار المعانی

بکر نوع کر	سنور دفع [illegible] جهة	اعدا جهة ضرر	سل جهة دفع	دیوانه جهة [illegible]	[illegible] جهة [illegible]	کرک دفع ضرر
ثبت تعویذا	کوسفند دفع مرکی	شکار جهة [illegible]	کار [illegible]	آفات جهة دفع	[illegible] جهة ضرر	چیه جهة نور
کرمی جهة دفع	ابرش جهة ضرر	باران جهة ضرر	باب جهة ضرر	باران جهة قطع	باران جهة طلب	ندان دفع د
دزد نظر [illegible]	دزد جهة یافتن	غائب جهة خبر	متاع تعویذ	[illegible] جهة فروش	[illegible] جهة فروش	[illegible] جهة دفع
بیابان جهة خوف	خفا [illegible]	خوف جهة قطع	خوف جهة دفع	سحر جهة ابطال	سحر انفصال	زبان کشودن
[illegible] جهة فتح	اعدا دفع شر	[illegible] ایضا	[illegible] جهة [illegible]	[illegible] ایضا	[illegible] جهة دفع	کلف جهة دفع
[illegible] دفع [illegible]	بواسیر دفع خون	چهار [illegible] خواطر	آفات	[illegible] جهة بصر	زبان کشودن	[illegible] جهة خاموش
[illegible] دفع بدبوا	دلو دفع	پای دفع [illegible]	جزع دفع	خنلام دفع	احتلام جهة	[illegible] جهة
[illegible] دفع بیخوا	ضیق نفس جهة	[illegible] جهة [illegible]	[illegible] جهة	[illegible] جهة [illegible]	[illegible] جهة [illegible]	[illegible] جهة
[illegible] جهة	سند زبان	ازاله جهة	احصا جهة	ازدواج جهة [illegible]	[illegible] کسب	[illegible] امور عا
اولاد [illegible]	ازدواج [illegible]	[illegible]	فرش [illegible]	[illegible]	الدفن [illegible]	[illegible]
[illegible] دعا	[illegible] دعا	[illegible] دعا خواص	[illegible] جهة	[illegible]	بکر نوع د	[illegible]

بعون الله و هو حسن توفيقه

تمام شد
كتاب مستطاب زاد
المعاد من تصنيفات شيخنا
المجلسي عليه الرحمة في
شهر جمادى الثانية
سنة ١٣٢٧

در كارخانه استاد
آميرزا علي اصغر

